

کارنامه دهساله
سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی
در خدمت مردم

۱۳۳۶ - ۱۳۲۶



کارنامه دهساله سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی در خدمت بمرودم

۱۳۳۶ - ۱۳۳۶

کارنامه و همساله

خدمات اجتماعی

سازمان

در خدمت مردم

۱۳۳۶ - ۱۳۲۶

« در این مجموعه ، شرح کارها و مؤسسات سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی »
« از آغاز تأسیس تاکنون ، باتصاویر و آمار و نمودارها فراهم آمده است . »

بسمه تعالی

در بیست سال پیش ، بزمانی که سر زمین پهناور ایران ، از فیضان رحمت و مکرمت الهی و میامن درایت و کیاست شاهنشاهی اعلیحضرت فقید ، رضا شاه کبیر ، پس از یک دوران بی سروسامانی و شوریدگی و پریشانی ، آسایش و آرامشی یافته و آثار و معالم ترقی و تعالی در همه شئون ملک و ملت آشکار و هویدا شده بود و آفتاب اقبال ملتی کهنسال ، در افق فراخ آینده میدرخشید و انوار تابناک خود را بدور و نزدیک نثار میکرد ، بنا گهان ، آتش جهانسوز دومین جنگ بین الملل افروخته شد و سالی چند نگذشت که لهیب مهیب آن ، در گوشه و کنار پهنه عالم ، شعله کشید و سیاه و سپید و خشک و تر را ، بتنوره دود و دم خفقان آور خود ، فرو گرفت . چه بسیار بلاد و امصار معمور و آباد جهان یکسره ویران و خراب شد و برباد رفت و چه بسا نفوس زکیه و ذوات محترمه بشری مصدوم و مجروح گردید و یکباره بذاك هلاك افتاد . در پایان جنگ ، دیگر سرزمینی نبود که از دستبرد آفات و بلیات مستقیم و یا عواقب و نتایج غیر مستقیم آن مصون و محفوظ مانده باشد و ملتی و قومی وجود نداشت که از لطمات و صدمات آشوب و فتنه و شورش غوغا بر کنار مانده خطر امان یافته باشد .

کشور ایران که از آغاز نبرد ، جهد بلیغ و سعی وافق بکاربرد که در معرکه ، بیطرف بماند و بهیچیک از همآوردان و جنگ آوران میدان نبرد ، تعلق خاطر پیدا نکند و از جاده اعتدال و اعتزال و انصراف ، قدمی انحراف نجوید ، سرانجام ، بهمان زمان که مقدر و مقرر بود ، عرصه زور آزمائی و هنر نمائی حریفان بی باک واقع شد و خاك پاكش لگد کوب لشگریان بیگانه گردید و هوای طرب انگیزش بدود و دم خون گرم و آهن گداخته آمیخته و آلوده گشت .

یکباره رشته قوام و نظامی که در نتیجه سالیان دراز مجاهدت و مراقبت و ممارست شاهنشاه بزرگ ، در امور ملک و ملت ، استقرار یافته و چرخهای دستگاههای مختلف را بحرکت افکنده بود ، از هم گسسته شد و سلسله انتظام و انتساق کارهای عمرانی و آبادانی که چون حلقات محکم زنجیری پولادین ، از ساحل رود ارس تا کناره های خلیج فارس و از جلگه های حاصلخیز

خراسان و سیستان تا دامنه های بلند جبال لرستان و کردستان ، کشیده شده بود درهم شکست . مردم ، پریشان و بیسروسامان شدند . بازار کسب و کار از رونق و رواج افتاد . ساختمانهای فرهنگی و صنعتی و اجتماعی نیمه تمام ماند . توازن واردات و صادرات که بنیه اقتصادی مملکت بدان وابسته بود ، از میان رفت . خزانه ممتلی از سیم و زر خالی و تهی شد . آتش هرج و مرج و ناامنی و خود سری در گوشه و کنار شعله ور گردید و بیک کلمه ، مملکتی خرم و آباد و مردمی آسوده و توانگر که تازه در دایره ترقی و تعالی قدم نهاده بودند و میکوشیدند که باری دیگر دوران مجد و عظمت و فرو شکوه و تمدن باستانی خود را تجدید کنند ، در چین و شکن یک سلسله خرابی و ویرانی و بینوایی و تهیدستی گرفتار شدند و رفته رفته ، آثار شوم قحط و غلا و معالِم میشوم فتنه و غوغا ، سیمای زشت و مهیب خود را ، دردور و نزدیک ، نمایان و هویدا کرد .

در این بحبوحه و انفسا و هنگامه غوغا که هر کسی در اندیشه بدر بردن گلیم خویش از موج خیز حادثه بود و یارای پرداختن بدیگری نداشت ، باز رحمت بیدریغ خداوند ، شامل حال کشور ایران شد و در میان آن فضا و هوای گرد آلود و تار که چشمان را تاریک و نفسها را خفه داشت ، انوار تابناک امید و نجات ، از تاج دلفروز شاهنشاهی جوانبخت و بیدار دل که بفر یزدان بر تخت بلند پایه سلطنت نشسته و بر متکای با عظمت شهریاری کشوری کهنسال تکیه زده بود ، تابیدن گرفت و آن ظلمت روحگداز و جانفرسا را درهم شکافت و چشمان حیران و دلهای نگران ملت را بخود متوجه ساخت .

اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی ، در چنین هنگامه ای که بیم اقراض و زوال مملکتی و ملتی را در برداشت ، رشته قویم و قدیم تاریخ گذشته و دور و دراز قومی نامور و سرزمینی کهنسال را در دست گرفت و مأمور و موظف بود که آنرا بدامن تاریخ آینده گره بزند و نگذارد در تار و پود آن سستی و فتور و یا گسستگی و از هم پاشیدگی راه یابد . از آنرو ، با ایمانی خالص و پاک ، بفضل خداوند و با عزمی جزم و راسخ بنجات ملک و ملت ، سکان کشتی استقلال ایران را در کف با کفایت خود گرفت و با درایت و کیاستی اعجاز آمیز و حیرت انگیز ، آنرا در میان امواج مرگ خیز دریای آشفته و طوفانی حوادث سهمگین ، حمایت و صیانت و بسوی ساحل فلاح و نجات رهبری و هدایت کرد .

شاه مردم دوست و بیچاره نواز ، چون نگین انگشتری ، در حلقه بهم فشردۀ مردم گرسنه و برهنه و غارت شده و حیرت زده جای گرفت . دیگر افراد خاندان جلیل سلطنت که هر یک ، بسائقه روح نوع دوستی و احساس مردم نوازی ، از اوضاع اسف انگیزی که جنگ بیار آورده بود متأثر بودند ، پیرامون این رئیس بزرگ و سرپرست فداکار خود فراهم آمدند و آمادگی خود را ، برای نجات درماندگان و ستم کشیدگان ، اظهار داشتند . عده ای از توانگران خداپرست و نیکوکار نیز که شاه و شاهزادگان را مہیای ریاضت و آمادۀ بخدمت دیدند ، بانان تأسی جستند . رفته رفته

کانونها و مراکز مساعدت و معاضدت به بینوایان و مستمندان ، در تهران و شهرستانها، تأسیس و تشکیل یافت و صفوف خدمتگزاران و فداکاران، متحد و متشکل گردید. در آن روزهای سختی و بدبختی و بیکاری و بیماری که جانی در گرو نانی بود ، خدا داناست که اگر این احساسات و عواطف ملکوتی و رحمانی نبود، به بیچارگان و رنجوران چها میرسید و چه زنان و مردان و کودکان تهیدست و بیمار، نابود و هلاک میشدند. در این میان، والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی که اصولاً بسائقه خلقت ارجمند و انگیزه فطرت نازنین خود، عاطفه ای پاکتر از برگ نازک گل و حسی صافی تر از قطره روشن شبنم دارد و بواسطه همین عاطفه و حس عالی، خود را در غم و شادی و شیرین و تلخ و سخت و سست زندگانی هموطنان و هموعان خویش همیشه شریک و سهیم میداند، در تحقق بخشیدن امیال و آمانی برادر ارجمند تاجدار خود، بیش از دیگران، بجنب و جوش افتاد و بر آن شد که یکسره وقت و سعی و قدرت و فکر و هوش و کفایت خود را، بخدست بیمزد و منت مردم، محصور و محدود سازد و در این راه، از آنچه مقدور و میسر است، دریغ روا ندارد. از آنرو، یکباره، از کاخ باشکوه خود بیرون آمد و در میان مردم جنوب تهران، یعنی محرومترین و مستحقترین افراد پایتخت، جایگرفت و آستین خدست بالا و دامن همت بکمرزد و برای کمک فوری و ضروری بمردم گرسنه و برهنه و افراد رنجور و بیمار، کانونی فراهم آورد. این کانون، هسته مرکزی «بنگاه اشرف» شد و بعدها، در جنوب شرقی باغ فردوس، ساختمانی کامل و مجهز پیدا کرد که هم اکنون بر پاست و عده ای از کودکان یتیم و بی سرپرست در آنجا نگاهداری و تربیت میشوند و درس میخوانند و هنر می آموزند.

جنگ پایان گرفت... اشغالگران، بعضی بمیل و اختیاری و برخی با فشار و اجبار، از این سرزمین بیرون رفتند، ولی آثار شوم ایلغار و تاراج و تاخت و تازشان، بسالیان دراز، دامنگیر ملک و ملت گردید و ادبار و نکبت و فقر و مذلت و بدبختی و سختی را از خود بیادگار گذاشتند. از آنرو، برای درمان دردها و مرهم نهادن بر زخمها، دنباله کارهای خیری که شروع شده بودرها نشد و انجمن های خیریه و کانونهای کمک باقی ماندند و بکار خود ادامه دادند.

نظر بلند و همت ارجمند شاهنشاه و استقامت و استقامت قابل ستایش والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی، باین کانونهای کوچک و کمکهای موسمی و موقت، قانع و خرسند نماند و بر آن شدند تا سازمانی عالی و بزرگ و کامل و مجهز بوجود آورند که دائم و قائم، برقرار و باقی و پایدار و مستدام بماند، مگر بتواند در ایام صلح و سلم نیز، بطبقات مستمند و خانواده های درمانده و کودکان یتیم و بیماران بی پزشک و بی دارو، بطور مستمر و مطمئن، کمک برساند و در تأمین رفاه و آسایش و فرهنگ و بهداشت آنان قدمهایی محکم و متین بردارد و با داشتن جنبه ملی، از قیود و محدودی که دولتها معمولاً در اداره مؤسسات دارد و بر عایت اصول قوانین و مقررات پرپیچ و خم، نمیتواند بموقع و فوری اقدام کند، خلاص و رها باشد.

پس از بحث و تفکرها و شور و کنکاشها ، اساس «سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی» نهاده شد و بسال ۱۳۲۶، اساسنامه آن تدوین یافت و فرمان تشکیل رسمی آن بتوشیح ملوکانه رسید و برای مزید استحکام و دوام و افتخار و احترام ، ریاست عالیّه آن بشخص شخیص اعلیحضرت همایونی که بانی و مؤسس آن بودند واگذار شد و مقرر گردید که والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی که در امور خیر، دلی امیدوار و سری پر شور دارند و امتحان لیاقت و کفایت و دلسوزی و پشتکار خود را در ایام جنگ، برای اداره امور خیریه، بمنصّه بروز و شهود رسانیده بودند، با عنوان نیابت ریاست عالیّه ، این مؤسسه نوپیدا را که تا آنزمان از لحاظ کمیت و کیفیت و اهمیت، در تاریخ ایران مثل ومانندی نداشت سرپرستی کنند و امور آنرا ، از تقیر و قطمیر، از زیر نظر دقیق و مستمر خود دور ندارند .

والاحضرت ، در این عنوان جدید که از یکسو تجسم و تحقق آرزوی فطری و عقیده باطنی، و از سوئی دیگر ثمره و بهره، یا برآستی پاداش و مزد سالها زحمت و ریاضت و خدمت او بود، بکار پرداخت و با احاطه وسیع و نظر مشکل پسند خود ، چندتن از افراد مؤمن و معتقد را که جز کاردانی و درستی سرمایه ای نداشتند و با ارادت و اخلاص عظیم بخدشت کردن بمردم ، بی ریب و ریا و هیاهو و غوغا ، حریص و مولع بودند ، برای اداره این مؤسسه خیریه ، برگزیدند و تحت راهنمایی و سرپرستی خود بکار گماشتند .

از آن تاریخ تا کنون، یعنی بمدت ده سال تمام ، چرخهای این دستگاه، با نظم و ترتیب و شتاب، بحرکت خود ادامه میدهد و حتی در مواقع سخت کشور که اوضاعی نا گوار پیش آمد و هر لحظه ای بیم توقف و تعطیل میرفت ، دقیقه ای ، از جنبش باز نایستاد و شگفت آنست که اگر هم میخواستند، نمیتوانستند آنرا از کار باز دارند. زیرا وقتی کاری بر اساسی راست و اصلی درست و با نیتی خالص و قصصدی پاک براه افتاد و بانیان و مجریان و مباشران آن ، جز خشنودی خالق و رضایت مخلوق ، منظوری نداشتند، هیچ صرصر حادثه و سانحه ای، هر چند تند و تیز باشد، نمیتواند در ارکان و قوائم آن رخنه کند، چه رسد باینکه قادر باشد آنرا نابود سازد .

سازمان شاهنشاهی ، در این مدت و تا آنجا که توانسته ، از تبلیغ و تعریف کارهای خود، خودداری کرده و بهترین تبلیغ را، «عمل مثبت و مؤثر» دانسته است ، زیرا مردم از شنیدن اقوالی که اعمالی بدنبال ندارد، سخت آزرده و ملول و خسته و افسرده میشوند و تا کاری را ، بچشم خود، انجام یافته نبینند ، باور نمیکنند . بنا بر این چقدر جای شکر و سپاس است که امروز ، پس از ده سال کار و عمل ، اعتماد و اطمینان و اعتقاد هزاران زن و مرد ، در سراسر کشور ، باین دستگاه و نحوه کار و عملش جلب شده است . اکنون ، درهمه جا، نام سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی، مرادف و مصداق مفهوم رحم و شفقت و مهربانی و عظوفت و راستی گفتار و درستی کردار است

و این خود فاخرترین و گرانمایه‌ترین مزد و پاداشیست که کارکنان و خدمتگزاران این دستگاه، انتظار دریافت آنرا داشتند و دارند.

کارنامه دهساله سازمان، که اکنون بشکل کتابی جامع، از زیر نظر خواننده میگذرد، دیر باورترین و نویدترین و بدین‌ترین مردم را باعجاب و تحسین می‌افکند و با زبان ارقام و اعداد که از هر زبانی گویا تر و شیوا تر است، ثابت میکند که این دستگاه، از آغاز تأسیس، به پیروی از افکار و اوامر بانیان بزرگوار و عالی‌مقام خود، عمل را بر حرف و فعل را بر قول رجحان و مزیت داده و بهر روز کوشیده است که با استفاده از مقدمات و امکانات و تسهیلاتی که در دسترس دارد، باری از دوشهای ضعیف و خسته و اندامهای نحیف و فرسوده طبقات مستمند و محروم این کشور که ودایع بزرگ و عزیز الهی هستند و با احسان و انفاق و ایثار و تیمار نیازمندند، بر دارد و آنانرا، در طی طریق صعب معیشت، کومک و یاری کند.

صد برابر آنچه مردم دوستان دروغین سالها حرف زده و نطق کرده و وعده داده و تبلیغ نموده‌اند، سازمان شاهنشاهی، بمدت دهسال و در سراسر کشور، بیمزد و منت و گفتگو، قرص و شربت و دارو به بیماران، و اسباب زندگی و معیشت بمستندان، و وسائل تحصیل بمحصلین بخشیده است و باز هم معترف و مذعن است که هنوز، در خم اولین کوچه تکلیف و وظیفه خود، یعنی خدمت بمردم، قرار دارد.

با عنایتی که خداوند بزرگ، بدوام و بقای این دستگاه دارد و با توجهی که مردم صالح، با اعمال و افعال صادقانه و مخلصانه گردانندگان این بساط نشان میدهند، یقین حاصل است که سازمان خواهد توانست با تمسک باین عنایت و توجه، در اجرای منویات بزرگ و اوامر مطاع اعلیحضرت همایون شاهنشاه ریاست عالی و ارشاد و هدایت ارزنده و الاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی نیابت ریاست عالی، بهر روز، قدمی بجلو نهد و در تأمین و وسائل رفاه و آسایش تهیدستان و ینوایان، کاری شگرف و عملی بدیع انجام دهد و دردی را درمان کند و مشکلی را آسان سازد و از این خدمت لذت برد.

خوشا جانی کزان جانی بیاسود	نه دهقانی که سلطانی بیاسود
مبارک مطبخی، فرخنده دیگی	کزان نا خواننده مهمانی بیاسود
بعر خود، پریشانی مبیناد	کسی، کز او پریشانی بیاسود
	بهمن ماه ۱۳۳۶ شمس

پس از آنکه اساس سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی گذاشته شد و فرمان تأسیس آن بتوشیح ملوکانه رسید، برای آنکه عموم مردم از این اقدام بزرگ و نیک آگاه شوند و آغاز تحقق مرام سازمان رسماً اعلام گردد، والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی نیابت ریاست عالی سازمان، بوسیله رادیو تهران پیامی فرستادند که در اینجا عین آن نقل میشود :

هم میهنان عزیز

یکی از کلماتی که در نوشته‌ها و گفته‌های این کشور زیاد استعمال میشود، ولی گویا بمفهوم و معنای آن چنانکه لازم است پی نبرده ایم، کلمه «جامعه» است. جامعه اطلاق میشود بگروه بزرگ مردمانی که رشته‌ها و پیوندهای قدیم و قویم مادی و معنوی، آنرا بهم مربوط میسازد. جامعه ما که جامعه ایرانی است، از چند هزار سال باین طرف با چنین رشته‌هایی بهم پیوسته و مانند قماش، تار و پود آن بهم بافته شده است. عادات و اخلاق، داستان و ادبیات، تاریخ و خانمان و بیشتر از اینها، دین و آئین مشترک در طی سی قرن، ما را ملتی با فکر و جامعه‌ای متحد قرار داده و بحکم قانون طبیعت، به یگانگی و هم دلی و هم داستانی سوق نموده است، بطوریکه هیچ عاملی و هیچ حادثه تاریخی، قادر نیست این جامعه نیرومند را که در نتیجه رشد طبیعی تاریخی بوجود آمده، از هم بگسلد و ما را از یگانگی به بیگانگی مبدل کند و نام ما را از صفحه تاریخ محو نماید. سرزمین کهن سال ایران، هزاران سال است خانمان ملی ماست و هر گوشه‌ای از آن، کانون داستانهای دلنواز ایرانی است. دین باستان ما دین زرتشتی بود که همه پیرو آن بودیم و شعار آن پندار نیک - گفتار نیک و کردار نیک بود. دین کنونی ما، دین مقدس اسلام است که چهارده قرن است ماها را بایک رشته نیرومند روحانی بهم بسته و خدا پرستی و حق گذاری و خدمت بخلق را آئین زندگی ما قرار داده و کتاب مقدس آن دین مبین، یعنی قرآن مجید، ما را بایمان و تقوی و درستی و راستی و نیکی در حق مردم و دستگیری

از بیچارگان و فداکاری مالی و جانی ام فرموده است. بزرگان ما، ابوعلی سینا و خواجه نصیر طوسی و فخر رازی و شاعران ما، فردوسی و جلال‌الدین و سعدی و حافظ و عیدهای ملی ما، نوروز و مهرگان و کتابهای ادبی ما، شاهنامه و مثنوی و گلستان و دیوان حافظ و شاهان نامی ما، کورش و داریوش و آثار باستانی ما، تخت جمشید و مساجد روح بخش اصفهان و صدها امثال و نظایر این مقدمات، از هر طرف و هر حیث مدام بخاطر می‌آورد که ما ملتی بزرگ و یگانه، و دارای فرهنگی عالی بوده‌ایم و در صفحه این جهان، با سر بلندی زندگی کرده‌ایم.

با این گذشته درخشان و تاریخ و فرهنگ نمایان، باید با کمال تأسف و تأثر اعتراف کنیم، وضعیت کنونی با سوابق درخشان تاریخ ما تناسب و ارتباط ندارد. در سر تا سر کشور پهناور ما که مساحت آن برابر مجموع آلمان و فرانسه و انگلیس است، فقط شانزده میلیون تن، غالباً در شرائطی سخت زندگی میکنند. یک گروه از آنها نان و آب روزانه را ندارند. میلیونها زن و مرد و کودک از ابتدائی ترین وسایل بهداشت محرومند و با تمام اقدامات و اصلاحاتی که در گذشته نزدیک بعمل آمده، امروز برای یک دهم نفوس، وسایل کامل آموزش و پرورش آماده نیست.

هنوز برای یک قسمت بسیار کوچک مردم ما، بیمارستان و دارو تهیه نشده و میلیونها زن و مرد بیکار، در گوشه و کنار و اطراف این کشور، متحیرانه میگردند. صدها هزار مادران باردار، اندک وسیله زندگی و بهداشت را مالک نیستند. صدها هزار مادران بچه‌دار، برای حفظ حیات اولاد خود، حتی مایحتاج اولیه معیشت را ندارند. میلیونها بچه و دختر و پسر، در سراسر این کشور بیکار و بی‌پرستار، با بدترین وسایل معاش، روزان و شبان عمر خود را میشمارند. بیماریهای گوناگون و اگیر و غیر اگیر در تمام طبقات ملت ما شیوع دارد و هر روز بوسعت و سرایت آن بیماری میافزاید. بچه‌های باهوش ایران که اگر در محیط مساعد پرورش مییافتند میتوانند ملتی شایسته و زنده و برآزنده بوجود بیاورند، در گوشه و کنار، مانند گلهای تشنه، همه پژمرده و رنگ پریده و بیجان، روز بروز رو بنابودی میروند و هزاران هزار از افراد نسل جوان، بدینگونه هنوز از باغ زندگی میوه‌ای نچیده، نابود میگردند. این بچه‌ها، هم آنها هستند که با وجود ضعف اندام و تنگی زندگانی، با انگشتان کوچک، در کارخانه‌های فرش بافی بود و تار فرش‌های رنگ رنگ ما را بهم میافند و آنهمه نقش و نگار زیبا و دلربا را بوجود میآورند. در دهات، از خرد سالی شریک کار و رفیق زحمت پدر و مادرند و در کارهای کشاورزی آنانرا یاری میکنند و درد کانه‌ها، در تمام صنعتهای دستی، شرکت جسته و لیاقت و هوش سرشاری ابراز میدارند و خودشان، بعد از این کارهای دشوار منافی با سن و سال خود، بتدریج از میدان زندگی خارج میشوند و نظیر ستاره‌های ریز کم نور، آهسته آهسته در افق سیاه فرو میروند. در صورتیکه اگر این نسل جوان زنده میماند و آموزش و پرورش حسابی میدید و خوراک

و پوشاک و وسایل کافی داشت و محیط مساعد با رشد و کمال نیروی جسمی و روحی برای آنان آماده میگشت ، حتماً مانند بهترین درختی که در زمین مساعد ، میوه‌های شاداب میدهد ، کمال لیاقت خود را ظاهر میساخت و بار دیگر ابن سیناها و سعدی‌ها و دانشمندان و سلحشوران و صنعتگران درجه اول ، از این ملت پدید می‌آمد. چنانچه در این مختصر فرصتی که در بیست سال اخیر بمادست داد ، قوای کشور براه افتاد و ترقیات و پیشرفتهای مهم نصیب ما گشت و اصلاحات اساسی آغاز شد. ولی افسوس که این سیر سریع تکامل، بواسطه پیش آمد جنگ عالم گیر بتوقف برخورد ، اما امید واثق دارم ملت ما در تحت رهبری اعلیحضرت همایونی بار دیگر راه پیشرفت را خواهد پیمود و نقشه‌های اصلاحی را که ناقص مانده ، تکمیل خواهد نمود.

خواهران و برادران عزیز، یقین شما هم با من هم عقیده‌اید که باید باتمام قوا بکوشیم و باین نوع زندگی دشوار خاتمه دهیم. این سبک زندگی ، نه مناسب عصر است و نه مناسب مقام کشور و ملت ما و نه قابل تحمل و بردباری است . باید بیدرنک تمام طبقات این کشور از پیر و جوان وزن و مرد ، بفکر چاره جوئی ییفتند. زمان، بی‌امان و تند تند میگذرد. قافله ملت‌های زنده بسرعت رو به‌هدف کمال میروند و ما در نیمه راه مانده‌ایم. اگر بخواهیم نام ما را در عداد زندگان یاد کنند ، لازم است بدون اتلاف وقت ، شتابان و کوشان بکار زندگی بپردازیم و مانند زندگان ، چاره‌ها برای خود بسازیم . یکی از راه‌ها برای رسیدن باین منظور ، البته اقدامات دولت است که موظف است تمام قوای خود را در این راه تجهیز کند و از تمام منابع و وسایل ممکنه در راه سعادت کشور و رفاه و تربیت ملت استفاده کامل نماید ، ولی ما ملت باید بدانیم در هیچ جای عالم ، تنها دولتها نمیتوانند از عهده کلیه اصلاحات بر آیند ، بلکه ملتها هم لازم است در امور اجتماعی شرکت و فداکاری کنند. امروز در همه کشورهای مهم جهان، سازمانهای گوناگون و متعدد ملی وجود دارد که هر یک مشغول یک نوع خدمات اجتماعی هستند. در کشور ما ، تعلیمات بزرگ در باب خدمات اجتماعی از پیشینیان ما بیادگار مانده است. کتاب آسمانی ما هم ، در حقیقت ، برنامه خدمات اجتماعی و مواسات و خیرات است و بزرگان و مسلمین، اهل مواسات و خیرات بوده‌اند ، و این همه موقوفات ، دلیل همت آنان است. شعار ملی و ادبیات ما نیز همواره ما را بخدمت نسبت بدیگران و بذل مال و جان و دستگیری از بیچارگان و بی یاران دعوت میکند.

با این مقدمات ، جا دارد ما ملت متنبه گردیم و مطابق کیش نیاکان و احتیاجات زمان ، فوراً در صدد فعالیت اجتماعی و یاری نسبت بطبقات درمانده و محتاج ملت خود بر آئیم ، چه در غیر اینصورت، متدرجاً در زمره ملل فراموش شده در خواهیم آمد. در چنین موقع بسیار باریک و احتیاج شدید است که برادر کامکارم اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ، که از اوایل روزگار جوانی، فکر و ذکرشان تأمین عدالت اجتماعی و رفاه ملت ایران بوده است ، اراده فرموده اند

غیر از عملیات دولت که جای خود دارد، یک سازمان اساسی ملی هم بوجود آید تا درد های اجتماعی مردم را دریابد و برای تداوی آن، وسایلی فراهم آورد و وجوه خیرات و مبرات، برای این مقصود جمع کند. دستور فرمودند مبلغ شصت میلیون ریال از محل اسلاک و اگذاری، سالانه باین سازمان کمک شود تا اعانات ملی هم بر آن افزوده گردد. برای اجرای این نیت شاهانه، سازمانی بنام سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی، تحت ریاست عالییه شخص اعلیحضرت همایونی بوجود آمد و عده ای از اشخاص معروف که بدرستی و پاکدامنی و فهم و بصیرت مشهورند، برای کارمندی این سازمان برگزیده شدند. اعلیحضرت همایونی، افتخار نیابت ریاست عالییه و سرپرستی مستقیم این سازمان را باینجانب مرحمت فرموده اند، ولی هر چه من کوشش کنم و شبانه روز اوقات خودم را مصروف این خدمت مهم دارم، البته بدون شرکت خالصانه و کمک ویاری ملت ایران فایده نخواهد داشت. در نتیجه مسافرتها و تهاکیکه در خارجه و داخله کردم و اوضاع تأسف آور افراد ملت عزیز ایران را که در اثر جنگ خانمان سوز بروز کرده مشاهده نمودم و باتماسی که شخصاً با مردم کشور گرفتم و احتیاجات زندگی آنها را دریافتم، باخود عهد کردم تا بتوانم در راه تخفیف آلام و بهبود وضع آنان بکوشم.

اینگ، با این منظور مقدس، بتوفیق الهی در اجرای نیات اعلیحضرت همایون شاهنشاهی تمام قوای خود را مصروف و خدا را راهنما و ناظر اعمال خود قرار خواهم داد. باشد که بعنایت الهی، خدماتی نسبت بهیمن و شاهنشاه انجام دهم.

در خاتمه، تمام زنان و مردان ایرانی را که خدمتی مالی یا جانی برای این منظور مقدس، یعنی نجات و سعادت ملت ایران، میتوانند انجام دهند، دعوت به همکاری میکنم. سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی در موارد لازم، اصول و راههای اینگونه خدمات را اعلام خواهد کرد و من شخصاً مطالب گفتنی را در موقعش بگوش شما خواهم رسانید تا مگر بتأیید خداوند و بادرستی مردان و زنان حق پرست وظیفه شناس ایرانی، بتوانیم خدمتی شایان نسبت بهم میهنان انجام دهیم و منظور اعلیحضرت شاهنشاه را عملی سازیم و طبقات بیکار و بیچاره و اطفال بی پرستار و آواره را از درماندگی نجات بخشیم و بیماران را داروی صحت و جوانان را مقدمات رشد و تربیت فراهم سازیم.

هدایت از خداوند است و همت از شما

پس از انتشار پیام مهم ومؤثر والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی، چرخهای دستگاه سازمان بگردش افتاد و برای عملی شدن هر یک از مواد اساسنامه، اقدامات مجدانه معمول گردید. بطوریکه هنوز ماهی چند از تأسیس سازمان نگذشته بود که مقدمات کار در هر یک از شئون بهداشتی و اجتماعی و فرهنگی فراهم آمد. در آن موقع والا حضرت از مسافرت امریکا بازگشته بودند و چون در اروپا و امریکا، مطالعات دقیق و ارزنده ای راجع به مؤسسات خیریه و سازمانهای بهداشتی و اجتماعی فرموده بودند، از حضور مبارکشان استدعا شد که نتیجه مطالعات و مشاهدات خود را باطلاع مردم برسانند و نیز اقداماتی را که تا آن زمان در راه تحقق مواد اساسنامه سازمان شاهنشاهی بعمل آمده است، شخصاً توضیح فرمایند. از این رو روز شنبه هفتم آذرماه ۱۳۲۶ در تالار فرهنگ، یک جلسه سخنرانی انعقاد یافت و از معارف و رجال دعوت بعمل آمد و در آن جلسه والا حضرت چنین فرمودند:

بطوریکه بر هیچ یک از شما پوشیده نیست، این اولین بار نیست که بتذکاراتی چند راجع با امور اجتماعی و وظائف آن برای عامه طبقات مردم مبادرت مینمایم، زیرا از چند سال قبل که عنایت الهی شامل حال گردید و در تحت اوامر و توجهات مخصوصه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی خود را برای انجام خدمات اجتماعی مهیا نمودم، در مواقع مقتضی، لزوم همکاری عمومی و اهمیت رفاه اجتماعی را باطلاع هم میهنان عزیز رساندم و خدا را سپاسگزارم که با راهنمایی و پشتیبانی برادر تاجدارم، تا آنجا که مقدور بود، مرا بخدمات ناچیزی نسبت بملک و ملت ایران موفق فرمود. اما از ذکر این مطلب ناگزیرم که هر چه بیشتر بمطالعه و بررسی در اطراف این امر مهم، یعنی خدمت با اجتماع میپردازم، احتیاجات کشور را شدیدتر و لزوم نهضت و مشارکت عمومی و از خود گذشتگی فرد فرد ایرانی را بیشتر احساس مینمایم.

در تیرماه سال ۱۳۲۵، بر حسب دعوتی که از طرف صلیب سرخ شوروی بعمل آمده بود، برای دیدن مؤسسات خیریه آنجا عازم آن کشور شدم. در طول مدت یکماه اقامت در آنجا، مقامات صلیب سرخ شوروی، تمام وسایل مشاهده و معاینه بنگاههای خیریه و اجتماعی را در اختیار من

گذاوردند. ملاحظه بنگاهها و اقدامات مهم و مفید دولت اتحاد جماهیر شوروی در نقاط مختلفه آن کشور از قبیل مسکو- لنینگراد- کیف- خارکف و باکو، تأثیر شایانی در ذهن من داشت و با اشتیاق و دقت فوق العاده، از فرصت استفاده نمود و بکسب اطلاعات بیشتری، دقائق توقف را گذرانید. مخصوصاً قسمت نگهداری و پرورش کودکان خردسال، در همه جا واقعاً مرا وادار بتقدیر و تحسین فوق العاده کرد. ممالک شوروی را با جمع آوری ذخایر معنوی، در یک محیط صمیمانه ترک گفتم و بمیهن عزیز برای تعقیب نظریات خود مراجعت نمودم. هر چند تمام اوقات، صرف امور خیریه میگردید و در راه کمک بآسیب دیدگان خمسه و آذربایجان و آستارا، در حدود قدرت، از هیچگونه مساعدت خودداری ننمود، ولی چون این مختصر موجب اقناع خاطر نمیگردید، همواره از ندای وجدان برای خدمات بزرگتری خود را در زحمت و نا راحتی میدید، تا اینکه خوشبختانه ذات مبارک ملوکانه بایجاد سازمان وسیعتری توجه فرمودند و اوامر ملوکانه بتأسیس سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی شرفصدور یافت و این خود بزرگترین تشویقی بود که ذات مبارکش در تقویت و تأیید افکار قبلی، نسبت بمن روا داشتند و مخصوصاً اینکه مرا به نیابت آن انتخاب فرمودند، بیشتر اسباب سرافرازی و مباهات گردید. در نتیجه اساسنامه فعلی سازمان بتصویب همایونی رسید و در فروردین ماه ۱۳۲۶، با عضویت چهل تن از برگزیدگان اولیای دولت و امنای ملت و نمایندگان مطبوعات، این مؤسسه نوزاد تحت ریاست عالی شاهانه پا بر عرصه وجود گذارد. هر چند نهال این سازمان که بادست توجه و قدرت اعلیحضرت همایون شاهنشاه غرس شده است، هنوز خیلی جوان است و بیش از چند ماه از انعقاد آن نمیگذرد، مع هذا با مشکلات زیادی که با آن مواجه بوده ایم، بخدماتی چند بشرح زیر موفق و نائل شده ایم:

۱- ساختمان پنجاه درمانگاه در پنجاه نقطه کشور- در هر یک از ساختمانها برای زندگانی و محل کار پزشک و ماما و پرستار، اطاق و وسائل کافی پیش بینی شده است. حد اقل زمینی که در هر نقطه جهت درمانگاه تهیه شده، دوهزار متر است. کلنگ ساختمان اولین درمانگاه در روز ۱۱ مرداد ۱۳۲۶ در نوبران ساوه زده شد و قسمت عمده درمانگاهها اکنون ساخته و آماده بکار، و قسمتی در دست ساختمان است که تا آخر اسفند تحویل خواهد شد.

۲- نخستین سنگ بنای آموزشگاه پرستاری در بیمارستان پهلوی روز یکشنبه ۱۰ آبان ۲۶ بدست مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه در پی نهاده شد. این آموزشگاه سازمان شاهنشاهی با کمک اساتید دانشگاه اداره خواهد شد. همه ساله چهل تن دوشیزه داوطلب در آموزشگاه پذیرفته میشوند. برای آنکه پرورش پرستاران بنحو شایسته انجام گیرد، در سفر اخیر، چند سرپرستار تحصیل کرده خارجی استخدام گردید که قریباً وارد خواهند شد و اصول فن پرستاری را بدانش آموزان خواهند آموخت.

۳- در شمال شرق تهران خیابان شهباز، سه هزار متر زمین از اراضی خندق، از طرف

شهرداری سازمان هدیه و منتقل شد که در آنجا، سازمان سه کارگاه ساخته است و بزودی یک کارگاه نجاری بزرگ و یک کارگاه آهنگری دیگر هم دایر خواهد شد و کودکان و لگرد و اطفال بی سرپرست که در کوی و برزن تهران حیران و سرگردانند، در آنجا جمع آوری و بانان حرفه‌ای آموخته میشود. قطعه زمین دیگری هم سازمان داده شده است که در آینده، برای توسعه دادن بکارگاهها و ساختمان آموزشگاه شبانروزی برای کودکان از آن استفاده خواهد شد.

۴ - سازمان در بیمارستان ابن سینا که در وسط شهر قرار دارد، یک بخش صد و پنجاه تختخوابی جراحی ایجاد خواهد نمود که از لحاظ فنی تحت نظر دانشکده پزشکی و از لحاظ اداری بوسیله سازمان اداره شده و بکار خواهد افتاد. بدین طریق برای بستری ساختن مجروحین و مصدومین حوادث غیر مترقب شهر تهران و بیمارانی که از طرف پزشکان سازمان از شهرستانها برای عمل جراحی بتهران روانه میشوند، همیشه تخت خالی موجود است و تحت درمان فوری قرار خواهند گرفت.

۵ - از چهار ماه قبل، در باغ فردوس، شعبه‌ای برای حمایت مادران و نوزادان تأسیس شده و فعلاً روزهای شنبه و چهارشنبه از ۲ تا ۶ بعد از ظهر به خانواده‌هایی که مراجعه میکنند، شیر خشک و شکرو پارچه و برنج داده میشود و کودکان بیمار تحت درمانهای مقدماتی قرار میگیرند و امیدواریم بزودی چهار شعبه دیگر مانند آن در نقاط مختلفه شهر دایر کنیم.

۶ - از سه ماه قبل، مسلولین آسایشگاه شاه آباد، مورد حمایت سازمان قرار گرفتند و پس از تصویب هیئت مدیره، طبق تشخیص عده‌ای از بانوان بازرس، بمسلولین بی عائله ماهانه یکصد و پنجاه ریال و عائله دار بین چهارصد تا ششصد ریال کمک میشود.

۷ - موضوع جمع آوری و لگردان و مبارزه با گدائی یکی از هدفهای مهم سازمان است و برای تأمین این منظور نیز اقدامات مفید بعمل آمده و آئین نامه آنها تهیه و تنظیم شده است که بزودی بموقع اجرا گذاشته خواهد شد.

۸ - آئین نامه تشکیل شعب در شهرستانها تنظیم و بتصویب ملوکانه رسیده و بزودی بمورد اجرا گذاشته میشود و در تمام مراکز استانها و نیز در شهرها و دهاتی که مؤسسه یا مؤسساتی از سازمان وجود دارد، شعبه تشکیل میگردد که در امور آن مؤسسه یا مؤسسات نظارت دقیق خواهد کرد.

۹ - نظر باینکه بیمارستان زنجان در زمان متجاسرین خراب شده بود و بطور قطع در امسال بکلی ویران و نابود میشد، مبلغ دو میلیون ریال برای تعمیرات بیمارستان از طرف سازمان اعتبار داده شد و اینک مدت دو هفته است که شرکت ساختمانی مشغول کار شده است.

۱۰ - رسیدگی بوضع کارگران و خانواده‌های آنان از جمله اقدامات سازمان است. از چندی قبل شخصاً بکارخانجات و مریضخانه‌های متعلق بکارگران میروم و سرکشی میکنم

و امیدوارم در آینده نزدیک، توجهات بیشتری باین طبقه مردم بشود و از کمک کار فرمایان برخوردار گردند. اینک بی‌مناسبت نمی‌دانم شرحی مختصر هم از جریان سفر را ذکر نمایم:

برحسب دعوتی که از طرف صلیب سرخ امریکا شده بود، ناچار میهن عزیز را ترک گفتم و از دقیقه اول، خود را برای کسب اطلاعات مفیدتری حاضر و مهیا نمودم و خوشبختانه دقیقه‌ای را بغفلت در این مسافرت از دست ندادم و در تمام طول مسافرت، از هر کشوری، افکار و روشهای تازه‌ای از اطلاعات اجتماعی و جدیت و ایمان ملل مختلفه، برای ترقی و توسعه اینقسمت در ایران، همراه آوردم.

در اولین کشوری که بمطالعه پرداختم، کشور سوئد بود که از روی حقیقت میتوان گفت بر اثر داشتن تشکیلات منظم، اصل عدالت و مساوات و مساوات بطوری رعایت میشود که زندگانی عمومی از هر حیث مرفه بود. در مدتی مختصر، میتوان از محیط آنجا سعادت و خوشی عمومی را استنباط نمود. کشور سوئد یکی از بهترین مظاهر تمدن بشر است. تمام افراد آنکشور از نعمت های تمدن و عدالت و تعادل اقتصادی و رفاه اجتماعی بیک نسبت بهره‌مند میشوند. مخصوصاً موضوع مصونیت و بیمه اجتماعی در آنجا بطوری صورت عمل بخود گرفته است که میتوان گفت در هیچ کشور دیگر، اینموضوع تا ایندرجه بحد کمال نرسیده است. هر فرد سوئدی برضد بیکاری و بیماری و روزگار پیری و درماندگی، از طرف دستگاه مخصوص کشوری بیمه و تأمین شده است، بنحوی که هیچ فردی در مدت عمر، هیچوقت بی پناه و سرپرست نمیتواند بماند. البته این هدف بزرگ اجتماعی که میتوان گفت بزرگترین تعلیم واصل دموکراسی و میوه مجاهدات خیرخواهان بشر است، در تمام ممالک مترقی کم و بیش عملی شده است.

آنچه که انسان در سوئد در اجتماعی کوچکتر می‌بیند، در امریکا همانرا با عظمت و وسعت بیشتری مشاهده مینماید. امریکا کشور عظمت و سرزمین فراوانی است و آنقدر مؤسسات خیریه و بنگاههای ملی بنسبت احتیاجات در آنجا موجود است، که بیشک دیدن همه آنها با داشتن وقت زیاد ملازمه دارد. بیمه‌های اجتماعی در آنجا نیز جاریست، مگر بیمه بهداشت. ولی از طرف دیگر، مؤسسات ملی بقدری فراوان و شرائط استفاده از آن بحدی سهل است که حاجتی به بیمه بهداشت محسوس نیست. در این کشور پهناور، در ضمن ملاقات با اشخاص مؤثر و مؤسسات خیریه از قبیل مؤسسه رکفلر، در باب شرائط جلوگیری از امراض و مسائل دیگر در ایران مذاکرات لازم بعمل آمد. مخصوصاً با آقایان دکتر فاردیک رئیس مؤسسه رکفلر و دکتر اشتروود رئیس قسمت بهداشتی آنجا مشاوره‌های لازم را بجا آوردم و نظر آنانرا نسبت باوضاع ایران جلب نمودم و بهمین جهت قرار است در این نزدیکی، آقای دکتر ویلسن که سابقاً هم در اینجا بود، به همراهی یک بانوی دکتر بنام میس وارلی بایران بیایند و مقدمات همکاری بین المللی در باب جلوگیری از امراض از لحاظ کشور ما هم تهیه گردد. امیدوارم ارتباط سازمان را

با اینگونه مؤسسات خیریه امریکا و ممالک دیگر تحکیم نمائیم . در ضمن مذاکرات با خانم روزولت رئیس جمهور فقید امریکا ، معلوم شد که از طرف سازمان ملل متفق هیئتی ، برای تحقیق و چاره جوئی حال کودکان آواره و بی سرپرست و بی خانمان اروپا بانجا رفته و مراجعت نموده اند . در این باب هم من نهایت علاقه را ابراز داشتم و وضع کودکان ایران را تذکر دادم و قرار شد در صورتیکه تشکیل جلسات ، دائمی باشد از ایران نیز نماینده ای بخواهند تا مگر فکری هم برای این سامان بشود .

برای احتراز از اطناب کلام باید گفت که اساساً ملت امریکا و رجال و بخصوص رئیس جمهوری آن کشور ، نسبت بر فاه و آسایش جهان کاملاً متوجه و علاقمند هستند .

در مراجعت ، چند روزی را هم با مطالعه مؤسسات خیریه انگلستان بسر بردم . گرچه فرصت کافی برای دیدن بنگاههای آنجا نبود ، اما در همان مدت مختصر نیز شاهد توجه و علاقه ملت انگلستان بتأمین رفاه و آسایش عموم بودم که باچه سیماهای بشاش و روح خستگی ناپذیر ، قدمهای سریع برای جبران خرابیها از طرف تمام افراد برداشته میشود . مخصوصاً نسبت بامور اجتماعی و موضوع رفاه عامه و تأمین زندگی و بیمه اجتماعی علاقه آنان دو چندان شده است و تا اواخر سال جاری ، بیمه همگانی در آنجا عملی خواهد شد .

بعد از این مشاهدات و مطالعات ، اینطور بنظر من میرسد که در اجتماع فعلی ، موضوع بیمه اجتماعی ، سایر کارها و مؤسسات خیریه را تحت الشعاع قرار داده و مخصوصاً در ممالکی که فقر مادی و معنوی با افراد آن دست بگریبانست ، از اهم مسائل حیاتی بشمار میرود . درست است که دیگر بنگاههای خیریه از قبیل صلیب سرخها - خدمات اجتماعی - دارالتأدیبها و غیره هر یک بنوبه خود قادر بکاستن قسمتی از آلام اجتماعی هستند ، اما هیچوقت درمان درد اساسی عمومی نبوده اند و نه تنها جانشین بیمه اجتماعی نمیشوند بلکه با آن نیز نمیتوانند رقابت نمایند .

حضر محترم

شما بی تردید از پریشان روزگاری و وضع اسف انگیز اغلب از هم میهنان ما ، کاملاً واقف و آگاه هستید و اگر هم خدای ناخواسته اطلاعی ندارید ، من اکنون بشما میگویم که نود در صد اطفال حال و مردان آینده شما ، در کوچه ها سرگردان و با گرسنگی و سرما و گرما هم آغوش اند و اگر از چنگال مرگ و میر نجات یابند ، در بدترین حالات ممکنه اسرار حیات میکنند و بالنتیجه بعد از طی دوران طفولیت ، یک عضو عاطل و باطل ، و یا بزبان بهتر ، یک عضو فاسد و خراب بجامعه تحویل داده میشوند . اگر امروز ما بفکر آنان نباشیم ، چه توقعی داریم که فردا ، آنان بفکر آب و خاك خود باشند؟ . فردی که در دنیا یک وجب خاك و یا کوچکترین

علاقه در زندگی نداشته باشد، چگونه خواهد توانست از منافع خود و آب و خاک خود دفاع کند؟ از او چه قسم توقع اخلاقی میتوان داشت؟ اطفالی که در روزگار کودکی، بجای دامن پاک مادر، در گرد و غبار کوچه ها بسر میبرند و در عوض تحصیل علم و هنر، بازیهای ناشایسته و کارهای ناپسندیده میپردازند، جای عجب نیست اگر مردانی دزد و افرادی جنایتکار بار آیند.

اگر این نمونه کوچک از بدبختیهای جامعه، شما را قانع نمود و باین اصل مسلم پی بردید که این طبقه اشخاص و مردم، برای رهایی و نجات از وضع فعلی، بکمک و مساعدت صاحبان فکر و همت محتاج هستند، شما را در پیشگاه خداوند و وجدان سوگند میدهم بیائید دست اتحاد و اتفاق بیکدیگر بدهیم و برای جلوگیری از خطر زوال و نیستی که بر اثر بی اعتنائی باحوال افراد، بتدریج متوجه کشور ما میشود، مانند سایر ملل متمدن باحداث بیمه اجتماعی اقدام نمائیم، مگر بکمک خداوند متعال و توجهات مخصوص ذات مقدس ملوکانه، باسرعت هرچه تمامتر بر جراحات اجتماع مرهم بگذاریم و شاید از این طوفان شدید انحطاط، رهایی یابیم. چون موضوع بیمه های اجتماعی در کشور ما سابقه ندارد و شاید از طرز عمل و اجرای آن، آنطور که باید اطلاعات صحیحی در دست نیست، ناچار بذکر مقدمه مختصری از اصل مطلب مبادرت مینمایم:

اصولاً وظایف دولت بر دو قسم است: اول دفاع از آب و خاک و حفظ استقلال کشور، دوم تأمین رفاه و سعادت اجتماع. چون بحث در قسمت اول از موضوع ما خارج است، بقسمت ثانی میپردازیم. برای تأمین رفاه و سعادت اجتماع باید اولاً نیروی تولید و میزان درآمد افراد را بالا آورد. ثانیاً فقر انفرادی را که ناشی از حوادث و اتفاقات غیر قابل جلوگیری از طرف افراد است از بین برد.

البته نباید فراموش کرد که هیچیک از این دو، بتنهایی مؤثر و مفید نیست. در جامعه ای که از قدرت تولید افرادش بطور مؤثر استفاده نشود، جلوگیری از فقر انفرادی میسر نخواهد بود و هیچگونه اقدامی برای مبارزه با آن مفید نخواهد افتاد. از طرف دیگر، ملتی که نیروی تولیدش زیاد است، اگر در بین آن عده زیادی از افراد، بواسطه فقدان درآمد یا بیماری و بیکاری و پیری و یا عدم امکان مواظبت از اطفال خود، محتاج باشند، نمیتوانند آنطور که باید، رفاه و سعادت اجتماع را تأمین نمایند. تنها در صورتی میتوان رفاه و سعادت اجتماع را بوجه احسن تأمین کرد که این دو مشکل اساسی، یعنی ازدیاد نیروی تولید و برطرف کردن احتیاجات افراد و افزایش میزان رفاه فردی آنان، توأماً مورد نظر قرار گیرد و اقدامات اساسی درباره هر دو بعمل آید.

بطور مثال میگوییم: اگر میزان تولید و فعالیت اجتماع طوری نباشد که برای تمام افراد حاضر بکار کشور، کارتهیه نماید، و همواره عده معتابهی از افراد کشور بیکار باشند، هیچگونه بیمه اجتماعی برای مبارزه با بیکاری مثمر نخواهد بود. همچنین است در مورد دیگر اقدامات عام المنفعه.

بدیهی است در صورتیکه ما هم بخواهیم در راه بالا بردن سطح زندگی افراد قدم اصلاحی مهمی برداریم و از بلا تکلیفی و سرگردانی رهائی یابیم، ناچار باید یکی از طرق مختلفه که کشورهای دیگر در پیش گرفته اند متوسل شویم و چون فعلاً مطابق تجربیاتی که در دست است، بیمه اجتماعی سهلترین و نزدیکترین راه وصول باین مقصود مقدس است، ما نیز لایحه ای متناسب با وضع اقتصادی و احتیاجات مبرم کارگران و کارمندان و اطفال بی خانمان این کشور، تهیه نموده و بمجلس شورای ملی تقدیم نمائیم. امیدوارم نمایندگان محترم مجلس شوری، که بیش از هر کس علاقمند باصلاحات و مسئول و مدافع مستقیم حقوق ملت هستند و ملت ایران با اقدامات و خدمات آنها توجه دارد و آنان نیز این خدمت مقدس ملی را با جان و دل، تنها از راه نودوستی و فقط بمنظور بهبود وضع کشور پذیرفته اند، از این فکر حسن استقبال کنند و با تصویب آن، صفحه جدیدی در زندگانی نوین کشور بگشایند.

در خاتمه از همکاری و کمک هیئت محترم دولت و نمایندگان محترم مجلس و بانوان و آقایان عضو سازمان که در راه اصلاحات، با من همفکر و همقدم بوده اند و از آقایان بازارگانان نیکوکاری که برای کمک بسازمان شاهنشاهی، نیم درصد از منافع ارزی را باین مؤسسه تخصیص داده اند و نیز از تمام کسانی که بوسیله فروش و ترویج بلیطهای بخت آزمائی سازمان شاهنشاهی، که محصول آن مطلقاً صرف امور خیریه و کمک به ینوایان میشود، مساعدت و همراهی نموده اند، تشکرات صمیمانه خود را ابراز و از خداوند مسئلت مینمایم، بهمه آنان و بسایر خیر خواهانیکه قصد مشارکت در فراهم آوردن وسائل رفاه و آسایش هم میهنان عزیز را دارند، توفیق کامل عنایت فرماید که با مراحم خاص ذات مبارک شاهانه، این بارسنگین را بسر منزل مقصود برسانیم.

مستطاب

اسنامه سازمان شامش ای خدمات جماعی را در ضمیمه این

دستخط و شمر بر نوزده ماده دشتش صفحه است چند نمودیم

۱۳۲۷

از این قسم از موع چرا گذاشته شود کاج خنید و برتره

اساسنامه سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی

ماده ۱ - سازمان مستقلی بنام سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی بریاست اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و نیابت ریاست والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی در تهران تأسیس میشود ولدی الاقتضا در شهرستانها و بخشها دارای شعبه خواهد بود و میتواند با مؤسسات مشابه در کشورهای دیگر روابط مستقیم ایجاد کند .

این سازمان دارای شخصیت حقوقی است .

ماده ۲ - وظائف سازمان عبارت خواهد بود از اقدام در امور اجتماعی عام المنفعه .

الف - بهداشت

۱ - تأسیس درمانگاهها و بیمارستانها .

۲ - ایجاد آموزشگاهها بمنظور تربیت پزشکیار برای خدمات اجتماعی و بهداشتی .

۳ - عیادت بیماران مستمند در منازل آنان و رساندن پزشک ببالین مرضی و انتقال آنان به بیمارستان و تأمین هزینه معالجه و معاش خانواده آنان در دوره مرض و نقاهت .

۴ - کمک مادی و معنوی بمؤسسات خیریه و بهداشتی و حمایت از آنها .

۵ - توجه ببهداشت کودکان فقیر و بی پرستار و رسیدگی بشیرخوار گاهها و پرورشگاهها .

۶ - مبارزه با فحشاء .

ب - مبارزه با تکدی و ولگردی

۱ - جمع آوری و تربیت کودکان ولگرد و بی سرپرست .

۲ - منع کودکان از اشتغال بکارهای نامناسب با سن آنان .

۳ - جمع آوری عجزه و گدایانی که قادر بکار نیستند و تعلیم و تربیت ولگردان در کانون کار و آموزش و بکار داشتن آنان .

پ - آموزش و پرورش

- ۱ - تشویق و ترغیب عموم افراد بانجام وظائف مدنی و اخلاقی و اجتماعی و بهداشتی بوسیله تبلیغات و رادیو و نمایش و فیلم .
- ۲ - راهنمایی مردم بی پناه و بیچاره بمراجع دولتی و ملی و کمک در تسریع کار آنان .
- ۳ - کمک بدانش آموزان و دانشجویان بی بضاعت از لحاظ وسائل تحصیل و لباس و مسکن .

ت - سایر امور اجتماعی

- ۱ - کمک بمادران فقیر و بی نوا .
 - ۲ - رسیدگی بزندگان خانوادہ های فقیر .
 - ۳ - رسیدگی بوضع زندانیان از لحاظ بهداشتی و اخلاقی .
- تبصره - اجرای وظائفی که برای سازمان طبق این اساسنامہ معین شده است در حدود توانائی سازمان خواهد بود .

مادہ ۳ - سازمان دارای ارکان زیر خواهد بود .

- ۱ - ریاست عالیہ .
 - ۲ - نیابت ریاست عالیہ .
 - ۳ - هیئت مرکزی .
 - ۴ - هیئت مدیرہ .
 - ۵ - هیئت بازرسی .
- مادہ ۴ - هیئت مرکزی مرکب است از چهل تن عضو بشرح زیر :
- ۱ - وزیر دارائی .
 - ۲ - وزیر بہداری .
 - ۳ - مدیر کل بانک ملی ایران .
 - ۴ - رئیس دانشکدہ پزشکی تہران .
 - ۵ - شهردار تہران .
 - ۶ - مدیر عامل بانک صنعتی و معدنی ایران .
 - ۷ - مدیر شرکت سهامی بیمہ ایران .
 - ۸ - رئیس دیوان عالی محاسبات .

۹- رئیس کل انتشارات و تبلیغات .

و ۳۱ تن از اهالی کشور که همه ساله در اول فروردین ماه برای مدت یکسال از طرف اعلیحضرت همایونی انتخاب میشوند و فرمان همایونی شرف صدور مییابد .

هیئت مرکزی در هر سال چهار مرتبه در فروردین و تیر و مهر و دی در حضور ریاست عالی و یا نیابت ریاست عالی تشکیل جلسه میدهند . در سایر اوقات نیز ممکن است برای کارهای فوق العاده تشکیل شود . جلسات با حدود لا اقل نصف بعلاوه یک اعضاء حاضر در مرکز رسمیت خواهد داشت . تصمیمات با کثرت آراء حاضرین در جلسه اتخاذ میگردد .

وظائف هیئت مرکزی بقرار زیر است :

۱- تصویب برنامه و بودجه سالانه سازمان .

۲- تصویب گزارش هیئت مدیره و حساب درآمد و هزینه و ترازنامه سازمان .

۳- رسیدگی بعملیات و اقدامات سه ماهه سازمان .

ماده ۵- هیئت مدیره- مرکب از ۱۱ عضو است که نه نفر از آنان بفرمان اعلیحضرت همایونی ریاست عالی سازمان برای مدت یکسال از میان اعضای هیئت مرکزی انتخاب میشوند و دو نفر دیگر وزیر دارائی و وزیر بهداری وقت خواهند بود .

نایب رئیس دوم و دبیر کل و خزانه دار سازمان از میان این ۱۱ عضو بفرمان همایونی برای مدت یکسال معین میگرددند .

هیئت مدیره در هر هفته یکمرتبه و بطرز فوق العاده هر موقع ضرورت ایجاب کند تشکیل میشود .

وظائف هیئت مدیره بطور کلی عبارت است از مراقبت و سرپرستی در امور اداری و اجرایی سازمان و جمع آوری درآمدها و اعانات و پرداخت هزینه ها و نگاهداری حسابهای مرکز و شهرستانها و بخشها و نظارت در امور مؤسسات تابع سازمان و حفظ روابط با مؤسسات و جمعیت های داخلی و بین المللی مشابه . هیئت مدیره احکام نصب و عزل کارمندان عالی رتبه و نیز نامه های مهم سازمان را بامضای نیابت ریاست عالی میرساند .

ماده ۶- هیئت بازرسی سازمان مرکب خواهد بود از پنج عضو که هیئت مرکزی از بین خود یا خارج برای یکسال انتخاب و پیشنهاد مینماید و برای آنان فرمان همایونی صادر میشود .

وظائف هیئت بازرسی بقرار زیر است

۱- رسیدگی بمحاسبات و دفاتر اسناد خرج سازمان و تصدیق ترازنامه و حساب درآمد و هزینه سالانه .

۲ - تهیه گزارش راجع به محاسبات و اوضاع مالی سازمان برای تقدیم به هیئت مرکزی .
۳ - اقدام بهر گونه بازرسی و رسیدگی که از طرف ریاست عالی یا نیابت ریاست عالی یا هیئت مرکزی یا هیئت مدیره در امور اداری و محاسباتی و فنی سازمان یا مؤسسات تابع، بآن محول میشود .

تبصره - هیئت بازرسی برای انجام وظائف خود میتواند از کارشناسان استفاده نماید .
ماده ۷ - سازمان دارای کمیسیونهایی خواهد بود که طرز انتخاب اعضاء و وظائف هر یک بموجب آئین نامه ایست که از طرف هیئت مدیره تنظیم و تصویب میشود .
ماده ۸ - اعضای هیئت مرکزی و هیئت مدیره و هیئت بازرسی خدمات خود را افتخاراً انجام میدهند . سازمان ممکن است در مواقعی که انجام وظائف محوله با اعضاء ، مقتضی مخارجی باشد مخارج مزبور را بپردازد .

ماده ۹ - هیئت مدیره میتواند در مواردیکه مساعدت اشخاص یا وزارتخانه ها یا ادارات و بنگاهها اعم از دولتی یا ملی را لازم بداند نمایندگانی از آنها دعوت کند و در جلسات خود ، در مذاکرات آنانرا شرکت دهد و برای پیشرفت وظائف سازمان طلب مساعدت نماید .
ماده ۱۰ - نایب رئیس دوم در غیاب نیابت ریاست عالی ، هیئت مدیره و هیئت مرکزی را اداره خواهد نمود .

ماده ۱۱ - دبیر کل - مأمور تنظیم صورت مجلس مذاکرات هیئت مدیره و هیئت مرکزی و ابلاغ تصمیمات این دو هیئت میباشد .

ماده ۱۲ - سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی دارای یک مدیر عامل خواهد بود که به پیشنهاد هیئت مدیره و موافقت نیابت ریاست عالی ، بفرمان همایونی برای یکسال منصوب میشود و پس از پایان دوره مأموریت ، قابل انتصاب مجدد میباشد . مدیر عامل در مدت تصدی این شغل در جلسات هیئت مرکزی و هیئت مدیره شرکت میکند . مدیر عامل حقوق دریافت خواهد داشت . مدیر عامل تحت نظر هیئت مدیره بر ادارات و مؤسسات تابعه و بر کارمندان اداری و فنی سازمان ، سمت ریاست خواهد داشت و در مقابل آن هیئت ، در حدود اختیاراتیکه با و داده شده است مسئول حسن اداره امور سازمان خواهد بود . کلیه پرداختها را مدیر عامل با اتفاق خزانه دار امضاء خواهد کرد .

تبصره - مدیر عامل در کلیه دعاوی چه سازمان خواهان و یا خوانده باشد در تمام مراحل با تمام اختیارات از قبیل رجوع بدادگاههای بخش و شهرستان و استان و دیوان کشور و تعیین داور و کارشناس و ادعای جعل و تعیین جاعل و تعیین وکیل و دادن اختیارات لازمه با و عزل وکیل و فصل دعاوی بصلح و سازش و همچنین حق تعقیب دعاوی کیفری در دادرها

و دادگاههای کیفری و تقاضای تأمین و توقیف و حق تفویض و کالت در توکیل و حق مطالبه خسارات و ورود در دعوا بعنوان شخص ثالث و جلب ثالث را خواهد داشت .

ماده ۱۳ - هیئت مدیره مسئولیت کلیه امور مالی سازمان را بخزانة دار محول میکند . تمام کسانی که سمت صاحب جمعی دارند مسئول شخص خزانة دار خواهند بود . مشارالیه باید در پایان سال ترازنامه را باتفاق مدیرعامل تنظیم و امضاء کرده به هیئت مدیره تسلیم دارد تا پس از تصویب ، برای رسیدگی به هیئت بازرسی تسلیم شود .

ماده ۱۴ - سال مالی سازمان در اول فروردین ماه آغاز و در آخر اسفند هر سال پایان میابد . مدیر عامل باید بودجه و برنامه عمل سالانه سازمان را با مشورت کمیسیونهای مربوط تهیه و پس از جلب نظر خزانة دار ، قبل از اول فروردین به هیئت مدیره تقدیم کند .

هیئت مدیره گزارش مزبور را در جلسه فروردین ماه به هیئت مرکزی برای تصویب پیشنهاد میکند . این گزارش منتهی تا آخر اردیبهشت ماه هر سال به هیئت بازرسی تسلیم میگردد . هیئت بازرسی باسناد مزبور رسیدگی و گزارش حاوی نظریات خود را برای طرح در جلسه تیرماه به هیئت مرکزی تسلیم خواهد نمود . گزارش مزبور برای تصویب هیئت مرکزی مطرح میشود . گزارش مدیر عامل و هیئت بازرسی و حساب درآمد و هزینه و ترازنامه سازمان بعرض اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ریاست عالیة خواهد رسید و بعداً برای اطلاع عامه طبع و نشر خواهد شد .

ماده ۱۵ - تأسیس شعب سازمان در شهرستانها و بخشها طبق آئین نامه مربوط باموافقت هیئت مدیره و تصویب ریاست عالیة خواهد بود .

ماده ۱۶ - سازمان میتواند اعضای افتخاری نیز داشته باشد . آئین نامه مربوط بانخاب این قبیل اعضاء از طرف هیئت مدیره تنظیم میشود .

ماده ۱۷ - اعضای سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی که سه جلسه متوالی یا پنج جلسه متناوب در هیئت مرکزی یا مدیره و یا کمیسیونهای مربوط بی عذر موجه غیبت نمایند ، بخودی خود از عضویت سازمان مستعفی و بجای آنان اعضای دیگر انتخاب خواهند شد .

ماده ۱۸ - هر گاه تغییراتی در این اساسنامه لازم شود ، به پیشنهاد هیئت مرکزی و تصویب اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بعمل خواهد آمد .

ماده ۱۹ - این اساسنامه بجای اساسنامه مورخ ۱۴ اردیبهشت ماه ۱۳۲۶ ثبت خواهد رسید .



در مانگاها و بیمارستانها

رعایت اصول بهداشت و تأمین سلامت ملت، یکی از امور مهم مملکت ماست. ایران، از لحاظ مواهب و نعمات خدا داد آب و خاک و استعداد افراد، یکی از کشورهای حاصلخیز و توانگر جهان بشمار میرود که باید بنیروی کار و کوشش مردم آن، آباد شود و موجبات تمتع از منابع سرشار طبیعی برای همه فراهم گردد. بدیهی است تادرمملکت افرادی تندرست و نیرومند وجود نداشته باشند که بتوانند چرخهای گردنده دستگاهها را بگردش درآورند، وصول بدین مقصود دشوار بلکه محال است. از اینرو تأمین وسائل بهداشت و تمهید مقدمات حفظ سلامت مردم از مسائل اساسی و حیاتی بشمار میرود.



انجمن دسته پرشکالی که از طرف سازمان شاهنشاهی استخدام شده

در سال ۱۳۲۶ که سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی بوجود آمد ، وضع رقت بار صد ها هزار تن مردمی که در گوشه و کنار کشور برای حفظ حیات خویش تلاش میکردند و با بیماریهای گوناگون دست بگریبان بودند و وسیله‌ای برای درمان در اختیار نداشتند ، مورد توجه و عنایت قرار گرفت و بهمین سبب تأسیس درمانگاهها در سرلوحه اقدامات سازمان جای گزید و این معنی ، در اساسنامه تصریح گردید و پیدرنگ قسمتی از فعالیت اجتماعی سازمان برای تحقق این منظور بکار افتاد . اکنون دهسال است که سازمان شاهنشاهی برای کفایت این مهم ، از همه امکانات موجود استفاده میکند و مجاهدتی مستمر بکار میبرد که بر شماره درمانگاهها بیفزاید و نواقص را از میان بردارد و وسائل را بیش از پیش تکمیل سازد . خوشبختانه مساعی جمیله سازمان ، نتایجی امیدبخش در پی داشته است و نیز از آینده‌ای بهتر نوید میدهد . امروز هفتاد مؤسسه درمانی و بهداشتی سازمان ، در نقاطی قرار دارد که ازدوردست‌ترین و بی‌وسيله‌ترین مناطق این آب و خاک بشمار میرود و بالغ بر صدها هزار بیمار و رنجور ، در مدت سال باین مؤسسات رجوع میکنند و برایگان معاینه میشوند و دارو دریافت میدارند و در صورت لزوم تحت عمل



دو سفارت ایران در آلمان ، همکاری که برای خدمت در ایران استخدام شده‌اند ، قرارداد استخدام خود را امضاء میکنند

جراحی قرار میگیرند. این جمع کثیر، ازمرهٔ مردمی هستند که پیش از تأسیس درمانگاههای سازمان، جانشان در گرو مرگ بود و اینک هستی خویش را از خطر هلاک مصون می یابند.

از روز ۲۲ دی ماه ۱۳۲۶ که نخستین درمانگاه سازمان شاهنشاهی در طاهر گوراب گیلان شروع بکار کرد تا امروز، این فعالیت ثمر بخش بلا انقطاع ادامه دارد و روز بروز بر وسعت دامنه آن افزوده میشود. سازمان شاهنشاهی، صرفنظر از تهیهٔ کامل وسائل فنی کار درمانگاهها و بیمارستانها، وسائل زندگانی و آسایش کارکنان را نیز از هر حیث فراهم نموده است. برای سکونت پزشک و ماما و سایر کارمندان درمانگاه، اتاقهایی اختصاص دارد. در هر درمانگاه موتور برق، یخچال و باد بزن برقی و سایر لوازم آسایش در دسترس است تا کارکنان بتوانند با رغبت کامل، در این نقاط دور افتاده سکونت کنند و برای دلسردی، بهانه ای نداشته باشند. حقوقی هم که برای پزشکان و کارکنان منظور شده، تاحال در ایران سابقه نداشته



نخستین گروه پزشکی که از آلمان با خانواده های خود تهران آمدند و در درمانگاههای سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی بکار پرداختند

است و در حقیقت میزان حقوق معمول زمان ، بعدی قابل توجه بالا رفته است تا از این حیث نیز جای اعتراضی در میان نباشد.

در آغاز کار، گروهی از پزشکان ایرانی بدعوت سازمان برای خدمت ، پاسخ مثبت دادند و در درمانگاهها بکار مشغول شدند ولی چون برای تعدادی از درمانگاهها، داوطلب

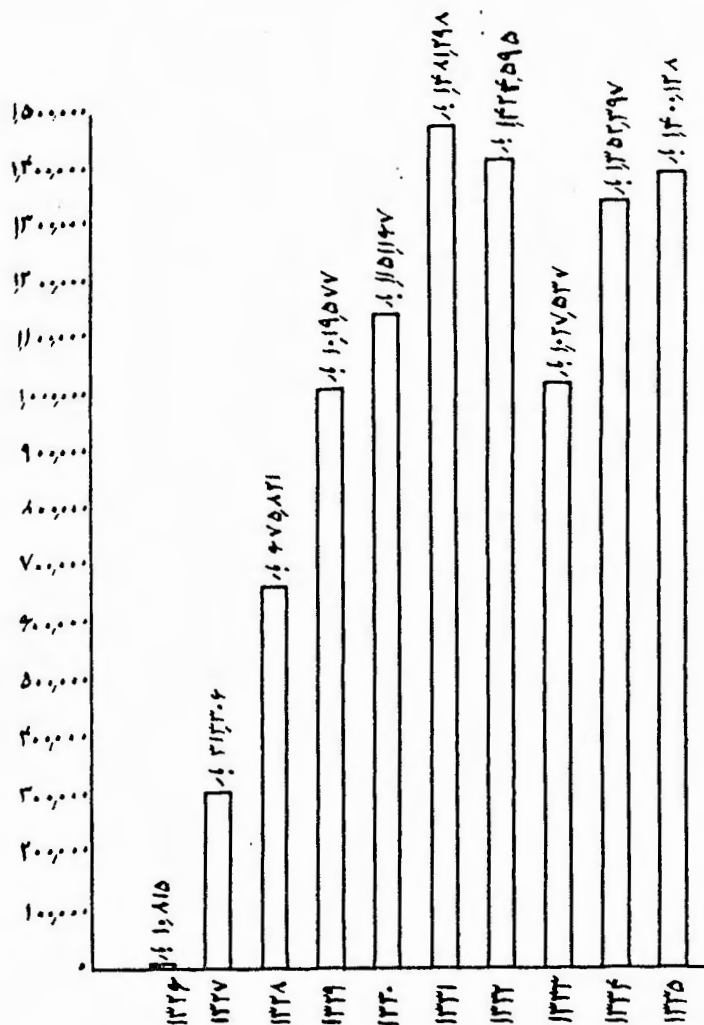


گروهی از پزشکان اطریشی و خانواده آنها که با استخدام سازمان فاهنشاهی درآمدند ، هنگامیکه وارد تهران شده بودند

خدمتی نبود و سازمان نیز نمیتوانست مؤسسات خود را عاطل و باطل بگذارد ، ناچار دست با اقدام بی سابقه دیگری زد و جمعی از پزشکان آلمانی و اطریشی را ، با همان حقوق و مزایاییکه برای پزشکان ایرانی منظور داشته بود ، برای خدمت در دهات و قراء و قصبات ایران استخدام نمود و بایران آورد و به نقاط دور دست روانه کرد . اما خوشبختانه امروز دیگر احتیاجی با استخدام پزشکان خارجی نیست ، زیرا پزشکان جوان ما گروه گروه برای خدمت در مؤسسات سازمان مراجعه میکنند و همیشه احتیاجات سازمان از این لحاظ ، بشایسته ترین طریق تأمین است .

یک نکته قابل ذکر دیگر که حسن استقبال عموم مردم را از تأسیس درمانگاهها نشان میدهد ، اینست که در دهسال پیش گروهی از مردم باور نمیکردند دستگاهی بتواند آنچه میگوید عمل کند و قول و فعل را بهم بیامیزد . آنان تصور میکردند که ساختمان در مانگاههای سازمان نیز ، از جمله هزاران وعده ایست که هر روز بمردم داده میشود و هرگز صورت عمل نخواهد یافت ، و یا اگر ساختمانی ساخته شود ، مانند آنچه در بعضی نقاط ساخته شده است ، مدت ها متروک خواهد ماند و بر اثر آفتاب و باران از هم فرو خواهد ریخت ، از اینرو با اقدامات سازمان با نظر شک و تردید مینگریستند . پس از آنکه سالی چند برآمد و مردم نقاط مختلف ، درمانگاهها را ساخته و پرداخته یافتند و نیز مشاهده کردند که حتی یکی از آنها بی استفاده نمانده است و روز بروز نسبت به تهیه وسائل کار و پیشرفت امور ، جهد وافی مبذول می گردد ، آنگاه بخود آمدند و در راه کمک بسازمان بر هم سبقت جستند . همان مردمی که در دهسال پیش ، از واگذاری دو هزار متر زمین بایر که حتی دوهزار ریال ارزش نداشت برای ایجاد درمانگاه مضایقه میکردند ، رفته رفته بسازمان آمدند و حاضر شدند نه تنها زمین و آب بدهند ، بلکه مبلغی نیز برای ساختمان درمانگاه کمک کنند . معدودی از آنان نیز قبول کردند که طبق نقشه سازمان ، درمانگاهی را با هزینه بیش از یک میلیون ریال بسازند و بسازمان واگذار کنند . بدین ترتیب امروز قریب یک هزار پیشنهاد از اینگونه افراد نوع دوست و نیکوکار در سازمان وجود دارد که آمادگی خود را برای اهداء زمین و کمک بساختن اعلام داشته اند ، ولی متأسفانه سازمان بعلت عدم تکافوی بودجه خود برای اداره اینهمه درمانگاه ، نتوانسته است این تقاضا ها را قبول کند و این خود بهترین نمودار توجه افکار عمومی با اقدامات مثبت و مؤثر سازمان است .

در این فصل ، از وضع و موقع جغرافیائی درمانگاهها و بیمارستانهای سازمان شاهنشاهی در نقاط مختلف کشور ، و نیز از مقررات اداری و وضع استخدامی کارکنان درمانگاهها ، مطالبی نگاشته خواهد شد .



نموداری از فعالیت دهساله درمانگاههای سازمان

نخستین کلنگی که برای ساختمان درمانگاهها بزمین زده شد

ساعت ده بعد ازظهر یکشنبه دهم مرداد ماه ۱۳۲۶ والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی نیابت ریاست عالیہ سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی، برای زدن نخستین کلنگ ساختمان اولین درمانگاه سازمان شاهنشاهی درنوبران، باتفاق جمعی ازرجال با راه آهن بطرف ساوه حرکت فرمودند وساعت هفت بامداد روز بعد، در ایستگاه انجیلاوند ازترن پیاده شدند. دراینجا آقای مرتضی قیصر یه بنمایندگی ازطرف اهالی خیرمقدم گفتند. در ساعت ده والاحضرت بوسیله اتومبیل وارد ساوه شدند. آقای سزاوار نماینده شهرستان ساوه، رؤساء ادارات ومعاریف شهر رامعرفی کردند و آقای میرشب فرماندار ساوه خطابه ای معروض داشتند که باینقرار خلاصه میشود:

والاحضرتا

اهالی وهمچنین کارمندان دولتی شهرستان ساوه افتخار دارند مقدم مبارك را که برای اولین بار باین سرزمین نزول اجلال فرموده وجان نثاران را قرین کمال افتخار ومباهات فرموده اند تبریک عرض نماید.

خوش آمدید - صفا آوردید - قدمتان بالای چشم.

شهرستان ساوه که دهها قرن پیش بوجود آمده و سرزمین حاصلخیز و پربرکتی است، متأسفانه امروز بواسطه عدم توجه، از نعمت عمران وآبادی و هرگونه وسائل زندگانی عقب ومحروم مانده است. دراین موقع که والاحضرت همایونی بمنظور زدن اولین کلنگ ساختمان درمانگاه سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی بساوه نزول اجلال فرموده اند، جان نثار اجازه میخواید که بطور اجمال مستدعیات اهالی شهرستان ساوه وعموم ساکنین حوزه خدمتگزاری خود را عرضه بدارد.

شهرستان ساوه فاقد تمام وسائل بهداشت است. در این شهرستان و توابع آن که ۱۷۰۰۰ نفر جمعیت دارد یک داروخانه یافت نمیشود و احتیاج مردم فقط از داروخانه مختصری که وزارت بهداشت تهیه کرده و برایگان دراختیار مردم گذارده است اداره میشود. شاید موجبات تأثر و تعجب والاحضرت معظم فراهم گردد چنانچه عرض شود این شهرستان ماما ندارد ومعلوم نیست سرنوشت مادران ونوزادان بیچاره چه خواهد بود.

امراض بومی این شهرستان تراخم و مالاریا و کچلی است و بیش از نصف مردم و مخصوصاً شاگردان مدارس، مبتلا باین امراض بوده و با نبودن وسایل معالجه، مردم از هرجهت در مضیقه هستند. فعلاً روزی قریب یکصد نفر مریض بداره بهداشتی مراجعه و داروی مجانی دریافت میدارند.....

اخیراً آقای مرتضی قیصر یه اقدام بساختن بیمارستانی در ساوه نموده که از نظر مبارك خواهد گذشت، چنانچه بیمارستان مزبور خاتمه و تکمیل گردد اطمینان حاصل است که قدم مفیدی برای شهر ساوه برداشته شده است.....

در موقع عزیمت چاکر برای فرمانداری ساوه ، از طرف اولیاء امور تأکید شده است که بدون درنگ قدمهای برجسته و نقشه های اصلاحی بمنظور آبادی شهر بکمک مالکین و طبق نظر انجمن شهر برداشته و بموقع اجراء گذارده شود که انشاء الله تعالی هر چه زودتر عملی و اجراء خواهد گردید .

در خاتمه از پیشگاه والاحضرت معظم استدعا دارد که اوامر مبارک دائر بر انجام مستدعیات اهالی این شهرستان که از هر لحاظ بمراحم عالیّه آن شاهزاده خانم نیکوکار نیازمندند شرفصدور یابد .

زنده و پاینده باد اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ارواحنا فداء .

آنگاه آقای مرتضی قیصریه گفتند که ایشان چند سال است که بدستور پدرشان، درصدد تأسیس بیمارستانی در ساوه هستند که گنجایش سی تخت داشته باشد و از والاحضرت استدعا کردند نخستین کلنگ بنای این بیمارستان را بزمین بزنند . والاحضرت نیز پس از انجام این مراسم اظهار امیدواری فرمودند که بزودی بیمارستان مزبور دائر گردد . سپس والاحضرت بسمت نوبران حرکت کردند . در آنجا سواران شاهسون و مردم قراء مجاور منتظر مقدم والاحضرت بودند . در قطعه زمینی که از طرف آقای اسماعیل نادری نوبرانی برای ساختمان درمانگاه واگذار شده بود، چادری برپا ساخته بودند که والاحضرت و همراهان بآن وارد شدند . در این وقت مسابقه کشتی و چند برنامه رقص و ساز و آواز محلی دسته جمعی انجام شد . آنگاه آقای دکتر آشتیانی مدیر عامل سازمان بیاناتی باینشرح ایراد نمودند :

والاحضرتا

امروز در این ساعت مسعود، آئین تشریفات ساختمان نخستین درمانگاه سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی صورت عمل می پذیرد و نخستین کلنگ بنام نامی اعلیحضرت همایون شاهنشاه ریاست عالیّه سازمان بدست مبارک والاحضرت نیابت ریاست عالیّه بر زمین زده میشود .

چاکر وظیفه خود میدانده که از طرف کلیّه کارمندان سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی حصول این توفیق بزرگ را در راه خدمت بخلق ، بحضور مبارک تبریک و تهنیت عرض کند و بقای وجود خاندان جلیل سلطنت را که همواره منبع سرشار عطوفت و فیض و سرچشمه فیاض خیر و برکت میباشد از خداوند متعال بخواهد .

بی شک امروز هیچکس باندازه خود والاحضرت از این جریان مسرور و خوشحال نیست . زیرا در انجام یافتن این منظور و عملی ساختن این فکر، هیچکس بقدر خود وجود مبارک سعی و مجاهدت نکرده است .

والاحضرت امروز نتیجه چندین ماه مطالعه و بحث و زحمت و پشتکار خود را که در راه اجرای منویات شاهنشاه رعیت پرور مردم دوست در تهران تحمل فرموده اند ، بچشم خویش در نوبران ساوه مشاهده و ملاحظه میفرمایند .

این دقت نظر و سرعت عملی که در اجرای اساسنامه سازمان شاهنشاهی معمول شده است ، اگر در کشور ما بی سابقه و نظیر نباشد ، لااقل بسیار نادر و شگفت انگیز است .

از عمر این دستگاه نیکوکاری که بنام سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی بکار افتاده

است، بیش از چندماه نمیگذرد و اینک، اولین ماده اساسنامه مصوب آن که ایجاد درمانگاه در نقاط مختلف کشور است صورت تحقق می‌پذیرد.

قابل انکار نیست که این نهال برومند و تازه، بسیارزود ببارنشست و نخستین میوه پخته و شیرین آن، زودتر از آنچه بتصور می‌گنجید بدست آمد. کسانی که از نزدیک بروش پسندیده کار و علاقه مفرط والا حضرت بامور خیریه آشنا هستند، جز این دم انتظاری نداشتند زیرا می‌دانستند باغبانی دلسوز و کاردان از این نهال مواظبت و مراقبت بعمل می‌آورد و دقیقه از پرورش آن غفلت نمی‌ورزد.

این درمانگاه که اکنون در سرزمین نوبران پی‌افکنده میشود، یکی از پنجاه درمانگاهی است که در نقاط مختلف کشور، از امروز شروع بساختن آنها خواهد شد. قرارداد ساختمان این درمانگاهها روز پنجشنبه ۱۱ تیر ۱۳۲۶ با شرکت ساختمانهای کشوری و شرکت ساختمانی ستاب منعقد گردید. و بعد هر دو شرکت بطریقی دوستانه ساختمان آنها را بین خود تقسیم کردند و از این قرار بهره‌ر شرکت، ۲۵ در مانگاه محول گردید و ساختمان در مانگاه نوبران نصیب شرکت ساختمانهای کشوری شد. از روز انعقاد قرارداد تا امروز که ساختمان شروع میشود، سی روز فاصله شده است و ملاحظه می‌فرمایند که اوامر مطاع ملوکانه و الاحضرت با چه سرعت انجام گرفته است و خدمتگزاران سازمان با چه شوق و شمعفی در این راه بذل جهد کرده اند. این پنجاه درمانگاه در پنجاه نقطه از این کشور پهناور بزودی ساخته و پرداخته خواهد شد و پس از مجهز شدن بلوازم و اثاثیه فنی، بکار خواهد افتاد و بروز و شب محل مراجعه عده از مردم بینوا و بیماران تهیدست خواهد گردید، یعنی مستمندان و دردمندانی که در گوشه و کنار این دهات و قصبات به پزشک و دارو دسترس ندارند و ناله جانگداز عزیزان محترشان در دل شب، در سکوت آسمان و زمین محو و نابود میشود و دادرسی نمی‌یابند.

زمین این درمانگاه از طرف یکی از نیکوکاران محل، یعنی آقای اسمعیل نادری نوبرانی بسازمان تقدیم شده و سند انتقال آن در ۱۹ خرداد ۱۳۲۶ تنظیم یافته است. زمین به مساحت ۲۴۰۰ متر مربع یعنی ۶۰ متر در ۴۰ متر و در طرف مغرب مرزعه حسین آباد معروف بمزرعه یشکی کاریز واقع شده است.

ساختمان درمانگاه طبق نقشه مصوب دارای دو قسمت است: یکی ساختمان اصلی که ۲۰۰ متر زمین زیر بنا دارد، دارای ۵ اطاق مسکونی و یک آشپزخانه برای سکنای پزشک و ماما و پرستار و چهار اطاق کار برای درمانگاه و یک حمام. دیگری ساختمان فرعی که ۶۰ متر زمین را اشغال میکند و مسکن مستخدم و باغبان و سرایدار و انبار لوازم و اثاثیه است.

هزینه ساختمان طبق قرارداد، در حدود پانصد و پنجاه هزار ریال برآورد شده است.

برای آنکه موقع جغرافیائی محلی که درمانگاه در آنجا ساخته میشود معین گردد بعرض میرساند: نوبران بموجب قانون تقسیمات کشور یکی از بخشهای تابع شهرستان ساوه است که تعداد نفوس تقریبی آن ۱۷۴۶۸۰ تن و تعداد دهات تابع آن ۸۷ دیه میباشد. خود نوبران که مرکز بخش است در حدود ۳۴۰۰ تن جمعیت دارد.

بنابراین ملاحظه می‌فرمایند که ایجاد چنین درمانگاهی در این بخش پر جمعیت تا چه اندازه ضروری و واجب بشمار می‌آید و مورد نیاز چه عده از مردم زحمت کش دهات حاصلخیز است. چاکر یقین دارم که تمام زنان و مردانی که از ثمرات خیر و برکت این اقدام شاهانه بدست مبارک والا حضرت برخوردار میشوند، بروز و شب بی‌ریب و دریا بوجود مقدس بانیان عالم مقام و ارجعند این اساس صادقانه و صمیمانه دعا خواهند کرد.

اکنون وظیفه توانگران و ثروتمندان ساوه و دهات مجاور است که به پیروی از منویات عالیله شاهنشاه رعیت پرور و شاهزاده خانم نوحه دوست، دور یکدیگر فراهم آیند و ششم سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی را در این ناحیه تشکیل دهند و طبق اسانامه متین و برنامه منظم بکار پردازند و برای دایر ساختن و نگاهداشتن این درمانگاه، از ایشار مال و پذل منال کوتاهی نکنند و بدانند که تنها با ساختمان این درمانگاه کار تمام نشده است، اساس کار و عمده مقصود دایر ساختن و دایر نگاهداشتن این درمانگاه است و این امر ممکن نیست مگر آنکه درمانگاه درآمد ثابت داشته باشد که ماهانه بمصارف لازم برسد.



والاحضرت شاهدخت امیری پهلوی نخستین کنگ درمانگاه سازمان شاهنشاهی را
در لوبلان بر زمین میزنند

ملاکین و بازرگانان و توانگران این حدود، باید هزینه نگاهداری این درمانگاه را بین خود سرشکن کنند و از وجوه خیرات و میراث که در راه خدا اتفاق میکنند بپردازند و خود در مصرف آن از نزدیک نظارت دقیق نمایند که دیناری حیف و میل نشود. امثال این سامان باید در حقیقت امانت گرانیهائی را که خاندان جلیل سلطنت بآنان مرحمت فرموده‌اند، چون جان خود عزیز و گرامی بدارند و با مدد های مادی و معنوی خود، روز بروز برونی و شکوه آن بیفزایند و هر فردی خود را موظف و مکلف بدانند که در حدود توانائی خود باین دستگاه وقوام روز افزون آن خدمت و کمک کند.

نکته دیگری را که باید به مردم این سامان خاطر نشان ساخت این است که سازمان علاوه بر ایجاد درمانگاه و رسیدگی بحال بیماران تهیدست، وظائف و تکالیف بیشماری دارد که همه آنها در راه خدمت به مردم و تأمین آسایش طبقه زحمت کش و مستمند است. بنا بر این هنگامیکه شما مردم از هیچگونه مساعدت با سازمان دریغ روا نداشته‌اید، سازمان نیز بخدمتگزاری بیشتر تشویق خواهد شد و بانجام دادن امور دیگری که در رفاه حال توده اهالی ساوه مؤثر است خواهد پرداخت و بدین طریق پس از چندین سال در نتیجه اشتراك مساعی مردمان خیراندیش با سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی، اغلب دردهای جامعه این ناحیه بدرمان خواهد رسید و آثار بهبود در شئون اجتماعی این سامان پدیدار خواهد شد.

تنها در اینصورت است که شما عملاً ثابت میکنید که شاهزاده خانم ارجمند، یعنی والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی حق داشته‌اند بنمایندگی از طرف شاهنشاه و برادر تاجدار خود در این گرمای طاقت فرسا رنج سفر را بر خویشان هموار فرمایند و شخصاً در اینجا حضور بهم رسانند و اولین کلنگ ساختمان درمانگاه را بدست مبارک خود در سرزمین شما بزنند.

اینجانب رجاء واثق دارد که شما مردم ساوه و نوبران، در آینده نشان خواهید داد که لایق و سزاوار این لطف و مرحمت شاهنشاه و عطا و مکرمت والا حضرت بوده‌اید.

بعد آقای سزاوار مراتب حق شناسی اهالی ساوه را اعلام داشتند و والا حضرت فرمودند:

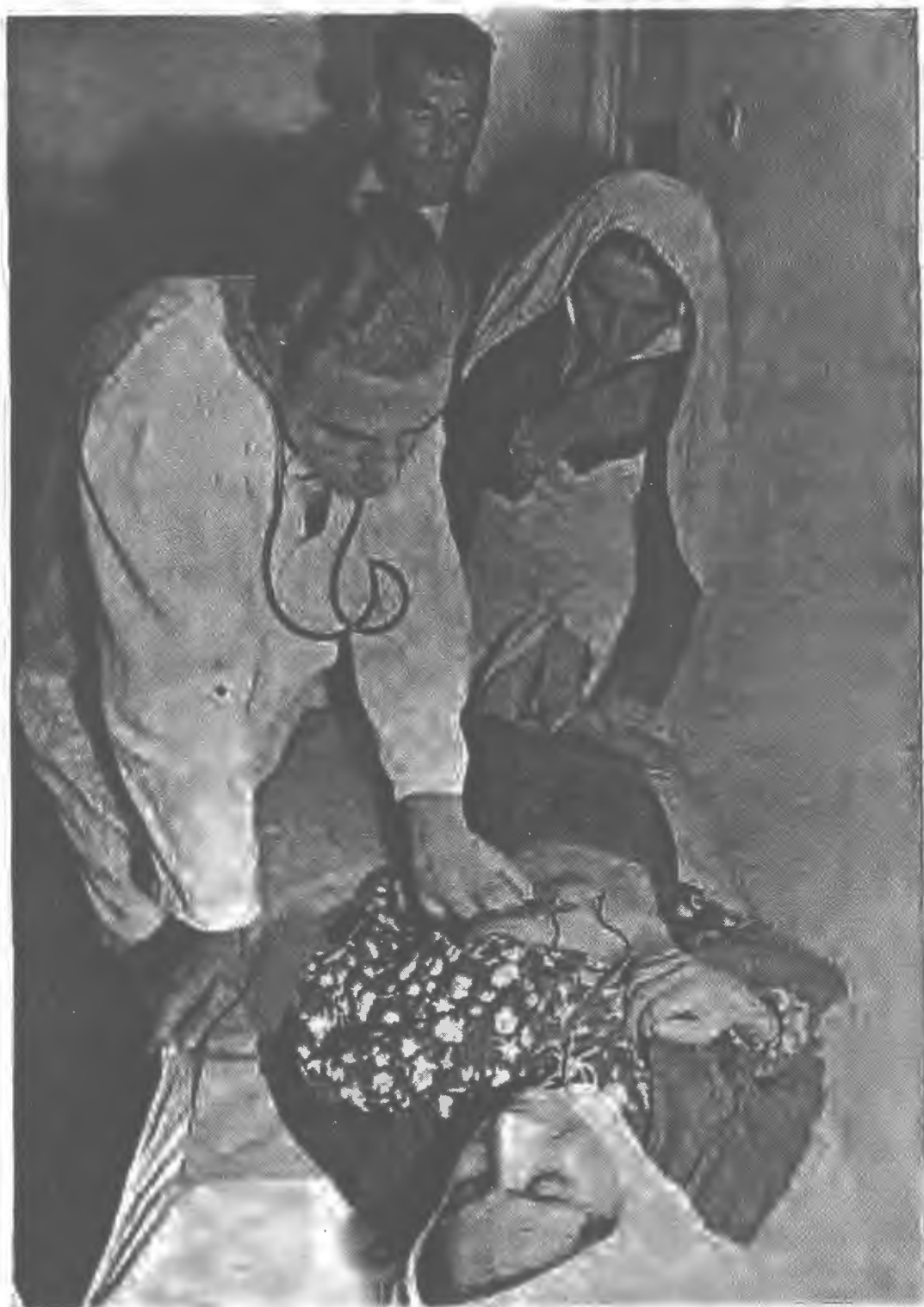
خیلی خوشحالم که امروز میتوانم یکی از آرزوهای دیرین اعلیحضرت همایون شاهنشاه برادر تاجدارم را در این محل بمرحله عمل در آورم و برای توسعه امر بهداشت کشور قدمی بردارم. سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی که چند ماهی پیش از عمر آن نگذشته، توجه کافی و مستمر بامر بهداشت را یکی از هدفهای عمده خود قرار داده است. همانطور که در گزارش مدیر عامل سازمان اشاره شده بود، فعلاً در نظر است پنجاه درمانگاه در نقاط مختلف کشور دائر شود. ولی این کار، چندان آسان نخواهد یافت و بتدریج درمانگاههای دیگری نیز در نقاطی که احتیاج دارند ایجاد خواهد شد. همچنین برای سایر امور بهداشتی از طرف سازمان شاهنشاهی اقدامات دیگر طبق برنامه هائیکه اینک تهیه شده و یا درست تنظیم است، بعمل خواهد آمد. در مورد اصلاحات عمرانی شهرستان ساوه نیز بدیهی است بمتصدیان امور توصیه‌های

لازم خواهد شد، ولی باید اهالی این شهرستان در مرحله اول خودشان در صدد عمران و آبادی محل سکونت خویش و تأمین وسائل رفاه و آسایش خود باشند و برای حصول این مقصود باید با سازمانهای دولتی و مؤسساتی که برای آنها کار میکنند، کمال همکاری و مساعدت را بنمایند و باین طریق راهی را که سعادت آنها منتهی خواهد شد، خود با دست خود هموار سازند.

اینک با تأییدات خداوند متعال، بنام اعلی حضرت همایون شاهنشاه، کلنگ ساختمان اولین درمانگاه سازمان را بر زمین میزنم و امیدوارم تأمین موجبات سلامت افراد این منطقه را بدنبال داشته باشد.

پس از آن والا حضرت، نخستین کلنگ را بر زمین زدند و حاضرین شادیا کردند. والا حضرت پس از آنکه کی توقف بجمشید آباد مراجعت نمودند و شب، از ایستگاه انجیلاوند بوسیله قطار بتهران بازگشتند. باین طریق مسافرتی کوتاه و ساده، برای مردم ساوه و نوبران خیر و برکت همراه آورد و با زدن این کلنگ بر زمین، رشته ای عظیم از فعالیتهای ثمر بخش سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی آغاز شد.





يك پزشك آلمانی ، بیماری را که بدرماتگاه مراجعه کرده ، مورد معاینه قرار داده است

مهران

استان مرکزی

۱ - درمانگاه آسیابك زرنده

۲ - درمانگاه رودبار الموت

۳ - بیمارستان و درمانگاه نكونی

۴ - درمانگاه نوبران ساوه



آسیابک

تاریخ افتتاح : ۳۱ رهر ۱۳۴۴

آسیابک ، یکی از دیه های نسبتاً دایر و پر جمعیت بخش زرند است. این قریه در شمال مأمونیه (مرکز بخش زرند) و در فاصله سه کیلومتری آن واقع شده است .

جمعیت آن بالغ بر ۳۰۰۰ تن ، و محصولات عمده آن غلات و صیفی و پنبه است .

آب آسیابک ، از قنوات تأمین میشود و لب شور است .

ساختمان درمانگاه آسیابک بوسیله یکی از نیکوکاران محل ، آقای حسین کشاورزی انجام گرفته و بسازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی واگذار شده است .



یکی از هزاران بیماری که هر روز بدرمانگاههای سازمان مراجعه میکنند

بیماریهای شایع در آنجا عبارتست

از رماتیسم - اگزما - کچلی - تب مالت - تراخم و برنشیت حاد .

روزانه بطور متوسط ۷۵ بیمار

بدرمانگاه مراجعه مینمایند .

در آسیابک بهداری وجود ندارد .

در درمانگاه سازمان یک پزشک -

دو پزشکیار - یک پرستار - یک خدمتگزار

و یک باغبان انجام وظیفه مینمایند .

رؤوبارالموت

تاریخ افتتاح : ۱۸/۱/۱۳۲۷

این درمانگاه در قریه معلم کلایه ، از دیه های دهستان الموت بنا شده است . معلم کلایه تابع شهرستان قزوین ، و در ۴۵ کیلومتری شمال آن شهر واقع شده و منطقه ایست کوهستانی و سردسیر ، در حدود ششصد تن جمعیت دارد . آب آن از سیه چشمه ، و در بهار از رودخانه بخش کلایه تأمین میشود . محصول عمده محل عبارتست از غلات - حبوبات - ارزن - گرد و صیفی ، و غالب مردم بکشاورزی مشغولند . جمعیت تقریبی دهات و مزارع اطراف رود بارالموت قریب ۳۵ هزار تن است . راه رود بارالموت مالرواست و بواسطه بدی راه ، خود اهالی هم بدشواری آمد و شد میکنند ، و در زمستان و بخصوص مواقعی که برف باریده است ، عبور و مرور بکلی قطع میشود . بیماریهای شایع ، در درجه اول طفیلی های اسماء و در درجه دوم بیماریهای پوستی و مالاریا است . کوفت و تراخم در این منطقه خیلی کم مشاهده شده است .

روزانه بطور متوسط ۴ الی ۵ تن بیمار بدرمانگاه مراجعه مینمایند .

در این منطقه سازمان بهداری وجود دارد .

درمانگاه دارای یک پزشک - یک پزشکیار - دو پرستار محلی - یک خدمتگزار و یک

باغبان است .



پرنك درمانگاه بیمار را معاینه میکند

نکوئی

تاریخ افتتاح: ۱۳۳۵/۱۲/۸

برای افتتاح بیمارستان نکوئی، به‌امداد چهارشنبه هشتم اسفند ماه ۱۳۳۵، کاروانی بسوی قم عزیمت کرد که مرکب بود از جناب آقای علاء نخست وزیر وقت و نایب رئیس سازمان شاهنشاهی، چندتن از آقایان وزیران و نمایندگان مجلسین سنا و شورا و جمع دیگری از رجال و معارفی که توسط سازمان شاهنشاهی دعوت شده بودند. پس از اجتماع کلیه مدعوین در بیمارستان، مقارن ساعت یازده آقای دکتر آشتیانی مدیر عامل سازمان گزارشی بشروح زیر قرائت کردند:



منظره‌ای از بنای بیمارستان

جناب آقای نخست وزیر - آقایان محترم

قریب سه سال پیش ، یعنی در سال ۱۳۳۳ آقای مسعود نکوئی فرزند مرحوم علی اکبر نکوئی از روی کمال حسن نیت و علو همت مصمم شدند که از محل دارائی مرحوم پدر خود در راه خیرات و مبرات ، تکالیف اجتماعی و وظائف شرعی خود را انجام دهند . بدین منظور بمحض شریف حضرت آیت الله العظمی آقای بروجردی مدظله تشریف حاصل کردند و قصد و آرزوی خود را معروض داشتند .

حضرت آیت الله اینطور مصلحت دانستند که آقای نکوئی آنچه را باید بعنوان سهم امام بپردازند ، بساختن بیمارستانی در جنوب شهر قم اختصاص دهند تا مردم مستمند این ناحیه بتوانند در مواقع بیماری بآنجا مراجعه کنند و درمان شوند .

آقای نکوئی بانجام این مقصود کمر همت بستند و برای آنکه ساختمان بیمارستان طبق موازین و اصول فنی انجام گیرد و اداره و مخارج آن در آینده بوسیله مقام صلاحیت دار تأمین شود ، بسازمان شاهنشاهی مراجعه نمودند . مراتب از شرف عرض پیشگاه مبارک ملوکانه گذشت و مقرر فرمودند سازمان ، این وظیفه را برعهده گیرد . در ساختمان بیمارستان نظارت نماید و پس از اتمام بنا آنرا تحویل گیرد و مجهز سازد و برای بودجه سالانه آن اعتبار کافی تأمین کند و آنرا مورد استفاده بیماران مستمند قرار دهد . در اجرای این امر خیر ، سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی بکار پرداخت . نقشه ساختمان بیمارستان بوسیله آقایان مهندس فروغی و مهندس افخمی تنظیم یافت و در تاریخ بیستم فروردین ۱۳۳۳ در محلی که حضرت آیت الله العظمی آقای بروجردی تعیین فرموده بودند ، نخستین کلنگ شروع ساختمان بوسیله جناب آقای علاء وزیر دربار شاهنشاهی ، در حضور وجوه معارف شهرستان قم بزمین زده شد . از آن پس ساختمان بیمارستان طبق نقشه و با نظارت دقیق سازمان و آقای مسعود نکوئی پیشرفت و آقای نکوئی در حدود ۱۱,۵۳۷,۸۱۸ ریال مخارج آنرا سرور پرداختند . از این مبلغ ۳,۶۰۰,۰۰۰ ریال سهم امام

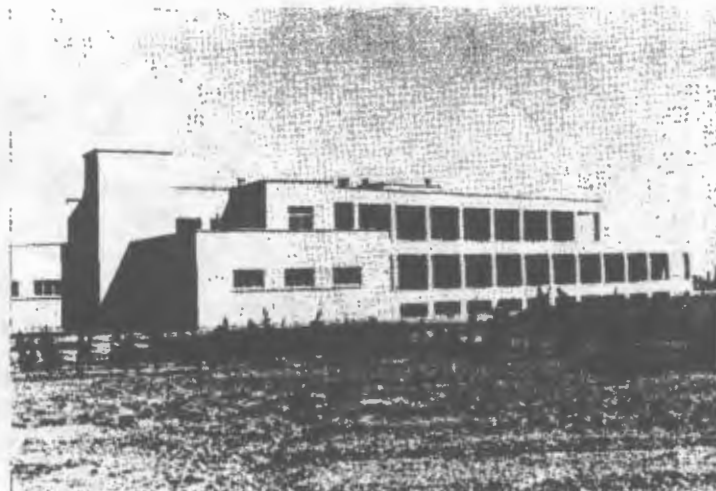


هنگام ورود به بیمارستان برای انجام مراسم بنایش

است که بمحض شریف حضرت آیت الله تقدیم شده بود و معظم له آنرا بمنظور ساختمان بیمارستان مسترد فرمودند و بقیه آنرا آقای نکویی از کیسه فتوت خود بمصرف رسانیدند . برای تجهیز بیمارستان و خرید اثاثیه و لوازم ضروری آن، وزارت بهداری از روی کمال حسن نیت موافقت کرد که سازمان برنامه مبلغ پنج میلیون ریال از محل اعتبارات امور بهداشتی مربوط بآن وزارتخانه را در اختیار سازمان شاهنشاهی بگذارد و از طرف سازمان برنامه این پیشنهاد باحسن قبول تلقی شد و بدین ترتیب از محل مزبور با نظارت خود سازمان برنامه اثاثیه و لوازم بیمارستان خریداری گردید .

چون محل این بیمارستان بامركز شهر بوسيله كوچه هاى تنگ و پر پیچ و خم ارتباط داشت كه بهیچوجه وسائل نقلیه نمیتوانست از آنها عبور كند ، شهرداری قم مصمم شد خیابان آذر را تا جلوى بیمارستان ادامه دهد . اینكار با خرید خانه ها و خراب کردن آنها انجام گرفت و بیمارستان بوسيله خیابانى عریض بمرکز شهر اتصال یافت . برای رفع نواقص بیمارستان ، سازمان شاهنشاهی نیز از بودجه خود مبلغ ۳,۷۳۰,۰۰۰ ریال بمنظور احداث يك حلقه چاه عمیق و نصب تلمبه و خرید دستگاه رادیولوژی و دارو و مخارج متفرقه دیگر بمصرف رسانید و بودجه بیمارستان را از در آمد خود بمیزان سالانه ۶,۰۰۰,۰۰۰ ریال تأمین ساخت و سپس جراح و پزشك و پزشكیار و كارمندان فنى را با دقت كامل انتخاب و استخدام نمود .

بدین طریق با اشتراك مساعی عده ای از مردم خیر خواه و نیکو كار ، پس از دوسال بیمارستانی مجهز بشمار وسائل كار در این شهر مقدس كه ملجاء و مأمن مردم مسلمان و مرجع و مجمع روحانیت جهان اسلام است ساخته و دایر گردید و اینجانب وظیفه دارد مراتب سپاسگزاری از اینهمه عنايات و توجهات را به پیشگاه مبارك اعلیحضرت همایون شاهنشاه تقدیم بدارد و مخصوصاً از محضر شریف حضرت آیت الله عظمی آقای بروجردى مدظله كه در حقیقت بانى و مؤسس این امر خیر بوده اند ، سپاسگزار باشد و از جناب آقای نخست وزیر نیز كه باكثرت گرفتاری همواره در پیشرفت این مقصود نظر مساعد داشتند و قبول زحمت فرموده هم در شروع وهم در خاتمه ساختمان ، باین محل تشریف آورده اند تشكر كند . بدیهی است كه خیر عظیم این اقدام نثار روح مرحوم على اكبر نكوى است كه چنین عاقبت مسعودى را برای خود تأمین



نمای جنوبی بیمارستان

کرد و خلفی پاك طينت و بلند همت مانند آقای مسعود نكوفی از خود بیادگار گذاشت که نيات پاك پدر خود را بنحو اكمل و اتم صورت تحقق بخشیده است . در اینجا نمیتواند از ذكر نام جناب آقای محمد مهران استاندار فعلی بلوچستان خودداری کند ، زیرا ایشان با شور و شغفی بسیار ، برای تمهید مقدمات کار احداث این بیمارستان سعی و کوشش فراوان مبذول داشتند که هیچگاه نمیتوان آنرا فراموش کرد . بدیهی است وزارت بهداشت و شخص آقای دکتر صالح و سازمان برنامه و شخص آقای ابتهاج نیز بنوبه خود از مساعدت دریغ روا نداشته اند و کمکهای آنان و نیز مساعدتهای وزارت کشور و اولیای امور محلی و کلیه کسانی که در این راه قدمی بر داشته اند موجب کمال قدردانی و امتنان است .

برای آنکه از کمیت و کیفیت اینکار اطلاعاتی در دست باشد ، بطور مختصر فهرست وار بعرض میرساند :

محوطه بیمارستان در حدود هیجده هزار متر مربع است که سه هزار و هفتصد متر آن زیر بنای سه طبقه قرار دارد .

این ساختمان دارای سه طبقه و ۱۶۵ اتاق و هر طبقه شامل ۳ حمام با وان و دوش است . حرارت بنا بوسیله دستگاه حرارت مرکزی تأمین میشود .

بیمارستان گنجایش ۸۰ تخت دارد که فعلاً ۷۰ تخت آن آماده و مهیا است .

آب این بیمارستان از چاه عمیق ۷۰ متری با لوله ۶ اینچی تأمین میشود .

روشنائی بیمارستان از برق شهر گرفته شده ، معهذرا برای پیش بینی در مواقع خاموشی ، یک موتور ۴۸ کیلواتی در بیمارستان نصب شده است .

ساختمان بیمارستان با مصالح خوب و با ارزان ترین قیمت ، یعنی هر متر مربع در حدود ۲۲۰۰ ریال تمام شده و مجموع هزینه ساختمان با منظور داشتن بهای زمین و مخارج دیوار کشی و محوطه سازی و نصب دستگاه حرارت مرکزی متجاوز از ۱۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال است .



دربخش رادیولوژی ، رئیس بیمارستان توضیحاتی میدهد

اینک با اظهار کمال تشکر از ذوات محترمی که قبول زحمت فرموده در این محل حضور بهمرسانیده اند، از جناب آقای علاء نخست وزیر تقاضا میشود بیمارستان را افتتاح و از قسمتهای مختلف آن بازدید فرمایند. بدیهی است بیمارستان نکوئی از فردا که با بعثت حضرت خاتم النبیین صلوات الله و سلامه علیه تصادف میکند و روزی مسعود و مبارک است، آماده و مهیای قبول بیماران خواهد بود.

از خداوند متعال مسئلت دارد که این خدمت را مورد قبول قرار دهد و به بانی و مؤسس آن، از مخزن کرم و عنایت خود اجر مرحمت فرماید.

پس از آن آقای دکتر قراگوزلور رئیس بیمارستان نیز درباره اداره و کارمندان و وسائل کار بیمارستان، اطلاعاتی دادند و سپس جناب آقای علاء ضمن تمجید از اقدام آقای نکوئی و کوشش سازمان شاهنشاهی در تأسیس بیمارستان، اظهار امیدواری کردند که این بیمارستان در آینده بتواند منشاء اثرات خیر و موجب تأمین بهداشت اهالی قم قرار گیرد.

آنگاه جناب آقای علاء و مدعوین، قسمتهای مختلف بیمارستان را بازدید کردند و در هر بخش، پزشک یا متصدی مربوط توضیحات کافی میداد. باین ترتیب در شب عید مبعث، بیمارستان نکوئی افتتاح و آماده بهره برداری شد.

آقای محمد مهران که از بنیان گزاران فکر ایجاد بیمارستان بودند، پس از مشاهده بیمارستان مزبور مطالبی مرقوم داشته اند که برای مزید اطلاع عیناً نقل میگردد.

« هنگام اقامت من در قم، آقای سید فخرالدین وفادوست دیرین من، مبلغ ۴۰۰۰۰۰۰ ریال با اختیار اینجانب گذاشته بودند که درمانگاهی بسازم و اینجانب در زمینی که بلامعارض



آقای مسعود نکوئی در میان جمعی از کارکنان بیمارستان

بود ، در محله فقیر نشین قم ، بالای مسجد جامع این درمانگاه را ساختم و آماده بهره برداری نمودم . در این ایام حضرت آیت الله بروجردی ، آقای مسعود نکوئی را نزد اینجانب فرستادند و مبلغ ۳,۶۰۰,۰۰۰ ریال که ایشان بنام سهم امام تقدیم معظم له نموده بودند ، برای ساختمان بیمارستان اختصاص فرمودند . بتدریج ۲۶ هزار متر مربع زمین از قرارمتری ۶ الی ۱۴ ریال در انتها الیه خیابان آذر خریداری شد و حسب الامر ذات مبارک ملوکانه ، ساختمان و اداره این بیمارستان که بنام نکوئی نام گذاری شد ، سازمان شاهنشاهی واگذار گردید . ساختمان بیمارستان با سرعت غیرمنتظره ای پیشرفت کرد و در نقشه آن ، چاه عمیق و شوقاژ سانترال هم پیش بینی شد و مخارج آن در حدود ده میلیون ریال برآورد شد . برای تأمین بقیه مخارج ، از طرف آقای مسعود نکوئی ۲,۵۰۰,۰۰۰ ریال بعنوان رد مظالم تقدیم آیت الله گردید و پس از انجام تشریفات ، اختصاص ساختمان بیمارستان داده شد و چون باز کفایت نمینمود ، بنا بتجویز حضرت آیت الله ، از محل عوائد ثلث مرحوم نکوئی استفاده شد . از آقای مسعود نکوئی سپاسگزارم که باینکه وجه کافی



باردید از اطاق عمل

در اختیار نداشت ، مبلغی وام گرفت و بمصرف رسانید . سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی متعاقب تأمین مخارج ساختمان بیمارستان ، در تأمین مخارج مجهز ساختن آن بوسیله سازمان برنامه اقدام کرد و خوشبختانه سازمان برنامه ، پنج میلیون ریال برای این کار اختصاص داد و باختیار سازمان شاهنشاهی گذاشت و با کمال جدیت تمام لوازم بیمارستان ، که باید گفت از بهترین و مجهز ترین وسائل امروزه دنیاست ، تهیه و فراهم شد و در روز هشتم اسفند ماه ۱۳۳۵ بنام نامی

اعلی حضرت همایونی ، این بیمارستان مجهز در نقطه ای که اطراف آن مردم مستمند قم سکونت دارند و در مجاورت دهاتی که با دسترسی باین بیمارستان احتیاجات خود را رفع میکنند ، افتتاح یافت و بکار افتاد .

چون آرزو داشتم در مراسم افتتاح آن شرکت کنم ولی مقدور نشد ، ضمن تلگرافی به جناب آقای علاء ، احساسات خود را ابراز و از زحماتی که اولیاء محترم سازمان شاهنشاهی در این راه کشیده اند و خود ناظر تمام آن بودم ، عرض تشکر کردم و از یاد آوری که در خطابه افتتاحیه ، از این بنده مهجور شده بود ، صمیمانه امتنان دارم . روز ۲۱ اسفند برای دیدن این بیمارستان بقم رفتم و تمام قسمتهای آنرا از نزدیک مشاهده کردم . الحق و الانصاف از هر حیث موجبات



اطلاق عمل

رضایت همه مراجعه کنندگان فراهم و بیماران ، از سزپائی و بستری چنان شوق و شعفی داشتند که موجب شد از روی دل ، آقایان پزشکان و پزشکیاران و پرستاران و خدمتگذاران بیمارستان را بوسیدم ، و از خداوند متعال موفقیت این دستگاه عظیم را که در سر امر مملکت بداد درماندگان میرسد مسئلت کردم . خدمتگذاران سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی در جامعه مقامی فوق مخلوق و دون خالق دارند و این مرحله کمال انسانی است که خوشبختانه دستگاه سازمان بان رسیده است و باید هم اینطور باشد . زیرا رهبری شخص شاهنشاه عظیم الشان و سرپرستی والا حضرت نیکو کار شاهدخت اشرف پهلوی ، و عشق و علاقه هیئت محترم مدیره سازمان

که بهمه آنها صمیمانه ارادتمندم ، چنین اثر مطلوب و ثمربخشی برای جامعه ملت حق شناس ایران داشته و دارد ، و معتقدم که هر گاه هر فرد و هر دستگاهی بقدر حصه خود ، این اندازه مساعی برای رفاه جامعه بکار برد ، ایران عزیز ما بمجد و عظمت دیرین خود خواهد رسید .

در اینجا توصیه میکنم که ارباب مکتب ، متوجه حال مردم باشند و مانند آقای مسعود



بنای مرفی بیمارستان

نکوئی، چنین آثار بزرگ و خیری از خود بیادگار گذارند و نام خود را جاوید سازند. براستی شبی را که پس از مشاهده بیمارستان از قم بازگشتم، راحت خوابیدم و لذتی که از این دیدار بردم، در عمرم بیسابقه است.»

نوبران

تاریخ افتتاح : ۱۳۴۷/۱/۲۶

این درمانگاه ، نخستین درمانگاه هست که اولین کلنگ ساختمانی آن از طرف والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی نیابت ریاست عالییه ، در تاریخ ۲۶/۵/۱۳۴۷ طی تشریفات رسمی بر زمین زده شد .
نوبران ، قصبه مرکز بخش مزلقانچای ، تابع شهرستان ساوه و در ۶۰ کیلومتری باختر آن شهر ، و کنار راه عمومی ساوه بهمدان قرار گرفته و منطقه ایست کوهستانی و سردسیر ، دارای در حدود دو هزار و پانصد تن سکنه ترك زبان که بفارسی نیز آشنائی دارند . مذهب عمومی مردم ، شیعه و آب آنجا از ده رشته قنات کوچک و یک رشته بزرگ تأمین میگردد . محصول عمده آن غلات حبوبات - سیب زمینی و انواع میوه سرد سیری است . شغل اهالی زراعت است ، ولی جمعی از آنان برای تأمین معاش ، بتهران میآیند و در این شهر سکونت میکنند . قالی بافی از صنایع دستی زنان این منطقه است .

از این قصبه میتوان به رزن ومجدان ، بوسیله اتومبیل رفت و آمد کرد .
تعداد بیمارانی که در روز بدرمانگاه مراجعه میکنند ، بطور متوسط ۸۰ تن است .
در این منطقه سازمان بهداری وجود ندارد .
درمانگاه دارای یک پزشک - دو پزشکیار - یک پرستار و یک خدمتگزار است .



بنای درمانگاه نوبران

گیلان

استان اول

- ۱ - درمانگاه آشتیان
- ۲ - درمانگاه باز کبا گوراب
- ۳ - درمانگاه رضوانده
- ۴ - درمانگاه سعید آباد
- ۵ - درمانگاه شفت
- ۶ - بیمارستان و درمانگاه شهنار (زنجان)
- ۷ - درمانگاه طالقان
- ۸ - درمانگاه طاهر گوراب



آشتیان

تاریخ افتتاح : ۱۳۳۶/۱۰/۲۹

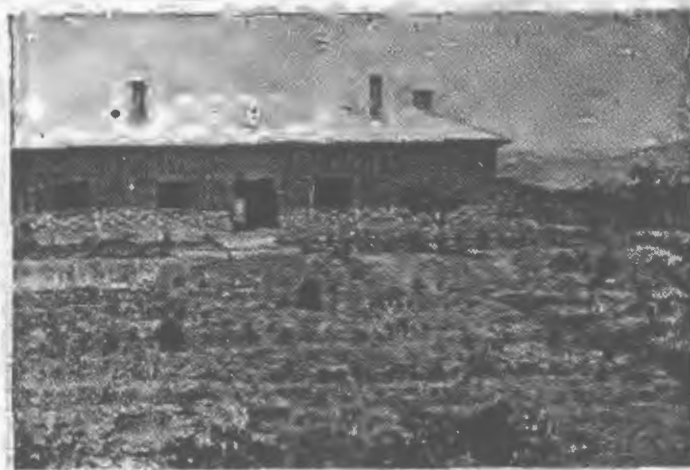
آشتیان ، مرکز دهستانی است از بخش طرخوران شهرستان اراک که در ۲۱ کیلومتری جنوب طرخوران ، سر راه شوسه فرعی قم به تفرش واقع شده است . منطقه ایست کوهستانی و سردسیر و دارای ۶۷۰۰ تن سکنه فارسی زبان شیعی مذهب .

آب آن از قنوات وزه آب رودخانه آهوتأمین میگردد . محصول عمده آن غلات و انواع میوه ، و شغل سکنه آن زراعت و گله داری است . از جمله صنایع دستی زنان آشتیان ، بافتن قالیچه های سرغوب است . مرکز تجارت پوست بره بخشهای تفرش و فراهان ، در این قصبه است و سالیانه بیش از صد هزار پوست بره از آن صادر میگردد . آشتیان در سرایشی تپه های مجاور رودخانه آهو واقع و عمارت آن تقریباً درداسنه ، رویهم قرار گرفته است . بیماریهای شایع بین اهالی ، تراخم - اگزما - رماتیسم و مالاریا است .

بطور متوسط روزانه ۷۰ الی ۸۰ تن بدرمانگاه مراجعه میکنند و داروی رایگان دریافت میدارند .

در این منطقه سازمان بهداشتی وجود دارد .

در درمانگاه یک پزشک - دو پرستار - یک خدمتگزار و یک باغبان خدمت میکنند .

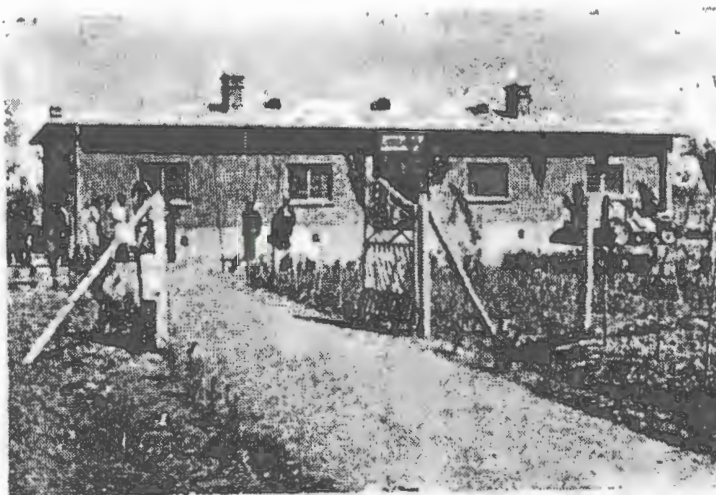


نمای درمانگاه آشتیان

درمانگاه

بازکیاگوراب

تاریخ افتتاح : ۱۳۳۶/۱۱/۲۶



نمایی از ساختمان درمانگاه در چند سال پیش

بازکیاگوراب

قصبه ای از دهستان
حومه بخش مرکزی
شهرستان لاهیجان و
در سه کیلومتری باختر
آن شهرستان ، سرسره
راهی واقع است . سر-
زمینی است جلگه‌ای ،
مرطوب و دارای ۲۵۰۰
تن سکنه شیعی مذهب



چند تن از کارکنان درمانگاه بازکیاگوراب

که بزبان فارسی و گیلکی تکلم میکنند . محصول آن برنج - ابریشم - چای و شغل عمومی ،
زراعت و صنعت دستی اهابی ، بافتن حصیر و زنبیل است .

راه شوسه سیاهگل از این قریه منشعب میشود . در این منطقه باغهای زیبای چای ،
و کارخانه چای خشک کنی و بیمارستان و بنا های مرغوب رعیتی قرار گرفته است . بیماریهای
شایع بین اهابی ، مالاریا - کچلی - کم خونی - تراخم و بمقدار کم ، کوفت است .



... و چند تن از بیمارانی که منتظر لوبت خود هستند .

روزانه بطور متوسط ۸۰ الی ۹۰ بیمار بدرمانگاه مراجعه میکنند .

در این منطقه سازمان بهداری موجود نیست .

یک پزشک - دو پزشکیار - سه پرستار - یک خدمتگزار و یک باغبان امور این درمانگاه را

اداره میکنند .

رضوانده

تاریخ افتتاح: ۱۳۳۶/۱۰/۲۳

رضوانده در منطقه طالش، میان بندر پهلوی و آستارا واقع است. مرکز طالش، قریه پونل است که در ۳۳ کیلومتری بندر پهلوی، سر راه شوسه پهلوی بآستارا است.

رامشوسه و اسفالت بندر پهلوی بآستارا، از وسط این بخش میگذرد، و رامآهن کم عرضی که برای حمل سنگ از پونل به کپورچال کشیده شده، در قسمت جنوبی این بخش واقع است.



دورنمایی از درمانگاه . . .

مرکز بخش، در آبادی پونل قرار دارد. سکنه یک قسمت از امن ناحیه شیعی مذهب و زبان مادریشان گیلکی است. اهالی طالش سنی شافعی هستند و زبان مادریشان طالشی است. جمع قراه بخش رضوانده، شصت آبادی و دارای در حدود ۲۴ هزار تن جمعیت است. درمانگاه سازمان در دیه رضوانده قرار دارد. آب مشروب و مزروعی آن از رودخانه شفارود تأمین میشود و محصول عمده آن برنج و صیفی است.

درجه هوا در تابستان، تا ۳۵ درجه بالای صفر، و در زمستان تا ۱۵ درجه زیر صفر میرسد.
بیماریهای شایع بین اهالی عبارت است از مالاریا - انواع طفیلی های امعاء - رماتیسم و تراخم.



... و منظره ای از اطراف درمانگاه

روزانه در حدود ۱۱۰ تن بیمار باین درمانگاه مراجعه میکنند.

در این منطقه سازمان بهداشتی وجود ندارد.

درمانگاه بوسیله یک پزشک - دو پزشکیار - دو پرستار - یک خدمتگزار و یک باغبان اداره میشود .

درمانگاه

سعیدآباد

تاریخ افتتاح : ۱۳۳۷/۳/۲۰



سعیدآباد، از قراء دهستان
ایجرود است که جزء بخش
مرکزی زنجان بشمار میرود
و این ناحیه در ۷۵ کیلومتری
جنوب باختری شهر زنجان ،
و پنج کیلومتری راه شوسه
زنجان گروس واقع شده ،
و منطقه ایست کوهستانی
و سردسیر ، و دارای ۳۷۰۰
تن سکنه شیعی مذهب ، که
با لهجه ترکی تکلم میکنند .

ساختمان درمانگاه سعیدآباد در چند سال پیش



این پل لاریجی در حوالی سعیدآباد واقع شده است

آب ناحیه ، از قنات و چشمه تأمین میگردد. محصول آن ، غله است که بطور دیم بعمل میآید و میوه و لبنیات هم دارد. حرفه عمومی زراعت است. عده زیادی از مردان قصبه ، برای تأمین معاش بتهران میآیند و شغل عمده آنها در تهران نانوائی است.

درمانگاه سازمان ، بین دو محل بالا و پائین این قصبه قرار دارد و مردم آبادیهای نزدیک باین قصبه و اکثر قراء دهستان ایجرود ، بآن مراجعه میکنند. آثار خرابه های ابنیه قدیمی در قلعه کوه مجاور دیده میشود.

هوای آنجا در تابستان تا ۲۵ درجه بالای صفر و در زمستان تا ۳۰ درجه زیر صفر میرسد. امراض شایع بین اهالی ، رماتیسم - برونشیت - طفیلیهای امعاء و تراخم است و جذام هم گاهی بین ساکنین اطراف مشاهده شده است.

روزانه بطور متوسط ۴۰ تن بدرمانگاه مراجعه میکنند و داروی رایگان دریافت میدارند. در این منطقه سازمان بهداری موجود نیست.

در این درمانگاه یک پزشک - یک پزشکیار - یک پرستار و یک دربان خدمت میکنند.



شفّت

تاریخ افتتاح : ۱۳۴۱/۱۰/۲۵



کارکنان درمانگاه ...

شفّت ، یکی از دهستانهای چهار گانه بخش مرکزی فومن است . این دهستان در قسمت جنوب خاوری فومن واقع شده و مرکز آن قصبه شفّت است که روزهای دوشنبه ، بازار عمومی دارد .

قسمت جنوب دهستان ، کوهستانی ، و قسمت شمالی آن ، جلگه ای است مستور از جنگل . شفّت از ۷ آبادی کوچک و بزرگ تشکیل شده و جمعیت آن در حدود ۳۰۰۰۰ تن است . قراء مهم دهستان عبارتند از چوبچهاچا سیامزگی - مروحه و اهود سرگرداب . از مرکز دهستان دوراه فرعی بفومن و رشت احداث کرده اند که فقط در فصل غیر بارانی ، با اتومبیل قابل عبور است .

راه دیگر قراء دهستان ، مالرو و عبور از آن ، مخصوصاً در زمستان مشکل است . بیماریهای شایع بین اهالی ، مالاریا - طفیلی های امعاء - کرم کدو - برونشیت - ذات الریه و رماتیسم است .

در این منطقه سازمان بهداری وجود دارد.
روزانه بطور متوسط ۱۲۰ تا ۱۴۰ تن بیمار مراجعه میکنند.

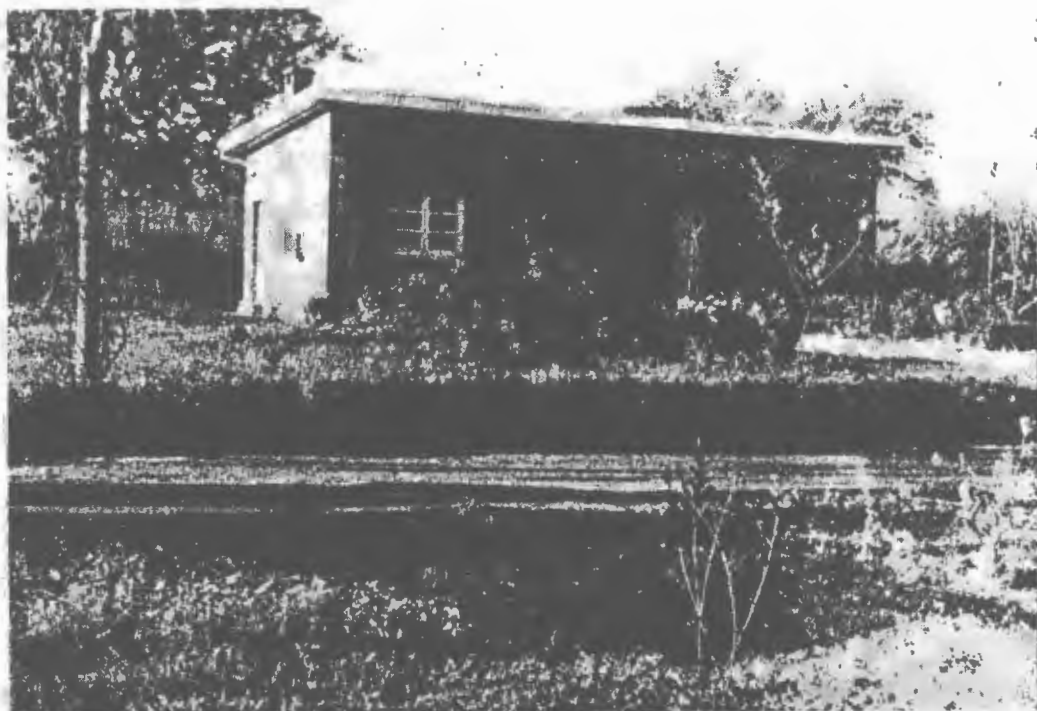


... و مراجعین درمانگاه ...



... و بنای درمانگاه ...

درمانگاه شفت توسط یک پزشک - دو پزشکیار - دو پرستار - یک خدمتگزار و یک
باغبان اداره میشود.

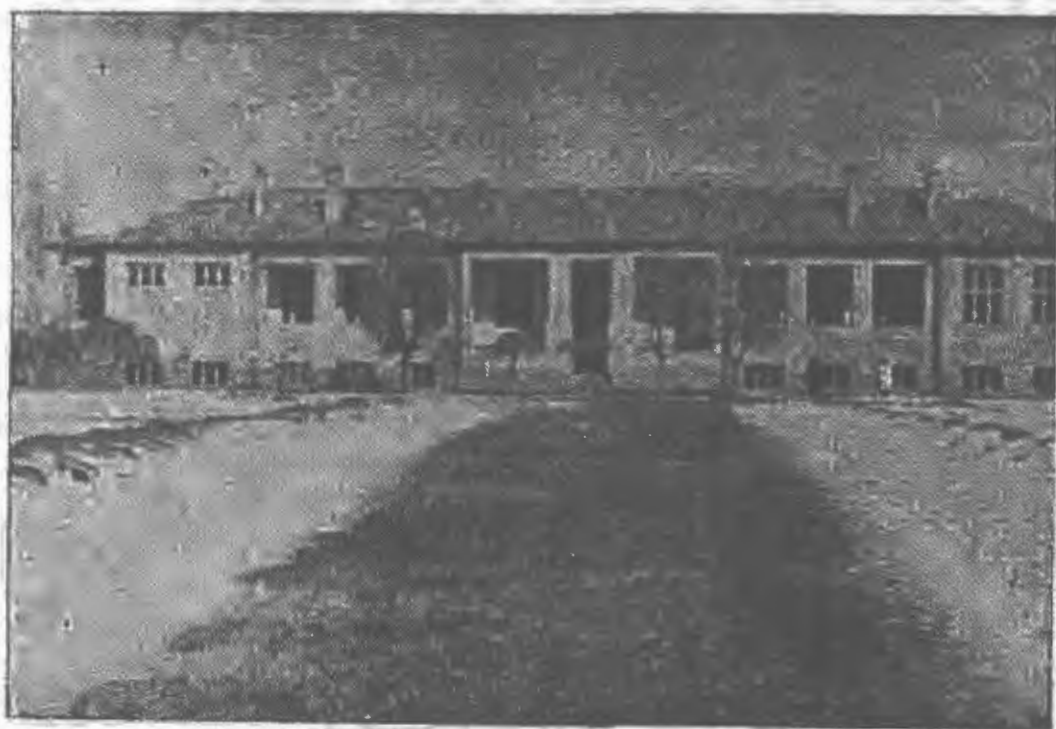


.. و ساختمان فرعی درمانگاه

شهنار

تاریخ افتتاح : ۱۳۳۰/۵/۱۶

بیمارستان شهنار ، در شهر زنجان واقع است و پیش از فاجعه آذربایجان ، سال ۱۳۲۴ در اختیار وزارت بهداشتی بود . در زمان تسلط فرقه دمکرات بر زنجان ، این بیمارستان رو بویروانی گذاشت ، تا جائیکه بعنوان اصطبل از آن استفاده میشد . بعد از پایان حکومت متجاسرین ، طبق تقاضای اهالی زنجان ، سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی مشغول تعمیر آنجا شد ، و مبلغی هنگفت در حدود دو میلیون و پانصد هزار ریال بمصرف رسانید و سپس بیمارستان را بوزارت بهداشتی تحویل داد . در زمان تصدی وزارت بهداشتی نیز مبالغ دیگری بمصرف تکمیل آنجا رسید . بعد از آنکه بیمارستان مزبور دوسال از طرف وزارت بهداشتی اداره میشد ، مجدداً طبق تقاضای مردم زنجان ، و موافقت وزارت بهداشتی ، اداره بیمارستان بعهده سازمان شاهنشاهی گذاشته شد . از طرف سازمان ، یک بار دیگر تعمیرات لازم در آنجا بعمل آمد ، و برای خرید ادوات و ابزار طب و جراحی بیمارستان نیز مبلغ ۵۵۰۰۰۰ ریال بمصرف رسید .



نمایی از ساختمان بیمارستان شهنار

بیمارستان شهناز زنجان ، از تاریخ شانزدهم مرداد ماه ۱۳۳۰ ، با سازمانی نوین ، که براساسی استوار نهاده شده بود ، دائر گردید. این بیمارستان دارای ۴۰ تخت است که همیشه پنج تخت آن به بیماران اتفاقی و فوری حوادث و سوانح اختصاص دارد.

بودجه بیمارستان زنجان از طرف سازمان تأمین است ، و شهرداری محل نیز بنابتصویب انجمن شهر ، ماهانه مبلغی باین بودجه از درآمد خود کمک میکند.

بیمارستان ، دارای یک هیئت سرپرستی است که از مقامات اداری کشوری و معتمدین محل تشکیل یافته و در امور مالی و اداری بیمارستان نظارت دقیق دارد.

بیمارستان ، دارای یک جراح است که ضمناً ریاست بیمارستان را برعهده دارد ، و نیز یک پزشک داخلی امور درمانگاه را انجام میدهد. همچنین یک ماما بسمت مدیریت بیمارستان ، انجام وظیفه میکند . بعلاوه سه پزشکیار - یک کارمند - پنج پرستار - دو آشپز - سه باغبان - دورختشوی - یک انباردار - یک سرایدار و یک خدمتگزار ، سایر امور بیمارستان را اداره میکنند.

طالقان

تاریخ افتتاح : ۱۳۳۶/۱۰/۲۵

درمانگاه ، در کلینک طالقان ، و در ارتفاع دو هزار متری دریا بنا گردیده است . بخش طالقان از بخشهای مصفای تهران است ، و بادیه های اطراف ، جمعاً ۵۰۰۰ تن جمعیت دارد . محصول آنجا غلات - یونجه - سیب زمینی و مختصری میوه است . زبان عمومی اهالی فارسی است . هوای طالقان در تابستان تا ۳۰ درجه بالای صفر و در زمستان تا ۲۰ درجه زیر صفر میرسد . راه آن تا صمغ آباد ماشین رو ، و از آنجا ، بیست کیلومتر مال رو است که معمولاً با قاطر طی میشود . بیماریهای شایع بین اهالی رماتیسم - سرما خوردگی - برونشیت - ذات الریه - مالاریا - تراخم و کچلی است . تعداد بیمارانی که در روز مراجعه میکنند بطور متوسط ۱۰۰ تن است .



ساختمان درمانگاه طالقان

در این منطقه سازمان بهداری وجود ندارد . یک پزشک - یک پزشکیار - دو پرستار - یک خدمتگزار و یک باغبان امور درمانگاه را اداره میکنند .

طاهر گوراب

تاریخ افتتاح : ۱۳۳۶/۱۰/۲۲

طاهر گوراب ، جزء دهستان گسکر ، ازبخش صومعه سرای شهرستان فومن ، ودر ۱۴ کیلومتری شمال باختری صومعه سرا قرار گرفته است .

این دهستان ، در سرراه شوسه صومعه سرا به خنیاپر واقع شده است . سرزمینی است جلگه‌ای و معتدل و مرطوب و مالاریا خیز و دارای ۱۰۰۰ تن سکنه شیعی مذهب و گیلکی زبان ، که بادیه‌های اطراف ، جمعیت آن جمعاً ۹۵۰۰ تن میشود . محصول عمده آنجا برنج و پاپریشم و توتون سیگار ، و شغل عمومی مردم ، زراعت است . طاهر گوراب ، یک کارخانه پیله خشک کنی دارد . راه فرعی ماسال از این قصبه منشعب میشود .

بیماریهای شایع بین اهالی ، مالاریا - طفیلی‌های امعاء - رماتیسم - ذات‌الریه - کم‌خونی



در ورود درمانگاه

و امراض قلبی است . روزانه بطور متوسط از ۶۰ تا ۸۰ تن بیمار بدرمانگاه مراجعه میکنند .
 کار پزشک ، علاوه بر مداوای بیماران ، عبارتست از معاینه دانش آموزان دبستان ، و ترتیب
 کنفرانس های بهداشتی برای مردم .
 در این منطقه سازمان بهداری وجود ندارد .
 یک پزشک یک پزشکیار - یک پرستار - یک خدمتگزار و یک باغبان امور درمانگاه را
 اداره میکنند .



ساختمان درمانگاه و مراجعین بآن

مازندران

استان دوم

۱ - درمانگاه بند پی

۲ - درمانگاه چمستان نور

۳ - بیمارستان و درمانگاه رامسر

۴ - درمانگاه زید (ماری)



بندی

تاریخ افتتاح : ۱۳۳۸/۸/۲۱

بند پی ، دهستان زیبا و خرمی است که در بیست و دو کیلومتری جنوب بابل قرار گرفته و آب و هوای آن مرطوب است. مثل سایر نقاط مازندران ، زراعت عمومی آن برنج کاری است. این دهستان دارای ۳۴۰۰۰ تن جمعیت است.



درمانگاه بندی

درجه هوای آنجا ، در زمستان از صفر پائین تر نمی آید و در تابستان نیز از ۳۵ درجه بالای صفر تجاوز نمی کند. ولی قسمت جنوبی آن کوهستانی و سرد سیر ، و ییلاق سکنه بخش است. راهی که این بخش را بابل و دیگر نقاط متصل میکند ، مال رو است. اهالی اغلب ضعیف و رنجور و مستعد پذیرفتن هر نوع بیماری هستند. به همین سبب ، وظیفه درمانگاه سازمان مانند غالب نقاط مشابه ، سنگین و بر دو قسمت است. یکی توجه بوضع بهداشت عمومی اهالی ، و دیگر مداوای بیماران. درمانگاه از طرف آقای فیروزی ، یکی از مالکین نیکوکار بندی ساخته و سازمان واگذار شده است.

روزانه بطور متوسط ۶۰ تن بدرمانگاه مراجعه میکنند.

در این منطقه اداره بهداشتی وجود ندارد.

در این درمانگاه یک پزشک - یک پزشکیار - دو پرستار - یک خدمتگزار و یک باغبان

کار میکند .

چمستان نور

تاریخ افتتاح : ۱۳۴۷/۱/۲۴

چمستان نور ، از توابع دهستان ناتل رستاق ، بخش نور ، شهرستان آمل ، در ۱۸ کیلومتری جنوب خاوری سولده و ۱۲ کیلومتری جنوب راه شوسه کناره واقع شده است .
دشتی است معتدل و مرطوب و مالاریا خیز و مسکنه آن بالغ بر ۷۰۰ تن و بادهات اطراف جمعاً ۲۱۰۰۰ تن میشود . اهالی شیعی مذهب هستند و عموماً بزبان مازندرانی و فارسی صحبت میکنند . آب آنجا ، از رود تأمین میگردد و راه آن مال رو است . محصول آنجا ، برنج و غلات و لبنیات ، و شغل غالب افراد ، زراعت و گله داری است . این منطقه بیلای اهالی بلده نور است ، و زمستان نیز عده ای از اهالی بلده ، در این آبادی سکونت میکنند . از بیماریهای شایع میتوان مالاریا و طفیلی معده را نام برد . بواسطه وجود جانوران وحشی از قبیل یوزپلنگ و گرگ ، گاهی معدودی مورد حمله قرار میگیرند .



منظره ای از درمانگاه چمستان نور

روزانه بطور متوسط ۷۰ الی ۸۰ تن بیمار بدرمانگاه مراجعه مینمایند .
در این منطقه وزارت بهداشتی سازمانی دارد .
درمانگاه چمستان دارای یک پزشک - دو پزشکیار - دو پرستار - یک خدمتگزار و یک باغبان است .

بیمارستان و درمانگاه



تاریخ افتتاح : ۱۳۳۲/۸/۱

بیمارستان سازمان شاهنشاهی در رامسر ، در قسمت شرقی مهمانخانه بزرگ ، و در میان باغهای رامسر بنا شده و ساختمان فعلی آن ، از نخستین بناهای نوین رامسر بوده است .

مساحت باغ مصفاي این بیمارستان در حدود ۱۵۰۰۰ متر مربع است . بنای مرکزی آن دو طبقه و دارای اطاق بیماران - آزمایشگاه - داروخانه - بخش رادیوگرافی و اطاق عمل است .

این بیمارستان از طرف اداره املاک و مستغلات پهلوی در سال ۱۳۳۲ سازمان شاهنشاهی واگذار شد و فعلاً دارای ۵۵ تخت برای بخش جراحی و بیماریهای داخلی است .

جمعیت محلی رامسر ، با آبادیهای اطراف آن ، جمعاً بالغ بر ۱۲۰۰۰ تن است . و روزانه بطور متوسط ۷۰ تن بیمار باین بیمارستان مراجعه میکنند و مداوا و معالجه میشوند .

بیماریهای شایع در این محل عبارتست از : کوفت - امراض جلدی - برونشیت - کم خونی و بیماریهای دستگاه گوارش .

آب و هوای رامسر مانند بسیاری از نقاط شمالی مرطوب و گرم است ، و در زمستانها هیچگاه درجه حرارت آن از صفر پائین تر نمیآید . مردم رامسر بیشتر بزراعت و باغداری اشتغال دارند ، و محصولات عمده آنجا ، برنج و مرکبات است . این بیمارستان בעلت داشتن دستگاه جراحی کامل ، اکنون مورد استفاده اکثر بیماران سواحل جنوبی بحر خزر است . در بیمارستان رامسر یکنفر جراح ، که سمت ریاست بیمارستان را دارد ، دو پزشک که امور بیمارستان و آزمایشگاه را تصدی میکنند ، یک ماما که مدیره بیمارستان است ، دوسر پرستار - شش پرستار - دو اطو کش - سه مستخدم - دو مأمور نظافت زن - هفت پرستار مرد - دو آشپز و کمک آشپز - یک راننده - یک مأمور فنی - دو آبدار - یک انبار دار - دو حسابدار و صندوقدار - سه باغبان و دو دربان انجام وظیفه میکنند .

وزارت بهداشتی در آنجا یک درمانگاه دارد .



درمانگاه

زید

تاریخ افتتاح : ۱۳۳۲/۷/۱

قریه زید (یازیت) از دهات تابع بخش حومه ساری ، و در فاصله چهار کیلومتری شمال جاده شومنه ساری به بهشهر واقع شده است .

این قریه دارای اراضی وسیعی است که بیش از دوهزار هکتار وسعت دارد . جمعیت زید بالغ بر ۱۳۲۰ تن وعده نفوس ۲۶ آبادی اطراف آن ، در حدود ۴۰۰۰ تن است . محصولات عمده زید ساری ، گندم دیم و پنبه است . یک دبستان شش کلاسه نیز در زید وجود دارد .

درمانگاه زید از جمله مؤسساتی است که از طرف اداره املاك ومستغلات پهلوی در سال ۱۳۳۲ در اختیار سازمان شاهنشاهی گذاشته شده است .

بیماریهای شایع در این منطقه زرد زخم - جرب - کچلی ومالاریا است . روزانه بطور متوسط ۳۰ تن بیمار بدرمانگاه مراجعه میکنند . امور این درمانگاه را یک پزشک و یک پزشکیار اداره میکنند .



پزشك درمانگاه بمعالجه بیمار مشغول است

آذربایجان

استان سوم و چهارم

- ۱ - درمانگاه اشنویه
- ۲ - درمانگاه پادشت
- ۳ - درمانگاه بیله سوار
- ۴ - درمانگاه سیه چشمه
- ۵ - درمانگاه شرفخانه
- ۶ - درمانگاه گرمی
- ۷ - درمانگاه مشکین شهر
- ۸ - درمانگاه نقده
- ۹ - درمانگاه هشتروند



اشنویه

تاریخ افتتاح: ۱۳۳۷/۵/۳



پزشک درمانگاه در تمام ساعات کار
آماده پذیرای بیماران است

اشنویه ، درسی کیلومتری قسمت شرقی نخله ، و در میان کوهستانی زیبا واقع شده است ، و تا مرز عراق ، ده کیلومتر فاصله دارد . بخش اشنویه ، ۷۵ پارچه آبادی و مزرعه دارد و جمعیت قصبه اشنویه ، ۲۱۰۰ تن و جمعیت کلیه بخش ، بالغ بر ۱۳۰۰۰ تن است .

اهالی اشنویه غالباً بتو نکاری اشتغال دارند و بزبانهای کردی و آذربایجانی تکلم میکنند . هوای این منطقه ، در زمستان تا ۳۰ درجه زیر صفر و در تابستان تا ۲۵ درجه بالای صفر تغییر میابد . اشنویه دارای راه شوسه خوب است . بیماریهای این منطقه ورم ملتحمه - مالاریا - عوارض پوستی - طفیلی های امعاء - رماتیسم - ذات الریه و کچلی است .

درمانگاه اشنویه ده هزار متر مربع مساحت دارد و بمبلغ سی هزار ریال ابتیاع و بسازمان واگذار شده است و از این لحاظ وسیع ترین درمانگاه سازمان است . روزانه بطور متوسط ۵۰ الی ۶۰ تن بیمار بدرمانگاه مراجعه میکنند .



در ورود درمانگاه

در این منطقه وزارت بهداشتی یک سازمان بهداشتی دارد . این درمانگاه دارای یک پزشک - یک پزشکیار - دو پرستار - یک خدمتگزار و یک باغبان است .

پلدشت

تاریخ افتتاح: ۱۳۳۹/۴/۸

پلدشت یا عربلر ، مرکز بخشی است بهمین نام که از چهار دهستان تشکیل شده و در آذربایجان واقع است و در حدود ۷۰ مزرعه و دیه را شامل میشود . پلدشت ، آخرین نقطه مرزی ایران است و با تخت شاه یعنی مرز شوروی به پهنای رود ارس فاصله دارد . فاصله پلدشت تاما کو ، ۵۰ و تاخوی ۱۱۰ کیلومتر است . سکنه خود پلدشت قریب ۱۵۰۰ تن و جمعیت کل این بخش ، ۲۵۰۰۰ تن است . جمعیت دیه های نزدیک را که میتوانند از درمانگاه استفاده کنند ، بالغ بر ۵۰۰۰ تن تخمین کرده اند . مردم پلدشت اغلب کشاورز هستند و بزبان آذربایجانی صحبت میکنند .

در این منطقه ، مالاریا (بواسطه آبهای راكد كناره های ارس و باطلاها و مردابها) تراخم - قی - اسهال اطفال - امراض جلدی و ریوی و طفیلیهای امعاء شایع است . روزانه بطور متوسط ۵۴ تن بیمار بدرمانگاه مراجعه میکنند . در پلدشت سازمان بهداری موجود است . درمانگاه پلدشت یک پزشک - یک پزشکیار - یک پرستار - یک خدمتگزار و یک باغبان دارد .



بیماران در اطاق انتظار درمانگاه منتظر نوبت خود هستند

پیله سوار

تاریخ افتتاح : ۱۳۲۸/۱۰/۱۸



ساختمان درمانگاه پیله سوار

پیله سوار، دردشت
مغان آذربایجان واقع، و مرکز
یکی از دهستانهای گرمی است
که در آخرین نقطه مرز ایران
و شوروی قرار دارد، و فاصله
آن تا مرز، ۴۰۰ متر است.

پیله سوار دارای
۵۵۰۰ تن جمعیت است که
باجمعیته هفده پارچه دیه‌های
اطراف، شماره ساکنان آن
به ۱۸۰۰۰ تن بالغ میشود.

اهالی، اغلب کشاورز هستند و زندگی ایلی دارند و بزبان آذربایجانی تکلم میکنند.

هفده سال پیش، ساختمانی برای دفتر بهداری و قرنطینه در پیله سوار ساخته شد،
ولی هیچگاه مورد استفاده قرار نگرفت. در پیله سوار بیماریهای مالاریا - قی و اسهال اطفال -
بیماریهای ریوی - تراخم و سیاه زخم نسبتاً زیاد است. هوای پیله سوار در تابستان تا ۳۵ درجه
بالای صفر و در زمستان تا ۳۰ درجه زیر صفر تغییر مییابد. پیله سوار راه شوسه فرعی نسبتاً خوبی
دارد که از کنار مرز میگذرد.

روزانه بطور متوسط بین ۴۰ الی ۶۰ تن بیمار بدرمانگاه مراجعه میکنند.

در این منطقه سازمان بهداری نیز وجود دارد.

یک پزشک - یک پزشکیار - دو پرستار و یک دربان، درمانگاه پیله سوار را اداره میکنند.

سیه چشمه

تاریخ افتتاح : ۱۳۲۸/۱۲/۴

سیه چشمه ، در آذربایجان غربی واقع ، و مرکز بخش دهستان چالدران و ازاجیق و سربرجک است. سیه چشمه در یک دره وسیع کوهستانی ، با مناظری زیبا قرار گرفته است ، و تا مرز شوروی ۶۰ کیلومتر و تا مرز ترکیه سه کیلومتر ، و تا خوی ۸۰ کیلومتر فاصله دارد . شماره دینه ها و مزارع سه دهستان مذکور ، یکصد و هشتاد پارچه است که جمعاً بالغ بر ۲۱۰۰۰ تن جمعیت دارد ، ولی جمعیت خود سیه چشمه ۳۵۰۰ تن است . مردم این منطقه بیشتر بزراعت اشتغال دارند . هوای آنجا بین ۲۵ درجه بالای صفر تا ۳۰ درجه زیر صفر تغییر میکند . راه شوسه آن ، خط فرعی است که از شاهراه خوی و ماکو منشعب میشود . بیماریهای شایع بین اهالی عبارتست از طفیلی های امعاء - تراخم - گال - آبله - سل - مالاریا - رماتیسم و رنجهای قلبی و کم خونی . روزانه بطور متوسط ۷۰ الی ۸۰ تن بیمار بدرمانگاه رجوع میکنند . در این منطقه سازمان بهداری نیز وجود دارد . در درمانگاه سیه چشمه ، یک پزشک یک پزشکیار - دو پرستار - یک خدمتگزار و یک باغبان بخدمت مشغولند .



ساختمان درمانگاه سیه چشمه

درمانگاه

شرفخانه

تاریخ افتتاح : ۱۳۲۷/۱/۶

شرفخانه ، یکی از
بناهای معروف و دائر دریاچه
رضائییه است و راه آهن تبریز
تا آنجا امتداد دارد .

این منطقه یکی از
آبادیهای بخش شبستر ،
و فاصله آن تا شبستر ، قریب
۱۵ کیلومتر است . جمعیت
شرفخانه بالغ بر ۲۳۰۰ تن
است و بادیه های اطراف
جمعا ۱۱۰۰۰ تن جمعیت
دارد .



ساختمان درمانگاه



در ورودی درمانگاه

در این منطقه در درجه اول مالاریا ، وبعد تراخم و بیماریهای پوستی شیوع دارد و کوفت بندرت مشاهده میشود .

در شرفخانه ، باتلاقیهای وجود دارد ، که ایجاد مالاریا میکند ، و هوای آن نیز بهمین سبب مرطوب است .

اهالی غالباً بکشاورزی اشتغال دارند .

هوای شرفخانه ، تابستانها تا ۴۰ درجه بالای صفر ، و زمستانها تا ۲۰ درجه زیر صفر میرسد .

روزانه در حدود ۸۰ تن بیمار از این درمانگاه استفاده میبرند .

یک پزشک - یک پزشکیار - دو پرستار - یک خدمتگزار و یک دربان در این درمانگاه

خدمت میکنند .

گرمی

تاریخ افتتاح : ۱۳۲۸/۱۰/۱۴

گرمی یکی از بخشهای اردبیل ، و مرکز آجارود است ، و تا اردیبهیل ۱۳۲ کیلومتر و تا مرز شوروی ۴ کیلومتر فاصله دارد . یکصد و بیست و پنج پارچه آبادی و دیه و مزرعه آجارود مجموعاً بالغ بر ۵۰۰۰ تن جمعیت دارد ، ولی جمعیت خود قصبه گرمی بالغ بر ۶۵۰۰ تن است . گرمی بر تپه ای مرتفع واقع شده و دارای مناظری زیبا است . اهالی بیشتر به شغل کشاورزی مشغولند و بزبان آذربایجانی تکلم میکنند . هوای گرمی در تابستانها تا ۴۰ درجه بالای صفر در زمستانها تا ۲۰ درجه زیر صفر میرسد .

بیماریهای این منطقه طفیلی های امعاء - برنشیت - ذات الریه - کمی تراخم و مالاریاست و نیز بواسطه وجود سگهای وحشی ، گاهی عده ای مجروح میشوند .
مراجعین روزانه بطور متوسط ۶۵ بیمار است .
در این منطقه سازمان بهداری نیز وجود دارد .
یک پزشک - یک پزشکیار - یک پرستار - یک خدمتگزار و یک باغبان در این درمانگاه انجام وظیفه میکنند .



منظره ای از اطراف درمانگاه گرمی

مشکین شهر

تاریخ افتتاح : ۱۳۳۶/۱۲/۲۰

این درمانگاه در شهرخیاو ، مرکز شهرستان مشکین شهر ، از شهرهای آذربایجان ساخته و دائر شده است. مشکین شهر تا اردیبل ۱۱۷ کیلومتر ، و تا تبریز ۲۰۵ کیلومتر فاصله دارد. جمعیت شهر خیاو ۵۴۰۰ تن و جمعیت کلی شهرستان مشکین شهر ، با تعداد نفوس عشایر شاهسون ، قریب ۹۰۰۰ تن است. عشایر شاهسون در بهار و تابستان و پائیز ، در اطراف مشکین شهر بکشاورزی مشغولند.

هوای مشکین شهر در تابستان تا ۳۰ درجه بالای صفر و در زمستان تا ۲۰ درجه زیر صفر میرسد. در این شهر انواع طفیلی های امعاء-امراض کبدی-سنگ های کیسه صفرا و رماتیسم دیده میشود.

روزانه بطور متوسط ۳۰ الی ۵۰ تن بیمار بدرمانگاه مراجعه مینمایند. در مشکین شهر سازمان بهداشتی نیز موجود است. درمانگاه را یک پزشک - دو پزشکیار - دو پرستار- یک خدمتگزار و یک باغبان اداره میکنند.



منظره هوایی درمانگاه



در ورودی دریاگاه مشکین شهر



منظره‌ای از اطراف دریاگاه بند بی

نقده

تاریخ افتتاح: ۱۳۳۶/۱۱/۲۵

نقده، مرکز بخش سلدوز است. مسافت بین نقده تا مهاباد، ۸۰ کیلومتر و تا رضائیه ۹۰ کیلومتر است. جاده شوسه رواندوز، که بکشور عراق می‌رود از نقده می‌گذرد. درمانگاه نقده، در ۳۰ کیلومتری جنوب دریاچه رضائیه واقع شده است. بخش سلدوز دارای ۱۲۵ پارچه آبادی است. جمعیت قصبه نقده، به تنهائی قریب ۵۰۰۰ و جمعیت کلیه بخش سلدوز قریب ۲۵۰۰۰ تن است. اهالی نقده بیشتر کشاورز هستند و بزبان کردی تکلم می‌کنند. هوای این منطقه بین ۲۵ درجه زیر صفر تا ۳۵ درجه بالای صفر تغییر می‌کند. بیماریهای شایع بین اهالی عبارتست از مالاریا کچلی - تراخم و طفیلی‌های امعاء. مردابهای در اطراف نقده وجود دارد که منبع مالاریاست، و بهمین سبب بالغ بر یک چهارم مراجعین بدرمانگاه، مبتلایان به مالاریا هستند. روزانه بطور متوسط ۱۵۰ تن بدرمانگاه مراجعه مینمایند. در این منطقه سازمان بهداری نیز موجود است. این درمانگاه را یک پزشک - یک پزشکیار - دو پرستار - یک خدمتگزار و یک دربان اداره می‌کنند.



ساختمان درمانگاه نقده

درمانگاه

هشترود

تاریخ افتتاح : ۱۳۳۷/۱/۱۸



درمانگاه هشترود

هشترود (قره آغاج)
مرکز بخش دودستان
چهار اویماق و قوری
چای ، و در جنوب غربی
تبریز واقع است. راه آهن
بین میانه و مراغه از
۲۰ کیلومتری شمال قره
آغاج عبور میکند. طول
این بخش ۸۴ کیلومتر
و عرض آن ۶۰ کیلومتر

است. بخش مزبور دارای ۳۷۵ پارچه آبادی است. جمعیت حوزه قره آغاج بالغ بر ۶۵۰۰ و جمعیت تمام آبادیهای آن قریب ۵۱۰۰۰ تن است. از این عده تنها ۷۰۰۰ تن میتوانند بدرمانگاه مراجعه کنند ، زیرا راههای اطراف زیاد مناسب نیست.

هوای هشترود در زمستان تا ۳۵ درجه زیر صفر و در تابستان تا ۲۵ درجه بالای صفر میرسد. مردم این محل بزبان آذربایجانی تکلم میکنند. امراض متداول در این ناحیه ، مالاریا - تراخم - کوفت و کچلی است. جذام گاهی دیده میشود .
روزانه بطور متوسط ۶۰ تن بیمار بدرمانگاه مراجعه مینمایند .

در قره آغاج سازمان بهداشتی هم موجود است.
یک پزشک - یک پزشکیار - دو پرستار - یک خدمتگزار و یک دربان امور این درمانگاه را اداره میکنند.

کردستان^۹

استان پنجم

۱ - بیمارستان و درمانگاه اسدآباد

۲ - درمانگاه بانه

۳ - درمانگاه بوکان

۴ - درمانگاه بیجار

۵ - درمانگاه روانسر

۶ - درمانگاه سنقر

۷ - درمانگاه گیلانغرب

۸ - درمانگاه مریوان

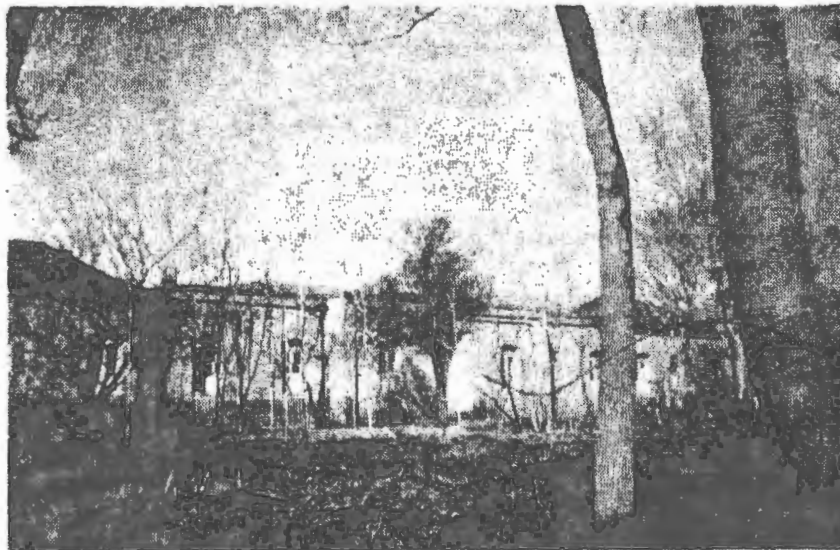


اسدآباد

تاریخ افتتاح : ۱۳۴۹/۱۱/۳۰

اسدآباد بخشی است بزرگ، که بین راه همدان بکرمانشاه واقع است و جمعیتش باتوابع، بر ۶۲۰۰۰ تن بالغ میشود. چندی پیش، بهمت اهالی، آب این قصبه لوله کشی شده و وضع بهداشت اهالی تا اندازه ای بهبود یافته است. عده ای از نیکوکاران این منطقه بکمک شهرداری ساختمان همت گماشتند و در سال ۱۳۲۸ آنرا بسازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی واگذار کردند و ساختمان مزبور دائر شد. برای بستری ساختن بیمارانی که از راه های دور بدرمانگاه می آیند و قادر بر بازگشت نیستند و یا برای انجام پاره ای از اعمال جراحی در باره آسیب یافتگان از سوانح و حوادث گردنه اسدآباد، ۱۲ تخت نیز در این ساختمان گذاشته شد.

بیماریهای عمده و بومی ناحیه اسدآباد، مالاریا - تراخم و رماتیسم است. بیماریهای جلدی (کچلی - اگزما - زرد زخم) نیز زیاد مشاهده میشود. بیماریهای عفونی حاد هم شایع است. بدرمانگاه اسدآباد روزانه بالغ بر ۸۰ تن بیمار، اغلب از فواصل بسیار دور مراجعه میکنند. در این درمانگاه یک پزشک جراح - یک پزشک بزرگسال - یک پرستار - یک خدمتگزار و یک باغبان خدمت میکند.



منظره ای از باغ درمانگاه

بانه

تاریخ افتتاح : ۱۳۳۷/۶/۱۰

این درمانگاه در شهر بانه ساخته شده است که مرکز بخش است و ۵۴۰۰ تن جمعیت دارد. فاصله بانه تا سقز ۶۶ و تا مرز عراق ۱۲ کیلومتر است. در بانه ۱۵۸ پارچه آبادی واقع است. چون این محل نزدیک مرز قرار دارد، از ساکنین مرز عراق نیز گاهی بدرمانگاه مراجعه میکنند. اهالی بانه غالباً بکشاورزی اشتغال دارند و از نژاد کرد هستند و باین زبان تکلم میکنند. آب و هوای بانه تقریباً معتدل است. در این منطقه در درجه اول تراخم و بعد، مالاریا - رماتیسم - طفیلی های امعاء و بیماریهای پوستی از قبیل جرب - کچلی و سودا شیوع دارد. روزانه بطور متوسط ۵۰ الی ۶۰ تن بیمار بدرمانگاه مراجعه مینمایند. در منطقه مزبور اداره بهداشتی نیز موجود است. درمانگاه بانه یک پزشک - یک پزشکیار دو پرستار - یک خدمتگزار و یک دربان دارد.

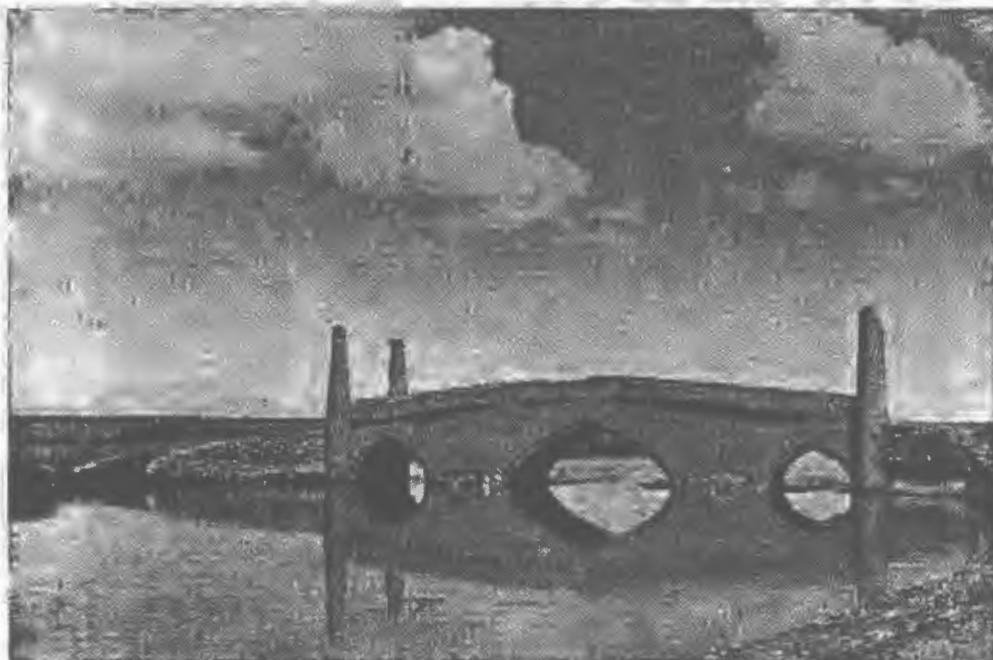


پزشک درمانگاه بیماران را معاینه میکند

بوکان

تاریخ افتتاح : ۱۳۳۶/۱۲/۲۱

قصبه بوکان، مرکز بخش بوکان و تابع فرمانداری مهاباد است .
 جاده شوسه ای که از آذربایجان بکردستان می رود از بوکان میگذرد . این بخش تا میاندوآب
 ۵۹ و تا مهاباد ۶۴ و تا سنقر ۳۶ کیلومتر فاصله دارد .
 بخش بوکان مشتمل است بر یکصد و بیست آبادی و مزرعه . جمعیت قصبه بوکان
 ۴۰۰۰ تن و جمعیت کلیه بخش قریب ۳۰۰۰۰ تن است .
 اهالی این منطقه کرد و ترك و ارمنی و کلیمی هستند و حرفه های متعدد دارند ولی
 غالباً کشاورزی میکنند .
 هوای آنجا بین ۳۰ درجه زیر صفر و ۳۰ درجه بالای صفر متغیر است . بوکان دارای
 راه شوسه خوب است .
 بیماریهای متداول در بوکان ، مالاریا - تراخم - کچلی - طفیلی های امعاء - رماتیسم
 اسهال خونی و رنجوریهای قلبی است .
 روزانه بطور متوسط ۹۰ تا ۱۰۰ تن بیمار بدرمانگاه مراجعه مینمایند .
 در این منطقه سازمان بهداری نیز وجود دارد . درمانگاه بوکان بوسیله یک پزشک -
 یک پزشکیار و دو پرستار اداره میشود .



این پل تاریخی در نزدیکی بوکان قرار دارد

درمانگاه

بیجار

تاریخ افتتاح : ۱۳۴۶/۱۱/۷

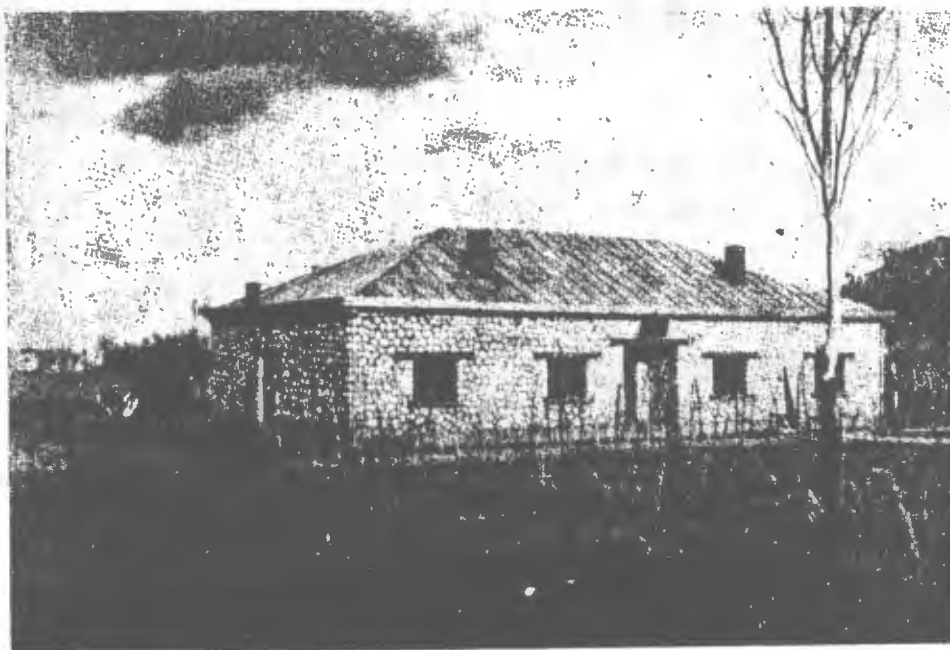
این درمانگاه ، در شهر گروس ، مرکز شهرستان بیجار بنا شده است . در حال حاضر راهپائیکه به بیجار میرود ، از سقزو از طریق دیوان دره و از همدان از طریق مه خورداست که هیچ یک خوب نیست .

بیجار بالغ بر ۷۰۰۰ تن جمعیت دارد که مجموعاً کرد هستند و بزبان پارسی سخن میگویند و بکشاورزی مشغولند . هوای بیجار بین ۲۵ درجه بالای صفر تا ۳۰ درجه زیر صفر تغییر میکند .

امراض ریوی - کم خونی - نقصان ویتامین ها - کوفت - تراخم و روماتیسم در این ناحیه دیده میشود .

روزانه بطور متوسط ۷۰ الی ۸۰ تن بیمار بدرمانگاه مراجعه مینمایند . در این منطقه اداره بهداری نیز موجود است .

یک پزشک - دوپزشکیار - یک خدمتگزار و یک باغبان در این درمانگاه خدمت میکنند .



بنای درمانگاه بیجار

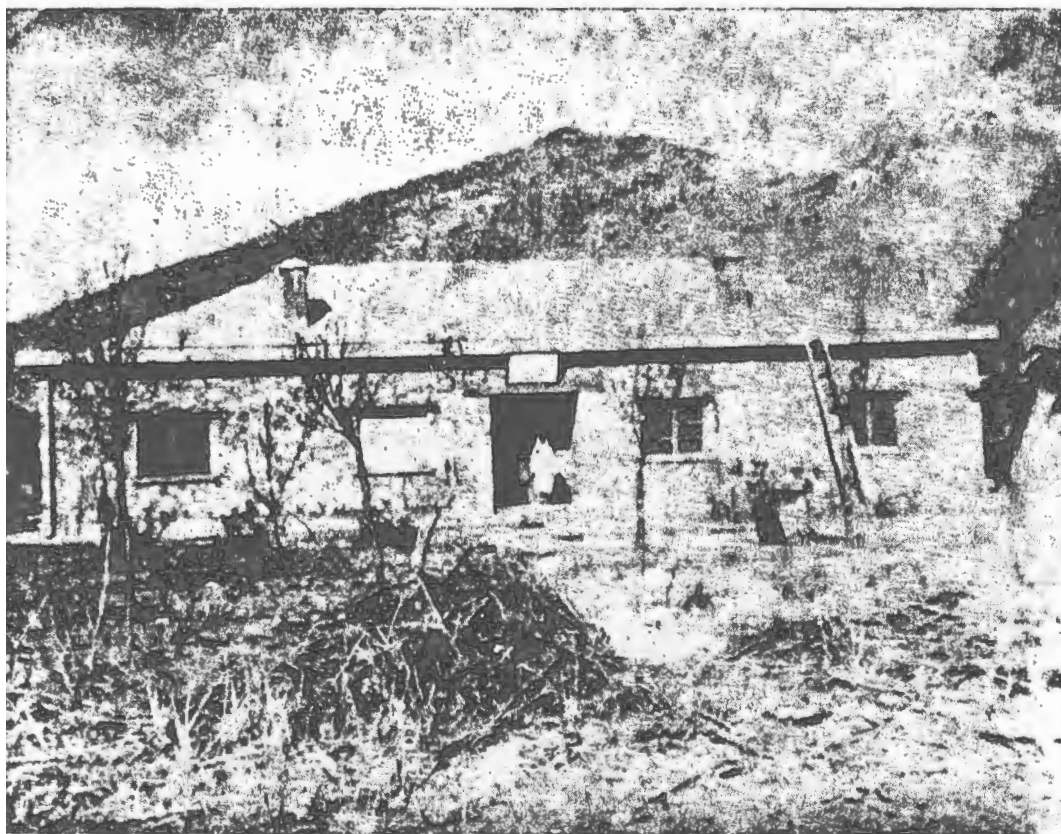
روانسر

تاریخ افتتاح : ۱۳۲۷/۷/۲۹

درمانگاه روانسر، در استان پنجم و در مرکز بخشی بهمین نام بنا شده است و تا کرمانشاه ۷۱ کیلومتر فاصله دارد .

این بخش شامل است بر ۶۲ پارچه ديه و آبادی و مزرعه . جمعیت مرکز بخش ۳۵۰ و کلیه بخش ۱۰۵۰۰ و تا مسافت ۱۲ کیلومتری اطراف ۴۰۰۰ تن است .

در تابستان و اوائل پائیز، قریب ۴۰۰۰ تن ایلات و عشایر برای استفاده از مراتع، در اطراف روانسر اطراق میکنند . اهالی روانسر غالباً کشاورزند و بلهجه ترکی سخن میگویند . هوای روانسر بین ۳۵ درجه بالای صفر تا ۲۰ درجه زیر صفر تغییر می پذیرد . روانسر راه شوسه خوبی ندارد . در این منطقه بیماریهای متداول عبارتست از مالاریا - تراخم - کمی ویتامین



ساختمان درمانگاه روانسر

و طفیلی های امعاء. روزانه بطور متوسط ۷۰ الی ۸۰ تن بیمار بدرمانگاه مراجعه میکنند. در این منطقه سازمان بهداری موجود نیست. در روانسریک پزشک - یک پزشکیار - دو پرستار - یک خدمتگزار و یک دربان خدمت میکنند.



منظره ای از روانسریک



منظره دیگری از درمانگاه ییجار

درمانگاه



تاریخ افتتاح : ۱۳۲۷/۴/۳۰

این درمانگاه در کنار شهر سقز، یعنی مرکز شهرستانی به همین نام، وزیر محلی مرتفع بنا شده است.

سقز تا سنندج ۱۸۶ کیلومتر فاصله دارد. جمعیت سقز، ۱۲۵۰۰ و تمام شهرستان ۱۸۱۰۰۰ تن است، ولی نفوس ۳۰ ديه و آبادی و مزرعه ای که تا ۱۲ کیلومتری اطراف سقز واقع است، به ۳۰۰۰۰ تن بالغ میشود.

اهالی سقز غالباً بزراعت مشغولند و بکردی تکلم میکنند. هوای ناحیه بین ۳۰ درجه بالای صفر و ۲۰ درجه زیر صفر متغیر است.

سقز دارای راه شوسه است و سازمان بهداشتی دارد. روزانه بین ۵۰ تا ۶۰ بیمار به درمانگاه مراجعه میکنند. بیماریهای مشهوده عبارتست از مالاریا - کرم معده - تراخم - کوفت - کچلی و آبله. درمانگاه سقز بوسیله یک پزشک - یک پزشکیار - دو پرستار - یک خدمتگزار و یک دربان اداره میشود.



ساختمان درمانگاه سقز

گیلانغرب

تاریخ افتتاح: ۱۳۳۲/۱۰/۲

قصبه گیلانغرب، جزء شهرستان شاه آباد غرب و در ۱۲ کیلومتری جنوب شرقی شهرستان قصر شیرین واقع شده است. در پیرامون آن، بقایای جنگلهای بلوط قدیمی دیده میشود که قسمت اعظم آنرا بزمینهای زراعتی و مراتع تبدیل کرده اند.

هوای منطقه در زمستان معتدل، و در تابستان بسیار گرم میشود و بعلت وزش بادهای موسمی و گرم بنام (باد سام)، گاهی طاقت فرسات. از اینرو اهالی بنقاط ییلاتی که در یکصد کیلومتری گیلانغرب قرار دارد میروند.

جمعیت گیلانغرب در زمستانها به ۱۰۰۰۰ تن بالغ میشود ولی در تابستان به ۳۰۰۰

تن تقلیل مییابد.

در اطراف گیلانغرب، بعلت وضع عشایری مردم، دیه های آباد و محصور وجود ندارد، ولی از شهریور ۱۳۳۰ تا کنون در حدود بیست تا سی دهکده ایجاد شده است.

جمعیت گیلانغرب بین ۲۵ تا ۴۰ هزار تن است که اغلب بزراعت و کله داری مشغولند. محصولات آنجا گندم - جو - پنبه و برنج است.

درمانگاه گیلانغرب از جمله درمانگاههایی است که در سال ۱۳۳۲ از طرف اداره املاک پهلوی در اختیار سازمان شاهنشاهی گذارده شده است. بیماریهای شایع در این منطقه عبارتست از مالاریا و تراخم، و بیماریهای عفونی هم در بین مردم بطور فراوان وجود دارد.

روزانه بطور متوسط ۱۰۰ تن بیمار بدرمانگاه مراجعه میکنند. در این منطقه سازمان بهداری نیز موجود است. این درمانگاه دارای یک پزشک - دو پزشکیار یک پرستار - یک خدمتگزار و یک باغبان است.



بیمارانی که مراجعه میکنند داروی خود را برای آنان از درمانگاه دریافت میدارند

مریوان

تاریخ افتتاح : ۱۳۲۸/۱/۱

مریوان ، مرکز بخشی است بهمین نام . تا سندیج ۱۲۰ کیلومتر و تا مرز عراق قریب ۱۵ کیلومتر فاصله دارد . بخش مریوان شامل است بر ۱۰۶ پارچه دیه و آبادی و مزرعه ، با جمعیتی بالغ بر ۱۲۵۰۰ تن ، که کرد هستند . آب و هوای این منطقه ، نسبتاً معتدل است و از زمستان تا تابستان ، بین ۲۵ درجه زیر صفر تا ۳۵ درجه بالای صفر تفاوت میکند .



پزشک درمانگاه بیماران را مورد
معاینه دقیق قرار میدهد

از بیماریهای شایع در مریوان ، در درجه نخست مالاریاست ، زیرا اولاً برنج کاری در این منطقه زیاد است ، و ثانیاً در یک کیلومتری شهر دریاچه رزیوار قرار دارد که اطراف آن باتلاقیهای فراوان تشکیل یافته است و مخزن پرورش پشه مالاریاست . ورم ملتحمه - طفیلیهای امعاء - بیماریهای امراض مجاری تنفس نیز در این محل دیده میشود .

روزانه بطور متوسط ۵۰ الی ۶۰ تن بیمار بدرمانگاه

مراجعه مینمایند .

در این منطقه سازمان بهداری نیز وجود دارد .

درمانگاه دارای یک پزشک - یک پزشکیار - یک پرستار - یک خدمتگزار و یک باغبان است .



خوزستان

استان ششم

۱ - درمانگاه مهر و تنگورد

۲ - درمانگاه شادگان

۳ - درمانگاه شوش

۴ - درمانگاه شوشتر

۵ - درمانگاه هندیجان

۶ - درمانگاه هریزه



سوسنگرد

تاریخ افتتاح: ۱۳۲۷/۱/۷

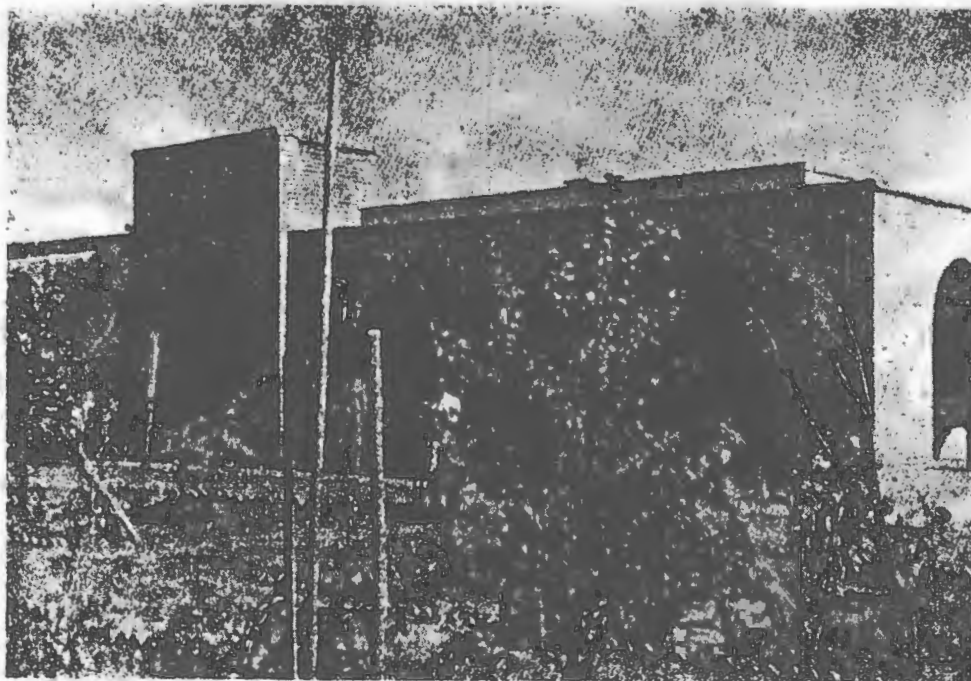
سوسنگرد، مرکز شهرستان دشت میشان، واقع در ۷۵ کیلومتری شمال باختری اهواز است و تا پیش از سال ۱۳۱۵، دیهی کوچک پیش نبود و دولت بر اثر موقع محلی، بآن توجه پیدا کرد و اکنون قصبه آن نسبتاً بزرگ است و در حدود ۱۰۷۰۰ تن جمعیت دارد. در این منطقه ایلات عربی زبان نیز یافت میشوند که بزراعت مشغولند. منطقه مزبور گرمسیر است و در تابستان حرارت تا ۵۵ درجه بالای صفر میرسد.

در آنجا کوفت - مالاریا - طفیلی های امعاء - امراض جلدی و مارگزیدگی شایع است.

روزانه بطور متوسط ۹۰ تن بیمار بدرمانگاه مراجعه مینمایند.

در این منطقه سازمان بهداشتی نیز وجود دارد. این درمانگاه دارای یک پزشک - یک

پزشکیار - یک پرستار و یک خدمتگزار است.



درمانگاه سوسنگرد

شادکان

تاریخ افتتاح : ۱۳۳۰/۴/۲۰

این بخش، یکی از بخشهای چهارگانه شهرستان خرمشهر، و در قسمت شمال خاوری آن و نیز در ۷۸ کیلومتری شمال شرقی گچساران واقع شده است. از نقاط گرمسیر محسوب میشود و درجه حرارت آن تابستانها تا ۵۰ درجه بالای صفر میرسد.

شادکان بر پنج دهستان و ۱۲۳ قریه شامل و جمعیت آن بالغ بر ۵۵۰۰۰ تن است. از شادکان راه آهن عبور میکند. مردم آنجا بزبان فارسی و لری تکلم میکنند و شیعه هستند. در شادکان غلات - تنباکو - برنج و حبوبات بدست میآید و اهالی غالباً بکله داری و کشاورزی اشتغال دارند.

شادکان دارای راه شوسه فرعی است. بیماریهای رایج در شادکان عبارتست از مالاریا تراخم - اگزما - کچلی - طفیلی های امعاء و کوفت.

روزانه بطور متوسط ۱۰۰ تن بیمار بدرمانگاه مراجعه میکنند. در این درمانگاه یک پزشک یک ماما - یک پزشکیار - دو پرستار - یک خدمتگزار و یک دربان خدمت میکنند.



منظره ای از کنار رودخانه شادکان

شوش

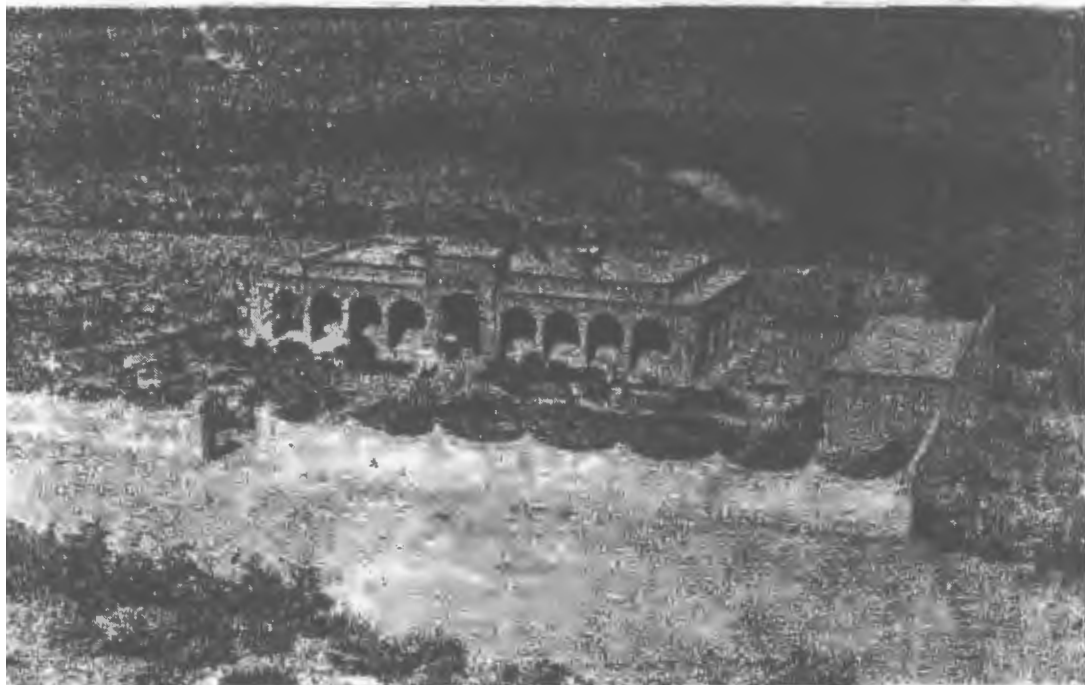
تاریخ افتتاح : ۱۳۲۷/۹/۲۳

قصبه مرکز بخش شوش ، در ۶۵ کیلومتری جنوب باختری دزفول و ۲ کیلومتری باختر راه شوسه اهواز بدزفول واقع شده و منطقه ایست گرمسیری که میزان حرارت آن زمستانها تا ۵ درجه زیر صفر و تابستانها تا ۵ درجه بالای صفر می‌رسد .

جمعیت شوش بالغ بر ۵۰۰۰ تن است که همگی شیعه و زبانشان فارسی و عربی است . شغل عمومی مردم زراعت است و از آب رود کرخه استفاده می‌کنند .

مارهای زهرناک و عقربهای جرار در این ناحیه فراوان است و عده‌ای از مراجعین بدرمانگاه ، کسانی هستند که بوسیله این جانوران گزیده شده‌اند . بیماریهای دیگری که در این ناحیه وجود دارد عبارتست از : تراخم - مالاریا - طفیلی‌های امعاء و کچلی .

درمانگاه ، بعلت نبودن سازمان بیداری، معاینه شاگردان دبستان را نیز بعهده دارد . روزانه بطور متوسط ۸۰ تن بیمار بدرمانگاه مراجعه مینمایند . در این درمانگاه یک پزشک - دو پزشکیار - یک پرستار یک خدمتگزار و یک باغبان انجام وظیفه میکنند .



منظره هوایی درمانگاه شوش

بیمارستان و درمانگاه



تاریخ افتتاح : ۱۳۳۹/۱۰/۲۰

شهرستان شوشتر ، در ۸۵۰ کیلومتری تهران و ۱۲۶ کیلومتری شمال اهواز واقع شده و جزء استان خوزستان است. شوشتر از شهرهای باستانی ایران، و بر تخته سنگهای سواحل شط عظیم کارون برپا گردیده است. این شهر جزء مناطق گرمسیر محسوب میشود و در بعضی اوقات میزان گرمای هوا تا ۶۰ درجه بالای صفر میرسد. جمعیت شوشتر بالغ بر ۲۳۰۰۰ تن است که غالباً مسلمان هستند.



آب آشامیدنی مردم، بوسیله لوله از رودخانه کارون بدست میآید. مردم شوشتر بیشتر بکشاورزی میپردازند، و جمعی در مناطق نفت خیز شهر- های اطراف کارگر هستند. بیماریهائیکه بیشتر در شوشتر مشاهد شده عبارتست از : امراض ریوی - مالاریا - تراخم - بیماریهای انگلی واکزما . روزانه بطور متوسط ۹۰ تن بدرمانگاه مراجعه مینمایند .

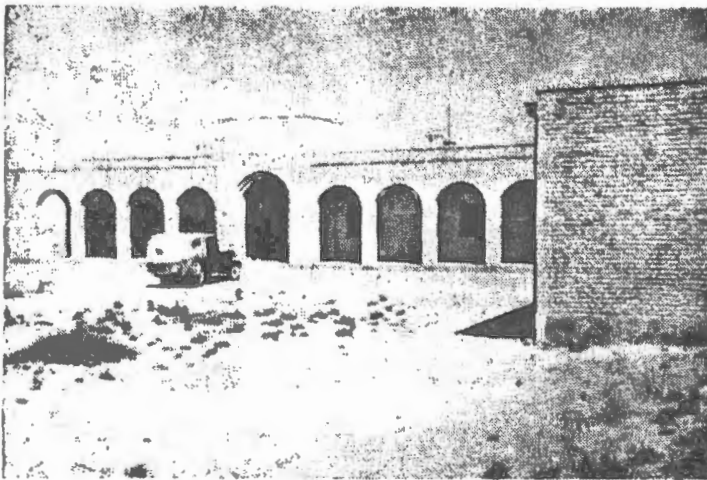
در این درمانگاه بیمارستانی با بیست تخت دایر است که برای بستری ساختن بیماران مورد استفاده قرار میگیرد و شهرداری محل ماهانه مبلغی بپودجه آن کمک

مینماید . بیمارستان و درمانگاه شوشتر بوسیله یک پزشک جراح - یک پزشک بیهوش - دو پرستار - یک خدمتگزار و یک باغبان اداره میشود .

درمانگاه

هندیجان

تاریخ افتتاح ۱۳۳۸/۵/۲۹



درمانگاه هندیجان

قصبه مرکز بخش هندیجان، از توابع شهرستان خرمشهر است که در کنار رودخانه قرار دارد و درمانگاه در قسمت غربی شهر واقع شده است و دورود از کنار آن میگذرد. آب و هوای آن گرمسیری است. در تابستان حرارت هوا تا ۵۵ درجه بالای صفر تغییر میکند. بالغ بر ۱۰۵۰۰ تن سکنه شیعی مذهب دارد که

بزبان فارسی و عربی تکلم

میکنند و بزراعت و کله داری مشغول هستند. محصول هندیجان غلات و لبنیات است. مار و حشرات موذی، و در رودها ماهی کوسه زیاد وجود دارد و بین مراجعین بدرمانگاه، گزیده شدگان جانوران مزبور فراوان هستند.

بین اهالی، طفیلیهای اسماء - کچلی - تراخم و بیماریهای معدی شیوع دارد. تعداد بیمارانی که روزانه بدرمانگاه مراجعه میکنند و مورد معاینه قرار میگیرند، بطور متوسط ۷۰ تن است.

در این درمانگاه یک پزشک - یک پزشکیار - یک خدمتگزار و یک ناغبان انجام وظیفه میکنند.

هویزه

تاریخ افتتاح : ۱۳۲۷/۵/۱۵

هویزه ، در استان ششم (خوزستان) و در چهل کیلومتری جنوب سوسنگرد واقع است . جمعیت این محل با قراء اطراف ۶۷۰۰ تن است که غالباً بزبان عربی تکلم میکنند . هویزه از مناطق گرمسیر ، و از لحاظ آب و هوا محل صعب السكونتی است .

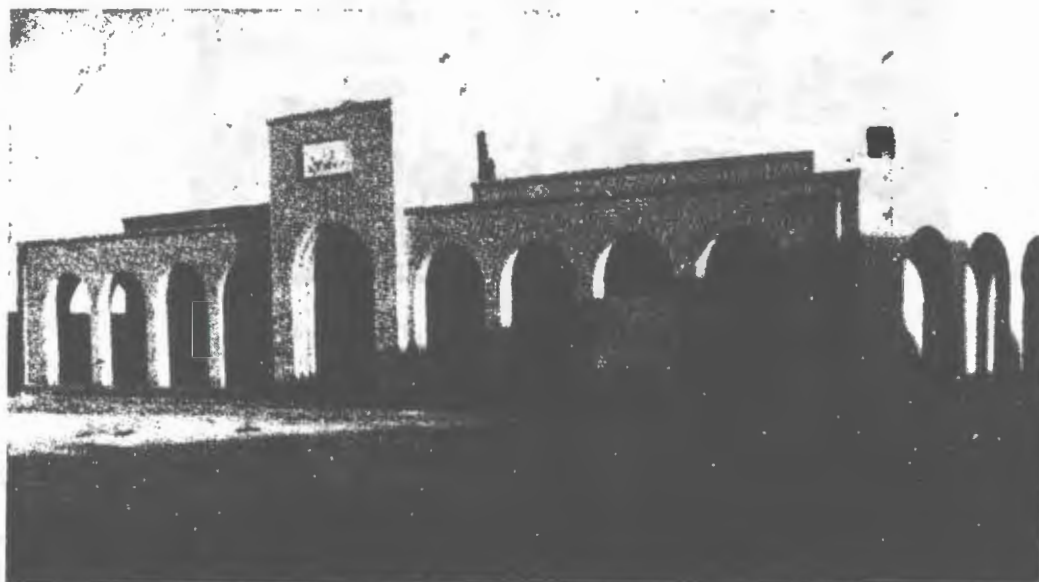
هوای آنجا زمستانها تا ۱۵ درجه زیر صفر و تابستانها تا ۵۵ درجه بالای صفر تغییر میکند ، راه هویزه ، زیاد خوب نیست و زمستانها غالباً مسدود است .

بیماریهای شایع بین اهالی عبارتست از : تراخم - کوفت - کم خونی - نقص ویتامین - سل - اسهال خونی و مالاریا .

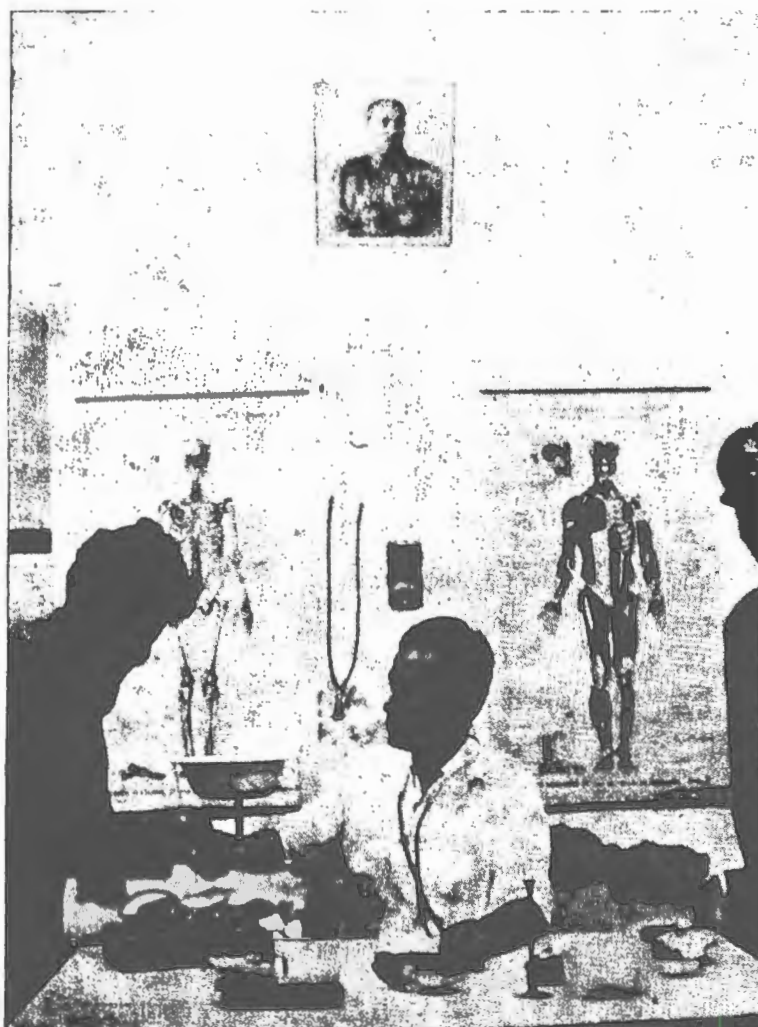
روزانه بطور متوسط ۷۵ تن بیمار بدرمانگاه مراجعه مینمایند .

در این منطقه سازمان بهداری وجود ندارد .

این درمانگاه دارای یک پزشک - یک پزشکیار - یک پرستار - یک خدمتگزار و یک دربان است .



درمانگاه هویزه



اینجا درمانگاه رابل است و پزشك درمانگاه ، با كمال دلسوزی و دقت ، بیمار را معاینه کرده و اینك مشغول دادن دستورهای بهداشتی و داروست . این وظیفه ایست كه همه روزه پزشكان درمانگاههای سازمان شاهنشاهی در سراسر كشور انجام میدهند .

فارس

استان هفتم

۱ - درمانگاه آباد شاهپور

۲ - درمانگاه ارسنجان

۳ - درمانگاه اوز

۴ - درمانگاه داراب

۵ - درمانگاه لارستان

۶ - درمانگاه نورآباد ممسنی

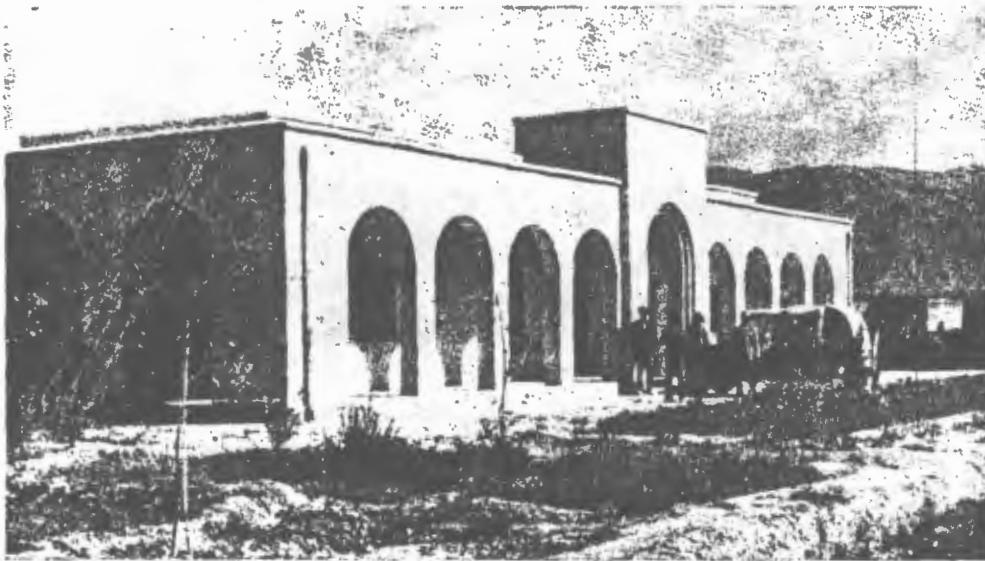


آبادشاهپور

تاریخ افتتاح: ۱۳۲۷/۷/۱۴

آباد شاهپور، در استان هفتم (فارس) و در جنوب شرقی شیراز واقع شده و درمانگاه سازمان ، در قریه آباد شاهپور بنا گردیده است. اهالی آباد شاهپور ده نشین هستند و بکشاورزی اشتغال دارند و زبان فارسی تکلم میکنند. جمعیت آباد شاهپور در حدود ۱۵۰۰ ، و با اطراف و توابع بالغ بر ۹۰۰۰ تن است. خوراک اهالی بیشتر نانهای برنجی و خرماست. هوای این منطقه نسبتاً گرم است و در فصول مختلف سال ، بین صفر تا ۵۰ درجه بالای صفر تغییر میکند. آباد شاهپور فاقد راه شوسه خوب است، در آنجا بیماریهائیکه بیشتر مشاهده میشود: تراخم - مالاریا - کوفت سوزاک - طفیلی های امعاء - اکزما و کچلی است .

بدرمانگاه آباد شاهپور روزانه در حدود ۱۲۰ تن بیمار مراجعه میکنند. در این درمانگاه یک پزشک - یک پزشکیار - یک پرستار - یک خدمتگزار و یک سرایدار خدمت میکنند.



درمانگاه آباد شاهپور

ارسنجان

تاریخ افتتاح: ۱۳۳۷/۱۰/۳

ارسنجان، از توابع استان هفتم (فارس) و در ۲۴ کیلومتری سعادت آباد، سر راه شوسه اصلی تخت جمشید و اصفهان واقع شده است.

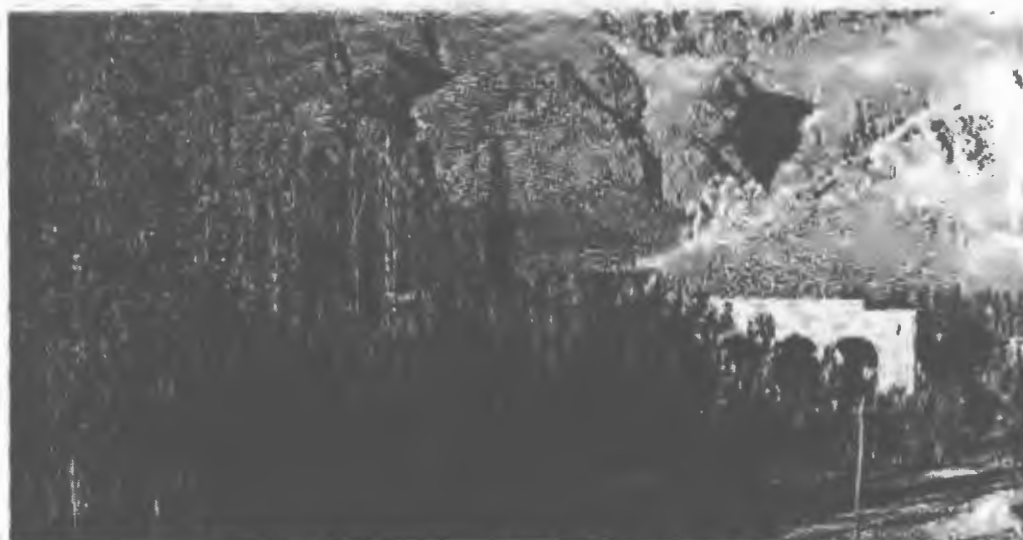


درمانگاه ارسنجان در چند سال پیش

جمعیت ارسنجان ۵۰۰۰ و با توابع در حدود ۷۰۰۰ تن است. مردمی هستند ده نشین و فارسی زبان و تعداد کمی هم عرب در میان آنان وجود دارد. درجه حرارت هوا در تابستان تا ۴۰ درجه بالای صفر

و در زمستان تا ده درجه زیر صفر تغییر میکند.

امراض شایع بین اهالی عبارتست از تراخم - کچلی - رماتیسم - اگزما و طفیلی های معده. روزانه بطور متوسط ۸۰ تن بیمار ب درمانگاه مراجعه مینمایند. در این منطقه سازمان بهداشتی موجود نیست. این درمانگاه دارای یک پزشک - دو پزشکیار - دو پرستار - یک خدمتگزار و یک باغبان است.



منظره ای از باغ درمانگاه

اوز

تاریخ افتتاح: ۱۳۳۹/۹/۲۰

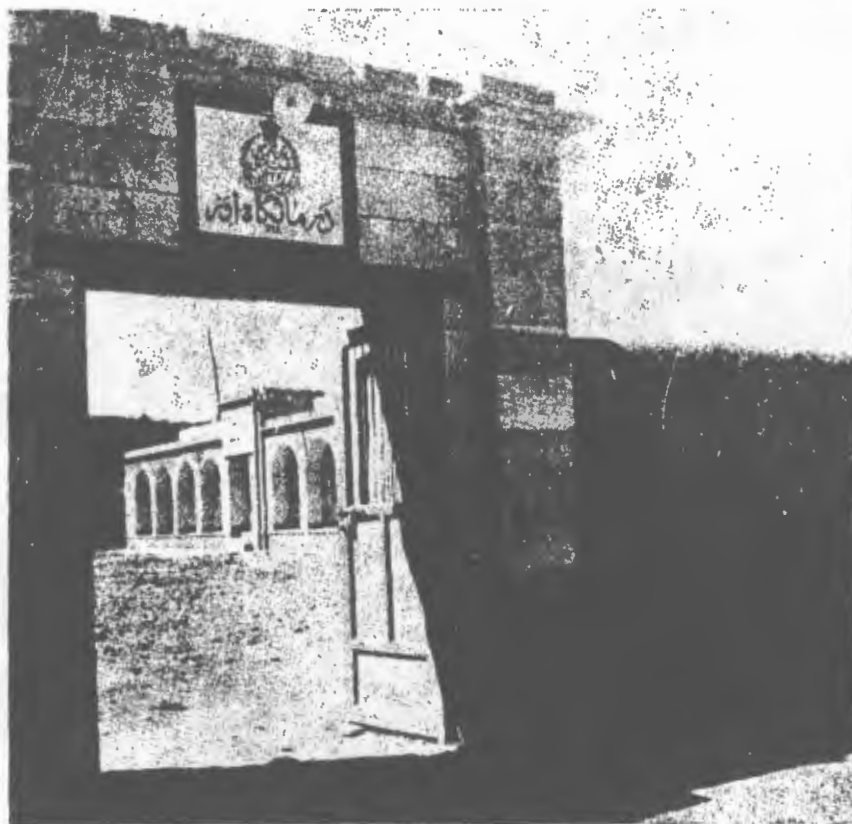
اوز ، در استان هفتم (فارس) و جزء منطقه بستک لار و در شمال غربی لارستان و جنوب غربی شیراز واقع شده است.

درمانگاه سازمان ، در کنار قصبه و در محل نسبتاً گودی قرار گرفته است. جمعیت اوز ، در حدود ۶۰۰۰ تن است که بزبان فارسی سخن میگویند و بیشتر بتجارت مشغولند.

هوای این منطقه گرم است ، باین معنی که درجه هوا در زمستانها ۱۵ درجه ، و در تابستانها تا ۵۵ درجه بالای صفر میرسد. راه اوز ، فرعی و ناهموار است.

در اوز ، پیوک (کرم رشته) - تراخم - امراض جلدی و طفیلی های امعاء زیاد است. بدرمانگاه اوز ، روزانه بین ۲۰ تا ۳۰ تن بیمار مراجعه میکنند.

درمانگاه اوز ، از طرف آقای یزدانی ، که از مالکین نیکوکار محل هستند ، ساخته و بسازمان شاهنشاهی واگذار شده است و سازمان وسائل کار را فراهم و آنرا دائر ساخت . این درمانگاه دارای یک پزشک - یک پزشکیار - دو پرستار - یک خدمتگزار و یک مرایدار است.



در ورودی درمانگاه

داراب

تاریخ الفتح : ۱۳۳۷/۹/۱۸

داراب ، از توابع استان هفتم (فارسی) و در جنوب شرقی شیراز واقع شده است. درمانگاه ، در دامنه کوه و در قسمت بالای شهر قرار دارد. جمعیت داراب ۸۰۰۰ تن است که همگی فارسی زبان و تقریباً شهرنشین هستند. شغل عمومی اهالی زراعت و محصول عمده آنجا خرماست. منطقه ایست گرمسیری و میزان حرارت هوای آن در فصول مختلف سال از ۲ تا ۴۰ درجه بالای صفر تغییر میکند.

بیماریهای شایع بین اهالی عبارتست از : مالاریا - تراخم و طفیلی های اعضاء. روزانه بطور متوسط ۲۶۰ تن بیمار بدرمانگاه مراجعه مینمایند. در این منطقه سازمان بهداری نیز موجود است. این درمانگاه را یک پزشک - دو پزشکیار یک پرستار - یک خدمتگزار و یک باغبان اداره میکنند.



منظره ای از کوچه های داراب

لار

تاریخ افتتاح : ۱۳۴۷/۴/۱۵

شهر لار ، واقع در استان هشتم (کرمان) ، از نقاط گرمسیر محسوب میشود . مردم این شهر به تنهائی ۱۵۰۰۰ تن بیشتر نیستند ، ولی باقره و قصبه اطراف جمعاً ۷۰۰۰۰ تن جمعیت



منظره ای از باغهای لارستان

دارد . اهالی بیشتر بکشاورزی

اشتغال دارند و بزبان فارسی

صحبت میکنند . در این محل ،

در فصول مختلف سال میزان

حرارت هوا از صفر تا ۵۰ درجه

بالای صفر تغییر پیدا میکند .

بیماریهای شایع

بین اهالی عبارتست از تراخم

مالاریا و پیوک (رشته) .

روزانه بطور متوسط

۱۰۰ الی ۱۱۰ تن بیمار

بدرمانگاه مراجعه میکنند .

در این منطقه سازمان

بهداری وجود دارد .

این درمانگاه دارای

یک پزشک - یک پزشکیار

دو پرستار - یک خدمتگذار

و یک دربان است .

نورآباد منسی

تاریخ افتتاح: ۱۳۲۸/۱۰/۱۸

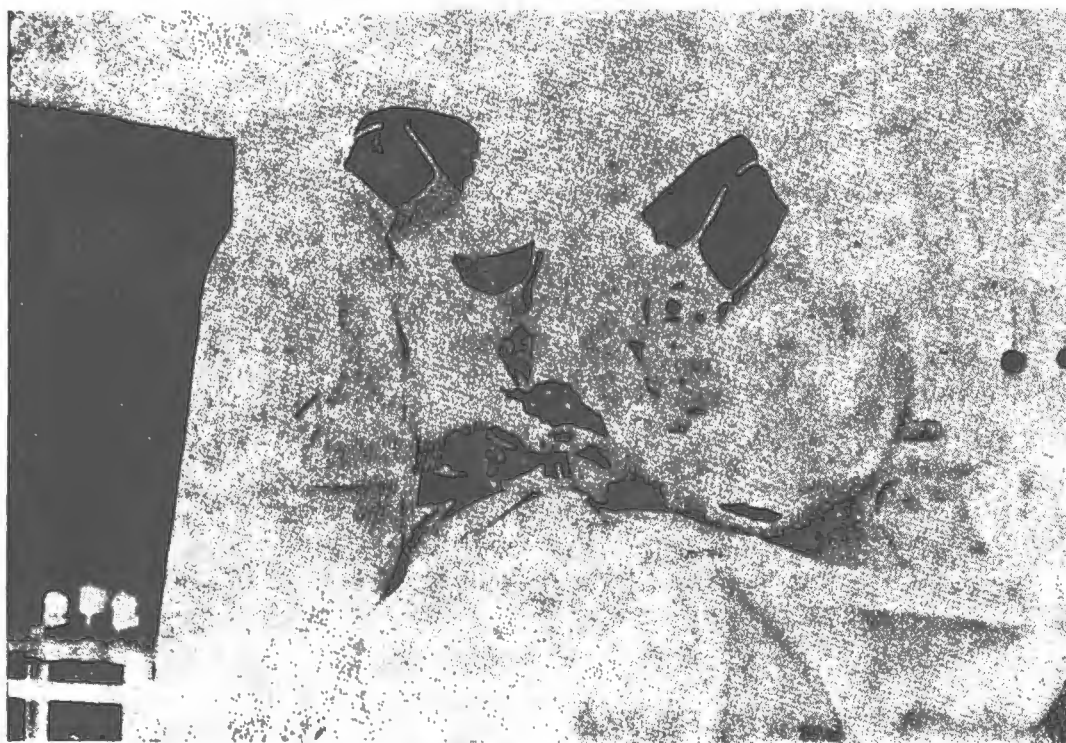
نورآباد، از توابع استان هفتم (فارس) و در شمال غربی شیراز واقع است. درمانگاه در وسط قصبه بنا شده است. جمعیت نورآباد ۵۲۰۰ و با توابع جمعاً ۱۰۵۰۰ تن میشود. قریب نصف این جمعیت که بطور ایلی زندگی میکنند، زبانشان فارسی و شغل عمومیشان زراعت است. آب و هوای نورآباد مرطوب است و میزان حرارت آنجا در فصول مختلف، از ۳ درجه زیر صفر تا ۴۵ درجه بالای صفر تغییر میکند. بیماریهای شایع بین اهالی عبارتست از تراخم - رماتیسم و مالاریا. روزانه بطور متوسط ۸۰ تن بیمار بدرمانگاه مراجعه میکنند. در این منطقه سازمان بهداری موجود نیست. این درمانگاه دارای یک پزشک - یک پزشکیار - دو پرستار - یک خدمتگزار و یک باغبان است.



درمانگاه نورآباد



کار در آزمایشگاه - بیمارستان زابل



کار در اتاق عمل - بیمارستان زابل

کرمان

استان هفتم

۱- درمانگاه ایرانشهر

۲- درمانگاه زابل

۳- درمانگاه سراوان

۴- درمانگاه تنبر آباد

۵- درمانگاه جزیره قشم

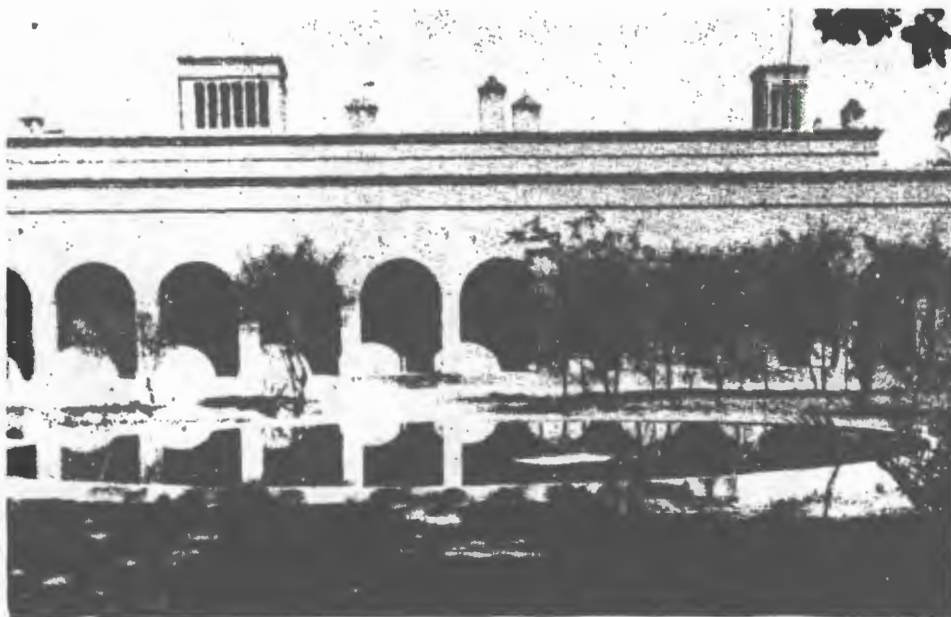


ایران شهر

تاریخ افتتاح : ۱۳۴۷/۱۱/۲۹

ایران شهر ، از بخشهای بلوچستان و نام سابق آن بمپور بوده است. اهالی این منطقه عموماً شهرنشین و زارع هستند. تعداد کسانی که در این منطقه سکونت دارند جمعاً بالغ بر ۱۰۰۰۰ تن و از نژاد بلوچ هستند. زراعت آنجا غلات و تربیت نخل است. راه عمومی ایران شهر پریپچ و خم و صعب العبور است.

امراض شایع بین اهالی : مالاریا - تراخم و سل است.
روزانه بطور متوسط ۷۰ تن بیمار بدرمانگاه مراجعه مینمایند.
در این منطقه سازمان بهداشتی نیز وجود دارد. این درمانگاه دارای یک پزشک -
دوپزشکیار - دوپرستار - یک خدمتگزار و یک باغبان است.



منظره ای از روی درمانگاه ایران شهر



در ورودی درمانگاه ایرانشهر



منظره ای از پشت درمانگاه ایرانشهر

بیمارستان و درمانگاه

زابل

تاریخ افتتاح : ۱۳۳۹/۴/۵

زابل ، یکی از شهرهای مرکزی بلوچستان و از فرمانداریهای مهم کشور است . تعداد



دروودی درمانگاه زابل

اهالی باجمعیت حومه ،

رو بهمرفته ۲۵۰۰۰۰ تن

میشود . محصول عمومی

آنجا خرما و گندم است .

هوای زابل

در تابستان تا ۴۵ درجه

بالای صفر و در زمستان

تا ۵ درجه زیر صفر تغییر

میکند . امراض شایع

بین اهالی عبارتست از :



ساختمان درمانگاه زابل

تراخم- کوفت - مالاریا- طفیلی های امعاء - کمبود ویتامین ها و رنجوری های معدی .
 روزانه بطور متوسط ۱۶۰ بیمار باین درمانگاه مراجعه میکنند .
 در این منطقه سازمان بهداری نیز موجود است .
 این درمانگاه دارای یک پزشک - دوپزشکیار - یک پرستار - یک خدمتگزار - دودربان
 و دو باغبان است .
 محل این درمانگاه سابقاً قونسولگری انگلیس بود و دارای باغ و فضای بسیار وسیع و چند
 دستگاه ساختمان است که سازمان شاهنشاهی آنرا خریداری کرد و برای درمانگاه اختصاص داد .
 در این درمانگاه پنج تخت برای بستری ساختن بیماران وجود دارد .



گروه ای از داروخانه درمانگاه رابل

سراوان

تاریخ افتتاح : ۱۳۴۷/۸/۲۳

سراوان ، از بخشهای
بلوچستان و بالغ بر ۵۰۰۰
تن جمعیت دارد که اغلب
بروش عشایری زندگی
میکند . زبان زارعین ،
تقریباً فارسی و زبان عشایر
بلوچ است .

زراعت عمومی اهالی
کشت ذرت و گندم است و



ساختمان درمانگاه



منظره‌ای از کوچه‌های سراوان

محصول عمده آنجا ضلالت و خرما است
آب و هوای سراوان تقریباً
شبیه زابل است ، یعنی در تابستان
تا ۴۰ درجه بالای صفر و در زمستان
تا ۵ درجه زیر صفر تغییر میکند .
از حیوانات غیر اهلی ، گربه
وحشی و از خزندگان ، مارهای
سمی و نیز حشرات موذی در این
منطقه فراوان دیده میشود .
امراض شایع بین اهالی عبارتست
از : مالاریا - تراخم - کوفت -
کچلی - طفیلیهای امعاء - مارزدگی
و عقرب گزیدگی نیز زیاد است .
روزانه بطور متوسط ۶۰ تن
بیمار بدرمانگاه مراجعه مینمایند .
در این منطقه سازمان بهداشتی
نیز موجود است .

سراوان را یک پزشک - یک پزشکیار - دو پرستار - یک خدمتگزار و یک دربان اداره میکنند .

عنبرآباد

تاریخ افتتاح : ۱۳۲۸/۱/۲۳

عنبرآباد جیرفت از توابع استان هشتم (کرمان) و در جنوب شرقی شهر کرمان واقع است. ساکنین آنجا بیشتر از عشایر چادر نشین و زارعین تشکیل میشود. تعداد اهالی کلیه پنج بلوک جیرفت در حدود یکصد هزار تن است. زبان مردم فارسی و بلهجه بومی خاصی موسوم بلهجه رودباری تکلم میکنند. این منطقه جزء نقاط گرمسیر محسوب میشود، زیرا درجه حرارت در تابستان تا ۵۰ درجه بالای صفر میرسد. جیرفت دارای راه فرعی است و در مواقع بارندگی غیر قابل عبور میگردد.

در این محل بیماری مالاریا و بیماریهای ناشی از کمبود ویتامین و مواد غذایی و بیماریهای گرمسیری مخصوصاً اسهال خونی و چشم دردهای حاد و امراض ریوی زیاد مشاهده میشود. روزانه بطور متوسط ۷۰ الی ۸۰ تن بدرمانگاه مراجعه مینمایند. در این منطقه سازمان بهداری نیز موجود است. این درمانگاه دارای یک پزشک - یک پزشکیار - دوبرستار - یک خدمتگزار و یک باغبان است.

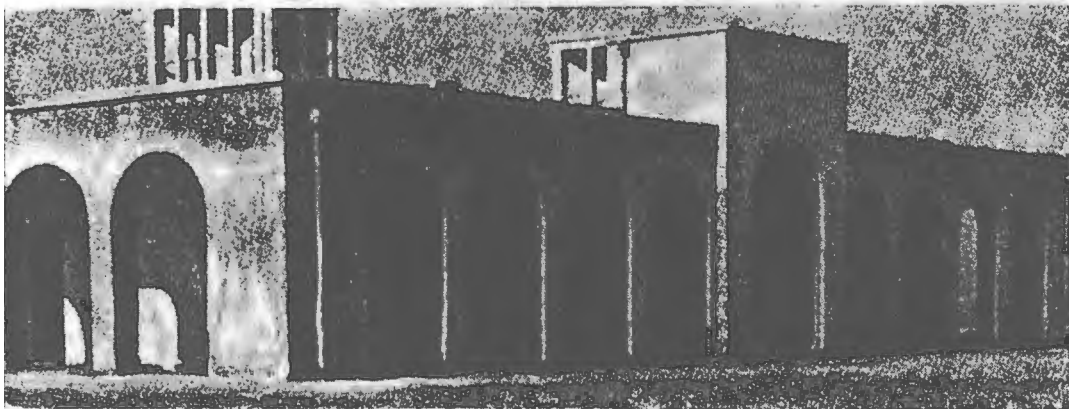


درمانگاه عنبرآباد جیرفت

قشم

تاریخ افتتاح: ۱۳۲۷/۱۲/۲۶

جزیره قشم، جزء استان هفتم (فارس) و در ۱۸ کیلومتری بندرعباس و در آبهای خلیج فارس واقع و از چند جزیره کوچک و یک جزیره بزرگ مرکب است. مرکز جزیره، قشم است. جزایر قشم از ۳۰ پارچه آبادی تشکیل شده و بالغ بر ۴۰۰۰۰ تن جمعیت دارد، ولی جمعیت خود قشم، ۵۰۰۰ تن بیشتر نیست. قسمتی از اهالی بزبان عربی تکلم میکنند و پیرو مذهب تسنن هستند و حرفه آنها بیشتر ماهیگیری و زراعت است و مواد غذایی آنها را غالباً خرما و ماهی و لبنیات تشکیل میدهد.



درمانگاه جزیره قشم

هوای جزیره قشم بسیار گرم و در تابستانها تا ۶۰ درجه و زمستانها تا ۱۵ درجه بالای صفر تغییر میکند. به جزیره قشم با قایق موتوری و بادی و کشتیهای کوچک رفت و آمد میشود. در این منطقه مالاریا و بیماری رشته که در زبان محلی به پیوک موسوم است فراوان است. پزشک این درمانگاه غالب اوقات با شتر در اطراف جزیره گردش میکند و بیماران را مورد معاینه و معالجه قرار میدهد. روزانه بطور متوسط ۴ تن بیمار به درمانگاه مراجعه میکنند. در این منطقه سازمان بهداشتی وجود ندارد. این درمانگاه دارای یک پزشک - یک پزشکیار - یک پرستار - یک خدمتگزار و یک باغبان است.

خراسان

استان نهم

۱ - درمانگاه بجنورد

۲ - بیمارستان و درمانگاه بیرجند

۳ - درمانگاه رشتخوار

۴ - درمانگاه زوزن خواف

۵ - درمانگاه شهر نوباختر

۶ - درمانگاه قائن

۷ - درمانگاه کاخک



درمانگاه

بجنورد

تاریخ افتتاح : ۱۳۳۲/۸/۱

شهرستان بجنورد ، در شمال غربی خراسان و در مجاورت دشت گرگان واقع است . این شهرستان از سمت مشرق بدرجز و از طرف شمال به ترکمنستان متصل است . درمانگاه سازمان در مرکز شهر بجنورد است .

این درمانگاه در سال ۱۳۳۲ از طرف اداره املاک و مستغلات پهلوی سازمان واگذار شد . جمعیت بجنورد بالغ بر ۲۰۰۰۰ تن است . این شهر از نقاط سردسیر و ییلاقی است . محصولات عمده آنجا ، غلات و میوه و شغل عمومی اهالی آن کشاورزی و گله داری است . بیماریهای شایع در بجنورد عبارتست از : مالاریا - رماتیسم - کچلی - اکزما - کوفت - اسهال

و امراض عصبی .

روزانه بطور

متوسط ۷۰ بیمار

بدرمانگاه مراجعه

میکنند .

در این منطقه

سازمان بهداری نیز

موجود است . این

درمانگاه دارای یک

پزشکدیک - پزشکیار -

دو پرستار و یک

سرایدار است .



بیرجند

تاریخ افتتاح : ۱۳۳۹/۱۲/۲۳

شهر بیرجند ، در استان نهم (خراسان) و در جنوب مشهد واقع شده و مرکز شهرستان بیرجند و قائنات است . این شهر را سابقاً قهستان مینامیدند .

بیرجند مسیر بازرگانی میان ایران و پاکستان و هندوستان است و تا تهران ۱۴۱۱ کیلومتر فاصله دارد . جمعیت بیرجند بالغ بر ۲۵۰۰۰ تن است که عموماً مسلمان هستند و بلهجه خراسانی تکلم میکنند .

این درمانگاه بهمت مرحوم امیر شوکت الملک علم که از نیکوکاران بود ساخته ، و از طرف آقای امیر اسدالله علم برای اداره ، در اختیار سازمان شاهنشاهی گذاشته شده است . آب آشامیدنی اهالی لوله کشی شده است . محصولات عمده این منطقه غلات ، پنبه و زعفران است . مردم بیرجند غالباً کشاورز هستند و قالی بافی و صنایع دستی نیز در بین بیشتر زنان آنجا رواج دارد . هوای بیرجند نسبتاً گرم است . امراضی که بیشتر در این منطقه شیوع دارد عبارتست از تراخم - رماتیسم - مالاریا - امراض معدی و قلبی . درمانگاه بیرجند دارای بیمارستانی است که سی تخت دارد و برای پذیرفتن و بستری ساختن بیماران مورد استفاده قرار میگیرد .



روزانه
بطور متوسط
۱۴۰ تن بیمار
بدرمانگاه مراجعه
مینمایند .
درمانگاه بیرجند
توسط یک
پزشک - یک
پزشکیار - دو
پرستار - یک
خدمتگزار و یک
دربان اداره
میشود .

بیماران ، منتظر نوبت خود هستند

رشتخوار

تاریخ افتتاح ۱۳۳۸/۱۰/۱

رشتخوار از توابع استان نهم (خراسان) و در ۵۰ کیلومتری جنوب خاوری تربت حیدریه، در سر راه عمومی خواف واقع است.

رشتخوار سرزمینی است جلگه ای و گرمسیر و به تنهائی ۴۰۰۰ تن سکنه دارد ولی با آبادیها و مزارع اطراف، جمعیت آن بالغ بر ۷۵۰۰ تن میشود. مردم رشتخوار ده نشین و شیعه و فارسی زبان و بیشتر کشاورز هستند. محصولات فلاحتی عمده آن غلات و بادام، و صنعت اهالی قالی بافی است.

بیماری های معمول در رشتخوار: تراخم - مالاریا - سل - امراض ریوی و کمبود ویتامین است.

روزانه بطور متوسط ۸۰ تن بیمار بدرمانگاه مراجعه میکنند. در این منطقه سازمان بهداری نیز موجود است.

این درمانگاه دارای یک پزشک - یک پزشکیار - دو پرستار - یک خدمتگزار و یک باغبان است.



در هر درمانگاه، آزمایشگاهی دائر است

مجموعه مجسمه های سنگی و چوبی در موزه



و یکی در بان است.
بهرداری وجود ندارد. این دربانگاه دارای یکی پرشکری - یکی پرشکری - دو پرشکری - یکی غنچه گز از
روزان به طور متوسط ۸۰ تن بهار بهار سنگ مرمره می باشد. در این منطقه سازمان
رایج است و می لایان بهار یا نیز در این ناحیه مشاهده می شود.
در شهر نو باختر بهارهای تیراجم - سل و قدان کسب می کنند از سایر بهارها
راه آن فرعی و در زمستانها صحرایان است.
با احتساب سال ۱۳۰۰ تن بهار می شود.
چهارم آنجا ۳۵۰۰ تن است و لی
کلیه میری میرزا افغانستان است. این منطقه سرزمینی است جلگه ای و معتدل و اهالی آنجا
۶۰ در ۶۰ تن بهار (خراسان) و در ۶۰ تن بهار (خراسان) و در ۶۰ تن بهار (خراسان) و در ۶۰ تن بهار (خراسان)
شهر نو باختر ، قصبه دهستان بهشتی طایفه و از توابع استان بهار (خراسان) و در ۶۰ تن بهار (خراسان)

۱۳۴۸/۱۲/۱ : تاریخ افتتاح

سازمان بهار

در بانگاه

روزن خواب

تاریخ افتتاح : ۱۳۲۸/۱۰/۲۴

روزن خواب که بقسم آباد نیز موسوم است ، از توابع استان نهم (خراسان) و در شهرستان تربت حیدریه در ۲۶ کیلومتری جنوب باختری خواب واقع است . جمعیت روزن خواب ۲۲۰۰ و با آبادیهای اطراف ، جمعاً بالغ بر ۵۵۰۰ تن است . مردم این منطقه ده نشین و کشاورز ، و زبانشان فارسی است . هوای آنجا بین ۴ درجه بالای صفر تا ۱۰ درجه زیر صفر تغییر میکند . راه روزن خواب فرعی و ناهموار است .

بیماریهای شایع در روزن خواب در مرحله اول تراخم ، و در درجه دوم ، کمبود ویتامین وسل (بمقدار کم) و کوفت است . روزانه بطور متوسط ۴ تن بدردمانگاه مراجعه مینمایند . در این منطقه سازمان بهداری موجود است . این درمانگاه دارای یک پزشک - یک پزشکبار - یک پرستار - یک خدمتگزار و یک دربان است .



چند تن از کارمندان درمانگاه روزن

قائن

تاریخ افتتاح : ۱۳۳۷/۷/۱۴

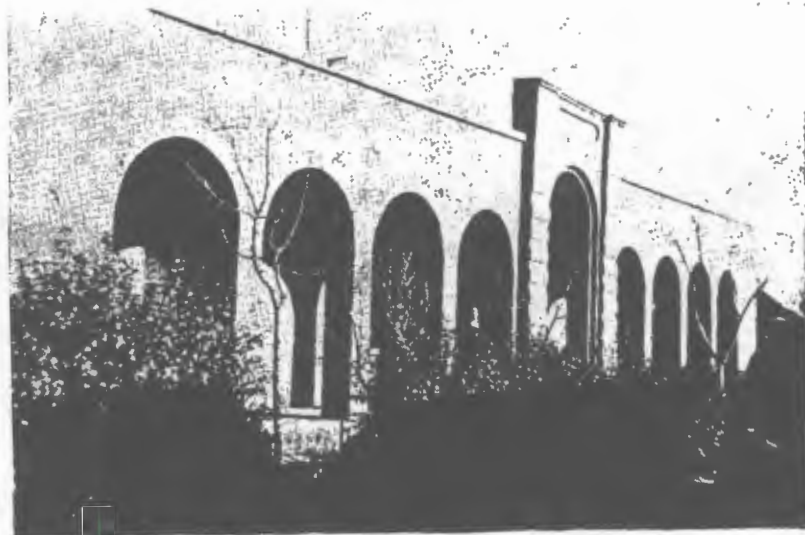
قائن ، قصبه مرکزی بخش قائن ، از توابع شهرستان بیرجند و در استان نهم (خراسان) ،



در سر راه شوسه عمومی مشهد و زاهدان قرار دارد . قائن جلگه ایست گرمسیری و دارای ۵۰۰ تن سکنه شیعی مذهبی فارسی زبان که بکشاورزی اشتغال دارند . محصول عمده این منطقه عبارتست از زعفران و ارزن ، و صنعت اهالی قالیچه و کرباس بافی است . در قائن کچلی - امراض معدی - تراخم - اگزما و مالاریا شیوع دارد . روزانه بطور متوسط ۵۰ تن بیمار بدرمانگاه مراجعه مینمایند . در قائن سازمان بهداری نیز وجود دارد .

در ورودی درمانگاه

پزشک - یک پزشکیار - دو پرستار - یک خدمتگزار و یک باغبان است .



ساختمان درمانگاه

کاخک

تاریخ افتتاح : ۱۳۲۷/۱۲/۲۲

کاخک ، قصبه مرکز دهستان کاخک ، بخش حومه جویمند ، از شهرستان گناباد



این پیرمرد صدوسی ساله یکی از مراجعین
بدرمانگاه کاخک است

و در استان نهم (خراسان) واقع است و در ۳۶ کیلومتری جنوب باختری گناباد و پانزده کیلومتری راه شوسه عمومی بیرجند - گناباد قرار دارد و دارای آب و هوایی معتدل است . جمعیت کاخک به تنهائی ۶۰۰۰ ، ولی با آبادیها و مزارع پیرامون خود ۱۶۵۰۰ تن است .

راه کاخک باوجود آنکه از راههای فرعی است ، معهداشوسه و خوب است . محصول این ناحیه عبارت از زعفران و غلات و ابریشم ، و صنعت اهالی آن قالیچه بافی است .

بیماریهای شایع دراین منطقه عبارتست از : عفونتهای روده - رماتیسم - تراخم - امراض ریوی و طفیلیهای امعاء .

روزانه بطور متوسط ۹۰ تن بیمار بدرمانگاه مراجعه مینمایند .

دراین منطقه سازمان بهداشتی نیز وجود دارد . درمانگاه کاخک دارای یک پزشک - یک پزشکیار - دو پرستار و یک خدمتگزار است .



نمایی از درمانگاه

اصفهان

استان دهم

۱ - درمانگاه اردستان

۲ - درمانگاه اردکان

۳ - درمانگاه انارک

۴ - درمانگاه شهر بابک

۵ - بیمارستان و درمانگاه گلپایگان

۶ - درمانگاه لنجان

۷ - درمانگاه نائین

۸ - درمانگاه هرند



اروستان

تاریخ افتتاح : ۱۳۳۶/۱۱/۳۶

اروستان ، از توابع یزد و جزء استان دهم (اصفهان) و در بین راه کاشان و یزد واقع است . تعداد سکنه شهر ۶۰۰۰ و با قراء و نصبات اطراف بر ۴۰۰۰۰ تن بالغ میشود .

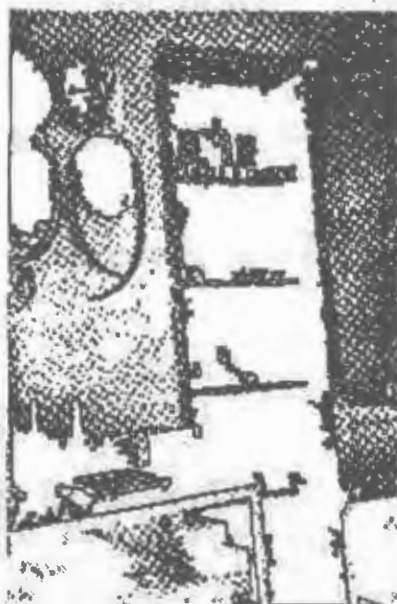
هوای این منطقه زمستانها تا ۱۰ درجه زیر صفر و تابستانها تا ۴۰ درجه بالای صفر تغییر میکند . راه آن شنوده ، ولی خیلی خوب نیست . بیماریهای شایع بین اهالی ، مالاریا - تراخم - کوفت - اکزما - کچلی - طفیلیهای امعاء و سبل است .

روزانه بطور متوسط ۷۰ تن بیمار به درمانگاه مراجعه مینمایند .

در این منصقه سازمان بهداری نیز موجود است .

این درمانگاه دارای یک پزشک - یک پزشکیار - دو پرستار - یک خدمتگزار و یک

دربان است .



گرفته ای از داروخانه درمانگاه

اردکان

تاریخ افتتاح : ۱۳۳۷/۹/۸

اردکان از توابع یزد و جزء استان دهم (اصفهان) و بین نائین و یزد واقع است . جمعیت این بخش پتنهائی ۲۵۰۰ تن است، ولی باقراء و آبادیهای اطراف بر ۴۹۰۰۰ تن بالغ میشود . مردم این منطقه بزبان فارسی تکلم میکنند و غالباً شهرنشین و پیشه‌ور و زارع هستند . این درمانگاه در ساختمان متعلق باقاي حسن ضیائی اردکانی دائر گردیده است . هوای این بخش نسبتاً گرم و میزان حرارت در تابستان تا ۴۰ درجه بالای صفر میرسد . بیماریها شایع بین اهالی عبارتست از تراخم - کوفت - امراض ریوی و کمبود مواد ویتامینی . روزانه بطور متوسط ۸۰ تن بیمار بدرمانگاه مراجعه مینمایند . در این منطقه سازمان بهداری نیز موجود است . در این درمانگاه یک پزشک - دو پزشکیار یک پرستار - یک خدمتگزار و یک باغبان خدمت میکنند .



درمانگاه اردکان

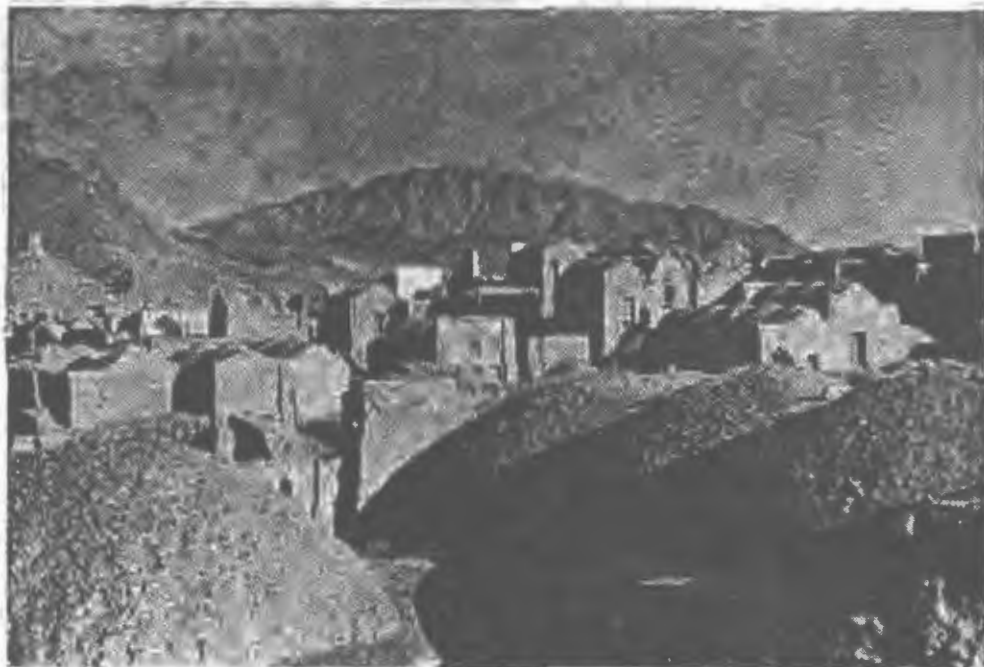
انارك

تاریخ افتتاح : ۱۳۲۷/۶/۱

انارك ، جزء استان دهم (اصفهان) است ، وبه تنهائی ۲۴۰۰ تن جمعیت دارد ، ولی با افزودن جمعیت قراء و قصبات اطراف ، جمعیت آن بر ۵۰۰۰ تن بالغ میشود . مردم انارك بواسطه وجود معادن ، غالباً كارگر هستند و جمعی از آنان نیز بكشاورزی مشغولند ، و عموماً بزبان فارسی تكلم میکنند .

هوای این منطقه نسبتاً گرم است ، باین معنی كه در تابستانها تا ۵۴ درجه بالای صفر میرسد . راه انارك شوسه نیست ، ولی قابل عبور و خوب است . بیماریهاییكه بیشتر در انارك دیده میشود ، تراخم - مسمومیت های ناشی از كار در معادن - كچلی - اكزما - رماتیسم و امراض ریوی است . روزانه بطور متوسط ۷۰ تن بیمار ب درمانگاه مراجعه مینمایند .

در این منطقه سازمان بهداری وجود دارد . يك پزشك - دوپزشكیار - دو پرستار - يك خدمتگزار و يك باغبان در این درمانگاه انجام وظیفه میکنند .



منظره ای از انارك

شهربابک

تاریخ افتتاح : ۱۳۲۷/۱۲/۱۵

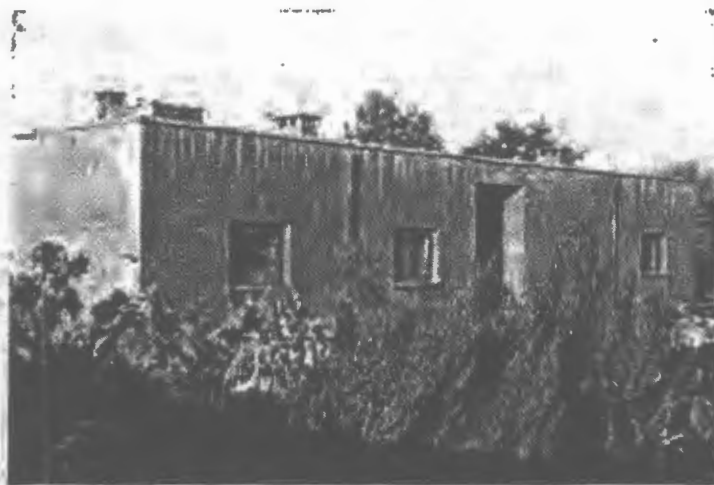
شهر بابک ، از توابع استان دهم (اصفهان) و در جنوب این شهرستان واقع است . منطقه ایست نسبتاً معتدل و میزان حرارت هوای آن در فصول مختلف از ۱۵ درجه زیر صفر تا ۳۵ درجه بالای صفر تغییر میکند . جمعیت آن در حدود ۵۲۰۰ تن است که اغلب بزرگداشتغال دارند .

محصول عمده آنجا غلات است . بیماریهای شایع بین اهالی ، تراخم - کوفت - کچلی - طفیلی های امعاء و بیماریهای قلبی است .

روزانه بطور متوسط ۶۰ تن بیمار بدرمانگاه مراجعه مینمایند .

در این منطقه سازمان بهداری نیز موجود است .

یک پزشک - دو پزشکیار - دو پرستار یک خدمتگزار و یک دربان در این درمانگاه بکار مشغولند .



درمانگاه شهر بابک

بیمارستان و درمانگاه

کلیایگان

تاریخ افتتاح: ۳۳۰/۴/۱۰



کلیایگان، در

۱۰۶ کیلومتری

جنوب شرقی اراک

و در ۳۱۳ کیلو -

متری جنوب غربی

قم، و بین راه اراک -

اصفهان واقع است.

آب و هوای آن

بسیار خوب و

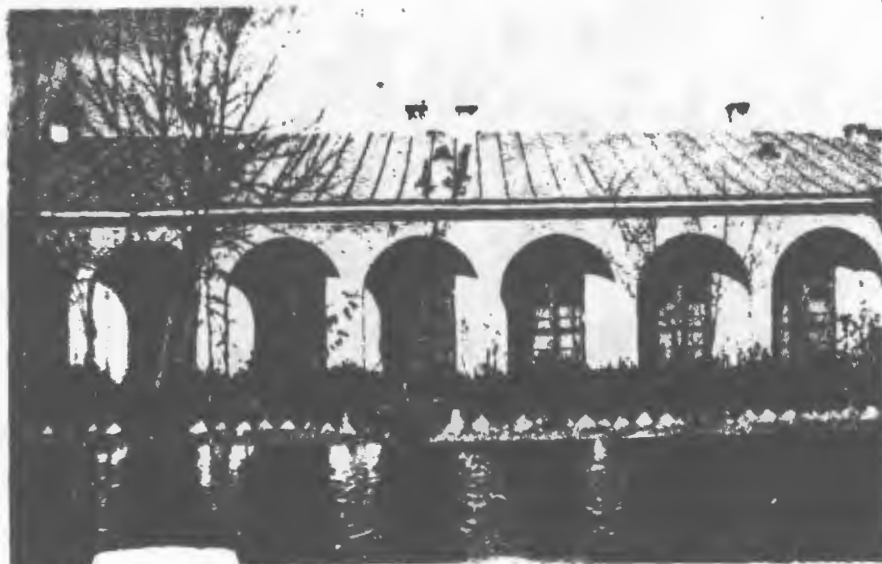
بیلاقی است و بالغ

بر ۲۲۰۰۰ تن

جمعیت دارد که

هنگام انجام یک عمل جراحی در کلیایگان

عموماً شیعه هستند و بزبان فارسی تکلم میکنند و اکثراً بکشاورزی اشتغال دارند. محصولات



قسمت جنوبی درمانگاه و بیمارستان کلیایگان

عمده آنجا غلات - پنبه و حبوبات است . لبنیات خوبی نیز در این شهر بدست میآید . درمانگاه کلپایگان که از ثلث مرحوم حاج عبدالحسین خان افخم الدوله عاملی ساخته شده ، از طرف وراثت آن

مرحوم طبق

سند رسمی

بسا زمان

شاهنشاهی

خدمات

اجتماعی

واگذار

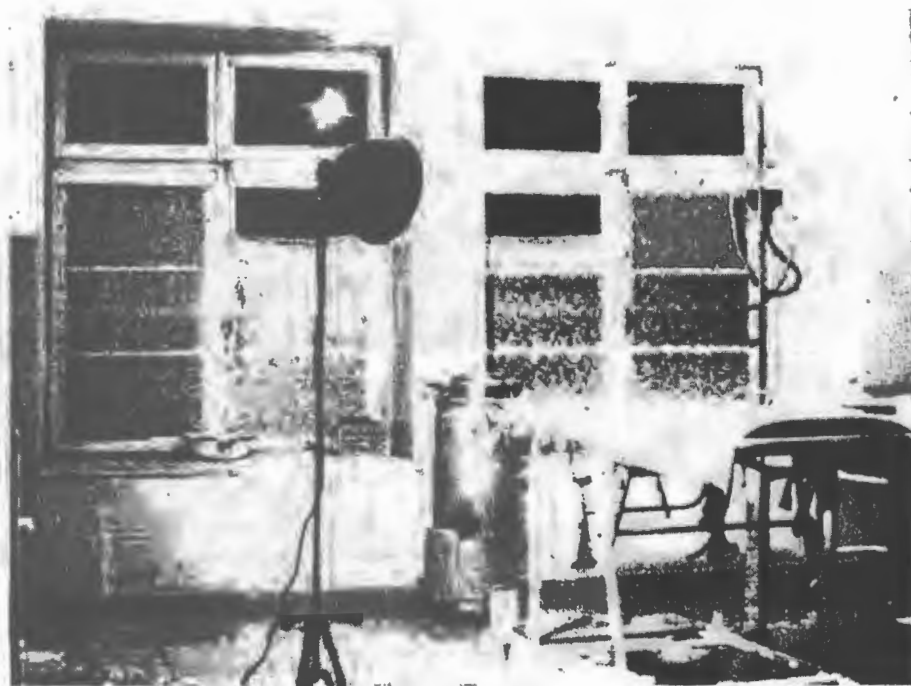
گردیده است.



درمانگاه کلپایگان

از بدو تأسیس ، در این درمانگاه پنج تخت برای بستری ساختن بیماران گذاشته شده و بصورت بیمارستان کوچکی در آمده است .

روزانه بطور متوسط ۶۰ تا ۷۰ بیمار باین درمانگاه مراجعه مینمایند . درمانگاه و بیمارستان کلپایگان دارای یک پزشک جراح - یک مدیره داخلی - دو پزشک یار - چهار پرستار - یک خدمتگزار یک باغبان - یک دربان و یک آشپز است .



منظره ای از اتاق عمل بیمارستان کلپایگان

لنجان

تاریخ افتتاح : ۱۳۲۷/۹/۲۴

لنجان یا پیربکران ، از توابع اصفهان و در بیست و دو کیلومتری این شهرستان واقع است . جمعیت لنجان با قراء اطراف جمعاً ۱۶۰۰۰ تن است .

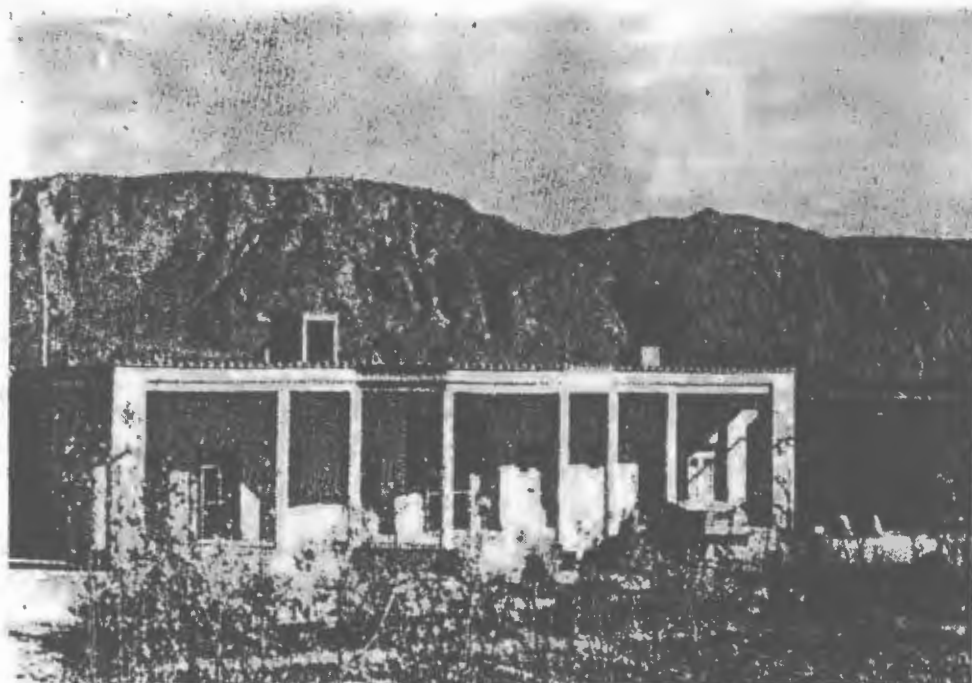
اهالی لنجان ، بزبان فارسی تکلم میکنند و غالباً بکشاورزی اشتغال دارند . هوای لنجان نسبتاً گرم و درجه هوا ، در زمستان و تابستان بین ده درجه زیر صفر تا ۴۰ درجه بالای صفر تغییر مییابد .

بیماریهاییکه در این منطقه بیشتر شیوع دارد تراخم - مالاریا - طفیلی های امعاء - اگزما - رماتیسم و امراض ریوی است . بیماری کوفت نیز در این منطقه دیده میشود .

روزانه بطور متوسط ۱۱۰ تن بیمار بدرمانگاه مراجعه مینمایند .

در این منطقه سازمان بهداری موجود نیست . در این درمانگاه یک پزشک - دوشکیار یک خدمتگذار و یک دربان بکار مشغولند .

عمارت درمانگاه سازمان را در لنجان ، آقای حاج وزیری که از مالکین نیکوکار محل هستند ساخته و بسازمان شاهنشاهی هدیه کرده اند .



درمانگاه لنجان

نائین

تاریخ افتتاح : ۱۳۲۷/۴/۱۸



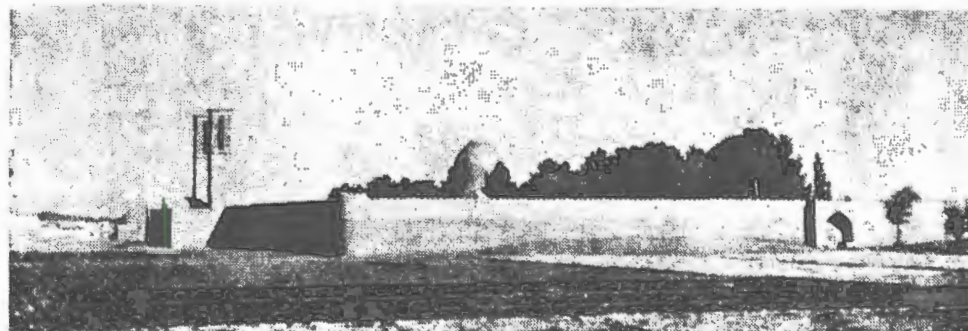
نائین ، جزء
استان دهم و بین
راه اصفهان و یزد
واقع است. خود
شهر بالغ بر ۴۰۰۰
تن و با جمعیت
اطراف بالغ بر
۱۵۰۰۰ تن جمعیت
دارد. اهالی بزبان

درمانگاه نائین

فارسی سخن میرانند و غالباً شهر نشین هستند و بزراعت و قالی بافی و عبا بافی و دکانداری اشتغال دارند .

آب و هوای نائین معتدل ، و درجه گرمای هوا ، زمستانها تا ۵ درجه زیر صفر و تابستانها تا ۴۵ درجه بالای صفر میرسد . بیماریهای متداول در این شهر : تراخم - کوفت - رماتیسم و امراض ریوی است .

باین درمانگاه روزانه بالغ بر ۱۰۰ تن بیمار مراجعه میکنند . یک پزشک - یک پزشکیار دوبرستار - یک خدمتگزار و یک باغبان در این درمانگاه انجام وظیفه میکنند .



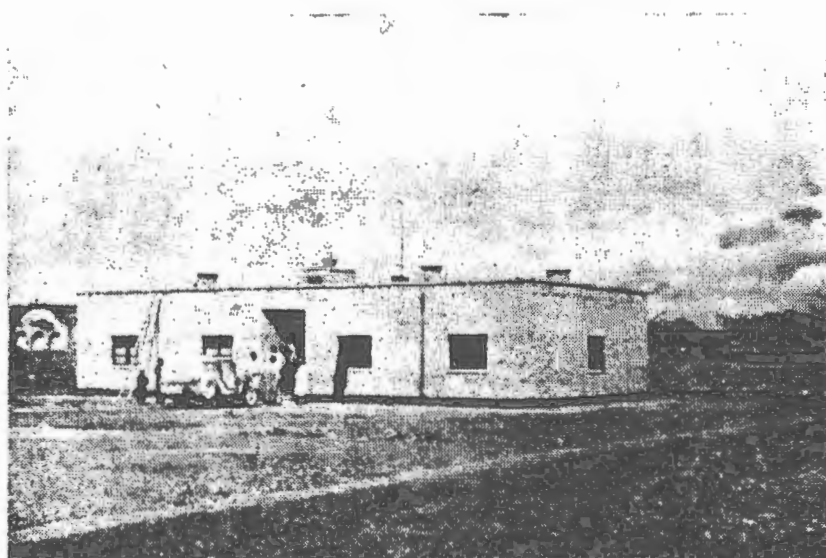
یکی از بناهای تاریخی نائین

هرند

تاریخ افتتاح: ۱۳۲۷/۴/۳۱

هرند، از توابع استان دهم و بین شاهراه اصفهان - نائین و در بیست کیلومتری اصفهان واقع است.

اهالی هرند، غالباً ده نشین هستند و حرفه آنها کسب و زراعت است. جمعیت هرند در حدود ۶۰۰۰ تن و زبان مردم فارسی است. آب و هوای این منطقه، تقریباً معتدل است و در فصول مختلف سال، بین ۴۰ درجه بالای صفر تا ۲۰ درجه زیر صفر تغییر میکند. هرند، فاقد راه شوسه خوب است. در هرند بیماریهای مالاریا - اگزما - اسهال - کوفت تراخم - کچلی ورماتیسم پیش از سایر امراض شایع است. باین درمانگاه روزانه بالغ بر ۹۰ نفر بیمار مراجعه میکنند. در این محل سازمان بهداشتی وجود ندارد. در این درمانگاه یک پزشک - یک پزشکیار - یک پرستار - یک خدمتگزار و یک باغبان خدمت میکنند.



درمانگاه هرند

نیکوکاران را بشناسید

هنگامیکه برنامه ایجاد درمانگاهها بمرحله اجراء در آمد ، از گوشه و کنار کشور نیکوکارانی چند آمادگی خود را برای همکاری با سازمان اعلام داشته و تأمین زمین و ساختمان درمانگاهی را تقبل نمودند. البته انجام تمام درخواستها مقدور نبود ، ولی تا آنجا که امکان داشت اجابت شد. اینک برای یادآوری و قدردانی از احساسات نوعپروری و عواطف بشردوستی این نیکوکاران ، و نیز برای جاویدان ماندن نام نیکشان در دفتر حوادث ایام ، بذکر شرح حالشان مبادرت میشود.

نیکي

پیش از آن کز تو نیاید هیچکار	ایکه دست میرسد کاری بکن
و آنچه هم بینی نماند بر قرار	آنچه دینی بر قرار خود نماند
خاک خواهد گشتن و خاکش غبار	دیروز و داین شخص و شکل نازنین
به کزو ماند سرای زرنگار	نام نیکو گر همانند ز آدمی
خرده از خردان مسکین در گذار	چون خداوندت بزرگی داد و حکم
زیر دستا ترا همیشه نیک دار	چون زبردستیت بخشید آسمان
دوست دارد بندگان حق گذار	شکر نعمت را نکوئی کن که حق
تا همه کامت بر آرد کردگار	کام درویشان و مسکینان بده
تا رود نامت به نیکی در دیار	با غریبان لطف بی اندازه کن
و ز دعای مردم پرهیز کار	از درون خستگان اندیشه کن

سعدی

آقای حاجی حسین کشاورزی

بقلم خود او



اینجانب حاجی حسین کشاورزی
فرزند مرحوم حاجی علی ، تقریباً هفتاد سال
پیش در قریه آسیابک زرند ساوه متولد
شده ، و تا بحال در همانجا بزراعت ، که مشغول
اجدادی من است اشتغال داشته‌ام . در تمام
مدت عمر ، خدمت بخلق را ، که بهترین
وسیله جلب رضای خالق است ، وجهه همت
قرار داده و بحمدالله در چند فقره کار
عام المنفعه ، که از آنجمله ساختمان مسجدی
است در قریه رحیم آباد زرند ، و بستن پلی
دو چشمه و ماشین رو ، در جاده طهران
بهمدان بر روی رودخانه ایکه از نزدیکی
آسیابک میگذرد ، توفیق یافته‌ام ، و همچنین
دو هزار متر مربع زمین مرغوب بوزارت
فرهنگ برای ساختمان یکباب دبستان در
قریه آسیابک هدیه کرده‌ام . ولی بعقیده
اینجانب ، مهمترین کار من ، ساختمان
درمانگاه آسیابک زرند است که سالهای

سال آرزوی آنرا داشتم ، اما بتنهائی توانائی مادی برای تأمین مخارج آنرا در خود نمیدیدم .
از آنجائیکه خداوند نیات خیر بندگان را ، جامه عمل می‌پوشاند ، پیش از آنکه از برآورده شدن
آرزوی خود مأیوس شوم ، شنیدم که سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی درمانگاهی در بخش
نوبران شهرستان ساوه احداث کرده است . این خبر ، حقیر را در اجرای نقشه قدیم خود مصمم‌تر
کرد ، و بوسیله آقای پیراسته نماینده وقت مجلس شورای ملی که این نیت را با خرسندی کامل
استقبال کردند ، با سازمان تماس گرفتم ، و سازمان تأمین مخارج این درمانگاه را از لحاظ پزشکی
و دارو تقبل کرد . باتوفیق الهی ساختمان درمانگاه پایان یافت و سازمان هدیه گردید . امیدوارم
خداوند متعال توفیق خدمات دیگری را باین بنده عنایت فرماید ، و آرزو مندم همه متمکنین ،
در سراسر کشور برای سعادت هموطنان ، بسهم خود بکوشند و افتخار ابدی را بعنوان بالاترین
میراث در خانواده خود ببارث بگذارند .

آقای عبدالله یزدانی

قلم خود او



اینجانب قسمت عمده از سنین جوانی خود را دور از میهن عزیز و در بنادر عربستان و هندوستان گذرانیدم و در سال ۱۳۲۳ که بایران مراجعت کردم و بمسقط الرأس خود یعنی اوز لارستان باز گشتم ، متأسفانه اثرات شوم جنگ جهانی دوم دوزندگی همشهریان من نیز ظاهر شده بود و شاید آنانرا پیش از دیگران ، در مضیقه و زحمت انداخته بود . آنچه بیش از همه چیز جلب توجه میکرد و موجب تأثر میشد، آن بود که مردم این سامان اساساً هیچگونه دسترس پزشک و دارو نداشتند و با اینکه اغلب باعفریت بیماری دست بگریبان بودند ، معهذا از لاعلاجی میسوختند و میساختند و دم بر نمیآوردند .

اینجانب همواره آرزومند بوده ام که بتوانم از این لحاظ مصدر خدمت ناچیزی باشم ، ولی میدیدم که به تنهایی قادر نخواهم بود قدم مؤثری بردارم . خوشبختانه در همین ایام سازمان

شاهنشاهی خدمات اجتماعی تحت عنایت اعلیحضرت همایون شاهنشاه که پیوسته در فکر تأمین موجبات آسایش مردم هستند و بهمت والاحضرت شادخت اشرف پهلوی شاهزاده خانم نیکوکار تشکیل شده بود . این بنده از فرصت استفاده کرد و دست استمداد بسوی سازمان شاهنشاهی دراز نمود تا برای رفع آلام همشهریان خود مرا یاری کنند .

خوشبختانه توفیق نصیبم گردید و سازمان شاهنشاهی قبول کرد درمانگاهی را که در اوز میساختم ، دائر سازد و مورد استفاده همشهریانم قرار دهد . این درمانگاه امروز از طرف سازمان شاهنشاهی بنحو مطلوب اداره میشود و پزشک و پزشکیار و کارکنان دیگر آن بدرمان بیماران میپردازند و داروی رایگان در اختیار آنان میگذارند و باین ترتیب قدمی بسیار مؤثر و سودمند برای بهبود وضع زندگی ساکنین این حدود از طرف سازمان شاهنشاهی برداشته شده است و اینجانب نیز مفتخرم که توفیق همکاری در این امر خیر را داشته ام .

مرحوم علی اکبر نکوئی

پنم آقای عبدالحسین یابانی



مرحوم علی اکبر نکوئی،
فرزند محمد، اصلاً آذربایجانی و در سال
۱۲۶۵ هجری شمسی متولد شده بود.
چون در ایام کودکی پدر خود را از
دست می‌دهد، مادر ایشان فرزند خود را
به مرحوم میرزا عباس خطیبی که
در خیابان لاله زار مغازه سیگارفروشی
داشته است، برای کارآموزی می‌سپارد.
ایشان چند سال در مغازه مزبور کار
میکنند و سپس با سرمایه مختصر خود
مستقلاً مغازه کوچکی میگیرند و مشغول
فعالیت میشوند و پس از چند سال،
در اثر پشتکار و جدیت، بکار خود
وسعت میدهند و مغازه بزرگتری اجاره
میکنند و با استخدام عده زیادی کارگر،
و مراقبت شدید، سیگار خود را در ایران
بکمال شهرت میرسانند. پس از تأسیس
اداره انحصار دخانیات، ایشان نیز

مغازه خود را تعطیل میکنند و باسور بازرگانی میپردازند. مرحوم نکوئی در امور کسب
و تجارت مطلع بود و در اثر فعالیت مستمر شبانه روزی، سرمایه قابل توجهی بدست آورد و در اثر
حسن خاق و مردم داری خود، محبوبیتی در جامعه تحصیل کرد. در امور خیریه و کمک
بمستمندان، همواره پیشقدم بود. علاوه بر کسانی که ماهانه مرتباً از طرف ایشان کمک میشدند،
هر سال در آغاز فصل زمستان، مقدار زیادی خواربار و سوخت، بین مستمندان توزیع مینمود
و در ایام عید نیز، برای اطفال بی بضاعت دبستانهای تهران و قم، لباس تهیه و بین آنان تقسیم
میکرد و مبلغی به بیمارستانهای فیروز آبادی و غیره برای تهیه داروی بینوایان میپرداخت.
در سالهای آخر حیات خود، آرزومند بود که بیمارستانی بسازد و بفقرا و مستمندان اختصاص دهد.

مقدمات این کار شروع شده بود که عمر ایشان متأسفانه وفا نکرد ، ولی بعد از فوت آن مرحوم فرزند ایشان آقای مسعود نکوئی با توجه به نیت پدر خود ، بساختن بیمارستانی در شهرستان قم اقدام نمود و اینک سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی آنرا دائر ساخته و امروز مورد استفاده اهالی قم واقع شده و نام نیکی از نکوئی باقی گذاشته است.

گر روی زمین بجمله آباد کنی	به زان نبود که خاطری شاد کنی
گر بنده کنی ز لطف آزادی را	بہتر کہ ہزار ہندہ آزاد کنی
	(خیام)

من نگویم چو آفتاب بلند	ہر چہ داری بخاک پست دمی
گر نہای همچو ابر ، گوہر بار	کہ ز کف مایہ ہر چہ هست دمی
کم ز خاک زمین مپاش کہ آب	ہم خوری ، ہم بزیر دست دمی
	(جلال ہمائی)

شرح احوال

آقای حاجی محمد فیروزی

قلم خود او



اینجانب حاجی محمد فیروزی پس از پایان دوره تحصیل ، از سال ۱۳۰۰ ، در سن ۲۰ سالگی وارد امور اجتماعی شدم ، و دو سال بنام افسر محلی در رأس سربازان این بخش در ادارات ارتشی مازندران مشغول بودم . در سال ۱۳۰۲ بمعاونت و در سال ۱۳۰۳ بحکومت بندپی منصوب شدم . تا سال ۱۳۰۵ مشغول انجام وظیفه بودم ، که از جمله آثار آن تأسیس اولین دبستان در این بخش بود . پس از آن ، در آغاز سلطنت شاهنشاه فقید که کشور بحال آرامش درآمد ، اینجانب از نظر علاقه ای که به شغل کشاورزی داشتم ، برای تشویق و راهنمایی زارعین در امور کشاورزی جدید ، ابتکاراتی کردم که از جمله شروع کشت چائی در این

بخش بود ، و در مازندران سابقه نداشت . باین ترتیب زحمات پدرم را برای راهنمایی مردم این سامان ، و بوجود آوردن وضع بهتر تکمیل نمودم .

دوران حکومت بیست ساله اعلیحضرت فقید ، و کار های اساسی و عمیق معظم له ، درس خوبی برای بنده بود ، و معتقد بودم آن شاهنشاه بزرگ از نواپخ دنیا و مأموری از جانب خدا بوده است . مخصوصاً مطلبی که این عقیده را در قلمب استوار ساخت ، این بود که در سال ۱۳۰۴ ، هنگامیکه بمازندران و بخش کیا کلا که از بهترین نقاط منبع ثروت از لحاظ کشت پنبه در مازندران است نزول اجلال فرمود ، چون این محل سالها در قید اسارت و بندگی یکی از اتباع خارجی بنام طومانیانس بود ، پدرم با چند نفر معارف مازندران افتخار شرفیابی حاصل و در مراجعت تعریف کرد که اعلیحضرت ضمن اظهار تفقد ، فرمودند این املاک را از نظر آموزش و راهنمایی مردم خریده و میخوام اداره کنم . بدبختانه در شهریور ۱۳۲۰ ، پس از ورود

قوای بیگانه و سوء استفاده عده معدودی که اجنبی پرستی را شعار خود قرار داده بودند، اوضاع کشور دگرگون شد و هرج و مرج جایگزین امنیت و عدالت گردید. در این زمان، اینجانب برای همکاری بادولت و تأمین امنیت، به بخشداری منصوب شدم، و تا سال ۱۳۲۳ انجام وظیفه نمودم، و از آن پس با تبلیغات سوئی که برای انحراف مردم میشد، بمبارزه پرداختم و با همکاری ارتش شاهنشاهی و کارمندان دولت به بهترین وجهی که شاید در سایر بخشها سابقه نداشت، از فتنه مفسدین جلوگیری شد، و از سال ۱۳۲۵ که آرامشی در کشور فراهم گردید، مجدداً برای تغییر و تحول و بهبود اوضاع عمومی این بخش، با همکاری دولت شروع به فعالیت نمودم، در اینموقع متوجه شدم که اوضاع مردم این محیط، بواسطه فقدان وسائل اصلاحی از قبیل فرهنگ و بهداشت و راه و غیره، بسیار نامطلوب است. از لحاظ بهداشت، در قدیم اقلاً از وجود پزشکان قدیمی و یاداروهای گیاهی و داروهای ایرانی استفاده میشد، که بعد از تشکیل مؤسسات صحتی در کشور، دیگر اینگونه پزشکان پیدا نشدند و هیچ مؤسسه‌ای هم جای آنها را نگرفت. تصادفاً در سال ۱۳۲۵ که مرض تب راجعه در بند پی شیوع یافت و روزی بیست تن تلفات داشت و بواسطه بعد مسافت از وجود پزشکان شهری که باسانی حاضر نبودند بعیادت مریض بیایند، نمیشد استفاده کرد، برای بنده که با اوضاع رقت بار مردم توجه داشتم، جز اینکه روزانه وسائل کفن و دفن چند نفر اشخاص بی بضاعت را فراهم کنم، راهی نبود. تا اینکه به بهداشتی استان دوم مراجعه کردم و جلوگیری از تلفات اهالی را خواستار شدم. ولی از طرف بهداشتی، بعلت نبودن اعتبار، پس از گرفتن تعهد برای تأمین هزینه دارو و وسائل، پزشکی بمحل اعزام شد که پس از معاینه و گرفتن خون و تشخیص مرض، خود مراجعت، و دو تن پزشکیار اعزام داشت که پس از دو ماه، بواسطه نداشتن وسائل کافی، بدون حصول نتیجه مراجعت کردند و بهداشتی استان بعد از نداشتن بودجه برای این بخش، کار خود را متوقف کرد، مجدداً وضع رقت بار مردم، این بنده را بر آن داشت که ولو با فروش اموال و املاک خود، وسیله‌ای برای تأمین بهداشت اهالی فراهم نمایم.

در تاریخ ۱۳۲۶/۷/۲۷ شرح مفصلی از اوضاع رقت بار مردم این سامان و نواقص این بخش، از لحاظ بهداشت و فرهنگ و راه و غیره نوشتم و برای مقامات مرکزی و سازمان شاهنشاهی و استانداری فرستادم و تقاضا کردم وزارت بهداشتی ضمن دادن نقشه، موافقت نماید در این بخش با هزینه شخصی، درمانگاهی بسازم و بوزارت بهداشتی واگذار کنم. در چهارم خرداد ماه ۱۳۲۷، پس از کسب موافقت وزارت بهداشتی، طبق نقشه‌ای که ارسال داشته بودند ساختمان مزبور شروع شد و در آخر آن سال بپایان رسید، ولی وزارت بهداشتی بواسطه نداشتن بودجه، از اعزام پزشک و وسائل خودداری نمود. ناچار بسازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی متوسل شدم و تقاضا نمودم ساختمان مزبور را که شامل ۱۳ اتاق و حمام و آشپزخانه و اتاق

دربان است ، قبول و مثل سایر درمانگاهها اداره نمایند - از آنجائیکه همواره حمایت از بینوایان و طبقات محروم کشور مورد توجه ذات اقدس همایونی است ، سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی در سال ۱۳۲۹ با اعزام پزشک و پزشکیار و قابله و پرستار و ارسال وسائل و لوازم کافی ، درمانگاه را افتتاح کرد و تا کنون این درمانگاه مشغول معالجه بیماران این بخش و بخشهای همجوار است .

بینوا

دی از روی گذشتم و دیدم بگوشه‌ای
خلقی ستاده‌اند و هیاهو بها بود .
گفتم که این تجمع و غوغا برای چیست ؟
گفتند بهر مردن پیری گدا بود .
گفتم چه نام دارد و فرزند کیست او ؟
گفتند بینوا ، پسر بینوا بود .
اشگم بیدیده آمد و گفتم شناختم
این بینوا برادر بی چیز ما بود .

دکتر نصره‌الله کاسمی

شرح احوال

مرحوم عبدالحسین عاملی

پلم آقای علیرضا حکیم خسروی



مرحوم حاج عبدالحسین خان افخم الدوله عاملی ، از احفاد مرحوم شیخ بهائی عاملی قدس سره ، پسر مرحوم میرزا محمد کلپایگانی است که از دانشمندان عصر خود و از اساتید مشهور خط نستعلیق بوده است. مرحوم عاملی در سال ۱۲۵۲ خورشیدی تولد یافته و در مدت شصت و هشت سال عمر ، علاوه بر تحصیل علوم قدیمه ، بکمالات معنوی و اخلاق پسندیده موصوف بوده ، و همواره هم خود را در مدت حیات ، بخدمت خلق مصروف داشته و در تمام مدت زندگی ، بجوانمردی و سعۀ صدر معروف بوده است. مردی

خوش مشرب و نیکو ضمیر و درویش مسلک بود و در طلوع مشروطیت ، در زمره احرار و خدمتگزاران بوطن و آزادی بشمار میرفت. پس از سنواتی که دوا روپا بسر برد ، مدتی به پیشکاری شخصی مرحوم ظهیرالدوله و سپس مرحوم امیراعظم عضدی گذرانید و سنواتی هم حکومت دامغان و شاهرود و بسطام را بعهدہ داشت و یادگارهایی در آنجا بجا گذاشت و در تمام مدت زندگانی ، جز خیرخواهی و خدمت بنوع ، پیشه‌ای و بغیر از انجام وظیفه انسانی اندیشه‌ای نداشت. در شب عید غدیر بیستم دیماه ۱۳۲۰ هجری خورشیدی زندگانی را بدرود گفت و ثلث ما ترك خود را برای صرف امور خیریه باختیار و نظر اینجانب که بوصایت معین شده بودم گذاشت. چون از نظر خیرخواهانه او آگاه بودم بنا بصیت آن مرحوم و بکمک آقای دکتر عبدالله معظمی استاد دانشگاه و رئیس و نماینده سابق مجلس شورای ملی ، تحت نظر انجمنی از خیرخواهان محل بساختن یکبایب بیمارستان در شهر کلپایگان که بوطن اصلی خاندان آن مرحوم بود اقدام گردید و تکمیل ساختمان و اداره آنرا سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی بعهدہ گرفت و اینک محل مزبور باختیار سازمان واگذار است. با اینکه آن محل در تملک سازمان است و مخارج آن از بودجه سازمان پرداخت میشود ، چون شالوده ساختمان از ثلث مرحوم عاملی بنا شده است ، یادگاری از آن مرد خیر خواه بشمار و همواره موجب شادی روح آن مرحوم خواهد بود.

آقای حاجی اسدالله وزیری

بقلم خودشان



ناحیه گرگن که دارای ۵۲ قریه و قصبه پرجمعیت است ، یکی از نواحی بخش لنجان از توابع اصفهان است که بواسطه برنج کاری و موقعیت طبیعی خود ، خطرناکترین کانون بروز مالاریا و سایر امراض واگیر بود .

آنچه گذشته ها حکایت میکند ، این ناحیه از قدیمترین ایام ، فاقد پزشک و دارو و بهداشت بود و بهمین جهت سکنه دهات آن ، یا اگر مختصر بضاعتی داشتند خود را برای معالجه بشهر میرساندند و یا هر سال هزاران تن ، فدای امراض مختلف خاصه مالاریا و عوارض آن میشدند .

اینجانب که یکی از مالکین این محل هستم همواره ناظر این وضع رقت بار بودم ورنج میبردیم . چون وجدانم

اجازه نمیداد بیش از این شاهد مرگ و میر همشهریان خود باشم ، ناگزیر تصمیم گرفتم در حدود توانائی خود ، خدمتی در این راه انجام دهم . بنابراین در حدود دوازده سال قبل ، یکی از بهترین قطعات ملک خود را که در سر راه قسمت مهمی از بخش لنجان بود اختصاص باینکار داده و طبق نقشه وزارت بهداشتی مریضخانه ای باخرج خود در آنجا بنامودم و بعداً دبستانی هم در حوالی آن ساختم واولی را در اختیار بهداشتی و دیگری را تقدیم فرهنگ نمودم .

متأسفانه دو سال از تکمیل ساختمان مریضخانه سپری شد و اقدام مؤثری برای دائر ساختن آن بعمل نیامد . ده سال قبل که تازه سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی بامر شاهنشاه محبوب و تحت توجهات و الاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی ، حیات پر افتخار خود را آغاز مینمود آقای ابوطالب شیروانی وکیل ادوار پنجم و ششم اهالی لنجان (که در آن موقع نیز کاندیدی

نمایندگی بودند) بر حسب دعوت اینجانب و اهالی، بمحل آمدند و پس از مشاهده وضع بیمارستان و حال زار مردمی که صدی نود مبتلا بامراض گوناگون بودند، اقداماتی نمودند که توجه سازمان شاهنشاهی باین محل جلب شد و اینجانب، ساختمان مریضخانه را رسماً بسازمان تقدیم نمودم و پس از اندک مدتی سازمان شاهنشاهی در آن ساختمان درمانگاهی تأسیس کرد و اکنون ده سال است که با اعزام بهترین پزشکان آلمانی و ماما های تحصیل کرده و پزشکیاران لایق و ارسال دارو بعد کفایت، مشغول پذیرفتن و مداوای بیماران این محل گردیده اند، بطوریکه بهداشت و سلامت ناحیه گرگن (که ده سال قبل یکنفر بشر سالم دز آنجا پیدا نمیشد) کاملاً تأمین شده و هیولای مهیب مالاریا از قسمت اعظم دهات برنجکار لنجان گریخته و تعداد جمعیت و میزان فعالیت کشاورزان بطور محسوسی بالا رفته است .

بطور کلی ماهی سه هزار و سالی سی و شش هزار تن و در ده سال گذشته حداقل ۳۶۰۰۰ تن بیمار، باین درمانگاه مراجعه کرده و با دریافت داروی مجانی صدی نود و پنج آنها بطور قطع شفا یافته اند . در حقیقت بیش از سیصد هزار تن اهالی این سامان، محکومین بمرگی بوده اند که در سایه توجهات عالیہ پدر تاجدار خود و خواهر والا گهر معظم له ، حیات نوین خویش را از سر گرفته اند .

در این مدت دس سال، جمعیت ناحیه گرگن بطور محسوس زیاد شده است . دیگر آن رنگهای زرد و چشموهای بی فروغ و طحال های ورم کرده و شکموهای بالا آمده از عوارض مالاریا ، کمتر دیده میشود و دیگر اطفال معصومی که گروه گروه از حمله دیفتری و آبله بگورستان سپرده میشدند زنده میمانند .

اهالی لنجان هیچوقت شاهراهیکه آقای شیروانی بآنها نشان داد و منتهی بآستانه فیاض شاهنشاه گردید فراموش نمیکنند، زیرا در سایه وجود اقدسش، صحت و سلامت آنان که از بالاترین نعم الهی است تأمین گردیده است . اینست که هر روز صدها دست شفا یافته گان، برای دعا گوئی بذات مبارک شاهنشاه و والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی بسوی خداوند توانا بلند است .

شکرانه سلامت

ای صاحب کرامت - شکرانه سلامت	روزی تفقدی کن - درویش بینوا را
ده روز مهر گردون - افسانه است و افسون	نیکی بجای یاران - فرصت شمار یا را
آسایش دو گیتی - تفسیر این دو حرف است	با دوستان مروت - با دشمنان مدا را

حافظ

آقای حسن ضیائی اردکانی

بقلم خودشان



اینجانب حسن ضیائی اردکانی فرزند مرحوم حاج ملا محمد سلطان العلماء ، بسال ۱۲۷۶ شمسی بدنیا آمدم و پدر و خودم ساکن اردکان بوده ایم . در این محل که تعداد سکنه آن بالغ بر ۷۰۰۰۰ تن است و فاقد وسائل بهداشت کافی بود ، اینجانب در صدد احداث بیمارستانی بر آمدم تا از این راه خدمتی بهمشهریان خود کرده باشم . دو مطلب موجب ایجاد این فکر شد ، اول آنکه در سال ۱۳۱۸ فرزند پانزده ساله ام ، بنام مهدی ضیائی بمرض دیفتری مبتلی شد و بواسطه عدم تشخیص و فقدان وسائل معالجه ، فوت کرد . دوم آنکه در سال ۱۳۲۱ خود در تهران مبتلی به تیفوس شدم و در بیمارستان فیروزآبادی بستری گردیدم . انضباط و حسن توجه متصدیان این بیمارستان

که در خور تمجید و تقدیس بوده و هست ، مرا از مرگ حتمی نجات داد و باین طریق ارزش تأسیسات کامل بهداشتی را عملاً دریافتم . بنابراین در سال ۱۳۲۳ در مقام احداث بیمارستانی برآمدم و خواستم یادگاری ذیقیمت از خود بجای گذارم ، تا از نتیجه آن دیگران نیز بهره مند شوند و آلام دردمندان تسکین یابد . متأسفانه اوضاع ناگوار آن ایام ، مانع از پیشرفت منظور و انجام عمل گردید . خوشبختانه در سال ۱۳۲۷ ساختمان کلینیک بیمارستان تمام شد . پس از مشاهده حسن جریان امور سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی ، و درمانگاههایی که در غالب نقاط دایر ساخته بود و عنایت خاصی که از طرف بندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاه و الاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی نسبت باین مؤسسات مبذول میگردید ، اینجانب مصمم شدم ساختمان را بسازمان شاهنشاهی واگذار کنم . بحمدالله در سال ۱۳۲۷ این منظور اجراء و ساختمان درمانگاه

طبق سند رسمی باختیار سازمان گذاشته شد. سازمان شاهنشاهی نیز درمانگاه را بهترین صورت
دائر ساخت و بمعالجه و مداوای عموم، خاصه مستمندان پرداخت و موجبات مزید دعاگوئی
مردم را فراهم نمود. ساختمان بیمارستان صد تختخواهی نیز در شرف اتمام است. امید است این
خدمت ناچیز مورد قبول در گاه حضرت باری تعالی واقع شود و باینوسیله توانسته باشم ذخیره‌ای
پیش فرستاده باشم.

بخشش

کرم کن چنان کت بر آید ز دست	جهانپان در خیر هر کس نیست
چنان زی که ذکرت بتحصین کنند	چو مردی نه برگورت نفرین کنند
ره نیکمردان آزاده گیر	چو استاده‌ای دست افتاده گیر
کسی گوی دولت ز میدان ربود	که در بند آسایش خلق بود
خدا را بر آن بنده بخشایش است	که خلق از وجودش در آسایش است
زرو نعمت اکنون بده کان تست	که بعد از تو بیرون ز فرمان تست
نخواهی که باشی پراکنده دل	پراکندگان را ز خاطر مهل
درون فروماندگان شاد کن	ز روز فروماندگی یاد کن
کسی نیک بینه بهر دو سرای	که نیکی رساند بخلق خدای

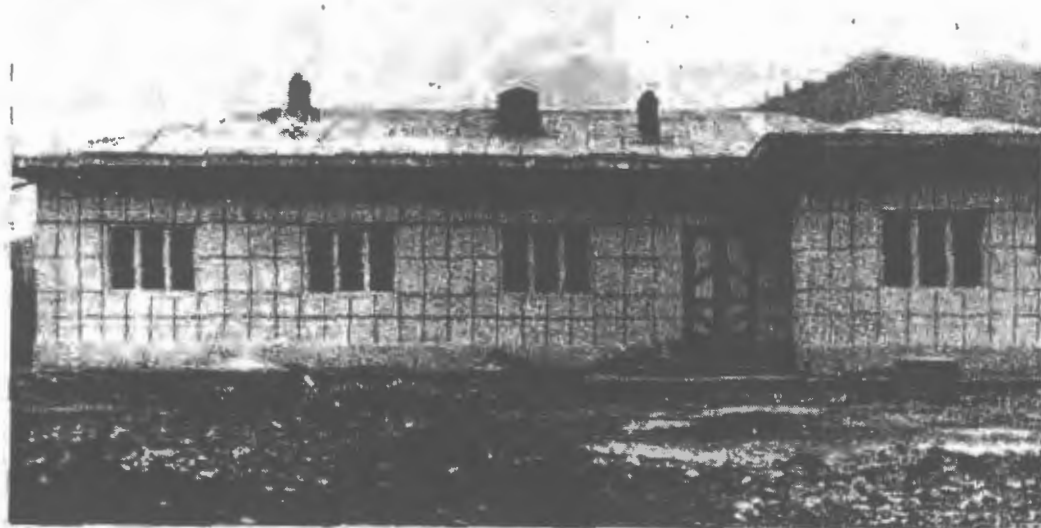
سعدی

ماسال

تاریخ افتتاح : اواسط سال ۱۳۳۶

در آذرماه ۱۳۳۴ از طرف استانداری گیلان ب سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی اطلاع داده شد که آقای امامقلی ماسالی، از مالکین بخش ماسال، در بخش مزبور درمانگاهی ساخته و حاضر است آنرا ب سازمان شاهنشاهی واگذار کند. از طرف سازمان درمانگاه مزبور مورد بازدید قرار گرفت و مورد پسند واقع شد و آقای امامقلی ماسالی تعهد کرد نواقص آنرا طبق نظر سازمان مرتفع کند. در تاریخ پنجشنبه ۳۶/۴/۶ بموجب سند رسمی، ساختمانهای مزبور در اختیار سازمان قرار گرفت. ساختمان و حیاط این درمانگاه در محلی بمساحت سه هزار متر مربع قرار گرفته و دارای وسائل کافی و لوله کشی و منبع و دو حلقه چاه آب است.

درمانگاه در مرکز بخش ماسال طوالش قرار دارد. بخش ماسال و شاندرمن تابع شهرستان خمسه طوالش و فاصله آن تارشت ۴۸ کیلومتر و تاشهرستان طوالش ۱۶۲ کیلومتر است. جمعیت مرکز بخش ماسال ۸۵۰۰ تن و جمعیت تمام حوزه ماسال و شاندرمن بیش از ۳۰۰۰۰ تن است. سکنه دهستان مسلمان و شیعه و زبان آنها طالشی است و بزبانهای فارسی-گیلکی و ترکی هم تکلم میکنند. این دهستان از ۲۱ آبادی بزرگ و کوچک و چندین مزرعه تشکیل شده است. بخش ماسال دارای جاده شوسه و راه اتومبیل رو است و از



ساختمان درمانگاه ماسال

ماسال بطاهر گوراب و شاندرمن راه فرعی وجود دارد. محصولات عمده دهستان برنج و کمی هم ابریشم و لبنیات است. آقای اشتری استاندار گیلان درمورد آقای ماسالی چنین نوشته اند:



«آقای امامقلی ماسالی که زمین و ساختمان درمانگاه ماسال را ب سازمان شاهنشاهی اهداء نموده اند از مالکین خیر و نیکو کار گیلان هستند که همواره در امور عام المنفعه و اجتماعی پیشقدم بوده اند و بطوریکه ملاحظه شده است ، با صرف مبالغ هنگفتی اقدام ب ساختمان درمانگاه با اصول جدید و همچنین یک باب ساختمان دیگر برای سکونت دکتر و کارکنان درمانگاه (عکس زیر) نموده اند. قبلاً نیز یک دستگاه ساختمان برای دبیرستان بنا نموده که بوزارت فرهنگ واگذار کرده اند و اکنون مورد استفاده قرار گرفته و تا کلاس سوم دبیرستان در آن دائر شده است.»



بهار

تاریخ افتتاح : اواسط سال ۱۳۳۶

دهستان بهار در ۱۲ کیلومتری شمال غربی همدان و مرکز بخش سیمینه رود و چهار بلوک است . جمعیت دهستان بهار ۱۳۰۰۰ تن و با جمعیت اطراف آن تا شعاع هفت کیلومتر در حدود ۳۰۰۰۰ تن است . آب مشروب اهالی اکثر از چاهها تأمین میشود و محصول عمده آنجا غلات و انگور است .

در سال ۱۳۲۶ ساختمان درمانگاهی در جنوب غربی دهستان بهار شروع شد که اعتبار آن از طرف شهرداری محل و صندوق عمران و کمک های متمکین و نیکوکاران (مبلغ ۲۸۰۰۰ ریال از طرف شهرداری - ۱۲۰۰۰۰ ریال از طرف صندوق عمران و در حدود ۴۰۰۰۰۰ ریال از طرف مردم) تأمین گردید .

مساحت فضای درمانگاه ۵۴۰۰ متر مربع است که ۳۲۰ متر مربع آن زیر بنا واقع شده است . ساختمان بیمارستان دو طبقه است . زمین بیمارستان از طرف یکی از مالکین و ساختمان از طرف شهرداری بموجب سند رسمی در اختیار سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی گذاشته شده است . برای بکار افتادن این درمانگاه از سال ۱۳۲۹ بعد اقداماتی از طرف اهالی بهار و محترمین همدان بعمل آمد ولی چون در بدو امر نواقصی در ساختمان بیمارستان وجود داشت و نیز آب آن تأمین نبود ، سازمان شاهنشاهی تأسیس درمانگاه را موقوف بر رفع نواقص مزبور و تأمین آب آنجا ساخت و سرانجام در اثر مساعی نیکوکاران محل مخصوصاً آقایان حاجی سیف الله بهمنی رئیس شورای عمران و غلامرضای بهمنی شهردار بهار نواقص ساختمانی بیمارستان مرتفع و از محل اعتباری که سازمان برنامه در اختیار معتمدین محل گذاشت ، آب آن تأمین و اطاقی برای سکونت سرایدار و باغبان در آنجا ساخته شد . چون ده درصد از عوائد شهرداری بهار بامور بهداشتی اختصاص دارد ، شهرداری بهار تعهد کرده است پس از افتتاح درمانگاه ، این مبلغ را که سالانه بالغ بر ۱۵۰۰۰۰ ریال خواهد بود برای مخارج ساختمانی و تعمیرات درمانگاه در اختیار سازمان شاهنشاهی بگذارد . هیئت مدیره سازمان شاهنشاهی تصویب کرده است که درمانگاه بهار از طرف سازمان تحویل گرفته شود و نواقص آن مرتفع گردد و بکار آغاز نماید . باین ترتیب در اواسط سال ۱۳۳۶ این درمانگاه دائر خواهد شد .

راضیه

تاریخ افتتاح : اواسط سال ۱۳۳۶

تیمسار سرلشکر عبدالمجید فیروز (ناصرالدوله) که از افراد ممتاز کشور هستند ، در سال ۱۳۳۱ بیمارستان مرسلین انگلیس را در کرمان خریداری و وقف نموده اند . این بیمارستان در کنار شهر کرمان و در منتهی الیه شمال شرقی این شهر واقع است . مساحت کل زمینی که بیمارستان در آن بنا گردیده ۵۰۰۰۰ متر مربع و مساحت زیر بنای آن ۱۲۰۰۰ متر مربع است . ضمناً تیمسار فیروز کلیه املاک مزروعی خود را در اراک نیز بر مصارف بیمارستان مذکور وقف و بیمارستان را بنام مرحومه مادر خود « راضیه » نام نهاده اند .

تولیت رقبات موقوفه این بیمارستان مادام الحیوة با خود تیمسار فیروز و بعد از ایشان با متولی موقوفات مرحوم ابراهیم خان ظهیرالدوله ، جد مادری ایشان قرار داده شده است .

در مهر ماه ۱۳۳۵ حسب الامر ، از طرف وزارت دربار شاهنشاهی ابلاغ شد که تا استفاده از عواید موقوفات ممکن شود ، سازمان شاهنشاهی در بیمارستان راضیه درمانگاهی دایر کند . پس از آنکه سازمان شاهنشاهی با تیمسار فیروز در این مورد تماس حاصل نمود ، آقای دکتر شهرداد نماینده سازمان شاهنشاهی محل بیمارستان را مورد بازدید قرار دادند و قسمتی از عمارت و حیاط مزبور را برای تأسیس درمانگاه سازمان انتخاب نمودند . تیمسار سرلشکر فیروز مبلغ دو بیست هزار ریال برای مخارج تعمیرات این قسمت در اختیار سازمان شاهنشاهی گذاردند و سازمان بسر کار آقای ابوالقاسم ابراهیمی اختیار داد تا آنرا بمصرف تعمیرات لازم برسانند . پس از آنکه تعمیرات مزبور انجام گردید ، این قسمت از طرف سازمان بشکل یک درمانگاه دائر و در معرض استفاده همگان قرار خواهد گرفت .

سازمان اداری و وضع استخدامی کارمندان درمانگاهها

در تشکیلات هر درمانگاه سه کارمند و چهار خدمتگزار منظور شده است بدینقرار :

پزشک - ماما - پزشکیار - سرایدار - پیشخدمت و دو کمک پرستار محلی .

استخدام ماما منوط بموقعیت محل و نظر سازمان است .

پزشک هر درمانگاه رئیس درمانگاه ومسئول حفظ انتظام وحسن جریان امور آنجاست

وسمت صاحب جمع اموال را دارد و کارمندان دیگر زیر نظر او انجام وظیفه میکنند .

کمک پرستارها و پیشخدمت و سرایدار هر درمانگاه حتی المقدور از اهالی بومی ومحلی

انتخاب میشوند . بنابراین حقوقی که بآنان پرداخت میشود در همه نقاط یکسان است .

نقاطی که درمانگاه سازمان در آنجا دائر است از لحاظ موقع و وضع و آب و هوا بسه

منطقه خوب - متوسط و سخت تقسیم شده و برای هر منطقه حقوقی مقرر است .

سازمان با پزشکان و ماماها و پزشکیاران قراردادهای سه ساله منعقد میسازد . میزان

حقوق ماهانه ای که از بدو تأسیس سازمان ، تا سال ۱۳۳۶ در هر یک از نقاط سه گانه پرداخت میشد

بر حسب ریال طبق جدول ذیل بود :

سمت	خوش آب و هوا			متوسط			سخت		
	سال اول	سال دوم	سال سوم	سال اول	سال دوم	سال سوم	سال اول	سال دوم	سال سوم
پزشک	۱۰۰۰۰	۱۱۰۰۰	۱۲۰۰۰	۱۳۰۰۰	۱۴۰۰۰	۱۵۰۰۰	۱۶۰۰۰	۱۷۰۰۰	۱۹۰۰۰
ماما	۵۰۰۰	۶۰۰۰	۷۰۰۰	۶۵۰۰	۷۵۰۰	۸۵۰۰	۸۰۰۰	۹۰۰۰	۱۰۰۰۰
پزشکیار دیپلمه	۳۰۰۰	۳۵۰۰	۴۰۰۰	۳۵۰۰	۴۰۰۰	۴۵۰۰	۴۵۰۰	۵۰۰۰	۵۵۰۰
پزشکیار غیر دیپلمه	۲۰۰۰	۲۵۰۰	۳۰۰۰	۲۵۰۰	۳۰۰۰	۳۵۰۰	۳۰۰۰	۳۵۰۰	۴۰۰۰

در حال حاضر بر حسب احتیاج محل ، در بعضی از درمانگاهها دو پزشکیار انجام وظیفه

میکنند و در بعضی دیگر از درمانگاهها نیز پزشکیاران بومی ومحلی طبق قرارداد سه ساله بخدمت

اشتغال دارند و حقوق آنان در بدو استخدام ۱۵۰۰ ریال است و در سالهای دوم و سوم نیز ماهانه

دویست و پنجاه ریال اضافه حقوق بآنان تعلق میگیرد .

حقوق این پزشکیاران بومی در تمام درمانگاهها بیک میزان است .

حقوق کمک پرستار و پیشخدمت و سرایدار در بدو استخدام بشرح زیر است که در پایان هر یک سال خدمت . مبلغی نیز بآن افزوده میگردد .

پیشخدمت	۱۰۰۰ ریال
سرایدار	» ۱۰۰۰
کمک پرستار	» ۵۰۰

چون درمیزان حقوق کارمندان فنی درمانگاهها (پزشک . ماما . پزشکیار) از بدو تأسیس سازمان تغییری داده نشده بود، با مقایسه با حقوق پزشکان وزارت بهداشتی که طبق قانون مصوب اسفندماه ۱۳۳۵ دریافت میدارند، سازمان نیز در سال ۱۳۳۶ درمیزان حقوق پزشک و ماما و پزشکیار تجدید نظر نمود و حقوقهای مناسبی برای آنان منظور داشت که جدول آن برحسب ریال در زیر درج میشود:

سمت	خوش آب و هوا			متوسط			سخت		
	سال اول	سال دوم	سال سوم	سال اول	سال دوم	سال سوم	سال اول	سال دوم	سال سوم
پزشک	۱۵۰۰۰	۱۶۰۰۰	۱۷۰۰۰	۱۸۰۰۰	۱۹۰۰۰	۲۰۰۰۰	۲۱۰۰۰	۲۲۰۰۰	۲۳۰۰۰
ماما	۶۵۰۰	۷۵۰۰	۸۵۰۰	۷۵۰۰	۸۵۰۰	۹۵۰۰	۸۵۰۰	۹۵۰۰	۱۰۵۰۰
پزشکیار دیپلمه	۴۰۰۰	۴۵۰۰	۵۰۰۰	۴۵۰۰	۵۰۰۰	۵۵۰۰	۵۰۰۰	۵۵۰۰	۶۰۰۰
پزشکیار غیر دیپلمه	۳۰۰۰	۳۵۰۰	۴۰۰۰	۳۵۰۰	۴۰۰۰	۴۵۰۰	۴۰۰۰	۴۵۰۰	۵۰۰۰
پزشکیار بومی	۲۰۰۰	۲۵۰۰	۳۰۰۰	۲۵۰۰	۳۰۰۰	۳۵۰۰	۲۵۰۰	۳۰۰۰	۳۵۰۰

هر که فریادرس روز مصیبت خواهد گو، در ایام سلامت بجوانمردی کوش
بنده حلقه بگوش از نوازی برود لطف کن، لطف که بیگانه شود حلقه بگوش

آئین نامه درمانگاهها



آئین نامه درمانگاههای سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی ، مشتمل بر ۵۶ ماده و ۱۲ تبصره که در یکصد و هیجدهمین جلسه هیأت مدیره سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی مورخ یکشنبه سوم مهر ماه یک هزار و سیصد و بیست و هشت شمسی بتصویب رسیده است بموقع اجرا گذاشته شود .

نیابت ریاست عالیّه

اشرف پهلوی

آئین نامه درمانگاههای سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی

وظائف و تکالیف کارکنان - بازرسی و نظارت درمانگاه

قسمت اول - سازمان درمانگاه

ماده اول - هر درمانگاه دارای سه کارمند و چهار خدمتگزار بقرار زیر است :
یک پزشک - یک ماما - یک پزشکیار - یک پیشخدمت - یک سرایدار و باغبان و دو کمک پرستار .

تبصره ۱ - استخدام ماما برای درمانگاه منوط بموقعیت محل و نظر سازمان است .
تبصره ۲ - در نقاطیکه کمیسیون فنی صلاح بداند ممکن است برای درمانگاهی یک نفر نویسنده یا مترجم نیز استخدام شود .

قسمت دوم - شرائط ورود بخدمت در درمانگاه

ماده دوم - پزشکی در درمانگاه سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی بخدمت پذیرفته میشود که از یکی از دانشکدههای پزشکی ایران و یا ممالک خارجه که جزء لیست شورای عالی فرهنگ است دارای دانشنامه رسمی باشد .

ماده سوم - بمائنی در درمانگاه سازمان این شغل ارجاع میشود که از آموزشگاه عالی مائنی ایران و یا کشورهای دیگر که جزء لیست شورای عالی فرهنگ است گواهینامه رسمی در دست داشته باشد .

تبصره ۱ - تا زمانیکه بقدر احتیاج مامای دیپلمه برای خدمت در درمانگاهها یافت نشود در صورت ضرورت از مامای مجاز و یا ماماهائیکه در آموزشگاههای عالی بهداری تحصیل کردهاند موقتاً گمارده خواهند شد .

تبصره ۲ - مدارك اینگونه ماماها باید قبلاً در کمیسیون فنی سازمان مورد بررسی قرار گیرد و در صورتیکه کمیسیون مدارك را کافی دانست استخدام شوند .

ماده چهارم - پزشکیاری که بخدمت در درمانگاه گمارده میشود باید دارای گواهینامه رسمی از آموزشگاه پزشکیاری باشد . چنین پزشکیاری اگر لااقل دارای گواهینامه رسمی دوره ابتدائی باشد بسمت پزشکیار درجه ۲ استخدام میشود .

تبصره - تا زمانیکه پزشکیار درجه ۱ بحد لزوم یافت نشود پرستار باسوادیکه دارای گواهینامه از پزشکان دیپلمه و یا مؤسسات درمانی مورد اعتماد سازمان باشد موقتاً بسمت پزشکیار درجه ۲ استخدام خواهد شد .

ماده پنجم - کمک پرستار درمانگاه باید اهل محل درمانگاه باشد و خواندن و نوشتن بداند . باید کوشش شود که دو پرستار محلی یکی زن و یکی مرد باشد .

ماده ششم - باغبان (که وظایف سرایدار را هم انجام میدهد) و پیشخدمت درمانگاه باید محلی باشند و اگر خواندن و نوشتن بدانند بر داوطلبان دیگر مقدمند .

ماده هفتم - حکم نصب و عزل پزشک و دیگر کارمندان و خدمتگزاران درمانگاهها بامضای مدیر عامل سازمان صادر خواهد شد .

قسمت سوم - معالجه و دارو

ماده هشتم - چون درمانگاه سازمان شاهنشاهی بمنظور کمک بعموم بیماران تأسیس و دائر شده است بنابراین معالجه کلیه بیمارانی که بدرمانگاه مراجعه مینمایند اعم از غنی و فقیر رایگان خواهد بود . پزشک واما و پزشکیار و کمک پرستار و دیگر خدمتگزاران مجاز نیستند هیچوقت و بهیچ اسم و رسم از بیمار حتی در غیر ساعات خدمت رسمی حق المعاینه و یا حق الزحمه دریافت دارند و انعام یا هدیه بپذیرند .

تبصره - در صورتیکه پزشک و سایر کارکنان درمانگاه پول و یا هدیه از بیمار قبول کنند در دفعه اول سه برابر وجه و یا سه برابر بهای هدیه دریافتی از حقوق گیرنده برفع صندوق سازمان کسر و تویخ نامه کتبی با درج در پرونده خدمت برای مرتکب صادر خواهد شد . در دفعه دوم علاوه از کسر جریمه ، بخدمت کارمند خاتمه و مراتب ضمن بخشنامه بتمام درمانگاههای سازمان و نیز بوزارتخانه ها و مؤسسات بهداشتی اطلاع داده میشود .

ماده نهم - ساعات خدمت رسمی درمانگاه برای پزشک واما و پزشکیار فعلاً شش ساعت (از هشت صبح تا دو بعد از ظهر) تعیین میشود و چنانچه مقتضیات ایجاب کند که اوقات کار درمانگاه کم و بیش شود و یا در بعضی نقاط بر حسب مقتضیات آب و هوا تغییری ضرورت پیدا کند بوسیله بخشنامه بدرمانگاهها ابلاغ خواهد شد و در این صورت بخشنامه مزبور جانشین این ماده خواهد بود .

ماده دهم - ساعات خدمت کمک پرستار و پیشخدمت هشت ساعت است . باغبان و سرایدار در تمام ساعات باید در سر خدمت حاضر باشد .

ماده یازدهم - پزشک و کارمندان و خدمتگزاران درمانگاه بدون ابلاغ رسمی سازمان حق مرخصی و غیبت از درمانگاه را نخواهند داشت . استفاده از مرخصی پس از تصویب پیشنهاد و تاریخ شروع آن از وصول حکم رسمی خواهد بود . بنابراین در صورتیکه کارمندی بدون رعایت این نکته غیبت کند ، در بار اول حقوق ایام غیبت از مقرری ماهانه او کسر میشود و در بار دوم علاوه بر کسر حقوق ، تویخ نامه کتبی با درج در پرونده خدمت نیز برای او صادر و در دفعه سوم بخدمتش خاتمه داده میشود .

ماده دوازدهم - بهمه بیماران که بدرمانگاههای سازمان شاهنشاهی مراجعه میکنند باید داروی مجانی داده شود .

قسمت چهارم - وظائف پزشکان

ماده سیزدهم - پزشک درمانگاه مسئول حفظ انتظام و حسن اداره و نگاهداری و پاکیزگی درمانگاه و صاحب جمع اسوال درمانگاه است و باید درخود درمانگاه منزل کند .
کارمندان و خدمتگزاران درمانگاه تحت مسئولیت مستقیم او انجام وظیفه خواهند کرد .

تبصره ۱ - پزشک موظف است ساختمان درمانگاه و تمام اثاثیه و اشیاء و لوازم آنرا محافظت نماید و هرشش ماه یکبار وضع ساختمان و اثاثیه و اشیاء را مشروحاً گزارش دهد .

تبصره ۲ - هیچیک از کارمندان و خدمتگزاران درمانگاه حق مکاتبه مستقیم باسازمان ندارد و در صورتیکه دوبار کتباً از پزشک درمانگاه تقاضائی نماید و او جواب ندهد یا تقاضا را با اظهار نظر بسازمان نفرستد ، تقاضا کننده حق دارد مستقیماً در آن موضوع با سازمان مکاتبه نماید ، مشروط بر اینکه رونوشت دونا مه را که قبلاً پزشک درمانگاه تسلیم نموده است بتقاضانامه خود ضمیمه کرده باشد .

ماده چهاردهم - چون درمانگاه سازمان برای معالجه بیماران از هر طبقه و صنف تأسیس شده است کارکنان آن باید نسبت بدرمان عموم بیماران با نهایت مهربانی اقدام نمایند و از دخالت در امور سیاسی محل مطلقاً خودداری کنند . متخلفین از خدمت درمانگاه معاف خواهند شد .

ماده پانزدهم - پزشک درمانگاه مکلف است که در تمام مدت خدمت رسمی روزانه در اطاق کار حاضر باشد و مراجعه کنندگان را از هر طبقه و صنف اعم از غنی و فقیر در نهایت مهربانی بترتیب حضور در درمانگاه و بی هیچگونه تبعیضی بپذیرد و با کمال دقت معاینه کند و دستور معالجه بدهد .

تبصره - در صورتیکه حال بیماری سخت باشد پزشک میتواند معاینه او را مقدم بدارد .
ماده شانزدهم - پزشک درمانگاه مجاز نیست بهیچ عنوان در ساعات خدمت مقرر از درمانگاه غیبت کند و یا درمانگاه را ببهانه عیادت بیمار در خارج تعطیل و مسئولیت درمانگاه را بماما و یا پزشکیار وا گذار نماید .

تبصره - عیادت پزشک درمانگاه از بیماری که در حوالی درمانگاه و یا دهات مجاور سکونت دارد و نمیتواند بدرمانگاه بیاید باید در غیر ساعات رسمی درمانگاه باشد .

ماده هفدهم - پزشک درمانگاه حق داشتن مطب خصوصی و شخصی ندارد ، لیکن در صورتیکه بیمار متمکن بطیب خاطر او را در غیر ساعات رسمی درمانگاه بعیادت دعوت نماید و حق الزحمه باو بدهد میتواند آنرا قبول کند مشروط بر اینکه مبلغ حق الزحمه از حدود انصاف

و عدالت خارج نباشد. پزشك موظف است كه صورت جزء اين قبيل درآمدهای خود را در آخر هر ماه بسازمان بفرستد.

ماده هیجدهم - وظیفه اساسی پزشك درمانگاه معاینه و معالجه بیماران است و بس و حق ندارد در اموریكه از وظائف خاصه پزشكان وزارت بهداری و یا پزشكان قانونی است مداخله نماید باین معنی كه نباید در معاینه مشمولین خدمت سربازی شركت كند و مقتولین و یا مظنونین بقتل را معاینه نماید و گواهینامه بدهد. هر گاه از دادگستری و یا شهربانی و یا مقامات رسمی دیگر از او چنین تقاضائی بشود میتواند كتباً جواب دهد كه در مداخله اینگونه امور مجاز نیست.

تبصره - در صورتیكه سازمان شاهنشاهی بنا بپاره مقتضیات كتباً موافقت نماید، پزشك درمانگاه میتواند فقط مضروبین و مقتولین و مظنونین بقتل را كه در محل درمانگاه و یا دهات نزدیک درمانگاه باشد معاینه كرده و گواهینامه پزشکی صادر كند مشروط باینكه این امر مستلزم غیبت طولانی پزشك و تعطیل درمانگاه نباشد. ولی بهیچ صورت پزشك درمانگاه مجاز نخواهد بود كه در معاینه مشمولین خدمت سربازی دخالت كند.

ماده نوزدهم - پزشك و سایر كارمندان و خدمتگزاران درمانگاه حق فروش دارو و یا شركت با دارو فروش ندارند.

تبصره - پزشك درمانگاه موظف است دارو فروشهای نزدیک درمانگاه و میزان اطلاعات آنها را بسازمان گزارش دهد.

ماده بیستم - چون مراقبت در امور بهداشت و مبارزه با بیماریهای واگیر از وظائف مخصوص مأمورین وزارت بهداری است در صورتیكه بیماران مبتلا ببیماری واگیر (بخصوص بیماریهایی كه اظهار آنها اجباری است مانند آبله - سرخچه - مصلك - دیفتری - تیفوس اكزانتمايك - تیفوئید - دیسانتری - مننژیت اپیدميك - وبا - طاعون - تب زرد) بدرمانگاه مراجعه كنند، پزشك درمانگاه موظف است مراتب را با ذكر مشخصات و نشانی كامل بیمار بر رئیس بهداری یا پزشك یا نماینده بهداری محل و یا نزدیکترین پست بهداری كتباً اطلاع دهد كه در جلوگیری از انتشار آن اقدام نماید و رونوشتی از نامه مزبور بدبیرخانه سازمان بفرستد. پزشك و كاركنان درمانگاه موظفند در اینگونه موارد در حدود امكان با مأمورین وزارت بهداری تشریک مساعی كنند.

ماده بیست و یکم - چنانچه در محل درمانگاه آموزشگاهی باشد ولی پزشك بهداری نباشد، پزشك درمانگاه وظیفه دارد ماهی دو دفعه شاگردان را معاینه و در معالجه بیمارانشان اقدام كند و حتی المقدور شاگردان آموزشگاه را باصول بهداشت آشنا سازد.

ماده بیست و دوم - پزشك درمانگاه باید برای تعلیم و نشر اصول بهداشت و پاکیزگی

و نظافت و آشنا ساختن مردم به بیماریهای واگیر و طرز جلوگیری از آن با زبان ساده و عوام فهم با اهالی صحبت کند و بآنان نصیحت بدهد و مراقبت کند دستورهای را که میدهد عملی شود و نیز هرچند یکبار بوسیله سخنرانیهای بهداشتی اهالی محل را در این قسمتها آگاه سازد.

ماده بیست و سوم - پزشک درمانگاه موظف است در آخر هرماه آمار بیماریهایی که بدرمانگاه مراجعه کرده اند با تعیین دقیق نوع بیماری آنها بر برگهای چاپی تنظیم کند ، یک نسخه بشعبه سازمان دراستان مربوط و یک نسخه بسازمان مرکزی ارسال دارد . همچنین موظف است سیاهه مصرف و موجودی داروهای درمانگاه را بر اوراق چاپی تنظیم کرده بدبیرخانه سازمان بفرستد و همیشه سه ماه بسه ماه قبل از وقت داروهای را که کم دارد درخواست نماید .

ماده بیست و چهارم - پزشک سازمان موظف است که در استعمال داروها ولوازم کار صرفه جوئی کند .

قسمت پنجم - وظائف ماما

ماده بیست و پنجم - ماماست معاون پزشک درمانگاه را دارد و باید تحت نظر و دستور پزشک وظائف خود را انجام دهد و در خود درمانگاه (یک اتاق) سکنی بگزیند .

ماده بیست و ششم - چون فارغ التحصیلان آموزشگاه عالی مامائی مجازند فقط درزایمانهای طبیعی مباشرت کنند ، حق استعمال فرسپس و مداخله در زایمانهای غیرطبیعی ندارند و دراینگونه موارد باید مسئولیت و مباشرت عمل را بعهدہ پزشک درمانگاه واگذار کنند .

ماده بیست و هفتم - مامای درمانگاه میتواند بدستور پزشک در معالجه بیماریهای زنانه نیز اقدام کند .

ماده بیست و هشتم - مامای درمانگاه حق داشتن مطب شخصی ندارد و درزایمانهایی که انجام میدهد نباید حقی دریافت کند . در غیر ساعات اداری میتواند حق الزحمه عادلانه دریافت دارد و در آخر هرماه صورت آنرا بوسیله پزشک درمانگاه بدبیرخانه سازمان بفرستد .

قسمت ششم - وظایف پزشکیار

ماده بیست و نهم - پزشکیار حق ندارد مستقلاً در معالجه بیماران مداخله نماید و باید فقط دستورهای پزشک درمانگاه را بی هیچ تصرف و اظهار نظر اجرا کند . پزشکیار باید در خود درمانگاه (یک اتاق) منزل اختیار کند .

ماده سی و یکم - چنانچه پزشک درمانگاهی بیمار و یا بیمارانی را در دهات مجاور عیادت کرده باشد و مقتضی بداند که پزشکیار برای اجرای دستورهای بان دهات برود ، پزشکیار میتواند این مأموریت را انجام دهد مشروط براینکه در معالجه بیماران پزشک ندیده آن نقاط بهیچوجه اقدام نکند . در صورتیکه در این مأموریت از طرف بیماران متمکن به پزشکیار حق الزحمه داده شود باید صورت آنرا در آخر هرماه بوسیله پزشک بدبیرخانه سازمان بفرستد .

قسمت هفتم - وظائف کمک پرستار

ماده سی و یکم - کمک پرستار بدستور پزشک درمانگاه تحت نظر ماما و پزشکیار وظائف خود را انجام خواهد داد .

ماده سی و دوم - کمک پرستار باید قبل از شروع خدمت رسمی درمانگاه سرخدمت حاضر باشد و در تنظیف اتاقهای کار و ابزار و لوازم فنی و تنظیم آنها اقدام کند و در تمام مدت خدمت رسمی روزانه در درمانگاه حاضر بوده و دستورهای پزشک و ماما و پزشکیار را انجام دهد . نمره دادن بیماران در اطاق انتظار نیز برعهده کمک پرستار است .

ماده سی و سوم - کمک پرستار باید ضمن خدمت از پزشک و ماما و پزشکیار اصول فنی و عملی پرستاری را بیاموزد و در حدود امکان بمسائل عملی این فن آشنا شود .

قسمت هشتم - وظائف پیشخدمت

ماده سی و چهارم - نظافت داخل عمارت درمانگاه یعنی اتاقها و راهروها وظیفه پیشخدمت است و میباید همه روزه پس از خاتمه ساعت خدمت رسمی در تنظیف و پاکیزگی آنها اقدام کند بطوریکه برای صبح روز بعد داخل درمانگاه کاملاً پاکیزه باشد . پیشخدمت درمانگاه ممکن است در یکی از اتاقهای ساختمان فرعی درمانگاه منزل کند .

ماده سی و پنجم - انجام کارهای شخصی پزشک و ماما و پزشکیار در درمانگاه از قبیل تهیه لوازم خوراک و زندگی در محل درمانگاه نیز برعهده پیشخدمت است .

قسمت نهم - وظائف دربان و باغبان

ماده سی و ششم - تنظیف سطوح حیاط و باغ درمانگاه و باغچه بندی و گلکاری و آب پاشی و آبیاری برعهده باغبان است .

ماده سی و هفتم - باغبان در عمارت فرعی درمانگاه ساکن خواهد شد و بنابراین شغل سرایداری درمانگاه و حفظ کلیه اثاثیه و لوازم درمانگاه به مسئولیت پزشک نیز برعهده اوست .

قسمت دهم - بازرسی و نظارت درمانگاهها

ماده سی و هشتم - برای اطمینان از حسن جریان امور فنی و اداری و نظارت در کارهای مربوط به پزشک و کارمندان و خدمتگزاران درمانگاهها و رسیدگی بروابط بین درمانگاه و مقامات مربوط محلی و اهالی حوزه و نیز تحقیق درباره شکایات مردم از کارکنان و یا شکایات کارکنان درمانگاه از مردم بسه طریق بازرسی انجام خواهد گرفت بقرار زیر :

اول - بازرسی محلی . دوم - بازرسی استان . سوم - بازرسی مرکزی .

۱ - بازرسی محلی

ماده سی و نهم - بازرسی محلی بوسیله حوزه سازمان آن محل انجام میگردد بدین طریق

که حوزه سازمان مرکب از سه نفر معتمدین محل (که ابلاغ آنان بتوشیح مبارک والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی نیابت ریاست عالیہ رسیده است) باید ماهی یکبار با حضور فرماندار یا بخشدار و پزشک درمانگاه جلسه تشکیل بدهند و بامور مربوط بدرمانگاه (غیر از امور فنی) رسیدگی کنند و هر اقدامی را که برای بهبود وضع درمانگاه لازم بدانند پس از شور و تبادل نظر بشعبه استان پیشنهاد کنند تا پس از تصویب بموقع اجراء گذاشته شود .

ماده چهارم - حوزه محلی موظف است بشکایاتی که پزشک یا کارکنان درمانگاه از مردم و یا مردم از کارکنان درمانگاه دارند رسیدگی کند . اگر توانست با کدخدای محلی موضوع را حل نماید و گرنه اصل قضیه را با اظهار نظر صریح و روشن بشعبه استان و یا بمرکز ارسال دارد .

ماده چهل و یکم - جلسات حوزه باید صورت جلسه رسمی داشته باشد که بامضای حاضرین در جلسه برسد . اصل آن در درمانگاه بایگانی خواهد شد و رونوشت آن مرتباً بدبیرخانه سازمان فرستاده میشود .

ماده چهل و دوم - سه نفر معتمدین محلی حوزه میتوانند راجع بامور درمانگاه و یا رفتار و کردار کارکنان آن در مواقعی که ضروری بدانند مراتبی را محرمانه با ذکر دلیل و سند موجه بسازمان مرکزی اطلاع دهند مشروط بر اینکه زیر گزارش مربوط را هر سه معتمد امضاء کرده باشند .

۴ - بازرسی استان

ماده چهل و سوم - شعبه سازمان در هر استان باید در درمانگاههای مربوط بحوزه خود نظارت کامل داشته باشد و مرتباً بوسیله کارمندان شعبه درمانگاهها را بازرسی کند و نتیجه مشاهدات و یا پیشنهاد خود را بدبیرخانه سازمان بفرستد و مخصوصاً شخص استاندار از لحاظ سمت ریاست شعبه سازمان موظف است هر چند وقت یکبار شخصاً درمانگاههای حوزه خود را بدقت بازرسی کرده و گزارش جامعی بدبیرخانه سازمان ارسال دارد که عیناً از شرف عرض مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ریاست عالیہ سازمان بگذرد . رئیس بهداری استان نیز وظیفه دارد که مستقیماً و یا بدستور شعبه استان درمانگاهها را از لحاظ فنی و اداری بازرسی کرده و گزارشی بشعبه استان و بدبیرخانه سازمان ارسال دارد .

ماده چهل و چهارم - پیشنهاد های حوزه محلی سازمان که راجع بامور هر درمانگاه بشعبه استان فرستاده میشود باید تحت بررسی قرار گرفته و با اظهار نظر صریح بدبیرخانه سازمان فرستاده شود .

ماده چهل و پنجم - هر شکایتی که از مردم نسبت بدرمانگاه یا از درمانگاه نسبت بمردم بشعبه سازمان استان میرسد شعبه موظف است با کمال دقت رسیدگی کند و اگر بازرسی

محلی لازم داشته باشد فوراً اقدام نماید و قضیه را یا مستقیماً با کدخداسنی فیصل بخشد و یا اینکه اصل موضوع را با اظهارنظر صریح بدیرخانه سازمان بفرستد.

ماده چهل و ششم - شعبه استان موظف است هر سه ماه یکبار وضع درمانگاه و جریان امور آن و طرز رفتار و کردار هر یک از کارمندان درمانگاه را بدیرخانه سازمان اطلاع دهد و آنچه مقتضی میدانند پیشنهاد نماید.

۴ - بازرسی مرکزی

ماده چهل و هفتم - سازمان مرکزی برای بازرسی امور فنی و اداری درمانگاه بخشی دارد که بوسیله پزشک بازرس درمانگاهها اداره میشود و او مسئول حسن جریان امور درمانگاهها خواهد بود و باید در کلیه امور مربوط بدرمانگاهها که باو رجوع میشود اظهارنظر صریح بنماید و اقداماتی که برای تأمین این وظیفه لازم میدانند پیشنهاد کند.

ماده چهل و هشتم - هر درمانگاه اعم از اینکه مورد شکایت واقع باشد یا نباشد حداقل سالی یک یا دوبار بوسیله بازرس درمانگاهها مورد بازرسی دقیق قرار خواهد گرفت و او موظف است که نتیجه مشاهدات خود را بطور صریح و روشن گزارش کند و هر اقدامی را که لازم و ضروری بداند پیشنهاد نماید.

ماده چهل و نهم - علاوه بر این بازرسی مستمر، هر موقع که هیأت مدیره مقتضی دانست درمانگاه بوسیله بازرس، مورد بازرسی قرار خواهد گرفت.

ماده پنجاهم - هیأت مدیره میتواند علاوه بر تمام این نوع بازرسی ها که در این آئین نامه قید شده و بوسیله اشخاص معینی بعمل خواهد آمد توسط اشخاص مطمئن و صالح و بطور محرمانه نیز درمانگاهها را مورد بازرسی قرار دهد.

قسمت یازدهم - تشویقات و تنبیهات

ماده پنجاه و یکم - در صورتیکه خدمات پزشک و یا کارمند و یا خدمتگزار درمانگاه مورد رضایت کامل باشد از او تشویق بعمل خواهد آمد.

ماده پنجاه و دوم - درجات تشویق بقرار زیر است:

- ۱ - تشویق نامه کتبی بامضای مدیر عامل.
- ۲ - تشویق نامه کتبی بامضای نایب رئیس دوم.
- ۳ - اعطای پاداش معادل یک ربع حقوق ماهانه.
- ۴ - تشویق نامه کتبی بتوشیح مبارك نیابت ریاست عالی.
- ۵ - اعطای مدال.

ماده پنجاه و سوم - در صورتیکه از خدمات پزشک یا کارمند یا خدمتگزاری رضایت حاصل نباشد مورد توبیخ قرار خواهد گرفت.

ماده پنجاه و چهارم - درجات توییح بقرار زیر است:

- ۱ - توییح نامه کتبی مدیر عامل .
- ۲ - توییح نامه کتبی بامضای مدیر عامل با درج در پرونده خدمت .
- ۳ - توییح نامه کتبی بامضای نائب رئیس دوم .
- ۴ - کسر حقوق معادل یک ثلث مقرری ماهانه .
- ۵ - کسر حقوق معادل مقرری ماهانه .
- ۶ - انفصال از خدمت سازمان .
- ۷ - انفصال از خدمت سازمان و معرفی بکلیه درمانگاهها و وزارت خانه ها و مؤسسات بهداشتی کشور .

ماده پنجاه و پنجم - انجام تشویق درجه یک و دو و توییح درجه یک و دو بپیشنهاد بازرس درمانگاه و موافقت مدیر عامل ، انجام درجه سه و چهار تشویق و چهار و پنج توییح بپیشنهاد حوزه محلی و موافقت بازرس درمانگاهها و مدیر عامل و هیأت مدیره ، انجام تشویق درجه پنج و توییح درجه شش و هفت با پیشنهاد حوزه محلی و شعبه استان و موافقت بازرسی درمانگاه و مدیر عامل و هیأت مدیره و تصویب و الاحضرت نیابت ریاست عالیه سازمان خواهد بود .

ماده پنجاه و ششم - مواد آئین نامه پس از تصویب هیأت مدیره و توشیح و الاحضرت نیابت ریاست عالیه سازمان بموقع اجرا گذارده میشود و لدی الاقتضا بر حسب پیشنهاد مدیر عامل و تصویب هیئت مدیره و توشیح و الاحضرت قابل تغییر خواهد بود .



اعلیحضرت همایون شاهنشاه و علیاحضرت ملکه نریا پهلوی در آذر ماه
۱۳۳۱ ضمن مسافرت بنخوزستان ، درحالگاه سارمان شاهنشاهی خدمات
اجتماعی را در شوش بازدید فرمودند

مبارزه با ابرحمر



دکتر رفول

مبارزه با تراخم در دزفول

شهرستان دزفول ، درنه کیلومتری شرق اندیمشک و ۷۲ کیلومتری غرب شوشتر و ۵۰ کیلومتری شمال خرابه های شوش و ۱۶۰ کیلومتری شمال اهواز واقع شده است و در حدود ۱/۵ در ۱/۵ کیلومتر مربع وسعت دارد. رودخانه دز ، در سمت غربی تپه ای که شهر بر آن بنا شده است ، از شمال بجنوب جریان دارد . عرض این رود در کم آب ترین فصول ، یعنی اواخر آبان ماه بهشتاد متر و عمق آن به ۸۰ سانتیمتر میرسد . شیب آن در حوالی شهر بسیار تند و در بستر ناهموار و صخره ای جریان دارد . ولی در جنوب شهر ، آب آن نسبتاً عمیق تر و کندتر ، در بستری از گل ولای اطراف کارون که از کنار شوشتر میگذرد جریان می یابد و در حدود ۷۰ کیلومتری جنوب دزفول ، بهم متصل شده و کارون اصلی را تشکیل میدهد . براین رود ، پلی بطول ۴۱۲ متر بسته اند که قسمتی از آن قدیمی و قسمتی دیگر در حدود ۱۳۰ متر در سال ۱۳۱۴ بنا شده است . این پل دزفول را بجاده اندیمشک مربوط میسازد .

این شهرستان در حدود ۸۰ الی ۹۰ هزار تن جمعیت دارد . نود در صد اهالی کشاورز و در دشتهای اطراف و دهات مجاور بکار مشغولند . ده در صد بقیه را مالکین و تجار و کسبه و پیشه وران تشکیل میدهند . دزفول از شهرهای قدیمی ایران است که وسائل بهداشتی و درمانی در دسترس مردم آن نبود . ساختمانهای شهر باستانیهای خانه های نوساز بعضی از خوانین و تجار که عموماً در حدود یکصدسال قبل بنا شده ، فرسوده و شکست برداشته بود . اغلب خانه ها با اینکه در ابتدا بسیار بزرگ بود ، پس از سه نسل و تقسیم شدن تدریجی بین وراثت ، بصورت لانه و ویرانه در آمده بود . تعداد خانه های شهر به ۶۴۰۰ میرسد . درجه حرارت دزفول تابستانها در سایه بین ۴۷ تا ۵۰ درجه سانتیگراد است ، و اهالی برای فرار از گرما ، سردابهایی به عمق ۷ الی ۱۰ متر حفر کرده اند . بواسطه نداشتن مستراحهای صحیح و عدم بهداشت و نظافت و نگاهداری دوهزار گاو و گاومیش در شهر ، مگس که ناقل بیماریهای گوناگون ، خصوصاً تراخم است ، در دزفول



منظره هوایی دزفول

فوق‌العاده زیاد بود ، بطوریکه فقط بوسیله سمپاشی اماکن شهری ، نمیشد از تولید مثل مگس‌هایی که یکی از آنها میتواند در مدت کوتاه ۶۰ روزه عمر خود ، دوهزار تخم ریخته و تولید مثل کند ، جلوگیری نمود . طبق آمار دقیق در سال ۱۳۲۷ ، نود و پنج درصد از اهالی دزفول مبتلی بتراحم بودند ، و بتحقیق میتوان گفت که این بیماری ، ۵۰ درصد بوسیله مگس باشخاص سالم و اطفال انتقال یافته است .

سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی از سال ۱۳۲۸ مبارزه شدیدی را علیه بیماری تراحم در دزفول آغاز کرد . این مبارزه طبق برنامه ای که پس از تبادل افکار و شور و بررسی بسیار معین گردید ، شروع شد و تا باامروز ادامه دارد .

برنامه مبارزه در دزفول شامل دو قسمت اساسی بود. یکی اصلاحات شهری و دیگری درمان مبتلایان. در مورد اصلاحات شهری، از طرف سازمان شاهنشاهی در دزفول شهر نوینی برپا گردید که روز پنجشنبه ۶ آذرماه ۱۳۳۱ مراسم تحویل آن از طرف سازمان شاهنشاهی شهرداری دزفول، در پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه ریاست عالی سازمان بعمل آمد. چون شرح جریان روز مزبور، متضمن گزارش کامل فعالیت‌هایی است که در زمینه مبارزه با تراخم در دزفول بعمل آمده است، ذیلاً بطور مشروح نقل میگردد.

روز پنجشنبه ۶ آذر ۱۳۳۱، موکب مبارک شاهنشاهی و علیاحضرت ملکه ثریا پهلوی باتفاق ملتزمین رکاب که جمعی از آقایان وزیران و رؤسای وزارت دربار و قوای انتظامی و کارمندان هیئت مدیره سازمان شاهنشاهی بودند، تا اندیشک با قطار سلطنتی و از آنجا با اتومبیل بنزفول و در میان احساسات بی‌ظیر و فریادهای حقشناسی مردم بمحوطه درمانگاه سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی که برای مبارزه با تراخم در آنجا دائر است، نزول اجلال فرمودند.

نخست آقای دکتر آشتیانی مدیر عامل سازمان شاهنشاهی گزارش جامعی از عملیات انجام شده باین شرح بمرض رسانید:



آقای دکتر آشتیانی مدیر عامل سازمان شاهنشاهی هنگام عرض گزارش

شاهنشاهی

در بهمن ماه ۱۳۲۷ ، فرمان مبارک شرفصدور یافت که در شهر دزفول با بیماری تراخم مبارزه شود و مردم این شهر ، از چنگ این مرض شوم رهائی یابند . سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی در امثال فرمان مبارک ، بیدرنگ شروع بکار کرد . شهر دزفول بازدید و خصوصیات آن مورد بررسی دقیق قرار گرفت و کمیسیونهائی از متخصصین اسر در تهران و در این شهر تشکیل یافت و تمام وجوه کار مورد بحث قرار گرفت و مسلم گردید که تا علل و وسائل انتشار بیماری در محل وجود دارد ، معالجه مبتلایان مفید نخواهد بود و درمان یافتگان مجدداً مبتلی خواهند شد . بنابراین سازمان شاهنشاهی اگر بخواهد مبارزه در دزفول به نتیجه مطلوب برسد ، باید از یکسو درمانگاههای برای معالجه مبتلایان تراخم و بیماریهای مختلف چشم تأسیس نماید و از سوئی دیگر با اصلاحات شهری بپردازد و کلیه کوچه ها و خیابانها را که ناهموار است و آبهای آلوده در آنجا جمع میشود ، تسطیح کند . باطلاحها و منجلاها را بخشکاند . مستراحها را که بر بام خانه ها قرار دارد و کثافات و فضولات از ناودان آنها در معابر جریان پیدا میکند از بین ببرد و مگس و حشرات را که ناقل عامل تراخم هستند ، نابود سازد . از اینرو برنامه مبارزه در دو قسمت تهیه و تنظیم گردید . یکی درمان بیماران و دیگری اصلاحات شهری . پس از طرح در هیئت مدیره سازمان شاهنشاهی ، مقرر شد درمانگاهی در شهر با وسائل کامل ایجاد گردد



درمانگاه مبارزه با تراخم در دزفول

و پزشک و کارمندان فنی استخدام و اعزام شوند و اصلاحات شهری نیز توأماً شروع گردد و کمیسیونی از اولیای امور کشوری و معتمدین محل انتخاب شوند و برای حسن جریان کار ، با متصدیانیکه از طرف سازمان شاهنشاهی مأموریت دارند تشریک مساعی کنند.

۱ - درمان مبتلایان

برای درمان مبتلایان بامراض چشم و بالاحص تراخم ، نخست یک درمانگاه و پس از چند ماه ، یک درمانگاه دیگر در این شهر تأسیس یافت و نظارت آن آقای پرفسور شمس عضو هیئت مرکزی سازمان و استاد دانشکده پزشکی واگذار شد. زیرا ایشان راجع بمعالجه تراخم اطلاعات و تجربیات بسیار داشتند. چون درمان تراخم طبق روش آقای پرفسور شمس بوسیله برق ، یعنی الکتروکواگولاسیون انجام میگرفت و برق شهر برای این منظور کافی نبود ، موتور برق و چند دستگاه مخصوص این کار و مقدار کافی اثاثیه و لوازم جراحی چشم ارسال شد. سرپرستی مأمورین معالجه با آقای دکتر گنر اطریشی متخصص بیماریهای چشم که بهمین منظور از طرف سازمان استخدام شده بود واگذار گردید و دو تن پزشک آلمانی و اطریشی برای همکاری ایشان اعزام شدند. بعلاوه عده پزشکیار ایرانی و آموزگار نیز استخدام گردیدند و کلاس مخصوص مبارزه با تراخم را طی کردند تا بتوانند بچشم بیماران پس از برق گذاشتن ، چه در درمانگاه و چه در آموزشگاه ، دارو ریخته و ماساژ دهند. وزارت بهداشت نیز عدهای از بهداران فارغ التحصیل



مداوا



معاینه

آموزشگاههای تبریز و شیراز را مأموریت داد که با دریافت حقوق و فوق العاده خود از سازمان ، در این درمانگاهها کار کنند و ضمن کمک به پیشرفت کار ، به روش مبارزه با تراخم نیز آشنا شوند . درمانگاههای سازمان در دزفول فعالیت قابل توجهی بعمل آورد ، بطوریکه در مدت سه سال و نه ماه ، در حدود ۱,۱۴۵,۶۶۰ باری بیمار بآنجا مراجعه کرده و معاینه شدند و در حدود ۴۷۰۶ بیمار الکتر و کواگولاسیون شده اند و ۱۲۵۴۹ بار اعمال جراحی چشم انجام گرفته است و ۹۱۹۷۲ بیمار از داروی رایگان استفاده کرده اند . در نخستین بازدیدیکه آقای پرفسور شمس در اسفند ۱۳۲۷ یعنی قبل از شروع مبارزه در دزفول بعمل آوردند ، معلوم شد که قریب ۹۵٪ از ساکنین ، بتر اخم دچارند و ۲۵٪ از مبتلایان ، بر اثر عوارض شوم مرض ، نعمت بینائی را از دست داده اند . برای آشنا ساختن مردم بطرق ابتلاء بتر اخم و عواقب آن و تشویق مبتلایان بدرمان ، اقداماتی مهم بعمل آمد و تابلوهای بزرگ مصور و رنگین برای نصب بردیوار معابر عمومی و ادارات و مؤسسات تهیه و ارسال شد و مجالس سخنرانی در محل تشکیل گردید و کلیه طرق سرایت و طرز جلوگیری از ابتلاء و اهمیت عوارض خطیر مرض ، خطر نشان گردید و مخصوصاً بمردم گوشزد شد که معالجات خانگی و مراجعه باشخاص غیر صالح ، خطرناکتر از معالجه نکردن است . بعلاوه با وسائل قانونی از ادامه عملیات طبیب نمایان شیا د که مردم را فریب میدادند و چشمشان را با ناشی گریهای خود کور میکردند جلوگیری بعمل آمد .



بالمان



الکتر و کواگولاسیون

برای درمان مبتلایان، ابتداء معاینه افراد آموزشگاهها شروع و نشانی منازل دانش آموزان مبتلی یادداشت شد و پزشکان بیدرنگ بآن نشانیها مراجعه و خانواده اطفال مبتلی را تحت درمان قرار دادند و در حقیقت کانون ابتلاء خانواده ها را از بین بردند. پس از پایان معالجه دانش آموزان



معاینه و مداوای دانش آموزان در آموزشگاه

و خانواده هایشان، صحنه عملیات بشهر و بمیان مردم توسعه یافت و ابتدا کارمندان و کارگران ادارات و کارخانه ها و اماکن عمومی و پس از آن، کسبه و پیشه وران مورد معاینه و سرعت تحت درمان قرار گرفتند، و نتایج مبارزه بحدی رضایتبخش است که میتوان گفت در تاریخ مبارزه با تراخم بیسابقه بوده است، و هیچ یک از کشورهای مترقی جهان که مبارزه با این بیماری را انجام داده اند، باین سرعت ب نتیجه مطلوب نرسیده اند.

روش درمان تراخم بوسیله الکتروکواگولاسیون، روش بسیار جدیدی است که آقای پروفیسور شمس آنرا در ایران، اولین بار بموقع عمل گذاشتند. الکتروکواگولاسیون در هیچ یک از مبارزات کشورهای دیگر تا بحال مورد عمل و استفاده نبوده است و بنابراین کشور ایران در این امر پیشقدم است.

قبل از شروع مبارزه ، آمار مبتلایان در دزفول ۹۵٪ بود و در بهمن ماه ۱۳۲۹ یعنی تقریباً پس از دو سال مبارزه ، که مجدداً از دانش آموزان و سایرین معاینه بعمل آمد ، معلوم شد که به نسبت ۹۰٪ از شاگردان مدارس و ۳۵٪ از اهالی کاسته شده است . درسومین معاینه که در بهمن ماه ۱۳۳۰ یعنی پس از سه سال مبارزه بعمل آمد ، نتیجه بسیار تشویق انگیز بود . از آن پس مبارزه بنحو مطلوب پیش رفت ، بطوریکه امروز پس از سه سال و نه ماه مبارزه ، میتوان گفت که نتیجه کاملاً رضایتبخش است .

برای تجهیز درمانگاههای سازمان از لحاظ خرید موتور برق و پنج دستگاه الکترو-کواگولاسیون و آفتالموسکپ و میکروسکپ و ابزار و ادوات جراحی و اثنائیه و لوازم زندگانی پزشکان و کارمندان ، در ابتدای کار در حدود ششصد هزار ریال بمصرف رسید .

بودجه مستمر درمانگاههای سازمان از حقوق پزشک و کارمند و مستخدم و کرایه و مخارج متفرقه در حدود ماهانه یکصد هزار ریال است که تاکنون پرداخته شده است .



پرستاران مبارزه با تراخم



جراحی چشم



تابلوی بنماه خاور نزدیک ، مأمور شهر سازی در دزفول

۴- اصلاحات شهری

بطوریکه خاطر خطیر ملوکانه استحضار دارند، دزفول یکی از شهرهای قدیمی ایران است و بر تپه شنی قرار دارد که از بقایای رسوبات رودخانه تشکیل یافته و در حدود ۱/۵ کیلومتر مربع وسعت دارد. خانه های شهر که تعداد آن به ۶۴۰۰ میرسد ، باستانی چند خانه نوساز در حدود یکصد سال پیش بنا شده و اغلب خراب و شکست برداشته است . کوچه ها ، قدیمی و باریک و پر پیچ و خم است . شش سال قبل دزفول بوسیله شرکت آبیاری محلی ، بطور ناقص لوله کشی شد ، ولی آب تصفیه شده در آن جریان ندارد و بیش از $\frac{1}{4}$ اهالی آنهم روزی سه تا شش ساعت از آن استفاده نمیکنند و دیگران بواسطه عدم استطاعت پرداخت آب بها، از آن محرومند و آب آشامیدنی خود را با مشک و الاغ از رودخانه میآورند .

برای بیرون بردن فاضل آب شهر بخارج ، هیچگونه اقدامی تا سه سال قبل بعمل نیامده بود و آبها در فرورفتگی های شهر جمع و مردابهای عفن تشکیل میداد و قسمتی از آن نیز از تپه سرازیر میشد و چون راهی برودخانه نمی یافت ، در اطرف شهر چندین باطلاق عمیق ایجاد میکرد

و مردم در تابستان ، در آب آلوده این باطلاحها استحمام میکردند و رخت و ظروف خود را در آن میشستند و گاومیش‌دارها نیز حیوانات خود را در همین آبها شستشو میدادند .

چون درجه حرارت در تابستان در سایه ۴۵ و گاه به ۵۰ میرسد ، اهالی برای فرار از گرمای طاقت فرسا ، بحفر زیرزمینهای به عمق ۷ الی ۱۰ متر مبادرت میورزند. این سردابهای زیرزمینی که در حدود سی الی چهل پله دارد ، مورد علاقه تام مردم است ، بطوریکه آنرا مهمتر از اتاقهای خانه میدانند. در نتیجه حفر این سردابها ، میتوان گفت که زیر تمام دزفول خالی است و برای حفرچاه مستراح بزحمت میتوان زمین پری یافت. اهالی برای رفع این اشکال، بی‌درنظر گرفتن مضار و مخاطرات ، ناگزیر مستراحهای خود را برپام خانه و تقریباً مجاور در ورودی منازل بنا میکردند و در نتیجه فضولات و کثافات از کنار ستون مجاور در منزل بداخل کوچه‌ها جریان مییافت و معابر و جویها را آلوده میکرد و در فصل زمستان که آب در نقاط پست کوچه‌ها جمع میشد و با این فضولات درهم میامیخت ، منجلابهای متعفن و بسیار خطرناک تشکیل میداد که از لحاظ بهداشتی ، باید آنها را کانونهای مهم نمو میکروبها و انتشار بیماریها، بخصوص تراخم بشمار آورد. بدیهی است که نبودن مستراحهای بهداشتی و جریان مدفوع



پیش از شهر سازی ، کوچه‌ها و معابر دزفول همه ناهموار و آلوده بود

در کوچه‌ها و معابر ، و نگاهداری دوهزار گاو و گاو میش در شهر ، موجب ازدیاد مگس بود . این حشره خطرناک که در مدت شصت روز عمر کوتاه خود ، تعداد دوهزار تخم میریزد و باین کثرت و سرعت تولید مثل مینماید ، از لحاظ انتشار و پرورش تراخم از اشخاص بیمار با افراد سالم ، بسیار مهم بشمار میرود و متأسفانه با وضع تأسف آور شهر ، برای پرورش این حشره مساعدترین زمینه فراهم بود . از طرف دیگر ، اهالی از روی نادانی و غفلت ، در آبگیرهای عمومی اطراف شهر و خزینه‌های عمومی حمامها استحمام میکردند و بوسیله آبهای آلوده ، حامل تراخم را بچشمهای خود منتقل میداشتند . با این تفصیل جای عجب نبود اگر در بازدید نخستین که از مردم بعمل آمد ۹۵ درصد آنان باین بیماری شوم دوچار بودند .

هیئت اعزازی سازمان بدزفول ، وقتی وضع شهر را بدین منوال یافت ، برای اصلاح آن نقشه طرح نمود که اینک بشرفعرض میرساند :

۱ - حفر چاههای عمیق برای مستراحها و آبهای زائد رختشوئی و ظرفشوئی خانه‌ها .
۲ - تعبیه و ساختمان مستراحهای صحیح سیمانی در هر خانه و اتصال آنها بچاههای حفر شده .

۳ - احداث مجاری فاضل آب سطحی سیمانی در کوچه‌ها برای بردن آب باران بخارج شهر و اتصال آبهای صحن خانه بمجاری مزبور با لوله‌های سیمانی .

۴ - خشکانیدن منجلابهای داخل شهر و قطع آبها و ازین بردن باطلاهای اطراف شهر .
۵ - بنای طویله‌های عمومی در خارج شهر جهت نگاهداری گاو میشها و ممانعت از ورود آنها بشهر .

۶ - تبدیل حوضهای مساجد بمنابع سرپوشیده و تعبیه مستراحهای عمومی بهداشتی در آنها .

۷ - تسطیح و هموار نمودن کوچه‌ها و تعیین شیب صحیح و مناسب برای آنها بمنظور جلوگیری از جمع شدن آب .

۸ - تبدیل خزینه حمامها بدوش و حفر چاههای عمیق جهت فاضل آب آنها و جلوگیری از دادن حوله‌های عمومی بمشتریان .

۹ - سمپاشی کلیه خانه‌ها و اماکن مسقف با محلول ۰/۵ ٪ نفتی (د.د.ت) برای ازین بردن کلیه حشرات .

برای انجام این اصلاحات جامع ، یازده میلیون ریال از بودجه سازمان شاهنشاهی اعتبار منظور گردید و مباشرت انجام نقشه بعهد بنگاه خاور نزدیک گذاشته شد و مقرر گردید که این اصلاحات با این بودجه ، در خانه‌های مستمندان و نواحی فقیرنشین شهر بعمل آید و برای اصلاحات



بعد از شهر سازی ، کوچه ها و معابر هموار و آلودگی آنها مرتفع شد

درخانه توانگران و نواحی مربوط ، مخارج از آنها گرفته شود و بدین طریق اصلاحات اساسی در سراسر شهر انجام گیرد. شهرداری دزفول نیز تعهد نمود که از بودجه خود ، مبلغی بسازمان برای این منظور کمک کند. ولی متأسفانه تا کنون نه توانگران دزفول بابت اصلاحاتیکه درخانه و کوچه های آنان بعمل آمد و نه شهرداری دزفول در برابر این اصلاحات مهم که در شهر انجام گرفت ، دیناری بسازمان ندادند و در نتیجه پس از صرف یازده میلیون ریال اعتبار مصوب ، و انجام اصلاحات در بیش از $\frac{2}{3}$ شهر ، دیگر اعتباری برای انجام بقیه اصلاحات باقی نمانده بود و برای سازمان هم بواسطه مضيقه مالی ، مقدور نبود اعتبار دیگری از بودجه خود پادار کند ، ناگزیر به اصل چهار مراجعه و تقاضا شد که از اعتبارات بهداشتی خود باین منظور مهم کمک کنند .

اولیای اصل چهار پس از بررسی نقشه مبارزه و بازدید محل ، چون موضوع را مهم و مبارزه را مفید و بر اصل و اساس صحیح یافتند ، در حدود چهار میلیون ریال در اختیار سازمان گذاشتند و با این مبلغ بقیه اصلاحات انجام گرفت . بنابراین کلیه هزینه اصلاحات شهری دزفول پانزده میلیون ریال شده است .

اصلاحاتیکه برای سالم ساختن شهر با اعتبارات مزبور بعمل آمد بدینقرار است :

۱ - ۱۸۱۷ حلقه چاه مستراح - برای ایجاد این چاهها بواسطه خالی بودن زیر شهر دزفول ، ووجود سردابها ، ووجود نبودن زمین پر ، اشکالات فنی بسیار وجود داشت ، بطوریکه دائره شهرسازی سازمان ناگزیر شد که برای احتراز از خسارت سردابها ، چاه مشترک برای چند مستراح حفر کند ، وحتی در بعضی مواقع برای ایجاد چاه ، از گوشه سردابها استفاده شد ، و آنرا از داخل سردابها با قالبهای سیمانی بشکل حلقه وبقطر دهانه چاه ساختند ، و اطراف آنرا بضخامت یک متر الی دو متر ، آجر چینی نمودند .

گنجایش هرچاه به نسبت تعداد نفرات خانه ها و بعمق ۱۰ الی ۱۸ متر و بقطر ۱۰ سانتیمتر است و در انتهای آن انباری بگنجایش ۳ الی ۱۵ مترمکعب تعبیه شده است .

از خاکهای استخراجی ازچاهها ، برای تسطیح کوچه ها وپراکردن منجلاهای داخل شهر و خشکانیدن باطلاهای خارج ، استفاده شد و از سنگهای آن ، کوچه ها سنگفرش گردید .

۲ - تعبیه و ساختمان مستراحهای سیمانی - کلیه مستراحهای قدیمی خراب و محل اغلب آنها از بام به صحن خانه ها تغییر یافت ، و درهریک از آنها کاسه مستراحهای سیمانی نصب ، و با لوله های سیمانی ۱۵ و ۲۰ سانتیمتری بچاهها متصل گردید . بطور کلی ۵۲۰۰ مستراح در دزفول بنا شد .



چون لوله سیمانی برای تسطیح کوچه ها و اصلاح جویها و تعبیه مستراحها ساخته میشود



کارگاه سیمان سازی



هنگام ساختن جویهای سیمانی

۳ - احداث مجاری فاضل آب سطحی سیمانی در کوچه ها - تمام کوچه ها هموار و شیب آنها معین گردید ، بطوریکه آبی در آنها باقی نماند ، و برای جریان دادن آب باران ، نهر های سیمانی روباز احداث گردید . زیرا پوشانیدن روی نهر ها ، بعزل فنی صحیح نبود . قالب بندی نهر های فاضل آب کوچه ها ، با قالبهای سیمانی باندازه های مختلف انجام گرفت ، و بطور کلی ۴۰۵۰۰ متر طول جویهای فاضل آب احداثی است ، آب صحن خانه هائیز با لوله های سیمانی بقطر ۱۰ الی ۲۰ سانتیمتر بداخل نهر های سیمانی هدایت شد و جمعاً در حدود ۱۹۲۰۰ متر طول لوله کشیها است .

۴ - خشکانیدن منجلاهای داخل شهر و از بین بردن باطلاهای اطراف شهر - با تسطیح کوچه ها و تعبیه شیب آنها و احداث نهر های فاضل آب سیمانی روباز در کوچه ها ، از جمع شدن آبها و تولید گودال و منجلاب جلوگیری بعمل آمد . سه باطلاق در جنوب شهر و سه باطلاق در مشرق شهر نیز با احداث دوسپیل در شمال و جنوب خشک گردید . یکی از باطلاها که در مسیر خیابان و نهر فاضل آب اصلی واقع شده بود ، بارتفاع چهارمتر خاثریزی و نهر فاضل آب اصلی از روی آن عبور داده شد .

۵ - تبدیل حوض مساجد بمنابع سر پوشیده و تعبیه مستراحهای عمومی - حوض دوسجد یکی مسجد جامع و دیگری مسجد نبوی ، بمنبع سر پوشیده تبدیل ، و ۵ مستراح صحیح



همان کوچه بعد از اصلاح



یکی از کوچه ها پیش از اصلاح

در آنها ساخته شد. بعلاوه یکدستگاه مستراح عمومی در محوطه میدان پل اصلی، برای دکانداران و عابرین شهر ایجاد گردید.

۶- تسطیح و هموار کردن کوچه ها و تعیین شیب صحیح و سنگفرش آنها -

اغلب کوچه ها ناهموار و پست و بلند و بعضی ها دارای شیب معکوس بود، یعنی آب باران در آخر کوچه جمع میشد و بهیچ طرف راه نداشت. بنابراین با خاکبرداری و خاکریزی، کلیه عیوب کوچه ها برطرف شد و ضمن تسطیح برای احداث نهر فاضل آب اصلی جنوب شهر، خیابانی بطول ۱۰/۶۰ متر ایجاد گردید و تپه ای بطول ۱۸۰ و عرض ۱۰ و ارتفاع سه متر برداشته، و چاله آب بزرگ مجاور تپه پر شد. جمعاً ۵۳۰۰ متر مکعب خاکبرداری و در حدود ۷۸۰۰ متر مکعب خاکریزی خیابان مزبور شد.

جهت احداث نهرهای فاضل آب جمعاً در حدود ۲۰۰۰۰ متر مکعب، و برای تسطیح ارتفاعات کوچه ها در حدود ۳۶۰۰۰ متر مکعب خاکبرداری شد.

جمع کل خاکریزی چاله ها و مردابها و باطلاقتها در کوچه ها ۱۶۲۰۰۰ متر مکعب است که در نتیجه ۳۲۰۰۰۰ متر مکعب کف کوچه ها تسطیح شد.

در پنج کوچه بسطح ۱۰,۰۰۰ مترمربع سنگفرش بعمل آمد.



دو نمونه دیگر از کوچه های که تسطیح شده است

۷- تبدیل خزینه حمامها بدوش و حفر چاههای عمیق جهة فاضل آب آنها و ممانعت از دادن حوله‌های مشترك حمام بمردم - بنا بدستور هیئت اعزامی، کلیه خزینه حمامها در اوائل سال ۱۳۲۸ بدوش تبدیل یافت و بمالکین ۱۳ دستگاه حمام دزفول اخطار شد که جهة فاضل آب حمامهای خود، چاه مستقل ایجاد کنند ولی متأسفانه تاکنون فقط مالک یک حمام باین امر مبادرت جسته است. بعلاوه قدغن شد که یک حوله را بدو نفر ندهند، و متأسفانه این عمل هم هنوز رواج نیافته است.

۸- سمپاشی کلیه خانه‌ها و اماکن مسقف - یک نوبت در فروردین و اردیبهشت ۱۳۲۹ کلیه اماکن مسقف شهر با محلول ۰/۵ نفتی (د. د. ت) سمپاشی شد. پنجاه نفر کارگر با ۲۵ دستگاه سمپاشی کوله پشتی در ظرف ۵۰ روز مقدار ۸۸۹۲۰ لیتر نفت و ۹۴۴۶ کیلوگرام گرد (د. د. ت) صد درصد خالص را بمصرف این کار رسانیدند و سطحی برابر ۲۲۲۵۰۰۰ مترمربع را سمپاشی نمودند.

گرد (د. د. ت) و همچنین سیمان مصرفی برای اصلاحات شهر را خود سازمان از خارج از ایران بیهای ارزان وارد نمود.

بدین طریق اصلاحات اساسی در این شهر بوسعت تقریبی ۱۹۲۰۰۰۰ متر مربع که مساحت آن در سال ۱۳۲۷ بوده است انجام گرفته است.



چلیک‌های محتوی محلول قتی (د - د - ت) برای سمپاشی آماده شده است



هیئت سمپاش ، کاملاً مجهز شده و آماده فعالیت است



مأمورین سمپاش پیش از شروع بکار ، دستورهای لازم را دریافت می‌دارند

برای سمپاشی بار دوم با وزارت بهداشتی مذاکره بعمل آمده است که این کار را بهمین زودی انجام دهند. برای تبدیل حوض ۳۵ مسجد دیگر بمنابع سرپوشیده و ایجاد مستراحهای صحیح در آنها و نیز ساختمان طویل و بزرگی در خارج شهر برای نگاهداری گاومیشها، بعلت نبودن بودجه و اعتبار، اقدامی بعمل نیامده است و باید شهرداری طبق نقشه و نمونه‌ای که موجود است، بعدها خود اقدام کند.

این بود خلاصه‌ای از اقدامات درمانی و اصلاحات شهری که سازمان شاهنشاهی برحسب امر مبارك در این شهر بعمل آورد.

سازمان شاهنشاهی افتخار میکند که توانسته است در مدت پنج سال و نیم که از تأسیس آن میگذرد، در اجرای منویات ریاست معظم خود در حدود قدرت مالی، خدماتی در زمینه امور بهداشتی و اجتماعی و فرهنگی انجام دهد و یکی از وسائل وصول مراحم و الطاف شاهانه بمردم مستمند و تهیدست گردد.

موقع را شایسته میدانم که از بنگاه خاور نزدیک و دونفر کارکنان ایرانی آن، آقایان نوری و سعیدی و اولیای اصل چهار و آقایان پروفیسور شمس و دکتر رگنر و کلیه کسانی که در این مدت بنحوی در پیشرفت این مبارزه از روی کمال صداقت انجام وظیفه نموده‌اند، در پیشگاه مبارك سپاسگزاری نماید.

از خداوند بزرگ مسئلت دارد که بشاهنشاه مردم دوست و نوع پرور مزید عمر و عزت و بخدمتگزاران سازمان شاهنشاهی، مزید توفیق خدمت عنایت فرماید.

در این موقع اعلیحضرت همایون شاهنشاه از اقدامات سازمان و جریان کار مبارزه با تراخم در دزفول ابراز رضایت و بیاناتی باین شرح ایراد فرمودند:

گزارشیکه در موضوع مبارزه با تراخم در دزفول دادید، شامل نکاتی مهم بود و سه سال و نیم پیش که برای مبارزه با این بیماری خطرناک سازمان شاهنشاهی دستور دادم، یقین حاصل بود که سازمان اینکار را نیز مثل وظائف دیگری که در زمینه بهداشت برعهده گرفته است، بخوبی انجام خواهد داد. اینک مایه کمال خوشوقتی است که این امر مهم به بهترین وجهی انجام پذیرفته است. شیوع این بیماری در ایران و بخصوص در این منطقه، امری تازه نیست. همه کس بیاد دارد که مردم دزفول بواسطه ابتلاء باین مرض، تا چه حد رنج میکشیدند و حتی عده بیشماری از نعمت بینائی محروم بودند. متأسفانه وزارت بهداشتی هم بواسطه محدود بودن بودجه و گرفتاری بمقررات اداری و توجه بدستگاههای درمانی و بخشهای بیمارستانی، در این مدت موفق نشده بود که در وظیفه اصلی خود، که جلوگیری از پیدایش بیماریها و مبارزه با امراض



واگیر ، و بالاخص همین تراخم است ، کاری بکند . بهمین دلیل بود که از ابتدای تأسیس سازمان شاهنشاهی دستور دادم که سازمان قبل از اینکه بامور خدمات اجتماعی که وظیفه اصلی اوست پردازد ، بیشتر فعالیت خود را در چند سال اول ، بامور بهداشتی مصروف بدارد و خوشبختانه در اینکار موفقیت‌هایی بی نظیر ، نصیب سازمان شده است . طبق گزارشها و تلگرافهایی که از نقاط مختلف کشور میرسد و نیز گفتگوهایی که شخصاً در اغلب نقاط با مردم کرده‌ام ، معلوم میشود که درمانگاههای سازمان در نقاط مختلف کشور ، که امروزه بشصت درمانگاه و چند بیمارستان بالغ است ، خیلی خوب کار میکند و بدرد مردم میخورد . همین

مبارزه با تراخم که سازمان در دزفول انجام داده است، کار کوچکی نیست. تصور میکنم اولین بار است که در ایران با يك بیماری واگیر، از روی روش و اسلوب صحیح مبارزه شده و به نتیجه مطلوب رسیده است.

همانطور که گزارش دادید، درمانگاه سازمان باید در دزفول باقی بماند و بدرمان بقیه مردم آلوده پردازد. اما مخصوصاً خاطر نشان میکنم که اهمیت مبارزه با آنچه تا بحال از طرف سازمان بعمل آمده است نیست، بلکه در مراقبتها و مواظبتها نیست که از این پس باید از طرف اولیای امور کشور در دزفول و بخصوص از طرف انجمن شهرداری بعمل آید.

این شهر که با این زحمت و مخارج زیاد در حقیقت از نو ساخته شده است، باید با کمال دقت نگاهداری شود و اگر مرور در قسمتی، تعمیری ضرورت پیدا کند، فوری انجام شود و بغفلت آنرا با امروز و فردا واگذار نکنند که رفته رفته آنچه ساخته شده است از بین برود، باید مراقبت نمایند که مردم مجدداً مثل سابق، بر خلاف اصول بهداشت به بعضی امور نپردازند و جداً از ایجاد ساختمانهای غیر صحی، و آلوده شدن آنها و جریان کثافات در کوچه ها و جویها، جلوگیری بعمل آورند و شهر را همیشه پاک و پاکیزه نگاهدارند.

تنها با ابراز علاقه و دلسوزی از طرف مسئولین امور شهر است که میتوان امیدوار شد در آینده بسیار نزدیک، ریشه این بیماری از شهر دزفول بکلی کنده شود.

جای افسوس است که سازمان شاهنشاهی فعلاً بمضیقه مالی دچار است و بودجه آن بزحمت برای مخارج مستمر مؤسسات موجود کفایت میکند، و گرنه دستور میدادم سازمان همین مبارزه را با تجاری که بدست آورده است، در شوشتر و نقاط دیگر شروع کند، در حال امیدوارم بزودی تریبی پیش آید که سازمان بتواند این نقشه را هم عملی کند.

باز هم تکرار میکنم که شهرداری دزفول، باید شهری را که امروز تحویل میگیرد، در نهایت دقت و دلسوزی نگاهداری کند و در نظافت آن دقیقه ای غفلت ننماید.

از دستگاه سازمان شاهنشاهی که برنامه مبارزه با تراخم را در دزفول بخوبی انجام داده است و از مساعدتهای اصل چهار و کهکهای بنگاه خاور نزدیک که برای تأمین این منظور با سازمان تشریک مساعی کرده اند، بسیار خوشوقت و راضی هستم و از کلیه کسانی که در این امر دخالت و مباشرت داشته اند قدردانی میکنم.

پس از آن آقای وزیر کشور بنمایندگی از طرف دولت و اهالی دزفول شرحی بدین قرار بیان داشتند:

شاهنشاهها

سرزمین باستانی خوزستان مباحثات میکند که ازدوجت مورد بذل توجه ذات همایونی قرار گرفته ، یکی آنکه بنا بامر مبارك شاهانه ، سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی از سه سال پیش ، بتدریج یکی از شهرهای این استان را از صورت زشت و ناپاک بدرآورده و بدان رونق و پاکیزگی بخشیده است . دیگر آنکه پس از سالها رنج و گرفتاری ، امروز از زبان قلب شاهنشاه شادباش و شادزی میشوند و نوید و صلاى سرخوشی و آزادی میگیرد .

خوزستان که روزی مرکز حکمرانی پدران کوروش هخامنشی ، و مسند و منظر پادشاهان بزرگوار ساسانی بود ، با تذکر آن ایام درخشان پرافتخار و با امید به تجدید چنان روزگاران ، از آزادی امروز خود بسیار مسرور است . برای مردم هشیار ، نعمتی برتر و بهتر از آزادی نیست . ایرانی آزاد بوده و میخواهد با سرپرستی شاه آزادی دوست و هدایت دولت آزادی طلب خود ، همواره آزاد بماند . اتکاء اعلیحضرت همایونی همیشه پس از تأیید و عنایت الهی ، بر حسن عمل و خیراندیشی و نیکوکاری و خدمت خلق که اعظم عبادات است ، بوده و همین اندیشه نیک و سیرت پسندیده موجب شده است که در مدتی نسبتاً قلیل ، با صرف مبالغ کثیر ، کارهای بزرگ انجام گیرد .

سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی که بامر و اراده اعلیحضرت همایونی بوجود آمده و کارکنان آن از افراد با ایمان و صالح انتخاب شده اند ، در مدتی کمتر از پنج سال ، آثار بسیار بوجود آورده و اکنون میلیونها مردم بیمار در سراسر کشور ، در بیش از ۶۰ درمانگاه ، از دارو و درمان سازمان بهره مند میشوند .

خدا را بر آن بنده بخشایش است که خلق از وجودش در آسایش است

وزارت کشور مساعی سازمان را در پهنه مملکت ، خاصه در این شهر که بنای آن را باردشیر بابکان نسبت میدهند و یکچند ، شرف قرب جوار باشهر بزرگ و دانشگاه عظیم جندی شاپور داشت ، بامسرت فراوان تلفی میکنند و از کوششهایی که در بهبود حال مردم و نظافت و بهداشت شهر ، با مساعدت بنگاه خاور نزدیک و اداره همکاری فنی امریکا برای ایران بعمل آمده سپاسگزار است .

مردم دزفول با اهمیت تفقد و عنایت اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و گرامندی اقداماتی که صورت گرفته واقف اند ، و بمسئولیت خود در حفظ آنچه بانان سپرده میشود ، آگاهی دارند و کوشش میکنند که در آینده ، نه تنها وضع موجود را محفوظ دارند ، بلکه در توسعه آبادی و اکمال آن همت گمارند و درس نیکوکاری را از سازمان شاهنشاهی بیاموزند و ازین پس خود سرمشق خیر و احسان شوند .

مردم دزفول خوشحال اند که این شهر را پاکیزه و معمور تحویل میگیرند، و یقین دارند که اعلیحضرت همایون شاهنشاهی خوشحال اند که شهری را پاك و سالم بآنها میسپارند. خوشحالی اعلیحضرت مانند همیشه از خوشحالی مردم سرچشمه میگیرد. چنانکه ملت ایران مسرت خود را، سرور و شادی شاهنشاه بزرگوار خود میداند. این امر مسلم است که دیگر نمیتوان شهرها را بحالت قرون وسطائی نگاه داشت، بلکه باید جملگی شرایط صحی و فرهنگی و اخلاقی و تفریحی در آنها رعایت شود. امید است که مردم شهرها و قصبات بتوانند روز بروز، برپاکی و آبادی زادوبوم خود بیفزایند و با صرف فکر و مال، مؤسسات خیریه بوجود آورند و همگان از صغیر و کبیر و توانگر و فقیر، از مواهب زندگانی بهره مند و برخوردار شوند و در اجرای برنامه های اصلاحی، چنان عمل کنند که اعلیحضرت همایون شاهنشاهی، بسیاری از آنها را باخذ نشان لیاقت مفتخر و سرافراز فرمایند.

امیدواریم با اقداماتی که شده، بمدد کار و کوشش همگانی، بزودی روزی برسد که این سرزمین تاریخی، آبادی و نعمت خیزی و در نتیجه مجد و عظمت باستانی خود را تجدید کند و عموم افراد، از حقوق ملی و اجتماعی خود بهره مند شوند و ایمنی و عدالت و فرهنگ و سلامت و آرامش و آسایش، همه جا سایه گستر گردد. شک نیست که آنچه در این ابواب، مقصود افراد کشور ماست، چنانکه تاکنون با عمل باثبات رسیده، آرزو و کمال مطلوب شاهنشاه است. چه روزی از اعلیحضرت همایون شاهنشاهی شنیده ایم که حکومت بر مستی مردم مستمند ورنجور و بی فرهنگ و محروم، لذتی ندارد. افراد ملت باید توانگر و نیرومند و دانا و شاد کام باشند.

پس از خاتمه این مراسم، اعلیحضرت همایونی درمانگاه سازمان و دستگاههای الکتروکواگولاسیون را بازدید و از پزشکان مربوط توضیحاتی خواستند که بمعرض رسید. سپس بعضی از خیابانهای شهر و جویهای سمّتی و مجاری فاضل آب و اصلاحات دیگر را بازدید فرمودند و مهندسین مربوط توضیحاتی معروض داشتند. آنگاه موکب مبارک در میان امواج احساسات مردم که از مراجع ملوکانه و اقدامات سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی سپاسگزاری و حق شناسی مینمودند، دزفول را ترک و بطرف شوشتر عزیمت فرمودند.

پس از آنکه باتشریفات خاص، شهر دزفول بشهرداری آنجا تحویل داده شد، عملیات ساختمانی سازمان پایان یافته بود. ولی دو درمانگاه برای مبارزه با تراخم، کماکان در این شهر دائر نگهداشته شد. در این درمانگاهها دوازده تخت برای بستری کردن بیماران گذاشته شده است و دوتن چشم پزشک و یک پزشک و بیست تن پرستار در آنجا انجام وظیفه میکنند. از بدو تأسیس درمانگاههای مزبور تا پایان سال ۱۳۳۰، یعنی در مدت سه سال و سه ماه ۶۷۲۱۷۸ بار بیمار بدرمانگاههای مزبور مراجعه کرده، معاینه شده، تحت درمان قرار گرفته و داروی رایگان دریافت داشته، و نیز در این مدت ۳۵۲۶ عمل الکتروکواگولاسیون انجام گرفته است.

همچنین از آغاز فروردین ماه ۱۳۳۱ تا پایان اسفندماه ۱۳۳۵، یعنی در مدت پنج سال اخیر فعالیت در مانگاه بقرار زیر بوده است :

تعداد دفعات مراجعه بیماران بطور کلی	۲۸۵۳۴۳۴ بار
بیمارانی که داروی رایگان دریافت داشته اند	۳۲۱۹۶۰ تن
بیمارانی که بستری شده اند	۲۴۸۰ تن
اعمال جراحی چشم	۲۷۸۰ تن
الکتروکواگولاسیون	۱۴۰۸۲ بار

هرآنکه تخم بدی کشت و چشم نیکی داشت
 دماغ بیهوده پخت و خیال باطل بست
 ز گوش پنبه برون آر و داد خلق بده
 و گر تو می ندهی داد ، روز دادی هست
 بیازوان توانا و قوت سر دست
 خطاست پنجه مسکین و ناتوان بشکست
 نترسد آنکه بر افتادگان نبخشاید
 که گر زپای درآید کسش نگیرد دست

ای خوش آن بینا که روزی دست ناینا گرفت

از مرحوم ملك الشعراء بهار

ضمیرانی در بن بید معلق جا گرفت
سایه بید معلق هر طرف پیرامش
شاخ نیلوفرچو کرمی سر زجا بر کرد و گفت :
تابش خورشید را دید از ورای شاخ و گفت
گر چه از فیض حضورش جفت حرمانیم لیک
دید پیرامون خود خار و خسی انبوه و گفت
دیو نومیدی زنا گاه سر بگوشش برد و گفت
ظلمت نومیدی و ضعف تن و فقدان نور
روز دیگر تافت بروی لکه‌ای از آفتاب
یاس را آواره کرد افروخته عشق و امید
با چنین همت گیاهان را بزیر پا گذاشت
با همه ضعف و زبونی سرفرازی کرد و باز
اندر آن حسرت بر آورد از سرگرم و گداز
گفت اگر بگذارم این سقف و بینم فیض نور
از قضا لطف نسیم آن ناله جانسوز را
رشته‌ای یکتا فرو آویخت زان زلف دراز
از شعف بگرفت همچون جان شیرینش ببر
یک دوروزی بیش و کم خود را بدان بالا کشید
تا نپنداری که چون بالا گرفت از لطف بید
ضمیران چون یافت خود را در فروغ آفتاب
بر مثال تاج رنگین بر سر طاوس نر
غنچه‌ها آورد و گل‌ها بشکفید از هر کنار
طره و جعد و بنا گوش زمرد گونش را
منظرش از دور ، دامان دل دانا کشید
ضمیران خندان ، که مهر ناصحی مشفق گزید
آن یکی زان پایمردی زیتنی وافر فزود
هر کسی کز دور ، آن اکلیل گل را دید ، گفت
بود از نیلوفری با آن ضعیفی شش صفت
جنبش و صبر و لیاقت ، همت و عشق و امید

پنجه نازک بخاک افشرد و کم کم پا گرفت
پرده ، پیش پرتو مهر جهان آرا گرفت
وای من کز ضعف نتوانم دمی بالا گرفت
کاش بتوانستم یک لحظه جای ، آنجا گرفت
لطف او خواهد همی از دور ، دست ما گرفت
در میان این رقیبان چون توان مأوا گرفت
جهد کم کن ، کاین جهان مهر از ضعیفان وا گرفت
سرش زیر افکند و لرزان ساقش استرخا گرفت
و آن تن دل مرده را بازو مسیح آسا گرفت
قوتی دیگر ز فیض نور جهان افزا گرفت
لیک نتوانست از این حد خویشتن بالا گرفت
سایه بید قوی دستی بزیر پا گرفت
آتشین آهی که دودش دامن صحرا گرفت
صنعتی سازم که با صیثش توان دنیا گرفت
برد سوی بید و در قلب رئوفش جا گرفت
ضمیران با هر دو دست آن رشته یکتا گرفت
و ندر و پیچید و راه مقصد اعلا گرفت
گشت والا ، زان کزاول خویش را والا گرفت
آن محبت را فرامش کرد و استغنا گرفت
خدمت استاد را اندیشه ای شیوا گرفت
تارک زیباش را در حله دیبا گرفت
شاخسار بید را در زیبوری زیبا گرفت
در بسا کی خرم از پیروزه و مینا گرفت
جلوداش ز اعجاب ، راه دیده بینا گرفت
بید بن خرم ، که دست مقبلی دانا گرفت
وین دگر زان پاسداری رتبی علیا گرفت
لوحش الله کاین شجر تاج از گل رعنا گرفت
و آنش آمد کارگر ، چون بختش استعلا گرفت
و اتفاقی خوش که دستش عروۃ الوثقی گرفت

خدمت مخلوق کن بی مزد و بی منت بهار
ای خوش آن بینا که روزی دست ناینا گرفت

کانون کار و آموزش



بخش اول

از بهمن ماه ۱۳۲۶ تا بهمن ماه ۱۳۳۴

چگونگی ایجاد کانون کار و آموزش

از نخستین تأسیسات سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی، بنگاهی بود که امروز بنام «کانون کار و آموزش» نامیده میشود.

بینوایان و اطفال بی سرپرست که همه جای پایتخت با حالتی زشت و زننده پراکنده بودند، ولگردانی که روزها در گوشه و کنار، بکار ناشایست گدائی سرگرم شده و شبها در پیغوله ها بسر میبردند، از مظاهر بسیار ناپسند اجتماعی ما بودند که جمع آوری آنها و تمرکز دادنشان در جای مناسب و اقدام فوری و مؤثر باصلاح حال و تربیت صحیح آنان، امری لازم و واجب بشمار میرفت.



والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی در میان کودکان کانون کار و آموزش

از همان زمان که باراده شاهانه ، سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی تأسیس گردید ، والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی نیابت ریاست عالییه ، سازمان شاهنشاهی را مأمور فرمودند که برای تأمین این منظور ، کانون کار و آموزش را ایجاد کند . در این هنگام از طرف سازمان هیئتی بسرپرستی مرحوم عبدالحسین هژیر که در آن زمان نایب رئیس دوم سازمان بودند ، به تهیه مقدمات کار مأموریت یافت و محل پیشین اداره باربری ارتش که از لحاظ موقعیت و وسعت فضا مناسب شناخته شد ، برای سکونت دادن ولگردان و گدایان و اطفال بی سرپرست انتخاب گردید و در بناهای آن که بمرور زمان فرسوده و پی شکسته شده بود ، تعمیرات ضروری بعمل آمد ، و وسایل و اسباب کار بقدر لزوم فراهم و مهیا شد و در روز پنجم بهمن ماه ۱۳۲۶ شمسی ، جمع آوری متکدیان و ولگردان آغاز گردید .

در این روز ، آقای دکتر نصره الله کاسمی رئیس دبیرخانه سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی و استاد دانشگاه از رادیو تهران در این زمینه سخنرانی کردند و منظور سازمان را از اقدام بچنین کاری بیان داشتند و برنامه وسیع مبارزه را باین ترتیب افتتاح نمودند .

متن سخنرانی آقای دکتر کاسمی بقرار زیر است :

هموطنان عزیز

امشب برای شما ، از سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی ، مژده روح بخش و دلنواز آورده ام که چون بشنوید و میزان اهمیت آنرا بسنجید بی شک مانند گل تازه و شگفته میشوید و لبخند لذت و رضایت ، بر لبانتان پدیدار خواهد شد .

در چند ماه پیش ، از پشت همین میکروفون ، بر حسب مسئولیت و وظیفه که داشتم ، در باب هدف سازمان با شما گفتگو کردم و فهرست کارهایی که باید در سال جاری صورت تحقق پذیرد ، یکان یکان ، بر شمردم و در پیرامون هریک توضیحاتی دادم . از آن تاریخ تا کنون بیش از ششماه نمیگذرد و در این مدت چرخهای منظم و دقیق این دستگاه خیر و برکت ، که بدست مبارک شاهنشاه مهربان ما بجنبش افتاده بود ، زیر نظر نافذ و مستمر شاهزاده خانم ارجمند والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی ، بگردش تند و متین خود ادامه داد و یک لحظه آرام و آسوده نماند . بزمانی کم ، کاری زیاد حاصل شد و قماش بی بادوام و پاکیزه بدست آمده که هر پود و تارش مظهر علوهمت و حسن نیت کارفرمایان بزرگوار ، و نماینده اخلاص عمل و ثبات قدم خدمتگزاران و وظیفه شناس آن دستگاه است .

سخن امشب من ، در باب اقدامی بسیار مفید و مهم است که بخواست خداوند تبارک و تعالی و بر حسب امر موكد و صریح اعلیحضرت همایون شاهنشاه و توجه دقیق و پشتکار قابل ستایش والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی ، از صبح روز دوشنبه پنجم بهمن ماه ۱۳۲۶ ، یعنی امروز ، در شهر تهران و حومه بموقع اجرا گذاشته شد و سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی بدینوسیله ، هشتمین ماده اساسنامه خود را از روی کاغذ خاموش و بیجان ، بصورت عمل جاندار و گویا در آورد .

هشتمین ماده اساسنامه سازمان، مبارزه با رسم زشت گدائی و ولگردی است، و من خود شاهد و ناظر بودم که هروقت این موضوع برای مذاکره و تبادل آراء در کمیسیونها و هیئت مدیره مطرح و در طرق نیل بمقصود مباحثه میشد، همه از دشواری کار هراسناك بودند و پدید آوردن دستگاهی را که بتواند گروه مستمندان و بیچارگان تهران و حومه را، در خود جای دهد و وسایل معیشت آنها را، بطریقی مناسب فراهم سازد، کار آسان نمیدانستند. ولی در هر حال همه از روی کمال خلوص نیت عقیده داشتند که اگر سازمان شاهنشاهی بتواند این مهم را کفایت کند، بپایتخت کشور بزرگترین و مفیدترین خدمت را انجام داده است. نه تنها کارمندان سازمان اینگونه می اندیشیدند، بلکه در هر مجلس و محفلی که از این امر سخن بمیان میآمد، همه باتفاق کلمه معتقد بودند که سازمان باید این کار را، برهرکاری مقدم بدارد و تمام نیروی خود را در بکرسی نشاندن شاهد مقصود بکار اندازد.

علت آنکه اینکار مدتی طول کشید، این بود که سازمان میخواست اکنون که عملی ساختن این منظور را برعهده گرفته است، مقدمات کار را طوری فراهم کند که همیشگی و دائم باشد و اگر قرار است گدایان و ولگردان جمع آوری و نگاهداری شوند، و رسم زشت گدائی و روش ننگین ولگردی از میان برفت، کاری دو ماهه و سه ماهه و یکساله نباشد، بلکه مردم پایتخت برای همیشه، بامدادان که با نشاط خاطر از خانه ها بدر می آیند و شامگاهان که خسته و فرسوده از کار روزانه، بسوی خانه ها میروند، چشمشان از مشاهده تن های برهنه و چهره های خاك آلود و گوششان از شنیدن آوازه های غم انگیز و ناله های دلخراش بیاساید و اطمینان داشته باشند که هموعان بینوایشان، در محلی مناسب نگاهداری میشوند و خوراك و پوشاك آنان در هر فصل، آماده و مهیاست و بهیچ روی موجب نگرانی خاطر نیست.



گروهی از کودکانی که در کالونی نگهداری میشدند

از این رو برای عملی ساختن این منظور ، چندین ماه مطالعات کافی بعمل آمد و با اشخاص خبیر و بصیر ، مشورت‌ها صورت گرفت و تمام وجوه و شقوق مطلب حل‌اجی شد و چون خدا میخواست که گوی این افتخار نیز بدست سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی از میدان ربوده شود ، ضمن جستجو ، برسیل تصادف محلی بسیار مناسب در خیابان ری (جایگاه سابق باربری ارتش) پیدا شد ، که گوئی از هر حیث برای این منظور آفریده شده است و برنامه کامل و جامع تنظیم یافت و هفتاد تن جوان . پاکدل و پاکیزه خوی ، بندای سازمان لیپک اجابت گفتند و احساسات پاک و عواطف عالی و نیروی جوانی و کاردانی خود را برای بندگان در اختیار سازمان قرار دادند و بیدرنگ بکار شروع کردند و در مدت پانزده روز کار ، بی‌مزد و منت ، فضای وسیع محوطه باربری ارتش را تعمیر و مرمت نمودند و اطاقها را برای جای دادن هزاران تن ینوا و مستمند ، آماده نمودند و کلاس درس و نمازخانه و آشپزخانه و نانوایخانه و خیاطخانه و کارگاه کارهای دستی و بهداری و مواد خوراک و پوشاک جمعیتی را که باید در تمام مدت سال در آنجا بسر برند ، بوجهی کامل ، مهیا و فراهم ساختند .

من خود این جوانان شریف را هنگام کار و زحمت ، در این محوطه دیدن کردم و با چشم خود دیدم که چگونه وظیفه‌ای را که برایشان معین کرده اند ، بی ریب و ریا و از روی کمال پاکی و درستی ، انجام میدهند . مهندس برق را در لباس کار و برنردبان ، هنگام سیم‌کشی و مهندس کشاورزی را در موقع درخت کاری و مرزبندی باغچه‌ها و مهندس ساختمان را در حال سرکشی بنا و نجار و عمله و خلاصه هر یک را بر حسب معلومات فنی و تحصیلات اکتسابی ، بکاری در جنبش و تلاش یافتم ، و از خون پاک و گرمی که در رگهای جهنده این دماغهای هوشمند و دلهای پاکیزه ، برای عملی ساختن مرام مقدس و هدف عالی

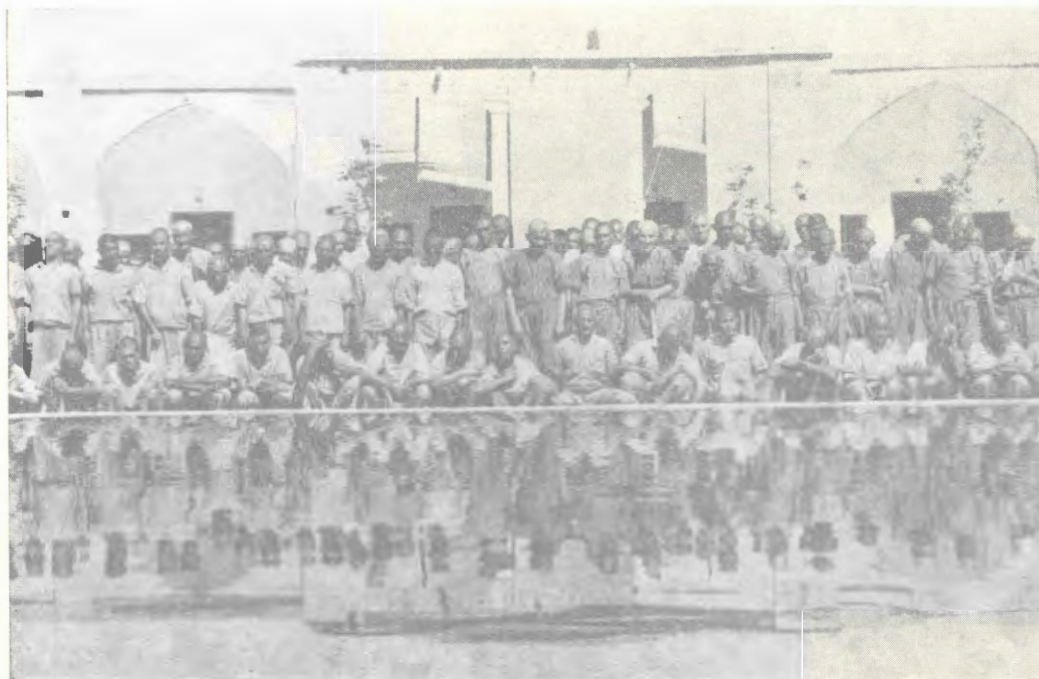


گروهی از زلالی که در کانون نگهداری میشدند

سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی گردش و جریان داشت ، لذت بردم و با خود گفتم ، کجا هستند آنکسانی که در گوشه کتابخانه ها چشم خود را خسته میکنند و پیه دماغ را بشعاع اندیشه میسوزانند تا ازسطور تواریخ ، باسرار بقای ایران پی ببرند ؟

بزرگترین رمز بقای ملیت ما ، همین احساسات پاك جوانان ماست که در هر دوره از تاریخ دور و دراز این کشور ، برابر تند باد حوادث ایام و سیل سهمگین تصاریف روزگار ، چون کوه پابرجا و استوار ماندند و پرچم پرافتخار شاهنشاهی این سرزمین پهناور را در زیر آسمان کبود سرافراز و سر بلند نگاهداشتند .

هموطنان عزیز ! زنان و مردان نوع پرور مردم دوست! من امشب اینجا آمده ام بشما مژده دهم که سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی ، آرزوی دیرین شما را محقق ساخت و موجوداتی را که مورد خشم زمانه قرار گرفته بودند ، تحت حمایت خود قرارداد. این مردان و زنان سالخورده و بیچاره ، این پسران و دختران در بدر و ولگرد ، این کودکان یتیم و سرگردان ، این شیرخواران بیگناه و بیگس که در پیچ و خم کوی و برزن و کنار دیوار خیابانها در سرمای سوزناك زمستان ، و یا گرمای روحگداز تابستان افتاده بودند ، و یا در هر رهگذر افتان و خیزان ، باین سوی و آنسوی میرفتند ، همنوعان و هموطنان من و شما بودند. راست است که شما بسائقه فطرت پاك و عاطفه حساس خود بانان احسان مینمودید و دستهای لرزان و امیدواری را که بسوی شما دراز میشد ، تهی و نومید برنمیگردانیدید ، ولی این رویه در هیچ کیش و آئینی روا نیست ، بخصوص در دین مقدس و پاك ما ، که اگر اریکسو احسان و انفاق را واجب کرده ، از دیگر سو گدائی و ولگردی را حرام و بشر را بسعی و عمل و کوشش و کار ، مأمور و مجبور نموده است .



گروهی از مردانی که در کالون نگهداری میشدند

نکته‌ای را که از ذکرش نباید خودداری شود، اینست که در این اواخر بازار گدائی و ولگردی سخت گرم افتاده بود و مشتی مردم تندرست ولی تن پرور، با داشتن همه گونه قوه بدنی و استعداد مزاجی، این رسم زشت را برای خود حرفه و شغلی آسان و بی‌مایه قرار داده بودند و از حس رحم و شفقت هم‌نوعان خود سوء استفاده میکردند. باور کنید اگر چون من بگریان این امر بدقت بررسی کنید و برموز و اسرار آن پی ببرید و برکم و کیف این شیوه ناستوده آگاه گردید، از هرچه که احسان و شفقت نام دارد بیزار خواهید شد و دیگرستان برای مساعدت به بینوائی، درجیب نخواهد رفت.

در همین تهران، مراکزی وجود داشت که با دریافت مبلغی بردست و پا و سینه و چهره فقیران، زخم مصنوعی تعیبه میکرد و یا بگدایان، کودکان شیرخوار و یا اطفال دوساله و سه ساله کرایه میداد، تا بدین وسیله آنان بتوانند حس رحم و مروت مردم رابسوی خود بیشتر جلب کنند.

آیا در دنیای امروز، که چرخهای بساط مدنیت بر محور کار و زحمت دور می‌زنند و پایه‌های اجتماع بردوش کارگران و زحمت‌کشان نهاده شده است و برای رفاه حال و آسایش خیال مستمندان و بیچارگان طبق اصول معقول و موازین منطقی، سازمان‌های رفاه اجتماعی و تشکیلات امور خیریه بکار افتاده است، اینگونه گدائی و ولگردی، مایه بی‌آبرویی و بی‌اعتباری کشور نیست؟

سازمان شاهنشاهی که رفع مفاسد و معایب اجتماعی را وجهه همت قرار داده است، با این اقدام مؤثر و مفید، رسم زشت گدائی و روش نکوهیده ولگردی را از میان برداشت و ریشه آنرا که در گوشه و کنار پایتخت کشور پنجه افکنده بود، از بیخ و بن برافکند، و چون برای تأمین این منظور، سازمانی منظم ایجاد شده است و جوانانی متدین و مؤمن دست در کار هستند، بنابراین اساس کار بر پایه درست و محکم جای دارد و اطمینان کامل حاصل است که دنبال کارها نخواهد شد و این دستگاه بر همین منوال در تمام مدت سال، دائم و قائم، بگردش خود ادامه خواهد داد.

کسانیکه در این‌جا جمع‌آوری و نگاهداری خواهند شد، از هر حیث در رفاه و آسایش خواهند بود. خوراک و پوشاک و بهداشت آنان کاملاً تأمین و فراهم است. تمام محوطه و اطاقها سیم‌کشی شده و شبها از نور برق روشن است. اطاقها مفروش است و بخاری در آنها می‌سوزد. بهر کس جامه زیرین و روئین مناسبی داده و خوراک روزانه و شبانه طبق برنامه معین، از بهترین مواد مغذی تهیه میشود. نانشان در همانجا پخته و میانشان تقسیم میگردد. پزشک و پزشکیار در تمام مدت روز و شب، امور بهداشتی را مواظبت و مراقبت خواهند کرد. در درمانگاه بهداری، چند تخت‌خواب همیشه حاضر خواهد بود که اگر کسی محتاج به بستری شدن موقت باشد، از دیگران جدا شود. بیمارانی که محتاج درمان ممتد و یا اعمال جراحی باشند، بوسیله بهداری قسمت، ببخشهای بیمارستانهای تهران فرستاده و پس از درمان یافتن، مجدداً بجای خود عودت داده خواهند شد. بکسانیکه از نعمت سواد محرومند، در ساعات معین خواندن و نوشتن آموخته میشود. هفته‌ای یکی دوروز، برای جمعیت این محل سخنرانیهای مفید مذهبی و اجتماعی و بهداشتی ایراد خواهد شد.

بهر کس بفرخور قوای جسمانی و استعداد فکری، در کار گاههای قسمت، هنری دستی یاد داده و بکارگران دستمزدی روزانه پرداخته میشود. مبلغی بخود آنان میدهند که

بعضی احتیاجات خود را برطرف کنند و بقیه دستمزد، در صندوق قسمت بنام او ذخیره میشود تا پس از مدتی که هنری آموخت و خواست از این محل خارج شود و بحرفه آزاد بپردازد، سرمایه کار داشته باشد.

نهایت دقت بعمل خواهد آمد که محیط این محل، بهرطبعی خوش آیند باشد و مطبوع ذوق و قریحه ساکنین آن قرار گیرد تا برای نگاهداری آنان، بفشار و اجبار نیاز نباشد.

این بود جریان کار، که امشب باطلاع اهالی محترم پایتخت رسید و مفاد آن ضمن اعلامیه سازمان در روزنامه ها منتشر گردید و در رادیو خوانده شد. بدین طریق برای گدایان و ینوایان و ولگردان و عجزه و مساکین پایتخت و حومه تهران، از زن و مرد و پسر و دختر، محل زندگی و وسیله معیشت فراهم آمده و سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی این طبقه از مردم را تحت حمایت رسمی خود قرار داده است. بنابراین طبق قوانین موضوعه کشور، دیگر تکدی و ولگردی بهیچوجه در پایتخت و حومه جائز نخواهد بود و اگر کسی بدین رسم زشت و ننگین مبادرت جوید، مطابق قانون جلب و بدین محل فرستاده خواهد شد.

ولی با همه این مقدمات که اساس و اصول آن از روی کمال حسن نیت و برپایه محکم و استوار نهاده شده است و کوشش خواهد شد که کار با همین نیرو و شوق ابتدائی ادامه یابد، اگر شما مردم بسازمان مساعدت ننمائید و در این جهاد مقدس که ما با رسم زشت گدائی و روش ننگین و ولگردی شروع کرده ایم شرکت مستقیم و مؤثر نجوئید، ما نخواهیم توانست آنگونه که باید و شاید در این کار کامیاب و کامروا شویم. شما مردم باید بما همراهی و مساعدت نمائید. سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی برای شما و متعلق بشماست. هرکاری که این سازمان میکند و هر قدمی که در راه هدف خود برمیدارد، در صلاح و فلاح حال شماست. باور کنید از این دستگاه بخود دلسوزتر و علاقمندتر نخواهید یافت. ما در آنچه میکنیم، فقط رضای خدا و آسایش خلق خدا را در نظر داریم و بس. کارهای ما برای تظاهر و فریب نیست. هیچکس در این سازمان از بی کسب جاه و مقام و انباشتن کیسه از زر و مال نیامده است. سرمایه ما حسن نیت و برنامه ما تقدیم خلعت است و بس. بهمین سبب است که در مدتی کمتر از یکسال، توانسته ایم اعتماد و اطمینان میلیونها مرد و زن ایرانی را بخود جلب کنیم. اکنون در سراسر کشور پهنایان و پهنایان، نام سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی همدرش و همردیف رحم و شفقت و مهربانی و عطوفت و راستی گفتار و درستی کردار شده است. اگر هزاران نامه و تلگرام ساده و بی پیرایه را که هر ماه از گوشه و کنار شهرستانهای نزدیک و دور بدیرخانه سازمان میرسد و فهرست صدها زن و مرد و پسر و دختر پاک نهادی را که در صفوف متشکل خدمتگزاران این بساط، چه در تهران و چه در شهرستانها نام نویسی میکنند و آمادگی خود را برای خدمت اعلام میدارند بنگرید، اعتراف خواهید کرد که سخن برگزاف نرانده ام.

امروز نهال برومند سازمان که سایه عطوفت خود را بر سر هزاران ینوایان و مستمند افکنده است، در این کشور پهنایان، از کنار رود ارس تا سواحل خلیج فارس و از دامنه های جبال کردستان و لرستان تا جلگه های حاصلخیز سیستان و خراسان ریشه دوانیده است. بنابراین وظیفه ملی شما، بشما حکم میکند که این ریشه را از سرچشمه فتوت و جوانمردی خود سیراب کنید، در حفظ شاخ و برگ آن، چون باغبان دلسوز و علاقمند، دقیقه ای غفلت روا ندارید و کاری کنید که روز بروز ریشه



کودکان کالون کار مورد نوازش والاحضرت قرار گرفته‌اند

آن در دلها فروتر رود و پنجه بیشتر بگستراند و شاخ و برگ آن انبوه‌تر و نیرومندتر گردد. زیرا تنها کسی که از ثمرات آن برخوردار میشود شمائید و یاهمنوعان شما خواهند بود. همین اقدام که اکنون سازمان برای جمع‌آوری گدایان و ولگردان عملی ساخته است، خرد و ناچیز بشمارید. امیدوارم که مردم تهران، اوضاع اسف بار کوی و برزن و هجوم خیل گدایان و ولگردان را با آن منظره‌های فزاینده و فجیع، از خاطر نبوده باشند. اگر برآستی از آن وضع ننگین در رنجه و عذاب بودید و آنرا در خور و لایق پایتخت کشور شاهنشاهی نمیدانستید، آنچه را که سازمان از شما میخواهد انجام دهید و تقاضای ما را بی جواب نگذارید. ما از شما در برابر این خدمت که برای شما انجام داده‌ایم دو تقاضای کوچک داریم. یکی آنکه از این ساعت با خود عهد کنید که بگدا و ولگرد پول ندهید، دیگر

آنکه هر کجا گدا یا ولگردی دیدید، وظیفه خود بدانید که بیدرنک اورا بیاسبان تحویل دهید. با این دو اقدام بظاهر کوچک، بپایداری این اساس، بزرگترین خدمت و مساعدت را نموده‌اید. این بود دو تقاضای سازمان در وهله اولین که انجام دادن آن برای شما هیچگونه مایه و دردسر ندارد. اما در وهله دومین تقاضای دیگری نیز از شما داریم و آن اینست که قدم رنجه کنید و بروید این محل را در خیابان ری بازدید و اوضاع آنجا را بالمعاينه مشاهده نمائید. اگر پیشنهادی مفید دارید بدهید. اگر نقصی مشاهده نمودید مارا بیا گاهانید و اطمینان داشته باشید که بانتقادهای شما ترتیب اثر خواهیم داد.

هموطنان عزیز: اگر باصلاح کشور و اوضاع مردم علاقمندید، در امور اجتماعی و قضایائی که برای بهبود شئون کشور انجام میگیرد، بی علاقگی نشان ندهید. راست است که این بنگاه را سازمان شاهنشاهی ایجاد کرده است و راست است که عده‌ای از هموطنان شما در آنجا رسماً انجام وظیفه میکنند، ولی فراموش نفرمائید که فرد فرد شما صاحب حقیقی این دستگاه هستید. ما تا وقتی که شما باساس این دستگاه مبارزه و استحکام مبانی آن اطمینان و اعتماد پیدا نکرده‌اید، از شما هیچگونه توقعی نداریم و دیناری نمیخواهیم، ولی اگر اطمینان پیدا کردید، باید برای دوام کار، از هر گونه کمک مضایقه روا ندارید.

تصور نشود اگر دهشاهی یا یک ریال در این کار کمک کنید، مبلغی ناچیز است و قابل اهمیت نیست. با همین دهشاهی‌ها و یک ریالها، سرمایه هنگفت فراهم خواهد شد. همین قطره قطره‌ها چون جمع و فراهم شد، دریائی پدید میآورد که نیروئی شگرف از آن بلست خواهد آمد.

از هم اکنون تصمیم بگیرید که بگدا پول ندهید و هر روز فرصت کردید، بروید و محل را بازدید نمائید و اگر اطمینان حاصل کردید آنچه را در این راه بسازمان کمک کنید بهدر نخواهد رفت، پولی را که تاکنون بگدایان میدادید، بصندوق سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی پردازید و باین نهضت بزرگ و مقملسی که اکنون از طرف سازمان شاهنشاهی شروع شده است، و پیشاپیش آن شاهنشاه جوانمرد و شاهزاده خانم ارجمند ما قامت افراشته‌اند، بیونددید و بدانید که خدای بزرگ ایران، در این نهضت بهترین یار و مددکار ماست.

در روزهای اول و دوم گشایش کانون، قریب به ۵۰۰ تن مرد، زن، پسر و دختر بینوا از بزرگسال و خردسال در آنجا متمرکز شدند و در روزهای بعد، عده آنها رو بفزونی گذاشت تا آنجا که پس از چندی، بیش از سه هزار تن از اینگونه افراد بکانون کار تحویل شدند. بتدریج که عده افراد زیاد میشد، بروسایل و اسباب کار هم بموازات آن افزوده میشد. کانون کار و آموزش، برای آن بوجود نیامده بود که ولگردان را از مرئی و منظر عمومی دور نموده و هیاکلشان را از دیده‌ها پنهان سازد. بلکه قصد و هدف اصلی آن بود که منویات خاطر ملوکانه بموقع اجرا گذارده شود، باینمعنی که میبایست این بینوایان از خرد و کلان، تربیت و تعلیم شوند و بفراخور حال، کاری یاد گیرند و دوباره با اجتماع عودت داده شوند.

برای رسیدن باین منظور، لازم بود که در داخل کانون سازمانی بوجود آید و نقشه کار بوضعی طرح و تنظیم شود که بوسیله آن، راه رسیدن بمقصد کوتاها تر، و فائق آمدن بر مشکلات مهم و گوناگون که لازمه یک چنین اجتماع چند هزار نفریست آسانتر شود.

با علم باین اوضاع و احوال و تجربه ای که حین عمل بدست آمد، مسئولین امر، شعبات و سازمانهای چندی در داخل کانون کار و آموزش بوجود آوردند که اهم آنها در اینجا ذکر میشود.



اجتماع مردالی که بکانون کار و آموزش راهنمایی میشدند

شعبه بازرسی و آمار

این شعبه وظیفه داشت، ورود و خروج افراد را زیر نظر قرار دهد و مراقبت اکید نماید تا افراد، خود سرانه و بی اجازه بکانون وارد نشوند و یا از آن خارج نگردند، همچنین بدون اجازه مسئول شعبه، ورود اشیاء بکانون و خارج ساختن آنها ممنوع بود.

شعبه بازرسی و آمار میبایست با مقامات و مأمورین انتظامی که گدایان سمج و ولگردان گریز پای را از نقاط مختلف شهر گردآوری نموده و بکانون میآوردند، همکاری نزدیک داشته باشد. پس از آنکه افراد وارد و تحویل میشدند، برای هر یک کارت مخصوصی که حاکی از مختصر شرح حال و کیفیت جسمی و اخلاقی آنها بود صادر میگردد و پزشکان از آنها معاینه دقیق طبی بعمل میآوردند و اگر سالم تشخیص میشدند، بحمام روانه میگرددند و بعد بقسمتهای موقت که برای هر دسته از مرد و زن و پسر و دختر مجزی از یکدیگر اختصاص داده شده بود، تحویل میشدند.



گدایان ، پیش از مراجعه بشعبه بازرسی و آمار

بمنظور پیش گیری از امراض ، لباس کلیه افراد تازه از آنها گرفته و در جای مخصوص آتش زده میشد و بهر نفر لباس نو تحویل میگردد .
اگر افرادی در معاینه طبی غیر سالم و بیمار تشخیص داده میشدند ، بقسمت بهداری اعزام میگرددند تا تحت مداوا و معالجه قرار گیرند .

بهداری و بیمارستان

گدایان و ولگردان که از عمق اجتماع خود بیرون کشیده میشوند و سراپا درمنجلاب فساد اخلاقی و جسمی غوطه ورنند ، صرف نظر از اخلاق نکوهیده ، از لحاظ جسمی و نیروی بدنی نیز با هم اختلاف و تمایز دارند و غالباً به بیماریهایی دچار هستند . بعضی بافیون و موادمخدر دیگر عادت دارند ، پاره ای در چنگال امراض گوناگون و خطرناک جنسی گرفتارند و عده ای هم علیل مادرزاد هستند .

از جمعی هم که مزاج سالم دارند ، افرادی بادغل بازی و حيله سازی خود را شل و کور مینمایانند و در این فن چنان مهارت و زبردستی بخرج میدهند که تمیز و تشخیص آنها جزا طریق دقت و معاینه پزشکان مجرب میسر نیست .

این اوضاع و احوال ایجاب مینمود که هر چه زودتر بیمارستان مجهز و دستگاه بهداری کامل برای مداوا و معالجه بیماران ، که اکثریت افراد را تشکیل میداد ، تأسیس و دایر گردد و همین کار هم شد و بیمارستان و دستگاه بهداری فعالیت شدید خود را آغاز کرد .

برای اینکه به نتایج حاصل از کار بیمارستان پی برده شود ، و حال و روز مردمی که آن روز ها در کانون جمع آوری شده بودند تاحدی روشن و نمایان گردد ، آمار افرادی که تا سال ۱۳۲۹ در بیمارستان کانون پذیرفته و درمان شده اند نقل میشود :

۱- مبتلایان به افیون	۲۸۲۱ تن
۲- « سیفلیس »	۱۲۷۱ »
۳- « کچلی »	۷۳۸ »
۴- « گال »	۱۰۵۲ »
۵- « تراخم »	۱۱۸۷ »
جمع	۷۰۶۹ تن

کار و آموزش

از بهمن ماه ۱۳۲۶ (بدو تأسیس کانون) تا پایان سال ۱۳۳۴ ، همه ساله گروه زیادی که حداکثر آن ۳۵۰۰ تن در سال ۱۳۲۹ ، و حداقل نزدیک بدو هزار تن در اواخر سال ۱۳۳۴ بود ، در کانون کار و آموزش نگهداری میشدند و زندگی میکردند و رویهم در این مدت (از پنجم بهمن ماه ۲۶ تا ۲۹ اسفند ماه ۳۴) ۱۶۷۶۴ تن بشرح زیر :

مرد	۷۶۷۴ تن
زن	۳۱۱۵ »
پسر	۴۶۲۰ »
دختر	۱۳۵۵ »

در کانون کار و آموزش بسر برده اند و از این عده ۱۶۳۳۱ تن بشرح زیر :

مرد	۷۵۹۷ تن
زن	۳۱۰۹ »
پسر	۴۲۷۱ »
دختر	۱۳۵۴ »

متدرجاً تا پایان اسفند ماه سال ۱۳۳۴ مرخص و خارج شده اند.

گفته شد هدف اساسی ، که سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی از تأسیس کانون کار و آموزش داشت ، آن بود که موجباتی فراهم آید و امکاناتی وجود پیدا کند تا با بکار بردن آنها ، نا اهلان اهل شوند ، درماندگان بیخانمان و آوارگان تیره روز ، از راهی که بهر سبب وجهت پیش گرفته اند باز داشته شده و براه عافیت و سلامت ، که بحال خود آنها ، و بالاخره برای اجتماع مفید است ، سوق داده شوند. اما این مقصود بدشواری حاصل شد.

مسئولین و متصدیان امور کانون کار و آموزش ، براهنمائی سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی در این طریق اقداماتی معمول داشتند و از آنجمله ، از برخورد با افراد و مطالعه دقیق در روحيات آنها ، دانستند ، که حساب خرد سالان را باید از حساب بزرگسالان جدا نگاه داشت ، باین معنی که خرد سالان باید بآموزشگاه روانه شوند و مردان و زنان در کارگاهها بفرافرفتن حرف و صنایع دستی مشغول گردند .

کارگاهها

مردمی که تمام عمر ، بسر بار بودن و تن پروری خو گرفته بودند ، بکارگاهها روانه شدند و گارگاه هم جای کار کردن و زحمت کشیدن است . و یقین ، کار و زحمت دوعامل ، یاداروی ثمربخش و حیات دهنده ای است که خواه ناخواه اثرات عمیق و پایدار در روح و جسم آنان باقی میگذارد و ماهیتشان را از بیخ و بن تغییر میدهد .

هر فردی که توانائی کار کردن داشت ، از زن و مرد ، با نظم و ترتیب و بفرافخور استعداد و قابلیت ، در یکی از کارگاههای آهنگری ، درودگری ، ریخته گری ، پارچه بافی ، قالیبافی و کفش دوزی بکارگماشته شد .

در هر سال قریب به ۷۰۰ تن در کارگاهها معلومات میگرفتند ، و حرفه و پیشه ای کسب میکردند که در اینجا ، آمار و تعداد آنها در سال ۱۳۲۹ درج میگردد :



گروه ای از کارگاه درودگری آموزشگاه فنی



یکی از کلاسهای درس آموزشگاه فنی

۵۵ تن	۱ - در کارگاه آهنگری
» ۴۵	۲ - » » درودگری
» ۵	۳ - » » رنگسازی
» ۲۰	۴ - » » حصیربافی
» ۸۵	۵ - » » کفاشی
» ۲۰	۶ - » » سراجی
» ۱۵	۷ - » » رنگریزی
» ۱۵۵	۸ - » » قالببافی
» ۳۵	۹ - » » جوراب بافی
» ۳۵	۱۰ - » » زیلوبافی
» ۱۵	۱۱ - » » خیاطی
» ۵	۱۲ - » » چاپ پارچه
» ۷۰	۱۳ - » » نساجی
۵۶۰ تن	جمع

علاوه بر این ، همواره ۱۰۰ تا ۱۵۰ تن در کار ساختمانهای نوین شرکت داشتند و کار میکردند. زیرا تمام بناهای قدیمی پی گسسته و ویرانه بود و بتدریج تمام آنها از میان برداشته شد و بجای آنها ، بناهای دیگر برای آموزشگاه ، کارگاهها ، خوابگاه ، غذا خوری و بیمارستان و غیره ساخته شد.

برای تهیه مواد اولیه هر کارگاه ، اعتبار کافی تخصیص داده میشد و ابزار و آلات و اسباب کار صنایع یدی ، بقدر کفایت تهیه و آماده میگردد و کارگاههای آهنگری و درودگری با ادوات خود کار و ماشینها مجهز میشدند ، استادان آزموده که حقوق و دستمزد خوب دریافت میداشتند ، در رأس هر کارگاه قرار داده شدند و بالاخره با بکار بردن این تدابیر ، راه رسیدن بمقصد که تزکیه نفس و تهذیب اخلاق و قلع ماده فساد گروهی از ولگردان بود ، صاف و هموار شد. محصول این کارگاهها و کالاهائی که فراهم میشد ، در آغاز امر ، صرفاً برای رفع نیازمندیهای کانون کار و آموزش و احتیاجات افراد مقیم آن بمصرف میرسید. من باب مثال پارچه ای که دستگاههای متعدد بافندگی (دستی) بیرون میداد ، بکارگاههای خیاطی داده میشد تا برای افراد لباس بدوزند و کفشهای محصول کارگاههای کفافی و جورابهای که دستگاههای جوراب بافی میبافت بیابوش آنان اختصاص داشت و کارگاههای آهنگری و درودگری و مشابه آنها هم مایحتاج و اثاثیه چوبین و آهنین را که قسمتها لازم داشتند تهیه و فراهم مینمود و آنچه از اشیاء چوبین و آهنین که ساختمانهای نوین نیاز داشتند ، بکارگاههای آهنگری و درودگری سفارش داده میشد.

اما بتدریج که کارگاهها بسط و توسعه مییافتند وعده زیادتری از افراد را بخود جلب مینمودند ، بهمان نسبت برحجم و میزان کالا های محصول کارگاهها افزوده میشد و از حدود نیازمندیها تجاوز مینمود. بناچار و برای آنکه کالا های ساخته شده ، مجدداً بمواد اولیه تبدیل شود و گردش کار در کارگاهها منظم و مداوم باشد ، با دایر کردن و افتتاح دوفروشگاه (اولی در جنب کانون و دومی در خیابان پشت شهرداری) مازاد محصول و مصنوع کارگاهها در مقام عرضه و فروش گذارده شد و مشتریان با رضای خاطر و رغبت فراوان آنها را میخریدند.

نکته شایان دقت و توجه آنست که تمام افراد فعال و زحمتکش مقیم کانون ، چه آنها که در کارگاهها بکار مشغول بودند ، و چه آنها که در ساختمانهای نوین کار میکردند و یا در آشپزخانه - حمام - آرایشگاه - رختشویخانه و مانند آنها ، انجام وظیفه مینمودند ، صرف نظر از اینکه از مکان ، خوراک ، پوشاک ، نظافت و بهداری برایگان بهره ور بودند ، برحسب کمیت و کیفیت کاری که میکردند ، دستمزد کافی دریافت میداشتند.

بی شک ، پرداخت مزد در قبال کاری که صورت میگیرد در مزاج افراد بی بند و بار ، اثر عمیق می بخشد و ثمرات نیک ببار میآورد. اینها که گذشته تلخ خود را بیاد داشتند ، اگر چه بجزر و عنف بکار وادار میشدند ، رفته رفته مذاقشان ، حلاوت کار و زحمت و ثمره شیرین دسترنجی که از این ممر عایدشان میگردد درک میکردند و شخصیت گمگشته خود را باز مییافتند. کانون کار و آموزش ، با اتخاذ چنین تدابیری که در پرتو آن جمعی از هموطنان ما از گرداب مذلت رهایی یافته و بزندگی نوین سوق داده شده اند ، شاهد مقصود را در آغوش گرفت و بموفقیت های عظیم نایل آمد. چه آنکه گروه زیادی بیکاره و بی هنر ، سرانجام بصورت مردمی هنرمند و فعال از محیط کانون خارج شده و در مؤسسات و بنگاه های فنی و کاری بکار شرافتمندانه سرگرم شدند.



چند تن از مدایانی که در مزرعه ورامین بکار مشغول شدند ناگفته نماند ، در بررسی های دقیقی که بگذشته زندگانی افراد مقیم کانون بعمل آمد ، معلوم شد که در بین آنها ، افرادی زراعت پیشه و کشاورز بودند ، که بعلل وجوهات گوناگون کار تولیدی خود را ترك نموده و از قراء و دهات دور و نزدیک ، بپایتخت مهاجرت کرده بودند. برای آنکه این عده از حال زاری که دارند رهایی یافته و دوباره بکار زراعت مشغول شوند ، بنا به پیشنهاد کانون کار و آموزش ، هیئت مدیره سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی اقدام نمود ، تا یک مزرعه از مزارع ورامین که جزء املاک و مستغلات موقوفه پهلوی بود ، در اختیار کانون قرار گرفت ، و در خرداد ماه سال ۱۳۲۹ یکصد و پنجاه تن از این افراد بمزرعه

مذکور انتقال داده شدند و همه آنها بروفق برنامه‌ای که از پیش تنظیم شده بود ، ابتدا بکارهای ساختمانی و عمران و آبادی و جاده سازی و حفرتات مشغول شدند و بکار زراعت و کشاورزی سرگرم گردیدند و باین طریق از چنگال مهیب فقر و گدائی رهائی یافتند و از نو ، زندگی دهقانی خود را آغاز نمودند .

آموزشگاه

خردسالان و کودکان بی سر و سامان هم ، گروه گروه ، بکانون وارد میشدند . اینها نیز عنوان لایه‌بالی میگرفتند و داغ و لگردی بچهره شان زده میشد . ولی چنانکه اشاره شد بهیچ صورت سزاوار نبود باینان ، باهمان چشم نگاه شود که ولگردان مسن و کهنه کار دیده میشدند . مردمی که سالیان دراز ، انبان گدائی بدوش کشیده ، عصازنان در کوی و برزن گشت زده و حق دوست کشیده اند ، کسانی هستند که بمعق پرتگاه افتاده اند ، و رهائی آنها جز از طریق اعمال زور و قدرت میسر نیست . اما خردسالان لایه‌بالی که بهر جهت و سببی ، سرپرست خود را از دست داده و خواه ناخواه آواره شده اند ، هنوز در کنار پرتگاهند ، و چه بسا که



در لوروز هرسال ، والا حضرت کودکان کالون کار را مورد تفقد قرار میدهند

عده‌ای از آنان، دورتر از کنار پرتگاه باشند و میتوان بایک نهیب بآنها هشدار داد و از آینده‌ای دردناک که درپیش دارند، برحذرشان داشت و از سقوط حتمی نجاتشان داد.

همین راز بود که مسئولین امر را، وادار ساخت تا با این اطفال درمانده و بی سرپرست با دیده‌ی رأفت و نوازش پدرانۀ نگاه کنند، و درباره‌ی آنها رویه‌ای بجز روشی که باولگردان کهنه کار معمول میشد اتخاذ نمایند. لازم بود با اینان طوری رفتار شود که تصور کنند کانون کار و آموزش، همان خانواده‌ایست که آنرا گم کرده و از دست داده‌اند، آنهم خانواده‌ای دلسوز، مهربان و مال اندیش که همه‌گونه وسائل رفاه و آسایش حال و لوازم کار تربیت و تعلیمشان را مهیا کرده و فراهم ساخته است.



کانون کار، هرچند یکبار از طرف شخصیت‌های خارجی بازدید میشود

بنابراین اصل، در همان روزهای اول و در خلال اقدامات گوناگون دیگر که بضرورت معمول میشد، قدمی اساسی برای تعلیم و تربیت خرد سالان برداشته شد و دو دبستان پسران و دختران و یک آموزشگاه فنی در داخل کانون تأسیس شد و وسایل کار، از اثاثیه تحصیلی و استخدام معلم فراهم آمد.

همت و مراقبت شد تا جمیع پسران و دختران مقیم کانون که بالغ بیکهزارتن بودند بدبستان اعزام شوند و بر وفق برنامه وزارت فرهنگ ، معلومات مقدماتی کسب و تحصیل نمایند . این نوآموزان ، که محرومیتها و دشواریها و تلخ کامیهای گذشته را بخاطر داشته و پند و عبرت گرفته اند ، حال که موجبات نجات و رفاه خود را عیان میدیدند ، باولع و رغبت خاص و بی آنکه بگذارند کمترین وقتی بهدر رود ، بکار تحصیل سرگرم شدند و بعضی از آنها آنچنان استعداد و قابلیت ابراز میداشتند که آموزگاران را واله و شیفته خود میساختند .

آنها ، همینکه ازدبستان شش کلاسه ابتدائی فراغت پیدا کرده و در این قسمت تحصیلات خود را پایان میدادند ، بآموزشگاه فنی که دو کارگاه درودگری و آهنگری اختصاصی (بجز دو کارگاه آهنگری و درودگری که مخصوص بزرگسالان است) در اختیار داشت ، روانه میشدند و در آنجا نیمی از روز را (بر طبق برنامه وزارت فرهنگ) بفرا گرفتن دروس نظری و مواد درسی دوره اول متوسطه سرگرم شده و نیم دیگر از روز را در کارگاههای اختصاصی ، زیر نظر متخصصین و استادان فن ، بکارهای عملی و فنی مبادرت مینمودند .

دوره آموزشگاه فنی سه سال بود و بهر نفر در پایان تحصیل ، گواهینامه رسمی داده میشد ، که بانکاء آن میتوانست با سمت استادکار ، در کارخانه ها و کارگاهها ، بکار مشغول شده و مزد کافی دریافت نماید .



در ورودی آموزشگاه فنی

برای کودکانی که بسن تحصیلی نرسیده بودند ، یکباب کود کستان مشتمل بر سه کلاس تأسیس گردید و یکصد و چهل کودک در آنجا گرد آمده و زیر نظر مربیان متخصص و بروفق برنامه خاص ، معلوماتی درخور سن واستعداد خود کسب مینمودند. خلاصه اینکه طی سالهای تحصیلی از ۲۷-۲۸ تا ۳۴-۳۵ مجموعاً ۳۹۱۷ پسر و ۶۸۱ دختر در کلاسهای شش گانه ابتدائی که بعضی از آنها چندین شعبه داشت به تحصیل اشتغال داشتند که از بین آنها ۲۳۴ پسر و ۲۵ دختر ، در امتحانات نهائی وزارت فرهنگ شرکت نموده باخذ گواهینامه رسمی نایل شدند.

آمار دانش آموزان دبستان کانون کار و آموزش

از سال تحصیلی ۲۷ - ۲۸ تا سال تحصیلی ۳۴ - ۳۵

هشت سال

کلاس	پسر		دختر	
	قبولی	عده	قبولی	عده
اول	۹۴۰	۶۰۷	۲۰۰	۱۲۸
دوم	۹۳۰	۷۴۳	۱۶۲	۱۲۲
سوم	۷۳۷	۶۱۹	۱۴۱	۱۳۳
چهارم	۵۸۸	۴۹۵	۹۴	۸۵
پنجم	۴۶۶	۴۳۲	۵۸	۵۸
ششم	۲۵۶	۲۳۴	۲۶	۲۵
جمع	۳۹۱۷	۳۱۳۰	۶۸۱	۵۵۱

همچنین طی سالهای تحصیلی ۳۱-۳۰ تا ۳۴-۳۳ جمعاً ۱۶۸ پسر در دوره اول متوسطه مشغول تحصیل شدند که ۱۲۴ تن از آنها در امتحانات سنواتی از عهده برآمده و توفیق یافتند.

شاید برای بعضی این تصور پیش آید و چنان پندارند که ایجاد دودبستان و کود کستان و آموزشگاه فنی ، در برابر گسترش و بسط کنونی مدارس گوناگون دولتی و ملی ، آنقدر مهم نیست که قابل ذکرواعتنا باشد. اما اگر اندک دقت وتأمل نمایند وبگذشته این اطفال بیندیشند و بدانند پیش از اینکه با کانون کار و آموزش سر و کار پیدا کنند ، در کدام وادی مخوف

آمار دانش آموزان دبستان کانون کار و آموزش

کلاس	سال تحصیلی ۴۸-۴۷				سال تحصیلی ۴۹-۴۸			
	پسر		دختر		پسر		دختر	
	قبولی	عده	قبولی	عده	قبولی	عده	قبولی	عده
اول	۹۶	۹۶	۱۸	۱۸	۱۱۶	۶۶	۲۳	۱۴
دوم	۶۱	۵۹	—	—	۱۲۲	۱۰۳	۱۸	۱۵
سوم	۳۵	۳۵	—	—	۸۳	۶۴	—	—
چهارم	۲۰	۱۸	—	—	۴۰	۳۱	—	—
پنجم	۱۲	۱۲	—	—	۳۳	۲۹	—	—
ششم	—	—	—	—	۱۵	۱۴	—	—
جمع	۲۲۴	۲۲۰	۱۸	۱۸	۴۰۹	۳۰۷	۴۱	۲۹

کلاس	سال تحصیلی ۴۰-۳۹				سال تحصیلی ۴۱-۴۰			
	پسر		دختر		پسر		دختر	
	قبولی	عده	قبولی	عده	قبولی	عده	قبولی	عده
اول	—	—	—	—	۲۲۸	۱۳۵	—	—
دوم	۱۹۰	۱۴۹	—	—	۱۲۸	۸۱	—	—
سوم	۱۱۷	۹۳	—	—	۱۲۴	۹۷	—	—
چهارم	۹۱	۷۵	—	—	۷۱	۶۵	—	—
پنجم	۴۵	۴۰	—	—	۵۶	۴۷	—	—
ششم	۳۳	۳۰	—	—	—	—	—	—
جمع	۴۷۶	۳۸۷	—	—	۶۰۷	۴۲۵	—	—

آمار دانش آموزان دبستان کانون کار و آموزش

کلاس	سال تحصیلی ۴۱-۴۲				سال تحصیلی ۴۲-۴۳			
	پسر		دختر		پسر		دختر	
	قبولی	عده	قبولی	عده	قبولی	عده	قبولی	عده
اول	۲۱۴	۱۰۶	۶۰	۲۸	۱۳۶	۷۸	۴۹	۲۵
دوم	۱۹۶	۱۴۷	۶۵	۴۳	۱۴۴	۱۱۹	۵۲	۳۷
سوم	۱۰۳	۹۳	۴۷	۴۴	۱۲۶	۱۱۰	۵۳	۴۹
چهارم	۹۶	۷۷	۱۵	۱۳	۹۰	۸۴	۳۲	۲۹
پنجم	۷۹	۷۵	۲۱	۲۱	۷۶	۷۵	۱۲	۱۲
ششم	۲۰	۱۹	—	—	۴۵	۴۳	۱۶	۱۵
جمع	۷۰۸	۵۱۷	۲۰۸	۱۴۹	۶۱۷	۵۰۹	۲۱۴	۱۶۷

کلاس	سال تحصیلی ۴۳-۴۴				سال تحصیلی ۴۴-۴۵			
	پسر		دختر		پسر		دختر	
	قبولی	عده	قبولی	عده	قبولی	عده	قبولی	عده
اول	۱۵۰	۱۲۶	۵۰	۴۳	—	—	—	—
دوم	۸۹	۸۵	۲۷	۲۷	—	—	—	—
سوم	۱۴۹	۱۲۷	۴۱	۴۰	—	—	—	—
چهارم	۱۱۵	۹۲	۴۷	۴۳	۶۵	۵۳	—	—
پنجم	۴۸	۴۶	۲۵	۲۵	۱۱۷	۱۰۸	—	—
ششم	۶۲	۶۰	۱۰	۱۰	۸۱	۶۸	—	—
جمع	۶۱۳	۵۳۶	۲۰۰	۱۸۸	۲۶۳	۲۲۹	—	—

ضلالت بسر میبرده اند آنوقت ، ارزش عمل و اهمیت مسئله در نظرشان نمایان خواهد شد ، و از اینکه گروهی از نوباوگان ، که با شتاب و بی باکی بسوی ناپاکی و پلیدی میخزیدند در چهار دیواری کانون ، صفای باطن پیدا کرده و افراد ثمربخش و برومندی از آب درآمده اند ، خشنود شده و زبان به تهنیت باز میکنند .

آمار هنرجویان آموزشگاه حرفه ای (دوره اول متوسطه) در سالهای تحصیلی

۱۳۴۱ - ۱۳۴۰ تا ۱۳۳۴ - ۱۳۳۳

کلاس	۱۳۴۱ - ۱۳۴۰		۱۳۳۲ - ۱۳۳۱		۱۳۳۲ - ۱۳۳۱		۱۳۳۴ - ۱۳۳۳	
	قبولی	عده	قبولی	عده	قبولی	عده	قبولی	عده
اول	۱۶	۲۰	۱۷	۳۱	۸	۹	۲۸	۴۲
دوم	۱۲	۱۲	۹	۱۵	۸	۹	۶	۸
سوم	—	—	۱۰	۱۱	۵	۶	۵	۵
جمع	۲۸	۳۲	۳۶	۵۷	۲۱	۲۴	۳۹	۵۵

کلیات

کانون کار و آموزش ، در سالهای اول و دوم عمر خود ، از جهات مختلف بحد کمال رسید و با اسباب کار و وسایل مؤثر و لازم مجهز گردید و توانائی داشت که از واردین بکانون تا حدود دو هزار تن ، سهولت و با نیکوترین وجه ممکن پذیرائی نموده و آنها را بکار نافع وادار سازد .

بنا های مخروبه قدیم از میان بر داشته شد و بجای آنها عمارات مورد نیاز احداث گردید . آشپزخانه وسیع و نظیف که قدرت داشت در هر وعده برای ۲۲۰۰ تن غذای مأکول طبخ نماید ، و در جوار آن سالن ناهار خوری باتمام وسائل که میتوانست یک بار از ۵۰۰ تن پذیرائی کند بنیاد گردید . محل بیمارستان که استعداد پرستاری یکصد تن بیمار داشت احداث شد . بنای وسیع خوابگاه مشتمل بر دواشکوب و ۲۲ اتاق که در دو طرف آنها ، ردیفی از تخت خوابهای



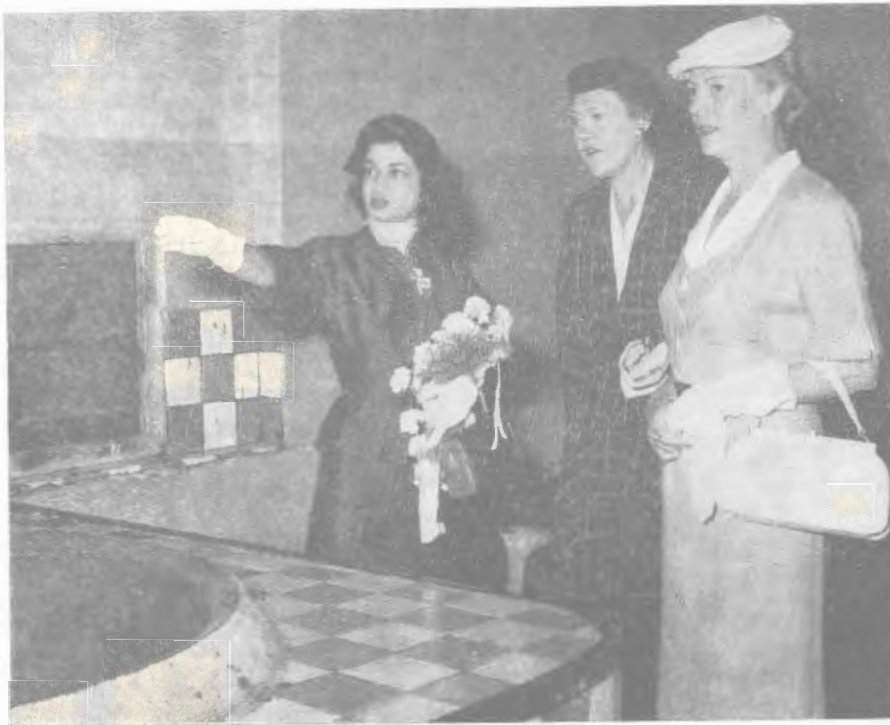
در آهیز خاله....

در بادی امر ، تأمین آب مشروب و مورد مصرف ، مشکل بزرگی بود و تا مدتی

آهین سه طبقه قرار داده شده و جمعاً ۳۹۶ تخت خواب داشت بوجود آمد . بنای آموزشگاه که دارای سه طبقه است و در طرح نقشه آن نکات فنی ، صحنی و تحصیلی رعایت شده است در کمال استحکام و زیبایی ساخته شد . صحن خاکی محوطه کانون که در زمستان باتلاقی از گل ولای تشکیل میداد ، و در تابستان از گرد و غباری که از آن بر میخاست فضا تیره و تاریک میشد اسفالت شد و باغچه های وسیع و مستعد و مستور از چمن و گل ، که کناره آنها ، از ردیفی درخت سرو و کاج و چنار ، آرایش شده ، تعبیه گردید که بسیار بطراوت و صفای محل افزوده است .



.... و نانوا خاله کانون کار و آموزش



والاحضرت ، بنخام معاون رئیس جمهور امریکا ، کالون کار را نشان میدهند

بوسیله بشکه و اتومبیل احتیاجات مرتفع میشد . چون ادامه این وضع مشکلات دیگر بوجود میآورد ، لذا دوحلقه چاه عمیق که هریک از آنها هشتاد متر مکعب در ساعت آب میدهد ، حفر گردید . این دوحلقه چاه که در عمق هشتاد متری بآب رسیده است ، بوسیله تلمبه الکتریکی و خود کار ، آب مورد مصرف و احتیاج آشپزخانه ، نانوائی ، دست شوئیهای متعدد ، حمام و رختشویخانه و باغچه ها را تأمین مینماید و علاوه بر همه اینها ، ساکنین خانه های مجاور ، بوسیله نهرهائی که ساخته اند ، مدت ها از این آب مشروب بهره ور میشدند .

اثاثیه تحصیلی آموزشگاه و لوازم خوابگاه و آشپزخانه وسایر شعب تا آنجا که امکان داشت ، بوسیله کارگاههای داخلی بوفور فراهم شد و آنچه تهیه آنها در داخل کانون متعذر بود ، خریداری و در اختیار قسمتها قرار داده شد ، بجدی که هم اکنون کانون کار و آموزش از این لحاظ غنی و بی نیاز است .

بوجود آوردن این تشکیلات وسیع سازمان آبرومند و فراهم ساختن این مقدار اثاثیه و وسایل بدون در اختیار داشتن اعتبار کافی غیر میسر و بلکه محال بود . سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی سالیانه اعتبار کافی برای تأمین مخارج اداری ، اعاشه افراد ، حقوق کارکنان اداری ، آموزگاران و مربیان ، استادان فن و دستمزد کارگران و غیره که هر سال نسبت بسال پیش فزونی مییافت در اختیار کانون کار و آموزش قرار داد و انجام نقشه های اصلاحی کانون را میسر ساخت .

این بود شمه‌ای و مختصری از تاریخچه هشت ساله کانون کار و آموزش از بهمن ماه ۱۳۲۶ تا بهمن ماه ۱۳۳۴.

از اسفند ماه ۱۳۳۵، صورت حال و کار، شکل و وضع دیگری بخود گرفت و برطبق تصمیمات و مصوبات هیئت مدیره سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی، تحولی اساسی و دگرگونی عمیق در کانون کار و آموزش روی داد که نتیجه چندین سال تجربه و ممارست و ثمره مطالعات فراوان بود.

* * *



قسمتی از آشپزخانه کانون کار و آموزش



بولاد بلوچ ، یکی از ساکنین جالب توجه و تماشاگرانی کانون کار بود

«... از آنجا که يك نهضت اقتصادی و صنعتی»
«درپیش داریم، لازم است که دولت در تأسیس»
«مدارس حرفه‌ای نهایت سعی را بعمل آورد...»

از فرمایشات ملوکانه در نطق افتتاحیه هفتمین دوره
اجلاسیه مجلس سنا - مهر ماه ۱۳۳۵

بخش دوم

مقدمه

از مطالعه بخش اول ، وظایف و هدفهای کانون کار و آموزش و روشی که برای انجام دادن آن وظایف و رسیدن به هدفها در پیش گرفته بود ، آشکار گردید .

خلاصه اینکه میباید بینوایان جمع‌آوری و بکانون اعزام شوند و در آنجا با استفاده از وسایل و اسبابی که فراهم و آماده است ، اگر بیمار و ناتوانند معالجه و مداوا شوند ، و اگر عادت بد و مضری دارند بترك آن ملزم گردند و پس از آنکه بهبود یافتند و خوی ناپسند و عادات زشت خود را ، از دست دادند و حرفه و کار با فایده‌ای یاد گرفتند و یا توانستند بخوانند و بنویسند ، مرخص و بکار آزاد مشغول شوند .

چون در این ایام نهضت بزرگی برای ایجاد آموزشگاههای حرفه‌ای آغاز شده بود ، سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی بر خود فرض و واجب دانست در این جنبش و نهضت عمومی مؤثر آ شرکت نماید ، و در این هنگام که تمام تشکیلات دولتی و ملی و دستگاه فرهنگی برای تربیت کردن و تهیه کارگران متخصص ، از طریق ایجاد هنرستانها ، دانشسراهای فنی و آموزشگاههای حرفه‌ای دست بکارهای اساسی زده‌اند سهم داشته باشد .

اما با گذشت زمان و بتدریج که چند نواخانه و آسایشگاه دیگر ، با همت بنگاههای خیریه و شهرداری و جمعیت شیر و خورشید سرخ ، در داخل و خارج شهر دایر گردید ، فعالیت کانون کار و آموزش ، در جهت دیگری سوق داده شد که احتیاجات و اقتضای زمان ایجاب مینمود . زیرا اگر ده سال پیش ، بنا با وضاع و احوالی که در آن اوقات وجود داشت ، خیل ولگردان

و گروه بینوایان درهمه جای پایتخت بچشمها میآمدند و وجودشان مناظری تشکیل داده بود که هر بیننده‌ای را متأثر میساخت و خاطرهم میهنان را رنجه و آزار میداد و افکار عمومی میخواست که هرچه زودتر و با هر وسیله که امکان داشت، بساط زشت این واژگون بختان برچیده شود، امروز دیگر چنین نیست و چنان مسئله‌ای، آنهم با حدت و شدتی که آنروز داشت وجود ندارد و اگر باز ولگردانی دیده شوند، بسیار کمترند و آن صحنه‌های زشت دیگر وجود ندارد و ازسوی دیگر اسباب مبارزه با آنها بحد لازم و بلکه بیشتر فراهم است.

آنچه امروز توجه همه را بخود معطوف داشته و مسئله اجتماعی روز شناخته شده و خاطر همه علاقمندان بعظمت کشور را بخود مشغول داشته، چیز دیگری است. امروز برهبری شاهنشاه، جنبشی بر پا شده است، که اهمیت و عظمت آن هر روز محسوس تر و نمایانتر میشود، و آن نهضت و کوششی است برای صنعتی کردن و عمران و آبادی کشور و رونق اقتصادیات. دولت موظف شده است در این راه بکوشد و تمام نیروی خود را بکار اندازد تا موجبات موفقیت از هر جهت فراهم شود.

بنابراین متدرجاً دروضع و کیفیت کانون کار و آموزش، تحول اساسی بعمل آمد و امور درمداری سیر داده شد، که سرانجام محیط کانون بانحصار آموزشگاه شبانه روزی و فنی و حرفه‌ای که خاص اطفال بی بضاعت و یتیمان نادار باشد، درآید.

متدرجاً کارگاههای نساجی، پارچه بافی، جوراب بافی و سایر کارگاهها که دیگر بآنها احتیاجی نبود تعطیل شد و فقط دو کارگاه آهنگری و درودگری که از لحاظ آموزشگاه بقای آنها ضرورت داشت و چند دستگاه قالی بافی که از نظر هنری و صنعت یدی واجد اهمیت است باقی ماند.

بقیه مردان و زنانی که در کارگاههای منحل شده بکار اشتغال داشتند و از مدت‌ها پیش عده آنها بتدریج کاسته شده بود نیز مرخص شدند تا بکار آزاد مشغول شوند، و معلولین و ناتوانان با سایشگاههای دیگر اعزام گردیدند، جمعی از دختران که تحصیلات خود را در آموزشگاههای کانون پایان داده و مستعد اخذ معلومات عالیه بودند، بهنرستانهای دختران معرفی و رهسپار شدند و باین ترتیب افراد مقیم کانون، در آغاز سال ۱۳۳۵ به پسرانی که آماده تحصیل در آموزشگاه حرفه ای بودند، و عده قلیلی مرد و زن که وظائفی را برای اداره امور کانون بعهده دارند محدود گردید.

سازمان اداری و انتظامی نیز بحدودی که کارکنان آن کمتر از ۲۰ تن هستند تقلیل داده شد و با تمهید این مقدمات، آموزشگاه شبانه روزی فنی و حرفه‌ای موجودیت یافت.

آموزشگاه شبانه روزی فنی و حرفه‌ای

در آموزشگاه شبانه روزی فنی و حرفه‌ای، فعلاً ۳۵۰ تن هنرجو بهزینه کانون بکسب معلومات نظری و عملی اشتغال دارند و برای سال تحصیلی ۳۶-۳۷ نیز در حدود پنجاه تن هنرجوی دیگر بهزینه شخصی قبول میشوند. هنرجویانی باین آموزشگاه پذیرفته میشوند که دوره شش ساله ابتدائی را پایان داده و گواهی نامه رسمی در دست داشته باشند و عدم بضاعت مالی آنها محرز و ثابت گردد، و در این مورد یتیمان حق اولویت دارند.

هرتازه وارد باید گواهی صحی و آزمایشی دائر باینکه از بیماریهای مسری مبری است و قدرت و توانائی انجام دادن کار در کارگاه را دارد ارائه نماید.



هنرجویان ممتاز کانون کار و آموزش

زندگی هنرجویان در آموزشگاه

آموزشگاه شبانه روزی رایگان است و هنرجو ملزم است تمام اوقات شب و روز در آموزشگاه باشد و فقط در ایام تعطیلات رسمی، در صورت تمایل بمرخصی برود.

کتاب و لوازم التحریر از هر نوعی که احتیاج دارند و پوشاک تابستانی و زمستانی و جامه های زیرین و کفش و جوراب تمام هنرجویان، بوسیله کارپردازی آموزشگاه تهیه و تسلیم میشود و حتی از لحاظ تعمیر و نظافت لباس و کفش به خارج از محیط آموزشگاه نیازی ندارند.

جلب توجه هنرجویان بواقعیات زندگی

گذشته از مراقبت و دقتی که در زندگی روزمره هنرجویان معمول و متداول است، این نکته نیز رعایت میشود که از هم اکنون بواقعیت زندگی آینده خود آشنائی پیدا کنند و خویشتن را برای کشاکش در عرصه حیات، نه فقط از لحاظ معلومات علمی و عملی، بلکه از جهت فرا گرفتن تحمل شدائد و دشواریهای زندگی مستعد و آماده سازند.

بنابراین تا حدودی که امکان دارد، کارهای مربوط بزندگی اعاشی و تحصیلی، با دست و بوسیله خود آنها انجام میشود تا در نتیجه کار کشته و پخته و آزموده شوند و بقیصه دادن امور عادت نمایند.

بأنها نیز مساعدت میشود تا در ایامی که بتحصیل اشتغال دارند، فرصت را غنیمت شمرده و برای خود اندوخته ای نقدی فراهم سازند تا پس از ترك آموزشگاه و فراغت از تحصیل، بتوانند با استفاده از پس انداز خود، گرهی از مشکلات زندگی بکشایند. برای همین است که بهنرجویانی که وظایف خود را در تحصیل و زندگی داخلی آموزشگاه بخوبی انجام دهند و مقام ارشدیت را احراز کنند، پاداش نقدی داده میشود. حتی در بعضی از موارد که خارج از برنامه در کارگاه خدمتی انجام میدهند، بدریافت دستمزد مناسبی نایل میگرددند. برای اینکه این وجوه بنابعوالم کودک و حیف و میل نشود، همه آنها وادار و تشویق شده اند تا در صندوق پس انداز بانک ملی شرکت جویند و در خرداد ماه ۱۳۳۵، بر اثر اقدامی که بعمل آمد غالب هنرجویان در شعبات صندوق پس انداز حساب باز کرده و دفترچه مخصوص گرفتند و جمع کل ذخیره آنها تا شهریور سال ۱۳۳۶ بالغ به ۲۲۹,۳۴۸/- ریال بود.

برنامه تعلیماتی آموزشگاه حرفه ای و فنی

آموزشگاه شبانه روزی حرفه ای و فنی به دو دوره تقسیم شده است :

الف : آموزشگاه حرفه ای دوره اول متوسطه - برای تربیت صنعتگر .

ب : هنرستان صنعتی برای دوره دوم متوسطه - برای تربیت استادکار .

برنامه دروس نظری و عملی دوره سه ساله عمومی بنحوی تنظیم شده است که هنرجو،

پس از پایان این دوره، دریکی از رشته های فلزکاری، برق، مکانیک اتومبیل، جوشکاری،

لوله کشی و درودگری، در حدودی که یک کارگر فنی احتیاج دارد، معلومات و اطلاعات لازم را کسب و تحصیل نموده باشد و بادرست داشتن گواهینامه مخصوصی که باو اعطاء میشود، بتواند بشرط احراز موفقیت در مسابقه ورودی، بهنرستان صنعتی وارد شده و بتحصیلات خود ادامه دهد. یا باستناد همان گواهینامه، در کارخانه ها و کارگاهها بعنوان صنعتگر بکار مشغول شود. در دوره دوم برنامه دروس نظری و عملی شامل موادی است که هنرجو پس از فراغ از تحصیل، مقام استادکار (تکنسین) را احراز نموده و حق قانونی ایجاد کارگاهها را دارا خواهد شد.

بموجب ماده ۱۲ از قانون آموزش و پرورش، «وزارتین کار و کشور (شهرداریها) موظفند پس از شش سال از تصویب این قانون، باشخاصی اجازه ایجاد کارگاه بدهند که فارغ التحصیل مدارس حرفه ای (دوره دوم) و دارای پروانه ایجاد کارگاهها از وزارت فرهنگ باشند...»



در کارخانه ماشینی درودگری
باماشین فرز، چوبی را ابزار میزنند

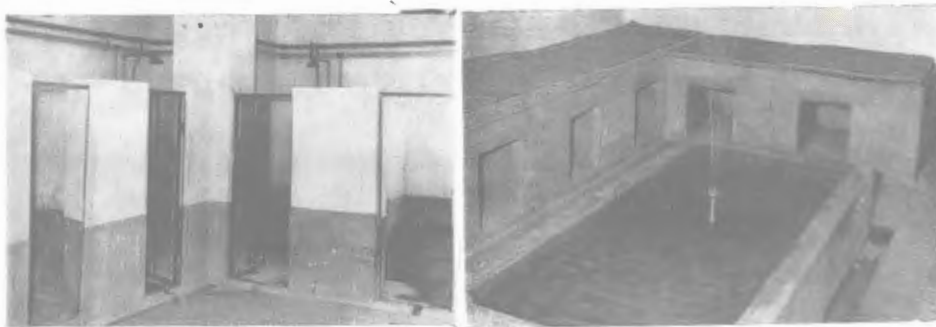


در کارگاه اتومکانیک
مشغول سنگ زدن سوپاپ هستند

خوابگاه هنرجویان وسیع و پاکیزه است و از دو جهت نور و روشنایی میگیرد و در هر اتاق یک ردیف تخت خوابهای آهنین دوطبقه قرار داده شده و بهر هنرجویک تخت خواب بالوازم آن اختصاص داده شده است. نظافت و ترتیب و نظم تخت خوابها بعهد خود هنرجویان است

و در هر قسمت ، سرپرستی گماشته شده تا کار و حال هنرجویانرا خاصه در شب و هنگام خواب ، نظارت و مراقبت نماید .

رختشوی خانه مفصلی وجود دارد که همه هفته لباس های هنرجویان را شست و شوی و تمیز نموده و پس از اطو کشی ، لباس هر کس را بخودش تسلیم میدارد .
هنرجویان ، متناوباً و الزاماً در هر هفته یکبار بحمام میروند . حمام آموزشگاه اختصاصی و در داخل محوطه قرار گرفته و به ۲۴ دوش آب و همه وسایل استحمام ، مجهز است .



دو منظره از داخل حمام کانون کار و آموزش

در مجاورت حمام آرایشگاهی است که همه روزه باستانی اوقات تعطیل ، برای اصلاح سرو صورت هنرجویان آماده و مهیاست .

نان و غذای هنرجویان در آشپزخانه و نانوائی اختصاصی آموزشگاه طبخ میشود .
برنامه غذا برحسب اقتضای فصل تنظیم میشود و ترتیبی داده شده تا خوراک هنرجویان متنوع و مطبوع و گوارا و بارعایت نکات صحی و دارا بودن ویتامینها و کالری لازم فراهم گردد و در هر فصل با میوه های گوناگون تکمیل شود .

هنرجویان بطور دستجمعی ناهار و شام را در سالن غذاخوری که گنجایش پذیرائی از چهارصد تن را دارد صرف مینمایند .

خواربار مورد احتیاج از حبوبات و بقولات و برنج و روغن و آرد و قند و شکر و ادویه و غیره یکجا خریداری میشود ، و مواد فاسد شدنی مانند گوشت و لبنیات ، روزمره و بهنگام ضرورت فراهم میگردد .

بهداشت هنرجویان

تمام هنرجویان و حتی مراقبان و سرپرستان آنها ، دائماً و مطابق برنامه و نظم معین

از طرف پزشکان موظف آموزشگاه (چشم پزشکی - دندان پزشکی و پزشک امراض داخلی) که هم‌روزه در ساعات معین در بهداری آموزشگاه حاضر میشوند ، مورد معاینه قرار میگیرند و وضع حال و کیفیت مزاج هر یک ، در کارت بهداشتی وی که همواره باید همراه داشته باشد ثبت میگردد . اگر در معاینات ، هنجوئی بیمار تشخیص داده شود ، بلادرنگ بقسمت بهداری روانه میشود تا معالجه و مداوا گردد ، و هرداروئی که لازم باشد ، برایگان از داروخانه اختصاصی آموزشگاه تحصیل و به بیمار خورانده میشود و اگر داروئی که لازم است در داروخانه کانون موجود نباشد ، از داروخانه های خارج خریداری و مورد استفاده مریض قرار میگیرد . بیمارانی که حالشان سخت باشد ، در بیمارستان آموزشگاه بستری میشوند تا مطابق دستور پزشک و نظارت پزشکیارانی که بنوبت در شب و روز کشیک میدهند ، مداوا گردند .



گوشه ای از داروخانه کانون کار و آموزش

برنامه دروس نظری و عملی دوره اول آموزشگاه آهنگری

سال اول

برنامه مشترك فلز كاری

- درس فنی - ۱ - كارگاه و تشكيلات آن
- ۲ - اندازه گیری و خط كشی (شناسائی كلیه وسائل مربوط)
- ۳ - وسائل بستن (شناسائی كلیه وسائل مربوط)
- ۴ - تغییر فرم دادن (شناسائی كلیه وسائل براده برداری)
- ۵ - تغییر فرم دادن بوسیله برش (شناسائی كلیه وسائل بریدن)
- ۶ - تغییر فرم دادن بدون براده برداری
- ۷ - مختصری از ترمودینامیک (تکنیک حرارتی)
- ۸ - مختصری از هیدرولیک (مکانیک مایعات)
- ۹ - مختصری از آیرودینامیک (مکانیک گازها)
- ۱۰ - تهیه و استخراج آهن و فولاد - شناسائی انواع كوره های تهیه آهن و فولاد و طرز بدست آوردن آهن و فولاد و شناسائی انواع آن و موارد استعمال آنها
- ۱۱ - تهیه و استخراج فلزات دیگر - شناسائی كوره های لازم و طرز بدست آوردن فلزات سبك و سنگین و شناسائی انواع آنها
- حساب فنی - تكرار چهار عمل اصلی - انواع كسر - محاسبه درصد - مقیاسات و تبدیل سیستم متریک به سیستم انگلیسی - محاسبه سطوح و مقدمات جبر
- رسم فنی - آشنائی با لوازم نقشه كشی و طرز بكاربردن آنها - نرم های معمول در رسم فنی - ترسیمات هندسی - ترسیم اجسام توخالی - نقشه های برشی - نقل اندازه ها و طراحی با دست

سال دوم

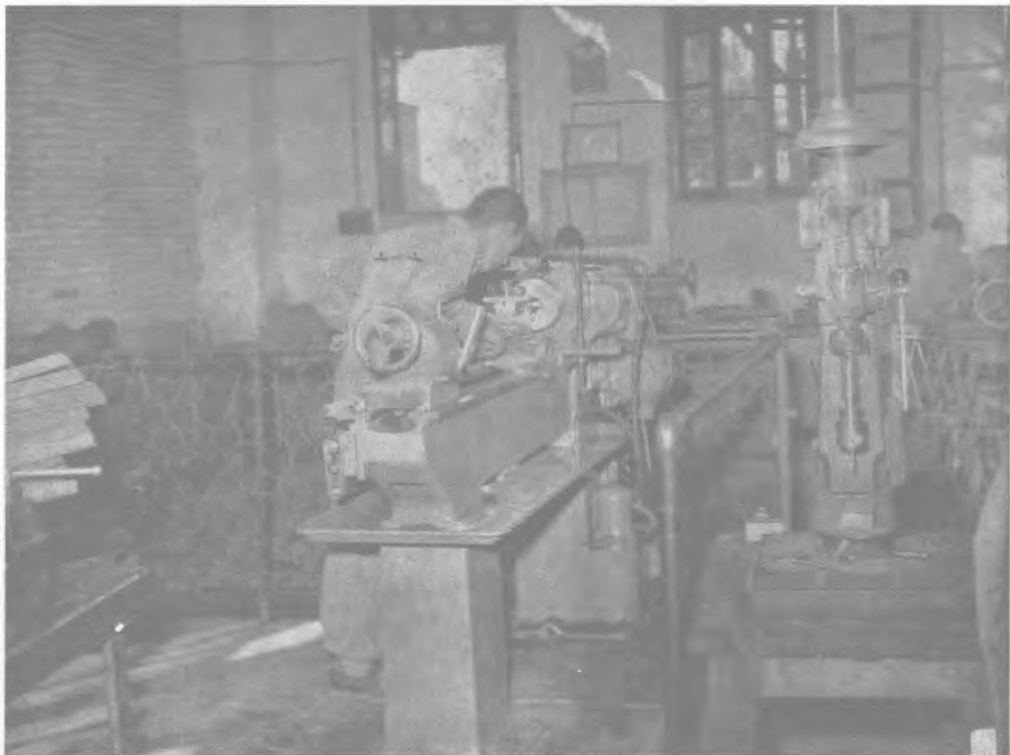
الف - شعبه فلز كاری

- درس فنی - ماده شناسی - تکنولوژی - افزار شناسی
- حساب فنی - ۱ - محاسبه مواد مصرف شده و تعیین قیمت قطعات شناخته شده
- ۲ - محاسبه سرعت نیرو
- ۳ - استفاده از جداول فنی

۴ - محاسبه چرخ تسمه‌ها و چرخ دنده‌های ساده از نظر ساخت
رسم فنی - ترسیم مدلها - رسم یاطاقانها - رسم میخ پرچها - طراحی با دست

ب - شعبه جوشکاری

- درس فنی - ۱ - حوزه عمل جوشکاری
۲ - انواع مخازن گاز
۳ - انواع تقلیل فشار
۴ - جوش با اکسیژن و جوش با برق
۵ - انواع مختلف جوشکاری - افزار ولوازم جوشکاری - بریدن بوسیله اکسیژن -
برش با ماشینهای مخصوص
۶ - جوش فلزات غیر آهن
حساب فنی - ۱ - محاسبه تبدیل کاربید باستلین
۲ - فشار آتمسفری
۳ - محاسبه افت فشار و مصرف اکسیژن - محاسبه قیمت



در کارگاه ماشینی افزار سازی هنرجویان مشغول تراشیدن میله هستند

۴ - محاسبه تناسب اکسیژن و استلین

۵ - احجام و اوزان

رسم فنی - ۱ - مدل برداری

۲ - برش اجسام و پردها

۳ - فلانشها - پیچ ها - میخ پرچها

۴ - نقشه قطعات سوار شده ساده

ج - شعبه لوله کشی

درس فنی - ۱ - مکانیک مایعات - آب و تصفیه و منابع و تقسیم آن

۲ - وسایل لوله کشی

حساب فنی - ۱ - جبر و اعداد آن

۲ - محاسبه تنزیل - اجرت و مقدار مواد اولیه

۳ - محاسبه مقیاسات - سطوح و احجام

۴ - محاسبه فشار و حرارت و جریان آب و فشار در تلمبه فشار سطحی و جنبی

۵ - محاسبه چرخ تسمه ها

رسم فنی - ۱ - ترسیم نقشه های ساده لوله کشی گاز و آب و اتصالات لوله ها

۲ - طراحی از روی مدل

۳ - برش اتصالات ساده

۴ - ترسیم آرماتورها

د - شعبه مکانیک اتومبیل

درس فنی - ۱ - شناسائی موتورهای احتراقی (بنزینی ، گازی ، دیزل ، نیم دیزل ، توربین گاز ، جت)

۲ - سوختها و ارزش حرارتی آنها - تبدیل انرژی حرارتی به انرژی مکانیکی

۳ - محاسبه مقدماتی قدرت موتورها

۴ - طرز کار موتورهای چهار زمانه و دوزمانه

۵ - شناسائی قطعات مختلفه موتور بتفصیل

۶ - انواع کلاچها

۷ - لوله خفه کن صدا

حساب فنی - ۱ - محاسبه بوسیله تابلوها

۲ - محاسبه سطوح

۳ - محاسبه احجام و اوزان (با استفاده از وزن مخصوص)

۴ - مسائل مکانیک (توان موتور ها)

۵ - محاسبه تسمه ها

۶ - محاسبه چرخ دنده ها

رسم فنی - ۱ - ترسیم انواع فلانش

۲ - ترسیم انواع پیچها و میخ پرچها

۳ - نقشه های برشی

۴ - نقشه برداری از روی مدلها

۵ - شعبه الکتریک

شوس فنی - مواد عایق - اصول حرارت - مقدمه الکتروتکنیک

حساب فنی - فاکتور گیری - گشتاور و نیرو - محاسبه مقدماتی مدارات الکتریسته

رسم فنی - شناسائی علامات - طراحی از روی مدلها - اتصالات الکتریکی - مراکز زنگ اخبار

و تلفن - مراکز آماده باش - علائم خطر



هنرجویان در کارگاه فلزکاری مشغول خم کردن و - و ها لکاری هستند

الف - شعبه فلز کاری

درس فنی - ساختمان و طرز کار کلیه ماشینهای افزار - سوختها و ارزش حرارتی آنها - مختصری از ماشینهای بخار و موتورهای احتراقی - پمپها - شناسائی طرز اتصال کلیدهای موتورها
حساب فنی - محاسبه چرخ دنده های ساده - محاسبه پیچهای مدولی و تراش آنها - محاسبه مخروط تراشی - بهای کار تمام شده - مسائل الکتریکی راجع بمصرف قدرت و بهای آن - مختصری از اصطکاک - مختصری از مقاومت مصالح
رسم فنی - رسم فنرها - رسم قطعات سوارهم و پیاده کردن آنها - خواندن نقشه های ساده - منحنی برشها - ترسیم اجسام ساده بطریق پرسپکتیو - طرح دروپنجره آهنی و گلخانه - شناسائی نقشه های ساختمانی

ب - شعبه جوشکاری

درس فنی - اساس الکتریک - خواص آهن ربائی جریان الکتریک - موتورهای الکتریکی - ترانسفورماتورها - عملیات قبل و بعد جوشکاری - ترتیب کار و حفاظت در کارگاههای جوشکاری - ماشینهای جوش الکتریکی
حساب فنی - محاسبات اولیه الکتریسته - ضریب بهره - تعیین قیمت جوشکاری الکتریکی
رسم فنی - گسترش اجسام ساده - گسترش استوانه ها - برشهای کج - گسترش تداخلی - گسترش خم لوله ها و بازوی دیگها - علائم اختصاری جوشکاری - نقشه برداری از قطعات ریختگی

ج - شعبه لوله کشی

درس فنی - قواعد اصلی لوله کشی آب - زهکشی فاضل آب - حرارت مرکزی - وسائل جلوگیری از حرارت - رعایت نکات صحی برای جلوگیری از فاسد شدن آب - ماشین بخار - موتور - تلمبه - کمپرسور پمپ باد - ماشین خنک کننده - مقدمات الکتریک
حساب فنی - محاسبه منابع و پر و خالی کردن آن - حساب مواد اولیه و اجرت کار - عایق کاری و تولید گرما - بار - قدرت - ضریب بهره - ماشینهای ساده - هرمها
رسم فنی - طرح تجهیزات و وسایل لازم - طرح و ترسیم لوله کشیهای مختلف

د - شعبه اتومکانیک

درس فنی - کاربرد اتورها - انژکتورها - وسایل انتقال حرکت موتور بچرخها - ترمزها - خنک کردن و روغن کاری برق اتومبیل
حساب فنی - سرعتهای محیطی چرخ دنده ها - محاسبه چرخ دنده های لازم برای تراشیدن پیچها - مختصری از مقاومت مصالح - قانون اهم - قدرت الکتریکی

رسم فنی - تنظیم جعبه دنده ها - گسترش - مدل برداری - کشیدن قطعات از روی نقشه های سوارهم - اتصالات الکتریکی

هـ - شعبه الکتریک

درس فنی - فاز - اتصالیها - ترانسفورماتور ها - موتورهای الکتریکی - وسائل اندازه گیری الکتریکی - فرکانس سنج - اصول تکنیک نور

حساب فنی - محاسبه عده دورموتورها - قدرت موتورهای الکتریکی - محاسبه وسائل اندازه گیری - هزینه برق - محاسبه سیمها برای مراکز روشنائی - محاسبه ضریب بهره و شدت

روشنائی

رسم فنی - ترسیم اتصالیهای موتورهای سه فاز - نقشه های موتور یک فاز - مبدلها - یک سوکننده ها - نقشه های روشنائی - مراکز رکلام - مرکز فنی ساده



آموزشگاه کانون کار
جمعی از هنرجویان ممتاز کانون



کارگاه فلزکاری
هنرجویان ، سوهالکاری را میآموزند

دروودگری

سال اول

درس فنی - چوب و پیدایش و بکاربردن آن در صنایع مختلف ، تعریف کارگاه و خصوصیات آن ، افزارها و وسائل اندازه گیری ، چوب و ساختمان آن و انواع چوب موجود در ایران ، اتصالات گوشه ای ، درز کردن ، دوراهه کردن ، پخ زدن ، خط کشی انواع اتصالات ، یراقها

حساب فنی - مقدمات حساب ، کسور ، سطوح و احجام ، محاسبه تخته های رنده شده ، سریشم مصرف شده و قیمت میخ و پیچها

رسم فنی - شناختن وسائل رسم کشی ، تصویر اجسام ساده در سه نما ، اتصالات عرضی ، درزها ، اتصالات درهم ، اتصالات گوشه ای ، زیرپائی ساده

سال دوم

درس فنی - طرز تهیه چوب و انبار کردن و خشک کردن طبیعی و مصنوعی آن ، آفات چوب ، روکشها و تخته های چندلایه و طرز تهیه و خواص آن ، نگهداری افزارها ، تاثیر زاویه برش ، اقسام دندانها ، انواع چسب چوب و طرز تهیه آنها ، تیز کردن اره های دستی ، اتصالات کارهای ساده

حساب فنی - محاسبه احجام ، الوارها ، سه سوکها ، وزن چوب ، وزن مخصوص ، مسائل مربوط بدرس فنی چوب مصرفی ، مقدار دورریز ، بهای تمام شده یک کار ساده

رسم فنی - تمرین برش روی اتصالات ، طراحی بادست ، طرح نقشه های دیواری ساده بابرش و مقیاسهای مختلف ، طرح کارهای دم چلچله ، پنجره ساده ، صندلی ساده ، صندلی دست اندازدار

سال سوم

درس فنی - اندازه گیری در ساختمان ، خط کشی چوبهای در و پنجره ، کار گذاردن یراق در و پنجره ، طرز صحیح بکار بردن افزارها و نگهداری آنها ، ماشینهای درودگری و افزارهای آن و بکار بردن و نگاهداری آنها ، جلوگیری از خطرات ماشینهای درودگری هنگام کار ، مبلهای صندوقی چندلایه ، درب و پنجره رنگ کاری (مات ، براق)

حساب فنی - محاسبه هزینه های عمومی کارگاه ، محاسبه یک قطعه کار بطور دقیق ، برآورد فروش یک قطعه کار



کارخانه درودگری

محاسبه کیلووات در ساعت ، کیلووات ، اسب
محاسبه عده دور ، سرعت برش ، تنظیم تعداد دور
تنظیم یک دفتر روزنامه ساده
رسم فنی - رسم در و پنجره با برش ، درهای ورودی
رسم مبلهای صندوقی روکش شده
رسم مبلمان
پرسیکتیو با دست آزاد

کارهای فوق برنامه

هنرجویان نباید اوقات فراغت خود را ببطالت بگذرانند و مراقبت میشود که ساعاتی از روز در آتلیه نقاشی و مینیاتورسازی یا کتابخانه و تالار مطالعه بسربرند.
یک استاد نقاشی و یک استاد مینیاتور ، در اوقات معین که مقارن با ساعات ییکاری هنرجویان تعیین شده است ، در کارگاه مینیاتورسازی و نقاشی حضور دارند و هنرجویانی را که ذوق و استعدادی در این هنرها دارند ، تعلیم میدهند.

وسائل کار آنها از سه پایه و تخته و غیره بحد کفایت موجود است و لوازم دیگر از کاغذ مخصوص و قلم مو و رنگ برای گان در اختیار آنهاست. با استفاده از این وسائل، زیر نظر و راهنمایی استاد، بکار نقاشی و مینیاتور سازی مشغول میشوند. در حال حاضر در آتلیه نقاشی و مینیاتور سازی بیش از دویست قطعه و تابلو از کارها و ساخته های همین هنرجویان وجود دارد که بعضی از آنها بسیار شیوا و دلپذیر است. از این آثار نمایشگاهی بوجود آمده که هر بیننده با ذوق هنر دوستی را ساعتی بخود مشغول میدارد و بوجد میآورد.



آقای جلالی یکی از هنرجویان
خوش قریحه ایست که با وجود
قصی بدنی، در رشته مینیاتور-
سازی استعداد فراوانی نشان
داده و شاهکار هائی بوجود
آورده است.

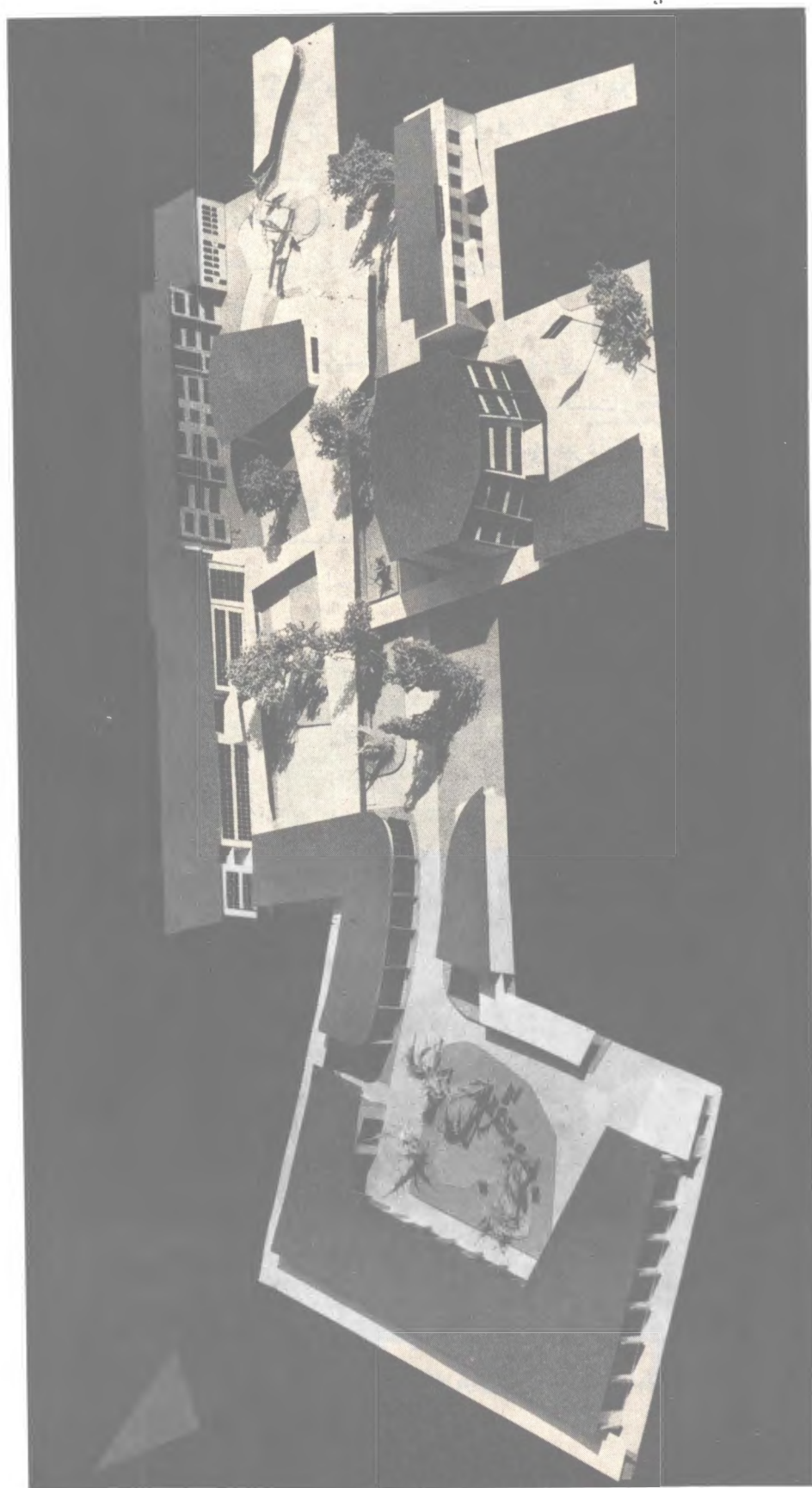
بعضی از آنان چنان در کار نقاشی و مینیاتور سازی چیره دست شده اند که اگر چندی دیگر بکار ادامه دهند، بیشک در این هنر، مقام ارجمندی بدست خواهند آورد و ستاره ای تابان خواهند شد.

کتابخانه

آموزشگاه شبانه روزی، کتابخانه ای دارد که گرچه فعلاً از حیث دارا بودن کتب مختلف علمی و صنعتی و کلاسی محقر است ولی باز بقدر احتیاج کتاب در اختیار دارد که بتواند مورد استفاده قرار گیرد. هنرجویان ساعتی از فراغت خود را در آنجا میگذرانند و بمطالعه مشغول میشوند. در گذشته، بسبب وضعی که کانون کار و آموزش داشت، بکتابخانه چندان توجهی نمیشد، ولی اینک که تکمیل آموزشگاه و رفع نقائص آن مورد توجه قرار گرفته، بی شک، این تقیصه اساسی نیز در آینده نزدیک مرتفع میشود و کتابخانه آموزشگاه از حیث داشتن کتب مفید، بی نیاز و مستغنی خواهد شد.

بناهای نوین

بناهایی که اکنون در محوطه کانون کار و آموزش وجود دارد، اگرچه ظاهراً احتیاجات فعلی آموزشگاه را کفایت مینماید، اما بهیچوجه نمیتوان وضع کنونی را ابقاء و بان اکتفا نمود.



ماکت ساختمانیهای نوین کانون کار و آموزش که بزودی پایان خواهد رسید

در نظر است این آموزشگاه شبانه روزی بصورت ومعنی ، در عداد بهترین ومجهزترین آموزشگاههای فنی از نوع خود قرار بگیرد و اثاثیه و لوازم کلاسهای درس و ماشینها و آلات و ادوات کارگاهها از آخرین سیستم باشد. کتابخانه ، تالار مطالعه و آزمایشگاه کامل در اختیار داشته باشد، معلمین مجرب و استادکاران آزموده در رأس آن قرار بگیرند و بهمین جهت در آینده نزدیک چندتن استادکار و مهندس آلمانی برای تدریس در رشتههای فلزکاری و درودگری استخدام خواهند شد.

بناهای فعلی برای چنان تأسیسات و تجهیزات که پاره‌ای از آنها آماده و مهیا است و بعضی هم در شرف فراهم شدن است ، مطلقاً کافی ومساعد نیست. بخصوص محل کارگاهها که هنرجویان باید ساعات زیادی در آنجا بکارهای عملی بپردازند و بنظم و ترتیب خاص عادت کنند، چه از لحاظ صحی وفنی وچه از جهت وسعت و ظرفیت مکان برای نصب ماشینهای گوناگون و میدان عمل بسیار نامساعد است. چون این نواقص باید از میان برداشته شود ، اعتباری بمبلغ ۶۰ میلیون ریال برای احداث بناهای نوین منظور گردیده و نقشه ساختمان ترسیم و عملیات ساختمانی شروع شده است.

ساختمان جدید - مجموع مساحت محوطه وزیر بنای ساختمانهای فعلی کانون کار و آموزش ۲۸۴۶۰ مترمربع است و بروفق نقشه ، بناهای جدید از مقابل در ورودی (در جهت شمال شرقی) آغاز و در تمام جبهه شمالی ، شمال غرب ، مغرب ، جنوب غربی و جنوب امتداد خواهد یافت.

مجموع اراضی زیر بنای ساختمانهای جدید ۱۳۷۷۰ مترمربع خواهد بود و بقیه که ۱۴۶۹۰ مترمربع است ، محوطه آموزشگاه است که در آن خیابانهای اصلی (اتومبیل رو) که کلیه بناها بآن مشرف است و خیابانهای فرعی وباغچه‌ها تعبیه خواهد شد. در کنار در ورودی و در مقدمه محوطه (شمال شرق) نمایشگاهی بمساحت ۲۰۰ مترمربع ساخته میشود که چاه عمیق آب فعلی را دربر خواهد گرفت واین بنا بسالنی که مخصوص جشنهای عمومی است و ۶۰۰ متر مربع وسعت دارد متصل خواهد بود و در دنبال آن ، عمارت دبیرخانه قرار گرفته که آن نیز بسالنی سینما و بنای آموزشگاه ارتباط خواهد داشت.

خوابگاه - وسعت بنای خوابگاه که بوسیله یک راهروی سر پوشیده با محل کنونی آموزشگاه مربوط است ۴۰۰۰ مترمربع ومشتمل بسه طبقه است. قسمت زیرین این بنا بحمام ، رختشویخانه و انبار خواربار و طبقات دومین وسومین آن بسکونت ۳۰۰ نفر هنرجو اختصاص خواهد داشت و نقشه بنحوی ترسیم شده که بعدها بتوان ساختمان را برای سکونت پانصد تن نیز مهیا نمود.

بهداری - بعد از بنای خوابگاه ووصل بآن ، ساختمان بهداری مشتمل بداروخانه ، مطب و درمانگاه بمساحت ۴۰۰ مترمربع قرار دارد که میتوان ۲۸ بیمار را در آن بسهولت و راحتی

بستری نمود و قسمت مجزائی هم برای بستری شدن مبتلایان باسراض واگیر تخصیص دارد. بعد از بنای بهداری، دو بنای آشپزخانه و نانوائی بمساحت ۴۰۰ مترمربع و وصل بان، سالن ناهارخوری با مساحت ۶۰۰ مترمربع ساخته خواهد شد.

کارخانه‌ها - برای کارگاهها که سرانجام بصورت کارخانه درخواهد آمد، ساختمانهای متصل بهم که مجموع مساحت زیر بنای آنها ۶۹۰۰ مترمربع است احداث میشود باین شرح :

الف - قسمت لوله کشی، برق، ابزارسازی بمساحت ۱۱۰۰ مترمربع

ب - مکانیک اتومبیل بمساحت ۱۰۰۰ مترمربع

ج - آهنگری بمساحت ۱۶۰۰ » »

د - درودگری با انبار چوب بمساحت ۳۲۰۰ » »

علاوه بر بناهای مزبور، قسمتی هم برای آتلیه هنرهای زیبا (نقاشی و مینیاتورسازی) و قالی بافی، بمساحت زیر بنا ۴۰۰ مترمربع ساخته خواهد شد. در حال حاضر بنای کارگاهها نزدیک باتمام است.



گروهه ای از کارگاه قالی بافی

بنای جدید آموزشگاه - برای آموزشگاه، ساختمان جدیدی که دارای چهار طبقه است احداث میشود. در طبقه اول هنرجویان در مواقع تنفس خود را از گزند باران و برف و باد و آفتاب محفوظ میدارند و طبقات دیگر بکلاسهای درس، کتابخانه، تالار مطالعه و آزمایشگاه تعلق دارد. ساختمان، هشت ضلعی است و راه پله آن بوضعی تعبیه شده که شاگردان بتوانند تمام کلاسها را داشته باشند.

سالن ورزش بمساحت ۲۵۰ مترمربع در کنار زمین ورزش ساخته میشود. در جبهه جنوبی منازل نگهبانان و کارکنان شبانه روزی که ناچار بتوقف در محیط آموزشگاه هستند، بمساحت ۱۳۰۰ مترمربع احداث خواهد شد.

تمام ساختمانها که اشاره شده با لوله آب، سیمکشی برق و شوافر مجهز خواهد شد.

بودجه

تمام مخارج کانون کار و آموزش و آموزشگاه حرفه ای شبانه روزی و آموزشگاه اختصاصی نابینایان را سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی عهده دار است و اعتبار مخارج، هر سال از طریق بودجه ای که از طرف کانون پیشنهاد و بتصویب هیئت مدیره سازمان میرسد در اختیار این مؤسسه قرار میگیرد.

طبقه ملوگانه

هنگامی که اعلیحضرت همایون شاهنشاه و علیاحضرت ملکه ثریا پهلوی بدعوت رئیس جمهور آلمان غربی بان کشور مسافرت فرمودند، اتحادیه درودگران آلمان بیست و یک صندوق محتوی ابزار و اشیاء و آلات و ادوات مخصوص کارهای درودگری به پیشگاه معظم له تقدیم داشت که عیناً آنرا از طریق سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی بکانون کار و آموزش اعطاء فرموده اند. اشیاء مزبور از اینقرار است :

- ۱ - صندوق محتوی یک دستگاه ماشین رنده کنده کی
- ۲ - صندوق محتوی بیست و یک فقره ابزار و لوازم درودگری اهدائی کارخانه امریش
- ۳ - صندوق محتوی سیزده فقره اشیاء و لوازم درودگری اهدائی لوپ هایم
- ۴ - یک صندوق اهدائی (اتوالم) محتوی چهار قفسه چوبی که هر یک از قفسه ها محتوی پنجاه و پنج فقره لوازم درودگری است
- ۵ - دو صندوق محتوی نود و دو فقره لوازم و اشیاء درودگری اهدائی اتوالم
- ۶ - صندوق محتوی ۴ فقره اشیاء نجاری اهدائی (والتر - ویدا)



هنرجویان در سالن غذاخوری هنگام صرف ناهار

- ۷ - صندوق محتوی هفت فقره آلات و ادوات نجاری اهدائی (ایدال - گوهینه و تا کل)
- ۸ - یک صندوق محتوی سه فقره افزار اهدائی (ایلد - گوهینه و تا کل)
- ۹ - صندوق محتوی شش فقره ادوات درودگری اهدائی (ویکو - ویلهم کروپ)
- ۱۰ - صندوق محتوی یک دستگاه ماشین اره تیز کنی اتوماتیک اهدائی (فلمر)
- ۱۱ - یک صندوق محتوی یک دستگاه ماشین جلو دهنده اهدائی (رایش)
- ۱۲ - صندوق محتوی یک دستگاه ماشین سنگ فرز اهدائی (شتاهل)
- ۱۳ - صندوق محتوی یک دستگاه ماشین سنباده نواری اهدائی (هرمان)
- ۱۴ - صندوق محتوی یک دستگاه ماشین فرز اهدائی (پوچرو گسمر)
- ۱۵ - صندوق محتوی یک دستگاه نجاری سریشم اهدائی (اتونوی شتات)
- ۱۶ - یک دستگاه ماشین فرز دم چلچله اهدائی (کروپ)
- ۱۷ - صندوق محتوی ماشین کف رند اهدائی (کلین)
- ۱۸ - یک دستگاه ماشین اره گرد دستی اهدائی (مافل)
- ۱۹ - صندوق محتوی صفحه نجاری سریشم اهدائی (اتونوی اشتات)

۲۰ - صندوق محتوی یکدستگاه پرس نجاری اهدائی (بورکل)

۲۱ - صندوق محتوی ماشین اره گرد قطع کن

تمام اشیاء و ماشینهای اهدائی در کارگاه درودگری مورد عمل و استفاده هنرجویان قرار گرفته است.

* * *



یکی از هنرجویان نایبای کانون کار و آموزش
هنگامیکه دروس موسیقی خود را با پیانو تمرین میکند

با مؤسسه فرهنگی و اجتماعی جدیدی که
امروز بنام «آموزشگاه رودکی مخصوص
تعلیم و تربیت نایینیان» موسوم شده آشنا
شوید .

بخش سوم

نایینیان

هنگامی که بینوایان و معلولین بکانون کار و آموزش پذیرفته شدند ، میان آنان جمعی
پسر کور و نایینا بود که در باره آنان مراقبت و دلسوزی خاصی معمول شد و عاقبت توانستند
خواندن و نوشتن را بیاموزند و موسیقی بنوازند .

اینک در این بخش، شمه‌ای از شرح حال و تاریخچه زندگی آنها در کانون کار و آموزش
بقلم آقای علی اکبر کابلی متخصص تعلیم و تربیت کوران و مربی آنان درج میشود .



والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی بدانش آموزان نایینا دیکته میگویند

مقدمات ایجاد آموزشگاه

در حدود هشت سال پیش ، یکروز مدیره پرورشگاه نایینیانی که من عضو کمیته اداره آن بودم ، اطلاع داد که والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی باین شهر آمده و اظهار علاقه کرده اند از پرورشگاه ما دیدن کنند . عصر روز بعد ، در حالیکه اعضاء کمیته اداره پرورشگاه و دختران و پسران نایینا ، خود را برای استقبال حاضر کرده بودیم ، والاحضرت اشرف و همراهان وارد شدند . دوموضوع جالب توجه از این بازدیدرا هیچگاه فراموش نمیکنم ، یکی موضوع تقدیم دسته گل بحضور والاحضرت است که قرار بود توسط یک دختر سه ساله نایینا بعمل آید . من دست این دختر را گرفته و باو گفته بودم هر وقت اشاره کردم دسته گل را تقدیم کن . قبلاً هم این کار چندبار تمرین شده بود . هنگام ورود والاحضرت ، دختر نایینارا جلو بردم و برای تقدیم دسته گل اشاره کردم ولی دختر ك دسته گل را سخت به بغل چسباند و آنچه کوشش بعمل آمد ، دسته گل را نداد و این منظره باندازه ای جالب و شیرین بود که موجب مسرت همه شد و والاحضرت این طفل نایینا را مانند طفل خود در بغل گرفتند و با او بلحن کودکانه ای سخن گفتند .

موضوع دیگر توجه ودقت والاحضرت نسبت به تحصیل نایینیان بود که مدت ۱۵ دقیقه خودشان پهلوی یک طفل نایینا نشسته و طرز خواندن و نوشتن او را دیده و مرتب سئوالاتی از معلمین و خود اطفال نایینا مینمودند . هنگام ترك پرورشگاه ، والاحضرت باز هم متوجه دختر ك نایینا شده باو بگرمی خداحافظی نمودند . نزدیک در پرورشگاه ، والاحضرت بمدیره پرورشگاه فرمودند « کار وجدیت شما خیلی خوب بود ، من هم قصد دارم در تهران چنین مدرسه ای برای نایینیان درست کنم ، امیدوارم شما هم بیا کمک کنید ، چون ما در ایران هنوز معلمینی برای این کار نداریم . » مدیره پرورشگاه ، مرا که عضو ایرانی این پرورشگاه بودم معرفی کرده و بعرض رساندند که این آقا ایرانی است و برای ما خدمت میکند . امیدواریم او در این کار پیشقدم و داوطلب گردد .

وقتیکه والاحضرت تشریف بردند ، مدیره پرورشگاه گفت : مادر انگلستان خیلی با اشخاص بزرگ و برجسته تصادف کرده ایم ، ولی هیچکس را اینطور دقیق و علاقمند و مهربان در اینگونه امور ندیده ایم . چند ماه بعد من در تهران بسازمان شاهنشاهی مراجعه کردم . گفته شد که سازمان علاقمند است این کاربر پایه اساسی گذارده شود . لذا از چندتن متخصص فن از کشورهای خارج دعوت شده است که برای مطالعه و دادن پروژه بایران بیایند . چند ماه بعد بدعوت سازمان شاهنشاهی ، شخصی بنام پرفسور فارل که رئیس دانشسرای عالی پرکینس در آمریکا و یکی از متخصصین عالی مقام تعلیم و تربیت نایینیان بود بایران آمد و پس از مدتی مسافرت در نقاط مختلف ایران ، ضمن دادن پروژه برای تأسیس یک آموزشگاه برای تعلیم و تربیت نایینیان ، اظهار

عقیده کرد که فعلاً سازمان احتیاج بدعوت متخصص و معلم خارجی ندارد و بنا بر توصیه همین شخص، سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی از اینجانب دعوت کرد که در کلاس نایینیان بتدریس مشغول شوم .

نخستین درس

اولین کلاس درس نایینیان، در ۱۵ اردیبهشت ۱۳۲۹ در محل کانون آسایش سازمان شاهنشاهی در خیابان گوته تشکیل شد. آن روز ۵۹ تن اطفال نایینا، دختر و پسر، در یک اطاق روی نیمکت نشسته بودند و همگی با خوف و نگرانی بآتیه مجهول خود میانداشیدند. نه خود اطفال باور میکردند که ممکن است کور هم سواد پیدا کند و نه اشخاص بینائی که در اطراف آنها بودند.



آموزش جغرافیا بوسیله نقشه برجسته ایران
 قرار شد چند هفته، هر روز برای آنها صحبت شود تا اینکه بکلی روحیه آنها تغییر نماید و تردید و سوء ظن آنها برطرف گردد. در اوائل تیر، هنگامیکه همه مدارس تعطیل و گرمای هوا روز بروز زیادتر میشد، کلاس ما گرم کار تحصیل شد. بهر طفل نایینا یک تخته کوچک باندازه جعبه سیگارها، که روی آن شش سوراخ و در داخل هر سوراخ میخی قرار داشت داده شد. کار این اطفال این بود که روزی چند ساعت این میخ ها را از سوراخ بردارند و دوباره سر جای خودشان بگذارند و این میخ ها و سوراخ ها نمره داشت و بایستی طفل، هر میخ را از هر سوراخ برداشت نمره آنرا بداند. این عمل برای این انجام میگرفت که اولاً نوك انگشت طفل نایینا که از این بعد بجای چشم بکار برده میشود، حساس گردد و ثانیاً با شماره آن سوراخ ها که القباء «بریل» یعنی خط برجسته، از روی آن شماره ها تعیین میشود آشنا شود. لازم است توضیح داده شود که خط بریل برجسته، توسط شخصی بهمین نام در حدود صدسال پیش اختراع شده و خط فارسی بریل

که درست مطابق حروف فارسی ماست، درسی سال پیش توسط یک نفر آلمانی درست شده و از آن زمان رواج دارد. ضمناً اضافه میشود که حروف برجسته هر کشور و زبانی به مجمع بین‌المللی آموزش و پرورش نایینایان پیشنهاد میشود و پس از تصویب آن مجمع که اعضاء آن از متخصصین عالی مقام فن تعلیم و تربیت و ادبیات و زبان هستند، اجازه تدریس آن داده میشود و خط بریل برجسته فارسی امروز ما نیز از همین طریق تحصیل شده است.



دسته ارکستر نایینایان، در باغ کالون کار و آموزش کسرتی اجراء میکنند

روزنه امید

در میان ۵۹ تن دختر و پسر نایینا، کودکانی بودند که استعداد بیشتری برای فرا گرفتن داشتند. آن دسته از دیگران مجزا شدند و شروع به تعلیم الفباء بآنها شد. هر روز بین دو تا پنج حرف الفباء آموخته شد. یاد گرفتن الفباء و شنیدن عین آن حروف از اشخاص بی‌سواد، روزنه امیدی در دل کودکان نایینا بوجود آورد، بطوریکه هر روز روحیه آنها بهتر و گوئی چشم دلشان روشتر میشد.

طرز تعلیم الفباء بریل برجسته باین طریق است که تمام حروف فارسی روی ۶ سوراخ که شش شماره از ۱ تا ۶ دارد، نوشته میشود. مثلاً حرف شین روی نمره‌های ۱ و ۵ و ۶ قرار دارد. طفل نایینا باید سه میخ در سوراخهای ۱ و ۵ و ۶ قرار دهد. و تکیه لمس نمود شکل شین نمودار میگردد. برای نوشتن روی کاغذ، از یک لوح فلزی مخصوص که ۶ تا ۶ تا بر دیف

سوراخ دارد استفاده میشود . طفل، کاغذ مقوائی را در زیر لوح میگذارد و با یک قلم فلزی بوسیله لمس دست بر آن سوراخ های ۶ گانه فشار وارد میآورد و کاغذ از زیر ، همان حرف را برجسته نشان میدهد . وقتی که کاغذ از لوح جدا شود ، عیناً حروف برجسته لمس میگردد . بعد از تعلیم الفباء و سه صدای آ - او - ای ، شروع بترکیب کلمات ۲ و ۳ و ۴ حرفی میشود و از اینجا تدریس و تعلیم ، عین همان برنامه دوره ابتدائی است . فقط یک تفاوت دارد و آن اینکه اطفال نایینا با خط برجسته میخوانند و مینویسند .

کتابهای آنها نیز مانند کتب کلاسی است که عیناً بخط برجسته نوشته شده است . تمام وسائلی که بینایان برای تحصیل دارند، نایینایان نیز مورد استفاده قرار میدهند . مثلاً نقشه جغرافیای نایینایان عیناً همان نقشه بینایان است ولی برجسته نشان میدهد . وسائل تحصیل نایینایان یعنی کاغذ و قلم و سایر لوازم تحصیلی آنها غالباً از مؤسسات خیریه و حمایت نایینایان کشورهای خارج از جمله آمریکا میرسد که سازمان شاهنشاهی هدیه نموده اند . از جمله مؤسساتی که در این مورد کمک فراوان کرده اند ، مؤسسه بنیاد ایران در آمریکا را میتوان نام برد .



دانش آموزان هنگام فراغت ، دروس موسیقی خود را تمرین میکنند

يك آموزشگاه حرفه‌ای

آموزشگاههای نایینیان در کلیه کشورها حرفه‌ای است. یعنی علاوه بر باسواد نمودن کوران، بآنها چند هنری هم آموخته میشود، چنانکه باین نایینیان نیز صنعت برس‌سازی و حصیر بافی آموخته شده و در بین این عده، تعدادی دارای این هنر هستند و هر سال مقداری از دسترنج آنها برای فروش عرضه میشود. بدین ترتیب اطفال نایینائی که سر بار جامعه هستند، باسواد یعنی بینا میشوند و هنری می‌آموزند و تحویل جامعه میگردند و نه تنها دیگر سر بار جامعه نخواهند بود، بلکه هر یک نمونه‌ای آموزنده و عبرت‌انگیز برای افراد جامعه میشوند. این اطفال نایینا بزرگترین مظهر تجلی این اصل که «آدم بیسواد کور است و کوران باسواد بینا» هستند. از این آموزشگاه گروه زیادی از طبقات داخلی و خارجی بازدید کرده‌اند و روش تعلیم و تربیت خاص آن موردعجاب و تحسین آنها قرار گرفته است.

این آموزشگاه از سال تأسیس تا اواخر سال ۱۳۳۴ دایر و بکار خود ادامه میداد. از اواخر سال ۱۳۳۴ بموازات اقداماتی که برای بهبود وضع کانون کار و آموزش سازمان شاهنشاهی که این آموزشگاه هم در آن قرار داشت معمول گردید، آموزشگاه نایینیان هم وضع و تشکیلات بهتری یافت و اینک مناسب است که وضع فعلی آن تشریح گردد.

کارخانه آدم‌سازی

در خیابان ری و در محوطه کانون کار و آموزش، ساختمانی است که بر بالای آن تابلوی بخش تعلیم و تربیت نایینیان دیده میشود. درون این ساختمان آموزشگاه شبانه روزی نایینیان قرار دارد و سی‌تن اطفال نایینا در آنجا مشغول تحصیل هستند. این بخش شامل ۳ قسمت است.

قسمت اول - شبانه روزی - اطاقهای خواب و غذاخوری و استراحت نایینیان در آنجاست. اطفال این قسمت باقتضای نشان بسه دسته تقسیم شده و در سه اطاق سکونت دارند. یک سرپرست شبانه‌روزی، دو مستخدم، یکی برای نظافت و دیگری برای غذا دادن، و یک زن برای شست‌وشوی لباس و دوخت و دوز آن، مسئول اداره زندگی آنها هستند. اطفال طبق برنامه در مدت ۲۴ ساعت، زندگی آرامی را میگذرانند و از تمام وسائل زندگی و تفریح و گردش برخوردارند.

قسمت دوم - آموزشگاه - شامل یک سالن بزرگ برای اجتماع و کلاسهای درس و کتابخانه و باشگاه است.

این آموزشگاه فعلاً ۵ کلاس دارد، باین ترتیب که ۱۰ تن در کلاس پنجم، ۶ تن در کلاس چهارم، ۶ تن در کلاس دوم و ۸ تن در کلاس اول هستند. بعد از ظهرها سه ساعت اختصاص بدرس دارد. یک معلم (نگارنده) بر طبق برنامه، دروس روز قبل را سؤال و درس روز بعد را میدهد.



هنگامیکه دانش آموزان با موختن ویلن مشغول هستند

سپس اطفال آزاد هستند و میتوانند در باغ محوطه بگردش بروند یا سری بکتابخانه مخصوص خود زده کتاب برداشته بمطالعه پردازند. در این کتابخانه، اغلب کتب درس وجود دارد. مقداری کتاب حکایت و شعر و سرگذشت اشخاص نامی نایینا نیز هست. همه این کتابها بخط برجسته بریل فارسی است و چون در ایران چاپخانه ای وجود ندارد، همه بوسیله نگارنده بادست تهیه شده است. دروس کلاسها عیناً مانند برنامه دوره ابتدائی است و هیچ تفاوتی جز برجسته بودن خط با آنها ندارد. اطفال نایینا طبعاً استعداد بیشتری دارند و علت آن را باید از باباطاهر شنید:

ز دست دیده و دل هر دو فریاد که هر چه دیده بیند دل کند یاد

چون نمی بینند هوس نمیکنند و نمیخواهند. فکری آزادتر و قلبی پاکتر دارند. هنگام فراغت در باشگاه جمع میشوند و خود را بابازیهای گوناگون مخصوص کوران سرگرم میسازند. در این باشگاه همه گونه وسائل بازی از جمله دامینو - شطرنج - دانکا و غیره وجود دارد که عیناً مانند بیناها بازی میکنند. طفل نایینا وقتی که از رادیو اخبار خارجی را می شنود، میخواهد بداند مثلاً مصر و کانال سوئز کجاست. چون در جغرافیا خوانده، می رود جلوی نقشه برجسته جغرافیا که بدیوار نصب است و با لمس دست، محل آنرا پیدا میکند و میفهمد مثلاً سوئز کجاست.

صبح ها دروس کلاس تعطیل است و اطفال همگی درس موسیقی میخوانند . استادان ماهری برای تعلیم گمارده شده اند که باعلاقه ای خاص، این هنرپریرف را بانان میآموزند و اطفال نایینا نیز استعداد فراوانی برای فرا گرفتن موسیقی از خود نشان میدهند. تمام آلات موسیقی آموخته میشود و همه وسائل نیز باندازه مورد احتیاج موجود است. موسیقی ایرانی توسط آقای حسینعلی وزیری تبار و موسیقی غربی توسط آقای منوچهر رشیدی تدریس میشود .

اطفال نایینا یک دسته ارکستر دارند که نظیر آن در کشور های دیگر کمتر پیدا میشود . با اینکه مدت یکسال بیشتر نیست که درس موسیقی را شروع کرده اند ، معهذا بخوبی پیشرفت نموده اند .



دسته ارکستر نایینایان ، در اطاق مخصوص تمرینات خود

از چند ماه پیش ، یک کلاس درس زبان به کلاسها اضافه شده وعده ای از اطفالی که استعداد فرا گرفتن زبان خارجی دارند ، مشغول یاد گرفتن زبان انگلیسی و خط بریل انگلیسی هستند .

قسمت سوم - کارگاه کارهای دستی - نایینایان علاوه بر تحصیل ، کار هم میکنند ، ولی برای اینکه لطمه ای باوقات تحصیل آنها وارد نشود ، کار کردن آزاد گذاشته شده است تا هنگام فراغت ، اگر توانستند روزی یکی دو ساعت در مواقع بیکاری کار کنند . اما برای اطفالی که



والاحضرت باستماع کنسرت کوران ، گوش فرا داشته اند

استعداد کمتری برای تحصیل دارند ، کار اجباری است و باید حداقل روزی ۸ ساعت کار کنند . کار اطفال مزبور عبارتست از برس سازی و حصیر بافی . نایینیان تحت نظر استادی که خودش نیز ناییناست انواع برس از قبیل جارو - برس کفش - برس لباس - فرچه و برس نظافت ظروف را میبافند و درقبال آن مزدی دریافت میدارند . البته با افرادی هم که کار نمیکنند ، هر ماه وجهی بعنوان پول جیب داده میشود . اطفال نایینا نصف وجه دریافتی را برای ایام تعطیل خود و روزهای جمعه که بمرخصی میروند نگاه میدارند تا بمصرف برسانند و نصف دیگر را در صندوق پس انداز خود ذخیره مینمایند و هر کدام امروز ، دفترچه پس اندازی دارند . بعضی از اطفال هم حصیر بافی میکنند و کار آن ها نیز خوب است . پرده های حصیری که بر اطاقهای اغلب بیمارستانهای تهران آویخته است ، دسترنج همین نایینیان است . بدر دیوار محوطه و کلاسهای مخصوص نایینیان ، عکس های دیدنی آویخته شده که خود نایینیان آنها را نمی بینند ولی برای کسانی که می بینند ، واقعاً دیدنی است زیرا نشان میدهد که کوران همه کار میتوانند انجام دهند و استعداد های خدادادی در نهاد آنها نهفته شده است . درست دیگر دیوار ، روزنامه مخصوصی قرار دارد که بدو خط بریل برجسته مخصوص نایینیان ، و فارسی مخصوص بینایان تنظیم شده و مطالب عمده آن اخبار و مطالب روز در باره نایینیان جهان است . وقتی که شخص اینها را می بیند از خود می پرسد : آیا دیگر کوری مفهومی دارد ؟ .



همه سال ، هنگام عید نوروز والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی بکانون کاروآموزش تشریف
میرند و در مراسم تحویل سال نو ، با تفاق کودکان کانون شرکت میفرمایند و آنان را مورد
تقد قرار میدهند .

کانون آسایش



کانون آمایش

نواخانه سابق - بموجب پیشنهاد سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی و موافقت والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی نیابت ریاست عالییه سازمان، در اوایل اسفند ماه ۱۳۲۸ نواخانه شهرداری واقع در خیابان گوته (سربازخانه نایب السلطنه و محل سابق کلانتری سوار) بسازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی تحویل گردید .



منظره‌ای از باغ کانون آمایش

در این مؤسسه مشتی مردم درمانده و معلول و از کار افتاده در اتاقهایی که بکلی فاقد نور و هوا بود ، برزیلوهای پاره و فرسوده و بر روی زمین مرطوب زندگی میکردند ، پوشش این بینوایان از فرط استعمال ، چون جامه گدایان پاره و پراز وصله های رنگارنگ بود . غذای این عده از نان ، خرما و حلوا و احياناً آش و آبگوشت ساده ای تجاوز نمیکرد . از دوا و درمان و بهداشت معلولین اثری دیده نمیشد و هر روز عده ای از این بینوایان بسالن تشریح دانشکده پزشکی تهران منتقل میشدند .

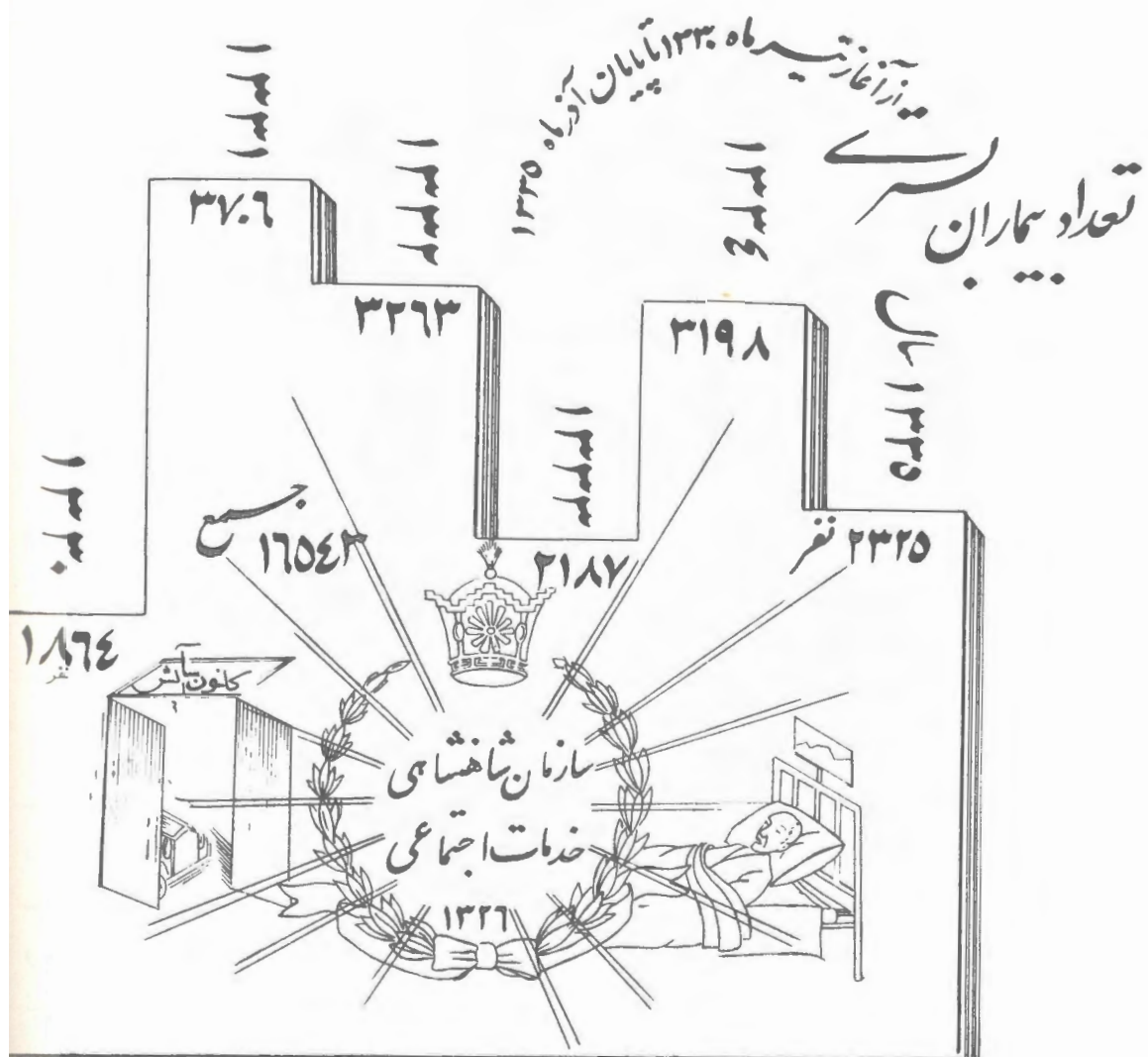


والاحضرت از کانون آسایشی بازدید میفرمایند

در برابر این محوطه ، مزبله دانی شهرداری قرار داشت که بوی نامطبوع و متعفن آن ساکنین خانه های اطراف و عابرین را ناراحت و معذب میداشت . اتاقهای داخل محوطه ، غرق در ناپاکی و دیوارها سیاه ، سقف ها کوتاه و داخل اتاقها تاریک و وحشت آور بود ، و عبارت ساده تر ، اصطبل اسبق کلانتری سوار بهمان وضع و شکل ، با اندک تغییری بصورت مسکن و مأوی مشتی علیل و دردمند درآمده بود . در محوطه آسایشگاه ، از درخت و گل و آب خبری نبود و چون کویر لوت ، جز خاک و شن چیزی در آن بچشم نمیخورد . در هر گوشه ای از محوطه ، انبوهی از زباله انباشته شده بود که خود کانونی از امراض را تشکیل داده بود . مختصر بارانی کفایت میکرد که این خاک و کثافت را بصورت گل ولای در آورده و عابرین را تا زانو در لجن زاری

فرو برد. در وسط محوطه، بمعمول کاروانسراهای قدیم، آب انبار سرپوشیده و مخروبه‌ای وجود داشت و نفرات ناینا و معلول، بحکم اجبار، بزحمت از پله‌کانی کم عرض و پرشیب به پاشیرهایی تاریک میرفتند و آبی آلوده و پراز کثافت را برای آشامیدن خود برمیداشتند.

آغاز اصلاحات - در چنین وضع و کیفیتی، سازمان شاهنشاهی اداره نواخانه را که بنام آسایشگاه معلولین (کانون آسایش فعلی) نامیده شده بعهده گرفت. ابتدا موضوع خوراک و وضع بهداشت معلولین و سپس اصلاح مسکن آنها مورد توجه و وجهه همت سازمان قرار گرفت. پس از ایجاد آشپزخانه و خبازخانه‌ای بمعنای حقیقی، چون زندگی نفرات معلول در آن



نموداری از معنایین



گوشه‌ای از آشپزخانه



.... و گوشه‌ای از لالوخاله ...

طاقهای سیاه و کثیف و وحشت‌آور بر زمینهای مرطوب ، شایسته نبود ، طاقهای تازه‌ای ساخته شد و در تمام طاقها ، تخت‌خوابهای آهنی تعبیه گردید. بهداری مجهزی برای درمان معلولین ایجاد شد و چون وضع خوراک و بهداشت و آسایش معلولین بهبود کامل یافت ، اسفالت کاری و گلکاری و درختکاری محوطه کانون شروع شد . آب‌انبار سرپوشیده و قدیمی بصورت یک استخر بزرگ درآمد. حمام زیبا و مدرنی که مسلماً در دستگاههای عمومی کم نظیر است برای



... وگوشه‌ای از حمام کانون آسایش

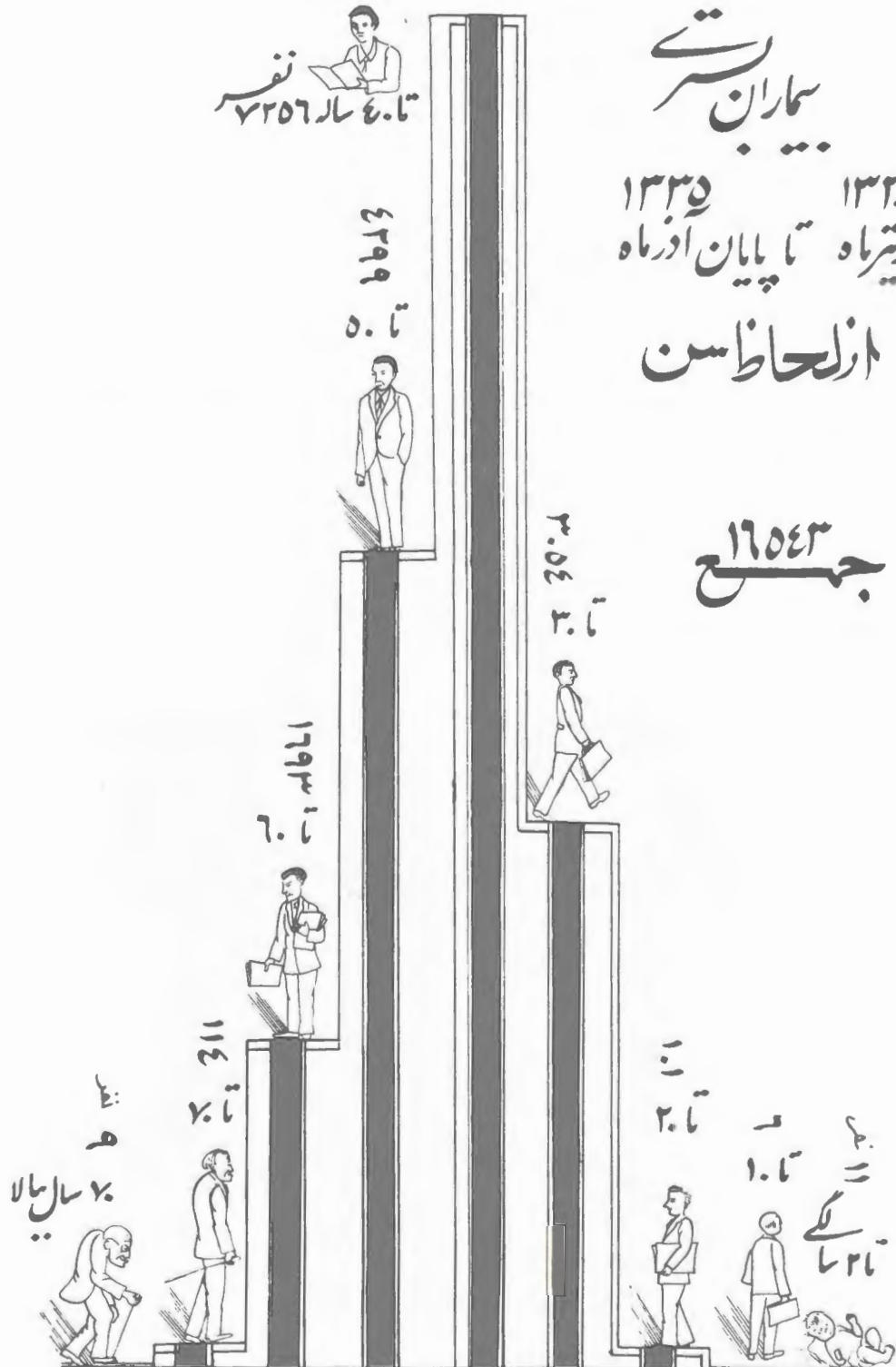
استحمام و نظافت نفرات کانون بنا شد و چاه عمیقی به عمق ۱۵۰ متر حفر شد و تلمبه‌ای بر آن نصب گردید ، بطوریکه فعلاً از مازاد آب چاه مزبور، همسایگان اطراف کانون استفاده میکنند. برج آبی بارتفاع بیست متر برپاگشت و یک شبکه لوله کشی در تمام قسمتهای کانون بوجود آمد و در نتیجه بذل این مساعی و صرف هزینه‌ای در حدود پنج میلیون ریال ، این محل بصورت یک بیمارستان مجهز ، مرکب از چندین بخش قابل استفاده در باغ زیبا و مصفاائی بوجود آمد .

سپاربان ستر

۱۳۳۵ ۱۳۳۴
از تیرماه تا پایان آذرماه

از لحاظ سن

جمیع ۱۶۵۴۳



نموداری از معادین

همان محوطه‌ای که تا پنج سال پیش ، مرکز تولید امراض بود و عابرین و همسایگان ازبوی نامطبوع آن در زحمت و عذاب بودند ، امروز در بخشهای داخلی بیمارستان آن، عده‌ای بیمار مبتلی بامراض گوناگون معالجه میشوند و همسایگان و مراجعین از صفا و زیبایی باغ انبوه ازگل آن ، لذت میبرند .

کانون آسایش - در نوروز سال ۱۳۳۱ که والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی برای دلجوئی از پادرافتادگان دردمند ، شیرینی عید را در میان بینوایان آسایشگاه معلولین صرف نمودند ، چون زندگی دردمندان را قرین آسایش ملاحظه فرمودند ، آسایشگاه معلولین بنام کانون آسایش نامیده شد .

کلاس نایینیان - در کانون آسایش یک کلاس درس و کارگاه حرفه‌ای برای آموزش نایینیان (که اکنون بکانون کار و آموزش سازمان شاهنشاهی منتقل شده است) تحت تعلیم دونفر مربی آموزش و پرورش که مدت یکسال بهزین سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی در امریکا مطالعاتی در امر تعلیم و تربیت نایینیان نموده بودند دائر گردید و نایینیان از نعمت سواد بهره‌مند شده و کارهای دستی فرا گرفتند و نیز جمعی از آنها ، زیر نظر استادان موسیقی ، این هنر را آموختند .

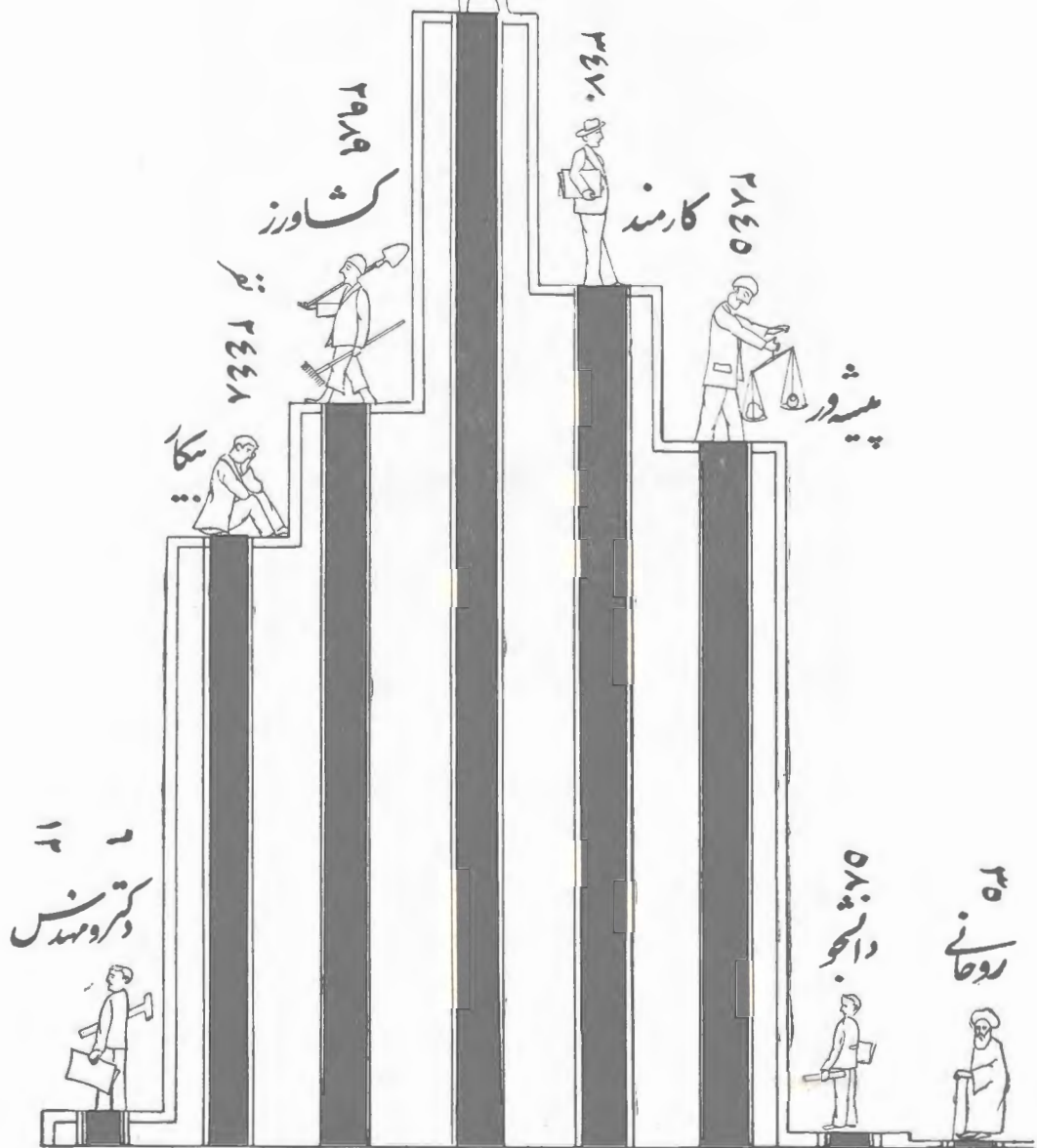


برج آب کانون آسایش که بیست متر ارتفاع دارد

نمودار میزان بستری‌های شغل

جمع ۱۶۵۶۳

کارگر ۱۵۵۶



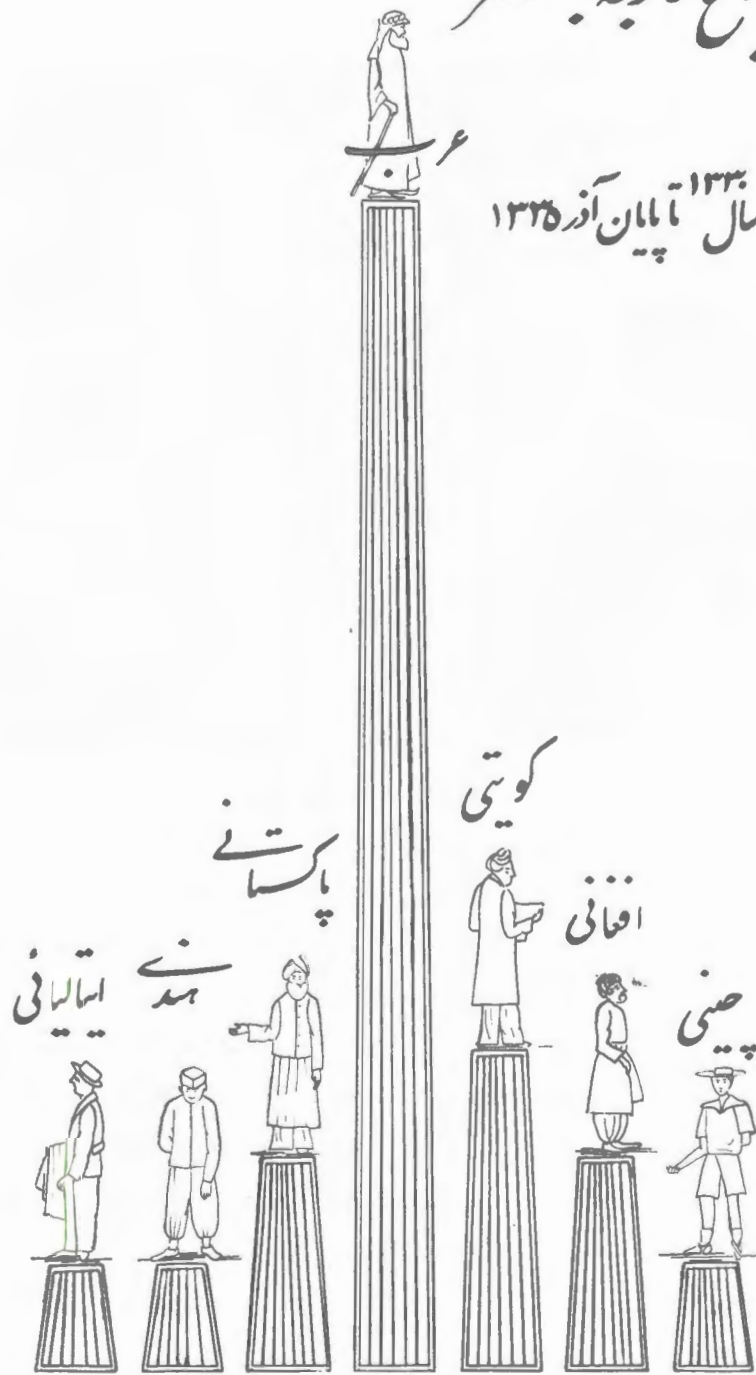
نموداری از معادین



درمان معتادین - اقدام پرارزش و بسیار مفید کانون آسایش این بود که در تیرماه ۱۳۳۰ بنا به پیشنهاد رئیس کانون آسایش و طبق تصویب والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی و هیئت مدیره سازمان شاهنشاهی، بخش مبارزه با تریاك در بهداری کانون آسایش افتتاح یافت و معتادینی را که در هیچ یک از بیمارستانهای تهران، تحت درمان قرار نمیگرفتند، با متد مخصوص و ابتکاری آقای دکتر احمدی رئیس کانون آسایش، تحت مداوا قرار داد. بخش مبارزه با تریاك از روز تأسیس مورد استقبال و هجوم معتادین قرار گرفت، بطوریکه امروز بخش مجهز و منحصر بفردی است که در خلورمیانہ برای درمان معتادین به تریاك - شیرہ - حشیش مرفین - کوکائین - هروئین و الکل وجود دارد و بهمین جهت از ممالک همسایه نیز برای درمان، باین بخش مراجعه میکنند و تا کنون تعدادی از اهالی پاکستان - افغانستان - عراق و حتی یکنفر چینی در این بخش تحت معالجه قرار گرفته اند.

نمودار مقابلیه اتباع خارجه بر سر

از آغا سال ۱۳۳۳ تا پایان آذر ۱۳۳۵



نموداری از معتادین

از تیرماه ۱۳۳۰ تا آخر بهمن ۱۳۳۵ تعداد ۱۶۷۶۴ نفر در بخش مزبور بستری شده و پس از بهبود کامل مرخص شده‌اند و در میان معتادین بستری شده، از کودک ۶ ماهه تا مرد ۷۰ ساله وجود داشته است .



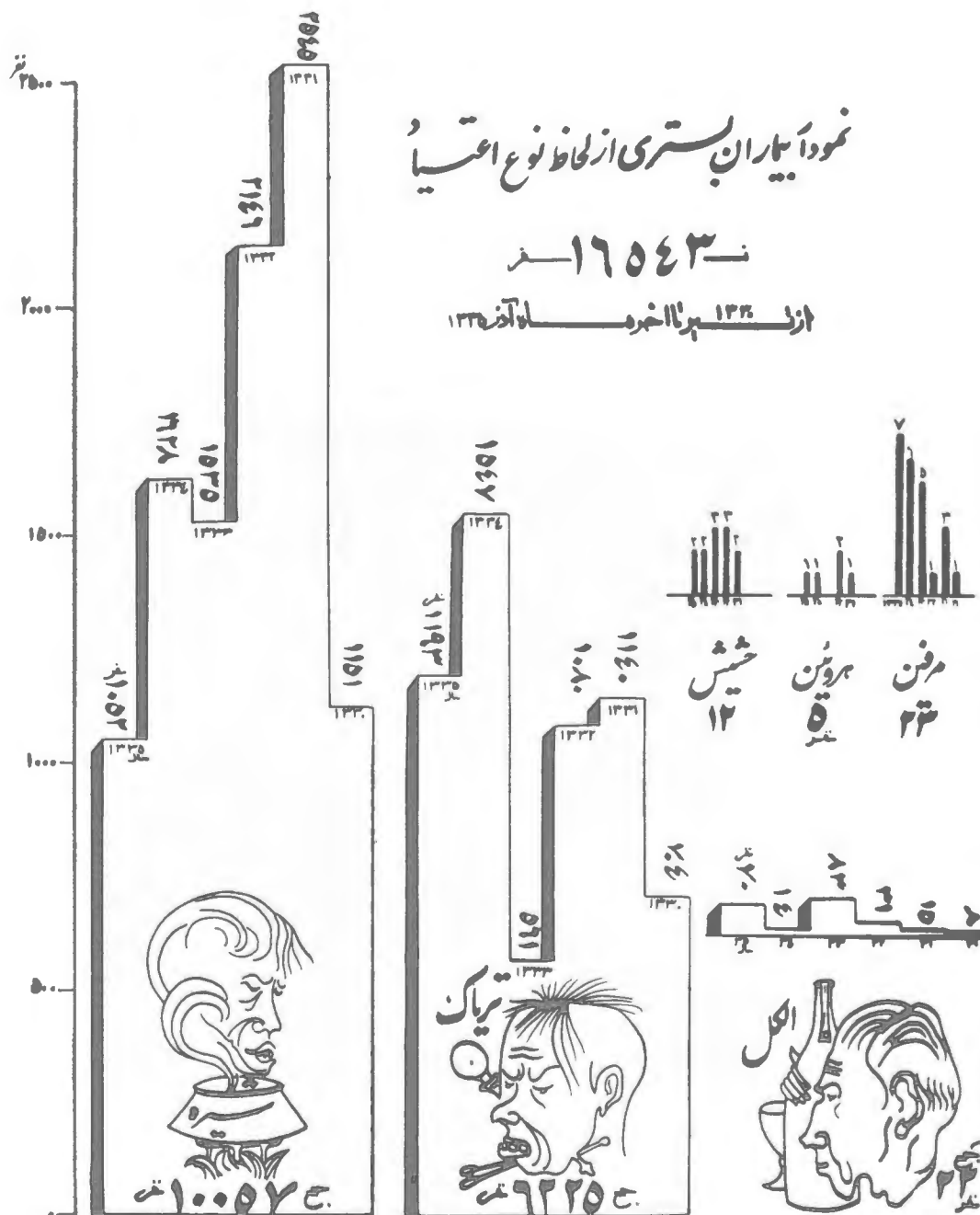
قسمتی از خوابگاه معلولین کانون آسایش

کلاس روستازادگان - در مهرماه ۱۳۳۳ حسب الامر اعلیحضرت^۱ همایون شاهنشاه ، در کانون آسایش کلاسی بمنظور تعلیم عده‌ای از روستازادگان ، برای فراگرفتن زبان آلمانی و مقدمات اصول کشاورزی تشکیل یافت و ۵۰ تن از روستازادگان موقوفه املاک پهلوی ، با شوق و شعف و فعالیت بی نظیر ، مدت ۶ ماه در کلاس مزبور تحت تعلیم قرار گرفتند و در فروردین ۱۳۳۴ برای ادامه تحصیلات عازم آلمان شدند .

زندانیان معتاد - در سال ۱۳۳۴ بنابه پیشنهاد شهربانی کل کشور و موافقت سازمان شاهنشاهی ، تعداد ۷۴۵ تن از زندانیان معتاد ، برای ترك اعتیاد بخش مبارزه با تریاك کانون آسایش انتقال یافته و با تدابیر و مراقبتهائی که از طرف کانون آسایش نسبت بمعالجه زندانیان بعمل آمد ، همگی پس از بهبود کامل مرخص شدند .

کلاس پزشکیاری - در اواخر سال ۱۳۳۴ ، طبق تصویب هیئت مدیره سازمان ، برای تربیت عده‌ای پزشکیار تحصیل کرده ، کلاس مخصوصی بهزین سازمان شاهنشاهی برای مدت ۶ ماه در کانون آسایش ، زیر نظر پزشکان کانون تشکیل گردید و ۷۰ تن زن و مرد در کلاس

از ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۵



نموداری از متادین

مزبور بتحصیل دروس علمی و عملی پزشکیاری مشغول شدند و دانش آموزانی که در امتحانات توفیق حاصل نمودند ، باخذ گواهینامه‌ای از دست والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی نیابت ریاست عالیہ سازمان مفتخر گردیدند و در بیمارستان نکوئی قم یا در مؤسسات و درمانگاههای دیگر سازمان شاهنشاهی مشغول خدمت شدند .

* * *



والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی هنگام بازدید کانون آسایش : یکایک
معتادینی را که در کانون بتری بودند عیادت و از آنان
دلجویی فرمودند .

نموداً بیماران ستر

۱۶۵۴۳ نفر



۱۳۱ بی فکری

از سال ۱۳۳۲ تا
شماره ۱۳۳۵



۳۵۵۶ معاشرت

از لحاظ علت اعتماد



۲۵۱۴ مشروبخواری



۲۰۱۹ بیماری‌ها معلوم



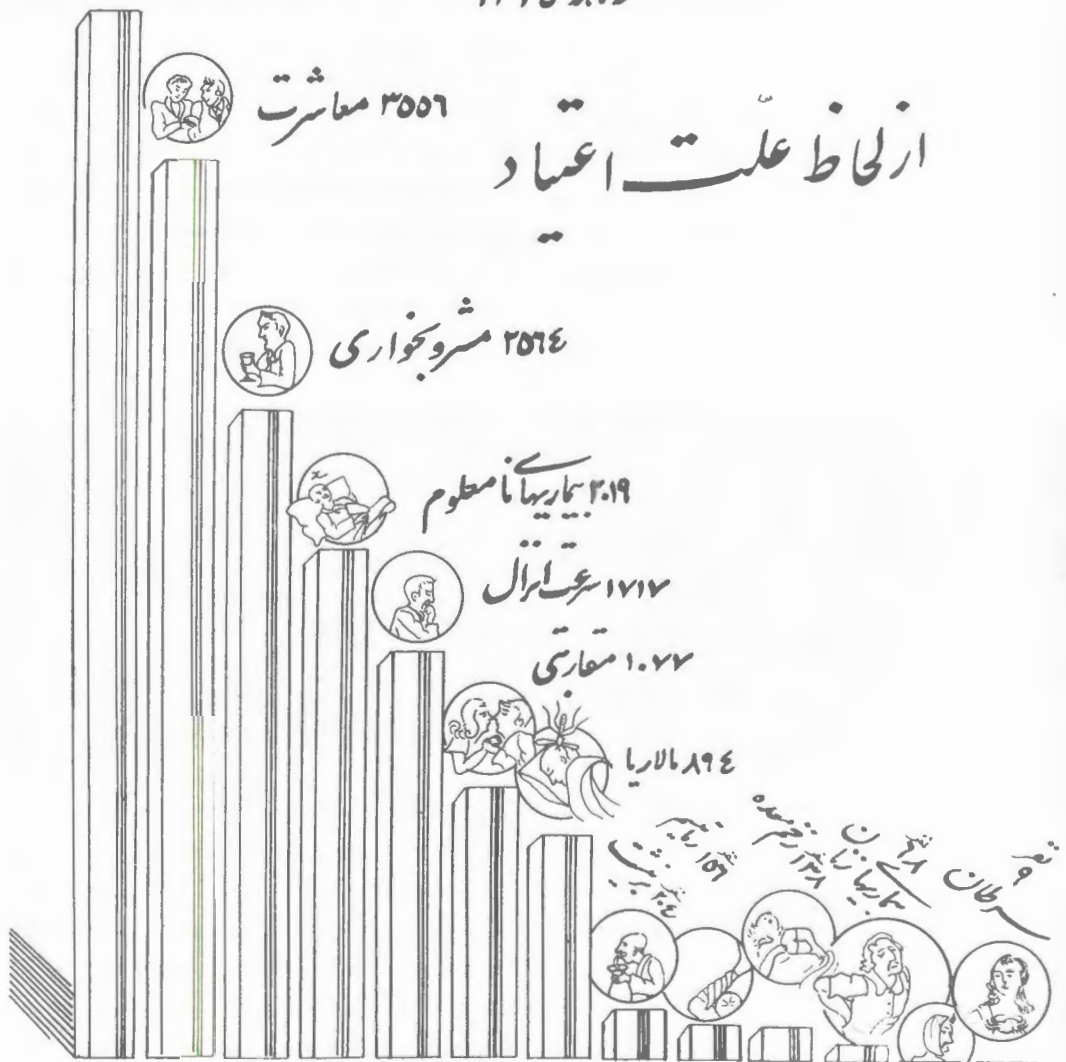
۱۷۱۷ اعتدال

۱۰۲۲ معارفی



۸۹۴ مالاریا

نموداً سرطان
بیماری‌ها معلوم
۱۵۱۹ بیماری‌ها معلوم



نموداری از متادین

گزارش مصور از درمان معتادین



هر بیمار با در دست داشتن برگ معرفی نامه یا تقاضا، باید نخست بازرسی کانون آسایش مراجعه کند. رئیس بازرسی برگ معرفی نامه یا تقاضا را با مشخصات بیمار تطبیق نموده، ضمن اظهار نظر درباره وضع مادی وی، آنرا بنظر رئیس کانون میرساند و طبق دستور رئیس کانون، در صورتیکه بیمار بی بضاعت باشد، برایگان و در صورت داشتن استطاعت با دریافت مبلغی بعنوان کمک، کارت نوبت برای او صادر میشود.



معتادین برحسب معرفی اشخاص مورد اعتماد بکانون آسایش مراجعه مینمایند، در بین مراجعه کنندگان از تمام طبقات اعم از غنی و فقیر مشاهده میشوند و چون تبعیضی در کار نیست، همه مانند هم و در کنار هم بستری میشوند و تحت درمان قرار میگیرند. فقط از کسانی که بضاعت دارند مبلغ بسیار کمی (بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ ریال) بعنوان کمک دریافت میشود. این مبلغ در قبال هزینه ای که سازمان شاهنشاهی برای درمان هر معتاد متحمل میشود، فوق العاده ناچیز است.



معتادینی که کارت نوبت دریافت داشته اند، در روز مقرر جهت بستری شدن بکانون آسایش مراجعه مینمایند. پس از تطبیق عکس و مشخصات شناسنامه با آورنده کارت، معتادین مورد بازرسی دقیق قرار میگیرند. علت این بازرسی آنست که چون اغلب معتادین نمیدانند که ترك تریاک در کانون آسایش تا چه اندازه سهل و آسان انجام میگیرد، باینجهت سعی دارند با خود تریاک یا شیر و دارو بکانون نمایند. داروخانه کانون، بجای تریاک و شیر، داروی شفا بخش آنان را تأمین میکند.



کارت نوبت، طبق نمونه مخصوصی از طرف کانون تهیه و چاپ شده است و حاوی مشخصات بیمار و روز مراجعه و تاریخ بستری شدن اوست. گاه کثرت مراجعه معتادین باندازه ای است که اگر بیماری بکانون مراجعه نماید، حداقل باید مدت دو ماه و نیم تا سه ماه صبر کند تا نوبت بستری شدن او برسد. کارت نوبت بیماران، غیر قابل انتقال است و چون مشخصات بیماران بطور کامل در آن درج شده، سوء استفاده از آن عملاً غیر ممکن است.



در دفتر بخش مبارزه با تریاك ، ورقه شرح حال معتاد پر میشود . سابقه شخصی و سابقه خانوادگی و همچنین مقدار و مدت اعتیاد و نوع سمی که بیمار بآن اعتیاد دارد ، سؤال میشود . نکته مهم آنست که علت اعتیاد معتادین کشف شود و دلیلی که آنان را باین ورطه هوسناك سوق داده است بلست آید .



پس از بازرسی ، معتادین بلفتر بخش مبارزه با تریاك هدایت میشوند . در بین معتادین از كودك ۶ ماهه تا مرد ۷۰ ساله و كارگر - كارمند - دكتر - مهندس - دانشجو - هنرمند - پیشه‌ور - بیکار و حتی از اتباع خارجی وجود دارد . از تیرماه ۱۳۲۹ تا آخر آذرماه ۱۳۳۵ بخش مبارزه با تریاك موفق به ترك اعتیاد ۱۶۵۴۳ معتاد به هروئین - كوكائین - مرفین - تریاك - شیر و الكل شده است . از این عده ۱۴۰۱۱ تن مرد و ۲۵۳۲ تن زن بوده‌اند .



بیماران در ساعات معین در باغ زیبا و وسیع كانون بگردش و تفریح میپردازند و گلکاری زیبا و هوای فرحبخش كانون بآنها شغف و نشاطی مخصوص میبخشد و در خلال این استراحت بوسیله بلندگو از نغمات موسیقی رادیوی كانون نیز استفاده میکنند . معتادینی که در مدت اعتیاد خود هرگز نتوانسته‌اند از نسیم روح پرور صبحگاهی بهره‌مند شوند در كانون همه روزه با رغبت تمام قبل از طلوع آفتاب از خواب برمیخیزند .



معتادین پس از بستری شدن ، بلافاصله تحت معاینه دقیق طبیبی قرار میگیرند و دستور داروئی آنها از طرف رئیس بیمارستان داده میشود . غالباً بیماران علاوه بر اعتیاد ، مبتلا بامراض دیگری مانند برنشیت - مالاریا - فشار خون - بیماریهای قلبی و رماتیسم نیز هستند که ضمن ترك اعتیاد خود از آن جهات نیز معالجه میشوند ، و با بهبود کامل ، تحت بیمارستان را ترك میکنند .



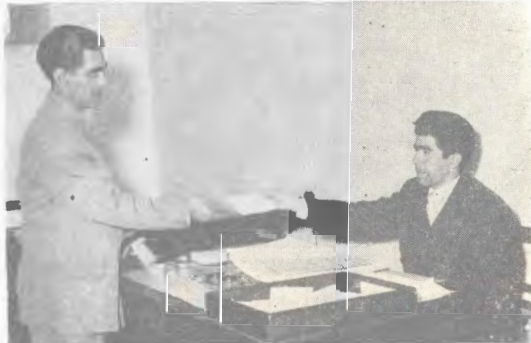
پزشکیاران و پرستاران کانون فوق العاده مؤدب و در کار خود مجرب هستند و دستورات داروئی بیماران را در موقع مقرراجرا میکنند. معتادین در مدت معالجه احساس کوچکترین ناراحتی و یا خماری نمیکنند. طریقه درمان معتادین بی نهایت خوب است و تمام خارجیانی که از بخش مبارزه با تریاک کانون آسایش دیدن کرده اند، متد درمان معتادین را ستوده اند. مثلاً پرفسور (دوزال) استاد دانشکده طب پاریس، این متد را منحصر بفرد دانسته است.



بیماران، همه روزه بوسیله اطباء کانون، مورد معاینه قرار میگیرند و دستورات داروئی لازم را دریافت میدارند. علاوه بر این در تمام مدت شبانه روز همیشه چند تن کارورز در کانون هستند و اگر بیماری، کوچکترین ناراحتی احساس کند، فوراً درمان میشود. برای همین دقت و مراقبت است که از بیش از دوهزار تن معتادی که تا کنون در بخش مبارزه با تریاک بستری شده و تحت درمان قرار گرفته اند حتی یک نفر نیز تلف نشده است. استقبال مردم از این بخش گذشته از توجه بمتد خاصی که برای معالجه معتادین دارد، بیشتر بخاطر مراقبت هائی است که از بیماران بعمل میآید.



معتادین پس از آنکه مرخص شدند، با نشاط و شغی زاید الوصف، برای دریافت گواهی نامه و برگ عدم اعتیاد خود بدفتر مراجعه مینمایند و پس از گرفتن گواهی، شاد و خندان کانون را ترك میکنند و در برابر این خدمت گرانها، صمیمانه از همه کارکنان کانون اظهار تشکر و سپاسگزاری مینمایند.



معتادین در پایان دوره معالجه، بتشخیص پزشك کانون مرخص میشوند و دستور و نسخه لازم را میگیرند. به بیماران بی بضاعت هنگام ترك کانون، مقداری داروی رایگان برای تقویت داده میشود، بیماران دفترچه های بهداشتی مخصوصی دارند و پس از خروج نیز هروقت احساس ناراحتی کردند میتوانند بکانون مراجعه نمایند.



بخش کمک بامادران و کودکان

رسیدگی بوضع زندگی نوزادان خانواده‌های بی‌بضاعت و تأمین خوراک و پوشاک و کوشش برای حفظ حیات و سلامت آنان یکی از هدفهائی بوده که طبق بند پنجم از ماده دوم اساسنامه، اجراء آن بعهدمسازمان گذاشته شده است. این ماده تصریح دارد باینکه توجه ببهداشت کودکان فقیر و بی‌پرستار، باید از اهم وظائف سازمان شاهنشاهی بشمار رود.

برای اجراء این وظیفه، بخش کمک بامادران و کودکان برپاشد. این بخش تحت سرپرستی بانو ارفع قرار دارد و برنامه کار خود را در چهار شعبه‌ای که در چهار نقطه از شهر تهران دائر است، انجام میدهد. این شعبه‌ها در جاهائی از شهر تهران قرار دارد که بیشتر مردم آن فاقد توانائی لازم برای پرورش کودکان خود هستند و عدم بضاعتشان آشکارتر است. این شعبه‌ها تقریباً دور از مرکز شهر قرار گرفته و درانتخاب محل آنها دقت شده است که هر کدام با دیگری در حدود سه کیلومتر فاصله داشته باشد.

هدف و برنامه کار

چهار شعبه کمک بامادران و کودکان، همگی مشی واحدی را پیش گرفته اند که عبارتست از: حمایت کودکان و مادران بی‌بضاعت فاقد وسیله.

سازمان شاهنشاهی معتقد است که محیط پرورش کودکان یعنی خانه، در پی افکندن سعادت جامعه حائز کمال اهمیت است. زیرا در محیط خانه است که پایه‌های کاخ زندگی آینده افراد جامعه بنا میشود و اساس تربیت اخلاقی و جسمانی افراد را دوام و قوام میدهد و هم در این محیط است که شخصیت افراد بوجود می‌آید و در آینده بهمان شکل استحکام می‌پذیرد. بهمین جهت برای آنکه بتوان پایه اولیه حیات اجتماعی افراد را در محیطی سالم و خالی از فساد قرار داد، باید اسباب و لوازم رشد و رفاه را برای اطفال فراهم ساخت و نیازمندیهای کودکان و خانواده‌های بی‌بضاعت را بطور دائم ویا موقت مرتفع ساخت و باید مادران مستمند را آنقدر

قدرت بخشید تا بتوانند اندکی از غم تلاش معاش آسوده شوند و بیشتر به تربیت و بهداشت اطفال خود برسند و فرزندانی بهتر تحویل اجتماع دهند.



مادرانی که کمک‌هایی دریافت داشته‌اند، از شعبه خارج می‌شوند

بخش کمک بامادران و کودکان تأمین قسمتی از نیازمندیهای کودکان بی بضاعت را قبول کرده و در این مورد اقدام میکند. حدود وظائف و توانائی این بخش باینقرار است:

الف - کمک بتغذیه کودکان بوسیله دادن مواد خوراکی مانند شیرخشک - برنج - روغن ماهی و نظایر آن.



توزیع برنج

ب - کمک
بپاکیزگی کودکان
بوسیله دادن صابون
رختشوئی و اصلاح سرو
شستشوی بدن کودکان
و گندزدائی آنها بوسیله
گرد (د. د. ت) و
نظارت کامل و دقیق
در نظافت آنها.

ج - حفظ و
حراست بدن کودکان
بوسیله دادن پوشاک
کافی زمستانی و تابستانی
و تأمین سوخت زمستانی
خانواده آنها.

د - مراقبت بهداشتی و معاینه و مداوای طبی زیر نظر پزشک و دادن داروی رایگان

و در صورت لزوم فرستادن
کودکان مریض یا مادران
بیمار و باردار برای بستری
شدن به بیمارستانها و
زایشگاهها و جلوگیری
از تلف شدن اطفال بوسیله
تلقیح واکسنهای مختلف
برای آمادگی در برابر
بیماریها.



توزیع شیرخشک

هـ - آشنا ساختن

مادران بطرز نگهداری
کودکان و تربیت آنان
بر مبنای صحیح و بر طبق
اصول بهداشت مانند
آموختن طرز تهیه غذای
اطفال و یا قنداق کردن
آنها.

اطلاعات کلی

اول: هر يك

از شعبه ها زیر نظر خانمی

که سمت مدیر مسئول را

دارد و بوسیله سازمان



توزیع دارو

اداری کوچکی مرکب از پزشک یا ماما - دفتر دار و مستخدم و سرایدار اداره میشود.

دوم: هر شعبه در هفته دو روز بعد از ظهرها دایر است و در این روزها، طبق برنامه



توزین کودکان

معینی ، مادران بی بضاعت
باتفاق کودکان خود بشعبه
مراجعه میکنند و با ارائه
کارت خانوادگی ، اجناسی
را که مقرر است دریافت
میدارند و فرزندانشان بوسیله
پزشک شعبه معاینه و مداوا
میشوند.

این مادران از خانواده های بی بضاعت پرعائله ای هستند که ابتدا بشعبه مراجعه میکنند و عدم بضاعت خود را اظهار میدارند و نشانی منزل خود را میدهند. مدیر مسئول شعبه بيازرسى منازل آنها میپردازد و اطلاعات کافی درباره چگونگی زندگانی سرپرست خانواده - تعداد فرزندان و شغل و طرز معیشت وی و حالت مزاجی



در خارج ، منتظر شروع کار شعبه هستند

اطفال بدست میآورد و چنانچه این خانواده را شایسته حمایت شعبه تشخیص داد ، پرونده مخصوصی برای هریک از کودکان آن خانواده تهیه و تنظیم میشود. اطفال از موقع تولد تا نه سالگی مورد حمایت شعبه قرار میگیرند و در آغاز هر سال تحصیلی ، اطفالیکه بسن هفت رسیده اند ، بنزدیکترین دبستان معرفی و فرستاده میشوند.



برای کودکان دوقلوبش ، دوسهمیه دریافت میکند

سرپرست هر كودك
با كودكان خود ، هر
دو هفته يكبار بشعبه مربوط
مراجعه ميكند . نخستين
اقدام شعبه آنست كه
كودك را مورد معاينه
بهداشتي قرار ميدهند و
چنانچه بيمار باشد ب مداوای
او ميپردازند و داروی
رايگان در اختيار مادر
طفل ميگذارند و دستور



در داخل ، متظر رسيدن نوبت خود هستند

لازم نيز ميدهند تا در منزل بمعالجه طفل ادامه دهند . چنانچه بيماری طفل يا مادري ، شديد باشد



پزشك شعبه ، مادر بيماری را درمان ميكند

وسائل اعزام آنها ييكي از
بيمارستانها و تسهيلات
ديگر براي معالجه ازطرف
شعبه فراهم ميگردد ،
مادران بارداری كه تحت
حمایت شعبه هستند بزائشگاه
هدايت ميشوند و پس از
وضع حمل ، طفل جديد الولاده
آنها نيز تحت حمايت شعبه
قرار ميگيرد .

سوم: در هر یک از شعبات، طرز استحمام و شستشوی کودکان و قنداق کردن نوزادان، ب مادران آموخته میشود. برای مبارزه با حشرات موذی و مصون نگه داشتن کودکان، هر یک از شعبات بمقدار کافی گرد (د-د-ت) در اختیار مادران میگذارند و نیز برای اینکه از ابتلاء اطفال به بیماریهای مهلک جلوگیری شود، همه ساله در فصول مختلف، واکسنهای امراض مانند حصبه و آبله و دیفتری بکودکان تلقیح میگردد.



مادران، بدقت بدستورهای بهداشتی که بآنان داده میشود گوش فرا داشته اند

بطور کلی در رعایت بهداشت کودکان، هیچ نکته ای فروگذار نمیشود. در هر ماه برای هر طفل یک قالب صابون رختشوئی ب مادر وی تسلیم میگردد. در دو سال اخیر، مقدار زیادی صابون عطری دستشوئی نیز بین مادران بنسبت تعداد اطفال تقسیم شده است. بعلاوه مقدار زیادی کبسول روغن ماهی و حبهای ویتامین و غیره ب مادران و اطفال داده شده، و برای تأمین سوخت زمستانی خانواده ها در چهار ماه از سال بهر خانواده یکصد و بیست کیلو ذغال داده میشود.

چهارم: از لحاظ مواد خوراکی نیز این خانواده ها مورد حمایت هستند. برای اطفال نوزاد، هر ماه بتفاوت از یک کیلو تا دو کیلو شیر خشک داده میشود و باطفال بزرگتر هر دو هفته

یکبار یک کیلو برنج تسلیم میگردد. جمعی از خانواده ها از کمک استمراری شعبه برخوردار نیستند و فقط برای نوزادان خود از سهمیه شیر خشک استفاده میکنند. این قبیل خانواده ها دارای کارت موقت اند. یعنی مجازند که بتشخیص پزشک یا مامای شعبه شیر خشک دریافت دارند.

پنجم: در مورد پوشاک، برای کودکان نوزاد هر سال یک دست قنداق با لوازم کامل مانند کهنه و مشمع و لچک و غیره و نیز دو دست لباس زمستانی و تابستانی و دو پیراهن زیر و یک ژاکت پشمی دستباف منظور شده است. باطفال بزرگتر، دو دست لباس تابستانی و زمستانی - دو پیراهن زیر - دو شلوار - دو جفت کفش (گیوه برای تابستان و گالش برای زمستان) یک ژاکت و دو جفت جوراب پشمی دستباف داده میشود. ژاکت و جوراب های پشمی را مادران اطفال در مقابل دریافت دستمزدی معادل هر پنجاه گرم کاموا ده ریال برای شعبات میافند.

ششم: در خلال رسیدگی به خانواده ها و مراقبت وضعیت کودکان نیازمند، شعبه ها از کمک ها و مساعدتهای دیگر برای تسکین آلام و تخفیف مشکلات زندگانی پدران و مادران و رفع اختلافات خانوادگی آنها و آشناساختن مادران بوظیفه مادری، درین و مضایقه نمیکند



متصدیان شعبه ها، از بذل کمال مراقبت و دلسوزی درباره مادران، فروگذار نمیکنند

و در مورد لزوم، برای رعایت نظافت و بهداشت کودکان و مراقبت آنها همیشه نصایح مشفقانه و توصیه‌های سودمند باولیاة کودکان میکنند که غالباً جنبه تعلیم و تربیت آموزگاری پیدامیکند.

شعبه‌ها

بخش کمک بمادران و کودکان تا امروز بوسیله شعبات چهارگانه، وظائف خود را بنحو احسن انجام داده است و نتایج فعالیتهای آن گواه صادقی است بر ارجمندی این خدمت بزرگ. اینک اجمالاً هر یک از شعبه‌ها معرفی میشوند.

شعبه ۱- در شمال شرق تهران واقع شده است. این شعبه در خرداد ۱۳۲۸ در کوچه کیهان از خیابان گرگان افتتاح شد. در این ناحیه غالباً خانواده‌های پر جمعیت و بی بضاعت سکونت دارند.

شعبه ۲- از تاریخ یازدهم مرداد ماه ۱۳۲۷ در خیابان دروازه امامزاده حسن واقع در جنوب غربی تهران شروع بکار کرد.

شعبه ۳- در تاریخ ششم آبانماه ۱۳۲۷ این شعبه در سه راه طرشت، خیابان اسکندری واقع در شمال غرب تهران، که یکی از پرجمعیت‌ترین نواحی پایتخت و مرکز اجتماع خانواده‌های بی بضاعت است تأسیس شد.

شعبه ۴- این شعبه در تاریخ نوزدهم شهریورماه ۱۳۲۶ افتتاح شد. چون مردم مستمند تهران، بیشتر در حوالی گودالهای جنوب شهر زندگی میکنند، باینجهت این شعبه در خیابان مولوی، نزدیک باغ فردوس ایجاد گردید.

کودکان شعبه‌ها کمابیش بین ۲۵۰ تا ۲۶۰ تن هستند که از میان ۱۳۰ تا ۱۴۰ خانواده بی بضاعت انتخاب میشوند و تحت حمایت قرار میگیرند. بودجه و مقدار مخارج شعبه‌ها همگی یکسان است.

چهار شعبه مزبور تحت نظر بانوان قدسی عنایت - مهین افشار قاسملو - پروین انصاری ولوئیز ماکوئی اداره میشود.

آمار کمک‌های سالانه بخش کمک بمادران و کودکان

نوع جنس	مقدار	تعداد استفاده کنندگان
شیر خشک	۱۲۰۰۰ کیلو	۸۰۰ کودک
برنج	۲۵۹۲۰ کیلو	» ۱۰۰۰
صابون	۱۳۰۰۰ قالب	» ۱۰۰۰
کفش	۹۲۰ جفت	» ۹۲۰
جوراب	۲۰۰۰ جفت	» ۱۰۰۰
ژاکت	۱۰۰۰ عدد	» ۱۰۰۰
لباس	۲۰۰۰ دست	» ۲۰۰۰
خاکه و ذغال	۱۶۲۰۰ کیلو	۵۴۰ خانواده



بنگاه اشرف

بنگاه خیریه والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی در سال ۱۳۲۱ افتتاح گردید و نخست با بودجه ای که توسط خاندان سلطنتی و عده ای از نیکوکاران تأمین میشد بکار آغاز کرد. اما پس از آنکه سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی تأسیس شد، کلیه بودجه این بنگاه توسط سازمان شاهنشاهی تأمین و پرداخت گردید.



نمای ورودی بنگاه اشرف



والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی در میان کودکان بنگاه خود

هدف اصلی این مؤسسه، تعلیم و تربیت اطفال بی بضاعت و ضمناً کمک به مادرانی است که بکار کردن ناگزیرند و وسیله نگاهداری اطفالشان را ندارند. این بنگاه روز بروز بر دامنه فعالیت خویش افزوده و بخشهای گوناگون خود را توسعه داده، بطوریکه در سال ۱۳۳۰ دارای بخشهای:

شیر خوارگاه - کودکستان - دبستان - دبیرستان - هنرستان - کارخانه پارچه بافی - درمانگاه و بخش کمک بوده است. در سال ۱۳۳۱ بواسطه قلت بودجه، قسمتهای پارچه بافی - شیر خوارگاه و کودکستان منحل گردید ولی در سال ۱۳۳۲ کسر بودجه مزبور مجدداً جبران و قسمتهای تعطیل شده (بجز پارچه بافی) دوباره بفعالیت پرداخت.

در حال حاضر بنگاه اشرف دارای ۲۷۰ کودک - ۸ کارمند - ۳۹ کارگر و ۴۰ تن افراد بازنشسته از قسمتهای مذکور است.

۱ - شیرخوارگاه - بچه های شیرخوار در این بخش پذیرفته میشوند و تا پایان دوره شیرخوارگی در آنجا نگهداری و بوسیله سرپرست و پرستارهای مخصوص تحت مراقبت قرار میگیرند و سپس بقسمت کودکانستان که در خود بنگاه است تحویل میشوند. البته کلیه وسائل زندگی از لحاظ شیر - خوراک - لباس و بهداشت آنان از طرف بنگاه تأمین میشود.



هر يك از شیرخواران ، تختی مخصوص خود دارند

۲ - کودکانستان - بچه های سه ساله تا هفت ساله در کودکانستان نگهداری و وسائل پوشاک - ورزش - بازی - رقص و موسیقی آنها را بنگاه فراهم مینماید.

۳ - دبستان - هنگامیکه کودکان بهفتمین سال عمر وارد میشوند ، بدبستان بنگاه معرفی میگردند و کلیه وسائل تحصیل آنها و نیز پوشاک و خوراک و بهداشت آنان از طرف بنگاه فراهم میشود و پس از آنکه دوره شش ساله ابتدائی را تمام کردند از بنگاه خارج و بجامعه تحویل میشوند.

۴ - دبیرستان و هنرستان - در صورتیکه در میان فارغ التحصیلان دبستان ، کودکانی باشند که بادامه تحصیل خود علاقه وافر داشته و نیز استعداد کافی داشته باشند ، بدبیرستان



والاحترت، بکودگار، بنگاه اداری علاقه‌ای. سرشار دارند



کودکان بنگاه اشرف ، همه سالم و با نشاط هستند

ویا هنرستان اعزام میگردند و بانان از طرف بنگاه کمک هزینه تحصیلی پرداخته میشود و پس از اتمام دوره دبیرستان ویا هنرستان ، کمک هزینه تحصیلی آنان قطع میشود .

۵ - **درمانگاه** - کودکان بیمار همه روزه بوسیله پزشک بنگاه معاینه و معالجه میشوند و داروهای لازم از طرف بنگاه تهیه و بوسیله پرستاران بانان داده میشود و درمورد لزوم بیمارستانها اعزام و بستری میگردند .

۶ - **بخش کمک** - در حدود چهل تن از بانوانی که سابقاً کار گر بنگاه بوده اند و اینک قادر بکار کردن نیستند ماهانه مبلغی بعنوان مدد معاش دریافت میدارند و در طی سال نیز ، عیدی و لباس از طرف بنگاه بانان داده میشود .

باین ترتیب بنگاه اشرف همه ساله گروهی دختر و پسر را که در نتیجه عدم استطاعت والدین خود بیم آن میرود که در سر اشیب سقوط و فنا قرار گیرند ، از خطر رهایی میبخشد و پس از آنکه آنانرا تحت تعلیم و تربیت شایسته قرار داد وافرادی کارآمد و با شخصیت بار آورد ، با اجتماع تحویلشان میدهد .



بزرگترها در يك سالن ...



... و كوچكترها در سالنی ديگر غذا ميخورند



والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی ، هرچندگاه یکبار بیازدید بنگاه اشرف میپردازند و برای بهبود وضع زندگی و تأمین آسایش و رفاه بیشتر ساکنین آن و تهیه وسائل بهتر برای پیشرفت امور بنگاه دستورهای صادر میفرمایند و نیز کودکان بنگاه را مورد لطف و نوازش خاص قرار میدهند .



ناهار خوری

باغ فردوس

وضع رقت آور کودکان بعد از جنگ جهانی اخیر ، و مرگ و میر زیاد آنها در بعضی از کشورها ، و مخصوصاً کمبود مواد غذایی لازم برای تغذیه آنان ، سازمان جهانی بهداشت را بر آن داشت که سازمانی بین المللی بنام (یونیسف) برای کمک بکودکان جهان ایجاد نماید . به پیروی این اصل بسال ۱۳۲۹ سازمانی در ایران بوجود آمد بنام کمیته ملی استمداد بنفع کودکان . نخستین گام سودمندی که مؤسسين این سازمان برداشتند آن بود که بالغ بر دو میلیون ریال اعانه جمع آوری نمودند و کمیسیون ملی انجمن تصمیم گرفت که با مبلغ مزبور در جنوب تهران بایجاد یک ناهارخوری برای مادران باردار و شیرده اقدام کند .

محل ناهارخوری در اراضی باغ فردوس و بمجاورت بنگاه اشرف در نظر گرفته شد و ساعت چهار بعد از ظهر روز پنجشنبه دهم اسفند ماه ۱۳۲۹ والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی ریاست عالییه کمیته ملی ایرانی استمداد ملل بنفع کودکان ، بمحل مزبور تشریف فرما شدند . گروهی از معاریف و رجال حضور داشتند . نخست آقای دکتر عباس نفیسی عضو هیئت مدیره کمیته مزبور که در این هنگام معاون وزارت بهداری بودند گزارشی بعرض رسانیدند و از جمله اظهار داشتند :

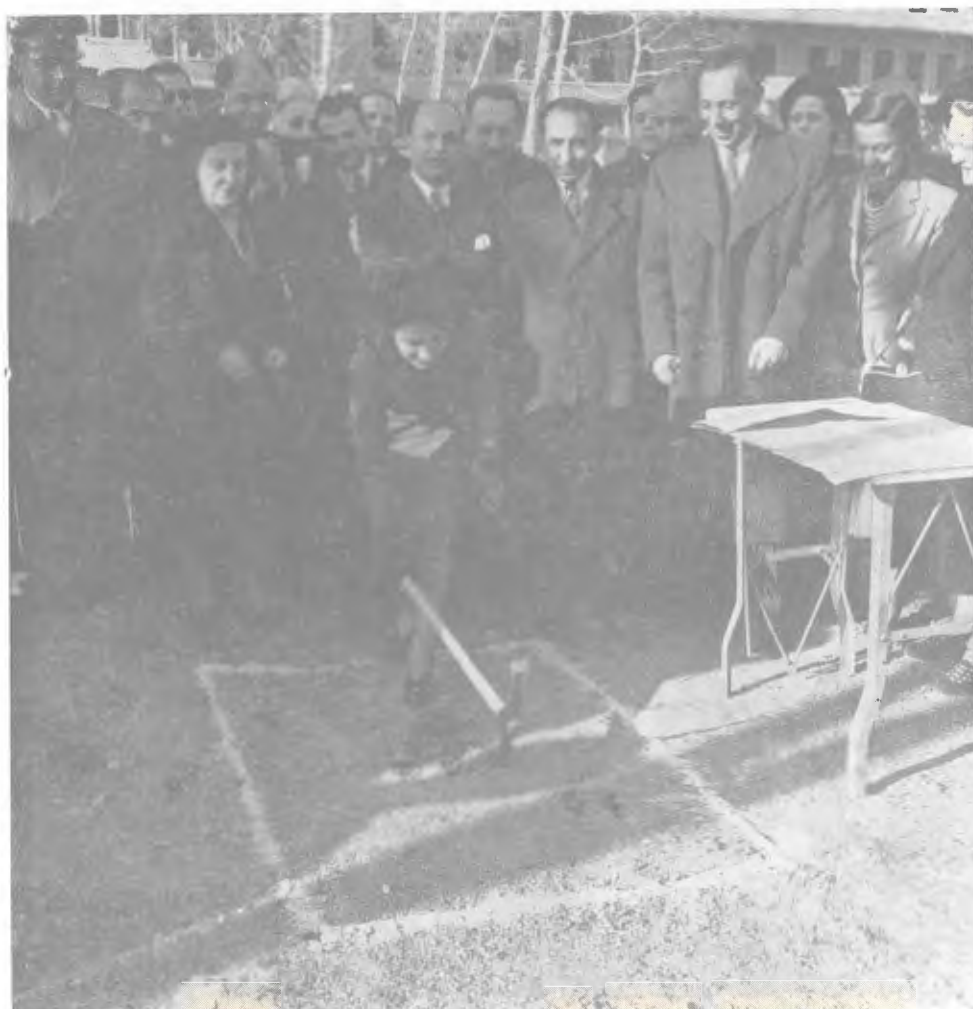
« ... محلی که امروز نخستین کلنگ ساختمان ناهارخوری مادران و کودکان بلست مبارک والا حضرت در آن بزمین زده میشود ، درسالهای پیش گورستانی غم افزا و بیغولهای محنت را بود که بفرمان شاهنشاه کبیر فقید ، بصورت محلی آباد و گردشگاهی مصفا درآمد و بنام باغ فردوس خوانده شد .

میتوان گفت انتخاب این نام در آن روز الهامی بود آسمانی که باگذشت ایام ، چگونگی آن بنحو کامل صورت حقیقت یافت . زیرا بهشت واقعی و فردوس برین آنجاست که خسته ای بیاساید و رنجوری شفا یابد و دل های پریشان در آنجا کسب آرامش کنند و برقلب ریش مستمندان مرهم لطف و عطوفت نهاده شود . حس شفقت و عشق خدمت بخلق که سرآمد احساسات بشری است و قلب شاهنشاه و افراد خاندان جلیل سلطنت چشمه فروزان آنست ، گورستان وحشتناک قدیم را در مدت چند سال تبدیل بمؤسسات خیر نموده که هریک چون غرفه ای از بهشت ، آرام بخش دل های خسته مستمندان و مرهم نه قلوب نیازمندان است .

کمیته ایرانی استمداد ملل متحد بنفع کودکان، امیدوار است تحت توجهات عالیه والاحضرت و با استفاده از کمکهای مؤسسه بین‌المللی (یونیسف) و بهمراهی و استعانت نیکوکاران ایرانی، قدمهای بزرگی در تأمین تندرستی کودکان کشور بردارد.

نظرباینکه یکی از مهمترین عوامل مرگ و میر کودکان در کشورها، فقر و ناتوانی و نداشتن وسائل تغذیه کامل مادران باردار و شیرده است، و اندام نحیف و گونه‌های رنگ‌پریده کودکان، شاهداین حقیقت تلخ است، کمیسیون ملی کمیته که از عده‌ای از متخصصین بهداشت کودکان تشکیل شده است از حضور مبارك استدعا نمود که اولین قدم کمیته، ساختمان و تأسیس یک اندرزگاه و ناهارخوری برای مادران و کودکان در این محل باشد. بطوریکه دستور صادر فرموده‌اند کمیته مصمم است در آتیه نزدیکی ساختمان اندرزگاه و ناهارخوری دیگری را در شرق و غرب تهران، و سپس در بعضی از شهرستانها آغاز نماید تا مادران و کودکان مستمندی که سرگرسنه بزمین می‌گذارند، از یک وعده غذای کامل برخوردار شوند...»

آنگاه والاحضرت در میان ابراز احساسات حاضرین، نخستین کلنگ ساختمان ناهارخوری را



والاحضرت، نخستین کلنگ ناهارخوری را بزمین می‌زنند

بزمین زدند. پس از آنکه ساختمان پایان رسید و ناهارخوری در محل فعلی که از پرجمعیت‌ترین مناطق جنوب تهران و از مراکز اجتماع مردم بی بضاعت است احداث گردید، سرپرستی آن بعهده سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی گذاشته شد.



نمای ورودی ناهارخوری باغ فردوس

برنامه فعالیت ناهارخوری بر روی اصول مشروح زیر تنظیم گردیده است و اجرا میشود:

۱ - تهیه یک وعده ناهار گرم و تازه و مقوی با کالری لازم طبق اصول بهداشتی برای تغذیه ۱۴۰ تا ۱۵۰ تن افرادی بشرح زیر:

الف - مادران باردار که استطاعت تهیه غذای مقوی و مناسب ندارند در تمام دوران بارداری .

ب - مادران شیرده و ضعیف المزاج تا زمانی که باطفال خود شیر میدهند.

ج - مادرانی که سرپرست و نان‌آوری ندارند و شخصاً متکفل مخارج کودکان خردسال خود هستند.

د - کودکان ضعیف‌البنیه - علیل - کم‌خون و بی‌بضاعت تا ده‌سالگی.

۲ - چون هدف اصلی این بنگاه کمک فوری و آنی برای تقویت مادران باردار و کمک پرورش جنین و سپس رشد و نمو جسمانی نوزادان و کودکان ضعیف است، برای اینکه این اقدام موجب سلب مسئولیت و اسقاط تکلیف مادران نگردد و آنانرا از تلاش برای تهیه‌روزی و مایحتاج کودکان خود باز ندارد، ناگزیر نکات زیر در برنامه ناهارخوری مورد توجه و رعایت قرار گرفته است.

الف - به خانواده‌های عائله‌مند و کثیرالاولاد حق اولویت داده شده است.

ب - از هر خانواده به حداکثر سه تن بیشتر کمک نمی‌شود، مگر در موارد استثنائی و ضروری مانند بیمار بودن نان‌آور خانواده. در این قبیل موارد بسایر اطفال خانواده هم ناهار داده می‌شود. متصدیان ناهارخوری هنگام انجام وظیفه، اولیاء خانواده‌ها را راهنمایی کرده، حتی‌المقدور در باب زندگی و مصرف عوایدشان آنها را عاقلانه ارشاد می‌کنند.



گروهی از مادران و کودکانی که به‌صرف ناهار مشغولند

ج - قطع کمک غذائی بتدریج صورت میگیرد و موعد پایان این کمک قبلا اطلاع داده میشود.

د - بجز کمک غذائی ، ازطرف ناهارخوری میان خانواده‌های پرعائله و مستمندبتفاوت ، لباس و پوشاک و رختخواب توزیع میگردد. در بعضی موارد کرایه خانه‌های عقب‌افتاده آنها تأدیه میگردد و هزینه تعمیر منازل و نیز مخارج مداوای آنها پرداخته میشود و همچنین وجوهی بعنوان هزینه ایاب و ذهاب به بیمارستانها ، مدد معاش در موارد بیکاریهای غیر منتظره و سایر مخارج متفرقه و فوری در اختیار خانواده‌ها گذاشته میشود.



منظره دیگری از سالن ناهارخوری

ه - در خلال پرورش جسمی اطفال و تقویت مادران آنها ، امور آموزش و پرورش آنان از قبیل طرز نگاهداری کودکان مطابق اصول بهداشتی و تهیه غذای مناسب برای آنان و آداب غذاخوردن بآنها آموخته میشود و نیز راهنماییهای دیگری در زمینه آشنائی مادران بوظائف مادری میشوند.

۳ - مادران بیش از هشتصد کودک شیرخوار ، از ناهارخوری شیرخشک و کپسول روغن ماهی دریافت میدارند.

برای هر مادری که مراجعه میکند و استحقاق او برای استفاده از غذا محرز میگردد،



درکنار سالن ناهارخوری ، محل مخصوصی برای نگهداری کودکان شیرخوار تهیه شده است .
والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی هنگام بازدید ناهارخوری ، نسبت
بکودگان مزبور محبت فراوانی ابراز میفرمایند .

پرونده مخصوصی گشوده میشود که مشخصات کامل وی در آن مندرج است ، سپس کارت انفرادی
برای وی صادر میشود که با ارائه آن حق ورود بناهارخوری را خواهد داشت و هر نوبت که
سراجعه و ناهار صرف نماید ، در دفاتر مخصوص ثبت خواهد شد . محل سکونت و میزان درآمد

و ممر اعاشه و چگونگی زندگی یکایک مادران از طرف مسئولین ناهارخوری مورد بازرسی کامل قرار میگیرد.

این بنگاه از بدو تأسیس تا کنون همیشه فعالیت مستمر خویش را بدون وقفه ادامه داده و هرگز تعطیل نداشته است. برای آنکه میزانی از عملیات بنگاه بدست داده شود آمار اقدامات ناهارخوری در سال ۱۳۳۵ ذیلاً مرقوم میگردد و اضافه میشود که در سنوات قبل نیز همواره فعالیت ناهارخوری در همین حدود بوده است.

در سال ۱۳۳۵ ناهارخوری ۳۰۵ روز باز بود و روزانه به ۱۴۰ تن ناهار داده و باین ترتیب در این سال جمعاً ۴۲۷۰۰ وعده غذا در این بنگاه صرف شده است.

مواد خوراکی که هر فرد در هفته مصرف میکند بقرار زیر است :

شماره	نوع جنس	مصرف در هر دفعه	تعداد دفعات	جمع مصرف در هفته
۱	برنج	۱۷۰ گرم	۲ بار	۳۴۰ گرم
۲	لویا چیتی	۳۵ »	۲ »	۷۰ »
۳	عدس	۱۲۰ »	۱ »	۱۲۰ »
۴	لپه	۳۰ »	۱ »	۳۰ »
۵	لیمو عمانی	—	—	۵ »
۶	ادویه	—	—	۴ »
۷	روغن	—	—	۱۲۰ »
۸	لویا سفید و قرمز	۱۲۰ گرم	۱ بار	۱۲۰ »
۹	سیب زمینی	—	۴ »	۷۰۰ »
۱۰	هویج ایرانی و فرنگی	—	۲ »	۴۵۰ »
۱۱	پیاز	—	۵ »	۲۰۰ »
۱۲	رب گوجه	—	۴ »	۳۰ »
۱۳	کشمش	—	۱ »	۶۰ »
۱۴	حلوا	—	۱ »	۵۰ »
۱۵	گوشت	—	۴ »	۵۲۵ »
۱۶	نان تافتون	—	۶ »	۱۷۰۰ »
۱۷	سبزی	—	۱ »	۳۰۰ »

در طول سال بمقتضای فصل ، اندکی از مصرف گوشت و حبوبات کاسته شده و در عوض بر میزان سبزیهای تازه افزوده میشود .

در سال ۱۳۳۵ از طرف سازمان ۸۶۴۰ کیلو شیر خشک در اختیار ناهارخوری گذاشته نده است که همه ماه ، بتفاوت در حدود هشتصد کدک بی شیر از آن استفاده میکنند و نیز در فصل استان چهل هزار کپسول روغن ماهی بکودکان داده شده است . همچنین در این سال ۱۶۰۵/۵۸۰ کیلو کره که از طرف کشورهای متحده امریکا بسازمان شاهنشاهی اهداء شده بود ، در اختیار ناهارخوری گذاشته شده که ماهانه بالغ بر هشتاد کیلو از آن بمصرف رسیده است .

در سه ماه آخر سال یک هزار کوپن ده کیلوئی زغال از طرف ناهارخوری بین صد خانواده تقسیم شد .

در بهمن ماه ۱۳۳۵ برای عید مادرانیکه از ناهارخوری استفاده میکنند ، ۱۲۰۰ متر چیت بمصرف تهیه لباس و چادر نماز رسید و بین آنها توزیع شد و نیز در همین ماه ۲۰۲۳ زوج جوراب و ۱۳۰۰ عدد پیراهن دخترانه کوچک و بزرگ و پیراهن کودکانی و ورزشی و روپوش ببلوز کرکی و کت دخترانه و پالتوی زنانه و مردانه و بچه گانه و مانند آنها از طرف ناهارخوری بین خانواده های مستمند و بی بضاعتی که مراجعه میکنند تقسیم شد .

نحوه کلی فعالیت این مؤسسه تقریباً همیشه بقراری بوده است که شرحش گذشت .

| ینوایان |

چون تو شکم ز طعمه ییاباری	از حال گرسنه چه خبر داری
در کشوری که عزت تو ز آنجاست	جمعی بسر برند بصد خواری
با پسکری نژند ز بی قوتی	با ضجه ای بلند ز ناداری
احوالشان بدانی و بشکبی	در رنجشان به بینی و بگذاری
این مایه بی هشی ز تو نپسندد	آن کو بدادت اینهمه هشیاری
منسوخ شد چو مهر و وفا در خلق	از کس معجوی رسم فداکاری
در حیرتم چگونه بدین غفلت	عمری به عیش و نوش بسر آری
دانم بگوشت این سخن افسانه است	وین خلق را به هیچ تونشماری
گر به به شیر چیره شود چون یافت	خود را زجان خویش به بیزاری
زین جان به تنگ آمدگان ناچار	ویران شود اساس ستمکاری

| دکتر نصره الله کاسمی |

ناهار خوری و درمانگاه

سر آسیاب دولاب

از سال ۱۳۳۴ جمعی از ساکنین قسمت شرقی خیابان شهباز از پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه و الاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی ریاست عالیہ سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی استدعا کرده بودند که در حوزه سکونت آنان ناهار خوری و درمانگاهی دائر گردد . سازمان شاهنشاهی برای تهیه زمین مورد احتیاج اقدام کرد و سرانجام زمین مزبور فراهم و مقدمات کار از هر جهت آماده گردید و ساعت یازده بامداد پنجشنبه نهم خرداد ماه ۱۳۳۶ الاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی بمحل مزبور واقع در سر آسیاب دولاب تشریف فرما شدند . جمعی از آقایان وزیران و نمایندگان مجلسین و رجال و معاریف بدعوت سازمان شاهنشاهی در محل مزبور حضور یافته بودند . نخست آقای دکتر کاسمی معاون مدیر عامل سازمان شاهنشاهی گزارشی بایششرح معروض داشتند :

والاحضرتا

اولین روز و نخستین بار نیست که آن ذات خجسته صفات بچاره جوئی بیچارگان و بدستگیری از پادشاهان ، چون آیت رحمت و فرشته مکرمت ، در میان مردم نزول اجلال میفرمائید . خرد و کلان و پیر و جوان تا بیاد دارند ، یا بچشم دیده و یا بگوش شنیده اند که در راه آسایش و آرامش خلق ، بهر کجا و بهر هنگام دست طلبی بسوی آن آستان جود و کرم دراز شد و حاجتی عرضه داشت ، تهی و نومید بازنگشت و بحد مقدور و اندازه میسر ، از خوان بیدریغ عطایا و مواهب وجود ذیجود متمتع و برخوردار آمد .

در تاریخ بیست سال اخیر کشور ، بهر ورق سطری و در هر سطر شطری از آثار زیننده و معالم فرخنده آن شاهزاده والاتبار و نیکوکار مسطور و مرقوم است .

در آن زمان که ابرهای مظلوم دومین جنگ عالمگیر ، آسمان صافی کشور را تیره و تار ساخته و فشار سختی و بدبختی نفس‌ها را در سینه‌ها بخفقتان انداخته و امواج بلایا و فتن ، عارف و عامی را در تنوره گرداب هلاک به پیچ و تاب و غلق و اضطراب افکنده بود ، صالح و طالح متاع خویش مینمودند و همه میکوشیدند تا گلیم خویش را از موج خیز حادثه برهانند . در افق سیاه و غبار آلود سپهر آشفته



آقای دکتر کاسمی گزارشی بحضور والاحضرت معروض میدارند

کوکب هدایتی نمیدرخشید و مستمندان ، با شکم گرسنه و تن برهنه ، نومید از مخلوق زمین بخالق آسمان چشم دوخته بودند.

در این عرصات شورش و غوغا و محشر و انفسا که برادر از خواهر و پدر از پسر میگریخت ، آن والاحضرت به پیروی از اراده سنیة شاهنشاه معظم برادر تاجدار خود ، با انگیزه‌ای روحانی و تأییدی آسمانی ، یکباره از ایوان کاخ باشکوه و عظمت پادشاهی و از میان دستگاه با جلال و جبروت سلطنت بدرآمدید و در میان ملت رنجدیده و قوم ستمکشیده جای گرفتید. قد مردانگی علم کردید و دامن همت بکمر زدید و نخستین سنگ بنگاه خیزیه را در باغ فردوس بنیان نهادید.

مردم بی‌پناه و نومید که روزنه امیدی می‌جستند ، پروانه‌وار بگرد شمع وجود فیاضی که خود از شدت درد و رنج سراپا می‌سوخت و اشک حسرت فرو میریخت ، ولی بر سر جمع نور می‌پاشید و فروغ می‌پراکنید ، فراهم آمدند و حاجات خود عرضه داشتند .

از آنروز تا بروزی که آتش جنگ شراره انگیخت و خشک و تر را سوخت ، این بنگاه ملجاء و مأمن بینوایان و دردمندان بود و در پرتو همت والانهمت بانیان نیکوکار خود ، چه بسا شکم‌های گرسنه را سیر کرد و تن‌های برهنه را پوشانید و جانهای نازنین را که با مرگ دست و گریبان بودند ، از خطر مسلم نابودی و هلاک نجات بخشید.

جنگ پایان یافت. آبها از آسیاها افتاد. گرد و غبار آشوب و غوغا فرونشست و هر کس دنبال کاری گرفت و بخویش پرداخت . ولی عاطفه مردم دوستی و حسن نوع پروری شاه و شاهزاده که تازه شروع شده بود، در مسیری که بجلوداشت ، چست و چالاک پیش میرفت و بذوره کمال خود نزدیک میشد.

این بار دست پرورد روح پاک و همت بلند و دل روشن و نظردوراندیش ، عطیه ای بزرگ و ارجمند بود تا مردم مستمند سراسر کشور بتوانند در ظل ظلیل آن بطور مستمر از رنج بیاسایند و درد تن کاه و جانفرسا را بدرمان برند و گره مشکل از رشته کار فرو بسته بکشایند.

این عطیه ، با فرمان مبارک شاهنشاه مهربان و جوانمرد بمردم داده شد و در نتیجه آن ، سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی بسال ۱۳۲۶ بوجود آمد.

از آن تاریخ تا کنون بیش از ده سال میگذرد و در این مدت ، چرخهای منظم و دقیق این دستگاه خیر و برکت که بلمست مبارک شاهنشاه بجنبش افتاده بود ، زیر نظر نافذ و مستمر آن والا حضرت ، بگردش تند و متین خود ادامه داد و یک لحظه آرام و آسوده نماند. بزمانی کم ، کاری زیاد حاصل شد و قماش با دوام و پاکیزه بلمست آمده که هر پود و تارش ، مظهر علو همت و حسن نیت کافرمایان بزرگوار ، و نماینده اخلاص عمل و ثبات قدم کارگران وظیفه شناس آن دستگاه است.

کارنامه دهساله سازمان ، دیرباورترین و نومیدترین و بدبین ترین مردم را باعجاب و حیرت می اندازد و با زبان ارقام و اعداد که از هر زبانی فصیح تر و بلیغ تر است ، ثابت میکند که این طفل یکشبه ره صدساله رفته است. مردمی که تشنه و واله و عاشق شیدای بهبود اوضاع و اصلاح امور طبقات بی پناه و بی وسیله هستند ، همینکه می بینند دستگاهی پیدا شده است که عمل را بر حرف و فعل را بر قول رجحان میدهد ، امیدوار میشوند و مصائب و متاعب زندگی را آسان تر بر خویشتن و دیگران هموار می سازند.

همان کسانی که در آغاز کار سازمان ، برای بخشیدن دوهزار متر زمین در متروک ترین نقاط کشور که بیش از دوهزار ریال ارزش نداشت ، امساک روا میداشتند ، اکنون برای هدیه زمین و آب و تمهید هزینه ساختمان درمانگاهها و بیمارستانها و تقبل تمام یا جزئی از مخارج دارو و درمان بیماران ، برهم ییخی و ییخی میجویند و متأسفانه اینک سازمان است که نمیتواند همه حاجات را روا کند و بتقاضای روزافزون که از سراسر کشور میرسد جواب مساعد دهد.

امروز در نتیجه دهسال خدمت مدام و مستمر ، نام سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی درسراسر کشور همدوش و همدیاف رحم و شفقت و مهربانی و عطف و راستی گفتار و درستی کردار است.

امروز نهال برومند سازمان در این کشور پهناور ، سایه عطف خود را بر سر هزاران بینوا و مستمند افکنده و از رود ارس تا سواحل خلیج فارس و از دامنه کوههای بلند کردستان و لرستان تا جلگه های حاصلخیز سیستان و خراسان ریشه دوانیده و شاخ و برگ گسترده است.

کسانی که گمان میکنند ریشه خیرات و مبرات در این دنیای پریها و غوغا که هوای فضایش بیوی خون گرم و آهن گداخته در آمیخته ، در زمین دل های مردم ایران خشکیده است ، اگر بجزریان کار سازمان از نزدیک آشنا شوند ، یقین حاصل خواهند کرد که نهال انفاق و احسان و ایثار هنوز در این مرز و بوم تازه و خرم و شاداب است و هنوز هم مردمی بسیار وجود دارند که دستگیری از پائادگان و برآوردن حاجت محتاجان را عالیتین و منزله ترین عبادات و راست ترین و کوتاه ترین طریق وصول بحق و حقیقت میدانند.

عده ای عقیده دارند که باید کاری کرد و تدبیری اندیشید که ریشه جهل و فقر و بیماری و بینوائی از زمین هر کشور کنده شود ، تا اساساً بوجود چنین سازمانها و انفاقها و ایثارها احتیاجی و نیازی نباشد. این سخن فریبنده راست و درست نیست ، زیرا نه تنها در ایران بلکه در متمدن ترین کشورهای جهان و در مرفه ترین ملل گیتی ، اینگونه دستگاههای نوع پروری و مستمند نوازی که نمودار عالیتین احسانات آدمیت و پاکیزه ترین عواطف انسانیت است ، موقعی منبع و مقامی رفیع دارد و برگزیده ترین مردان و زنان وارسته در آن شرکت میجویند و از این خدمت بیمزد و منت لذت میبرند.

نمی‌توان خانه آتش گرفته و بیمار بر بستر مرگ افتاده را رها کرد و بتماشای پرداخت که آن‌ها کمتر شود و برباد رود و این از پا درآید و بخاک فرو شود و آنگاه تمام مساعی را در این راه بکارانداخت که شراره آتش و ریشه مرض از بیخ و بن کنده شود.

در جوامع بشری که در معرض آفات و بلیات زمینی و آسمانی است، و برای مخلوقات خدا که از لحاظ کم و کیف ساختمان جسمی و روحی و میزان و درجه عقول و ادراکات، متفاوت خلق شده‌اند، هر کار جای خود دارد و نمی‌توان یکی را برای دیگری مهمل و موقوف گذاشت.

مراسم امروز برای انجام دادن یکی از این کارهاست که در سواد اعظم پای تخت کشور شاهنشاهی صورت می‌گیرد.

امروز والا حضرت در یکی از قدیمترین محلات تهران، که بکثرت نفوس و قلت بضاعت معروف است و در میان مردمی که یکی از هسته‌های توده حقیقی ملت را تشکیل می‌دهند، جای گرفته‌اید. برق شوق و شمع و وجد و حال چهره و چشم زن و مرد و خرد و بزرگ این مردم که موب مبارک را خالصانه و صادقانه استقبال کرده‌اند، روشن‌ترین شاهد عادل و بهترین گواه صادق است که اقدام باین کار تا چه حد بموقع و ضروری و منطقی بوده است.

بی‌ادنی شک و ریب، توده مردم ایران، شریف و نجیب و قانع و خرسند و حمول و صبور و حق‌گزار و حق‌شناسند و از کسانی که بر آنان حکومت دارند تقاضای شاق و ملایطاق ندارند و فقط می‌خواهند که در حریم امنیت و مصونیت قانونی و در سایه عدل و آزادی زندگی کنند و گردانندگان بساط مملکت و کارگزاران مهام ملت، در فکر آسایش و آرامش آنان باشند.

منت خدای را عزوجل که مقام شامخ سلطنت، باصول این آمال و امانی ملت توجه مستمر دارند و والا حضرت که نموداری زیننده از این عنایت هستند، همیشه خود را در غم و شادی و شیرین و تلخ مردم شریک و سهم می‌دانند و در دوران زندگی، جز خدمت با صدق و صفا و بی‌ریب و ریا طبقات محروم و مهجور جامعه، اندیشه‌ای در سر و هوایی در دل نمی‌پرورانند.

خداوند بزرگ بمشیت کامله و حکمت بالغه خویش بآن وجود ارزنده، قلبی پاک و مهربان و اراده‌ای متین و رزین عنایت فرموده است و بدانید که در بساط شگرف آفرینش او، از آنچه بشما داده برتر و بهتری وجود ندارد.

والا حضرت! - در این محل متروک که در پیچ و خم کوچه‌های منطقه وسیع دولاب و در قلب توده جمعیت بی‌بهره و نصیب آن قرار دارد و با احتمال قریب یقین، اغلب حاضران این مجلس تاکنون بآن راه نجسته بودند، چند ماهی نخواهد گذشت که یک درمانگاه مجهز و یک ناهارخوری مکمل ایجاد خواهد شد و بیدرنک با وسائل و وسائط لازم بکار خواهد افتاد و روزانه صدها بیمار مستمند، بمطب آن رجوع می‌کنند و مجان و برایگان دارو می‌گیرند و درمان می‌شوند و صدها بیچاره و درمانده، برخوان ناهارخوری آن یک وعده خوراک مناسب و مغذی تناول می‌کنند و بدین طریق، از یکسو آرزومندی همیشگی امنا و صلحای شورای محلی ساکنان شرق شهباز و استدعای چند ماه پیش آنان از پیشگاه مبارک ملوکانه بهمت والا حضرت صورت تحقق می‌گیرد، و از سوئی دیگر در آغاز یازدهمین سال تأسیس - سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی، دو حلقه دیگر بهداشتی و اجتماعی بر زنجیره مؤسسات مفید این دستگاه افزوده می‌شود.

ده میلیون ریال بهای زمین و هزینه ساختمان و تجهیز و دو میلیون و پانصد هزار ریال بودجه مستمر اداره این دو مؤسسه، برحسب امر مبارک از درآمد سازمان شاهنشاهی تأمین شده و اینک بر مردم این ناحیه فرض است که سپاسگزاری و حق‌شناسی از این عطیه بزرگ را در حفظ و صیانت آنچه بایشان سپرده خواهد شد، از جان و دل بکوشند و این دستگاه طیب و طاهر را که ملجاء و مأمن مستمندان و در حکم خانه خداست، از شائبه هر غرضی و رنگی منز و مبری بدارند.

جریان فنی ساختمان و نقشه بنا و مخارج آنرا آقای مهندس افخمی معاون بخش مهندسی و ساختمانی سازمان بعرض خواهد رسانید. چون این مجلس برخلوص نیت و حضور قلب باطن گذاشته شده است و در آن جز رضایت خلق و رضای خالق محل اعتنا و مناط اعتبار نیست، بهترین مظان استجابت دعا خواهد بود. از آنرو از پیشگاه خداوند دانا و توانا مسئلت دارد که بشاهنشاه مردم دوست و بیچاره نواز و الاحضرت دلسوز مهربان عمری طویل و اجری جزیل و بخدمتگزاران سازمان شاهنشاهی که مچری منویات خیرخواهانه آنلو وجود مبارک در خدمت بخلق هستند، مزید توفیق عنایت فرماید و بآقای دکتر آشتیانی مدیرعامل سازمان، که در نتیجه خدمات مستمر صادقانه و خالصانه دهساله، خسته و فرسوده شده و اکنون بیمار و در خارج از ایران بستری است، نعمت سلامت و عافیت ارزانی بدارد، تا بزودی بازگردد و از نو، بخدمت این دستگاه بپردازد.

در خاتمه با اجازه از حضور مبارک، بمناسبت مقام و مقال، بیانات خود را بذکر چند بیت شیخ اجل سعدی پایان میبخشد، زیرا تا قیام قیامت زبان بشری محال است بتواند با مغز تر و نغز تر از آن سخنی بیاورد.

الا تا درخت کرم پروری	گرامیدواری کز آن برخورداری
کرم کن که فردا که دیوان نهند	منازل بمقدار احسان دهند
درون فروماندگان شاد کن	ز روز فروماندگی یاد کن
گرفتم کز افتادگان نیستی	چو افتاده بینی چرا ایستی
کرامت جوانمردی و نان دهی است	مقالات بیهوده طبل تپی است
چو بیند کسی زهر در کام خلق	کیش بگذرد آب نوشین بخلق
نخواهد که بیند خردمند ریش	نه بر عضو مردم نه بر عضو خویش
منقص بود عیش آن تندرست	که باشد به پهلوی بیمار سست
توانگر خود آن لقمه چون میخورد	چو بیند که درویش خون میخورد
خنک آنکه آسایش مرد وزن	گزیند بر آسایش خویش
خدارا بر آن بنده بخشایش است	که خلق از وجوش در آسایش است
کسی نیکت بیند بهردو سرای	که نیکی رساند بخلق خدای
خدایا تو این شاه درویش دوست	که آسایش خلق در ظل اوست
بسی بر سر خلق پاینده دار	بتوفیق خدمت دلش زنده دار
برومند دارش درخت امید	سرش سبز و رویش بر حمت سپید
به نیکی در آفاق نامیش کن	بتوفیق خدمت گرامیش کن
مقیمش در انصاف و تقوی بدار	مرادش بدنیا و عقبی بر آرد

پس از آن آقای مهندس افخمی معاون بخش مهندسی سازمان، نقشه های ساختمان را عرضه و اطلاعاتی بیان داشتند و گفتند:

« ساختمانهایی که کلنگ آن امروز بدست مبارک والاحضرت بر زمین خواهد خورد مشتمل بر دو قسمت است:

۱- ناهارخوری - دارای زیر بنائی بمساحت ۶۴۵ مترمربع و مرکب از یک سالن بزرگ ۲۰×۹ جهت غذاخوردن ۲۴۰ تن در روز با سقف بتون آرمه - یک آشپزخانه مدرن با وسائل برقی - آبدارخانه - انبارهای زیرزمینی و انبارهای دستی و اطاق مخصوص جهت نگاهداری

اطفال شیرخوار در مدتی که مادران آنها بصرف غذا مشغولند - اطاق مخصوص جهت توزیع شیر خشک و مواد غذایی

۲ - درمانگاه - دارای زیربنائی بمساحت ۳۷۰ مترمربع ، شامل یک سالن بزرگ انتظار - اطاق تهیه دارو و اطاق پخش دارو و پنج اطاق پلی کلینیک .

ساختمانهای دیگری نیز در این محوطه جهت درمان و سایر احتیاجات ساخته خواهد شد که مساحت آنها نیز متجاوز از صد متر مربع خواهد شد و بنابراین مجموعاً مساحت زیر بنا متجاوز از ۱۱۲۰ متر مربع خواهد بود .»



جمعی از مدعوین در مراسم سر آسیاب دولاب

آنگاه آقای محمد میرخانی دبیر شورای همکاری با برزن ۱۸ بیاناتی باینشرح معروض

داشتند .

والاحضرتا

لازم میدانند از اینکه قدم رنجه فرموده و بسرزمین دورافتاده تهران ، یعنی شرق شهباز بذل عنایت فرموده اند مقدم مبارك راگرامی دانسته خیرمقدم عرض نماید .
توجهات آن والاحضرت والاگهر بمردم این بخش ، چنین نوید میدهد که نورامید و رستگاری همواره طق سن گذشته از مقام شامخ سلطنت پرتوافکن است و بس .

این خصال پسندیده و صفات حمیده ، همانا یادگاری است از فقید سعید رضاشاه کبیر که تا آخرین دقائق هستی ، بعشق میهن و هم‌میهنان گرامی دمی نیاسود و در راه سعادت ملک و ملت ایران همت گماشت و اوامر مؤکد صادر فرمود.

نمونه بارز این طلیعه امید ، توجهات مخصوصه آن والا حضرت عظیم‌الشأن بمردم این سرزمین است.

والاحضر تا

مدت پانزده سال است که بخش شرق شهباز بوجود آمده ، در این مدت متأسفانه آنطور که باید توجهی بمرمان و برآوردن مستدعیات سیصد هزار نفر سکنه آن که اکثر طبقه زحمتکش را تشکیل میدهد نشد ، از بسیاری از مزایا محروم ، حتی از مراکز بهداشتی بی بهره بوده ، بطوریکه نبودن بیمارستان مجهز در شرق شهباز از یکطرف ، و بعد مسافت تا غرب تهران که مرکز اکثر بیمارستانهاست از طرف دیگر ، همچنین مشکلات ایاب وذهاب وعدم استطاعت مالی ، اکثر بیماران را بدیار نیستی سوق داده است. این بود که اعضاء شورا و اتحادیه شرق شهباز هنگام شرفیابی ، اولین استدعای اهالی را به پیشگاه مبارک معروض و اوامر لازم صادر فرمودند. اینکه که خوشبختانه آمال و آرزوی مردم برآورده شده و بنام نامی اعلی حضرت همایون محمد رضاشاه پهلوی شاهنشاه ایران ، اولین کلنگ بنای درمانگاه و ناهارخوری بنام مبارک آن گوهر تابناک خاندان جلیل سلطنت زده میشود ، چاکر افتخار دارد با کسب اجازه ، بنماینده‌گی از طرف اعضاء شورای همکاری با برزن ۱۸ ، مراتب تشکر و سپاسگزاری اهالی شرق شهباز را بمرض مبارک برساند. امید است با صنور اوامر مبارک عمران این محل از لحاظ اسفالت خیابانها وسایل روشنائی - لوله کشی آب - تأسیس دبستان و دبیرستان تأمین و مورد توجه اولیاء امور قرارگیرد . در خاتمه از کلیه آقایان و سازمانهایی که در این موفقیت با ما اظهار مساعدت فرموده‌اند کمال تشکر و امتنان را داریم

زنده باد شاهنشاه پاینده باد ایران

سپس والا حضرت در میان ابراز احساسات شدید حاضرین و اهالی محل ، نخستین کلنگ ساختمان درمانگاه و ناهارخوری را بزمین زدند و مزاجعت فرمودند. در این روز در مسیر والا حضرت هفت طاق نصرت زیبا از طرف اهالی برپا شده بود و چندین رأس گاو و گوسفند قربانی شد و اهالی حق شناس شرق شهباز باین طریق با شیواترین بیان از والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی و سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی سپاسگزاری نمودند.

بخش جراحی بیمارستان سینا



بخش جراحی سوانح و حوادث

تاریخچه تأسیس

روز پنجشنبه سوم دی ماه ۱۳۲۶ بود. جمعی از آقایان وزیران - استادان دانشگاه - پزشکان و رجال و معارف کشور بدعوت سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی در بیمارستان ابن سینا گرد آمده بودند. ساعت یازده والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی به بیمارستان تشریف فرما شدند. آقای دکتر آشتیانی مدیرعامل سازمان شاهنشاهی گزارش زیر را معروض داشتند :

والاحضرتا

در ششم آبان ماه ۱۳۲۶ نخستین سنگ ساختمان آموزشگاه پرستاری اشرف پهلوی بدست مبارك اعلیحضرت همایون شاهنشاهی در شالوده مدخل بنا قرار داده شد و امروز نخستین سنگ بنای بخش جراحی یکمصد و ده تخت خوابی بدست مبارك والاحضرت در پی نهاده میشود. بنابراین در مدتی کمتر از دوماه، در راه عملی ساختن اساسنامه سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی دو قدم بزرگ دیگر برداشته شده است که اهمیت آن بر هیچکس پوشیده نیست.

اگر بتاريخ تأسیس سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی توجه شود، بآسانی میتوان دریافت که در زمان کم، کار زیاد انجام گرفته است و تمام کسانی که افتخار خدمت در این سازمان را دارند، جدوجهد فراوان مبذول داشته اند تا به پیروی از منویات عالیہ ملوکانه و تعلیمات گرانبها و مساعی خستگی ناپذیر والاحضرت، دقیقه ای بسهل انگاری و غفلت نگذرد و در حدود امکان، مواد هشتگانه سازمان صورت تحقق ببذیرد و از قول بفعل درآید، و جای نهایت خوشوقتی است که کار بر همین منوال جریان دارد و امیدواری کامل حاصل است که تا پایان سال، برنامه مصوب جامه عمل خواهد پوشید. ایجاد پنجاه درمانگاه در پنجاه نقطه کشور و تأسیس آموزشگاه پرستاری اشرف پهلوی و ساختمان بخش جراحی یکمصد و ده تخت خوابی، سه اقدام بزرگ سازمان در سال جاری است که بی شک در تأمین آسایش مردم کشور دارای تأثیر فراوان میباشد و در حقیقت با انجام گرفتن هریک، گرهی از مشکل خلق بیچاره و بیماران مستمند گشوده خواهد شد.

هرچند اهمیت این اقدامات بر کسی پوشیده نیست، ولی برای آنکه خاطر عموم مردم از جریان کارهای مفیدی که سازمان در راه تأمین سعادت اجتماعی آنان بعمل آورده آگاه باشد، از حضور مبارك اجازه میطلبد که در باب علت ایجاد این بخش جراحی چند کلمه بعرض برساند :

اکنون در مواقع بروز حوادث و اتفاقات در شهر تهران ، بخصوص در ساعات بعد از ظهر و شب ، وضع اسفناکی جریان دارد و اگر کسی بمرضی حادثه چار شود که بجراحی فوری احتیاج داشته باشد و یا اینکه بواسطه تصادف با وسائط نقلیه و یا آتش سوزی مجروح یا مصدوم و نیازمند آن شود که در محلی بستری شده و تحت نظر جراح و پزشک آزموده قرار گیرد ، هیچگونه وسیله سریع و مطمئنی در دسترس ندارد و مقامات مسئول اداری و رسمی ، و نیز کسان و اطرافیان بیمار نمیدانند در اینگونه مواقع بطور مطمئن و فوری بکجا مراجعه کنند و بچه کسی توسل جویند. از این رو بیمار را به بیمارستانی که بشناسند میبرند و چون وسائل کار در همه بیمارستانها برای اینگونه امور یافته نمیشود و یا اینکه اغلب اوقات تختخواب خالی برای بستری کردن بیمار موجود نیست ، از پذیرفتن بیمار خودداری میشود و ناگزیر بیماری که محتاج بمراقبت فوری و ضروری است ، مدتی میان بیمارستانهای مختلف تهران حیران و سرگردان میماند و در نتیجه پسا اتفاق می افتد که از میان میرود.



والاحضرت از چگونگی ساختمان پرشی میفرمایند



آقای دکتر آشتیالی گزارش خود را بعرض میرساند

بعلاوه بیمارانی که در شهرستانها مسکن دارند و بعمل جراحی محتاج میشوند و بواسطه نبودن وسائل کار در آنجا بتهران رومی آورند، در تهران نیز بواسطه خالی نبودن تختخواب در بخشهای جراحی، مدتها بی تکلیف میمانند و در مسافرخانه و یا گوشه خیابانها بوضع اسفناکی بسر میبرند تا تختخوابی در بیمارستانی پیدا کنند .

برای پایان دادن باین اوضاع رقت آور بود که سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی ، بامر مبارك ملوکانه و تعلیمات مؤکد والاحضرت در صدد برآمد که یک بخش جراحی در مرکز شهر تهران ایجاد کند. برای آنکه این بخش از لحاظ موقعیت محلی و نیز نزدیک بودن وسائل کار، کامل و ممتاز باشد، در نظر گرفته شد که در بیمارستان ابن سینا ، که تقریباً در مرکز شهر تهران قرار دارد و یک بخش جراحی کامل نیز در آن موجود است، ساخته شود. بهمین لحاظ با دانشگاه تهران موافقت نامه ای امضا گردید و این موافقت نامه بتصویب شورای دانشگاه و هیئت مدیره سازمان رسید.

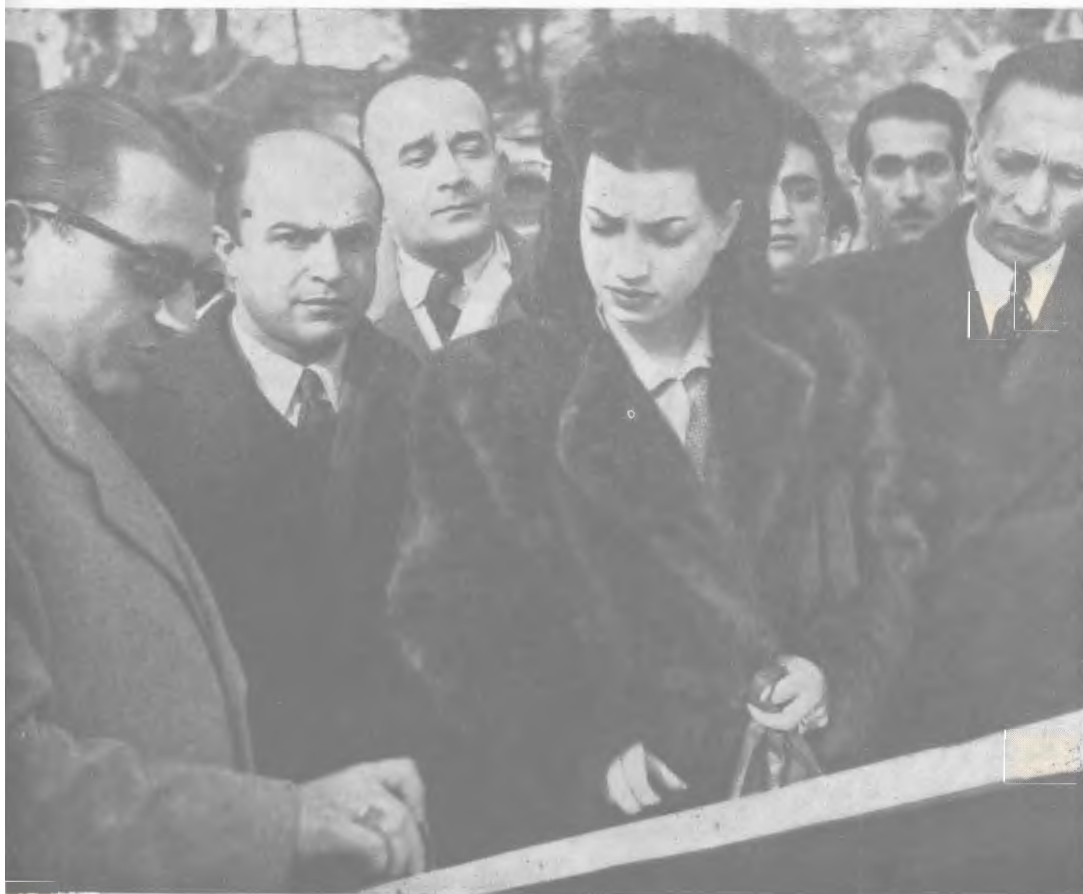
طبق این موافقت نامه ، امور فنی و اداری بخش مزبور تحت نظر سازمان و دانشگاه توأماً انجام خواهد گرفت. این بخش در تمام مدت بیست و چهار ساعت روز و شب و نیز جمعه ها و ایام تعطیل دایر خواهد بود. بنابراین بمحض وقوع حادثه ای در نقطه ای از شهر ، بیمار مجروح یا مصروب به بیمارستان

آورده و در این بخش بستری خواهد شد و تحت مراقبت جراح قرار خواهد گرفت. چون در این بخش بطور قطع همیشه تختخواب خالی حاضر و وسائل کار مهیا است ، بنابراین بهیچ وجه بیمار، بی تکلیف نخواهد ماند و در سریعترین وقت ممکن، تحت مراقبت و اقدامات مقدماتی قرار خواهد گرفت.

اکنون ملاحظه میفرمایند که اقدام سازمان بایجاد چنین بخشی ، تا چه اندازه سودمند و منطقی است و تا چه پایه موجبات آسودگی خیال و رفاه حال مردم تهران و شهرستانها را فراهم خواهد کرد.

فدوی اطمینان دارد که سازمان توفیق خواهد یافت پیروی از نیت نوعپرورانه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و تحت مراقبت مستمر و تعلیمات گرانبهای والا حضرت ، برنامه ای را که در سال جاری بتصویب رسانیده است و قسمت مهمی از آن تا کنون انجام گرفته ، بطور کامل با تمام رساند و موجبات رضایت خاطر مبارک ریاست عالی و نیابت ریاست عالی سازمان را فراهم نماید.

اینک از حضور مبارک استدعا میکند که لوحه یادگار شروع ساختمان را در محفظه سنگی نهاده با دست مبارک در شالوده بنا قرار دهند ، تا بیاد این روز فرخنده در دل سنگ جای گیرد و برای آیندگان حق شناس ، نموداری از اقدامات نوع پرورانه و خداپسندانه شاهنشاه بزرگوار و شاهزاده خانم ارجمند باشد.



والاحضرت ، پس از نهادن لوحه یادگار، بتوضیحاتی که داده میشود توجه فرموده اند

پس از پایان گزارش، اطلاعاتی از وضع و مشخصات ساختمان بعرض رسید. سپس والاحضرت لوحه یادگار بنای بخش جراحی سوانح و حوادث را که بوسیله آقای دکتر کاسمی تقدیم شد، در پی نهادند.



نمایی از بخش سوانح و حوادث در بیمارستان ابن سینا
 عملیات ساختمانی این بخش بلافاصله آغاز شد، تا آنکه در اسفند ماه ۱۳۲۸ از هر جهت آماده و بوسائل لازم مجهز گردید و مجدداً توسط والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی نیابت ریاست عالی سازمان افتتاح یافت. در مراسم افتتاح نیز آقای دکتر آشتیانی گزارشی بعرض رسانیدند و پس از ایشان جناب آقای دکتر جهانشاه صالح رئیس دانشکده پزشکی گفتند:

« خدمات سازمان بر همه کس آشکار است ، اما بعقیده چاکرایجاد آموزشگاه پرستاری اشرف پهلوی و این بخش، مهمترین و بزرگترین خدمت سازمان باساس پزشکی کشور است. سازمان با این دوکار خود، مبنای پرستاری و پزشکی را برپایه ای بسیار محکم قرارداد. زیرا بیمارستانهای ما از لحاظ فقدان پرستار، وضع بسیاری داشت و نیز نبودن بخش سوانح و حوادث، کارآموزی عملی دانشجوی و مراجعه آسیب دیدگان را دشوار کرده بود. بنابراین وظیفه خود میدانند که از طرف دانشکده پزشکی از عنایات گرانبهای والا حضرت سپاسگزاری کند. »

بازدید شاهنشاه

یکسال بعد ، یعنی در روز سه شنبه هشتم اسفندماه ۱۳۲۹ ، سه ساعت بعد از ظهر اعلیحضرت همایون شاهنشاه و علیاحضرت ملکه ثریا و والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی به بخش جراحی بیمارستان سینا نزول اجلال فرمودند. جمعی از آقایان وزیران و نمایندگان مجلسین و استادان دانشگاه و پزشکان و رجال، قبلاً در بیمارستان حضور یافته بودند.



اعلیحضرت شاهنشاه و علیاحضرت ملکه و والا حضرت شاهدخت ، هنگام بازدید بخش جراحی آقای دکتر آشتیانی ضمن عرض گزارش خود اظهار داشتند : « فدوی از ذکر این نکته نمیتواند بگذرد که کلیه اقدامات سازمان ، تا کنون به پیروی از نیات خیرخواهانه آن شاهنشاه معظم و برحسب دستورهای مستقیم و اوامر مطاع شاهانه و تحت سرپرستی و مراقبت تام والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی انجام گرفته است و رجاء واثق دارد که سازمان در پرتو

عنايات ذات‌ملوكانه ، خواهد توانست در راه عملی ساختن برنامه‌های بهداشتی و فرهنگی و اجتماعی خود ، توفیق کامل حاصل نماید . برای کارکنان سازمان شاهنشاهی جای کمال مباهات و افتخار است که اولین بازديد عليا حضرت ملکه ثريا پهلوی ، از يکی از مؤسسات سازمان شروع میشود و اميدوار است که ساير مؤسسات اين دستگاه خيريه نیز مورد بازديد معظم‌لها قرار گیرد . »

آقای دکتر صالح نیز بیاناتی ایراد نمودند . آنگاه اعلیحضرتین ببازديد قسمتهای مختلف بیمارستان پرداختند . شاهنشاه در بخش انتقال خون که از طرف سازمان شاهنشاهی ایجاد شده است از مقدار خونی که در ذخیره نگهداری میشود و اشخاصی که خون خود را میدهند و طرز عمل سؤالاتی فرمودند و آقای پرفسور عدل بعرض رسانیدند که برای دادن خون ، از طرف سازمان شاهنشاهی ۱۲ تن استخدام شده‌اند که در موارد لزوم از خون آنها استفاده میشود .

در اطاق بیهوشی آقای دکتر بوئه متخصص فرانسوی که از طرف سازمان برای این دستگاه استخدام شده است ، وسائل مجهز و کامل بیهوشی را نشان و مکانیسم و طرز عمل با آنها را شرح داد .



یکی از سالت‌هایی که بیماران مرد در آن بتری هستند

سالنهای بزرگ و اتاقهای کوچک بیماران و اتاقهای عمل و دستگاههای عکس برداری و اتوکلاو نیز مورد بازدید قرار گرفت و در هر قسمت آقای پرفسور عدل توضیحات لازم بعرض میرسیدند.

اعلیحضرت همایون شاهنشاه هنگام مراجعت فرمودند «بخش بسیار کامل و مجهزی است. البته سازمان باید بناهای دیگری نظیر این بخش بوجود آورد.»
در ساعت چهار بعد از ظهر اعلیحضرت و والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی مراجعت فرمودند.



سالن بانوان بیمار



سالن مردان بیمار

مشخصات ساختمان

بخش جراحی بیمارستان سینا مشتمل بر دو طبقه است. طبقه هم سطح زمین مرکب است از سه تالار بگنجایش ۱۸ تخت و سه اتاق هریک بگنجایش دو تخت و یک اتاق عمل و ۱۴ اتاق کوچک برای پرستاران و دفتر و آزمایشگاه و داروخانه و رادیوگرافی. طبقه روی آن مشتمل است بر سه تالار هریک بگنجایش ۲۸ تخت و یک تالار بگنجایش ۱۲ تخت و یک اتاق بزرگ بگنجایش ۶ تخت و سه اتاق بگنجایش ۲ تخت و ۱۰ اتاق کوچک برای کارمندان و پرستاران. بنابراین بخش مزبور گنجایش یکصد و سی و هشت تخت را دارد که در موارد ضروری میتوان تا حدود یکصد و پنجاه تخت در آن جاداد. تمام بنا دارای لوله کشی آبگرم و سرد و تأسیسات برق است و در زمستان بوسیله دستگاه حرارت مرکزی گرم میشود. این ساختمان در حدود هفت میلیون ریال هزینه برداشته است. کلیه اثاثیه و لوازم فنی از امریکا و فرانسه خریداری شده و اثاثیه چوبی آن در کانون کار و آموزش سازمان شاهنشاهی ساخته شده است.



روزی که والاحضرت ، بخش جراحی بیمارستان ابن سینا را افتتاح فرمودند
برای تهیه کلیه این لوازم در حدود پنج میلیون ریال بمصرف رسیده است.

اطاق عمل دارای تجهیزات و وسائل کامل است و حتی بعضی از اثاثیه و لوازم آن از قبیل دستگاه بیهوشی و اتوکلاو، در ایران بی نظیر است.



آقای پرفسور عدل درباره عکسی که از یکی از بیماران گرفته شده، توضیحاتی بعرض می‌رساند

اداره - تشکیلات - فعالیت

طبق قرارداد منعقد با دانشکده پزشکی تهران، مخارج دائر نگاهداشتن بخش جراحی با دانشکده مزبور است و سرپرستی آن نیز بعهده آقای پرفسور عدل استاد دانشکده پزشکی و عضو هیئت مرکزی سازمان شاهنشاهی گذاشته شده است.

یک پزشک متخصص بیهوشی از طرف سازمان از فرانسه استخدام شده و از بدو تأسیس تا کنون، در این بخش انجام وظیفه می‌کند. با استفاده از سه دستگاه بیهوشی کامل و آخرین مواد بیهوشی دهنده، اینک در بیمارستان سینا اعمال جراحی مهمی انجام می‌گیرد که سابقاً قابل اجراء نبود و مثلاً جراحی در قسمت قفسه صدری و سرطان مری، بدون وجود این دستگاه غیر ممکن بود.

ایجاد بخش جراحی بیمارستان سینا که در تمام مدت شبانه روز، برای پذیرفتن مجروحین و مصدومین از حوادث دائر است، علاوه بر نجات این دسته افراد، بطور غیر مستقیم کمک مؤثری به پیشرفت علم جراحی در ایران نموده است. سابقاً تعداد دستیارانی که در بخش جراحی بیمارستان سینا بکار آموزی میپرداختند، کمتر از ده تن بودند، درحالیکه امروز تعداد دستیاران مزبور بیش از چهل تن است و باین ترتیب، چهار برابر بیش از سابق، جراح در این بیمارستان تربیت میشود. ضمناً تعداد کارورزانی که چهار ماه از سال آخر تحصیل خود را باید بفرافرا گرفتن اصول اولیه جراحی بپردازند، اینک ده برابر شده است.



والاحضرت بر بالین بیماران، آنها را عیادت و داجوئی میفرمایند

بموجب آماری که در دست است، پس از پانزدهم فروردین ماه ۱۳۲۹ که فعالیت بخش جراحی بیمارستان سینا شروع شده است، هشتاد درصد از مجروحین و مصدومین شهر تهران، باین بخش مراجعه کرده و تحت عمل جراحی و درمان قرار گرفته اند. چون تعداد بیماران و نیز تعداد اتاقهای عمل افزوده شده است، روزانه شش تا هفت برابر بیش از سال ۱۳۲۹ اعمال جراحی انجام میگردد.



در یکی از اتاقهای عمل، پزشکان و دستیاران مشغول جراحی هستند

از سال ۱۳۲۹ تا پایان سال ۱۳۳۵، تعداد ۲۶۹۸۲ تن بیمار در بخش جراحی بیمارستان سینا بستری شده‌اند که ۱۴۵۳۸ تن از آنها تحت عمل جراحی کوچک و ۹۶۵۸ تن از آنها تحت عمل جراحی بزرگ قرار گرفته و بهبود یافته‌اند. همچنین در این مدت ۱۰۹۰۲ تن بیمار که بشکستگی‌های مختلف دچار بوده‌اند، گچ گرفته و معالجه شده‌اند. چون مجروحینی که باین بخش مراجعه می‌کنند غالباً احتیاج به «خون» دارند، سازمان شاهنشاهی دوازده تن «خون دهنده» استخدام نموده که همیشه در بیمارستان هستند و در موارد لزوم از خون آنها استفاده میشود.

موزسگا پرستاری اشرف چلو





آموزشگاه پرستاری اشرف پهلوی

مقدمه

در جهان امروز، فن پرستاری اهمیت فراوان میدهند و پرستاران را در اجتماع دارای مقامی ارجمند و شایسته میشناسند. زیرا اگر پرستاران تحصیل کرده و کار آزموده نباشند، زحمات پزشکان بهدر می‌رود و غالباً از معالجه بیماران سودی حاصل نمی‌گردد. بنابراین چه بسا که نقش پرستاران در بهبود بیماران، مؤثرتر و اساسی‌تر از کار پزشکان و جراحان است، چه مراقبتهای بعدی و حسن سلوک با بیماران، برای درمان درد آنان کمال اهمیت را دارد. تا یک قرن پیش هنوز در ممالک راقیه عالم ارزش پرستاری شناخته و حساسیت و وظیفه پرستاران درک نشده بود. اما رفته رفته کشورهای بزرگ، باین امر توجه پیدا کردند و تعلیم فن پرستاری بتدریج مراحل کمال را طی کرد تا جائیکه امروز برای پرستاران، در تمام جوامع بشری ارزش و احترام خاصی قائل میشوند و آنان با دیده تکریم مینگرند و حرفه پرستاری را در شمار «خدمات مقدس اجتماعی» محسوب میدارند.

در ایران، تا قبل از تأسیس سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی، کسی باین مهم توجه نداشت و با اینکه فقدان پرستاران خوب، از عوامل بزرگ عدم پیشرفت امور درمانی بیمارستانها بشمار میرفت، هیچ دستگاهی بایجاد آموزشگاهی برای تعلیم پرستاری مبادرت نمیکرد. ولی سازمان شاهنشاهی بلافاصله پس از تأسیس، باین امر مهم توجه نمود، زیرا بی داشتن پرستاران آزموده، انجام برنامه بهداشتی و درمانی سازمان مقدور نبود و هر کاری صورت میگرفت، بی اساس و مبانی مینمود. از اینرو هنوز بیش از هفت ماه از تأسیس سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی نگذشته بود که پس از مطالعات لازم، بمجاورت بیمارستان بزرگ پهلوی و در ابتدای جاده کرج، برای ایجاد یک آموزشگاه پرستاری کامل و مجهز، زمینی وسیع در نظر گرفته شد و در روز دهم آبان ماه ۱۳۲۶، اعلیحضرت همایون شاهنشاه، برای نصب نخستین سنگ بنای آموزشگاه پرستاری که برای اولین بار در ایران ایجاد میشد، بان محل نزول اجلال فرمودند.



اعلیحضرت همایون شاهنشاه، لوحه یادبود بنای آموزشگاه را ملاحظه میفرمایند

در مراسمی که در این روز معمول گردید، آقای دکتر آشتیانی مدیر عامل سازمان

معروض داشتند :

شاهنشاه

از تاریخی که سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی باراده شاهانه تشکیل یافت و اساسنامه آن باامضای همایونی موشح گشت، تاکنون در راه عملی شدن مواد هشتگانه مرام سازمان، جد و جهد فراوان بعمل آمده است. از پنجاه درمانگاه که در پنجاه نقطه کشور طبق ماده اول اساسنامه باید ساخته شود، بموجب آخرین گزارش شرکتهای ساختمانی، بیست و دو درمانگاه بهپوشش بام رسیده وبقیه نیز در دست ساختمانست، بطوریکه تا آخر اسفند ماه همه بپایان خواهد رسید. از نامهها و تلگرافهاییکه هر هفته از نقاط مختلف کشور میرسد، میتوان دریافت این اقدام سازمان که برحسب امر مبارک و تعلیمات گرانبها و مساعی خستگی ناپذیر والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی نیابت ریاست عالیہ صورت تحقیق پذیرفته است، تا چه اندازه موجب آسایش خیال و امیدواری مردم بینوای شهرها و روستاهای دور از مراکز بزرگ گردیده است.

آموزشگاه پرستاری که امروز نخستین سنگ ساختمانی آن بدست مبارک در شالده مدخل بنا قرار داده میشود، منظوری است که برحسب امر مبارک در ماده دوم اساسنامه سازمان گنجانیده شده است.

در راه عملی ساختن سایر مواد اساسنامه نیز اقدامات اساسی و مقدماتی جریان دارد ولی باید خاطر مبارک را مستحضر سازد که انجام یافتن بیشتر آنها منوط بدائر شدن همین آموزشگاه است، زیرا چه در تهران و چه در شهرستانها، انجام هرگونه خدمات دیگر بهداشتی و اجتماعی منوط و موقوف است براین که سازمان یکمده خدمتگزار آزموده و درس خوانده که باصول و آداب و رسوم خدمات اجتماعی

آگاه باشند در دسترس خود داشته باشد تا در هنگام لزوم، آنانرا مجهز سازد و از هر یک وظیفه و تکلیفی طلب کند و این امر ممکن نیست مگر آنکه این آموزشگاه، طبق آخرین اسلوب آموزشی تأسیس و دائر شود و سازمان بتواند یکمده دوشیزگان مستعد را با اصول جدید بپروراند و طی تعالیم سودمند و عملی، احساسات بشردوستی و عواطف بیچاره‌نوازی را در آنان برانگیزاند. بدین طریق سربازانی وظیفه‌شناس و کاردان و فداکار و خدمتگزار و آشنا برسوم و رموز خدمات اجتماعی تربیت میشوند و در بنگاههای سازمان شاهنشاهی یادگیر مؤسسات خیریه و بهداشتی بخلمت میپردازند. با توجه باین مراتب معلوم میشود که شالده این آموزشگاه در راه تأمین هدف مقدس سازمان شاهنشاهی، برچه پایه از اهمیت قرار دارد. علت آنکه برای ساختمان آموزشگاه، در این بیمارستان قطعه زمینی انتخاب شد و مورد تصویب ذات همایونی قرار گرفت، دو امر بود: یکی آنکه بیمارستان پهلوی که از یادگارهای گرانبهای شاهنشاه فقید است، از طرف اعلیحضرت همایونی خریداری و بدانشگاه مرحمت شد و شایسته چنان بود که این آموزشگاه نیز، که تحت ریاست عالییه شهریاری اداره میشود، در همان محوطه برقرار گردد. دیگر آنکه دانش‌آموزان آموزشگاه پرستاری باید شبانه‌روز در بخشهای مختلف بیمارستانی با بیماران در تماس نزدیک و دائم باشند و با اصول بیماررداری و فنون پرستاری عملاً واقف و آگاه شوند و برای تأمین این منظور، هیچ محلی آماده‌تر و مستعدتر از بیمارستان پهلوی نبود.

طبق موافقتنامه‌ای که بین سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی و دانشگاه تهران مبادله شده و بتصویب هیئت مدیره سازمان و شورای دانشگاه رسیده است، دانشگاه و سازمان توأماً کوشش خواهند کرد که این آموزشگاه پرستاری بهترین نحوی اداره و عالیترین نتیجه از آن حاصل شود.

این آموزشگاه برحسب پیشنهاد هیئت مدیره سازمان و تصویب ملوکانه بنام آموزشگاه پرستاری اشرف پهلوی نامیده خواهد شد و این نام بر این آموزشگاه، بسیار برازنده و شایسته است، زیرا والا حضرت شاهنخت اشرف پهلوی نیابت ریاست عالییه سازمان، زندگانی خود را بخدمتگزاری بیماران و تهیمنتان و بهبود امور اجتماعی وقف فرموده‌اند و این قولیست که نه تنها مورد قبول جمله ایرانیان، بلکه مورد تأیید و تصدیق محافل بین‌المللی است و اعطای نشان فلورانس نایتینگل بمعظم‌ها آشکارترین شاهد حسن نیت و صفای ضمیر و مساعی خستگی‌ناپذیر وجود مبارکشان در خدمات اجتماعی است و بس. برای این آموزشگاه نیز که مولود حسن قریحت و مجاهدت معظم‌له است، جای نهایت افتخار است که درجین ایوان مدخل آن، نام بانی و مؤسس فداکارش نقش شود.

نقشه ساختمان آموزشگاه پس از شور و بحث در کمیسیون فنی و بهداشتی و موافقت هیئت مدیره سازمان، مورد تصویب ملوکانه قرار گرفت و قرارداد ساختمان آن با شرکت ساختمانهای کشوری منعقد شد.

قسمتی از این ساختمان سه طبقه و قسمتی دیگر چهار طبقه است. دو آملی تئاتر هر یک بگنجایش شصت دانش‌آموز و یک تالار برای آزمایش کارهای عملی و فنی، مجهز بوسائل پژوهشی و یک کتابخانه و یک تالار بررسی و یک خیاطخانه و اطو کش خانه و آشپزخانه و یک تالار ناهارخوری و اتاقهای خواب چهار نفری و چندین اتاق برای هیئت مدیره آموزشگاه و دفتر و قسمتهای اداری و یک تالار بزرگ برای ورزشهای بدنی و نمایش سینما در آن جای خواهد گرفت. تمام بنا دارای لوله‌کشی و تأسیسات فنی و حرارت مرکزی و وسائل کار میباشد.

دانشجویان بطور شبانه‌روزی در آموزشگاه بسر میبرند. فارغ‌التحصیلان آموزشگاه با حقوق و مزایای کافی بکارگمارده خواهند شد. پرستاران فارغ‌التحصیل در صورتیکه بخواهند، میتوانند یکسال دیگر برنامه خاصی را که دارای تعلیمات بسیار مفید میباشد طی کنند و در شعب مختلف پرستاری و خدمات اجتماعی بدریافت گواهی‌نامه تخصصی نائل گردند.

ساختمان آموزشگاه بزودی باتمام خواهد رسید و آماده بکار خواهد شد ولی برای آنکه

منویات ملوکانه، یعنی هدف سازمان تا آن موقع موقوف و محطّل نماند، از هم امسال در بنای فعلی بیمارستان، چهل تن دانشجو قبول شده و بیکار شروع کرده‌اند، بطوریکه وقتی ساختمان تمام شود، این دسته از دانشجویان که سال اول را با تمام رسانیده‌اند، بقیه تحصیلات خود را در این ساختمان بپایان خواهند رسانید.

چاکر امیدوار است که این ساختمان، که از حیث ظاهر و مصالح مادی بهترین و باشکوه‌ترین وضعی ساخته میشود، از لحاظ باطنی و امور معنوی نیز به نیکوترین و عالیترین وجهی آماده و مهیا گردد و نخستین گروه خدمتگزاران امور اجتماعی، با آموخته‌های کافی از علم و هنر پرستاری و بهداشتی و اندوخته‌های گرانبها از احساسات نועدوستی و عواطف بیچاره‌نوازی، در آن پرورش یافته و بیرون آیند و در جامعه ایران که بچنین عناصر فداکار و وظیفه‌شناس نیازمند است بخدمات اجتماعی بپردازند.

این امیدواری چاکر بی‌پایه نیست، زیرا امور سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی مورد توجه خاص ذات مبارک همایونی است و براهنمائی و دلسوزی و علاقمندی والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی اداره میشود و همه کارمندان آن میکوشند که رضایت خاطر ریاست عالیّه بزرگوار و نیابت ریاست عالیّه محبوب، و وظیفه انسانیت و ایرانیت خود را که رضای خدا و خلق خدا در آن نهفته است، فراهم آورند.



پس از پایان گزارش، اعلیحضرت همایون شاهنشاه نخستین سنگ بنای آموزشگاه را که بوسیله آقای دکتر کاسمی تقدیم شد، در محل مخصوص بر زمین نهادند و بمتصدیان امور سازمان امر فرمودند که نسبت بتسریع ساختمان و تجهیز آموزشگاه نهایت سعی و مراقبت را بعمل آورند.

افتتاح

عملیات ساختمانی آموزشگاه، با کمال جدیت ادامه یافت و ظرف مدتی کمتر از دو سال، این بنای معظم و باشکوه ساخته و پرداخته و آماده افتتاح شد.

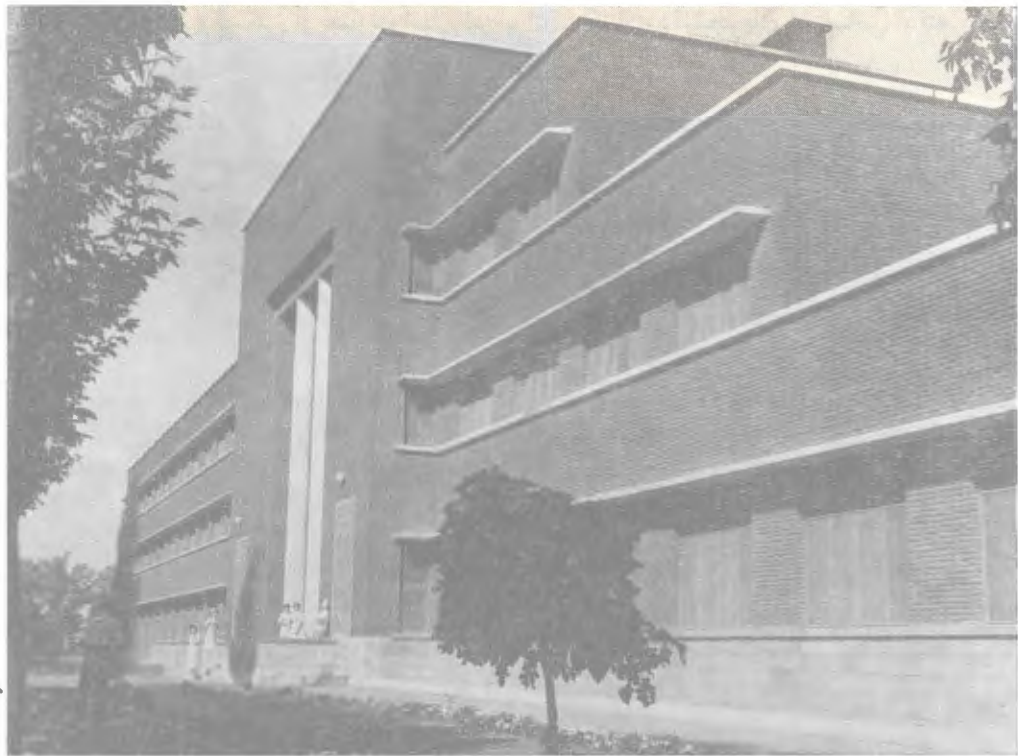
روزیست و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۲۸، اعلیحضرت همایون شاهنشاه ریاست عالییه سازمان، باتفاق والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی نیابت ریاست عالییه سازمان، بآموزشگاه نزول اجلال فرمودند و با کلیدی طلا که توسط آقای دکتر کاسمی بحضور مبارک تقدیم شد، در عمارت آموزشگاه پرستاری را گشودند و باین طریق، آموزشگاه پرستاری اشرف پهلوی رارسمآ افتتاح فرمودند. در مراسمی که در این روز بعمل آمد، جمعی از اعضاء هیئت دولت، نمایندگان مجلس شورای ملی، دانشگاهیان، فرهنگیان، پزشکان و گروهی از رجال و معارف کشور حضور داشتند. آقای دکتر آشتیانی مدیر عامل سازمان ضمن گزارش خویش گفتند: «طبق تصویب شورای دانشگاه، دوره این آموزشگاه که از این پس تنها آموزشگاه رسمی پرستاری است، سه سال و شرط ورود بان، دارا بودن گواهی نامه پنجساله متوسطه است. دانشجویان بطور شبانه روزی در آموزشگاه بسر میبرند و بانان غذا و منزل برایگان داده خواهد شد و هر یک ماهانه مبلغی بعنوان پول جیب دریافت میدارند.



والاحضرت، یکی از بخشهای تحت اداره پرستاران آموزشگاه را بازدید میفرمایند

پرستاران، پس از سه سال تحصیل و توفیق یافتن در امتحانات علمی و عملی، گواهی نامه پرستاری خواهند گرفت و در صورتیکه بخواهند در فن مامائی نیز گواهی نامه دریافت دارند، یکسال دیگر به تحصیلات اختصاصی آن ادامه خواهند داد. در این آموزشگاه فعلاً چهل تن دانشجوی پذیرفته شده اند، ولی تعداد دانشجویان سه کلاس که بتدریج در مدت سه سال پذیرفته خواهند شد بالغ بر ۱۸۰ تن خواهد گردید.»

سپس اعلیحضرت همایون شاهنشاه و والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی و مدعوین، بنخستین آموزشگاه پرستاری در ایران و نیز بنخستین بنای معظمی که پس از اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر ساخته شده بود، قدم نهادند.



ساختمان اصلی آموزشگاه پرستاری اشرف پهلوی

در تالار آموزشگاه، آقای دکتر سیاسی رئیس دانشگاه تهران، پس از تشریح اهمیت فن پرستاری عرض رسانیدند که: «یکی از اهم نقائص بیمارستانهای ما، نداشتن پرستار تحصیل کرده و تربیت یافته است. اهمیت وظیفه پرستار را همه میدانند. هر قدر ما دارای پزشکان ماهر و حاذق باشیم، چنانچه آنها یار و کمکی نداشته باشند که دستورهایشان را بخوبی اجرا کنند، از حذاقت و کاردانی پزشکان نتیجه مطلوب حاصل نخواهد شد و درمان بیماران به سهولت میسر نخواهد گردید.»

پس از آنکه کلیه قسمتهای آموزشگاه مورد بازدید قرار گرفت، اعلیحضرت همایونی بجانب بخش بزرگی از بیمارستان پهلوی که ضمیمه آموزشگاه بود و برای کارآموزی پرستاران اختصاص داده شده بود، تشریف فرما شدند و پس از مشاهده تمام قسمتهای آن، هنگام مراجعت فرمودند، « این آموزشگاه و بیمارستان ضمیمه آن، باید مرکز علم و تحقیق دانش پزشکی ایران شود و در صورت لزوم، پزشکان و مربیان عالیمقام و آزموده خارجی نیز برای آن استخدام گردد. »

ساختمان آموزشگاه

آموزشگاه پرستاری اشرف پهلوی در حاشیه شهر تهران و جنب بیمارستان پهلوی واقع شده است. این آموزشگاه، دارای دو عمارت بزرگ یعنی ساختمان اصلی آموزشگاه و خوابگاه دانشجویان است، و قسمتی از عمارت اصلی نیز برای سکونت دانشجویان اختصاص یافته است. آموزشگاه بر روی زمینی بمساحت ۲۰۰۰۰ متر مربع بنا گردیده است. ساختمان اصلی آموزشگاه مرکب از چهار طبقه است و هر طبقه آن ۱۰۸۰ متر مربع وسعت دارد. در زیر زمین، وسائل تهویه با تمام ماشین آلات مورد لزوم و انبارها و آشپزخانه قرار دارد. در طبقه اول، تالار اجتماع و ورزش و تالار کتابخانه و اطاق پذیرائی و اطاقهای دفتر و معلمین و دو آمفی تئاتر بزرگ



دانشجویان، اوقات فراغت خود را در باغ زیبای آموزشگاه میگذرانند

و یک آزمایشگاه مجهز و یک تالار غذاخوری و شش دستگاه دوش قرار دارد. در طبقه دوم، شانزده اتاق خواب با وسائل لازم از قبیل حمام و دوش و یک درمانگاه و اتاق ناظم قرار دارد. در طبقه سوم، ۱۵ اتاق خواب با لوازم استحمام قرار دارد. کلاسهای درس و مرکزاداری آموزشگاه نیز در این ساختمان قرار دارد. کلاسهای درس شامل یک اتاق پراتیک و دو آمفی تئاتر است که هر یک گنجایش ۴۰ تن دانشجو دارد. آشپزخانه رژیم و آزمایشگاه که در ساختمان جداگانه قرار دارند نیز از ملحقات کلاس درس محسوب میشوند. منزل مسکونی مربیان آموزشگاه در قسمت دیگری واقع شده و نیز ساختمان رختشویخانه هم در خارج ساختمان اصلی آموزشگاه است. تمام بنا دارای لوله کشی و تأسیسات فنی و حرارت مرکزی است.



ساختمان خوابگاه آموزشگاه پرستاری اهری پهلوی

چون ساختمان اصلی آموزشگاه برای پذیرفتن تمام دانشجویان گنجایش نداشت، در مجاورت آموزشگاه، زمینی برای ساختمان خوابگاه دانشجویان در نظر گرفته شد و نخستین کلنگ ساختمان مزبور در تاریخ چهارم آذر ۱۳۲۹ بوسیله جناب آقای حسین علاء وزیر دربار شاهنشاهی و نایب رئیس دوم سازمان بزمین زده شد و خوابگاه مزبور پس از اتمام، در تاریخ ۳۱/۱۰/۲۵ توسط علیا حضرت ملکه ثریا پهلوی افتتاح شد.

خوابگاه مزبور ابتدا دارای چهار طبقه بود و در سال ۱۳۳۵، یک طبقه دیگر بر آن افزوده شد. در این خوابگاه در زیر زمین ۵۲۴ متر مربع، طبقه هم سطح زمین ۱۲۰۰ متر مربع، و سه طبقه دیگر هر یک ۹۱۰ متر مربع و در بام ۱۰۰ متر مربع زیر بناء قرار دارد و مساحت زیر بنای تمام ساختمان، جمعاً ۴۵۲۰ متر مربع است. خوابگاه دارای یکصد اتاق - سه سالن - یک استراحت گاه سر پوشیده است و در هر یک از طبقات آن، هفت دستگاه حمام دوش و دو وان قرار دارد.

خوابگاه، محل سکونت پرستاران است و فارغ التحصیلان پرستاری که دارای سمت های عالی در بیمارستان پهلوی هستند نیز، در این قسمت زندگی میکنند. همچنین اتاقی برای ناظمه خوابگاه در این قسمت اختصاص داده شده است. در هر اتاق دو پرستار زندگی میکنند و بطور کلی در آموزشگاه و خوابگاه جمعاً ۲۴۰ تن دانشجو سکونت دارند.

اداره آموزشگاه

برای اداره آموزشگاه پرستاری اشرف پهلوی، بین سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی و دانشگاه تهران، موافقت نامه ای تنظیم و مبادله شد که در سیصد و چهلین جلسه شورای دانشگاه در تاریخ بیست و دوم اردیبهشت ماه ۱۳۲۷ بتصویب رسید. موافقت نامه مزبور بقرار زیر است:

بین سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی و دانشگاه تهران، موافقت نامه زیر در ۷ ماده تنظیم میشود:

۱ - سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی بمنظور آموزش و پرورش پرستار، برای خدمت در بیمارستانهای کشوری و آسایشگاه ها و بنگاه های بهداشتی و خدمات اجتماعی، آموزشگاهی بنام آموزشگاه اشرف پهلوی تأسیس مینماید که جزء سازمان بشمار میرود.

۲ - این آموزشگاه از لحاظ فنی و اداری تحت نظر هیئت مدیره پنج نفری خواهد بود مرکب از رئیس دانشکده پزشکی - دو نفر از استادان دانشکده که دارای بخش بیمارستانی میباشند و دو نفر نماینده از طرف سازمان شاهنشاهی.

تبصره - رئیس دانشکده پزشکی رئیس هیئت مدیره خواهد بود.

۳ - این آموزشگاه از طرف سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی در محل بیمارستان پهلوی ایجاد خواهد شد و شامل تالارهای درس و آزمایشگاه و ملحقات دیگر، بگنجایش یکصد و بیست دانش آموز می باشد. نقشه ساختمان مزبور باید بتصویب هیئت مدیره سازمان و دانشگاه برسد.

- ۴ - سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی حقوق یک تن مدیره و چهار الی هفت تن سرپرستار آموزگار آموزشگاه را که از کشورهای خارجه استخدام میشوند، میپردازد و نیز هزینه جاری (لباس - پول جیب و کتاب) هشتاد تن دانش آموز را که در هر کلاس چهل تن بآموزش مشغولند خواهند پرداخت. ولی هزینه خوراک و آموزش آنان برعهده دانشگاه خواهد بود.
- تبصره - مدیره آموزشگاه در جلسات هیئت مدیره حضور پیدا کرده، پیشنهادهای و توضیحات لازم را خواهد داد ولی حق رأی نخواهد داشت و از هر جهت در مقابل هیئت مدیره در باب حسن جریان امور داخلی آموزشگاه مسئول خواهد بود.
- ۵ - دانشکده حق دارد که آموزشگاه مزبور را حداکثر برای پرورش ۴۰ تن دانش آموز پرستاری خود مورد استفاده قرار دهد.
- ۶ - دوره آموزشگاه دوسال خواهد بود ولی برای تربیت پرستاران متخصص خدمات اجتماعی، دوره تخصص یکساله نیز دایر خواهد شد.
- ۷ - تازمانیکه ساختمان آموزشگاه مزبور تمام نشده است، دانشگاه، دانش آموزان آموزشگاه اشرف پهلوی را در بیمارستان پهلوی جای خواهد داد.

نایب رئیس دوم سازمان شاهنشاهی - عبدالحسین هژیر

رئیس دانشگاه - دکتر علی اکبر سیاسی

مدیر عامل سازمان شاهنشاهی - دکتر جواد آشتیانی



... و دوره نهائی



دوره مقدماتی ...

در موافقتنامه مزبور، بعداً در بعضی موارد اصلاحاتی بعمل آمد ولی اساس و مبنای اصلی اداره آموزشگاه، موافقتنامه مزبور است و در حال حاضر نیز، امور اداری و فنی آموزشگاه پرستاری اشرف پهلوی، مانند یکی از واحدهای تابع دانشگاه تهران، تحت نظر هیئت مدیره آموزشگاه اداره میشود و از طرف رئیس دانشکده پزشکی، یکی از استادان، بسمت سرپرست آموزشگاه انتخاب میگردد. قبلاً آقای دکتر حسین گل گلاب این سمت را داشتند و اینک آقای دکتر نصره الله کاسمی عهده دار این سمت هستند.



تدریس کالبد شکافی بدانشجویان دوره مقدماتی

شورای دانشگاه در سیصد و هفتاد و چهارمین جلسه خود در تاریخ هیجدهم اسفندماه ۱۳۲۷، مقررات و برنامه تحصیلات آموزشگاه را تصویب کرد و نخستین بار، در تاریخ بیست و پنجم اسفندماه ۱۳۲۷ برای قبول دانشجوی پرستاری در جرائد آگهی شد .

در بدو کار، برای اداره امور داخلی و آموزشی آموزشگاه، هشت تن سرپرستار انگلیسی از طرف سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی استخدام شدند که با سمت مدیره و معاون و سرپرستار بخشهای بیمارستانی، انجام وظیفه مینمایند .

دروس آموزشگاه نیز بوسیله جمعی از استادان دانشگاه تهران و چندتن از مربیان خارجی تدریس میشود .

مقررات ثبت نام

آموزشگاه پرستاری اشرف پهلوی، هر سال در دونوبت، در اول مهرماه و اول بهمن ماه، دوره های تحصیلی خود را آغاز میکند . دوشیزگانی که داوطلب تحصیل در آموزشگاه هستند،



تدریس عملی پانسمان و زخم بندی



تدریس عملی درست کردن تخت بیمار

باید قبلاً همراه اولیاء خود بآموزشگاه مراجعه کنند و بامدیره آموزشگاه ملاقات نمایند. شرائطی که داوطلبان باید دارا باشند عبارتست از :

۱ - سن آنها بین ۱۷ تا ۲۵ باشد .

۲ - مجرد باشند .

۳ - دارای گواهینامه شش ساله متوسطه باشند .

۴ - سلامت باشند .

مدیره آموزشگاه از میان داوطلبان، تعداد مورد لزوم هر دوره را انتخاب میکند .
داوطلب، قبل از اینکه پذیرفته شود، باید گواهینامه تحصیلات متوسطه و دو برگ رونوشت شناسنامه و دو قطعه عکس ، تسلیم آموزشگاه نماید و با تکمیل گواهینامه های تندرستی ، سلامت کامل خود را مسلم سازد و نیز باید تقاضای ورود بآموزشگاه را تکمیل و مسترد دارد و سه تن معرف داشته باشد .

دوشیزگان، پس از پذیرفته شدن و پیش از شروع رسمی تحصیل در آموزشگاه ، باید معاینات و مایه کوبی های زیر را انجام دهند :

۱ - پرتوینی (رادیوسکپی) و در صورت لزوم پرتونگاری (رادیوگرافی) ریتین دربخش پرتونگاری سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی .

۲ - مایه کوبی برضد آبله .

۳ - مایه کوبی برضد دیفتری .

۴ - مایه کوبی برضد سل (ب . ث . ژ) .

۵ - مایه کوبی برضد مطبقة (تیفوئید) .

اولیای دوشیزگان پذیرفته شده، باید قبل از شروع دوره مقدماتی آموزشگاه ، قرار داد زیر را امضاء کنند و امضاء باید در دفتر رسمی گواهی شود .

آموزشگاه پرستاری اشرف پهلوی

در تاریخ میان آموزشگاه پرستاری اشرف پهلوی که در زیر آموزشگاه نامیده میشود و دوشیزه ساکن دارنده شناسنامه شماره صادر شده از که در زیر دانشجو نامیده خواهد شد ، با رضایت کامل ، قرارداد زیر ، ضمن عقد لازم ، منعقد میشود .

۱ - آموزشگاه ، دانشجو را از تاریخ با رعایت شرایطی که هیئت مدیره آموزشگاه وضع نموده است برای تحصیل می پذیرد .

۲ - مدت تحصیل سه سال است ، شامل یکدوره ۱۶ هفته کارآموزی مقدماتی و دوره تعلیمات لازم پرستاری برای گذراندن امتحانات رسمی و دریافت گواهینامه مربوط .

۳ - دانشجو تعهد میکند در آموزشگاه و بیمارستان ، برای مدت سه سال که شروع آن از است ، طبق برنامه رسمی آموزشگاه ، مصوب دانشگاه تهران ، تعلیمات مربوط را فراگیرد و وظائف محول شده را انجام دهد و در هر موقع مقررات آموزشگاه را اطاعت کند و آن را جزء این قرارداد بداند .

نیز دانشجو متعهد میشود ، پس از دریافت گواهینامه رسمی از دانشگاه ، با پایه رسمی ، مدت سه سال دیگر در بیمارستانی که دانشکده پزشکی و هیئت مدیره آموزشگاه پرستاری اشرف پهلوی تعیین میکند ، بخدمات پرستاری اشتغال یابد و از مزایای قانونی بهره‌مند شود . در این مدت حق قبول خدمت در هیچیک از مؤسسات دولتی و ملی را نخواهد داشت .

۴ - هرگاه دانشجو در خلال دوره تحصیل ، آموزشگاه را ، بهر عنوان ترك کند ، باید برای همراه کارآموزی ، مبلغ ۲۰۰۰ ریال بآموزشگاه بپردازد . این مبلغ برای استهلاك خسارت و دینی است که بآموزشگاه دارد و نیز چنانچه خدمت سه ساله اجباری بیمارستانی را بانجام نرساند ، برای هر سال خدمت ناتمام ، یک ششم هزینه تحصیلی خود را که مبلغ ۱۲۰۰۰ ریال است بآموزشگاه خواهد پرداخت .

۵ - آقای ولی دانشجو
دارای شناسنامه شماره
وکیل دانشجو

صادر شده از مقیم ضمن عقد خارج لازم تعهد نمود ، چنانچه آموزشگاه برای استیفاء حقوق و مطالبات خود بابت این تعهدنامه ، بوی مراجعه کند ، بی احتیاج بطلی تشریفات قانونی قضائی ، وجوه مورد مطالبه آموزشگاه را بپردازد . بعلاوه آموزشگاه حق دارد برای استیفاء مطالبه حقوق خود بابت این تعهدنامه ، بهر یک از دو امضاء کننده زیر (متعهد و دانشجو) که بخواهد ، منفرداً و مجتمعاً و متضامناً مراجعه کند و حق خود را دریافت دارد . تشخیص آموزشگاه برای مطالبه و صدور اجرائیه کافی خواهد بود .

مواد و مطالب فوق مورد گواهی است .

محل امضاء دانشجو

محل امضاء ولی وکیل

محل امضاء مدیر آموزشگاه

محل تصدیق امضاء از طرف دفتر رسمی

* * *

وسائل مورد نیاز دانشجویان

این مقررات باید از طرف دانشجویان رعایت شود :

۱ - هر دانشجو باید اشیاء ذیل را با خود بیاورد:

چهار دست لباس زیر

چهار ده عدد زیر پوش سفید ساده

چهار عدد دستمال سفید

یک روبدوشامبر

یک بلوز سفید ورزش

وسائل توالت با صابون و خمیر دندان

یک جفت کفش سفید پاشنه کوتاه از کفاش مخصوص

یک جفت کفش راحتی

یک جفت کفش ورزش



تربیت بدن ، در تربیت پرستاران نقش مهمی دارد



سالن استراحت پرستاران

یک کیسه سفید برای البسه شستنی ۷۰×۴۸ سانت

یک دست لباس شنا

دو دست پیجامه یا دو روپوش شب

۲ - هر دانشجو باید البسه خود را بنحو مشخص علامت بگذارد تا هنگام عودت البسه شسته شده از رختشویخانه اشتباه نشود.

۳ - دانشجویان نباید اشیاء قیمتی و جواهرات، بآموزشگاه بیاورند.

۴ - هر دانشجو برای کلاس درس با اشیاء زیر محتاج است :

یک ساعت مچی با عقربه ثانیه شمار

یک قیچی جراحی

دوازده عدد سنجاق قفلی

شش مداد

یک قلم خودنویس

یک مداد پاک کن

يك جعبه مداد رنگي

يك خط‌كش

۵ - دانشجو اشیاء زیر را نیز باید همراه داشته باشد :

يك قفل با كلید

يك عدد چتر

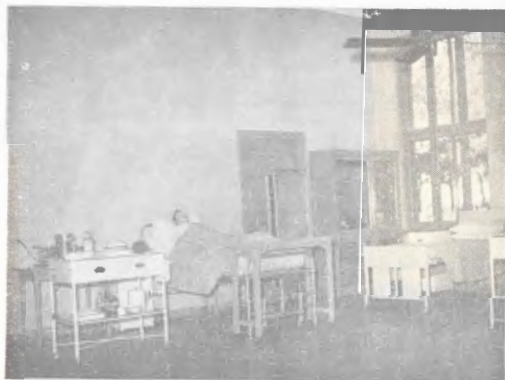
يك جفت چكمه برای پوشیدن روی كفش

سوهان ناخن و برس لباس و وسیله پاک کردن كفش سفید

۶ - چون كمد، گنجایش زیاد ندارد، باید مقدار البسه عادی كه دانشجویان بآموزشگاه میآورند محدود باشد.

تجهیزات آموزشگاه

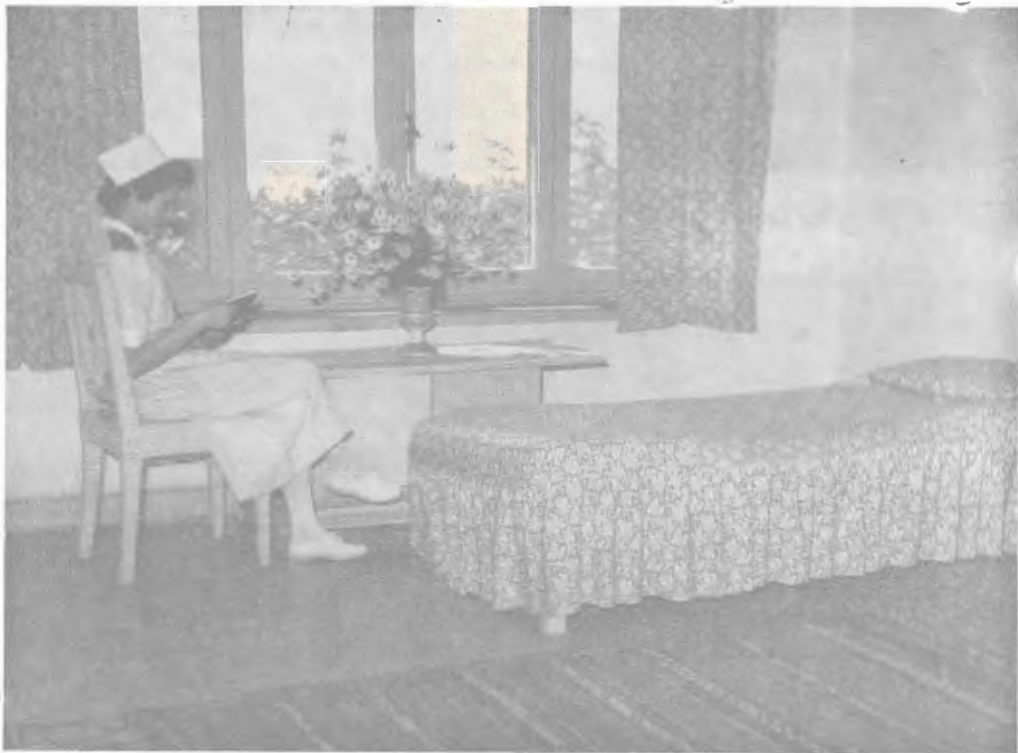
آموزشگاه پرستاری گنجایش ۲۴۰ تن دانشجو دارد. وسائل درسی آموزشگاه باجدیدترین آموزشگاههای پرستاری برابری میکند. درآموزشگاه دو تالار (آمفی تآثر) بزرگ برای سخنرانی با گنجایش ۴۰ دانشجو و يك تالار آزمایش بزرگ برای یاد دادن رموز پرستاری عملی وجود



دو گوشه از كلاس پراتيك (تدریس عملی)

دارد. تالار آزمایش با مدلهای تشریح و نقشه‌ها و تخت‌ها و سایر وسائل مجهز است. يك آمفی تآثر دارای يك اپیدیاسكوپ و دیگری دارای پروژكتور و دستگاه انعكاس صوت است كه با كمك آن، فیلم‌های آموزشی بمعرض نمایش گذاشته میشود. بفاصله نزدیکی ازآموزشگاه، يك آزمایشگاه كاملاً مجهز و يك آشپزخانه رژیم قرار گرفته است و بدانشجویان پرستار، طرز تهیه اغذیه مختلف و آشپزی مخصوص بیماران تدریس میشود. درآموزشگاه، يك تالارناهارخوری بزرگ و يك تالار استراحت، و يك قرائت‌خانه و يك كتابخانه كه دارای كتب و مجلات فارسی

و انگلیسی فراوان است تعبیه و در سالن کتابخانه میزهای تحریری قرار داده شده است که بتوان برای مطالعه، از آنها استفاده کرد. در سالن استراحت، برای سرگرمی دانشجویان، رادیوگرام و پیانو قرار دارد. کلیه اتاقهای خواب، رو بجنوب و در هر یک از آنها، دو تن پرستار سکونت دارند و بتعداد مورد لزوم، حمام و دستشویی در دسترس است. برای تفریح و ورزش دانشجویان، دو میدان تنیس و یک میدان والیبال و یک استخر شنا و دو تالار ورزش و میز پینگ پونگ فراهم گردیده است که هر یک از آنها در ساعاتی از روز، مورد استفاده دسته‌ای از دانشجویان قرار میگیرد.



در هر اتاق خواب، دو پرستار سکونت دارند

روش آموزش

دوره تحصیل در آموزشگاه پرستاری سه سال و شامل یک دوره مقدماتی و یک دوره عمومی است.

دوره مقدماتی - دوره مقدماتی آموزشگاه ۱۶ هفته بطول میانجامد و درخاتمه آن از دانشجویان امتحانی بعمل میآید و دانشجو در صورت موفقیت، میتواند دوره سه ساله تحصیلات خود را ادامه دهد.

تعلیمات عمومی - آموزشگاه باروش آموزشی خاص موسوم به « بلاک » اداره میشود و بموجب آن ، همه ساله دانشجویان برای مدتی از ۸ تا ۱۲ هفته برای مطالعه در کلاس درس حاضر میشوند .

در طی این مدت، دانشجویان طبق برنامه مصوب دانشگاه ، تعلیمات پرستاری نظری و عملی را فرا میگیرند . تعلیم دانشجویان در آموزشگاه ، بعهدہ مربیان مجرب واگذار شده است و در بیمارستان هم تحت نظر مربیان بخش ، بارموز پرستاری آشنا میشوند . قسمتی از برنامه آموزشی آموزشگاه بوسیله استادان پزشکی و جراحی که توسط ریاست دانشکده پزشکی تعیین میشوند اجرا میگردد .

لازم است هر دانشجو در مدت ۱۸ ماه کارآموزی در آموزشگاه ، خود را برای امتحان مقدماتی آماده سازد . در صورتیکه دانشجو نتواند برای بار دوم در امتحان مقدماتی موفقیت یابد ، ممکن است هیئت مدیره وی را از ادامه تحصیل در آموزشگاه بازدارد . دانشجو پس از توفیق در امتحانات مقدماتی ، باید در امتحان نهائی شرکت جوید .



گروه ای از آشپزخانه آموزشگاه پرستاری

آموزشگاه پرستاری و بیمارستان ، طی مدتیکه طول آن ۱۸ ماه است ، وسائل لازم را جهت آماده ساختن وی برای این امتحان تأمین خواهند کرد . همچنین لازم است دانشجو در امتحانات داخلی آموزشگاه که از طرف متحنین آموزشگاه بعمل میآید شرکت نماید .



سالن ورزش



سالن استراحت

بهر دانشجوئی که دوره تحصیل سه ساله را با جلب رضایت هیئت مدیره پایان برساند و در امتحانات داخلی و نهائی رسمی توفیق حاصل نماید ، گواهینامه موقت پرستاری اعطاء خواهد شد و گواهینامه دائمی وی ، پس از انقضای خدمت سه ساله که در یکی از بیمارستانهای دانشگاه یا دولت انجام میدهد ، در اختیار وی گذاشته خواهد شد .

شرائط خدمت

بدانشجویان پرستاری ، محل سکونت و غذا و لباس متحدالشکل خاص آموزشگاه و وسائل رختشوئی برایگان داده میشود و آنان در خوابگاه پرستاران یا در جای معین دیگر زندگی خواهند کرد و پس از انقضای دوره مقدماتی ، ماهانه پول جیب بقرار زیر دریافت خواهند داشت :

سال اول ماهی ۳۵۰ ریال

» ۴۰۰ » سال دوم

» ۵۰۰ » سال سوم

دانشجویان پرستاری برابر مدیره آموزشگاه مسئول هستند و موظفند دستورهای پرستاران ارشدرا انجام دهند و نیز در امور حرفه ای ، مأمور اجرای تعلیمات پزشکان خواهند بود . مدیره آموزشگاه محل خدمت دانشجویان را در بخشهای بیمارستان وابسته بدانشگاه تعیین مینماید و باید کشیک شب را که معمولاً مدت آن در هر نوبت از یکماه تجاوز نمیکند ، بعهده بگیرند . سعی خواهد شد تا حدود امکان ساعات خدمت و ساعات فراغت و نیز مرخصی سالیانه دانشجویان ، مطابق بابرنامه اعلام شده باشد ، مگر در مواردیکه مقتضیات بیمارستان تغییراتی را ایجاب نماید . ساعات کار

و فراغت آنان از روی نوبت خواهد بود و یکماه پیش از وقت تنظیم خواهد شد. معمولاً دانشجویان هر دو هفته ۹۶ ساعت انجام وظیفه خواهند کرد و این مدت شامل ساعات صرف غذا نیز خواهد بود. مدت تعطیل مجاز هفتگی و مرخصی سالیانه بشرح زیر خواهد بود:

یک روز و نیم مرخصی هفتگی

سه هفته تعطیل سالیانه

دانشجویان در مدت آموزش نظری در آموزشگاه، میتوانند از تمام تعطیلات رسمی استفاده نمایند، اما موقع خدمت در بیمارستان، از این تعطیلات بطور یک در میان استفاده خواهند نمود. با ارائه گواهینامه پزشک، بدانشجویان مرخصی استعلاجی با استفاده از حقوق بترتیب زیر داده میشود:

طی سال اول	۱ ماه با استفاده از حقوق کامل	(بعد از چهار ماه خدمت)
	و ۲ ماه با استفاده از نصف حقوق	
طی سال دوم	۲ ماه با استفاده از حقوق کامل	
	و ۲ ماه با استفاده از نصف حقوق	
طی سال سوم	۳ ماه با استفاده از حقوق کامل	
	و ۳ ماه با استفاده از نصف حقوق	

در مواقع بیماری، درمان و مداوای دانشجویان برایگان خواهد بود و بخش مخصوصی در بیمارستان پرستاران بیمار اختصاص داده شده است.

هر گاه دانشجو طی دوره تحصیل بیش از ۶ هفته غایب شود، مدت اضافی جزء کارآموزی او بشمار نخواهد آمد و تا جبران نشود، ۳ سال تحصیل را نمیتوان خاتمه یافته تلقی نمود.

اگر دانشجوی پرستاری نتواند در پایان مدتهای معین، مجدداً مشغول انجام وظیفه شود، خدمت او در آموزشگاه خود بخود خاتمه یافته محسوب میشود. اما اگر هیئت مدیره موافقت نماید، ممکن است مرخصی استعلاجی او (با استفاده از حقوق یا بدون آن) تمدید شود. موافقت با ادامه پرداخت حقوق، ایجاد تعهد استخدامی و تعلیماتی جدیدی برای هیئت مدیره نخواهد کرد. بدانشجویانی که دوره تحصیل سه ساله کارآموزی عمومی را با جلب رضایت اولیاء آموزشگاه پایان رسانند و در امتحانات رسمی و داخلی توفیق حاصل نمایند، گواهینامه موقت پرستاری اعطاء میشود و بلافاصله با رتبه پنج پرستاری و با حقوق ماهانه ۶۷۵۰ ریال با سمت معاون پرستاری بخش در بیمارستانهای دانشکده پزشکی یا وزارت بهداشتی استخدام میگردد و از ترفیع و اضافه حقوق قانونی استفاده مینمایند و پس از سه سال کار، گواهینامه دائمی خود را دریافت میدارند.



گوشه ای از کتابخانه و قرائتخانه آموزشگاه

دانشجویان در مدت این سه سال ساکن آموزشگاه نخواهند بود، ولی لباس متحدالشکل بآنان داده خواهد شد و در موقع کشیک، از غذای آموزشگاه استفاده خواهند کرد و نیز فوق العاده کشیک دریافت خواهند داشت و همچنین در صورت تصدی نظامت فنی یا تصدی اطاق عمل، از ثلث تاربع حقوق خود، اضافه دستمزد دریافت خواهند داشت.

ارزش گواهینامه آموزشگاه لیسانس شناخته شده است.

ضمانت اجراء

چنانچه دانشجویی بخواهد بعلل شخصی و برخلاف تعهد، از ادامه کار آموزشی خودداری نماید، بپرداخت غرامتی ناچار خواهد بود که مقدار آن برای همراه کارآموزی، فعلاً ۲۰۰۰ ریال است.

هرگاه پرستار فارغ التحصیل، خدمت سه ساله بیمارستانی را بپایان نرساند، باید برای هر سال خدمت ناتمام، فعلاً ۱۲۰۰۰ ریال غرامت بپردازد.

مدیره آموزشگاه میتواند در هر مرحله از کارآموزی، در صورت بروز تخلفی از دانشجو،

وی را معلق نماید و جریان را فوراً به هیئت مدیره گزارش دهد و هیئت مدیره مجاز خواهد بود
 بقرارداد هر دانشجو، بعلت غفلت در انجام وظیفه یا تمرد یا سوء رفتار یا علل کافی دیگر خاتمه دهد.
 از طرف آموزشگاه برای پرستارانی که تعهدات خود را انجام داده و ابراز لیاقت کرده
 و بزبان انگلیسی آشنائی کافی داشته باشند، مقدمات تحصیل مامائی یا ادامه کارآموزی در خارج
 از ایران فراهم خواهد گردید .

شورای بین‌المللی پرستاری

در اواسط سال ۱۳۳۶ شورای بین‌المللی پرستاری در شهر رم (ایتالیا) تشکیل شد
 و برای نخستین بار، نماینده‌ای از آموزشگاه پرستاری اشرف پهلوی در آن شرکت کرد و ایران
 رسماً بعضویت شورای بین‌المللی پرستاران جهان درآمد .

دانشجویان و فارغ التحصیلان

تعداد دوره‌هایی که دانشجو در آموزشگاه پذیرفته شده است ۱۳ دوره
 تعداد دوره‌هایی که خاتمه یافته است ۹ دوره
 تعداد دانشجویان فعلی آموزشگاه ۱۳۲ تن
 تعداد فارغ التحصیلان ۱۵۰ تن

آمار دوره‌ها و فارغ التحصیلان آموزشگاه

ردیف	دوره	شروع دوره	پایان دوره	تعداد فارغ التحصیلان
۱	دوره اول	۱۳۲۸/ ۲/۲۱	۱۳۳۱/ ۴/ ۱	۲۳ تن
۲	» دوم	۱۳۲۸/ ۸/ ۱	۱۳۳۱/ ۸/۱۲	» ۲۴
۳	» سوم	۱۳۲۹/ ۷/۱۰	۱۳۳۲/ ۸/۲۰	» ۱۸
۴	» چهارم	۱۳۳۰/ ۷/۱۰	۱۳۳۳/ ۷/۲۷	» ۱۰
۵	» پنجم	۱۳۳۱/ ۱/۱۶	۱۳۳۴/ ۴/۱۷	» ۵
۶	» ششم	۱۳۳۱/۱۲/ ۲	۱۳۳۴/۱۲/ ۱	» ۲۱
۷	» هفتم	۱۳۳۲/ ۷/ ۹	۱۳۳۵/۱۰/ ۱	» ۲۰
۸	» هشتم	۱۳۳۲/۱۱/۲۲	۱۳۳۶/ ۳/ ۱	» ۱۴
۹	» نهم	۱۳۳۳/ ۸/۱۰	۱۳۳۶/۱۰/ ۱	» ۱۵

اسامی فارغ التحصیلان آموزشگاه

دوره اول

- | | |
|----------------------------|------------------------|
| ۱ - ملوک جلالی (شاگرد اول) | ۱۳ - مهین ارم |
| ۲ - فاطمه امیر فیض | ۱۴ - شکوه الزمان معتمد |
| ۳ - لعبت قویمی | ۱۵ - پریزاد باوند |
| ۴ - سیف الملوک ایلدرم | ۱۶ - عارفه آذری |
| ۵ - نسرین دخت مجد ضیائی | ۱۷ - شمس آفاق خلعتبری |
| ۶ - نرهدت مهاجر | ۱۸ - هاجر هاجری |
| ۷ - فاطمه خلعتبری | ۱۹ - سیمین بهی |
| ۸ - اعظم رودهچی | ۲۰ - مهین خداپنده لو |
| ۹ - هما تاج بهادر | ۲۱ - روزی فاروقی |
| ۱۰ - عصمت نویدی کسمائی | ۲۲ - اختر هادی |
| ۱۱ - هما تابش | ۲۳ - پروین صارم |
| ۱۲ - همایون حبشی | |



مرتب کردن انبار تجهیزات



استراحت ، پس از ورزش یامدادی

دوره دوم

- | | |
|-----------------------------|--------------------------|
| ۱ - خدیجه خسروی (شاگرد اول) | ۱۳ - ام البنین مگری |
| ۲ - ایرین کودرون فرانکه | ۱۴ - پریوش مجلسی |
| ۳ - آذر فرشید | ۱۵ - فخری امیر ظفیری |
| ۴ - رحيله رمضان | ۱۶ - فرخنده کریمی |
| ۵ - پروین امینیان | ۱۷ - متین بانو شریفی |
| ۶ - پارمیس ارشاد | ۱۸ - پروین شعاعیان |
| ۷ - حوری فرزانه | ۱۹ - اقدس حسینی |
| ۸ - زهره میزان صوفی | ۲۰ - محبوبه هادی |
| ۹ - گوهر رنگ کاریان | ۲۱ - احترام دهپناه |
| ۱۰ - اقدس درگاهی | ۲۲ - زهرا یامحمدی |
| ۱۱ - فروغ قاضی عسگر | ۲۳ - ایراندخت کاوسی زاده |
| ۱۲ - حلیمه رضائی | ۲۴ - اقدس مرتضوی |

دوره سوم

- | | |
|----------------------------------|-----------------------|
| ۱ - خورشید کلاه صدری (شاگرد اول) | ۱۰ - شمسی منصوری |
| ۲ - پروین اصانلو | ۱۱ - آچر آوانسیان |
| ۳ - ایراندخت زند | ۱۲ - توران توتونچیان |
| ۴ - مهین توفیق | ۱۳ - عزت پور عسکر |
| ۵ - قدسیه مستقیمی | ۱۴ - فروغ ناظریان |
| ۶ - سرور شهنازی | ۱۵ - فخر التاج ایلخان |
| ۷ - منیره جاوشی | ۱۶ - لهیار مزی |
| ۸ - روزا آوانسیان | ۱۷ - منیره توکلی |
| ۹ - پروین ریاحی | ۱۸ - منیره شریف زاده |

دوره چهارم

- | | |
|------------------------------------|-----------------------------|
| ۱ - طاهره عدالتی حقیقت (شاگرد اول) | ۶ - طلعه نیک مهر |
| ۲ - کبری دادخواه امیدی | ۷ - فاطمه رجبعلی (رزم آئین) |
| ۳ - ایراندخت مصیبی | ۸ - شمس الملوك آل آقا |
| ۴ - آذر دخت فروندا | ۹ - هما اسکوتی |
| ۵ - پروین شهر یاری | ۱۰ - درة الصدف ملک لو |

دوره پنجم

- | | |
|----------------------------|-----------------------|
| ۱ - سادات مداح (شاگرد اول) | ۴ - پوران خیال |
| ۲ - منیژه زمزمی | ۵ - فروغ کریمی کودکان |
| ۳ - نورآفاق همت | |

دوره ششم

- | | |
|-------------------------------------|---------------------------|
| ۱ - روزامار دیروسیان (شاگرد اول) | ۱۲ - منصوره کنعانی |
| ۲ - نیره شورویزاده | ۱۳ - فخری کامکاری |
| ۳ - معصومه سعیدیان | ۱۴ - روحیه مشتاقی |
| ۴ - فردوس خادمی جهرمی | ۱۵ - پروانه زردشتی کرمانی |
| ۵ - ایراندخت مالکی شاهرخی | ۱۶ - بدرزمان جلالی |
| ۶ - پروین اوشیدری | ۱۷ - خجسته بانو باستانی |
| ۷ - اختر طباطبائی | ۱۸ - منیره زمانیزاده قمی |
| ۸ - مهین دخت قراگزلو | ۱۹ - پروین کشوری |
| ۹ - جهانتاب عرفانیان آگاهی نقشی صور | ۲۰ - باهره روحانی |
| ۱۰ - منیره فرهنگی | ۲۱ - صنوبر مختاری وافر |
| ۱۱ - مهرجهان خزیمه | |

دوره هفتم

- | | |
|----------------------------------|-------------------------|
| ۱ - همایون‌تاج معتمد (شاگرد اول) | ۱۱ - مهین تاج روستائیان |
| ۲ - شکوه فلک‌پرواز | ۱۲ - فلوریا برستی |
| ۳ - اخترکیانی انصاری | ۱۳ - شکوه زند |
| ۴ - مهین عنایت‌پور | ۱۴ - زهرا مکرمی تهرانی |
| ۵ - انیس فلاحتی | ۱۵ - صغری وحید تفرشی |
| ۶ - شهین دخت بشارت | ۱۶ - زهرا حافظی مقدم |
| ۷ - سرورالزمان بصیرالعلمی | ۱۷ - منصوره برق |
| ۸ - سیروس دخت تمدن | ۱۸ - قمر حسینیان |
| ۹ - مریم خسروی | ۱۹ - مهرانگیز معقول |
| ۱۰ - زهرا آقاخان تهرانی | ۲۰ - ثریا حقیقی |

دوره هشتم

- | | |
|--------------------------------|-----------------------------|
| ۱ - پریوش آل مذکور (شاگرد اول) | ۸ - ایراندخت خدیوی |
| ۲ - عذراء انصاری جابری | ۹ - پوراندخت خدایار کاشانی |
| ۳ - اکرم بهرامی | ۱۰ - آنائیدا اسانویانس زاده |
| ۴ - جوعن سرکیس دومان | ۱۱ - مرضیه رشاد |
| ۵ - حاجیه بانو فریدونی | ۱۲ - سرور روشن قنبری |
| ۶ - احترام السادات سید کارگری | ۱۳ - انیس آغا شهید یزدانی |
| ۷ - بهجت کیوانفر | ۱۴ - مهرانگیز صدر زنجانی |

دوره نهم

- | | |
|----------------------------|---------------------|
| ۱ - مهوش نادری (شاگرد اول) | ۹ - فروغ ابوالصدق |
| ۲ - سکینه بیدختی | ۱۰ - پریوش مشیرزاده |
| ۳ - اقبال دلجوئی | ۱۱ - اما نارینیان |
| ۴ - زهرا دشوارپسند | ۱۲ - فروغ اسکوئی |
| ۵ - مریم دمساز دیرباز | ۱۳ - فاطمه پورهاشم |
| ۶ - زرین تاج خطیب شهیدی | ۱۴ - مسعوده کدیور |
| ۷ - مرضیه کتاب الله زاده | ۱۵ - طیبه ریاضت |
| ۸ - مهین لاری | |

بخشهای بیمارستان پهلوی که پرستاران آموزشگاه پرستاری اشرف پهلوی در آن خدمت میکنند

مجموع تختخوابها - ۳۳۰ تخت

الف - ۱ - بخش طبیبی زنانه	—	آقای دکتر عزیزی	۴۰	تخت
۲ - بخش طبیبی مردانه	—	»	۴۲	»
۳ - بخش طبیبی زنانه	—	آقای دکتر معتمدی	۱۶	»
۴ - بخش طبیبی مردانه	—	»	۱۸	»
۵ - بخش جراحی عمومی مختلط	—	آقای دکتر میر	۳۹	»
۶ - بخش جراحی اعصاب مختلط	—	آقای دکتر عاملی	۲۵	»
۷ - بخش جراحی اعصاب مختلط	—	آقای دکتر سمیعی	۲۵	»
۸ - بخش قلب مردانه	—	آقای دکتر شیخ	۲۴	»
۹ - بخش قلب زنانه	—	»	۱۱	»



والیبال



تنیس

- ۱۰ - بخش اورولوژی — آقای دکتر پزشکان ۲۵ »
 ۱۱ - بخش کودکان — آقای دکتر قریب ۶۵ »
 ب- ۱ - بخش رادیولوژی — آقای دکتر فرهاد
 ۲ - درمانگاه — آقای دکتر راشدی
 ج - اطاقهای عمل — ۱ - جراحی عمومی آقای دکتر میر
 ۲ - جراحی اعصاب آقای دکتر عاملی
 ۳ - اورولوژی آقای دکتر پزشکان
 ۴ - ژنیکولوژی آقای دکتر میر فخرائی

آمار فعالیتهای پرستاری بیمارستان پهلوی در سال ۳۶ - ۱۳۳۵

بیماران سرپائی که تحت درمان قرار گرفته‌اند	۴۵۴۳۴	تن
بیماران بستری شده در بخشها	۴۵۱۵	تن
اعمال جراحی بزرگ	۸۸۲	»
اعمال جراحی کوچک	۴۴۹	»



بازی



والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی ، ضمن اعطاء گواہینامہ فارغ التحصیلان آموزنگاہ ،
پستہ آنان نیز مدال پرستاری نصب میفرمایند

مؤسسه‌ای که فارغ التحصیلان آموزشگاه در آن خدمت میکنند

- | | | |
|---|----|----|
| ۱ - آموزشگاه پرستاری اشرف پهلوی | ۲ | تن |
| ۲ - بیمارستان پهلوی | ۶۷ | » |
| ۳ - بیمارستان زنان | ۸ | » |
| ۴ - بیمارستان رامسر - سازمان شاهنشاهی | ۳ | » |
| ۵ - بیمارستان قم - سازمان شاهنشاهی | ۱ | » |
| ۶ - بیمارستانهای وزارت بهداشتی | ۵ | » |
| ۷ - شیر و خورشید سرخ | ۳ | » |
| ۸ - بیمارستان نمازی | ۲ | » |
| ۹ - شرکت ملی نفت ایران | ۳ | » |
| ۱۰ - مشغول تحصیل در کلاس مامائی | ۲۵ | » |
| ۱۱ - کسانی که برای ادامه تحصیل به انگلستان رفته‌اند | ۹ | » |
| ۱۲ - کسانی که به آمریکا رفته‌اند | ۲ | » |
| ۱۳ - کسانی که خدمت خود را ناتمام گذاشته‌اند | ۲۱ | » |



گوشه‌ای از سالن غذا خوری

برنامه دوره مقدماتی

۱۶ هفته - ۷۰۴ ساعت

ردیف	موضوع درس	تدریس کننده		مجموع ساعات
		استاد	مربی پرستاری	
۱	تاریخ پرستاری	—	۴ ساعت	۴ ساعت
۲	علم الاخلاق پرستاری	—	» ۱۴	» ۱۴
۳	پرستاری نظری	—	» ۵۰	» ۵۰
۴	پرستاری عملی	—	» ۱۲۸	» ۱۲۸
۵	آناتومی	—	» ۹۶	» ۹۶
۶	فیزیولوژی	—	» ۹۶	» ۹۶
۷	بهداشت و بهداشت عمومی	—	» ۳۲	» ۳۲
۸	فیزیک و شیمی	۶۴ ساعت	—	» ۶۴
۹	باکتریولوژی	—	» ۱۶	» ۱۶
۱۰	باندیج	—	» ۱۶	» ۱۶
۱۱	ورزش (توسط مربی ورزش)	—	—	» ۴۰
۱۲	زبان انگلیسی (توسط معلم زبان)	—	—	» ۲۴
۱۳	مطالعه طبق برنامه تنظیم شده - اوراق تست و امتحان	—	—	» ۱۲۴

همه هفته در موضوع مطالب تدریس شده امتحان بعمل میآید.

پس از پایان ۱۶ هفته نیز امتحانی انجام میگردد.

برنامه
دوره قبل از امتحان رسمی مقدماتی
۶ هفته - ۴۶۴ ساعت

ردیف	موضوع درس	تدریس کننده		مجموع ساعات
		استاد	مربی پرستاری	
۱	تاریخ پرستاری	—	۲ ساعت	۲ ساعت
۲	علم الاخلاق پرستاری	—	۲ »	۲ »
۳	پرستاری نظری	—	۳۰ »	۳۰ »
۴	پرستاری عملی	—	۵۰ »	۵۰ »
۵	آناتومی	۲۰ ساعت	—	۲۰ »
۶	فیزیولوژی	۲۰ »	—	۲۰ »
۷	بهداشت و بهداشت عمومی	—	۱۲ »	۱۲ »
۸	باکتریولوژی	۸ »	—	۸ »
۹	روانشناسی	۸ »	—	۸ »
۱۰	کمکهای اولیه	—	۱۸ »	۱۸ »
۱۱	باندیج	—	۶ »	۶ »
۱۲	رژیمهای غذایی	—	۱۲ »	۱۲ »
۱۳	تهیه غذای بیماران	—	۱۲ »	۱۲ »
۱۴	ورزش (توسط مربی ورزش)	—	—	۱۶ »
۱۵	زبان انگلیسی (توسط معلم زبان)	—	—	۸ »
۱۶	مطالعه طبق برنامه تنظیم شده - اوراق تست و امتحان	—	—	۴۰ »

همه هفته در موضوع مطالب تدریس شده امتحان بعمل میآید.

پس از پایان ۶ هفته نیز امتحانی انجام میگردد.

امتحان مقدماتی روی مطالب فوق پس از ۱۲ تا ۱۸ ماه از تاریخ ورود به آموزشگاه صورت خواهد گرفت.

برنامه
سال دوم - «بلاك» طبي

۱۰ هفته - ۴۴۰ ساعت

ردیف	موضوع درس	تدریس کننده		مجموع ساعات
		استاد	مربی پرستاری	
۱	پرستاری نظری	—	۵۰ ساعت	۵۰ ساعت
۲	پرستاری عملی	—	۶۰ »	۶۰ »
۳	بیماریهای طبی عمومی	۵۰ ساعت	۳۰ »	۸۰ »
۴	بیماریهای عفونی	۱۲ »	۸ »	۲۰ »
۵	سل	۶ »	۲ »	۸ »
۶	بیماریهای کودکان	۳۰ »	—	۳۰ »
۷	مراقبت از کودکان	۱۰ »	—	۱۰ »
۸	جلوگیری از بیماریها	۱۰ »	۱۰ »	۲۰ »
۹	بیماریهای مقاربتی	۱۰ »	۴ »	۱۴ »
۱۰	بیماریهای پوست	۱۲ »	۶ »	۱۸ »
۱۱	بیماریهای اعصاب و روحی	۸ »	۲ »	۱۰ »
۱۲	داروشناسی	۲۰ »	—	۲۰ »
۱۳	ورزش (توسط مربی ورزش)	—	—	۲۵ »
۱۴	زبان انگلیسی (توسط معلم زبان)	—	—	۱۵ »
۱۵	مطالعه طبق برنامه تنظیم شده - اوراق تست و امتحان	—	—	۶۰ »

امتحان مطالب تدریس شده هفتگی است.

در پایان «بلاك» نیز امتحانی بعمل میآید.

برنامه سال سوم - ((بلاك)) جراحی

۸ هفته - ۴۵۲ ساعت

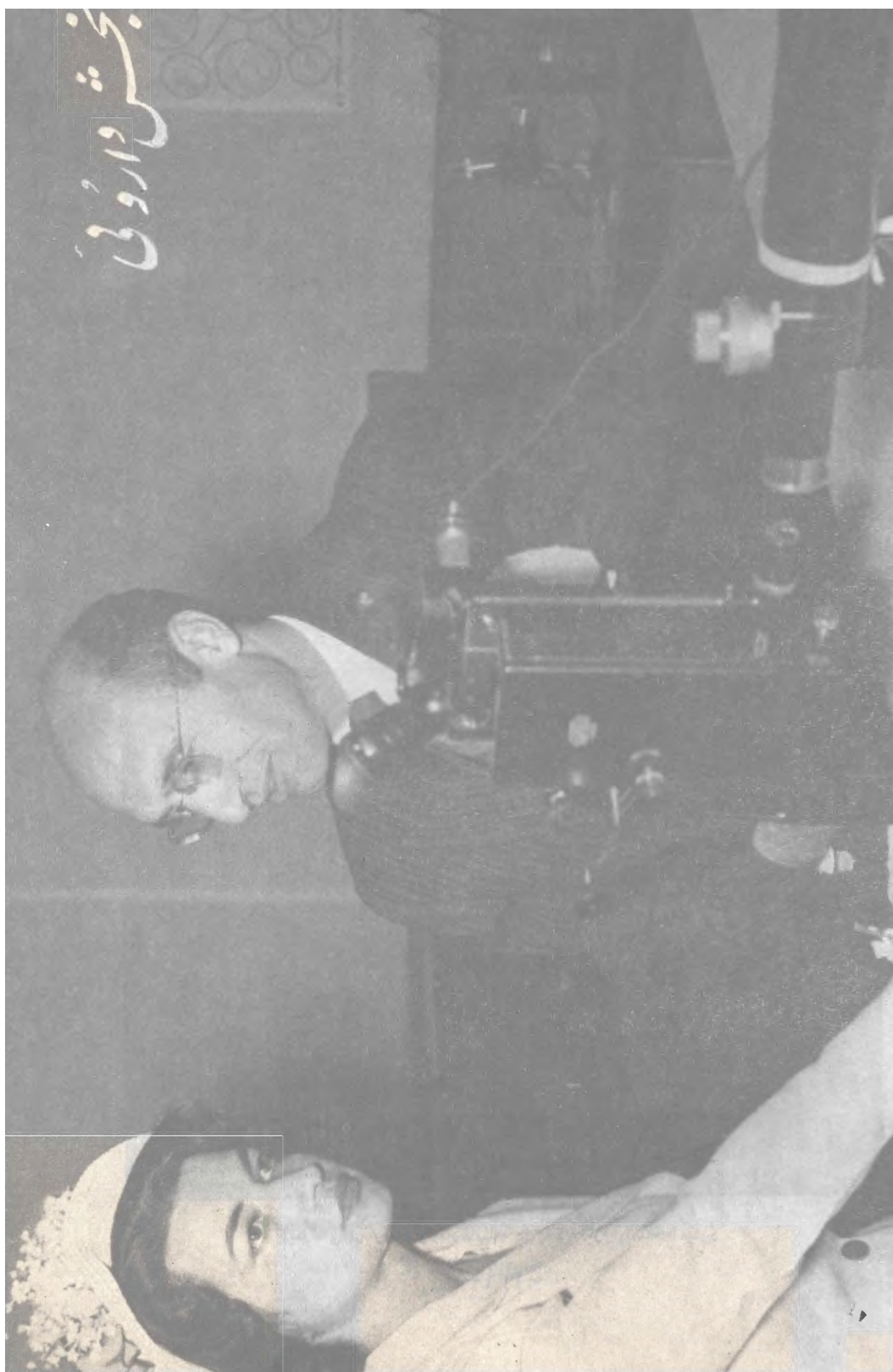
ردیف	موضوع درس	تدریس کننده		مجموع ساعات
		استاد	مربی پرستاری	
۱	پرستاری نظری	—	۵۰ ساعت	۵۰ ساعت
۲	پرستاری عملی	—	۶۰ »	۶۰ »
۳	جراحی عمومی	۵۰ ساعت	۳۰ »	۸۰ »
۴	گوش و گلو و بینی	۱۰ »	۱۰ »	۲۰ »
۵	بیماریهای چشم	۱۲ »	—	۱۲ »
۶	پرستاری چشم	—	۱۰ »	۱۰ »
۷	ژنیکولوژی	۲۰ »	۱۰ »	۳۰ »
۸	آلات جراحی	—	۴ »	۴ »
۹	رادیولوژی - معالجه با اشعه ایکس	۶ »	—	۶ »
۱۰	اورتوپیدیکس	۱۲ »	۶ »	۱۸ »
۱۱	ورزش (توسط مربی ورزش)	—	—	۲۰ »
۱۲	زبان انگلیسی (توسط معلم زبان)	—	—	۱۲ »
۱۳	مطالعه طبق برنامه تنظیم شده - اوراق تست و امتحان	—	—	۳۰ »

امتحان مطالب تدریس شده هفتگی است .

در پایان « بلاك » نیز امتحانی بعمل میآید .

امتحان نهائی رسمی آموزشگاه ، پس از پایان سه سال است .

بخش داروئی



بخش داروئی

بخش داروئی سازمان شاهنشاهی، در نخستین روزهای تأسیس سازمان بوجود آمد، زیرا پزشکانی که بدرانگاهها فرستاده میشدند، لازم بود که داروهای مورد احتیاج را تحویل بگیرند و بوسائل درمانی و لوازم کار مجهز شوند و سپس بمحل مأموریت خویش عزیمت کنند. نخستین سازمان بخش داروئی، بسیار ساده و از یک رئیس که کلیه امور فنی و محاسباتی را انجام میداد و یک مستخدم جزء تشکیل شده بود. بتدریج و بنسبتی که نیازمندیهای درمانگاهها روبازدیدارفت، بخش داروئی سازمان نیز توسعه یافت. در آغاز کار دارو نامه ای خاص (فارماکوپه)



نمونه ای از قرصها و پمادهائی که در بخش داروئی ساخته میشود



والاحضرت ، ماشین قرص سازی را بازدید میفرمایند ...

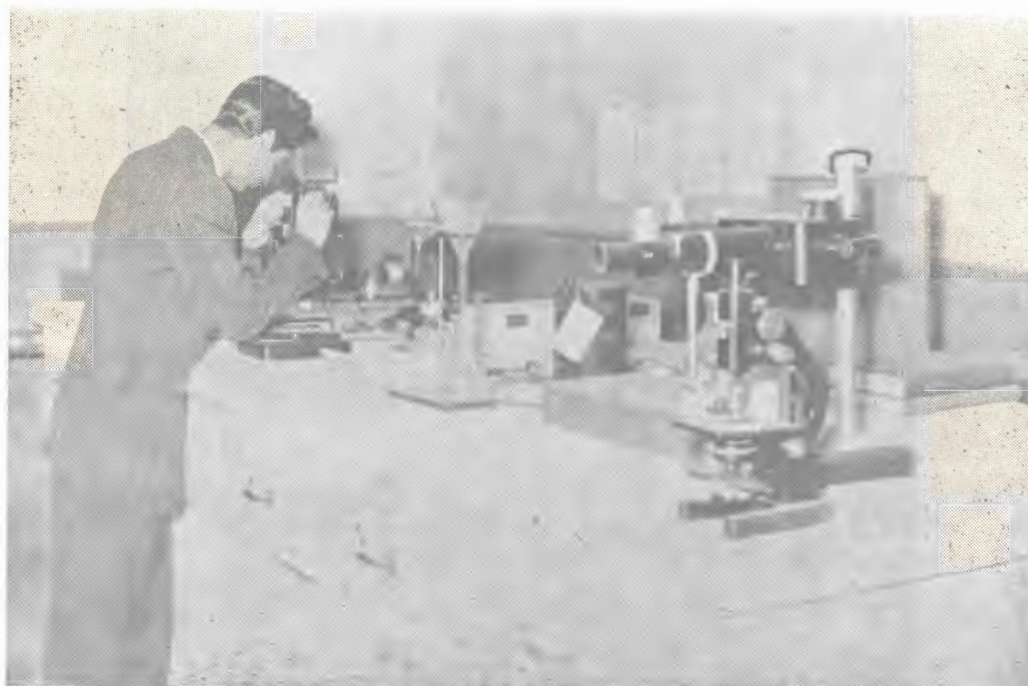


... و نیز داروهائی که از خارج تهیه شده است را ملاحظه میفرمایند

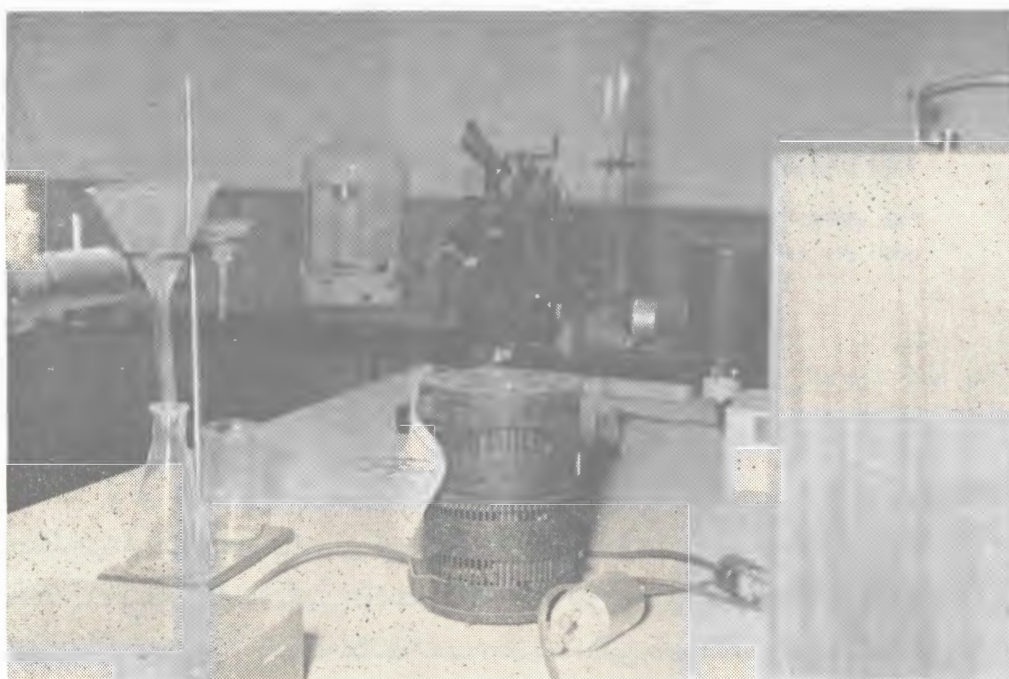


در این آبار و آبارهای دیگر بخش دارویی، قرصها - آمپولها - شربت‌ها و وسائل طبی و لوازم جراحی بیمار مرغوبی که ساخت بهترین کارخانه‌های دارویی اروپا و امریکا است نگهداری میشود و بطور منظم و مرتب بموقع خود برای درمانگاهها ارسال میگردد .

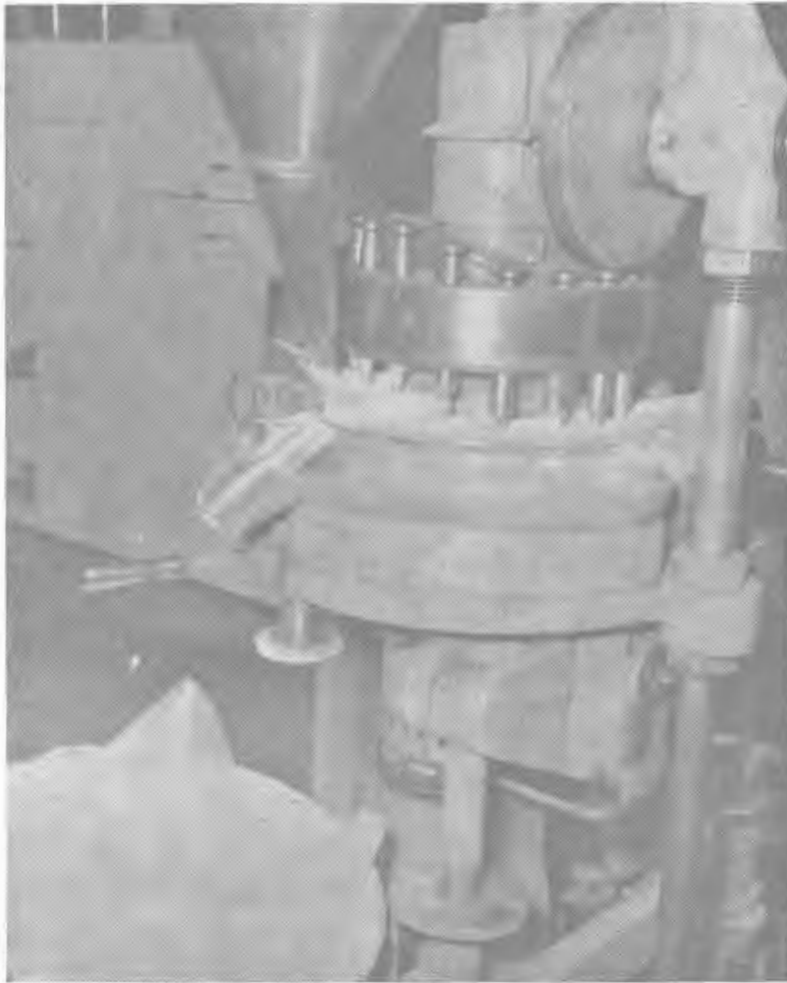
برای سازمان تهیه و تدوین شد و در دسترس درمانگاهها قرار گرفت. داروهای مندرج در فارماکوپه عبارت بود از داروهای دستگاه تنفس - دستگاه دورانی - دستگاه گوارش - ضد کرم - داروهای تقویت عمومی - بیماریهای زنان - تب‌بر - مجاری بول - عصبی - امراض پوست - بیماریهای تغذیه - بیماریهای چشم - بیماریهای گوش و گلو و بینی - سرم‌ها و واکسن‌ها .



در آزمایشگاه بخش دارویی ، مواد ترکیبی هر دارویی دقیقاً تعیین میشود

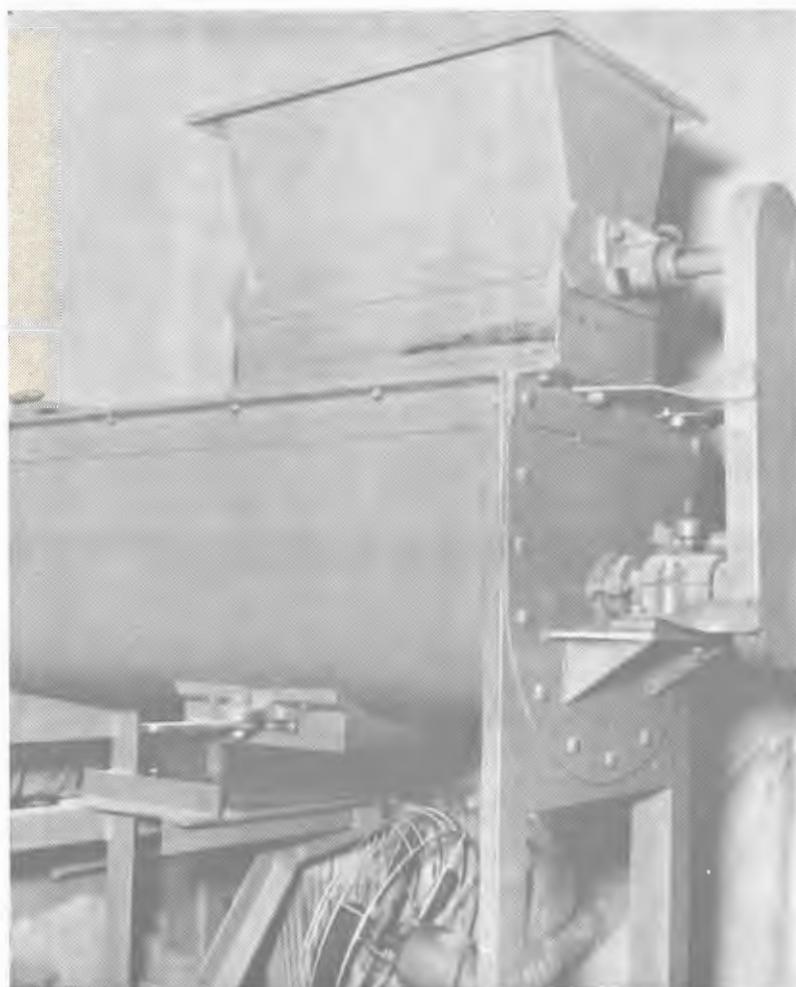


گوشه‌ای دیگر از آزمایشگاه بخش دارویی



با این ماشین و ماشین دیگری نظیر آن ، تمام قرص های مورد نیاز سازمان شاهنشاهی تهیه میشود . مواد اولیه این قرصها از کارخانه های اصلی پیه های نازل وارد میشود و بمیرالهای دقیق و مشخص ترکیب و قرص تبدیل میگردد .

برای تهیه این داروها بیهای مناسب ، یک بخش ساخت و ساز داروئی مجهز، که به تهیه قرصها و شربت ها و پمادهای گوناگون قادر باشد سازمان را تا حدودی از خرید داروهای ساخته شده بی نیاز نماید ، تأسیس و مشغول کار شد. این بخش، مجهز بمشین های قرص سازی رتاتیف و گرانولاتور و دستگاه خشک کننده و آسیا و ماشین های پمادسازی و پرفیر و غیره است. داروهای ساخت بخش داروئی سازمان توانسته است اعتماد بیماران سراسر کشور را بحدی جلب



بوسیله این ماشین ، مواد سازنده هر قرص بمدت هشت روز مرتباً بهم زده شده و مخلوط میگردد .

کند که غالباً داروهائی را که علامت سازمان دارد ، برداروهای ساخت خارج ترجیح میدهند . باید افزود ، داروهائیکه باین ترتیب در سازمان ساخته میشود ، با اینکه جنس آنها فوق العاده مرغوب و از هر حیث مورد اطمینان است ، بهای آنها در بیشتر موارد در حدود یک دهم نظائر آنهاست که از خارج وارد و در بازار عرضه میشود .

با کشف داروهای جدید ، سازمان نیز بر تعداد داروهای خود افزود ، بطوریکه اکنون جدیدترین دارو ها مانند ارومیسین - استرپتو میسین - اکرومیسین و آنتی بیوتیکهای دیگر باندازه احتیاج در اختیار درمانگاهها گذاشته میشود . در حال حاضر انواع داروهای مورد مصرف



بوسیله این ماشین مرهم سازی برقی ، پمادهای گوناگون ساخته میشود

سازمان از ۷۰۰ قلم متجاوز است و از لوازم فنی و پزشکی مانند میکروسکپ و وسائل جراحی نیز در حدود ۲۶۴ قلم در انبارهای داروئی سازمان موجود است. داروهائیکه سازمان ناچار است از خارج وارد کند ، مستقیماً از کارخانه‌های سازنده تهیه و برای سازمان بیهای خیلی ارزان تمام میشود. برای اثبات این نکته کافی است متذکر شود که بسال ۱۳۳۲ که وزارت بهداشتی و دانشگاه تهران از حیث دارو در مضیقہ بودند ، برای خرید داروهای مورد نیاز خود بیازار آزاد متوسل شدند ، و داروهائیکه پس از انجام تشریفات مناقصه بیهای ۳۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال تمام شده بود ، سازمان شاهنشاهی همه آنها را بیهای ۳,۰۰۰,۰۰۰ ریال ، یعنی یک‌دهم قیمت بازار در اختیار دستگاههای مزبور گذاشت.



یکی دیگر از ماشینهای پماد سازی که انواع و اقسام مرهمها را میسازد

داروها و لوازم موجود در بخش داروئی ، در انبارهای متعدد نگهداری میشود که در ساختمان آنها رعایت نکات فنی شده است .
برای هر درمانگاه ، سالانه دو نوبت ، و هر بار برای مصرف ششماه دارو فرستاده میشود .
معمولاً درخواست ارسال دارو از طرف پزشک هر درمانگاه بعمل میآید و پزشک ، برگ نقاضای چاپی را تنظیم و ضمن آن موجودی هر نوع دارو را در آغاز و هنگام ارسال درخواست ، تعیین میکند و آنرا در سه نسخه تنظیم و ارسال میدارد . رئیس بخش داروئی پس از دریافت درخواست



گوشه‌ای از یکی از بازارهای بخش دارویی

مزبور، و بررسی وضع درمانگاه از لحاظ دارو، مقداری را که با موجودی بخش و احتیاج درمانگاه متناسب باشد تعیین و دستور صدور آنرا میدهد. برای هر مرسوله دارویی، حواله‌ای در پنج نسخه که رنگهای آنها متفاوت است صادر و بانبار داروئی فرستاده میشود. انبارداروئی، داروها را طبق حواله انبار، بدائرة بسته‌بندی تحویل میدهد و در آنجا، آنها را در صندوقهای محکم قرار داده و لفاف و لاک و مهر میکنند و صورت مجلسی با حضور نمایندگان مدیرعامل و بخش داروئی و حسابداری تنظیم میشود و داروها و حواله انبار با پست بدرمانگاه فرستاده میشود. پزشک،



صندوقهای داروهای که از خارج میرسد ، در قسمت درودگری بخش دارویی باز و از نخته
و میخ و تسمه و پوشال و خاک اره آنها برای ساختن صندوقهای کوچکتر و ارسال دارو
و لوازم بدرمانگاهها استفاده میشود .

پس از وصول داروها، باحضور معتمدین حوزه درمانگاه، که بخشدار و دو تن از معارف محل
هستند، صندوقهای دارویی را باز و اقلام آنها با ارقام حواله انبار تطبیق میکنند و اگر درست
بود، حواله ها را امضاء کرده پس میفرستند و اگر نواقصی داشت، آنرا خاطر نشان مینمایند .
پزشک باید یک نسخه حواله را نزد خود در درمانگاه نگاه دارد و پس از وصول
حواله امضاء شده به سازمان، یک نسخه از آن در بخش دارویی نگهداری میشود و یک نسخه



سهمیه دارویی هر درمانگاه ، در صندوقهای چوبی چیده میشود و در مرتب چیدن آن
دقت فراوان بکار میرود

بحسابداری و یک نسخه بانبار ارسال میگردد. در بعضی موارد که میزان داروها زیاده است و نمیتوان آنها را بوسیله پست و یا گاراژ ، ارسال داشت ، کامیون سازمان داروها را بمحل برده و تحویل میدهد.

در هر درمانگاه دفتری چاپی موجود است ، که پزشک باید داروها و لوازم طبی را که از سازمان فرستاده میشود ، درستونهای مخصوص آن بطور دقیق ثبت کند. مصارف دارویی که بهر مریض داده شده است نیز باید از روی دفتر روزانه ، درستونهای مربوط درج شود ،



پس از آماده شدن ، صندوقها در لفافی از گونی قرار داده شده و اطراف آن دوخته میشود .

بطوریکه درمواقع بازرسی ، بتوان باسانی ازروی تحویل و مصرف هر قلم از داروها ، موجودی را معین کرد و با آنچه که در داروخانه از آن دارو موجود است تطبیق نمود .

در سال ۱۳۳۵ تعداد ۲۴۷۰ صندوق و از آغاز تا آذرماه سال ۱۳۳۶ تعداد ۲۵۰۰ صندوق دارو بدرمانگاهها ارسال شده است . بهای داروها و لوازم طبی و جراحی که در سال ۱۳۳۵ بدرمانگاهها فرستاده شده است بالغ بر ۱۴,۵۰۰,۰۰۰ ریال و بهای داروهاییکه درشش ماهه اول سال ۱۳۳۶ فرستاده شده است بالغ بر ۹,۱۵۰,۰۰۰ ریال است .



پس آنها را لاک و مهر میکنند و نام گیرنده را بروی آن مینویسند و برای ارسال
بدرمانگاهها ، پست تحویل میدهند .

تشکیلات بخش داروئی سازمان از آغاز تأسیس تا کنون تحت نظر آقای دکتر نادر
شرقی استاد دانشگاه اداره میشود . در این بخش یک تن رئیس انبار که انبارهای مایعات و جامدات
و اشیاء فنی را تحت مسئولیت خود دارد - یک تن متصدی صدور حواله و دفتر فنی - دو تن
دفتر دار - یک تن ماشین نویس - دو تن متصدی قسمت ساخت و ساز - دو تن متصدی قسمت
بسته بندی و دوازده تن کارمند و خدمتگزار دیگر انجام وظیفه میکنند .



بخش رادیو لوژی

پرتو شناسی

بیماری کچلی تاچندی پیش در شهر تهران و اطراف آن شیوع فراوان داشت و متأسفانه مراکزی که باید بوسیله برق درمانی، موجبات علاج کودکان کچل را فراهم کند، در شهر تهران از یکی دو مرکز تجاوز نمیکرد. از اینرو مبتلایان، ماهها برای رسیدن نوبت برق گذاری حیران و سرگردان بودند.

سازمان، مبارزه با این بیماری و ریشه کن ساختن آنرا وجهه همت قرارداد و بهمین منظور، درمانگاهی برای مبارزه با بیماری کچلی، با اسبابهای لازم دایر کرد و مبتلایان را تحت درمان قرار داد و اینکه که هفت سال از شروع کار درمانگاه مزبور میگذرد، مبتلایان باین بیماری، در تهران بندرت مشاهده میشوند. در این مدت، بسیاری از کودکان کچل شهرستانها نیز در این درمانگاه معالجه شده اند. ضمناً چون موضوع تشخیص سل و عکسبرداری از ریتین و دیگر اعضا، برای محصلین مدارس و بیماران مستمند که توانائی پرداخت بهای عکسبرداری با برق را نداشتند حائز اهمیت بود، اینطور صلاح دانسته شد که وسائل انجام این امور نیز از طرف سازمان فراهم شود و از اینراه، مساعدتی ارزنده بینوایان بعمل آید که بتوانند با پرداخت بهای فیلم، که مبلغی ناچیز میشود، احتیاجات خود را برطرف سازند. از اینرو بخريد دستگاههای عکسبرداری و لوازم مربوط بآن اقدام شد و رفته رفته بخش مجهز رادیولوژی سازمان تأسیس گردید، که در آن هم پرتو یینی (رادیو سکپی) و هم پرتو نگاری (رادیو گرافی) و هم پرتو درمانی (رادیو تراپی، فقط برای درمان کچلی) انجام میگيرد.

بخش پرتو شناسی در خیابان قوام السلطنه، مجاور اداره مرکزی سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی، در قطعه زمینی بمساحت ۱۴۰۰ متر مربع بنا گردیده است.

ساختمان

ساختمان مزبور دارای سه طبقه است که طبقات اول و دوم آن، هریک ۳۲۰ متر مربع زیر بنا دارد و جمع مساحت زیر بنای ساختمان ۸۰۰ متر مربع است. طبقه اول بدرمانگاه مبارزه با کچلی و طبقه دوم بخش پرتوینی و پرتونگاری اختصاص دارد. در این ساختمان، ده اطاق و دو سالن ساخته شده و نیز در کنار ساختمان مزبور، محلی برای سکونت دربان و باغبان وجود دارد. حرارت ساختمان بوسیله دستگاه حرارت مرکزی تأمین میشود.



بخش پرتو شناسی

سازمان شاهنشاهی، در شهریورماه ۱۳۲۸ قرارداد ساختمان را با شرکت ساختمانی آرمه منعقد ساخت و این شرکت، پس از اتمام بنا و تجهیز آن بوسائل لازم، آنرا در اواخر سال بعد تحویل داد، و کار این بخش از دیماه ۱۳۲۹ شروع شد.

روز سوم دیماه ۱۳۲۹، درمانگاه مبارزه با کچلی رسماً شروع بکار کرد و دو سال بعد که دستگاههای عکس برداری تکمیل شد، بخش پرتو نگاری نیز فعالیت خود را آغاز کرد.

افتتاح

مراسم رسمی افتتاح این بخش، روز پنجشنبه دوم خردادماه ۱۳۳۰ انجام یافت.

در این روز، طبق دعوت سازمان، جمعی از آقایان وزیران و نمایندگان و استادان و پزشکان و اعضاء هیئت مدیره و هیئت مرکزی سازمان شاهنشاهی در محل حضور بهم رسانیدند. ساعت چهار بعد از ظهر و الاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی تشریف فرما شدند. نخست آقای دکتر احمد فرهاد استاد دانشگاه و سرپرست بخش چنین معروض داشتند:

والاحضرتا

کچلی یک بیماری قارچی است که بیشتر سر را مبتلی میسازد و زیاد ساری است و غالباً کودکان بآن مبتلا میشوند. دبستانها از پذیرفتن این قبیل کودکان خودداری دارند و بهمین جهت عده زیادی از کودکان، بواسطه ابتلاء باین بیماری، از نعمت تحصیل علم و کسب دانش محروم میشوند.

سازمان شاهنشاهی که با بسیاری از بیماریهای واگیر و اجتماعی در نقاط مختلف کشور مبارزه میکند، ریشه کن کردن این بیماری را نیز از پایتخت کشور و جهة همت خود قرار داده است و باین منظور، یک درمانگاه مخصوص برای درمان این قبیل بیماران برپا داشته که اکنون مدتی است براه افتاده و مشغول بکار است و تا نیمه اردیبهشت ماه ۲۹۰۱ بیمار را علاج نموده است.

ساعات کار این مؤسسه روزی ۶ ساعت در نظر گرفته شده بود و تصور میشد این مدت برای انجام دادن تمام مراجعات کافی است، ولی بتدریج، طوری از این اقدام سازمان حسن استقبال بعمل آمده که اجباراً بساعات کار درمانگاه مزبور افزوده شد و در حال حاضر این درمانگاه از صبح ساعت ۷ الی ۶ بعد از ظهر، یعنی ۱۱ ساعت کار میکند و روزانه ۵۰ الی ۶۰ تن را علاج مینماید. باین ترتیب، سازمان امیدوار است تمام بیمارانی که سالها بیمار بوده اند، بزودی علاج یافته و این ازدحام از بین برود و فقط کودکانیکه تازه مبتلی میشوند، قبل از اینکه این بیماری بسایرین سرایت نماید مراجعه کنند. باین اقدام امیدواری کامل میرود که این بیماری زشت، بزودی لااقل از شهر تهران رخت بربندد و دیگر طفلی بواسطه کچل بودن، از نعمت درس خواندن محروم نشود.

در این درمانگاه یک پزشک آلمانی و یک پرستار آلمانی و سه تن پرستار ایرانی کار میکنند و اگر مقدار کاریکه انجام میشود، با عده کارمندان درمانگاه مقایسه گردد، بخوبی ارزش فداکاری کارکنان درمانگاه در این مبارزه آشکار میشود.

طریقه درمان کچلی، رادیوتراپی است. درمانگاه دارای ۵ دستگاه است که از امریکا خریداری شده است. درمان هر طفل، تقریباً سه ربع طول میکشد. این طریقه درمان، برای بیماران هیچگونه زحمت و دردی ندارد. موهائی که در ریشه آنها قارچ کچلی لانه کرده است، پس از ۲۰ روز میریزد و با ریختن موها و ضد عفونی کردن سر، این بیماری علاج مییابد. کودکانیکه در این بخش مورد معالجه قرار میگیرند، باید سنشان بیش از سه سال باشد.

پس از آنکه سراطفال مبتلی برق گذاشته شد، بآنها نسخه ای داده میشود که تا مدت بیست روز الی یکماه، صبحها سرشان را تنطویرد بزنند و شبها پمادی بروی آن بمالند و اینکار را ادامه دهند تا کاملاً بهبود یابند. چون مشاهده شد اغلب مراجعین، بعلت عدم بضاعت قادر نیستند مواد این نسخه را شخصاً از خارج تهیه کنند، از طرف سازمان داروهای مورد نیاز برایگان در اختیار آنها گذاشته میشود. دستگاههای برقی بخش مبارزه با کچلی، ساخت کارخانه جنرال الکتریک امریکاست و از بهترین و مجهزترین انواع این دستگاههاست و تا امروز توانسته است قدرت خود را نشان دهد، ولی نباید فعالیت وجد و جهد کارکنان این بخش را نیز از نظر دور داشت. سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی در تقویت این مؤسسه خود، روز بروز بیشتر میکوشد تا بتواند ارزش این خدمت بزرگ خود را بهتر بهم میهنان بشناساند.



والاحضرت ، در روز افتتاح ، طرزکار دستگاههای پرتوناسی را ملاحظه میفرمایند

پس از پایان گزارش آقای دکتر فرهاد ، آقایان دکتر حکیم الدوله وزیر بهداری و دکتر سنجابی وزیر فرهنگ نیز مطالبی در لزوم و اهمیت دستگاه مبارزه با کچلی بیان داشتند، و آقای وزیر فرهنگ متذکر شدند که وزارت فرهنگ، بیش ازدستگاههای دولتی دیگر از این مؤسسات سازمان شاهنشاهی بهره‌مند میشود ، زیرا تعداددانش‌آموزان کچل وآموزگاران مسلول، باور کردنی نیست و بیشتر آنها مستمند هستند و از عهده درمان درد خود بر نمیایند . آقایان دکتر راجی و دکتر آشتیانی نیز مطالبی در این باب اظهار داشتند . سپس والاحضرت بطبقه فوقانی بخش رادیولوژی تشریف بردند وچریان کار عکسبرداری از اشخاص را مشاهده فرمودند . آنگاه بقسمت زیرین تشریف فرما شدند و پنج دستگاه رادیو تراپی سطحی و طرز معالجه مبتلایان بکچلی را ملاحظه فرمودند . سپس از اداره مرکزی سازمان شاهنشاهی نیز بازدید و مراجعت فرمودند .

بیماری کچلی علت بروز بیماری کچلی، قارچی است که در ریشه موهای سر جای میگیرد و منظره زشت و نفرت انگیزی را بوجود میآورد. کچلی مرضی ساری و واگیر است و سرعت از مبتلایان با افراد تندرست و سالم سرایت میکند و آنان را گرفتار میسازد. معمولاً چون افراد طبقات سوم، از لحاظ اصول بهداشت نمیتوانند رعایت تمام نکات لازم را بکنند و در پاکیزگی خود دقت و مواظبت کافی معمول دارند، به همین واسطه کچلی بیشتر در میان کودکان این طبقه مشاهده میشود و معاشرت کودکان بیمار با کودکان سالم، در بسط و توسعه آن تأثیر فراوان دارد.



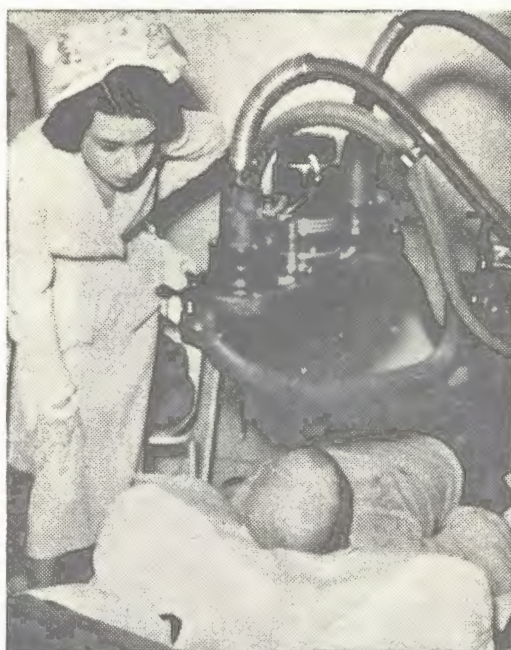
در زیر دستگاه رادیو ترابی، برای درمان کچلی



رئیس بختی، از اطاق فرمان، میزان برق دستگاهها را تنظیم میکند

کودکان مبتلی بکچلی، ناگزیر تا پایان معالجه از ادامه تحصیل محروم میشوند، زیرا در غیر اینصورت، بیماری آنان بدیگران سرایت خواهد کرد. از اینرو باید نسبت بمعالجه این قبیل اطفال، کمال دقت و سرعت معمول گردد و اینگونه کودکان که بامنظره زشت و کریه سرخود، از اجتماع رانده و بگوشه گیری ناچار میشوند، باید مورد توجه و حمایت قرار گیرند.

قبل از تأسیس درمانگاه مبارزه با کچلی، تعداد کودکان کچل خیلی زیاد بود و اکثر آنها در کوی و برزن، آزادانه میگشتند و بیماری خود را باطفال سالم سرایت میدادند، ولی پس از تأسیس این درمانگاه، نه تنها مبتلایان ساکن تهران، بلکه گروه زیادی از کودکان کچل شهرستانها نیز معالجه شده اند.



والاحضرت ، طرز کار دستگاه پرتو درمانی (رادیوتراپی) را مشاهده میفرمایند

سابق براین ، معالجه
روشی درمان کچلی بسیار دشوار
 و دردناک بود ، زیرا بوسیله «زفت»
 که ماده‌ای چسبناک مانند قیر بود ،
 موها را می‌کندند و کودک بیچاره را
 دچار رنج و غذایی شدید می‌کردند .
 ولی پس از آنکه درمان بطریق
 نوین ، یعنی بوسیله «برق» معمول
 گردید ، هیچگونه زجر و آزاری
 متوجه کودک نمیشود و معالجه ،
 در مدتی در حدود پانزده دقیقه انجام
 میگیرد .

قبل از آغاز معالجه ، باید
 سن کودک تعیین شود ، زیرا

کودکان کمتر از چهار
 سال را نمیتوان «رادیو
 تراپی» کرد و معالجه
 آنان ، با روش دیگری
 انجام میگیرد که
 عبارتست از استفاده از
 داروئی بنام « استات
 دوتالیوم» که به تناسب
 وزن بدن کودک ، بوی
 خوراکیله میشود تا پس
 از ریزش موهای او ،
 معالجه اصلی شروع
 شود .



کودکان «کچل» با انتظار نوبت خود نشسته‌اند

اما کودکان بزرگتر از چهار سال که سن و وضع جسمانی‌شان از لحاظ معالجه با برق، مناسب تشخیص داده شود، زیر دستگاه مخصوص خوابانیده میشوند و سر آنها را بمقدار مورد لزوم، تحت تأثیر اشعه مخصوص قرار میدهند. دقت میشود که اشعه مزبور، یکنواخت و بنسبت معینی بتمام نقاط سر برسد، زیرا چنانچه پاره ای از نقاط بیشتر و پاره ای کمتر، تحت تأثیر اشعه قرار گیرد، موهای سر یکنواخت نخواهد ریخت و ممکن است قارچ مولد بیماری، در بعضی از گوشه‌های سر باقی بماند.



کودکالی که برق گذاشته‌اند، پس از چندی برای نشان دادن سرخود و دریافت دارو، برئیس بخش مراجعه میکنند

پس از انجام رادیوتراپی، تقریباً یکماه طول خواهد کشید تا موهای سر بریزد. در این مدت بیمار باید دوبار بدرمانگاه مراجعه کند و در هر یک از این مراجعات، سر وی مورد معاینه قرار میگیرد و باو مقداری «الکل ید» و پماد «ویلکنسون» میدهند که هر روز مرتباً پوست سر را با داروهای مزبور ماساژ دهد تا باینطریق، بتدریج قارچهای که در پیازموهاست از بین برود. پس از آن، موهای تازه و سالم از سر خواهد روئید و کچلی بطور قاطع درمان خواهد شد.

وسائل کار برق گذاری ، بوسیله دستگاهانی بنام « دستگاه رادیو تراپی سطحی » انجام میشود. در درمانگاه سازمان ، پنج واحد از دستگاههای مزبور نصب شده است. بنابراین در آن واحد ، میتوان پنج بیمار را تحت درمان قرارداد. این دستگاهها ساخت کارخانه جنرال الکتریک و قدرت هر یک از آنها ، سی و دو میلی آمپر است. روزهاییکه تعداد مراجعین زیاد باشد ، هر پنج دستگاه باهم کار میکنند ولی در روزهای عادی ، دویسه واحد از آنها بکار میافتد. باهر واحد ، میتوان روزانه سی کودک کچل را برق گذاشت و چنانچه هر پنج دستگاه کار کند ، تا روزی یکصد و پنجاه تن برق گذاشته میشود .



اینها ، گروهی از کچلان برق گذاشته شده هستند

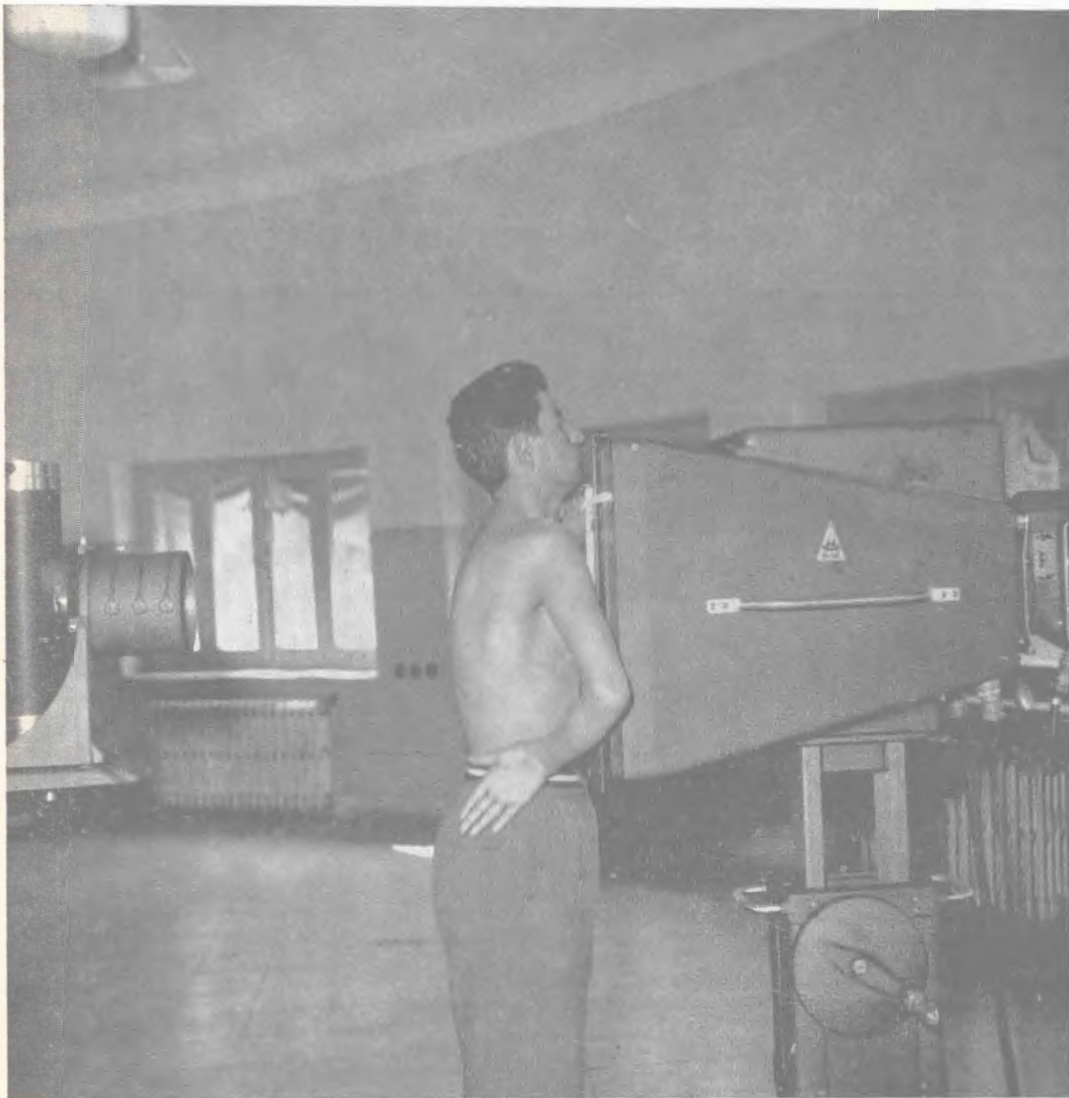
فعالیت درمانگاه کنول آلمانی که متخصص امور رادیو تراپی و رادیولوژی بود ، اداره میشد و ایشان بکمک خانم خود و یک دستیار آلمانی و چندتن دستیاران ایرانی خود ، امور این بخش را انجام و ضمناً طرز کار با دستگاههای رادیو تراپی را ، بدستیاران ایرانی خود یاد میدادند. اخیراً که ایشان بمیل خود از کار استعفاء داده اند ، بجای خود آقای دکتر شیلف آلمانی را معرفی نموده اند و اینک بخش رادیولوژی ، تحت نظر آقای دکتر شیلف اداره میشود. هنگامیکه فعالیت این درمانگاه آغاز شد ، تعداد مراجعین بقدری زیاد بود که با آنکه درمانگاه روزانه بالغ بر هشت ساعت کار میکرد ، معهذاً برای دو یا سه ماه بعد بمراجعین نوبت داده میشد . بتدریج مبتلایان تهران و حومه معالجه شدند و نوبت بکودکان شهرستانها رسید. شهرداریها ، یا مقامات اداری صلاحیت دار بعضی از شهرستانها ، قبلاً با سازمان شاهنشاهی مذاکره میکردند و برای مراجعه کودک کان خود نوبت میگرفتند و در موعد مقرر ، با هزینه شهرداری ، بوسیله اتوبوس آنها را از محل



والاحضرت ، توضیحاتی که در باره طرز کار دستگاهها داده میشود ، بدقت گوش فرا داشته‌اند
 اقامت خود بتهران منتقل و در درمانگاه مبارزه با کچلی تحت رادیوترایی قرار میدادند و بلافاصله
 بمحل خود مراجعتشان میدادند . ادامه این کار بتدریج باعث کاهش تعداد مبتلایان شهرستانها شد .
 درمانگاه مبارزه با کچلی ، از بدو تأسیس تا پایان آبانماه ۱۳۳۶ ، یعنی تقریباً در هفت سال
 گذشته ، جمعاً تعداد ۵۲۳۷۰ تن کودک مبتلی بکچلی را تحت درمان قرار داده و معالجه کرده است .

آمار مراجعین بدرومانگاه مبارزه با کچلی

ردیف	تاریخ	تعداد
۱	تا پایان سال ۱۳۳۰	۱۲۳۵۵ تن
۲	» ۱۳۳۱	۷۳۱۹ »
۳	» ۱۳۳۲	۸۴۰۸ »
۴	» ۱۳۳۳	۷۱۲۶ »
۵	» ۱۳۳۴	۶۶۱۳ »
۶	» ۱۳۳۵	۶۱۷۱ »
۷	تا پایان آبان ماه ۱۳۳۶	۴۳۷۸ »



در برابر رادیوگرافی

بخش پرتو یبنی و پرتونگاری سازمان ، که در طبقه فوقانی درمانگاه مبارزه
 بخش پرتو یبنی با کچلی قرار دارد ، فعالیت خود را از سوم دی ماه ۱۳۳۱ آغاز کرد .
 پرتو یبنی (رادیوسکوپ) عبارتست از قرار دادن بیمار در پشت
 دستگاه و عبور دادن اشعه از بدن وی و دیدن محل ضایعه یا عضو بیمار .
 پرتونگاری (رادیوگرافی) عبارتست از قرار دادن بیمار در پشت دستگاه و برداشتن
 عکس از محل ضایعه یا عضو بیمار و ظاهر ساختن و خواندن عکس مزبور و تشخیص بیماری
 یا سلامت عضو یا دستگاه مربوط صاحب عکس ، از روی آن .

در بخش رادیولوژی ، دو دستگاه عکسبرداری وجود دارد که یکی از آنها ساخت کارخانه فیلیپس است و اختصاص به عکسبرداری از ریه دارد و دیگری ساخت کارخانه زیمنس است و مخصوص عکسبرداری از استخوان است . اعمال رادیوسکوپی هم بوسیله دستگاه اخیر بعمل میآید . بطور کلی دستگاههای مزبور که با قدرت دویست میلی آمپر کار میکنند، قادر است از تمام اعضاء بدن ، بجز معده و روده عکسبرداری کند .



دستگاههای عکسبرداری ، توجه والاحضرت را بخود معطوف داشته است

طرز کار معمولاً هر کس برای رادیوسکوپی یا رادیوگرافی مراجعه میکند ، باید گواهینامه‌ای از یک پزشک یا مؤسسه بهداشتی در دست داشته باشد که لزوم عکسبرداری از وی را تأیید و محل و موضوع عکسبرداری را تعیین نماید . را اشخاص بی بضاعت، وجهی دریافت نمیشود، ولی از مراجعین متمکن، مبلغی که فقط بهاء فیلم مصرفی است

دریافت میگردد و این مبلغ، هر گز از ۱۸۰ ریال برای رادیوگرافی و از ۴۰ ریال برای رادیوسکوپی تجاوز نمیکند. پس از آنکه نام و مشخصات مراجعه کننده در دفتر مخصوص ثبت و قبض رسید

بوی داده شد، در اطاق انتظار مینشینند و بموقع خود، برای پرتو بینی یا پرتو نگاری، بسالن عکسبرداری وارد میشود. در پرتو بینی، چنانچه مراجعه کننده از لحاظ بیماری مشکوک بنظر رسید، برای پرتونگاری معرفی میشود.

وزارت فرهنگ کلیه کارمندان را که استخدام میکند، با معرفی نامه رسمی بخش رادیولوژی سازمان اعزام میدارد و از آنها رادیوسکوپی بعمل میآید و در صورت سلامت، در پائین معرفی نامه، تندرستی آنان اعلام میگردد و در صورت بیماری، مراتب طی نامه جداگانه بوزارت



زیر دستگاه رادیوگرافی ...

فرهنگ اطلاع داده میشود. برای رادیوسکوپی روزانه بین ۲۰ تا ۳۰ تن مراجعه میکنند.

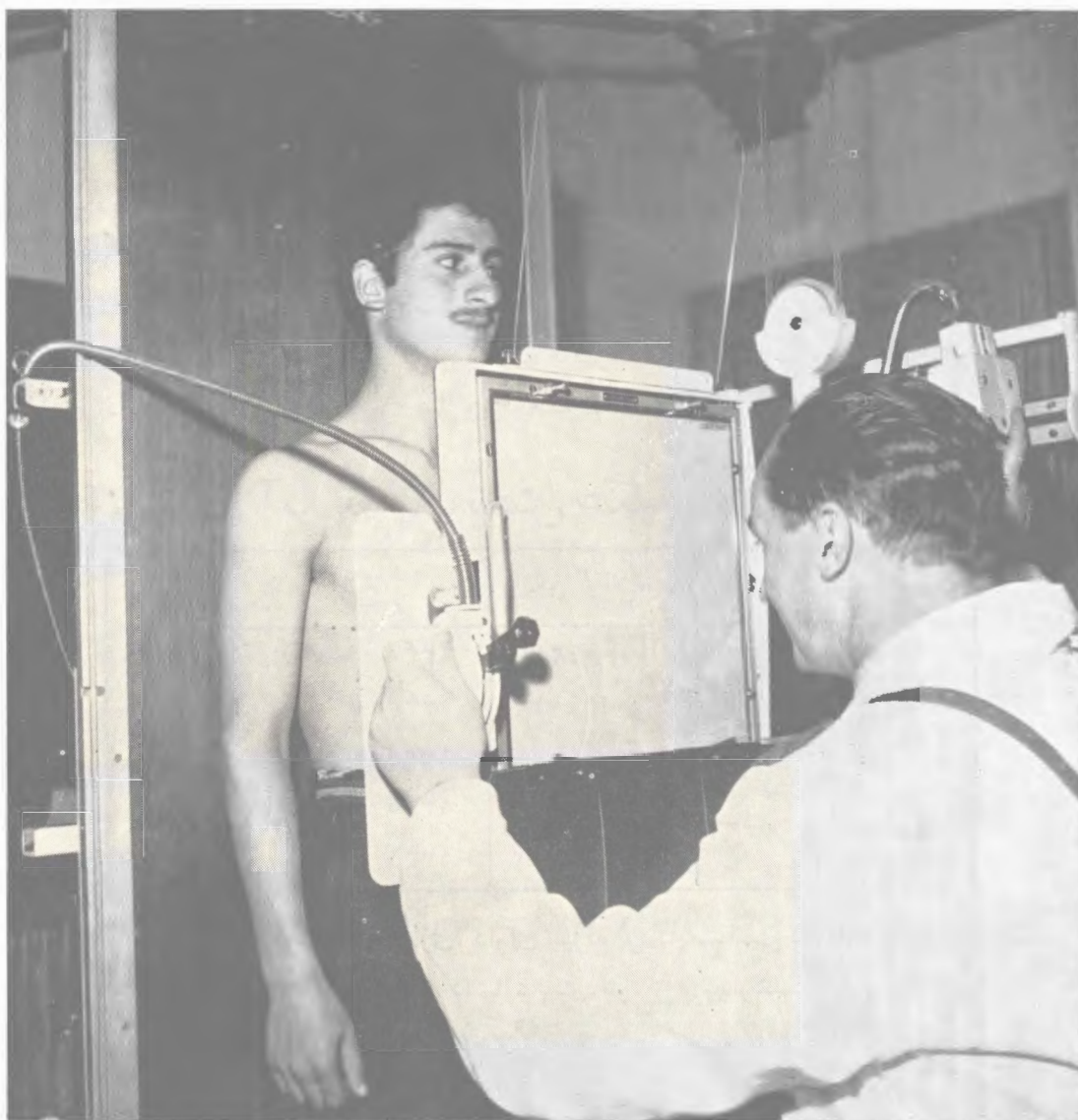
در سالنهای رادیوگرافی، پس

از آنکه از بیماران عکس برداشته شد، بفاصله ۶ تا ۷ دقیقه عکس مزبور در تاریکخانه بخش ظاهر میشود. در صورتیکه عکس خوب و قابل تشخیص باشد، صاحب عکس مرخص و برای دریافت نتیجه، روز دیگر مراجعه میکند و در صورتیکه عکس مزبور قابل تشخیص نباشد، مجدداً از او عکس برداری میشود.

رئیس بخش، عکسهای را که از بیماران برداشته شده است، پشت دستگاه کوچکی گذاشته و بیماری یا سلامت صاحب آنرا تعیین میکند و در ورقهای جداگانه مینویسد و روز دیگر، آنرا



و ... زیر دستگاه رادیوگرافی



رئیس بخش، پشت دستگاه رادیوسکوپی مشغول کار است
 بصاحب عکس یا موسسه‌ای که وی را معرفی کرده است تسلیم میکند. دستگاه رادیوگرافی،
 هنگام ضرورت قادر است روزانه دویست تا سیصد عکسبرداری مسلسل از ریه بعمل آورد.
 این دستگاه را که بنام ماس چست معروف است، شرکت ثابت پاسال بسازمان شاهنشاهی برایگان
 هدیه نموده است. بطور متوسط مراجعین روزانه برای رادیوگرافی بین ۲۰ تا ۳۰ تن و جمع کل
 مراجعین روزانه برای پرتوئینی و پرتونگاری بین ۴۰ تا ۵۰ تن است.
 بیمارانی که برای عکسبرداری معرفی میشوند، غالباً بی بضاعت هستند و بیشترشان

از آسایشگاههای شاه آباد و بوعلی و بیمارستانهای سینا و پهلوی و نجات و رازی و شفا و فارابی و فیروز آبادی و بنگاههای نیکوکاری و تعاون عمومی و مؤسسات سازمان شاهنشاهی مانند آموزشگاه پرستاری و کانون کار و آموزش و کانون آسایش معرفی میشوند .

از بدو تأسیس بخش عکسبرداری تا کنون، ۲۵۳۸۹ قهره رادیوگرافی عادی و ۹۸۲۲ قهره رادیوگرافی مسلسل بعمل آمده است . یکبار نیز تمام دانش آموزان آموزشگاههای تهران و نیز کارکنان و کارمندانی که دائماً با آنان سروکار دارند ، از لحاظ سل ریوی بوسیله دستگاه عکسبرداری مسلسل رادیوگرافی شدند و آنانکه مشکوک بنظر میآمدند ، جدا گردیدند و مجدداً از آنان رادیوگرافی با دستگاه بزرگ بعمل آمد و فهرست مبتلایان بداره بهداری آموزشگاهها اطلاع داده شد و این قسمت ، جزء آمار زیر محسوب نشده است .

آمار فعالیت بخش عکسبرداری

ردیف	تاریخ	رادیوگرافی ساده	رادیوگرافی مسلسل
۱	تا پایان سال ۱۳۳۲	۴۲۱۸ قهره	۹۲۳۴ قهره
۲	» ۱۳۳۳	» ۴۸۱۹	» ۵۸۸
۳	» ۱۳۳۴	» ۴۹۲۸	—
۴	» ۱۳۳۵	» ۷۰۴۶	—
۵	» ۱۳۳۶	» ۴۳۷۸	—

بخش رادیولوژی، دارای میزده تن گارمند است که عبارتست از یک پزشک متخصص - شش دستیار - یک دفتر دار - چهار خدمتگزار و یک سرایدار .

کارمندان

نبود حاصل عمر ، ار محبت و نیکی	دگر ز عمر ، چه می بود حاصلی مارا

حرام است پیش من ، آن زندگانی	که نبود در آن ، نیکی و مهربانی

نظام وفا



اقدامات فرهنگی

پیام شاهنشاه

« از سال ۱۳۲۷ مقرر گردید که سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی « علاوه بر اقدامات بهداشتی واجتماعی ، دامنه کمکهای فرهنگی خود را « نیز در سراسر کشور وسعت دهد. برای تأمین این منظور، مقرر شد که در تمام « مملکت، هر سال یکروز بنام روز سازمان معین واعلام شود و کلیه در آمدی « که در این روز، از طریق جمع آوری اعانات و یا طرق دیگر، بصندوق « سازمان عائد و وارد میشود، منحصر آ ومطلقاً بمصرف کمک بدانشجویان « ودانش آموزان مستعد و بی بضاعت سراسر کشور برسد. در سالیهای بعد نیز « این سنت مرضیه بمورد عمل گذاشته و در هر سال، در روز سازمان اعاناتی « جمع آوری شد که از لحاظ مبلغ قابل توجه بود. تمام این وجوه، با نظر « وزارت فرهنگ ومقامات محلی شهرستانها، برای تهیه کتاب ولوازم التحریر « ولباس دانش آموزان دبستانها و کمک خرج تحصیلی دانشجویان دبیرستانها « ودانشکده ها بمصرف رسید و نتیجه مطلوب داشت.»

« امسال، روز سازمان، پنجشنبه ۲۵ دیماه خواهد بود، وباجوهری « که در آن روز در سراسر کشور بسازمان کمک میشود، آسایش خیال « و آرامش خاطر صد ها دختر و پسر دانش آموز مستعد فراهم میگردد. « چون شادی وشادابی روح جوانان کشور، ضامن استقلال وسعادت ملک « وملت است، باید هر کس، به پیروی از نیاکان و پدران خدا پرست ودانش « دوست ونیکوکار خود، در این امر خیر شرکت جوید. انتظار داریم که در روز « جشن رسمی سازمان، هر کس بقدر وسع وامکان خود، ولو بمقداری اندک، « باین هدف فرهنگی سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی کمک کند و نام « خود را در نامه نیکوکاران کشور، ثبت نماید.»

این بود متن پیام اعلیحضرت همایون شاهنشاه، ریاست عالی سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی، که شب یکشنبه ۲۱ دیماه ۱۳۳۱، بمناسبت جشن روز سازمان، بوسیله رادیو وجرائد منتشر شد.

روز سازمان

بند «پ» از دومین ماده اساسنامه، سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی را ملزم و موظف باجاء کمکهای فرهنگی کرده است. برای تحصیل در آمدی که بتوان بوسیله آن، این منظور عالی را تأمین کرد، بابتکار والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی، مقرر گردید هر سال در ایام نزدیک پایان سال، روزی بنام «روز سازمان» نامیده شود و در آن روز، مراسمی معمول و طی آن مراسم، بیجمع آوری اعاناتی برای «کمک بفرهنگ کشور» مبادرت شود.

بهمین قرار عمل شد و از سال ۱۳۲۷ تا کنون، بجز سال ۱۳۳۰، در بقیه سنوات روزی بنام روز سازمان تعیین و اعاناتی جمع آوری گردیده است که بطور مشروح جریان هر یک از آن مراسم و طریق مصرف و جوهری که تحصیل گردیده است بیان میشود.

آقای دکتر نصرالله کاسمی رئیس دبیر خانه سازمان، هر سال در پایان مراسم روز سازمان، از رادیوتهران سخنرانی کرده و از هم میهنانی که در سراسر کشور در این روز زحمت کشیده اند و اعاناتی پرداخته اند، سپاسگزاری نموده اند. از آنجمله در روز ۲۳ اسفندماه ۱۳۲۹، از رادیوتهران چنین گفتند:

هم میهنان عزیز

سالی دیگر گذشت و مراسم روز سازمان امسال نیز پایان یافت. بنا بر این بمنّت هر سال، اینک وظیفه خود میدانم از زنان و مردان نیکوکار و دختران و پسران پاک نهادی که در سراسر کشور، از ساحل رود ارس تاکنار خلیج فارس و از کوههای لرستان و کردستان تا جلگه های خراسان و سیستان، در سلک خدمتگذاران سازمان متسلک گشته و بنحوی از انحاء، برای دانش آموزان و دانشجویان بی بضاعت، اعانه جمع کرده اند سپاسگزارم، و توفیق همه را در مباشرت باین امر خیر از خداوند بزرگ بخواهم.

کسانیکه دیروز در محل سازمان جمع بودند و میدیدند که دختران و پسران دانش آموز دبستانها و دبیرستانها، در صفوف متشکل و منظم بسازمان می آیند و لباس عیدانه و شیرینی میگیرند و در حالیکه این هدیه را در آغوش می فشارند، از سیمای معصومان آیات حق شناسی و سپاسگزاری نمایان است، تصدیق میکردند که بزرگترین لذت این جهان گذران، در خدمت بخلق و دستگیری از پا افتادگان است.

کسانیکه گمان میکردند ریشه خیرات و مبرات در این دنیای پریاهو و غوغا، که هوای فضایش بوی خون گرم و آهن گداخته در آمیخته، در زمین دلهای مردم ایران خشکیده است، اگر این روزها بسازمان می آمدند و جریان کار را از نزدیک مشاهده میکردند، یقین حاصل مینمودند که نهال انفاق و احسان، هنوز در این مرز و بوم پهناور، تازه و خرم و شاداب است و هنوز هم مردمی بسیار وجود دارند که دستگیری از پا افتادگان را عالیتین و منزّه ترین عبادت و راست ترین و کوتاه ترین راه وصول بحق و حقیقت میدانند.

ای زنان و مردان نیکوکاری که در این روز دستانهای را که بسوی شما دراز شد، نومیدن کردید و بقدر وسع و طاقت مادی و قدرت و عظمت روحی خود، از ده شاهی تا هزار ریال، بسازمان دادید، بشما قول میدهم و این قول را بسوگندی مؤکد میسازم که آنچه داده اید، بمصرف حقیقی و واقعی آن، یعنی کمک بدانش آموزان و دانشجویان مستعد و بی بضاعت خواهد رسید و دیناری از آن برهدر نخواهد رفت.

ای نیکوکاران و جوانمردانیکه برای خدمت بسازمان رنج بردید و زحمت کشیدید ، اگر بمحاسبه اعمال روزانه خود عادت دارید ، اکنون که پس از آنهمه تلاش و کوشش بخانه آمده اید و باتنی خسته و کوفته ، بگوشه ای آرمیده اید ، اگر بحساب این هفته خود باز رسید ، در عمق روح خود ، شادی و شغفی مرموز حس میکنید که نمیتوانید لذت آنرا با هیچیک از لذات مادی این جهان بسنجید و در دل آرزو میکنید که ایکاش ، در هر سال چندین روز را باینگونه امور میگذرانیدید و حساب آنرا در دفتر اعمال خود مینوشتید .

ای جوانان دانش آموز و دانشجو که از این عطیه ملوکانه استفاده کرده و یا خواهید کرد ، بدانید که سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی برای شما ، ارزشی بی اندازه قائل است و شما را پایه و مایه نهضت ملی و تحول اجتماعی این خاک پاک میشناسد و آرزو دارد که شما نیز قدر خود را بشناسید و از تأثیر شگرف نیروی جسمی و روحی خود در بهبود زندگی نسل ایرانی غافل و بیخبر نباشید .

اگر شمشهای سیم وزر ورشته های دروگوهر و توده های الماس و زمرد و یاقوت و زبرجد خزانه بانک ملی ایران ، پستوانه پول رایج کشور را تشکیل میدهد و قدرت مالی و سرمایه اقتصادی ما را رونق و آبرو میدهد ، افکار بلند دماغهای ورزیده و احساسات پاک دلهای در سینه تپنده شما دختران و پسران نیرومند و مغرور ما ، پشتیبان بقا و دوام آب و خاک ایران و ضامن موجودیت و شخصیت نژاد ایرانی است . سازمان شاهنشاهی بهمان اندازه که بآن ذخیره مرده و خفته مالی اهمیت میدهد ، باین سرمایه زنده و بیدار ملی نیز قدر و قیمت میگذارد .

ای جوانان : قدر و قیمت خود را بشناسید و دریغی و لالاییگری ، خویش را عاطل و باطل نگذارید . زمام کارهای آینده کشور در دست کفایت شما ، و دائره سرنوشت مملکت ، در زیر گامهای استوار شماست . بخود آئید و رشته آینده وطن خود را بدست خود بگیرید . از بزرگی و دشواری کاری که برعهده میگیرید با خبر شوید و عظمت و ابهت و مسئولیت و وظیفه و تکلیفی را که تعهد میکنید نیکو دریابید .

سازمان شاهنشاهی میدانند که بزرگترین رمز بقای ملیت ، همین احساسات پاک شما جوانان است که در هر دوره ای از تاریخ دور و دراز این کشور ، برابر تند باد حوادث ایام و سیل سهمگین تصاریف روزگار ، چون کوه پا برجا و استوار ماند و پرچم پرافتخار شاهنشاهی این سرزمین پهناور را در زیر آسمان کبود ، سرافراز و سربلند نگاهداشت و از پیشانیهای گشاده و گردنهای افراخته و سینه های فراخ و بازوان ستر و مشتهای نیرومند خود ، برگردنگین گرانمایه تاج سلطنت و تخت بلند پایه شهریار ، حلقه پولادین ساخت و با انگشتان قوی و پاک خود ، رشته عمر ایران را بدامن ابدیت گره زد .

ای جوانان : بدانید که در این جهان کوشش و جنبش ، هیچ چیز زشت تر و ننگین تر از وجود فردی نیست که در عتفوان جوانی و ریعان شباب و غرور زندگانی ، بدنی ضعیف و قامتی خمیده و عضلاتی ناتوان و چشمانی بی فروغ و آوازی لرزان و تصمیمی سست و اراده ای متزلزل و نگاهی بی روح و دماغی خسته و دلی پژمرده داشته باشد .

سازمان شاهنشاهی از شما میخواهد که نیرو و نشاط جوانی خود را حفظ کنید . قوای جسمانی و روحانی خود را بیهوده بمصرف نرسانید . از افراط و تفریط مضر پرهیزید و باعتدال مفید بگرايید . شما باید پایه های زندگانی نوین ایران را برشالده متین و استوار بگذارید و بنای آزادی و سربلندی و استقلال مرز و بوم خویش را از هر آسیب و گزند محفوظ و مصون بدارید . برای آنکه بتوانید این ناموس خدائی و وظیفه ملی و تکلیف اجتماعی خود را ، به نیکو ترین وجهی صورت تحقق دهید ، باید نیرومند و پاک بمانید . همواره گردن را افراخته تر و سینه را فراختر و عضلات بازوان را ورزیده تر و افکار دماغ را عالی تر و پاکتر و احساسات دل را تند تر و تیزتر سازید و با گامهای استوار و محکم بجلو بتازید

و با تمام قوا ، از ته دل با آوازی بلند و رسا ، که همه آن در ملکوت اعلیٰ پیچد ، فریاد بزنید « زنده و پاینده باد ایران » .

سازمان شاهنشاهی میداند که ستاره فروزان بخت ایران ، درپیشانی شما جوانان خداپرست و میهن دوست می‌درخشد . پس بکوشید که همواره با پیشانی بلند و گشاده باشید . کلید بقاء و دوام ایران در دست شما جوانان است ، آنرا در خزانه پاك و در بسته دل تابناك خویش نگاهدارید و از دستبرد آدمی صورتان دیو سیرت دور بدارید . ضامن استقلال و تمامیت ارضی ایران ، شما جوانان هستید و نشان جوانمردی آنست که در این ضمانت ، نهایت همت و فرط غیرت بکار بندید . بتبلیغات ناروای مشتی هرزه درای ، فریب نخورید و همواره صلاح قوم و مصلحت عموم را بر صلاح و مصلحت شخصی و فردی رجحان دهید و با آداب و رسوم ملی و مراسم و سنن باستانی مقید و پابند باشید . جز از رضای خدا خشنود نشوید و جز از خشم خدا ترسید ، حلال خدا را حلال و حرام او را حرام بدانید .

هر چه یابی ، جزهوی ، آن دین بود در دل نشان

هر چه یابی ، جز خدا ، آن بت بود در هم شکن

اکنون دانستید که چرا شاهنشاه ، ریاست عالی و الاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی نیابت ریاست عالی ، سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی را موظف فرموده‌اند که قسمتی از فعالیت خود را برای ترقی و تعالی فرهنگ و رفاه زندگانی و تهیه وسائل تحصیل شما جوانان پاك نهاد بکار اندازد . در برابر زحماتی که سازمان برای شما بر خود هموار میکند و وظیفه‌ای که برای بهبود حال شما انجام میدهد ، از شما توقع اینست که در همان راه راست و درستی که باید یک ایرانی پاکیزه خوی میهن دوست برود ، قدم گذارید و از صراط المستقیم حقیقت انحراف نجوئید . همانگونه که سازمان شاهنشاهی با خدمات خود ، شما را در طی مدارج کمال و نیل به هدف مقصود یاری میکند و تشویق مینماید ، شما هم موظفید که خدمتگزاران سازمان را با رفتار پسندیده و کردار سنجیده خود ، ترغیب و تحریص نمائید . اگر این حسن ظن از دوطرف ادامه یابد ، یقین بدانید که نه سازمان از خدمت کردن بشما پشیمان خواهد شد و نه شما از پیروی مرام و مسلک سازمان زیان خواهید دید .

بوی گل و باد سحری بر سر راه است گرمیروی از خود ، به از این قافله‌ای نیست

بنا بر این سخن خود را پایان می‌بخشم و باری دیگر از کلیه کسانی که در تهران و شهرستانها برای روز سازمان بر خود رنجی هموار کرده‌اند و بطریقی که خود شایسته دیده‌اند ، به پیشرفت هدف فرهنگی سازمان در این روز کمک و مساعدتی نموده‌اند ، سپاسگزاری میکنم و امیدوارم خداوند کریم که نیک و بد اعمال بندگان از نظرش بی پاداش و کیفر نمیگذرد ، به بانیان این اساس خیر ، عمر و عزت ، و بخدمتگزاران این دستگاه ، توفیق ادامه خدمت مرحمت فرماید ، که آنه لایضیع اجر المحسنین .

مراسم و در آمد روزهای سازمان

۱ - سال ۱۳۲۷ - روز پنجشنبه ۱۹ اسفندماه ۱۳۲۷ برای نخستین بار بعنوان روز سازمان

تعیین شد و در تهران و شهرستانها با تشریفات خاص ، این روز جشن گرفته شد . از مدتی پیش جزوه ها و اوراق تبلیغاتی ، که حاکی از فعالیتهای سازمان بود ب سراسر کشور ارسال شد و با تبلیغاتی که بوسیله جرائد و رادیو بعمل آمد ، اذهان عموم مردم ، برای شرکت در روز سازمان و پرداخت اعاناتی باین منظور آماده گردید و برای روز سازمان نیز برنامه ای تنظیم و بموقع اجرا گذاشته شد .

این برنامه که تقریباً با مختصر تفاوتی، در تمام روزهای سازمان سنوات بعد نیز اجراء شد، عبارت بود از:

الف - انتشار پیام والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی نیابت ریاست عالییه سازمان از رادیو و جرائد.

ب - اجتماع دانش آموزان و دانشجویان و ایراد سخنرانی برای آنان از طرف آقای وزیر فرهنگ.

ج - رژه دانش آموزان و دانشجویان با پرچمهای مخصوص در خیابانها، و تشویق و ترغیب مردم بمشارکت در جشن روز سازمان.

د - جمع آوری اعانه درمجامع و محافل و معابر بوسیله بانوان نیکوکار و نصب نشانهای مخصوص روز سازمان بسینه اعانه دهندگان.

ه - اجراء دو برنامه هنری شامل نمایش و کنسرت از طرف هنرمندان تأثر تهران و نوازندگان انجمن موسیقی ملی در تالار فرهنگ در حضور اعلیحضرت همایون شاهنشاه و والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی و فروش بلیط برای حضور در برنامه های مزبور.

و - اجراء چند سخنرانی در رادیو تهران توسط شخصیت های فرهنگی کشور.

ز - اجراء برنامه جامعی از ساعت نه بامداد تا هشت بعد از ظهر در رادیو تهران. در این برنامه ضمن مطالب تفریحی و موسیقی های متنوع، گفتارهایی از فعالیتهای گوناگون سازمان شاهنشاهی منتشر شد.

ح - توزیع لباس و شیرینی عید توسط بانوان عضو سازمان شاهنشاهی بگروهی از دانش آموزان بی بضاعت دختر و پسر در محل سازمان مرکزی.

در مرکز کلیه استانها و نیز در شهرهای بزرگ و کوچک، تحت نظر کمیسیون مرکزی از مسئولین امور کشوری و لشگری، برنامه هایی جامع نظیر آنچه که در تهران اجرا شد معمول گردید.

برنامه روز سازمان بترتیبی که گذشت، در روز پنجشنبه ۱۹ اسفندماه ۱۳۲۷ انجام شد و پس از پایان کار، مجموعاً مبلغ ۳,۴۴۲,۵۵۰ ریال اعانه تحصیل شده بود، که با افزودن مبالغی که خیرخواهان بشکرانه سلامت ذات ملوکانه پرداخته بودند، جمعاً بالغ بر ۴,۴۲۲,۴۶۶ ریال عائد شد.

۲- سال ۱۳۲۸ - در سال ۱۳۲۸، روز پنجشنبه ۲۱ اسفندماه بعنوان روز سازمان تعیین شد و مراسمی مشابه با سال گذشته انجام یافت و مبلغ ۱,۹۶۴,۱۷۴ ریال بدست آمد.

۳- سال ۱۳۲۹ - روز سه شنبه ۲۲ اسفند ماه مراسم روز سازمان انجام یافت و مبلغ ۴,۰۹۶,۸۰۸/۵۰ ریال اعانه جمع آوری شد.

۴ - سال ۱۳۳۰ - در سال ۱۳۳۰ ، بواسطه مشکلات مالی و وخامت اوضاع اقتصادی کشور، برای روز سازمان مراسمی بعمل نیامد ، ولی مبلغ ۲۵/۸۶۹، ۸۰۴ ریال برای کمک بفرهنگ جمع آوری شد .

۵ - سال ۱۳۳۱ - در این سال ، روز پنجشنبه ۲۵ دیماه ، روز سازمان نامیده شد . در سنوات گذشته کلیه وجوهی که در شهرستانها جمع آوری میشد ، ابتدا بسازمان مرکزی حواله میگردد و سپس ، از طرف سازمان برای هر شهرستان سهمیه ای تعیین و مجدداً متناسب بامبلغ ارسالی بهمانجا فرستاده میشد . اما در سال ۱۳۳۱ این روش تغییر یافت و وجوهی که در شهرستانها جمع آوری شد ، مستقیماً وبی آنکه بتهران ارسال شود ، زیر نظر شعب سازمان و معتمدین محلی بمصارف امور فرهنگی رسید . در این سال ، در تهران ۴۰/۵۶،۵۰۷ ریال اعانه جمع آوری شد .

در شب روز سازمان سال ۱۳۳۱ (چهارشنبه ۲۴/۱۰/۳۱) جناب آقای علاء وزیر دربار شاهنشاهی و نایب رئیس دوم سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی ، سخنرانی زیر را از رادیو تهران ایراد داشتند :

هم میهنان عزیز

بر حسب امر مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه ، فردا در سراسر کشور روز سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی است . روزی است که فرزندان این آب و خاک پهنای ، احساسات و عواطف عالیہ بشردوستی و نوع خواهی خود را از راه معاونت و مساعدت بکسانیکه بدستگیری و راهنمایی نیازمندند بمنصه ظهور و بروز میرسانند .

در روزگاری که حوادث گوناگون ، زندگانی بشر را مشکلتر ساخته است و اقوام جهان لزوم کمک بیکدیگر را بیش از هر زمانی احساس میکنند ، باید افراد هر جامعه لزوم تعاون متقابل را قبل از هر چیز مورد توجه قرار دهند .

سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی بهمین منظور و مقصود ، بفرمان مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه تأسیس شد و در مدت عمر کوتاه خود ، با نهایت سربلندی و سرافرازی ، توفیقهای شایان بدست آورد که نشانه و سند وجود روح تعاون در میان ماست .

شاید احتیاجات عمومی درمیهن ما بیش از دیگر کشورها باشد . تأمین نان و بهداشت و کار و فرهنگ و حمایت از مستمندان و بیچارگان همه مورد توجه و نیاز است و بدیهی است که هیچ سازمانی نمیتواند همه این مسائل را در آغاز کار برعهده گیرد و کفایت کند . سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی ، قسمتی از این وظائف را برعهده گرفت و بتوسعه آن بتدریج همت گماشت ولی از همان آغاز کار ، این فکر قوت داشت که باید بجای اقدامات موقت و زودگذر ، پایه های کار را بر شالوده های متین و محکم نهاد ، تا در نتیجه تأمین زندگانی بهتر و خوشتری برای درماندگان ، آنانرا برای خدمت بمیهن و هم میهنان عزیز آماده ساخت .

سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی ، پس از تأسیس ۶۰ درمانگاه در سراسر کشور و مؤسسات بهداشتی و اجتماعی دیگر در تهران ، که بهزاران نفر نعمت سلامت بخشیده است ، بفرهنگ توجه نمود

و طرحی ریخت که با معاونت و پشتیبانی هم میهنان ارجمند ، بنوباوگان دانش آموز یا دانشجویی کمک و مساعدت کند که در احوال کنونی هیچگاه بتأمین وسائل تعلیم و تربیت خود قادر نیستند و بی راهنمایی سازمان ، در کار تحصیل فرومیمانند .

در سالهای گذشته که بر حسب امر مبارک اعلیحضرت همایونی ، این طرح نوریخته شد و روز سازمان بعنوان شعار کمک و فرهنگ و دانشگاه معین گردید ، مورد استقبال عمومی قرار گرفت و نیکوکاران و فرهنگ دوستان در سراسر کشور ، اعاناتی در اختیار سازمان گذاشتند که از آن محل ، صدها جوان دانش آموز یا دانشجو ، از نعمت آموزش و پرورش برخوردار و برای تأمین وسائل تحصیل خویش ، از مساعدتهای ذیقیمت بهره مند شدند . اگر بسیمای کسانی که از این نعمت برخوردارند بنگرید ، خواهید دید که بانگاه دیدگان حقشناس و با دعای قلبهای پاک خود ، از خیراندیشانی که بآنان کمک کرده اند و موجبات سعادت و نیکبختی شان را فراهم نموده اند ، سپاسگزاری میکنند .

دور نیست در بعضی موارد ، کمک و معاونت برای بعضی اشخاص سخت باشد و یا حتی جنبه فداکاری شاق پیدانماید ، ولی نباید فراموش کرد که این فداکاری ، مؤید وجود دواصل بزرگ در میان ماست . یکی اینکه بیاد می آورد که آنچه امروز وجود دارد ، نتیجه فداکاری گذشتگانست و دیگر اینکه در همه جا ، بیچاره تر از بیچاره هم میتوان یافت . تا زمانیکه این دونکته فراموش نشود ، ملت ایران همیشه بر همه مشکلات فائق خواهد آمد .

سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی باتکاء این معتقدات ملت ایران ، به سعی و مجاهدت خود در راه تأمین وضعی بهتر برای توده مردم بینوا و تهیدست ادامه میدهد و با نهایت جد و جهد خواهد کوشید که با اشترک مساعی جامعه سرافراز ایرانی ، وظائف اجتماعی خود را ایفاء کند .

سازمان در این روز ، هموطنان عزیز را دعوت میکند که بفرخور توانائی و در عین حال با روح از خود گذشتگی و فداکاری ، بسازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی کمک و مساعدت نمایند . این مساعدت بهر اندازه که باشد ، موجبات نیکبختی صدها خواهر و برادر مستمند ما را فراهم خواهد کرد که بی آن نخواهند توانست دبستان یا دبیرستان یا دانشکده را پایان رسانند و ناگزیرند یا رشته تحصیل را از دست بدهند و یا با کمال سختی آنرا تمام کنند .

کلیه وجوهی که در این روز جمع آوری خواهد شد ، در هر حوزه ، در شعبه یا نمایندگی بانک ملی همانجا ، بحساب مخصوص روز سازمان ریخته میشود و تحت نظر کمیسیونی مرکب از آقایان استانداران یا فرمانداران و رؤسای فرهنگ و انجمن شهر و شعبه بانک ملی و چند تن از معاریف و معتمدین محل ، طبق معمول سالیانه بمصرف تهیه کتاب و لوازم التحریر و لباس برای دانش آموزان دبستانها و پرداخت کمک خرج تحصیلی بدانش آموزان دبستانها و دانشجویان دانشکده ها خواهد رسید . در تهران نیز بحساب مخصوص روز سازمان باز شده است که کلیه وجوه و اعانات بحساب مزبور ریخته خواهد شد .

از روزگاران پیشین گفته اند که عمل خیر و کار نیک ، بجای دورنمیرود و اگر نزد مردم گم شود ، نزد خداوند کریم گم نخواهد بود . بنا بر این ما هر قدر در راه سعادت این آب و خاک بکوشیم نیکبختی بیشتر و زندگی فراختری را برای نسل فعلی و نسل آینده فراهم ساخته ایم .

۶ - سالهای بعد - چون تجارب چند ساله سازمان آموخته بود که فصل زمستان ، از لحاظ

مساعد نبودن هوا و کیفیت فصلی و نیز اشتغال مردم بامور خصوصی خود و مخصوصاً مسافرت آنها بنقاط مختلف ، برای برگزاری جشن روز سازمان مناسب نیست ، از سال ۱۳۳۲ بعد روز سازمان در فصل بهار تعیین گردید و درآمد حاصل از آنروز ، با تصویب سازمان شاهنشاهی و وزارت فرهنگ ،

تحت نظر کمیسیون مرکب از استاندار یافرماندار - رئیس فرهنگ - رئیس انجمن شهر یا شهردار - رئیس دادگستری و رئیس شعبه بانک ملی و چندتن از معتمدین و معاریف محل ، بهترین و ضروری ترین کمک فرهنگی که طبق احتیاجات محل تعیین میشد ، بمصرف میرسید .

در این سالها ، چون اعانات شهرستانها را بتهران نفرستاده اند و صورتهای رسیده از سراسر کشور کامل نیست ، نمیتوان مجموع درآمد سازمان را در سراسر کشور ، مانند سالهای قبل از ۱۳۳۱ معین کرد . اما در تهران ، در سال ۱۳۳۲ مبلغ ۹۷۲/۵۰ ، ۶۴۸ ریال و در سال ۱۳۳۳ (۲۴ فروردین ۱۳۳۴) مبلغ ۱,۶۶۶,۷۰۸/۳۰ ریال و در سال ۱۳۳۴ (۲۷ اردیبهشت ۱۳۳۵) مبلغ ۸۸۶,۸۲۱/۱۵ ریال و در سال ۱۳۳۵ مبلغ ۱,۳۷۹,۰۲۵/۲۵ ریال بدست آمد .

بطور کلی مجموع اعاناتی که هر سال در جشن روز سازمان جمع آوری شده ، ونیز مبلغی که از بودجه خود سازمان بدین منظور اختصاص یافته است ، برای کمک بفرهنگ بمصرف رسیده است ، یعنی از آن محل ، یا مسکن برای دانشجویان ساخته شده ، و یا بمحصلین مستعد و بی بضاعت ، هزینه تحصیل و کتاب و لباس داده شده است و اینک کمکهای مزبور ، بطور مشروح بیان میشود .

ساختمان خوابگاه در کوی دانشگاه

روز چهارشنبه ۲۴ اسفندماه ۱۳۲۸ والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی ، درامیرآباد نخستین کلنگ ساختمان خوابگاه دانشجویان را بزمین زدند . در این روز گروهی از رجال و معاریف ودانشگاهیان حضور داشتند و آقای دکتر آشتیانی مدیرعامل سازمان ضمن گزارشی که بعرض رسانیدند گفتند : «... در اساسنامه سازمان ، کمک بفرهنگ ، مقامی ممتاز دارد و ایجاد آموزشگاه پرستاری اشرف پهلوی و آموزشگاه کانون کار و آموزش ، از جمله اقداماتی است که در این زمینه بعمل آمده است . ولی چون این اقدامات کافی بنظر نمیرسید ، بابتکار والاحضرت ، طرح روز سازمان ریخته شد و از تصویب پیشگاه مبارک ملوکانه گذشت و سال گذشته روز ۱۹ اسفند ، نخستین روز سازمان در سراسر کشور جشن گرفته شد واستقبال مردم از این اقدام سازمان ، بقدری بود که بیک روز ، در حدود ۳,۷۰۰,۰۰۰ ریال اعانه جمع آوری شد... در نتیجه حادثه شوم پانزده بهمن نیز ، مردم شاه پرست ومیهن دوست ، در حدود یک میلیون ریال بعنوان شکرانه سلامت ذات مبارک شاهانه بسازمان اعانه دادند وحسب الامر مبارک ، مقرر شد که این مبلغ نیز بمصرف کمک فرهنگی برسد واز این محل ، ساختن یک عمارت در کوی امیرآباد منظور گردید تا دانشجویانیکه از شهرستانها بتهران میآیند ومحلی مناسب برای سکونت بدست نیآورند ، در این محل جای داده شوند...» سپس آقای دکتر سیاسی رئیس دانشگاه چنین معروض داشتند :



دو منظره از خوابگاه سازمان شاهنشاهی در کوی دانشگاه

عنایتی که سازمان شاهنشاهی، مخصوصاً والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی نیابت ریاست عالیّه، نسبت به دانشگاه مهذول فرموده‌اند، موجب کمال سپاسگزاری است و چیزیکه بیشتر مایه کمال افتخار و مباهات است، این است که والا حضرت، پاداشتن نفاقت، برای زدن اولین کلنگ ساختمان سازمان شاهنشاهی در کوی دانشگاه، قبول زحمت فرموده و شخصاً باینجا تشریف آورده‌اند.

جمعی از جوانانیکه برای تحصیل در رشته‌های تخصصی، از شهرستانهای خود به تهران وارد میشوند، محل مناسبی برای سکونت پیدا نمیکنند و ناگزیرند در منازل اقوام و بستگان خود، یا در مساجد یا حجرات قدیمه یا مسافرخانه‌ها و یا محل‌های غیر مناسب دیگر، با تحمل زحمت و مشقت، سکونت اختیار کنند. از این رو دانشگاه، از چندی پیش از پیشگاه مبارک ملوکانه استدعا نمود که امیرآباد اختصاص بکوی دانشگاه داده شود. خوشبختانه این استدعا در پیشگاه مبارک ملوکانه مقبول افتاد و کوی امیرآباد در اختیار دانشگاه قرار گرفت و چون ساختمانهای سابق، بعلت موقتی بودن، بهیچوجه مناسب نبود ناگزیر دانشگاه رأساً بایجاد ساختمانهای اقدام نمود. نخستین ساختمان، همین عمارتی است که اینک والا حضرت آنرا بقدم خویش مزین فرموده‌اند. بدیهی است که چون دانشگاه بودجه محدودی دارد و بدون مساعدت اشخاص متمکن نیکوکار و بنگاههای خیریه، نمیتواند این هدف عالی را جامه عمل پوشاند، بنا براین بسیار مایه مسرت و خرسندی است که به پیشنهاد والا حضرت، نیابت ریاست عالیّه و تصویب ذات مبارک ملوکانه، ریاست عالیّه سازمان شاهنشاهی، قسمتی از درآمد روز سازمان سال گذشته باین کار اختصاص یافت و دانشگاه امیدوار است که امسال و سالهای آینده نیز، این نظر عنایت از طرف سازمان شاهنشاهی نسبت به دانشجویان همچنان ادامه یابد. باردیگرموقع را مفتنم شمرده، سپاس بی‌پایان دانشگاه را بحضور مبارک تقدیم میدارد و امیدوار است که آن والا حضرت نوعی پرور و دانش دوست، همواره در عملی ساختن هدفهای عالی فرهنگی و اجتماعی خود، توفیق کامل حاصل فرمایند.

ساختمان خوابگاه در مدت شش ماه پایان یافت و از لحاظ وسائل نیز کاملاً مهیا گردید و ساعت سه بعد از ظهر روز شنبه هفتم بهمن ماه ۱۳۲۹ توسط والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی افتتاح گردید. در این روز بدعوت سازمان، جمعی از رجال و فرهنگیان در مراسم مزبور حضور

یافته بودند. نخست جناب آقای علاء وزیر دربار شاهنشاهی و نایب رئیس سازمان بشرح زیر خیرمقدم عرض کردند:

والاحضرتا

مایه افتخار و سعادت چاکر است که در این روز فیروز، بمناسبت تشریف فرمائی آن شادخت نوع پرور نیکو کار برای افتتاح ساختمان خوابگاه کوی امیرآباد، بعرض خیرمقدم و سپاسگزاری و تهنیت از طرف کارکنان سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی نائل میگردد. ابتکار عاقلانه و نیت خیرخواهانه والاحضرت، تحت توجهات عالیہ اعلیحضرت همایون شاهنشاهی در فراهم کردن این محیط مطبوع سالم پاک، و تهیه موجبات آسایش و راحتی و تندرستی دانش آموزان بی بضاعت، که با شوق و ذوق سرشار برای کسب معلومات، از شهرستانهای دوردست بتهران میشتابند، ولی محل سکنای مناسبی پیدا نمیکند قابل ستایش و تشکر بی پایان است. این اقدام معارف پرورانه، گذشته از مزایا و محاسن اخلاقی و معنوی و جسمی، وسیله توحید طبقات مختلف ملت و پرورش اصول دموکراسی و تشدید مبانی اتحاد و الفت و تحکیم روابط و حسن تفاهم بین اکناف کشور پهناور ایران و مرکز آن است، و از این حیث نتایج مهم اجتماعی و سیاسی در بر خواهد داشت. اگرچه در دعوتنامه، این بنای زیبا که بهترین وجه و ارزانترین قیمت و در نهایت استحکام ساخته شده، خوابگاه نامیده شده، چاکر رجاء واثق دارد که ساکنین سعادت مند آن کاملاً بیدار و هشیار خواهند بود و در تحصیل علوم و فنون و اخذ سجایای حمیدیه اخلاقی و تعلیم و تربیت، سستی و خمودی و خمیازه بخود راه نداده، در تقدیم خدمات لایق برجسته بشاهنشاه محبوب معظم و ایران زمین، کاملاً آماده و موفق خواهند بود. زنده باد اعلیحضرت محمد رضا شاه پهلوی شاهنشاه ایران. پاینده باد مساعی جمیله نوع پرورانه والاحضرت شادخت اشرف پهلوی.

سپس آقای دکتر آشتیانی ضمن گزارش خود بعرض رسانیدند: «... همانطور که خاطر مبارک مستحضراست، کمک بفرهنگ کشور، یکی از هدفهای عمده سازمان و یکی از مهمترین مواد اساسنامه آنست... تعیین یکروز بعنوان روز سازمان و اختصاص در آمد آن بدانش آموزان و دانشجویان بی بضاعت سراسر کشور، در جامعه بحسن قبول تلقی شد و مردم چون باستحکام اساس و مبانی کاری عقیده و ایمان حاصل کنند، از بذل مال مضایقت روا نمیدارند و کارکنان آن اساس را، با این اتفاق و ایثار تشویق و ترغیب مینمایند... نقشه ساختمان این خوابگاه، بوسیله بخش مهندسی سازمان تهیه و بمناقصه گذاشته شد و شرکت ساختمانی نیرو، برنده مناقصه، در مدت شش ماه آنرا ساخت. خوابگاه شامل دو طبقه است و با مساحت زیر زمین و دو ایوان سراسری، مجموعاً ۲۱۵۰ مترمربع زیر بنا دارد و دارای ۴۲ اتاق است، که سی اتاق برای مسکن دانشجویان است و در هر اتاق، دو تن سکونت میگزینند. دو تالار بزرگ رویشمال، با قفسه بندی کامل برای کتابخانه و قرائت خانه، و دو تالار بزرگ رویشجنوب، با اثاثیه و لوازم کامل برای پذیرائی و استراحت منظور شده است. یک قسمت جدا گانه با تمام لوازم، از قبیل حمام و روشویی و آشپزخانه و منضعات آن، برای سرپرست دانشجویان است که در آنجا منزل خواهد کرد. نه دستگاه حمام و ۱۸ دستگاه روشویی و ضامم آن نیز در ساختمان وجود دارد. دو ایوان سراسری رویشجنوب و یک مهتابی بزرگ در بام ساختمان منظور شده است، که در تابستان مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

هر یک از اتاقها دارای وسائل لازم زندگی است و گرمی ساختمان در زمستان ، بوسیله یک دستگاه کامل حرارت مرکزی تأمین میگردد. بنا براین بطوریکه ملاحظه خواهند فرمود ، ساختمان از حیث استحکام و زیبایی و وسائل زندگی ، شاید در میان ساختمانهای مشابه خود کم نظیر باشد.»



گوشه‌ای دیگر از بنای خوابگاه سازمان شاهنشاهی در کوی دانشگاه

پس از پایان گزارش ، والا حضرت از ساختمان بازدید و آنرا افتتاح فرمودند. رئیس دانشگاه تهران ضمن بیانات خود از مساعدت و همکاری سازمان شاهنشاهی با دانشگاه تهران برای ساختمان این خوابگاه و نیز پرداخت کمک هزینه تحصیلی بدانشجویان دانشگاه سپاسگزاری کرد و مراسم مزبور پایان یافت. بطور کلی هزینه ساختمان خوابگاه و تجهیز آن مبلغ ۴,۸۲۱,۴۳۵ ریال شده است.

خوابگاه جدید

طبق تقاضای دانشگاه تهران و تصویب سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی ، مقرر گردیده است خوابگاه جدیدی در کوی امیرآباد ، برای دانشجویان شهرستانی مقیم تهران ساخته شود و سازمان متعهد شده است برای این منظور ، مبلغ ۶,۵۰۰,۰۰۰ ریال بدانشگاه تهران بپردازد

و از این مبلغ ، در سال ۱۳۳۶ مبلغ / ۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال پرداخته شده است و بقیه آن نیز در سال ۱۳۳۷ بدانشگاه تهران تأدیه خواهد گردید .

پرداخت کمک هزینه تحصیلی

۱ - در سال ۱۳۳۸ - از محل عوائد روز سازمان سال پیش ، جمعاً مبلغ / ۲,۱۶۴,۰۰۰ ریال بمصرف پرداخت کمک هزینه تحصیلی بدانش آموزان بی بضاعت رسیده است . در این سال از طرف سازمان شاهنشاهی ، برای پرداخت کمک هزینه تحصیلی ، آئین نامه ای تنظیم و تدوین گردید که شرایط لازم برای استفاده از کمک هزینه سازمان و تعداد کسانی که در مراحل تحصیلات ابتدائی - متوسطه یا عالی ، میتوانند از سهمیه های کمک هزینه بهره مند شوند و میزان هر سهم و سایر مقررات مربوط با آنرا تعیین میکرد . این آئین نامه ، مبنای کار سازمان در تهران و شهرستانها برای تقسیم کمک هزینه تحصیلی قرار گرفت . در این سال ، توزیع کمک هزینه تحصیلی سازمان بقرار زیر انجام گرفت :

الف - بدانش آموزان دبستانهای کشور ۱۰۰۰ سهم کمک هزینه از قرار هر سهم معادل / ۱۰۰۰ ریال پرداخت گردید .

ب - بدانش آموزان دبیرستانهای کشور ۳۱۰ سهم کمک هزینه از قرار هر سهم ماهانه / ۳۰۰ ریال در نه ماه سال تحصیلی ، یعنی بهر دانش آموز مبلغ / ۲۷۰۰ ریال در سال پرداخت گردید .

ج - به ۱۲۵ تن از دانشجویان دانشکده های پزشکی تهران - تبریز و مشهد و دانشسرای عالی تهران ، ماهانه / ۵۰۰ ریال در نه ماه سال تحصیلی ، یعنی بهر دانشجو مبلغ / ۴۵۰۰ ریال در سال پرداخت گردید .

۲ - در سال ۱۳۳۹ - از محل عوائد روز سازمان سال پیش ، جمعاً مبلغ / ۲,۲۱۴,۰۰۰ ریال بمصرف پرداخت کمک هزینه تحصیلی رسید . در این سال نیز ، ملاک عمل همان آئین نامه پرداخت کمک هزینه بود و توزیع کمک هزینه بقرار زیر انجام یافت :

الف - بدانش آموزان دبستانهای کشور ۸۵۴ سهم / ۱۰۰۰ ریالی پرداخت شد .
ب - بدانش آموزان دبیرستانهای کشور ۳۰۰ سهم / ۲۷۰۰ ریالی پرداخت شد .
ج - بدانشجویان دانشکده های پزشکی تهران - تبریز - مشهد و شیراز و دانشسرای عالی تهران ۱۲۵ سهم / ۴۵۰۰ ریالی پرداخت شد .

۳ - در سال ۱۳۴۰ - مبلغ / ۲,۷۲۱,۰۰۰ ریال بمصرف پرداخت کمک هزینه تحصیلی رسید و بطریق ذیل تقسیم شد :

الف - بدانش آموزان دبستانهای کشور ۲۷۳۰ سهم / ۵۰۰ ریالی پرداخت شد .

ب - بدانش آموزان دبیرستانهای کشور ۳۰۰ سهم/۹۰۰ ریالی پرداخت شد.
ج - دانشجویان دانشکده‌های پزشکی و دانشسرایعالی تهران ۱۲۵ سهم/۴۵۰۰ ریالی پرداخت شد.

۴ - در سال ۱۳۳۱ - عوائد شهرستانها مستقیماً در محل بمصرف رسید و در تهران ، مبلغ ۳۷۵,۰۰۰/ ریال برای پرداخت کمک هزینه تحصیلی اختصاص یافت و تقسیم گردید. همچنین در این سال ، در آمدی که از طریق دانشگاه تهران برای روز سازمان تحصیل شد ، مجدداً عیناً در اختیار دانشگاه گذاشته شد تا رأساً بین دانشجویان واجد استحقاق تقسیم نمایند.

۵ - در سال ۱۳۳۲ - جمعاً مبلغ ۶۶۰,۰۰۰/ ریال بمصرف پرداخت کمک هزینه تحصیلی بدانش آموزان تهران رسید.

۶ - در سال ۱۳۳۳ - جمعاً مبلغ ۱,۴۲۳,۰۰۰/ ریال بمصرف پرداخت کمک هزینه تحصیلی در تهران رسید که مبلغ ۱۲۰,۰۰۰/ ریال آن در اختیار دانشگاه گذاشته شد که بین دانشجویان دانشکده ها توزیع گردد.

۷ - در سال ۱۳۳۴ - مبلغ ۹۶۱,۰۰۰/ ریال بدانش آموزان بی بضاعتی که رسماً از طرف وزارت فرهنگ سازمان معرفی شده بودند پرداخت گردید.

۸ - در سال ۱۳۳۵ - مبلغ ۱,۹۲۳,۰۰۰/ ریال بدانش آموزان بی بضاعت دبیرستانها و دبستانها که از طرف وزارت فرهنگ سازمان معرفی شده بودند ، بعنوان کمک هزینه تحصیلی و با ارائه گواهی تحصیل ، بطور ماهانه پرداخت شد.
در حال حاضر بطور متوسط ، سالانه مبلغ ۸۰۰,۰۰۰/ ریال از طرف سازمان شاهنشاهی برای کمک هزینه تحصیلی پرداخته میشود.

توزیع لباس

از نخستین روزهای تأسیس سازمان ، مقرر گردید هر سال ، مقارن عید نوروز ، جمعی از دانش آموزان دختر و پسر بی بضاعت آموزشگاهها که والدینشان بتهیه لباس نو برایشان قادر نیستند ، لباس داده شود.

نخستین بار ، در جشن روز سازمان سال ۱۳۲۷ ، همراه با برنامه ای مفصل که برای این مراسم انجام میگرفت ، در محل سازمان شاهنشاهی ، توسط بانوان عضو سازمان ، تعداد ۲۵۰۰ دست لباس دخترانه و پسرانه و گیوه که هر کدام یک بسته شیرینی و آب نبات ضمیمه داشت ، بین دانش آموزانی که وزارت فرهنگ آنها را انتخاب کرده بود و در آن روز با صفوف منظم ، همراه با سرپرستان خود سازمان مراجعه کردند ، تقسیم گردید.



توزیع لباس

— ۳۷۹ —

در سال ۱۳۲۸، مبلغ / ۴۹۷,۰۰۰ ریال و در سال ۱۳۲۹، مبلغ / ۴۹۵,۰۰۰ ریال و در سال ۱۳۳۰، مبلغ / ۵۴۴,۰۰۰ ریال و در سال ۱۳۳۱، مبلغ / ۵۰۵,۰۰۰ ریال برای تهیه و توزیع لباس بمصرف رسید. چون در یکی دوسالی که توزیع لباس در محل سازمان انجام گرفت، مشکلاتی بوجود آورد که اهم آنها دشواری مراجعه دانش آموزان بسازمان و اجتماع تمام آنها در یکروز و یک محل بود، در سالهای بعد، توزیع لباس بوسیله هیئتهائی که از نمایندگان سازمان و وزارت فرهنگ و انجمنهای محلی مرکب بود و مستقیماً بآموزشگاهها مراجعه میکردند انجام گرفت، و هر هیئت مقداری از لباسها را تقسیم کرد. بطور متوسط در هر یک از سالهای مزبور، در حدود ۳۰۰۰ دست لباس از طرف سازمان تهیه و توزیع شد.

در سال ۱۳۳۳ که سازمان شاهنشاهی رأساً مبادرت بتهیه لباس نکرد، مبلغ / ۱۰۰,۰۰۰ ریال برای این منظور در اختیار جمعیت شیر و خورشید سرخ گذاشت و جمعیت مزبور این پول را برای تهیه لباس بمصرف رسانید.

چون در سنوات اخیر، جمعیت خیریه ثریا پهلوی عهده دار تهیه و تقسیم لباس بین دانش آموزان بی بضاعت شده است، سازمان همه ساله مبلغی در اختیار جمعیت مزبور میگذازد که بمصرف تهیه لباس و نیز توزیع کمک های زمستانی میرسد.

تپیه کتاب

سازمان شاهنشاهی، به پیروی از علاقه و توجه خاص شاهنشاه نسبت بپا سواد شدن عموم طبقات، مخصوصاً نونهالان کشور، تأمین کتاب مورد نیاز دانش آموزانی را که خود به تنهایی قادر بتهیه آن نیستند، مورد توجه قرار داد و تاکنون در این طریق اقداماتی معمول داشته که اینک اجمالاً بیان میشود.

۱- در سال ۱۳۲۹ - مبلغ / ۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال برای تهیه ۱۰۰,۰۰۰ جلد کتاب دبستانی در اختیار وزارت فرهنگ گذاشته شد و چون وزارت فرهنگ برای ارسال آن شهرستانها نیز، تقاضای مساعدت کرد، مبلغ / ۲۰,۰۰۰ ریال نیز برای این منظور پرداخت گردید و کتابهای مزبور برایگان در اختیار دانش آموزان بی بضاعت گذاشته شد.

۲- در سال ۱۳۳۴ - چندین هیئت مرکب از نمایندگان سازمان شاهنشاهی و وزارت فرهنگ، بدییرستانهای مختلف تهران مراجعه میکردند و برای دانش آموزانی که تمام یا قسمتی از کتابهای تحصیلی خود را فراهم نساخته بودند، حواله هائی صادر میکردند که با ارائه آن بکتاب فروشی علمی، کتب مزبور را برایگان دریافت میداشتند. در این سال مبلغ / ۱۹۴,۸۰۰ ریال برای این منظور پرداخت گردید.

۳- در سال ۱۳۳۵ - برنامه سال گذشته بمرحله اجراء گذاشته شد و مبلغ / ۲۰۰,۰۰۰ ریال برای توزیع رایگان کتب دییرستانی مصرف شد.

۴- در سال ۱۳۳۶ - بفرمان مبارک ملوکانه مقرر گردید تمام کتابهای چهار کلاس اول ابتدائی که در سراسر کشور مورد نیاز نوباوگان و دانش آموزان است، از طرف سازمان شاهنشاهی تهیه و برایگان بین عموم دانش آموزان ، اعم از غنی و فقیر توزیع گردد .

برای امثال او امر ملوکانه و برای آنکه بفرهنگ کشور کمکی مؤثر تر و سودمند تر بشود و نیز برای سروسامان بخشیدن بوضع کتابهای ابتدائی، تا بطریقی مرغوب و مطلوب تهیه شود، سازمان شاهنشاهی تصمیم گرفت کتابهای دوره شش ساله ابتدائی را بنظارت خود چاپ کند . چون اجرای این برنامه بوجود اعتبارات کافی نیازمند بود ، سازمان بابتکار خود اقدام بانتشار بلیطهای بخت آزمائی اعانه ملی نمود و از محل عوائد آن، هشت جلد کتاب چهار ساله ابتدائی که متن آن بتصویب شورای عالی فرهنگ رسیده است ، با چاپ رنگین و صحافی ممتاز انتشار داد و در اختیار وزارت فرهنگ گذاشت .

در آغاز سال تحصیلی ۳۷-۱۳۳۶ ، کتابهای مزبور برایگان بهر یک از دانش آموزان کشور که در چهار کلاس اول ابتدائی تحصیل میکردند داده شد . سازمان جمعاً ۱,۸۹۰,۰۰۰ جلد کتاب طبع و توزیع کرد و تا پایان آذرماه سال ۱۳۳۶ ، مبلغ / ۲۳,۵۰۰,۰۰۰ ریال از این بابت بمصرف رسانید و از این مبلغ / ۱۰۰,۰۰۰ ریال برای هزینه بسته بندی و ارسال و توزیع کتابها در شهرستانها اختصاص یافت و در اختیار وزارت فرهنگ گذاشته شد .



بامبارک شاهنشاهی

این کتاب از طرف سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی
طبع و در اختیار وزارت فرهنگ قرار گرفت تا در میان
کلیه دانش آموزان سراسر کشور برایگان توزیع شود .
خرید و فروش آن اکیداً ممنوع است .

این نوشته ، در پایان هر يك از كتابها چاپ شده است

سال ۱۳۲۶ به فرمان امیرحضرت یونس شاه سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی تشکیل یافت و اساسنامه آن مورد اجراء گذاشته شد. طبق بند «ب» از سومی ماده این اساسنامه کمک به فرهنگ و مساعدت به انشأ آموزش و دانشجویان متذکر کشور محله مقاصد سازمان بشمار آید.

برای تأمین این منظور با همکاری دولت و امیرحضرت شاهنشاهی به شرف بهلوی نیابت ریاست عالی مقرر گردید که یکروز در هر سال بنا بر روز سازمان تعیین شود و در مراسم کشور بوسیله فرهنگیان مراسمی انجام گیرد و اماناتی جمع آوری شود.

از سال ۱۳۲۷ این رویه در مراسم کشور به موقع عمل گذاشته شد و بهر حال اماناتی جمع آوری گردید که برای تهیه لباس کتابخانه تهیه تحسینی محصلین به صرف سیدنی یک خوابگاه و چهارده هزار و دویست و شصت و نه کتابخانه و ده ساله که اکنون محل زندگانی صد و ده دانشجوی شهرستان است و یکبار نیز مجاز از یک میلیون یال به صرف طبع و توزیع کتب و در به تبدیلی رسید. برای اینکه باز هم بتوان فرهنگ کتب کوکی هم و مؤثر معمول است به پرویی از علاقه و توجه شاهنشاهی به تعلیمات تبدیلی و باسود شدن و سازمان شاهنشاهی تصمیم گرفت کتابهای و در به تبدیلی را به خرج خود و بطریق مرغوب و مطلوب چاپ کند و میان انشأ آموزش و مراسم کشور اعم از غنی و فقیر برایگان و جوان توزیع نماید. اینک پس از مذکر به وزارت فرهنگ فعالیت جلد کتب چهار ساله ابتدائی که متن تصویبش را به عالی فرهنگ رسیده است از طرف سازمان طبع و برای توزیع در دبستانهای کشور با اختیار وزارت فرهنگ گذاشته شده است. بدین طریق با مبارک شاهنشاهی در خدمت به فرهنگ کشور قدمی بسیار بزرگ برداشته شده که کنگ نظری داشته است و مسلماً تأثیر شگفت آن از نظر ارباب بصیرت پوشیده نخواهد بود.

این شرح نیز، در ابتدای هر کتاب مرقوم گردیده است

در آغاز و پایان کتابهای مزبور، یک صفحه به سازمان شاهنشاهی اختصاص یافته که متن آنها عیناً درج گردیده است.

اقدام سازمان شاهنشاهی در مورد چاپ و توزیع کتابهای مزبور، تا کنون در تاریخ فرهنگ کشور نظیر نداشته و اهمیت آن از نظر ارباب معرفت پوشیده نیست.

توزیع شیر گرم

در سال ۱۳۳۴، طبق برنامه ای که از طرف انجمن ملی ایرانی حمایت کودکان (یونیسف)، با مشارکت وزارت فرهنگ تنظیم شده بود، سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی نیز مبلغ ۸۵,۰۰۰ ریال به مصرف رسانید و از این محل، وسائل لازم برای جوشاندن شیر، و نیز شکر مورد لزوم را تهیه نمود و در بعضی از دبستانهای کشور، بتوزیع روزی یک لیوان شیر گرم و شیرین، بین دانش آموزان مبادرت کرد. چون بعداً سایر مؤسسات عهده دار این کار شدند، دیگر سازمان شاهنشاهی رأساً در این باره اقدامی نکرد ولی اعتباراتی برای این کار، در اختیار مؤسسات مزبور گذاشت.

اقدامات فرهنگی دیگر

سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی، در زمینه امور فرهنگی، اقدامات دیگری نیز معمول داشته که چون ذکر آنها بطور مشروح قبلاً آمده است، در اینجا باختصار از آنها یاد میشود.

۱- ایجاد آموزشگاه پرستاری اشرف پهلوی که همه ساله گروهی از دوشیزگان را تحت تعلیم قرار میدهد و یکی از مؤسسات وابسته بدانشکده پزشکی تهران بشمار میرود.



آموزشگاه پرستاری اشرف پهلوی، امروزه یکی از واحدهای با ارزش و سودمند فرهنگی کشور بشمار میرود

۲- تأسیس آموزشگاه فنی و دبیرستان حرفه‌ای کانون کار و آموزش که طبق برنامه وزارت فرهنگ تعلیمات حرفه‌ای دوره دبیرستان را بدانش‌آموزان می‌آموزد. اخیراً در شهرهای مشهد و شیراز نیز از طرف شعبه‌های سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی، با استفاده از اعتباراتی که در محل تحصیل می‌شود، مقدمات تأسیس آموزشگاههای حرفه‌ای فراهم شده است که مطابق برنامه دبیرستان حرفه‌ای کانون کار و آموزش اداره خواهد شد.

۳- ایجاد آموزشگاه تعلیم و تربیت ناینبان نیز یکی دیگر از اقدامات فرهنگی سازمان است.



در آذرماه ۱۳۳۶، اعلیحضرت همایون شاهنشاه و علیاحضرت ملکه ثریا پهلوی و الاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی، کانون کار و آموزش را بازدید فرمودند و در آموزشگاه ناینبان، خواندن و نوشتن خاص کوران، مورد توجه دقیق قرار گرفت.

۴- تاکنون دوبار از طرف سازمان شاهنشاهی، آموزشگاهی برای تعلیم پزشکیاری تأسیس شده و گروهی پزشکیارت تحصیل کرده، تربیت نموده است که در مؤسسات سازمان بخدمت مشغول شده‌اند.



تصویر «بازی را»

همکاری با یونسف

چون بعضی از مواد مرام کمیته استمداد ملل متحد بنفع کودکان یعنی (یونسف) بامفاد اساسنامه سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی وفق میداد، از ابتدا میان سازمان و کمیته، اصول همکاری برقرار شد و کمیته، قسمتی از اقدامات خود را بوسیله سازمان شاهنشاهی انجام داد که اینک بطور مشروح بیان میگردد:

الف - کمیته استمداد ملل متحد بنفع کودکان - در سال ۱۹۴۸ میلادی مصادف با ۱۳۲۶ شمسی از طرف ملل متحد تحت عنوان «تقاضای ملل متحد بنفع اطفال» یا (UNAC) بمنظور جمع آوری اعانه های خصوصی بنفع صندوق بین المللی کمک باطفال و سایر جمعیت های غیردولتی کمک بکودکان، اقدام بعمل آمد. در پایان سال ۱۹۴۸ مجمع عمومی ملل متحد باین اقدام ادامه داد و مقرر داشت که این عنوان فقط برای جمع آوری اعانه جهت صندوق بین المللی کمک باطفال بکار برده شود.

در سال ۱۳۲۹ یعنی هشت سال پیش، بمنظور پیروی از اقدام خیرخواهانه ملل متحد و برای کمک بکودکان و مادران بی بضاعت ایرانی، دستگاهی بنام کمیته استمداد ملل متحد بنفع کودکان تحت ریاست عالیہ والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی و مدیریت عامل آقای دکتر آشتیانی در ایران تشکیل شد. اولین اقدام مفید این دستگاه این بود که وجوهی از طریق اعانات جمع آوری نمودند تا بعداً بمصرف کمک و تقویت مؤسسات ملی بهداشتی برسد. پایه و اساس کمیته مذکور بر این نهاده شده بود که اولاً خود بتأسیس و ایجاد دستگاههای مستقل کمتر اقدام کند. ثانیاً درآمد خود را بیشتر بمصرف کمک جنسی و نقدی بآن مؤسسات ملی برساند که در راه پیشرفت بهداشت کودکان و مادر قدم های مؤثر برمیدارند. از اینرو کمیسیون ملی کمیته تصمیم گرفت مبلغ دومیلیون ریالی را که از اعانه کارمندان دولت (اختصاص یکروز حقوق) و سایر افراد نیکوکار بدست آمده بود، بمصرف بنا و تأسیس یک ناهار خوری مجهز و کامل برساند. چون جنوب شهر تهران، با در نظر گرفتن موقعیت و وضع مادی ساکنین آنجا مناسب تشخیص داده شد، ناهار خوری در محل باغ فردوس ایجاد و توسط جناب آقای علاء وزیر دربار شاهنشاهی افتتاح گردید و اداره

آن سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی سپرده شد. این ناهار خوری از آن تاریخ تا کنون دائر است و در حال حاضر قریب یکصد و چهل مادر با اطفال خود روزانه بدانجا مراجعه میکنند و از یک وعده غذای گرم و کامل استفاده مینمایند.

ب - انجمن ملی ایرانی حمایت کودکان - دو سال بعد از تأسیس کمیته استمداد ملل متحد بنفع کودکان در ایران، مؤسسين آن مشاهده کردند که برای استفاده از کمکها و مساعدات مالی و فنی صندوق بین المللی کمک باطفال (یونیسف)، طبق مقررات و قواعد حقوق بین المللی عمومی، شخصاً نمیتوانند اقدامی نمایند، بلکه وزارت بهداری که مرجعی رسمی و دولتی تلقی میشود، باید در امور مربوط بکودکان مداخله نماید تا بتوان توسط وزارت مذکور، از کمک یونیسف برخوردار شد. به همین جهت در سال ۱۳۳۱ در اداره کمیته مذکور و اساسنامه آن تغییراتی بعمل آمد و مقرر گردید که وزارت بهداری بعنوان نظارت، در امور مربوط شرکت نماید و باین طریق، کمیته جدید تحت ریاست عالی و الاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی، بنام انجمن ملی ایرانی حمایت کودکان وابسته یونیسف نامیده شد.

ج - نخستین قدم همکاری - شب دوشنبه بیستم بهمن ماه ۱۳۳۱، در یکی از جلسات انجمن که در حضور جناب آقای علاء وزیر دربار شاهنشاهی و نایب رئیس انجمن تشکیل شده بود، آقای آرشتال نماینده یونیسف نیز حضور یافت و پس از ابراز خوشوقتی از تأسیس کمیته ملی یونیسف در ایران، تعهد نمود ۱۲۳ تن شیرخشک و مقداری دارو و صابون و کپسول و روغن ماهی که جمعاً در حدود ۱۰ میلیون ریال ارزش داشت، بعنوان اولین کمک یونیسف بمؤسسات بهداشتی ایران هدیه نماید و در همان جلسه طرز تقسیم آن بین مؤسسات مربوط تعیین و مقرر گردید که برای توزیع آن در تهران و شهرستانها از طرف مؤسسات ذینفع اقدام لازم بعمل آید.

چون انجمن ملی یونیسف از لحاظ وضع مالی و بودجه خود بسیار در مضيقه بود، برای آنکه بتواند آنطور که شایسته و درخور اوست، در کار حمایت اطفال و مادران ایرانی و تماس بمؤسسات مربوط و توزیع مواد و امثال آن اقدام نماید، سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی طبق تصویب هیئت مدیره خود تصمیم گرفت سالیانه مبلغی قابل توجه ببودجه آن کمک کند و این کمک از بدو تأسیس کمیته تا کنون، مرتباً و منظم از طرف سازمان بعمل آمده است و نموداری کامل و بارز از اصول همکاری سازمان و یونیسف در مورد حمایت اطفال و مادران کشور است.

از طرف دیگر چون انجمن مذکور، محلی برای نگاهداری مواد و اجناس اهدائی یونیسف در اختیار نداشت، سازمان، انبارهای خود را در کانون کار و آموزش و در کانون آسایش مدت چند سال در اختیار انجمن گذاشت و از داروها و دیگر اجناس ذیقیمت اهدائی نیز در انبار دستگاه مرکزی خود نگاهداری کرد.

در تمام برنامه های بهداشتی و غذائی اطفال و مادران کشور که از طرف یونیسف طرح و پیشنهاد گردیده است، سازمان شاهنشاهی نهایت همکاری و مساعدت را نموده و همیشه و همه جا در اجرای برنامه های یونیسف پیشقدم گردیده و هر گونه خرجی را برای تسریع بهبود وضع بهداشتی اطفال ایرانی بعهده گرفته است.

برنامه غذائی

از جمله برنامه هائیکه برای تندرستی اطفال جهان توسط یونیسف در ممالک مختلف با اجرا گذارده میشود، برنامه غذائی اطفال است. در این برنامه سعی شده است تا حدود ممکن در مورد تأمین مواد غذائی که برای رشد و نمو بدن طفل و دادن نیرو بآن لازم و ضروری است، اقدام شود. در پاره ای از ممالک، برنامه غذای کامل توسط یونیسف با اجرا در آمده، باین ترتیب که با طفل کودک کستانها یا مدارس ابتدائی، در محل مدرسه و یا در محلی نزدیک مدرسه که برای تهیه و توزیع غذا آماده گردیده است، یک وعده غذای کامل داده میشود. توزیع شیر در مدارس ابتدائی و کودک کستانها بین صبحانه و ناهار از برنامه های کمک غذائی یونیسف در دنیا است. در ایران، این برنامه با مساعدت سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی، ابتدا در زمستان سال ۱۳۳۲ شروع گردید. برای آنکه از این برنامه بنحو مطلوب استفاده شود، سازمان شاهنشاهی از کلیه مدیران و مسئولین دبستانهای فقیرنشین شهر، دعوت بعمل آورد و پس از آنکه فوائد اجرای این برنامه و تأثیر آن در وضع بدنی و روحی اطفال مشروحاً بیان گردید، طرز تهیه شیر مایع از شیر خشک بآنان تعلیم داده شد و نیز وسائل تهیه و توزیع از طرف سازمان در اختیار آنان قرار داده شد. از ابتدای زمستان ۱۳۳۲ تا آخر خرداد ۱۳۳۳، بمدت شش ماه توزیع شیر درده مدرسه جنوب غربی شهر تهران بموقع اجرا درآمد و سازمان شاهنشاهی بالغ بر یکصد هزار ریال برای تهیه وسائل گرم کردن و جوشانیدن و توزیع شیر پرداخت. بدین طریق بهر نوآموز دبستان در ساعت ده صبح، یک لیوان بزرگ شیر گرم مایع آمیخته باشکر داده شد. طبق آمار موجود در ده دبستان زیر:

۱ - دبستان خسرو	۲ - دبستان مفید
۳ - » طایر	۴ - » ایرانشهر
۵ - » هاتف	۶ - » امیر کبیر
۷ - » فروردین	۸ - » اسفندیار
۹ - » مدائن	۱۰ - » کردویه

به ۵۱۶۳ تن نوآموز، در مدت شش ماه روزانه یک لیوان شیر گرم مایع داده شد و ۱۸۴ بشکه شیر خشک بوزن خالص ۱۸۴۰۰ کیلو شیر، بمایع تبدیل و توزیع گردید.



آقای موریس پیت مدیر عامل یولیف ، در بازدید خود از ایران بحضور والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی
ریاست عالیہ کمیته ملی ایرانی یولیف شرفیاب شدند

در زمستان سال ۱۳۳۳ نیز بدرخواست مدارس مذکور و تأیید وزارت فرهنگ ، مجدداً توزیع شیر توسط سازمان شاهنشاهی میان نوآموزان دبستانها شروع گردید و به ده مدرسه سابق ، مدارس زیر نیز افزوده شد :

- | | |
|------------------|------------------|
| ۱ - دبستان کاخ | ۲ - دبستان فروهر |
| ۳ - » ایران نو | ۴ - » ناهید |
| ۵ - » کمال الملک | |

برای اجرای این برنامه ، باز ازطرف سازمان شاهنشاهی مبلغ پنجاه هزار ریال اعتبار بتصویب رسید و بمصرف تکمیل وسائل سال قبل و تهیه شکر و ذغال و امثال آن رسید. از بهمن سال ۱۳۳۳ تا آخر خرداد سال ۱۳۳۴ جمعاً بین ۵۷۳۰ تن نوآموز دبستانها ، ۹۲ بشکه شیر بوزن خالص ۹۲۰۰ کیلوگرم که بمایع تبدیل شد ، توزیع گردیده است .

در سالهای بعد ، چون وزارت فرهنگ و انجمن ملی ایرانی حمایت کودکان وابسته

یونیسف، خود تصمیم بتوزیع شیر در مدارس گرفتند، سازمان برای کمک بآنان وسائلی را که در مدارس مذکور داشت، در اختیار آنان گذارد که از آن وسائل استفاده شود و این کار تاکنون نیز در دبستانها ادامه دارد.

اندرزگاهها یا مراکز حمایت اطفال

یکی از اصول مسلم و بارز تمدن ایران باستان این بود که پدران و مادران، پرورش فرزندان خود علاقه‌ای فراوان داشتند. در جامعه ایرانی محصول خانواده یعنی فرزند، فردی شاخص و ممتاز بشمار میرفت و همه سعی در این بود که فرزند، بخوبی پرورده شود و جسم و جانش نیروی و فروغ داشته باشد. از آنرو، در عین آنکه بدن طفل را تقویت میکردند، اصول اخلاق را نیز در فکرش میپرورانیدند. متأسفانه در خلال تاریخ، بهمرحلی برمیخوریم که باین اصل قدیم و قویم که شیرازه اجتماع بر آن استوار، و آینده کشوری در گرو آنست توجه و عنایتی مبذول نشده است و آمار مرگ و میر کودکان بهترین نمودار این عدم توجه و عنایت بشمار میرود. نادانی اغلب مادران از یکسو، و نبودن وسیله نگاهداری خوب، و فقدان مرکزی که حمایت طفل و راهنمایی مادر را برعهده داشته باشد ازسوی دیگر، حیات کودکان را در خطر می‌اندازد و در نتیجه بنابودی آنان منجر میگردد. با توجه باین امر، سازمان شاهنشاهی از آغاز تأسیس، در سرلوحه اساسنامه خود، حمایت مادر و طفل را گنجانید و آنرا از کارهای اساسی و وظایف و تکالیف دائمی خود بشمار آورد و سعی کرد که در اینراه قدمهایی مؤثر بردارد.

چنانکه در فصل مربوط بتفصیل ذکر شد، در سال ۱۳۲۶، یعنی اوان تأسیس سازمان و هم زمان با ایجاد درمانگاهها در سراسر کشور، در چهار محل تقیر نشین پایتخت شعبی برای کمک بمادران و کودکان و حمایت آنان از طرف سازمان افتتاح گردید و مسئولیت امر بر عهده بانوان خبره و اهل فن و عده‌ای کارمند فنی گذاشته شد. چندی بعد اولیای سازمان متوجه گردیدند که بهتراست این عمل در شهرستانها و دهات و نقاط دور افتاده کشور که اطفال آن بعلل مختلف احتیاجی بیشتر بحمايت دارند، بموقع اجرا درآید. برای اینکار صلاح در این دیده شد در همان نقاطی که سازمان شاهنشاهی درمانگاهی دائر کرده است، اندرزگاه یا مرکز حمایت مادر و کودک نیز دائر کند، تا هم از لحاظ بودجه و مخارج صرفه جوئی شده باشد و هم از پزشک و سایر افراد فنی درمانگاه، در اندرزگاه استفاده شود. وسائل و لوازم، آنچه در مرحله اول لازم بنظر میرسید از قبیل ترازوی توزین اطفال و امثال آن تهیه و بمراکز تعیین شده ارسال گردید، ولی برای آنکه این کار طبق اصول انجام گیرد، با کمیته ملی یونیسف که خود از مجریان طرح اندرزگاههاست، همکاری صمیم و نزدیک شروع شد. یونیسف برای تأمین شیر خشک و داروهای لازم مصرفی اندرزگاهها، بسازمان کمک کرد. در حال حاضر، علاوه بر چهار اندرزگاه سازمان در تهران،

دریست و شش نقطه دور افتاده کشور نیز اندرزگاه دائر گردیده که هر یک از آنها ، اطفال و مادران حوزه ابوابجمعی خود را تحت حمایت و نظارت گرفته اند .

اندرزگاه چیست ؟ - اندرزگاه محلی است که روزانه عده ای معین از مادران بی بضاعت با کودکان خود بآنجا مراجعه میکنند و از تعالیم بهداشتی و تربیتی و نیز کمکهای جنسی لازم برای حفظ بهداشت و سلامت مادر و کودک استفاده مینمایند .

بنا بر این در اندرزگاه دو کار اساسی انجام میگردد ، یکی تأمین بهداشت و پیشگیری از امراض مادران و کودکان ساکن حوزه اندرزگاه ، دیگر کمک جنسی برای تقویت قوای جسمانی مادر و کودک . پس اندرزگاه در عین حال که بمادران راهنمایی لازم میکند ، بآنان و اطفالشان شیر خشک و ویتامین ها و صابون و امثال آن میدهد . بطور کلی همه اطفال یک حوزه باید باندرزگاه مراجعه کنند . از این کودکان ، آنان که بضاعت کافی ندارند و یا شیرمادران ، تغذیه شان را کفایت نمیکند و قادر بتهیه آن نیز نیستند ، بطور دائم ، یعنی تا پایان مدت شیرخوارگی



جمعی از کودکانی که از اندرزگاه سازمان شاهنشاهی در لوئیران سواحه کمکهای دریافت داشته اند

پذیرفته میشوند و نامشان در دفتر ثبت میشود و کارتی بنامشان صادر و تسلیم میگردد تا با ارائه آن، از همه کمک‌ها برخوردار گردند. آندسته از اطفال که والدین آنها دارای تمکن کافی هستند، از دستورهای بهداشتی و وسائل استحفاظی اندرزگاه استفاده میکنند و بطور خلاصه تحت نظارت بهداشتی واقع میشوند. در اندرزگاه، با اطفال بی بضاعت، مایحتاج ضروری زندگی از قبیل قنداق لباس - صابون و مواد غذایی مانند شیر خشک - برنج - آرد های مختلف - حبوبات و امثال آن داده میشود. ما در نیز در صورتیکه از لحاظ قوای جسمانی ضعیف باشد، از کمکهای غذایی برخوردار میشود.

کمک‌های بهداشتی اندرزگاه، مهمتر از کمک‌های جنسی و غذایی آنست و بصورت معاینات مادر در دوران حمل و بعد از زایمان و معاینه کودک و تلقیح وی برضد آبله - دیفتری - حصبه و سیاه سرفه و امثال آن بعمل میآید. ضمناً مقررات در اندرزگاه، جلسات سخنرانی هفتگی یا ماهیانه ترتیب داده شود که آداب پرورش کودک و اصول بهداشت عمومی را بازبانی ساده و همه‌کس فهم بیاموزد.

اندرزگاه میتواند در صورتیکه لازم بداند، در مورد خانواده‌ای که محتاج بمساعدت بیشتر است، بسایر مؤسسات ملی یا دولتی توصیه کند.

انواع اندرزگاهها :

۱ - اندرزگاههای درجه یک در پایتخت و مرکز استانهای کشور.

این اندرزگاهها دارای پزشکان متخصص - ماما - پرستار دیپلمه - بهیار و مهندس بهداشت و عده کافی کارمند دفتری است. این قبیل اندرزگاهها علاوه بر وظایف روزمره خود، تربیت و آموزش متصدیان اندرزگاههای درجه ۲ و ۳ را نیز بعهده دارد.

۲ - اندرزگاه درجه دوشامل پزشک - قابله - پرستار دیپلمه - بهیار و یک کمک مهندس بهداشت است.

۳ - اندرزگاه درجه ۳ دارای قابله یا پرستار دیپلمه و بهیار است.

بدیهی است ایجاد هر یک از انواع اندرزگاهها، باحتیاجات و امکانات محل بستگی دارد و در هر محل، طبق مقتضیات موجود عمل میشود.

سازمان شاهنشاهی اکنون بیست و شش اندرزگاه در بیست و شش نقطه دور افتاده کشور دائر دارد.

این اندرزگاهها در سال ۱۳۳۳، یعنی چهار سال قبل، توسط سازمان افتتاح گردید و با همکاری درمانگاههای سازمان، واحد مستقل مجهزی را در حمایت اطفال و کودکان تشکیل داد.

اندرز گاههای سازمان که از سال ۱۳۳۳ تا کنون دائر است از اینقرار است :

۱ - اندرز گاه ارسنجان	۲ - اندرز گاه اسدآباد
۳ - » آشتیان	۴ - » ایرانشهر
۵ - » باز کیا گوراب	۶ - » چمستان نور
۷ - » دزفول	۸ - » رامسر
۹ - » زابل	۱۰ - » زنجان
۱۱ - » سوسنگرد	۱۲ - » شادگان
۱۳ - » شهر نوباخرز	۱۴ - » شوشتر
۱۵ - » شوش	۱۶ - » شهر بابک
۱۷ - » طاهر گوراب	۱۸ - » کاخک گناباد
۱۹ - » گلپایگان	۲۰ - » لارستان
۲۱ - » نائین	۲۲ - » نوبران
۲۳ - » مشکین شهر	۲۴ - » قم
۲۵ - » گیلانغرب	۲۶ - » داورآباد

در این مراکز ، از مهر سال ۱۳۳۳ تا کنون طبق آمار موجود ۱۴۴۱ بشکه و ۶۰۰ کیسه شیر خشک نیم چربی بوزن / ۱۵۷۶۹۰ کیلوگرم و ۱۸۰ کارتن شیر خشک پر چربی بوزن ۳۹۱۴ کیلوگرم ۲۱۵۰ صندوق صابون محتوی ۵۷۰۰۰ قالب و ۲۹۷۱ جعبه کپسول روغن ماهی (ویتامین D و A) حاوی ۱۸۶۳۰۰۰ کپسول و مقادیر زیادی داروی اهدائی مؤسسه بین المللی یونیسیف بمصرف رسیده است .

بہیاران

یکی از مؤثر ترین عوامل اجرای برنامه های اندرز گاه ، بہیاران محسوب میشوند . بہیار ، بانوی جوان تحصیل کرده ایست که برای مدت دوسال در آموزشگاه بہیاری ، تعلیمات نظری و عملی را فرا میگیرد . معلومات نظری بمدت یکسال تحت نظر استادان فن تربیت کودک و مادر و پزشکان متخصص ، در کلاس آموخته میشود و تعلیمات عملی ، در مراکز بزرگ اندرز گاهی مانند شیرخوار گاهها و زایشگاهها آموخته میشود . بہیاران در این مراکز ، طرز معاینات لازم از مادر را در دوران حمل و مساعدت و کمک بماما یا پزشک را در حین زایمان ، و بعد از آن و سنجش قد و وزن کودک و توزیع مواد لازم بین آنان را میآموزند .

مهمترین عمل بہیاران ، رفتن بمنازل خانواده های مستمند حوزه اندرز گاه و بررسی وضع مالی و بهداشتی و اجتماعی آنان است . رسیدگی بوضع روحی و مزاجی کودک و مادر و دادن اندرزهای

مفید و لازم در مورد حفظ مادر و کودک و رعایت اصول بهداشتی از وظایف بهیاران است. بهیار ضمن باز دید از منازل و مساکن خانواده های مستمند، مادران باردار و کودکان خرد سال را که بعلت عدم معرفت از مراجعه باندرز گاه خود داری کرده اند، بآنجا هدایت مینماید و منافع بیشماری را که از این مراجعه حاصل میشود، برای آنان با زبان ساده عوام فهم بیان میکند. بهیار ممکن است در نتیجه این باز دیده ها، کانون بعضی از بیماریهای واگیر و یا امراض تناسلی را کشف نماید. در اینصورت مکلف است فوراً موضوع را باندرز گاه گزارش دهد و بیماران را بمرکز و بیمارستانها و درمانگاههای مخصوص راهنمایی و هدایت نماید. از بهیاران بعلت ممارست آنان در کار حمایت مادران و اطفال، در شیرخوار گاهها و زایشگاهها نیز استفاده میشود. انجام مایه کوبی (واکسیناسیون) و امثال آن، طبق دستور پزشک یا متصدی اندرز گاه بعهد بهیاران است.

سازمان، هنگام تأسیس و ایجاد بیست و شش اندرز گاه در بخشها و دهات، متوجه گردید که نبودن بهیار در آنجا، نقصی بزرگ محسوب میشود. تا مدتی بجای بهیاران، در اندرز گاهها از وجود پزشکیاران زن استفاده میشد. بدیهی است چون پزشکیاران فاقد معلومات اختصاصی بهیاران هستند، نمیتوانستند وظائف خود را انجام دهند. پس از آنکه کلاس بهیاری کمیته ملی یونیسف در مرکز افتتاح شد، سازمان شاهنشاهی بیست و پنج دوشیزه و بانوی واجد شرط را از حوزه های اندرز گاهی و تهران انتخاب و بکلاس مزبور معرفی کرد تا معلومات لازم را فرا گیرند و بعدها بتوانند در اندرز گاهها بخدمت مشغول شوند. این دوشیزگان که در ابتدای سال ۱۳۳۷ فارغ التحصیل خواهند شد، توسط سازمان در اندرز گاهها بکار گمارده میشوند و بهر یک از آنان حقوق ماهیانه پرداخت میشود. در حال حاضر برای کمک خرج و مساعده تحصیلی نیز بهر بهیار، ماهیانه دوهزار ریال پرداخت میگردد. از بیست و پنج بهیار مذکور، هشت تن از آنان در چهار اندرز گاه سازمان در تهران و بقیه باندرز گاه محلی که از آنجا معرفی گردیده اند اعزام خواهند شد. چون تشکیلات اندرز گاههای سازمان که در رأس آنان پزشک درمانگاه قرار دارد، تقریباً کامل بود، صندوق بین المللی حمایت اطفال در سال گذشته، علاوه بر کمک های مستمری که باندرز گاهها مینماید، بدوازه اندرز گاه سازمان شاهنشاهی در شهرستانها، وسائل و لوازم کامل اندرز گاهی داد که که در حال حاضر در اندرز گاههای مذکور مورد استفاده است.



کارهای دیگر

کارهای دیگر

«خدمات اجتماعی» مفهومی ولفظی است بسیط که معانی و مصادیق بسیار در بردارد و باین عنوان، میتوان اقداماتی متنوع انجام داد که منظور و مقصود از همه آنها، انجام دادن خدمتی بجامعه است.

سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی، با اینکه نامش مبین وظائفی است که باید اساساً و اصولاً بر عهده داشته باشد، معهداً از نخستین روز تأسیس، دریافت که تنها یک دستگاه، هرچند از کلیه امکانات موجود بر خوردار باشد و از قدرتهای فراوان استفاده کند و از شرائط مساعد بهره برگیرد، نخواهد توانست بیش از گوشه‌ای از بار سنگین خدمت باجتماع را بردوش همت گیرد. از اینرو طبق اساسنامه مصوب، قرار بر این شد که همه قدرت سازمان، برای انجام خدماتی معین بکار افتد، که ضرورت و اهمیت آن مقدم شمرده شده است. زیرا اگر قرار بود برای خدمات اجتماعی سازمان، برنامه‌ای معین وجود نمیداشت، ممکن نبود در این مدت، توفیق رفیق گردد و اینهمه کار انجام یابد. در خلال این مدت، کارهایی پیش آمد که گرچه سازمان بموجب اساسنامه و برنامه خود، موظف بانجام آنها نبود، ولی برعایت اصل همکاری و اشتراك مساعی، و نیز بمنظور آنکه اینگونه کارها نیز، نوعی خدمت اجتماعی بحساب می‌آید و نفع آن بمردم مستمندعائد و واصل میشود، سازمان بسهم خویش مساعدتهایی از بودجه خود منظور داشت و با مؤسسات خیریه همگام خود، یا مردمانی که دست طلب بسویش دراز کرده بودند، مساعدت و یاری کرد. در این بخش، اینگونه کمکهای خارج از برنامه و پیش‌بینی نشده سازمان شاهنشاهی ذکر میشود.

جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران

سازمان شاهنشاهی، بهنگام بروز حوادث و سوانح ناگوار مانند سیل و زلزله و حریق، هر بار بسهم خویش بمؤسساتی که بیاری و مساعدت آسیب دیدگان قیام میکردند، کمک‌های

نقدی کرده است و از این طریق مجموعاً مبلغ / ۵,۱۵۰,۰۰۰ ریال پرداخته که از آن ، مبلغ / ۴,۶۰۰,۰۰۰ ریال ، فقط بجمعیت شیر و خورشید سرخ ایران تأدیه شده است بقراور زیر :

۱ - برای حریق زدگان اردبیل	سال ۱۳۲۶	/ ۱۰۰,۰۰۰ ریال
۲ - » زلزله زدگان قائنات	» ۱۳۲۶	/ ۱۰۰,۰۰۰ »
۳ - » زلزله زدگان بیرجند	» ۱۳۲۷	/ ۲۰۰,۰۰۰ »
۴ - » آسیب دیدگان زاهدان	» ۱۳۲۸	/ ۱۰۰,۰۰۰ »
۵ - » آسیب دیدگان خراسان	» ۱۳۲۹	/ ۱۰۰,۰۰۰ »
۶ - » سیل زدگان اطراف تهران	» ۱۳۳۵	/ ۲,۰۰۰,۰۰۰ »
۸ - » زلزله زدگان مازندران	» ۱۳۳۶	/ ۲,۰۰۰,۰۰۰ »

جمعیت خیریه ثریا پهلوی

سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی از بدو تأسیس جمعیت خیریه ثریا پهلوی تا کنون، در حدود مقدرات و امکانات خود کمک کرده و با این جمعیت نو بنیاد خیریه ، که تحت ریاست علیا حضرت ملکه ثریا پهلوی بوجود آمده و بیاری گروهی از هموطنان ما قیام کرده است ، همکاری نزدیک داشته است .

بطور کلی تا کنون مبلغ / ۲,۶۳۶,۱۰۰ ریال ، بدفعات از طرف سازمان شاهنشاهی در اختیار جمعیت خیریه ثریا پهلوی گذاشته شده است . از آنجمله در سالهای ۱۳۳۴ و ۱۳۳۵ جمعاً مبلغ / ۵۰۰,۰۰۰ ریال برای کمک های زمستانی و تهیه لباس عیدانه دانش آموزان بی بضاعت آموزشگاههای تهران پرداخته شده و نیز طبق دستور والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی نیابت ریاست عالی سازمان ، در هر یک از سالهای ۱۳۳۵ و ۱۳۳۶ ، بمنظور شرکت در شب نشینی سالانه جمعیت مبلغ / ۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال تأدیه گردیده است . همچنین مبلغ / ۱۳۶,۱۰۰ ریال هزینه قفسه بندیهای جمعیت مزبور که توسط کارگران سازمان شاهنشاهی انجام یافته ، از جمعیت دریافت نگردیده و بعنوان اعانه محسوب شده است .

بنگاه حمایت مادران و نوزادان

بمنظور تکمیل ساختمان زایشگاه بزرگ بنگاه حمایت مادران و نوزادان که از سالها پیش ساختمان آن آغاز شده بود ، در سال ۱۳۲۹ که علیا حضرت ملکه ثریا پهلوی ریاست عالی بنگاه را قبول فرمودند ، بدستور والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی و تصویب هیئت مدیره مبلغ / ۲,۵۰۰,۰۰۰ ریال به بنگاه حمایت مادران پرداخت گردید که بمصرف اتمام ساختمان زایشگاه برسد و هر چه زودتر این محل دائر گردد و در دسترس مستمندان و ینوایان قرار گیرد .

بنگاه نیکو کاری

بنگاه نیکو کاری و بیمارستان کودکان ، همه ماهه سهمیه ای از سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی دریافت میدارد و بطور کلی از سال ۱۳۲۸ تا سال ۱۳۳۶ ، مبلغ / ۳,۱۸۰,۰۰۰ ریال از طرف سازمان به بنگاه مزبور پرداخته شده است .

انجمن ملی ایرانی حمایت کودکان

از سال ۱۳۳۳ ، یعنی از سال ایجاد انجمن ملی ایرانی حمایت کودکان تا کنون ، همه ساله سهمیه معینی از طرف سازمان شاهنشاهی بانجمن مزبور پرداخته میشود و در طی این چهار سال ، جمعاً مبلغ / ۴,۳۷۵,۰۰۰ ریال بانجمن مزبور تأدیه گردیده است .

انجمن مبارزه با بیماریهای آمیزشی

از سال ۱۳۲۶ تا سال ۱۳۳۱ ، مبلغ / ۱,۰۲۷,۴۰۰ ریال بانجمن مبارزه با بیماریهای آمیزشی کمک شده است که مبلغ آن در هر سال بقرار زیر است :

۱ - سال ۱۳۲۶	/ ۶۰,۰۰۰ ریال
۲ - » ۱۳۲۷	/ ۱۸۰,۰۰۰ »
۳ - » ۱۳۲۸	/ ۱۸۰,۰۰۰ »
۴ - » ۱۳۲۹	/ ۱۸۰,۰۰۰ »
۵ - » ۱۳۳۰	/ ۲۰۳,۰۰۰ »
۶ - » ۱۳۳۱	/ ۲۲۴,۴۰۰ »

جمعیت مبارزه با سل و حمایت مسلولین*

برای تهیه دارو وسایر احتیاجات مسلولین بی بضاعت ، مبلغ ۴۷۴,۷۰۰ ریال در اختیار جمعیت مبارزه با سل و حمایت مسلولین گذاشته شد که تفصیل آن باینشرح است :

۱ - سال ۱۳۲۶	/ ۸۸,۰۰۰ ریال
۲ - » ۱۳۲۷	/ ۱۸۱,۷۰۰ »
۳ - » ۱۳۲۸	/ ۴۵,۰۰۰ »
۴ - » ۱۳۳۱	/ ۱۶۰,۰۰۰ »

انجمن حمایت حیوانات

چون کسانی که دارای چارپایانی برای درشگه و حمل و نقل هستند ، اغلب بی بضاعت اند و اگر حیوان آنها بیمار شود و یا آسیب به بیند ، بوسیله امرار معاششان لطمه وارد میآید ، سازمان

شاهنشاهی برای کمک بمعالجه این حیوانات ، بر آن شد که باین انجمن ماهانه کمکی کند و در ضمن تعهد بگیرد که حیوانات بارکش اشخاص مستمند را برایگان پذیرفته و معالجه کنند. انجمن حمایت حیوانات، از سال ۱۳۲۷ تا کنون ، مقرری ماهانه مرتبی برای پیشرفت امور خود از سازمان دریافت میدارد و بطور کلی آنچه تا کنون بانجمن مزبور پرداخت گردیده باینقرار است :

۱ - سال ۱۳۲۷	/ ۱۱۰,۰۰۰ ریال
۲ - » ۱۳۲۸	/ ۱۲۰,۰۰۰ »
۳ - » ۱۳۲۹	/ ۱۲۰,۰۰۰ »
۴ - » ۱۳۳۰	/ ۱۲۰,۰۰۰ »
۵ - » ۱۳۳۱	/ ۱۲۰,۰۰۰ »
۶ - » ۱۳۳۴	/ ۱۱۰,۰۰۰ »
۷ - » ۱۳۳۵	/ ۱۲۰,۰۰۰ »
۸ - » ۱۳۳۶	/ ۱۰۰,۰۰۰ »

انجمن حمایت دیوانگان

در سال ۱۳۳۳، مبلغ / ۵۰,۰۰۰ ریال بعنوان کمک بانجمن حمایت دیوانگان پرداخته شد.

انجمن خیریه مرکزی شهر تهران

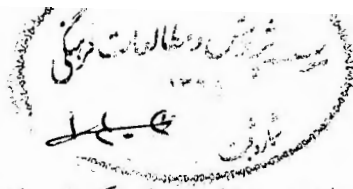
قبل از اینکه بنگاه مستقل معاونت عمومی بوجود آید و عوارضی از بنزین برای کمک بمستندان دریافت شود ، برای ایجاد گرمخانه و تهیه زغال و سوخت زمستانی برای ینوایان ، شهرداری تهران با مساعدت سازمان شاهنشاهی ، هزینه های مزبور را تأمین و کمک های زمستانی را معمول میداشت . بهمین مناسبت در سال ۱۳۳۰ ، مبلغ / ۴۲۱,۸۵۶ ریال و در سال ۱۳۳۱ مبلغ / ۳۵۰,۰۰۰ ریال از طرف سازمان شاهنشاهی در اختیار انجمن خیریه مرکزی شهر تهران گذاشته شد.

انجمن پارك شهر

از طرف جمعی از بانوان نمایندگان سیاسی خارجی مقیم ایران ، با همکاری جمعی از بانوان نیکوکار ایرانی ، در سال ۱۳۳۰ انجمن خیریه ای تشکیل شد و اقداماتی بعمل آورد و سازمان شاهنشاهی برای مساعدت بانجمن مزبور، در سالهای ۱۳۳۰ و ۱۳۳۱ مبلغ / ۱۵,۳۵۰ ریال بانجمن مزبور کمک مالی کرد.

جمعیت حمایت کودکان گرو لال

در سال ۱۳۳۴ ، مبلغ / ۱۰۰,۰۰۰ ریال و در سال ۱۳۳۵ ، مبلغ / ۵۰,۰۰۰ ریال بجمعیت



حمایت کودکان کرولال پرداخته شد تا بمصرف تکمیل ساختمان و خرید دستگاه حرارت مرکزی برای آموزشگاه کودکان کرولال رسانیده شود.

انجمن محلی چاله میدان

در سال ۱۳۳۷، مبلغ ۳۰,۰۰۰ ریال و در سال ۱۳۲۸، مبلغ ۱۰,۰۰۰ ریال بانجمن محلی چاله میدان مساعدت مالی بعمل آمد.

پرورشگاه جعفری

سازمان شاهنشاهی در سال ۱۳۳۰، مبلغ ۷۰,۰۰۰ ریال و در سال ۱۳۳۱، مبلغ ۱۲۰,۰۰۰ ریال پرورشگاه یتیمان جعفری واقع در خیابان شاهپور که از طرف چندتن اشخاص متدین و نیکوکار تأسیس و اداره میشود، کمک کرده است.

پرورشگاه تقوی

در سال ۱۳۳۱، مبلغ ۴۲,۹۰۰ ریال پرورشگاه تقوی که جمعی کودکان یتیم در آنجا نگهداری میشوند پرداخته شد.

کمک بآسیب دیدگان سوانح و حوادث

برای کمک بآسیب دیدگان سوانح و حوادث، بجز مبالغی که در اختیار جمعیت شیر و خورشید سرخ گذاشته شده، مبالغ دیگری نیز اختصاص یافته و پرداخت شده است که از اینقرار است:

۱ - برای کمک بآسیب دیدگان اصفهان در سال ۱۳۲۷، مبلغ ۱۰۰,۰۰۰ ریال بوسیله آقای انصاری استاندار اصفهان.

۲ - برای کمک بسیل زدگان سیستان در سال ۱۳۲۸، مبلغ ۲۰۰,۰۰۰ ریال بوسیله آقای امیر اسدالله علم.

۳ - برای کمک بحریق زدگان میانه در سال ۱۳۳۰، مبلغ ۱۰۰,۰۰۰ ریال بوسیله آقای اعتصام.

۴ - برای کمک بسیل زدگان رودسر در سال ۱۳۳۰، مبلغ ۵۰,۰۰۰ ریال بوسیله آقای خلعت بری.

داروی جذامیان

طبق توصیه شورای بنگاههای امور خیریه، در سال ۱۳۳۰ مبلغ ۱۰۰,۰۰۰ ریال و در سال ۱۳۳۵ مبلغ ۱۵۰,۰۰۰ ریال از طرف سازمان شاهنشاهی در اختیار وزارت بهداشت گذاشته شد تا بمصرف تهیه داروی جذامیان و ارسال آن بجدامیخانه های مشهد و تبریز برسد.

داروبرای سر بندان جابان

با کمک و مساعدت مؤسسه خیریه بنیاد ایران، جمعی از دختران بی سرپرست، درقریه سر بندان جابان نگهداری میشدند. سازمان شاهنشاهی در سال ۱۳۳۴، مبلغ /۴۳,۰۰۰ ریال و در سال ۱۳۳۵ مبلغ /۶۵,۰۰۰ ریال برای تهیه داروی مورد نیاز آنها اختصاص داد و بمصرف تهیه و ارسال دارو رسانید.

داروبرای قریه سیلاخور

در سال ۱۳۳۵، سازمان شاهنشاهی مبلغ /۲۶۳,۰۰۰ ریال برای تهیه و ارسال دارو قریه سیلا خور اختصاص داد و بمصرف رسانید.

داروبرای حجاج

در سال ۱۳۳۱، مبلغ /۸۲,۵۰۰ ریال بمصرف رسید و داروی مورد نیاز زائرین کعبه معظمه از طرف سازمان تهیه و در اختیار پزشکان کاروان حج گذاشته شد.

تهیه پوشاک

- ۱ - در سال ۱۳۳۴، بنا بتقاضای سفارت کبرای شاهنشاهی ایران در عراق از طرف سازمان شاهنشاهی مبلغ /۱۵۶,۰۰۰ ریال برای تهیه لباس جهت دانش آموزان بی بضاعت ایرانی که در دبستانهای ایرانی عراق تحصیل میکنند بمصرف رسید.
- ۲ - در سال ۱۳۳۵ نیز، مجدداً مبلغ /۱۹۳,۰۹۰ ریال برای تهیه لباس دانش آموزان ایرانی مقیم عراق مصرف شد و لباسهای مزبور بین دانش آموزان بی بضاعت دبستان علوی واقع در نجف اشرف توزیع گردید.
- ۳ - در سال ۱۳۳۳، مبلغ /۱۰۰,۰۰۰ ریال در اختیار جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران گذاشته شد تا بمصرف تهیه و توزیع لباس دانش آموزان بی بضاعت برسد.
- ۴ - در سال ۱۳۳۴، برای تهیه لباس دانش آموزان بی بضاعت پانزده دبستان تهران مبلغ /۱۵۰,۰۰۰ ریال از طرف سازمان پرداخته شد.
- ۵ - در سال ۱۳۳۶، تعداد ۵۴۵ جفت کفش که سابقاً در کارگاههای کفافی سازمان شاهنشاهی تهیه شده بود بارزش /۹۴,۰۰۰ ریال در اختیار آقای دکتر اقبال نخست وزیر گذاشته شد تا بین مستخدمین بی بضاعت توزیع گردد.

کمک به بنگاه اشرف

بنگاه خیریه والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی، همه ساله برای تأمین بودجه خود

مبالغی از سازمان شاهنشاهی دریافت داشته که مجموع آن تا سال ۱۳۳۶ بالغ بر ۱۳,۳۰۵,۴۸۰/۵۰ ریال و بقرار زیر است :

۱ - سال ۱۳۲۶	۳۰۰,۰۰۰/ ریال
۲ - » ۱۳۲۷	۱,۸۰۰,۰۰۰/ »
۳ - » ۱۳۲۸	۲,۳۰۰,۰۰۰/ »
۴ - » ۱۳۲۹	۱,۹۵۰,۰۰۰/ »
۵ - » ۱۳۳۰	۲,۴۰۰,۰۰۰/ »
۶ - » ۱۳۳۱	۲,۱۰۰,۰۰۰/ »
۷ - » ۱۳۳۲	۱۴۰,۰۰۰/ »
۸ - » ۱۳۳۳	۲۳۴,۲۰۸/۵۰ »
۹ - » ۱۳۳۴	۳۰۰,۰۰۰/ »
۱۰ - » ۱۳۳۵	۸۵۶,۲۷۲/ »
۱۱ - » ۱۳۳۶	۹۲۵,۰۰۰/ »

کمک به شعبه سازمان شاهنشاهی در فارس

در سنوات گذشته ، برای پیشرفت امور شعبه سازمان شاهنشاهی در استان هفتم (فارس) مجموعاً مبلغ ۶۶۸,۰۰۰/ ریال پرداخته شده است که اینک بتفصیل ذکر میگردد:

- ۱ - سال ۱۳۲۷ - توسط آقای امان الله اردلان استاندار و رئیس شعبه سازمان/ ۵۰,۰۰۰ ریال
- ۲ - سال ۱۳۲۸ - توسط آقای امان الله اردلان استاندار و رئیس شعبه سازمان/ ۲۰۰,۰۰۰ ریال
- ۳ - سال ۱۳۲۹ - توسط آقای گلشائیان استاندار و رئیس شعبه سازمان/ ۲۱۸,۰۰۰ ریال
- ۴ - سال ۱۳۲۹ - توسط آقای دکتر قربان مدیر عامل شعبه سازمان/ ۱۰۰,۰۰۰ ریال

کمک به شعبه سازمان شاهنشاهی در آذربایجان

برای شعبه سازمان شاهنشاهی در آذربایجان نیز در سال ۱۳۲۸ مبلغ ۲۰۰,۰۰۰/ ریال و در سال ۱۳۲۹ مبلغ ۳۰,۰۰۰/ ریال و در سال ۱۳۳۰ مبلغ ۲۰,۰۰۰/ ریال بنام آقای دکتر اقبال استاندار آذربایجان و رئیس شعبه سازمان شاهنشاهی در آن استان ارسال شده است.

کمک به شعبه سازمان شاهنشاهی در اصفهان

در سال ۱۳۲۸ ، مبلغ ۵۰۰,۰۰۰/ ریال برای استاندار اصفهان که ضمناً ریاست شعبه سازمان شاهنشاهی را در استان دهم دارا بودند ارسال گردید تا برای بهبود امور شعبه سازمان در آن استان بمصرف برسد.

کهای به شعبه سازمان در بلوچستان

در سال ۱۳۳۳ ، مبلغ / ۴۰,۰۰۰ ریال برای آقای محمد مهران استاندار بلوچستان و سیستان فرستاده شد تا جهت انجام وظائفی که بر عهده شعبه سازمان شاهنشاهی در بلوچستان است بمصرف برسد .

تهیه پای مصنوعی

از سال ۱۳۲۹ مقرر گردید از طرف سازمان شاهنشاهی ، برای معلولینی که در اثر سوانح و حوادث یا از سابق ، یک پا یا دست خود را از دست داده‌اند ، پادست مصنوعی تهیه شود . بیماران بی بضاعتی که بتشخیص یکی از پزشکان مورد اعتماد سازمان شاهنشاهی لازم باشد جهت آنان دست یا پای مصنوعی تهیه شود ، بسازمان معرفی میشوند و از طرف سازمان دست یا پای مصنوعی لازم برای آنان تهیه و تحویل میگردد . تا پایان سال ۱۳۳۵ ، تعداد ۹۲ عدد دست و پای مصنوعی بارزش / ۱۷۷,۷۰۰ ریال از طرف سازمان تهیه و در اختیار نیازمندان گذاشته شده است . در سال ۱۳۳۶ مقرر گردید چنانچه از بخش سوانح و حوادث سازمان شاهنشاهی در بیمارستان سینا ، بیمارانی برای دریافت کمرست و کمر بند طبی معرفی شوند ، سازمان آنها را تهیه و تحویل دهد و در سال ۱۳۳۶ برای چهارتن بیماری که باین طریق معرفی شده بودند ، کمرست تهیه و تحویل گردید که بهای هر یک از آنها از پنج هزار ریال کمتر نیست .

کهای متفرقه

- ۱ - در سال ۱۳۲۸ ، مبلغ / ۱۴۷,۰۰۰ ریال از طرف سازمان شاهنشاهی بمصرف خرید زغال و توزیع آن بین افراد بی بضاعت و مستمند رسید .
- ۲ - در سال ۱۳۲۹ ، مبلغ / ۵۰,۰۰۰ ریال در اختیار آقای دکتر شفق گذاشته شد تا بمصرف تکمیل ساختمان یک پرورشگاه برسانند .
- ۳ - در سال ۱۳۳۰ ، از طرف سازمان شاهنشاهی مبلغ / ۷۳۵,۰۰۰ ریال برای حمل شیر خشک و گرد تخم مرغ اهدائی دولت امریکا مصرف شد .
- ۴ - در سال ۱۳۳۳ مبلغ / ۳,۶۷۳,۰۰۰ ریال برای تکمیل وسائل و تجهیزات بخش جراحی سوانح و حوادث بیمارستان سینا بمصرف رسید .
- ۵ - در سال ۱۳۳۴ ، مبلغ / ۵۰,۰۰۰ ریال برای تکمیل ساختمان بیمارستان معاونت عمومی پرداخته شد .

شعبه ها و حوزه های سازمان

در مراکز استانها - شهرها - ديه ها

چون سازمان شاهنشاهی دستگاهی است که برای مردم کار میکند ، بنا براین مردم حق دارند که در امور آن از نزدیک نظارت کنند تا هم بدانند که سازمان چه خدماتی انجام میدهد و هم در حسن امور مؤسسات سازمان ناظر باشند و در ضمن کار ، اگر خلاف ترتیبی دیدند ، دستگاه مرکزی را آگاه سازند و یا اگر برای پیشرفت مقصود ، نظری و یا پیشنهادی دارند ، بگویند و بنویسند و در مواردیکه اختلافاتی بین کارکنان سازمان و مراجعه کنندگان پیش می آید ، با بصیرتی که در امور محلی دارند ، موضوع را بکدخدامنشی فیصله دهند . بدین طریق سازمان شاهنشاهی به پیروی از منویات ریاست عالییه خود ، اولین قدم را در راه همکاری مؤسسات با مردم بر داشته است و این امر را تاکنون ادامه داده و نتایج نیکو از آن گرفته است .

طبق اساسنامه سازمان ، در مرکز شهرستانها ، شعبه ای از سازمان مرکب از اولیای امور کشوری و لشگری و امنای محلی تشکیل می یابد و در هر محلی که سازمان ، مؤسسه ای یا فعالیتی دارد ، یک حوزه محلی مرکب از بخشدار و پزشک درمانگاه و سه تن از معتمدین محلی بنا به پیشنهاد بخشدار و تصویب فرماندار یا استاندار انتخاب میشوند . آئین نامه تشکیل شعب و حوزه ها ، که بتصویب پیشگاه مبارک ملوکانه ریاست عالییه سازمان رسیده و بموقع اجرا گذاشته شده ، بشرح زیر است .

آئین نامه تشکیل شعب سازمان شاهنشاهی

خدمات اجتماعی در شهرستانها

(طبق ماده ۱ و ۱۵ اساسنامه)

۱ - برای تأمین هدف و اجرای مرام و مراقبت تام در حسن جریان مؤسسات سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی در نقاط مختلف کشور ، شعبه ای از سازمان در مرکز هر استان تشکیل میشود .

- ۲ - در هر محل که مؤسسه‌ای از سازمان وجود دارد و بمرکز استان دور است ، یک حوزه محلی تشکیل خواهد شد.
- ۳ - شعبه سازمان در هر استان مسئول کلیه امور مؤسسات آن منطقه در مقابل سازمان مرکزی خواهد بود.
- ۴ - حوزه محلی مسئول حسن جریان کار مؤسسه سازمان در آن محل ، در برابر شعبه سازمان استان است.
- ۵ - شعبه سازمان استان، گزارشهای خود را بسازمان مرکزی وانجمن محلی، گزارشهای خود را بشعبه سازمان استان خواهد فرستاد.
- ۶ - شعبه سازمان استان داری دوازده عضو خواهد بود که استاندار ، سمت ریاست خواهد داشت.
- ۷ - استانداران فهرست ۲۲ تن از اشخاص معروف و معتمد مرکز استان را بمرکز خواهند فرستاد و هیئت مدیره، دوازده تن از آنان را بعنوان کارمند شعبه سازمان انتخاب و بحضور نیابت ریاست عالییه پیشنهاد مینماید و پس از تصویب معظم لها، ابلاغ رسمی برای آنان صادر میشود.
- ۸ - مدت کارمندی یکسال خواهد بود و کارمندان ممکنست در سال بعد نیز انتخاب شوند.
- ۹ - هر شعبه پس از تشکیل ، از بین خود یک نایب رئیس و یک دبیر و یک خزانه دار انتخاب خواهد کرد و بهیئت مرکزی گزارش خواهد داد.
- ۱۰ - حوزه محلی سازمان در هر محل از قرار زیر تشکیل میشود :
 - الف - پزشک رسمی درمانگاه که سمت مدیر عامل را خواهد داشت.
 - ب - فرماندار و یا بخشدار.
 - ج - سه نفر از معتمدین محل بنا به پیشنهاد شعبه سازمان در استان و تصویب هیئت مرکزی .
- ۱۱ - وظائف شعبه سازمان استان بقرار زیر است :
 - الف - نظارت کامل در حسن جریان امور اداری و مالی و فنی مؤسسات سازمان در منطقه استان .
 - ب - پیشنهاد تهیه درآمدهای محلی برای سازمان.
 - ج - مراقبت کامل در اجرای تصمیمات سازمان مرکزی .
 - د - تهیه طرحهای مفید ، متناسب بامقتضیات زمان و مکان، بمنظور بهبود شئون اجتماعی و بخصوص بهداشتی و اخلاقی مردم و پیشنهاد آنها بسازمان مرکزی .
 - ه - ارسال و تهیه گزارش جریان ماهانه مؤسسه و یا مؤسسات سازمان در حوزه استان ، به مرکز .

- و - رسیدگی و مراقبت کامل بگزارشها و پیشنهادهای حوزه های محل تابع .
- ز - تقسیم بودجه و نظارت در هزینه و توزیع دارو و مواد ارسال شده از مرکز بین مؤسسات منطقه استان ، متناسب محل و جمعیت و مقتضیات .
- ۱۲ - وظائف حوزه های محلی بقرار زیر است :
- الف - مراقبت کامل در حسن جریان امور مؤسسه یا مؤسسات سازمان در محل .
- ب - تهیه گزارش ماهانه و ارسال آن بشعبه سازمان در استان و رونوشت بمرکز .
- ج - مراقبت تام در اجرای تصمیمات سازمان مرکزی و سازمان استان .
- د - پیشنهاد منابع درآمدهای محلی برای دائر نگاهداشتن مؤسسات و بسط و توسعه آنها در محل .
- ه - تهیه پیشنهادهای مفید برای بهبود اوضاع اخلاقی و اجتماعی مردم محل و ارسال آنها بسازمان استان .
- ۱۳ - این آئین نامه پس از تصویب اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ریاست عالی سازمان بموقع اجرا گذاشته میشود و شعب استان و حوزه های محلی سازمان در تمام کشور تشکیل میگردد .
- ۱۴ - هر گاه تغییراتی در این آئین نامه لازم باشد ، به پیشنهاد هیئت مدیره و تصویب اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بعمل خواهد آمد .

شعبه های سازمان شاهنشاهی در شهرستانها

وضع شعب سازمان در سال ۱۳۳۶

در سه استان کشور ، شعبه های سازمان شاهنشاهی دائر است و کارمندان آن نیز انتخاب شده و بکار مشغولند .

اسامی کارمندان مزبور بقرار زیر است :

- ۱ - استان پنجم - کرمانشاهان - آقایان استاندار - شهردار - رئیس فرهنگ - رئیس بانک ملی - رئیس بهداری - پیشکار دارائی - سید کجوری - حاجی عبدالحسین توکلی - حاجی مجتبی ابوالعالی - حشمت الله دولتشاهی - حاجی عباس حاج دائی .
- ۲ - استان ششم - خوزستان - آقایان استاندار - فرماندار اهواز - رئیس فرهنگ - رئیس بهداری - پیشکار دارائی - رئیس بانک ملی - روحانی معاون شهرداری - حاجی عبدالله مصباح فتحی - محمد تقی دهدشتی - سید عبدالمجید تقوی - حاج محمد حسن کمیلی .
- ۳ - استان نهم - خراسان - آقایان استاندار - نایب التولیه آستانقدس - رئیس فرهنگ - مدیر کل دارائی - رئیس بهداری - سرپرست شهرداری - رئیس بانک ملی - دکتر ابوالقاسم قوام - دکتر حسین غنی - مستشار قائم مقامی - علی قرشی - طاهری .

معمدین در مانگاهها

در بسیاری از نقاط که سازمان شاهنشاهی در مانگاه دارد ، طبق اساسنامه تشکیل شعب ، حوزه‌های محلی برای نظارت در حسن اداره در مانگاهها دائر و معمدين محل انتخاب شده‌اند و احکام آنان نیز صادر و ابلاغ گردیده است .

استان مرکزی - تهران

- ۱ - آسیابک زرند - آقایان حاجی حسین کشاورزی - یدالله سرمندی و سرکار سرهنگ میر گلو .
- ۲ - رودبار الموت - آقایان - سلیمان احمدی - زکریای کیانی - سید فخر الدین بزرگ زاده .
- ۳ - نوبران ساوه - آقایان شیخ محمد رضا رضوانی - سید ولی الله هاشمی - محمود معینی .

استان اول - گیلان

- ۱ - آشتیان - آقایان عباس صالحی - محمد سمعی - علی البرز .
- ۲ - رضوانده - آقایان امان الله ساسانی - توفیق چارانی - حسن صادقی .
- ۳ - سعیدآباد - آقایان بیوک سید حسین اردبیلی - عشقعلی پناهلو - حاجی رجبعلی محمدی .
- ۴ - شفت - آقایان غلامحسین سقراطی - احمد ذرعی - غلامعلی نانوا زاده .
- ۵ - طالقان - آقایان حاجی ابوالبشر صادقیان - محمد حقیقی - غلامحسن رنجبران .
- ۶ - ماسال - آقایان امامقلی ماسالی - اسمعیل ماسالی - سید بهاء الدین بهاء .

استان دوم - مازندران

- ۱ - چمستان نور - آقایان خان بابا سلطانی - محمد بهزادی - حبیب الله قادری .

استان سوم و چهارم - آذربایجان

- ۱ - اشنویه - آقایان مصطفی اشنوئی محمودزاده - محمد سلیم اشنودی - حاجی علی قره خالی .
- ۲ - پلدشت - آقایان عباس اصلانی - حسن علیزاده - عزت جبرائیلی .
- ۳ - سیه چشمه - آقایان حاجی نبی جلیل زاده - یدالله رضائزاد - حاجی محمدحسین جعفری .
- ۴ - شرفخانه - آقایان حاجی ستار جعفرلو - احمد رفیعی - حسن رفیعی .
- ۵ - دریان - آقایان حاجی میرزا حسن توفیقی - قلی دریانی - عباس عراقی .
- ۶ - گرمی - آقایان کریم سلطانی - ابراهیم قهرمانی - حاجی صمد قاسمیان .
- ۷ - مشگین شهر - آقایان ابوالفضل اسکندری - علیخان کیگلو - حقیقت محسنی .
- ۸ - نقده - آقایان تقی پورچلو - رشید آقاخانی - اسکندر انتظاری .
- ۹ - هشتروند - آقایان حمدالله دبردانی - جعفر رشیدی - جهانگیر صولتی .

استان پنجم - کردستان

- ۱ - اسد آباد - آقایان حاجی شیخ ابوالقاسم سعیدی - حاجی بکائی - سید رضا امامی .
- ۲ - بوکان - آقایان رحمانی ایلخانی زاده - سید صالح قریشی - عبدالله بهرامی .
- ۳ - بهار - آقایان سید جعفر اصغری - حاجی سیف الله بهمنی - سید ابوالقاسم سادات مصطفوی .
- ۴ - بیجار - آقایان خلیل ضیائی - حاجی قربانعلی رضائی - عبدالباقی رفیع .
- ۵ - روانسر - آقایان سلطانعلی اردلان - سید حبیب الله نعلینی - سید قادر نعلینی .
- ۶ - سنقر - آقایان ابراهیم صدیقی - سید حسن بنی هاشمی - هاشم برادران .
- ۷ - گیلانغرب - آقایان شیرزاد کیانی - قلی تیموری - حسین نوری .
- ۸ - مریوان - آقایان چاوشی نژاد - رحیم نیک جو - سعید رستمی .

استان ششم - خوزستان

- ۱ - سوسنگرد - آقایان حاجی محمد هدایتی - عبدالصاحب ارمند - ناصری .
- ۲ - شوش - آقایان موسی فخرائی - علی یزدانفر - علی اکبر حیدری .
- ۳ - شوشتر - آقایان شکر الله کلانتر - حاجی محمد حسن امین زاده - حاجی آقامر تضیی هاشمی .

استان هفتم - فارس

- ۱ - آباد شاهپور - آقایان ماشاء الله حسینی - علی اکبر درخشان - خیر الله سمیعی .
- ۲ - ارسنجان - آقایان محمد کریم حسن شاهی - حسین ابراهیمی - محمد حسین دهقان .
- ۳ - اوز - آقایان محمد یزدانی - عبدالله شافعی - یوسف فرزین .
- ۴ - داراب - آقایان علیقلی بهارلو - محمد جعفر اشرف - اسمعیل سرفراز .
- ۵ - لارستان - آقایان سید مصطفی مرتضوی - محمد کاظم معتمد - محمد کاظم دانش .
- ۶ - نورآباد ممسنی - آقایان علی اصغر کامیاب - محمد کسائی - محمد علی مقدسی .

استان هشتم - کرمان

- ۱ - ایرانشهر - آقایان سردارعلی ملکی - غلامرضا ایزد پناه - علی اکبر یزدان شناس .
- ۲ - زابل - آقایان سید مرتضی علوی - علی اکبر شیخ زاده - شاهقلی سرابندی .
- ۳ - سروان - آقایان ملا شیر محمد رحمانی - میر مراد میر مراد زهی - دوست محمد سید زاده .
- ۴ - جزیره قشم - آقایان محمد صالح مدنی - حاجی احمد ایمانی - حاجی عبدالله یاسائی .

استان نهم - خراسان

- ۱ - بیرجند - آقایان علی محمد راغبی - امیر معصوم شیبانی - محمد مهدی هادوی .

- ۲ - رشتخوار - آقایان کاظم کاظمی قرائی - ناصر قرائی - سید محمد حسین زاده .
- ۳ - زوزن خواف - آقایان حسن حقیر - حاجی نوربیک زنگه - حسینعلی زنگه .
- ۴ - قائن - آقایان رضا قارنی - محمد ابراهیم آزرسی - سید محمد ولی موسوی .
- ۵ - کاخک - آقایان حسن مستشاری - محمد ابراهیم توکلی - حاجی اسدالله رحیمی .

استان دهم - اصفهان

- ۱ - اردستان - آقایان اسمعیل عامری - سید محمد نیری - عزیزالله یزدانیان .
- ۲ - اردکان - آقایان حسن ضیائی - حاجی محمد جواد جعفرزاده - علی امامی .
- ۳ - انارک - آقایان میرسیدعلی فاطمی - محمد رضا بقائی - سید محمد طباطبائی .
- ۴ - شهر بابک - آقایان حسینعلی مهدوی شهر بابکی - علی اکبر تقیب زاده - حاجی خلیل سالاری .
- ۵ - گلپایگان - آقایان علی جهانگیری - حاجی حسین آقا احمدی - حاجی محمد رضا معتمدی .
- ۶ - لنجان - آقایان ارباب نصرالله کلاشادی - حاجی اسدالله وزیری - حاجی محمود و کیلی .
- ۷ - نائین - آقایان اسمعیل معصومی - حاجی حسین فاطمی - رحیم فاطمی .
- ۸ - هرنند - آقایان حاجی فتح الله صنباغی - سید محسن حسینی - سید هاشم حسینی .

شعبه های سازمان در خراسان

ازچندی پیش، برای اینکه بتوان در استان نهم (خراسان) نیز مانند تهران، آموزشگاهی حرفه ای برای نگهداری و تربیت دانش آموزان دائر ساخت ، با مساعدت استاندار خراسان، مقرر گردید عاملین فروش قندوشکر از هر کیلو، پنجاه دینار برای ایجاد آموزشگاه مزبور برداشت نمایند و بحساب مخصوصی منتقل سازند. برای اینکه در هر یک از شهرهای خراسان ، برای جمع آوری وجوه مزبور کمیسیونی نظارت و حسن جریان کار را مراقبت نماید ، در هر یک از شهرهای خراسان، شعبه هائی مرکب از چندتن از رؤسای ادارات و معتمدین محل تشکیل گردید و وظیفه مزبور بعهد آنان گذاشته شد. اینک اسامی شهرهای مزبور و کارمندان شعبه های سازمان در هر یک از آنها نگاشته میشود:

- ۱ - طبقه : آقایان دکتر محمدعلی معاون شهیدی (مدیرعامل) - نوید پوربخشدار - حاجی محمد ابراهیم افشار زاده - عباس باقرپور - حاجی کاظم باقرزاده .
- ۲ - گناباد : آقایان محمدعلی امین زاده - حسن قهرمانی - سید محمد حسین شریعتزاده - شرف الدین فرماندار .
- ۳ - تربت حیدریه : آقایان حاج محمد شریعت - جلیل تدین رئیس بانک (مدیرعامل) محمد رضا سهیلی - سید محمد بهشتی - حبیب الله زارع فرماندار .

- ۴ - سرخس : آقایان حبیب‌الله کشاورز مالکی بخشدار - سید بهاء الدین علوی معتمد محل - حیدر هروی - حاجی علی کفاش .
- ۵ - بیرجند : آقایان مهندس ناصح فرماندار - حاج امیر معصوم شیبانی - محمد مهدی هادوی - غلامحسین قنادان .
- ۶ - طبس : آقایان تجلی بخشدار - سجادی رئیس بانک ملی - حاج اعتماد سجادی - احمد روجی - غلامرضا شیبانی .
- ۷ - سبزوار : آقایان روحانی فرماندار - دکتر احمدی - محمد ابراهیم شریعتمداری - کاظم اسکوئی - محمد عارفی .
- ۸ - قوچان : آقایان رحیم رستگار (مدیر عامل) - سعید قرشی - غلامرضا بهادری - حسن حیدریان - شاکری فرماندار .
- ۹ - بجنورد : آقایان دکتر عرب شیبانی پزشک درمانگاه سازمان (مدیر عامل) - علی اصغر تفضلی فرماندار - حاجی حسن پهلوان‌لو - فریبرز شادلو - خانلر قره چرلو .
- ۱۰ - فردوس : آقایان فتح‌الله سعادت قدسی نیا فرماندار - حسن طالبی رئیس شعبه بانک ملی - محمد علی ادبی - محمد باقر حریری - ذبیح‌الله مستوفی زاده .
- ۱۱ - نیشابور - آقایان علی اصغر محمدی فرماندار - حاجی کاظم شریفیان - سعیدی - کیمیای رئیس بانک ملی - حاجی صادقی .
- ۱۲ - درگز : آقایان مرزجی رئیس بانک - علی محمد خلخالی - جوانشیر لطفی - محمد جواد مهاجری .
- ۱۳ - جام : آقایان مکرمی بخشدار - قاضی زاده - ابوالقاسم شاه رخ - حاجی نظر بنکدار .
- ۱۴ - تایباد : آقایان بخشدار تایباد - دکتر نیک بین رئیس بهداری (مدیر عامل) - احمد نقشبندی - غلام احمد نعیمی - حاجی صاحب‌داد توکلیان .

* توضیح *

هنگامیکه اعلیحضرت همایون شاهنشاه و علیاحضرت ملکه ثریا پهلوی بدعوت رئیس جمهور آلمان غربی ، بآن کشور مسافرت فرمودند ، اتحادیه درودگران آلمان ، هدیه‌ای بحضور علیاحضرت ملکه ثریا پهلوی تقدیم داشتند که علیاحضرت نیز آنرا عیناً بکانون کار و آموزش اعطاء فرمودند . این مطلب در صفحه ۲۲۲ این کتاب ، تحت عنوان « عطیه ملوکانه » مرقوم گردید است .



سازمان مرکزی

بسال ۱۳۲۶ که سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی تأسیس یافت و اساسنامه آن تنظیم شد و بتوشیح مبارک ملوکانه رسید ، بیدرنگ شالوده تشکیلات و اساس سازمان اداری این مؤسسه خیریه بنیان گذاشته شد. بموجب اساسنامه ، سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی دارای پنج رکن اساسی اداری است که از اینقرار است:

- ۱ - ریاست عالی که شخص شخیص اعلیحضرت همایون شاهنشاه تقبل فرموده اند.
- ۲ - نیابت ریاست عالی که ازیدو ایجاد سازمان، برحسب امر مبارک ملوکانه ، بعهده والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی گذاشته شده است.
- ۳ - هیئت مرکزی که دارای چهل تن عضو است. نه تن بمناسبت مشاغل خود و بقیه ازمیان رجال و معاریف کشور بفرمان همایونی منصوب میشوند.
- ۴ - هیئت مدیره که دارای یازده تن عضو است و ازمیان اعضاء هیئت مرکزی انتخاب و بفرمان همایونی منصوب میشوند. وزرای دارائی و بهداری وقت بمناسبت مشاغل خود همیشه جزء هیئت مدیره خواهند بود.
- هیئت مدیره سازمان ، یگانه مرجع صلاحیت دار برای تعیین برنامه و طرز کار و خط مشی و تصویب بودجه سازمان است و بطور کلی تمام امور سازمان شاهنشاهی، پس از تصویب این هیئت ، بمرحله اجرا گذاشته میشود.
- نایب رئیس دوم و دبیر کل و خزانه دار سازمان ، ازمیان اعضاء هیئت مدیره برگزیده و بموجب فرمان همایونی منصوب میشوند.
- خزانه دار سازمان از آغاز تأسیس تا کنون ، همیشه مدیر کل بانک ملی ایران بوده است.
- ۵ - هیئت بازرسی که مرکب است از پنج عضو و از میان مستشاران عالیمقام دیوان

محاسبات، بفرمان همایونی منصوب میشوند و بامور مالی و ترازنامه سازمان رسیدگی میکنند و در پایان هر سال، صحت آنرا تصدیق و امضاء میکنند.

برای اجرای دستور ها و مصوبات ارکان اداری، تشکیلات «سازمان مرکزی» بوجود آمد.

در سال ۱۳۲۶، نخست در یکی از اطافهای بانک ملی ایران، اداره اصلی سازمان شاهنشاهی آغاز بکار کرد، ولی پس از اندک زمانی، محل فعلی سازمان، واقع در خیابان قوام السلطنه و بروی موزه ایران باستان، از طرف وزارت دارائی در اختیار سازمان گذاشته شد و سازمان مرکزی باین مکان انتقال یافت و تا با بروز نیز در همین محل باقی و برقرار است.

این محل در سال ۱۳۳۵، بموجب تبصره ۴ از ماده واحده بودجه سال ۱۳۳۶، منصوب جلسه مورخ سه شنبه ۲۸ اسفند ماه ۱۳۳۵ مجلس شورای ملی و تأیید مجلس سنا، بلا عوض بسازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی واگذار شد.

در خلال سالهای گذشته، چون با توسعه روز افزون فعالیتهای سازمان، بنای سابق گنجایش تمرکز دادن تمام تشکیلات «سازمان مرکزی» را نداشت، ناگزیر بناهای تازه ای برای قسمتهای بخشهای داروئی و مهندسی ساخته شد و نیز برای «سازمان مرکزی»، ساختمان عمارتی شایسته، که با حیثیت و شئون سازمان مناسب و وسعت کافی برای استقرار دوائر مختلف سازمان داشته باشد، آغاز شد که تا اواسط سال ۱۳۳۷ پیاپی خواهد رسید.

«سازمان مرکزی» مرکب است از کارمندان اداری و فنی و مالی، که تشکیلات عمومی سازمان را اداره میکنند و هسته اصلی نیروی فعاله سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی را تشکیل میدهند.

مدیر عامل و معاونین مدیر عامل و بخشهای داروئی و مهندسی و ساختمانی و دبیرخانه و حسابداری و کارگزینی و کارپردازی و تبلیغات سازمان شاهنشاهی، در «سازمان مرکزی» استقرار یافته و بکار اشتغال دارند.

والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی نیابت ریاست عالی که امور سازمان را مستمراً تحت نظر دارند، و جلسات هیئت مدیره در حضور مبارکشان تشکیل میشود، هر چند یکبار، از «سازمان مرکزی» نیز مانند سایر مؤسسات سازمان، بازدید و برای رفع مشکلات و پیشرفت امور اداری، اوامری صادر میفرمایند.

اعلیحضرت همایون شاهنشاه که این مؤسسه تحت نظر مستقیمشان اداره میشود، همواره نسبت به تعیین مشی عمومی و کلی و برنامه اقدامات بهداشتی و فرهنگی و اجتماعی و تأمین بودجه سازمان، عنایتی خاص مبذول میفرمایند.

شاهنشاه درموردی که اعضاء هیئت مرکزی سازمان افتخار شرفیابی حاصل کرده‌اند، راجع بامور مختلف سازمان، بیاناتی فرموده‌اند که در صورت جلسه شرفیابیها بطور مشروح مضبوط است. اینک برای آنکه کارنامه دهساله سازمان، بحسن ختام پایان یابد، در اینجا قسمتی از سخنان شاهنشاه که در جریان شرفیابیهای مزبور بیان فرموده‌اند، یاد میشود:

در شرفیابی روز شنبه ۱۳۲۶/۲/۳۰

« آنچه در نظر است انجام شود، کارهای مفیدی است و امیدوارم بزودی انجام پذیرد. »
« حس میکنم اشخاصی که در این سازمان عضویت دارند، همه صاحب ایمان و عقیده هستند. »
« از اینرو یقین دارم که اساس این سازمان که امروز پی‌ریزی شده است، دوام پیدا خواهد کرد. »
« همه میدانید که کشور ما، تاجه اندازه باین قبیل امور خیریه احتیاج دارد. متأسفانه هر چه »
« در زندگانی مردم بیشتر وارد میشویم، می‌بینیم بدبختی آنان بیش از آنست که فکر میکردیم. »
« هرچه بتوانیم بکارهای سازمان بیشتر توسعه دهیم و توجه عموم و مخصوصاً مردمان خیر را »
« بیشتر جلب کنیم، امید موفقیت بیشتر خواهد شد. از دنبال کردن هدف نباید آنی غافل باشیم... »
« حس میکنم این سازمان در مدت کوتاه عمر خود، همه جا اثری از خود بوجود آورده است. »
« اگر سازمان بتواند توجه و اعتماد مردم و مخصوصاً نیکوکاران را جلب کند، همه باطیب خاطر »
« کمک خواهند کرد... حسنی که این سازمان دارد، آنست که دچار قرطاس بازی نیست »
« و از اشکالات گوناگون اداری و مالی مصون است و این دو امر، باعث سرعت در کار »
« خواهد شد... »

« باید سازمان توسعه یابد و شعبات آن، در ولایات هم تأسیس شود... الان مردم »
« از بی‌پریشی و بی‌داروئی می‌میرند و بعلت همین عقب ماندن از بهداشت است که باید امور »
« بهداری را بر هر کاری مقدم داشت... »

در شرفیابی روز سه شنبه ۱۳۲۹/۵/۳۱

« معلوم است که سازمان کار کرده و امورش پیشرفت نموده است. همانطور که تابحال »
« بکرات از کار سازمان اظهار رضایت شده، اکنون نیز مراتب رضایت خود را ابراز میدارم. »
« گویانکه هنوز سازمان، بعضی کارهایی که انجام میدهد در حقیقت جزء وظائفش نیست و باید »
« دولت عهده دار آن باشد. امیدوارم این کارها بزودی بقسمتهای مربوط واگذار شود تا سازمان »
« بتواند بودجه و فعالیت خود را، صرفاً و مطلقاً بکار هائیکه در رشته خدمات اجتماعی است »
« بمصرف برساند. همین تأسیس بیمارستانها که سازمان بر عهده گرفته است، بمردم مستمند و فقیر »
« و بی‌وسيله کشور، کمک بسیار گرانبها و مؤثری است، ولی وظیفه وزارت بهداری یا شهرداری »
« است نه سازمان. اما درمانگاه‌هائیکه در نقاط مختلف کشور ساخته شده و تعداد مراجعه کنندگان »



والاحضرت ، در « سازمان مرکزی » ماکت‌های ساختمانی را ملاحظه میفرمایند . . .



. . . و نیز در مورد کارهای دبیرخانه سازمان ، توضیحات کافی به‌عرضشان میرسد .

« آن خیلی زیاد است ، درحقیقت خدمتی اجتماعی محسوب میشود و میتوان آنرا جزء وظائف « سازمان محسوب داشت. در همین سفر اخیر که بغرب کردم ، هر کجا درمانگاهی از طرف « سازمان دائر بود ، بازدید نمودم. مردم بی اندازه راضی بودند. بنا براین سازمان باید برنامه « ایجاد درمانگاهها را دنبال کند... باز هم تکرار میکنم که تمام توجه سازمان باید بشهرستانها « ونقاط دورافتاده کشور باشد و برای رفاه حال مردم این نقاط ، پیش از پیش کار کند. تهران « زیر نظر است ومؤسسات خیریه مختلف وجود دارد که بمردم مستمند پایتخت کمک میکند. « اما بسیاری از نقاط دورافتاده کشور فاقد همه چیز است ومن درمسافرتهاى خود ، اینگونه نقاط « فاقد وسیله را از نزدیک دیده ام...»

« راجع بمبارزه با تراخم دردزفول، که سازمان برعهده گرفته وتاکنون نیز پیشرفت « کرده است ، من علاقه داشتم که دراین زمینه نمونه ای ایجاد شده باشد ووزارت بهداشتی وسیله « وپول نداشت وسازمان از لحاظ مقررات مالی ، دارای قیود وشروط آسانتری بود ، بدینجهت « دستور دادم سازمان این کار را انجام دهد...»

« کانون کار و آموزش سازمان هم ترقی کرده است ومحیط بسیار مساعدی است . « بعضی ازمتمخصمین معروف خارجی ومخصوصاً دکترهای عالیمقام ماوراء بحار، میگفتند شاید « در امریکا نیز نظیر این مؤسسه نباشد...»

« کمک بدانشجویان بی بضاعت ازدراآمد روز سازمان، باید ادامه داده شود. سال « گذشته نیز دریک روز ، دراآمد سازمان خیلی خوب بوده است وهمانطور که گفته شد ، این « بهترین نمونه حسن اعتماد واعتقاد مردم بمبانی واساس سازمان شاهنشاهی است...»

« کارهائیکه میشود باید بمردم گفت ونشان داد ، حقیقتاً درایران میتوانیم بوجداین « مؤسسات خیریه خود افتخار کنیم ...»

درشرفیابی روز دوشنبه ۱۳۳۰/۵/۲۸

« از زحماتی که درسازمان برای اداره امور وپیشرفت کارها کشیده میشود، خوشوقتم « واز نتایج حاصل شده، که موجب رفاه حال عموم مردم کشور است، قدردانی میکنم. گزارش « مدیرعامل سازمان ثابت میکند که این سازمان در مدت چهار سال ، چقدر کار کرده است وامروز « میتوان آنرا یکی از بزرگترین سازمانهای خدمات اجتماعی دانست که در دنیای کنونی « وجود دارد.»

« ارقام و اعدادی که ذکر شد ، روشن میکند که در این مدت ، سازمان پیشرفتی « قابل توجه کرده و درجه فعالیت آن ، بهتر ومهمتر شده است . جای شک نیست که این « پیشرفتها ، قسمت عمده اش مرهون توجهی است که مردم کشور بااساس این دستگاه خیریه «

« دارند و از کارهای خوب و مفید آن استقبال شایان میکنند. اقداماتی که در زمینه بهداشت مردم « بعمل آمده، بسیار قابل توجه است. رقم یک میلیون بار مراجعه بیماران ب درمانگاههای سازمان « در سال گذشته، که برایگان معاینه شده و دارو دریافت داشته اند، کوچک نیست، رقمی بسیار « بزرگ و فوق العاده رضایت بخشی است و نشان میدهد که مردم در نقاط مختلف کشور، ناچده « محتاج ب کمکهای بهداشتی و پزشکی و دارو هستند... »

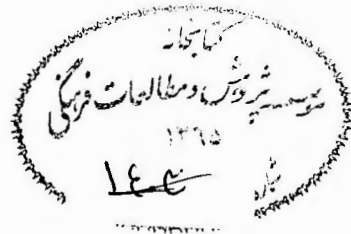
« باز هم تکرار میکنم که درمانگاههای سازمان که در نقاط دور افتاده و دهات و قصبات « بدرد بیماران مستمند و بی وسیله میخورد، بهترین اقدام و عملی است که سازمان انجام داده است « و نتایج آن موجب قدردانی است... »

« کمک ب مادران و کودکان و دادن شیر خشک و شکر و مواد غذائی هم، یکی از کارهای « خوب است. »

« در استخدام پزشک از خارج مضایقه نکنید. سازمان در این کار پیشقدم شد و نتیجه « خوب هم گرفت. حالا سایر دستگاهها و مؤسسات هم مثل سازمان اقدام میکنند. چه باید کرد؟ « پزشک در کشور ما کم است. دانشکده پزشکی هم باین زودی نمیتواند کمبود پزشک را « جبران کند. بنابراین ناگزیر باید همان فکری را که سازمان کرد و دیگران هم دنبال کردند، « ادامه داد، تا روزی که خود کشور باندازه کافی پزشک داشته باشد... »

« کارهای خیری که در کشور در این چند سال اخیر شده است و میشود، موجب « کمال افتخار و مباهات است. اگر ایران را از این حیث باممالک دیگر، که از حیث جمعیت « و بنیه مالی با آن مشابه است مقایسه کنیم، نه تنها عقب نیستیم، بلکه از خیلی جنبه ها جلوهستیم. « تصور نمیکنم نظیر بعضی از مؤسسات خیریه ما، در آنجا ها باشد... »

« بار دیگر از اقدامات سازمان اظهار رضایت و قدردانی میکنم. کارها خوب پیش « رفته است و باید دنباله آنها گرفته شود. انشاء الله در آینده، پیشرفت در کارها بیشتر خواهد « بود و اشکالات هم روز بروز کمتر خواهد شد... »



فهرست مندرجات

از (الف) تا (هـ)	دیبچه
از (و) تا (ط)	سخنرانی والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی از رادیو تهران
از (ی) تا (ع)	» والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی در تالار فرهنگ
۱ صفحه	فرمان ملوکانه
۲ »	اساسنامه

درمانگاهها و بیمارستانها

۸ صفحه	درمانگاهها و بیمارستانها
۱۳ »	نمودار فعالیت دهساله
۱۴ »	جریان زدن نخستین کلنگ ساختمان درمانگاهها (نویران ساوه)
۲۱ »	استان تهران
۲۲ »	درمانگاه آسیابک
۲۳ »	» رود بار الموت
۲۴ »	» و بیمارستان نکویی
۳۲ »	» نویران
۳۳ »	استان گیلان
۳۴ »	درمانگاه آشتیان
۳۵ »	» بازکیا گوراب
۳۷ »	» رضوانده
۳۹ »	» سعید آباد
۴۱ »	» شفت
۴۴ »	» و بیمارستان شهناز زنجان
۴۶ »	» طالقان
۴۷ »	» طاهر گوراب
۴۹ »	استان مازندران
۵۰ »	درمانگاه بندپی

۵۱	صفحه	درمانگاه چمستان نور
۵۲	»	» و بیمارستان رامسر
۵۴	»	» زید
۵۵	»	استان آذربایجان
۵۶	»	درمانگاه اشنویه
۵۷	»	» پلدشت
۵۸	»	» پیله سوار
۵۹	»	» سیه چشمه
۶۰	»	» شرفخانه
۶۲	»	» گرمی
۶۳	»	» مشکین شهر
۶۵	»	» نقده
۶۶	»	» هشتروند
۶۷	»	استان کردستان
۶۸	»	درمانگاه و بیمارستان اسد آباد
۶۹	»	» بانه
۷۰	»	» بوکان
۷۱	»	» بیجار
۷۲	»	» روانسر
۷۴	»	» سقز
۷۵	»	» گیلانغرب
۷۶	»	» مریوان
۷۷	»	استان خوزستان
۷۸	»	درمانگاه سوسنگرد
۷۹	»	» شادکان
۸۰	»	» شوش
۸۱	»	» و بیمارستان شوشتر
۸۲	»	» هندیجان
۸۳	»	» هویزه
۸۵	»	استان فارس
۸۶	»	درمانگاه آباد شاهپور
۸۷	»	» ارسنجان
۸۸	»	» اوز
۸۹	»	» داراب
۹۰	»	» لار
۹۱	»	» نورآباد ممسنی

۹۳	صفحه	استان کرمان
۹۴	»	درمانگاه ایرانشهر
۹۶	»	» و بیمارستان زابل
۹۸	»	» سراوان
۹۹	»	» عنبرآباد
۱۰۰	»	» قشم
۱۰۱	»	استان خراسان
۱۰۲	»	درمانگاه بجنورد
۱۰۳	»	» و بیمارستان بیرجند
۱۰۴	»	» رشتخوار
۱۰۵	»	» زوزن خواف
۱۰۶	»	» شهرنو باخرز
۱۰۷	»	» قائن
۱۰۸	»	» کاخک
۱۰۹	»	استان اصفهان
۱۱۰	»	درمانگاه اردستان
۱۱۱	»	» اردکان
۱۱۲	»	» انارک
۱۱۳	»	» شهر بابک
۱۱۴	»	» و بیمارستان گلپایگان
۱۱۶	»	» لنجان
۱۱۷	»	» نائین
۱۱۸	»	» هرند
۱۱۹	»	نیکوکاران را بشناسید
۱۲۰	»	آقای حاجی حسین کشاورزی
۱۲۱	»	» عبدالله یزدانی
۱۲۲	»	مرحوم علی اکبر نکوئی
۱۲۴	»	آقای حاجی محمد فیروزی
۱۲۷	»	مرحوم عبدالحسین عاملی
۱۲۸	»	آقای حاجی اسدالله وزیری
۱۳۰	»	» حسن ضیائی اردکانی
۱۳۲	»	درمانگاه ماسال
۱۳۴	»	» بهار
۱۳۵	»	» راضیه
۱۳۶	»	سازمان اداری و وضع استخدامی کارمندان و کارکنان درمانگاهها
۱۳۸	»	آئین نامه درمانگاهها

۱۴۹	صفحه	مبارزه با تراخم در دزفول
۱۵۰	»	مبارزه با تراخم
۱۷۳	»	آمار

کانون کار و آموزش

بخش اول

۱۷۶	صفحه	چگونگی ایجاد کانون کار و آموزش
۱۸۵	»	شعبه بازرسی و آمار
۱۸۶	»	بهداری و بیمارستان
۱۸۷	»	کار و آموزش
۱۸۸	»	کارگاهها
۱۹۲	»	آموزشگاه
۱۹۵	»	آمار دانش آموزان
۱۹۸	»	آمار هنرجویان - کلیات

بخش دوم

۲۰۳	»	مقدمه
۲۰۵	»	آموزشگاه شبانه روزی فنی و حرفه‌ای - زندگی هنرجویان در آموزشگاه
		جلب توجه هنرجویان بواقعیات زندگی - برنامه تعلیماتی آموزشگاه -
۲۰۶	»	حرفه ای و فنی
۲۰۸	»	بهداشت هنرجویان
۲۱۰	»	برنامه دروس نظری و عملی - آهنگری
۲۱۶	»	دروودگری
۲۱۷	»	کارهای فوق برنامه
۲۱۸	»	کتابخانه - بناهای نوین
۲۲۲	»	بودجه - عطیه ملوکانه

بخش سوم

۲۲۵	»	نابینایان
۲۲۶	»	مقدمات ایجاد آموزشگاه
۲۲۷	»	نخستین درس
۲۲۸	»	روزنه امید
۲۳۰	»	یک آموزشگاه حرفه‌ای - کارخانه آدم سازی

کانون آسایش

۲۳۶	صفحه	نوانخانه سابق
۲۳۸	»	آغاز اصلاحات - نمودار بیماران بستری
۲۴۱	»	نمودار بیماران از لحاظ سن
۲۴۲	»	کانون آسایش - کلاس نابینایان

(چهار)

۲۴۳	صفحه	نمودار بیماران از لحاظ شغل
۲۴۴	»	درمان معتادین
۲۴۵	»	نمودار اتباع خارجه بستری
۲۴۶	»	کلاس روستا زادگان - زندانیان معتاد - کلاس پزشکیاری
۲۴۷	»	نمودار بیماران از لحاظ نوع اعتیاد
۲۴۹	»	نمودار بیماران از لحاظ علت اعتیاد
۲۵۰	»	گزارش مصور از درمان معتادین

بخش کمک بهادران و کودکان

۲۵۴	صفحه	بخش کمک بهادران و کودکان - هدف و برنامه کار
۲۵۷	»	اطلاعات کلی
۲۶۲	»	شعبه ها - آمار

بنگاه اشرف

۲۶۴	صفحه	بنگاه اشرف
۲۶۶	»	شیرخوارگاه - کودکان - دبستان - دبیرستان و هنرستان
۲۶۸	»	درمانگاه - بخش کمک

ناهارخوری

۲۷۲	صفحه	ناهارخوری باغ فردوس
۲۷۸	»	آمار
۲۸۰	»	ناهارخوری و درمانگاه سرآسیاب دولاب

بخش جراحی بیمارستان سینا

۲۸۸	صفحه	تاریخچه تأسیس
۲۹۲	»	بازدید شاهنشاه
۲۹۴	»	مشخصات ساختمان
۲۹۶	»	اداره - تشکیلات - فعالیت

آموزشگاه پرستاری اشرف پهلوی

۳۰۰	صفحه	مقدمه
۳۰۳	»	افتتاح
۳۰۶	»	ساختمان آموزشگاه
۳۰۸	»	اداره آموزشگاه
۳۱۰	»	مقررات ثبت نام
۳۱۴	»	وسائل مورد نیاز دانشجویان
۳۱۶	»	تجهیزات آموزشگاه
۳۱۷	»	روش آموزش
۳۱۹	»	شرائط خدمت

۳۲۱	صفحه	ضمانت اجرا
۳۲۲	»	شورای بین المللی پرستاری - دانشجویان و فارغ التحصیلان - آمار
۳۲۳	»	اسامی فارغ التحصیلان آموزشگاه
۳۲۶	»	بخشهای پرستاری بیمارستان پهلوی
۳۲۸	»	آمار فعالیت بخشهای پرستاری
۳۳۰	»	مؤسسات محل خدمت فارغ التحصیلان
۳۳۱	»	برنامه دوره مقدماتی
۳۳۲	»	» دوره قبل از امتحان رسمی مقدماتی
۳۳۳	»	» سال دوم - بلاک طبّی
۳۳۴	»	» سال سوم - بلاک جراحی

بخش داروئی

۳۳۶	صفحه	بخش داروئی
-----	------	------------

بخش رادیولوژی

۳۵۰	صفحه	پرتوشناسی
۳۵۱	»	افتتاح
۳۵۴	»	بیماری کچلی
۳۵۶	»	روش درمان
۳۵۸	»	وسائل کار
۳۵۹	»	آمار مراجعین
۳۶۰	»	بخش پرتو بینی و پرتو نگاری
۳۶۴	»	آمار - کارمندان

اقدامات فرهنگی

۳۶۶	صفحه	پیام شاهنشاه
۳۶۷	»	روز سازمان
۳۶۹	»	مراسم و درآمد روزهای سازمان
۳۷۳	»	ساختمان خوابگاه در کوی دانشگاه
۳۷۶	»	خوابگاه جدید
۳۷۷	»	پرداخت کمک هزینه تحصیلی
۳۷۸	»	توزیع لباس
۳۸۰	»	تهیه کتاب
۳۸۳	»	توزیع شیر گرم - اقدامات فرهنگی دیگر

همکاری با یونیسیف

۳۸۶	صفحه	همکاری با یونیسیف
۳۸۸	»	برنامه غذائی
۳۹۰	»	اندرزگاهها یا مراکز حمایت اطفال
۳۹۳	»	بیماران

کارهای دیگر

۳۹۶	صفحه	جمعیت شیروخورشید سرخ ایران
۳۹۷	»	جمعیت خیریه ثریا پهلوی بنگاه حمایت مادران بنگاه نیکوکاری
۳۹۸	»	انجمن ملی ایرانی حمایت کودکان انجمن مبارزه با بیماریهای آمیزشی جمعیت مبارزه با سل و حمایت مسلولین انجمن حمایت حیوانات انجمن حمایت دیوانگان انجمن خیریه مرکزی شهر تهران انجمن پارك شهر
۳۹۹	»	جمعیت حمایت کودکان کر و لال انجمن محلی چاله میدان پرورشگاه جمفری پرورشگاه تقوی کمک بآسیب دیدگان سوانح و حوادث داروی جذامیان
۴۰۰	»	دارو برای سرپندان جاپان دارو برای قریه سیلاخور دارو برای حجاج تهیه پوشاك
۴۰۱	»	کمک به بنگاه اشرف » » شعبه سازمان در فارس » » » در آذربایجان » » » در اصفهان » » » در بلوچستان
۴۰۲	»	تهیه پای مصنوعی کمک های متفرقه
۴۰۳	»	شعبه ها و حوزه های سازمان
۴۰۴	»	آئین نامه تشکیل شعب
۴۰۶	»	شعبه های سازمان در شهرستانها
۴۰۷	»	معتمدین درمانگاهها
۴۰۹	»	شعبه های سازمان در خراسان

سازمان مرکزی

۴۱۲	صفحه	سازمان مرکزی
۴۱۷	»	پایان کتب

